

پارخ

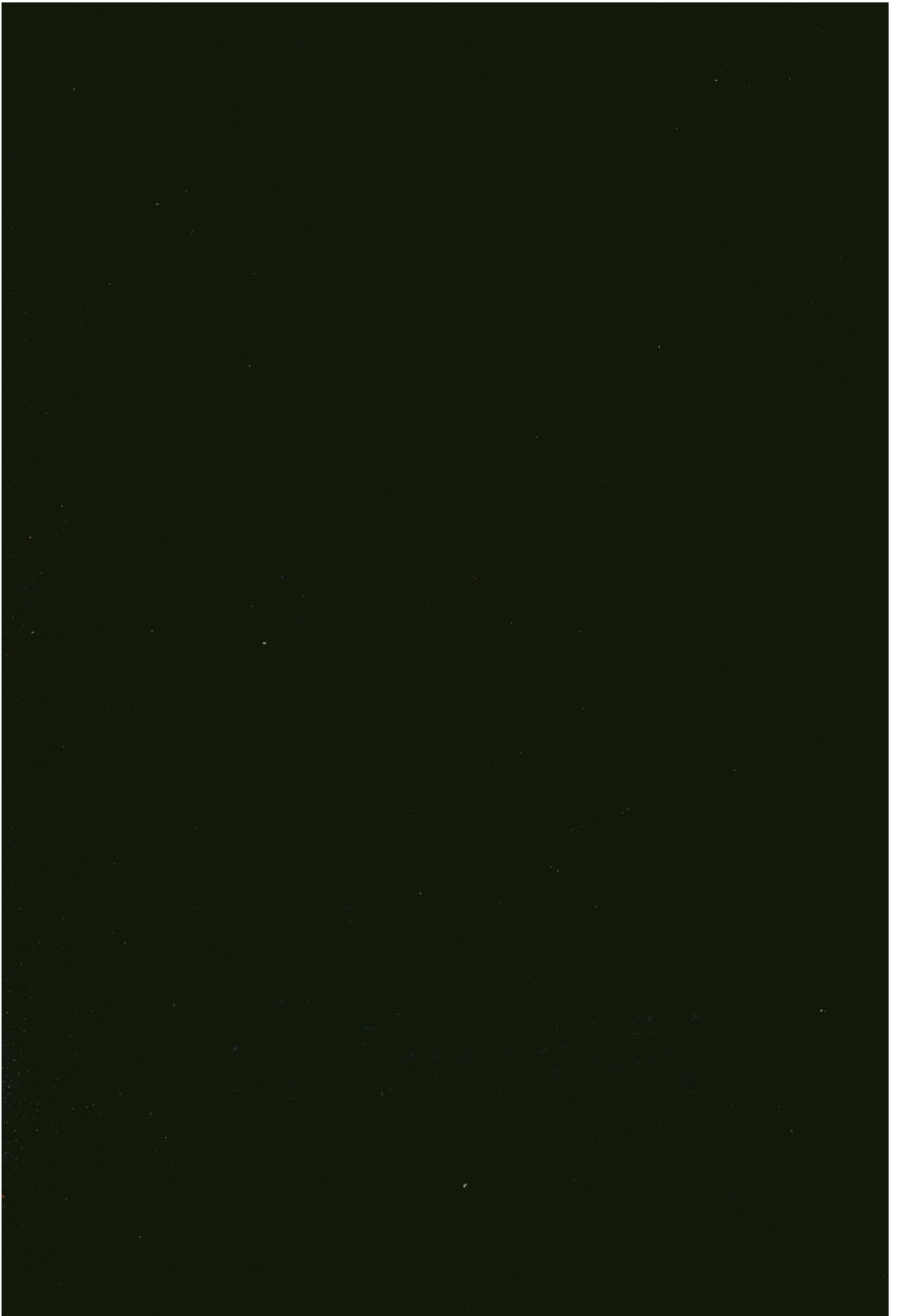
علمی اجتماعى اصفهان

درودشنان خیر

جلد اول

تألیف:

سید مُصلِح الدین مهملوی



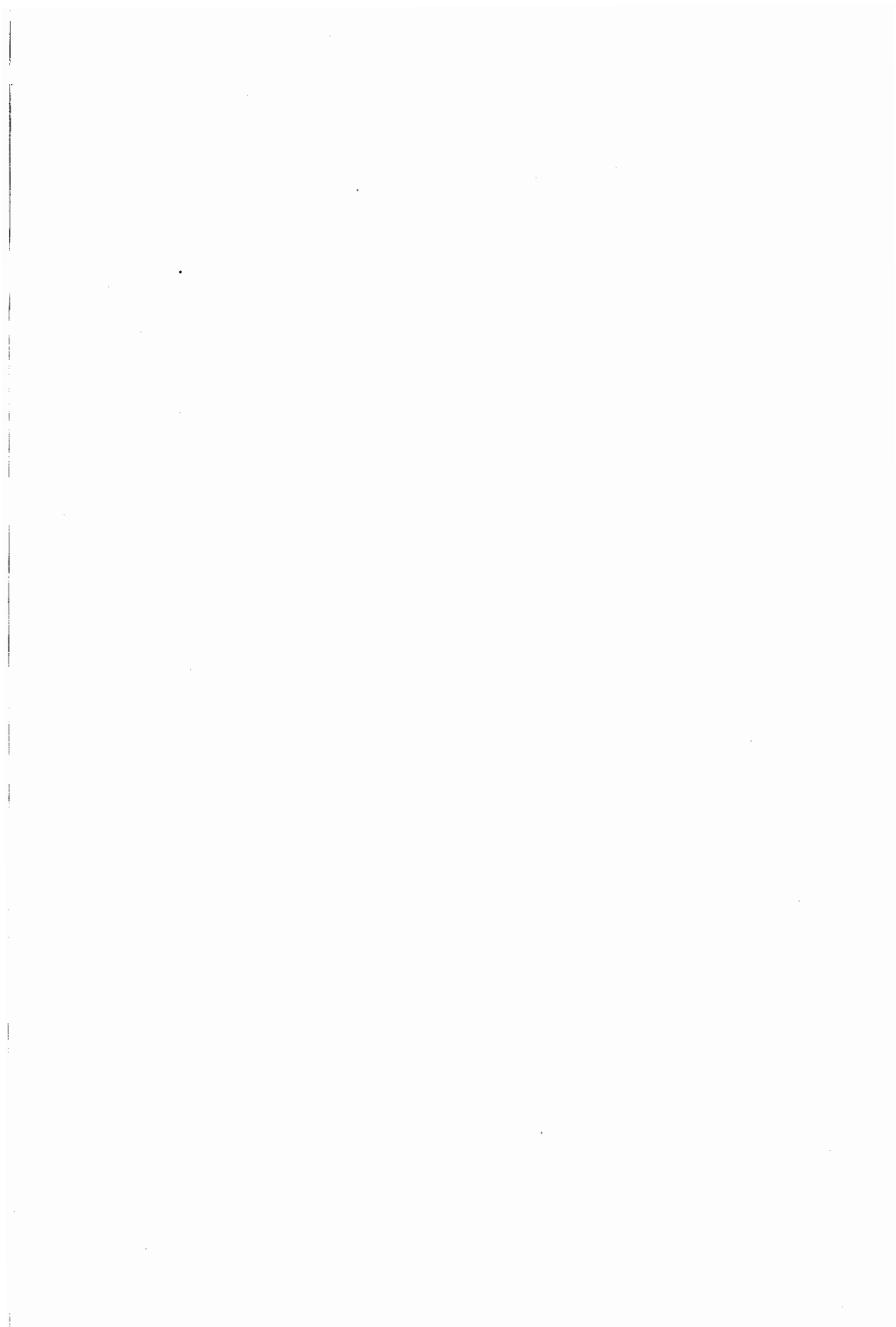
سَيِّدُ صُلْحِ الدِّينِ  
مَهْدَوِي

بَيْتِ عَمَلِي  
أَبِي سَامِعِي  
صَفِيان

۱

نَشْرُ  
الْمُهْدَايَةِ





بیان سبب الہدایت  
فی ذکر عقائد الہدایت

یا

تاریخ علمی و اجتماعی صفہان

در دو تکرار اخیر

جلد اول

تألیف

سید مُصلِح الدین مَحدوی

- \* بيان سبل الهداية
- \* سيد مصلح الدين مهدوی
- \* نشر الهداية
- \* ۲۰۰۰ نسخه
- \* چاپ خيام - قم
- \* تابستان ۱۳۶۷
- \* چاپ اول
- \* توزيع دار الذخائر - قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ  
وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ  
وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعِترته  
الطَّاهِرِينَ





مقدمه بسم حضرت آیه الله آقای حاج شیخ محمد  
مجدد الاسلام نجفی غیاث الدین امام جماعت مسجد امام و مسجد نو بازار  
اصفهان صاحب کتاب (ادبیات عرب در صدر اسلام مطبوع) :

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
در تاریخ ششم مهر ماه یک هزار و سیصد و شصت و دو، والد ماجد بن حقیر  
حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ مجد الدین معروف به مجد العلماء نجفی اصفهانی  
به ملکوت اعلی پیوست. این فکر در ذهن احقر خطور نمود که رساله ای در ترجمه حوال  
ابوی معظم و والد مکرم ایشان حضرت آیه الله العظمی العلامة استاد مراجع معظم  
تقلید، آقا حاج شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی رحمه الله علیه با فراهم آوردن نخبه  
از دانشمندان معظم و علامه محقق جناب آقای حاج سید مصباح الدین مهدی  
دامت افاضاته، حواشی بر این مهم را بر عهده بگیرند، معظم له در اجابت تقاضا

این حقیر قلم برگزیده و تحقیقاتی را ارائه فرمودند که حوادث روزگار مانع از طبع آن شد. بعد از گذشت ایامی، از ایشان خواستار شدیم که کتاب جامع

و مفصلی در تراجم احوال بیت شریف و اصیل صاحب جاشی قدس سره مرقوم

فرمایند معظّم له نیز بدون داشتن هیچگونه چشمداشتی مخلصانه و بیاسنّ حدت

بین و علمای اسلام بهین مهم مشغول شدند و بعد از گذشت بیش از سه سال کتاب

نضیس حاضر (بیان سبل الهدایه فی ذکراعتاب صاحب الهدایه) - یا

(تاریخ علمی و اجتماعی صفهان در دو قرن اخیر) فراهم گردید که مشحون از

تحقیقات و دقیقیات است. بمصدق شعر طامی روم :

خوشر آن باشد که سر و لبران گفته آید در حدیث دیگران

و تحقیق میتوان گفت که چنین بررسی مفصل و جامعی در مورد هیچیک از بیوات

شیعه انجام نشده است، و این اثر مفید اولین گام در این جهت است.

براین امید که روزگاری در مورد اکثر یا تمام بیوتات علمای شیعه و اسلام  
چنین کتب ارزنده ای بدست محققین گرانقدر تهیه شود تا چراغی فراراه نفوس  
مستعدّه و علاقه مندان به علم و اسلام و تاریخ و اخلاق باشد .

اقوام روزگار به حلاق رنڈاند - قومی که گشت فاقده حلاق مردنی است  
در پایان بر خود لازم میدانم از رحمت بی شایسته فرزند برومندم حضرت  
حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ محمد هادی نجفی دامت توفیقاته العالیه  
که در این تحقیقات معاضد مؤلف محترم بوده و در طبع کتاب نیز کوشا بوده اند  
تشکر نموده و مرید توفیقات معظمه را در راه خدمت اسلام و مسلمین  
از خداوندستان خواستارم

الاحقر حاج شیخ مهدی مجد الاسلام نجفی

۳ / ۷ / ۱۳۶۶ - اصفهان



## اهداء کتاب

يا ولي العصر عجل الله تعالى فرجك وظهورك .

در تمام عالم وجود با کمال دقت و بینائی و خرد سیر کردم و همه انسانها را از هر طبقه و مقام گذراندم جز تو ، فقط تو کسیرا که شایسته آن باشد که این کتاب و دیگر آثارم را بمحضر مقدسش تقدیم دارم نیافتم .

يا امام العصر روحی و جسمی و مالی و اهلی و اولادی لثراب مقدمك الفداء .  
من ترا می جویم و از تو و خدمتگزاران به آستان تو سخن می گویم و راه تو و دوستان تو را می پویم و آنچه می کنم بخاطر خوشنودی تست و رضای خداوند تبارك و تعالی را در رضای تو میدانم و بس .

با کمال عجز و شرمندگی این کتاب که شرح حال و گزارش احوال دهها تن از نواب عام حضرتت و عده زیادی از خدمتگزاران به آستان مقدست را شامل است پیشکش حضورانورت نموده و امیدوارم که با دیده عنایت و لطف که سحیة مرضیة شما خاندان و اهل بیت می باشد که « وسجیتکم الکریم و عادتکم الاحسان »

آنرا قبول فرمائید . وصله وانعام آنرا وابسته بکرم وبزرگواری شما می گردانم  
که در دنیا و آخرت مرا از دوستان وخدمتگزاران بآستان خود واز شیعیان خود  
قبول فرمائید وضامن من درقیامت جهت بهشت باشید .

ودر این راه همه علماء وبزرگانیرا که عمر خود را صرف احیای نام آزان  
و ذکر آثار ایشان کرده ام در خدمت حضرتت شفیع قرار میدهم واز خداوند تبارک  
وتعالی ظهور جنابت را بعجز ولابه وتضرع واستغاثه می طلبم ولیس ذلک علی الله  
بعزیز .

اللهم صل علی ولیک المحیی سنتک القائم بامرک الداعی الیک  
الدلیل علیک وحجتک علی خلقک وخلیفتک فی ارضک وشاهدک  
علی عبادک .

اللهم اعز نصره ومد فی عمره وزین الارض بطول بقائه .  
اللهم اکفه بغی الحاسدین واعده من شر الکالدین وازجر عنه  
ارادة الظالمین وخلصه من ایدی الجبارین .  
اللهم اعطه فی نفسه وذریته وشیعته ورعیته وخاصته وعامته وعدوه  
وجمیع اهل الدنیا ما تقر به عینه وتسربه نفسه وبلغه افضل ما امله  
فی الدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدير .

\* \* \*

اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا صلواتک علیه وآله وغیبه ولینا  
و کثرة عدونا وقله عددنا وشدّة الفتن بنا وتظاهر الزمان علینا  
فصل علی محمد وآله واعننا علی ذلک بفتح منک تعجله وبضر  
تکشفه ونصر تعزّه وسلطان حق تظهره ورحمة متک تجلّلناها وعافیة  
منک یلبسناها برحمتک یا ارحم الراحمین .

شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب خصال و امالی و معانی الاخبار احادیثی در فضیلت علماء نقل می کند که ذیلابعنوان تیمن و تبرک بذكر يك حدیث بدو روایت اکتفا می کنیم :

۱ - معانی الاخبار :

عن علي عليه السلام :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

اللهم ارحم خلفائي ، اللهم ارحم خلفائي ، اللهم ارحم خلفائي .

قيل : يا رسول الله ومن خلفاؤك ؟

قال : الذين يأتون من بعدي يروون حديثي وسنتي .

۲ - همچنين در کتاب امالی صدوق ص ۱۸۰ ( چاپ اسلاميه بسا ترجمه )

حدیث ۴ :

عن علي عليه السلام :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

اللهم ارحم خلفائي ثلاثاً .

قيل : يا رسول الله ومن خلفاؤك ؟

قال الذين يبلغون حديثي وسنتي ثم يعلمونها امتي .

حضرت رسول اکرم علیه السلام سه مرتبه فرمود :

بار پروردگارا جانشنيان مرا رحم کن .

از آنحضرت پرسیدند که جانشنيان شما کیانند ؟

حضرت در جواب آنان فرمود : آنان که سنت و احادیث مرا ( به مردم )

برسانند سپس آنرا به امت من بیاموزانند و یاد دهند ( یعنی علماء راسخین ) .



انی رأیت أنه لا یکتب انسان کتاباً فی یومه الا قبل فی غده : لو غیر هذا لکان  
أحسن ولو زید کذا لکان یستحسن ولو قدم هذا لکان أفضل ولو ترک هذا لکان  
أجمل .

وهذا من أعظم العبر وهو دلیل استیلاء النقص علی جملة البشر .

عماد کاتب الاصبهانی

سخنی خوش عماد کاتب راست	که بیاید نوشت با خط زر
گفت دیدم که در جهان هر کس	خود کتابی نوشت یا دفتر
گر چه هنگام طبع و تدوینش	بر تتبع فزود و کرد هنر
چونکه چندی گذشت باز بخواند	اندر آن یافت نقص های دگر
کای دریغ این چنین نبایستی	گر چنان بود از این بهتر

\* \* \*

این کنایت از آن بیساوردم      تا بدانی که چیست حال بشر

علامه معاصر حاج شیخ یحیی نوری نصیری ( نوری )

مقدمه ستارگان فروزان

## پیشگفتار

قرن سیزدهم هجری یکی از درخشانترین ادوار علمی اصفهان می باشد ، اصفهانی که از روی حق و حقیقت آنرا : « دار العلم شرق » خوانده اند .

در نیمه اول این قرن بزرگان و مجتهدینی همچون آقا سید محمد مجاهد و حاج ملا علی نوری و حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و آقا سید صدر الدین عاملی و دهها تن عالم بزرگوار دیگر به تدریس و تربیت دانشجویان قیام و اقدام نمودند و در اثر کوشش آنان و سخاوت و بخشش بی حد و اندازه مرحوم حجة الاسلام وهم بجهت استفاده از مباحث علمی طالبان علم و حکمت از گوشه و کنار مملکت روی به این کعبه مقصود نهادند . وجود علماء و مدرسین و بودن حاج محمد حسین صدر اصفهانی و پسرش امین الدوله آنها را از جنبه مادی و معنوی در آسایش روحی و جسمی قرار داده بود .

در نیمه دوم این قرن نیز علمائی همچون حاجی آبا ده ای و تویسرکانی و میر سید محمد شهبهانی و آقا میر سید حسن مدرسی میر محمد صادقی و حاج سید اسدالله بیدآبادی و آقا محمد مهدی کلباسی و جمعی دیگر به درس و بحث و مباحثه

علوم از فقه و اصول و حکمت و ادبیات و غیره پرداختند و بزرگان از قهه‌ها و مجتهدین که هر يك مایه افتخار میباشند بجامعه تحویل دادند .

عموم این علماء علاوه بر آنکه خود عالمی جلیل و مدرسی کامل و محقق جامع بودند فرزندان نیز بزرگوار عالم و فقیه و مجتهد و زاهد و عابد و خدمتگزار دین و اسلام داشتند که هر يك بنوبه خود مصدر خدماتی شدند که شرح هر کدام نیاز به کتابی و رساله‌ای دارد .

یکی از این علماء بزرگوار که در ربع اول این قرن به اصفهان مهاجرت نموده و این شهر را وطن خود قرار داده و به تشکیل خانواده و تأسیس حوزه علمی پرداخته است :

« مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی »

می‌باشد آن مرحوم در اصفهان ساکن گردید و پس از او یگانه فرزند او عالم جلیل و محقق مدقن مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی چراغ دانشی را که او افروخته بود همچنان روشن و روشنتر نگاهداشت و پس از وفات بفرزندان عالم و برومند و مجتهد و خدمتگزار شرع و دیانت خود تحویل داد و آنان ایسن شمع فروزان را بحمدالله تاکنون که متجاوز از يك قرن و نیم از ابتدای فروزش آن می‌گذرد همچنان روشن و نورانی نگاهداشته‌اند و از خداوند سبحان جلت عظمته خواستاریم که همچنان توفیقشان دهد که سالها و قرن‌ها از خاموشی آن جلوگیری کنند .

بی‌مناسبت نیست که نامی از چندین خاندان علمی دیگر اصفهان در این زمان برده شود و ضمناً متذکر می‌شویم که بر سر آن نیستیم که تمام خاندانهای علمی این شهر را ذکر کنیم چه این عمل کاری بس دشوار است اگر نگوئیم غیر ممکن است و فقط برای یادآوری و تذکر مقام برخی از خاندانها اشاره می‌شود

واضافه می‌کنم که این خاندانها همگی از خانواده‌های علمی و روحانی بوده که چندین عالم فقیه و مجتهد در طول زمانها داشته‌اند و الا علمائیکه وابسته به خاندانهای علمی نبوده‌اند بسیار زیاد و در حد شمارش نمی‌باشد :

- ۱ - اژه‌ای‌ها مرحوم ملا علی اکبر اژه‌ای و اولاد و اخلاف او .
- ۲ - امام جمعه‌ها اعقاب دختری علامه مولی محمد باقر مجلسی .
- ۳ - امامیه‌ای درب امام حسینی .
- ۴ - بروجردیها طباطبائی .
- ۵ - بهشتی‌ها حسینی .
- ۶ - جزائریها موسوی از اعقاب مرحوم سید نعمت الله محدث جزائری .
- ۷ - جوباره‌ای‌ها اعقاب مولی محمد فاضل سراب .
- ۸ - خاتون‌آبادیها - سادات پاقلعه - مدرسین مدرسه چهار باغ .
- ۹ - خراسانیها حسینی آقا سید یوسف حسینی و اولاد و اعقاب او .
- ۱۰ - خوانساریهای بیدآباد مولی علی اکبر و اولاد و اعقابش .
- ۱۱ - خوانساریهای چهارسو شیرازیها: علامه فقیه زاهد آقاسید زین العابدین موسوی و اولاد او .
- ۱۲ - درب امامیها ( سادات امامی حسینی عریضی ) .
- ۱۳ - درب امامیه‌ای موسوی معروف به رضا توفیقی کوه‌گیلویه‌ای .
- ۱۴ - در میانی‌ها سادات طباطبائی اعقاب میرزا رفیعا نائینی .
- ۱۵ - رشتی‌ها حکیم متاله حاج محمد جعفر لنگرودی متوفی بسال ۱۲۶۰ و اولاد و اعقابش .
- ۱۶ - زنجانی مرحوم حاج میرزا علی نقی موسوی و اولاد و اعقاب او .
- ۱۷ - سبزواریها شعبه‌ای از خاندان شیخ الاسلام مولی محمد باقر سبزواری

- صاحب ذخیره و کفایه .
- ۱۸ - شفتی اولاد واعقاب مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بیسد آبادی معروف به حجة الاسلام .
- ۱۹ - شمس آبادی از سادات موسوی شاهاندشتی مازندرانی اولاد مرحوم آقا سید محمد بن آقا سید عبدالله .
- ۲۰ - شهرستانی از سادات موسوی .
- ۲۱ - شهشانی حسینی از اعقاب شاه علاء الدین محمد بن محمد مقتول بدستور شاهرخ بسال ۸۵۰ در ساوه .
- ۲۲ - شهشانی حسینی بر خواری بنی اعمام و برادران و مرحوم علامه فقیه زاهد آقا میر سید محمد شهشانی .
- ۲۳ - شیخ الاسلامها از اعقاب علامه مرحوم مولی محمد باقر سبزواری صاحب کفایه و ذخیره .
- ۲۴ - شیخهای بیدآباد از اعقاب شیخ زاهد گیلانی عارف مشهور .
- ۲۵ - عاملی یا آل سید صدرالدین اولاد واعقاب علامه فقیه آقا سید صدرالدین محمد موسوی عاملی .
- ۲۶ - قزوینی ها اولاد واعقاب عالم معروف حاج محمد ابراهیم قزوینی .
- ۲۷ - کتابفروشا کتابی سادات حسینی آقا میر محمد حسین و میر محمد صادق و اولاد واعقاب آن بزرگواران .
- ۲۸ - کلباسیها ( کرباسیها ) اولاد اعقاب علامه فقیه زاهد حاج محمد ابراهیم کلباسی .
- ۲۹ - گلستانه‌ای‌ها اعقاب و اخلاف علامه سید علاء الدین محمد گلستانه شارح نهج البلاغه .

- ۳۰- مجلسی‌ها اعقاب و اخلاف علامه فقیه شیخ محمد تقی مجلسی (مجلسی اول) .
- ۳۱- مسجد شاهیه‌ها اولاد و اعقاب مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی (موضوع کتاب حاضر) .
- ۳۲- مقدسیها اولاد مرحوم آقا سید ابراهیم حسینی ساوجی .
- ۳۳- موسوی خواجه‌ئی اولاد و اعقاب و بستگان مرحوم آقا سید ابوالقاسم موسوی خواجه‌ئی متوفی بسال ۱۱۹۳ .
- ۳۴- میردامادیه‌ها نواده دختری حکیم و فیلسوف بزرگوار میر محمد باقر داماد از سادات حسینی عموماً ساکن سده و نجف آباد .
- ۳۵- میر محمد صادقیها از سادات حسینی اولاد و اعقاب مرحوم آقا میر محمد اسماعیل واعظ محله نوی .
- ۳۶- نایب‌الصدری‌ها اولاد و اعقاب مرحوم آقا میرزا محمد باقر پیشنماز مسجد شاه عموماً ساکن خوراسکان ورتان (عاملی) .
- ۳۷- نحویه‌های مرندی .
- ۳۸- نواب‌های لاهیجی اولاد و اعقاب مرحوم آقا میرزا محمد باقر نواب لاهیجی .
- ۳۹- نوریها اولاد و اعقاب مرحوم میرزا محمد علی نوری -سازندرانى اصفهانی .
- ۴۰- هزار جریبی نجفی اولاد و اعقاب مرحوم آقا میرزا محمد علی بن میرزا محمد باقر هزار جریبی اصفهانی .
- وچندین خاندان علمی دیگر که اکنون تاریخ‌نما آنها را فراموش کرده و نویسنده از آن آگهی زیادی ندارد .

این خاندانها که ذکر شد غیر از علماء و دانشمندانی هستند که وابستگی به خانواده‌های علمی نداشته‌اند و یا اگر از خانواده روحانی بوده‌اند خود و خانواده آنها همچنان گمنام مانده‌اند و کسی در صدد احیاء نام آنان و ذکر خدمات آنها نبوده است و اگر در کتابی احیاناً بنام کسی از آنها برخورد کنیم باید همچنان از پهلوی آن گذشته و آنرا برای ابد خامل الذکر نگه داریم .

آثار شوم حکومت پنجاه ساله حکومت خاندان پهلوی ، از هر جهت به دیانت و روحانیت ایران اطمات جبران ناپذیری وارد ساخت . او که دست‌نشانده بیگانگان و مجری سیاست استعماری آنان بود با دین و روحانیت جبراً مخالف بود آثار این مخالفت :

۱ - تعطیل مجالس و عظ و خطابه و عزاداری و دسته‌های عزاداران .

۲ - تعطیل مساجد و بستن دربهای آنها به عنوان حفظ آثار باستانی و دیگر عناوین .

۳ - تعطیل و خرابی مدارس دینی بنام ساختن مدرسه جدید .

۴ - فروش و تقسیم موقوفات .

وده‌ها عمل خلاف دیگر که به برخی از آنها در متن کتاب بمناسباتی اشاره خواهد شد .

یکی از آثار شوم این حکومت و مبارزه بی‌امان آن با روحانیت و علماء و بد بین ساختن جمعی از مردم ساده لوح و ظاهربین این شد که پس از تصویب قانون تغییر لباس که برخلاف قانون اساسی و بر خلاف آزادی فردی بود و فشار مأمورین جهت اجرای آن عده‌ای از اهل علم و زاده‌های خاندانهای علمی و روحانی طوعاً و کرهاً بآن‌گرددن نهادند و از لباس مقدس روحانیت خارج شدند و ترك علوم دینی نموده به علوم دنیائی پرداختند و از مشاغل علمی دینی به کسب‌های دیگر پرداختند .

خاندان مسجد شاهیان ، یکی از خاندانهای علمی و روحانی اصفهان که تقریباً مدت دو قرن ( از حدود سال ۱۲۲۰ تا کنون ) در این شهر شرعمدار و مروج دین و حامی شریعت و پناه ستمدیدگان و یار درماندگان بوده و مدتها مدار دینی اصفهان بلکه تمام ایران وابسته به آنها بوده و چندین عالم معروف و مجتهد مشهور و صاحب تألیف و تصنیف بجامعه روحانیت شیعه تحویل داده و موجب افتخار این شهر گردیده است خاندان معروف به :

مسجد شاهی است که امروز به نجفی شهرت دارند .

سر دودمان این خاندان شریف و اصیل علامه فقیه مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی بوده که در حدود سال ۱۲۲۰ در طی مسافرت خود از شهر یزد به اصفهان آمده و آنجا را برای سکونت دائمی خود انتخاب کرده است پس از وفات آن مرحوم یگانه فرزندش علامه مجاهد حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و از آن پس فرزندان شش گانه او بالأخص مرحوم حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی و همچنین حاج شیخ نور الله از افراد سرشناس این خاندان می باشند .

آخرین فرد علمی و جامع این خاندان که در کمتر خانواده وزمانی مثل و مانند داشته مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی نجفی می باشد .

اولاد و اعقاب پسری و دختری مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی با بیشتر خاندانهای علمی و روحانی و همچنین خانوادههای غیر روحانی این شهر و برخی از شهرهای دیگر وصلت نموده و دختر گرفته و پسر داده اند از اینرو با بسیاری از خانوادههای این شهر نسبت سببی یا نسبی دارند .

### روحانیت شیعه و مقام آن در اجتماع

فقهاء و علماء بزرگوار شیعه طبق توقیع مبارک صادره از ناحیه مقدسه حضرت



امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف با داشتن چند شرط :

۱ - صائناً لنفسه

۲ - مخالفاً لهواه

۳ - مطيعاً لامر مولاہ

مقام جانشینی و نیابت عامه آن بزرگوار را داشته و بر کلیه شیعیان واجب است که از آنان در کلیه امور چه مربوط به دین آنها باشد یا دنیای آنها پیروی کنند . علماء و مجتهدین شیعه به هیچ دستگاهی از تشکیلات دولتها وابستگی نداشته و بقول مرحوم حاج شیخ مرتضی مطهری در کتاب « نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر » ( ص ۵۸ ) که می نویسد : روحانیت شیعه در ذات خود يك نهاد مستقل است : از نظر روحی به خدا ( جل جلاله و عظم شأنه ) متکی است و از نظر اجتماعی به قدرت مردم .

شیعیان به پیروی از امر واجب الاتباع حضرت ولی عصر علیه السلام در طول تاریخ از آنان پیروی کرده و اوامرشان را گردن نهاده و بدون چون و چرا اطاعت کرده‌اند و سعادت دنیا و نجات آخرت خود را در آن دانسته و میدانند .

باز مرحوم مطهری در دنباله مطالب چند سطر قبل می نویسد :

لهذا در طول تاریخ بصورت يك قدرت رقیب در مقابل زورمندان تاریخ ظاهر شده است .

تا این جا نقل قول آن استاد بزرگوار بود اینک برای نمونه بنام عده‌ای از علماء شیعه که در مقابل حکام و سلاطین ظالم و جابر زمان قیام نموده و هر يك متناسب با موقعیت اجتماعی خود و وضع زمان و مکان اقداماتی انجام داده‌اند بترتیب حروف تهجی اشاره می کنیم زمان و شرح اقدامات هر يك نیاز به کتابی دیگر دارد :

- ۱ - سید ابوالحسن انگجی تبریزی
- ۲ - حاج ملا احمد نراقی
- ۳ - حاج سید اسدالله بیدآبادی
- ۴ - حاج سید محمد باقر حجة الاسلام بیدآبادی
- ۵ - حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی اصفهانی
- ۶ - حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی مسجد شاهی
- ۷ - حاج شیخ محمد تقی باقری
- ۸ - حاج شیخ جعفر شوشتری
- ۹ - ملا محمد حسن اردکانی
- ۱۰ - سید حسن مدرس اسفهای
- ۱۱ - حاج میرزا حسین خلیلی طهرانی
- ۱۲ - حاج آقا حسین طباطبائی قمی
- ۱۳ - حاج میرزا صادق آقا تبریزی
- ۱۴ - سید عبدالحسین لاری
- ۱۵ - سید عبدالله بهبهانی
- ۱۶ - شیخ عبدالله مازندرانی نجفی
- ۱۷ - حاج شیخ فضل الله نوری شهید
- ۱۸ - مولی محمد کاظم خراسانی
- ۱۹ - میرزا کوچک خان جنگلی
- ۲۰ - سید مجتبی بن سید محمود میر لوحی معروف به نواب صفوی ،
- ۲۱ - سید محمد سنگلجی طهرانی
- ۲۲ - شیخ محمد خیابانی تبریزی

۲۳ - حاج سید محمود طالقانی

۲۴ - حاج شیخ نورالله ثقة الاسلام اصفهانی

وده ها عالم و واعظ دیگر که با ظلم و بیداد پادشاهان و حکام مبارزه کردند و گاهی پیروز و زمانی بظاهر مغلوب شدند لکن در هر حال بوظیفه دینی و مأموریت الهی خود عمل کردند فجزاهم الله عن الاسلام وأهله خیر الجزاء .

کلیه علماء و روحانیون و خطباء و واعظ و گویندگان و سایر آزادیخواهان مسلمان که در دوره اختناق پنجاه و سه ساله حکومت رضاخان و فرزندش از ۱۳۰۴ شمسی تا ۱۳۵۷ در زندانها بسر بردند و یا در زیر شکنجه مأمورین از خدا بی خبر جان سپردند و نام و نشان آنها ظاهراً محو گردید و یا سالها در تبعیدگاهها بسختی گذراندند همه و همه بخاطر اجرای قوانین مقدس اسلام و رفع بدعتها و خلاف شرعها بود که بوسیله دولتهای دست نشانده خارجی در مملکت اسلامی انجام میشد .

استعمار خارجی در تمام مواقع و همه جا از روحانیت آسیب دیده است و از اینرو با او مخالف است . از وقتی که دول خارجی بفکر استعمار و استثمار ملل دیگر برآمدند و از آنجمله مملکت ایران را مورد نظر خود قرار دادند تنها قدرتی که در برابر آنان به مخالفت برخاست و هیچگاه آرام نگرفت و بسا هوشیاری و دقت عوامل آنها را شناخته و با آن مبارزه کرد علماء و روحانیون بیدار و مسئول بودند .

اینان که در حقیقت وظیفه نگهبانی از حریم مقدس اسلام و حوزه مسلمین را داشتند با کلیه امکانات موجود بوظیفه خود عمل کردند و از هیچ چیز نهراسیدند نه از فشار خارجی و نه از تهمت و افتراء مأمورین و مزدوران داخلی آنان بزدان رفتند ، شکنجه کشیدند ، کشته شدند و لکن دست از وظیفه الهی خود برنداشتند

هیچگاه تسلیم ظالم نشدند . اینک بنام چند تن از آن بزرگواران اشاره می کنیم  
و اضافه می کنیم که هم روحانیون بزرگوار شیعه در این امر متحد بوده هستند  
و تذکار نام عده ای فقط بجهت شهرت اقدامات آنانست و بس :

۱ - مرحوم حاج سید ابوالقاسم کاشسانی ، جنگ عراق و انگلیس ، ملی  
شدن صنعت نفت .

۲ - مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی اصفهانی ، داستان تحریم تنباکو .

۳ - مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی ، حکم جهاد با انگلستان را صادر  
فرمود ، الثورة العراقية .

۴ - مرحوم آقا سید محمد تقی خوانساری ، شرکت در جنگ عراق و انگلیس ،  
ملی شدن صنعت نفت .

۵ - مرحوم حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء حکم جهاد در جنگ اول بادوات  
روسیه .

۶ - سید جمال الدین اسدآبادی ، قهرمان فکر : اتحاد اسلام و مسلمین .

۷ - جناب میرزای شیرازی ، میرزا سید محمد حسن حسینی ، قهرمان تحریم  
تنباکو .

۸ - مرحوم میرزا محمد حسن آشتیانی .

۹ - مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی ، حاج میرزا فتح الله نمازی ، الثورة  
العراقية .

۱۰ - حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام مسجد شاهی اصفهانی ، داستان  
تحریم تنباکو .

۱۱ - حاج سید علی اکبر فال اسیری شیرازی ، دوستان تحریم تنباکو .

۱۲ - مرحوم آقا سید محمد مجاهد اصفهانی کربلائی ، حکم جهاد در جنگ

دوم ایران و روس و شرکت در آن .

۱۳ - آقا سید مصطفی کاشانی کاظمینی ، الثورة العراقية .

۱۴ - حاج آقا منیرالدین بروجردی اصفهانی اول کسیکه حکم بسه تحریم دخیانیات نمود و بعداً مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی و برادرش مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام و بعداً حکم تحریم از ناحیه جناب میرزا از سامراء رسید ، البته از علماء اصفهان مرحوم آخوند ملا محمد باقر فشارکی و ملا علی محمد ازهای و علامه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی نیز در ماجرای تحریم تنباکو هر يك سهمی دارند .

عموم افرادی را که از علماء نام بردیم ایرانی بودند و مربوط به قرن اخیر و الا علماء غیر ایرانی و از قرون پیشین عده آنها زیاد بوده و احتیاج بمطالعه بیشتر و کتابی دیگر است .

تذکر : روسیه تزاری و جانشینان آنها در دو جنگ ( ایران و روس ) گرچه ایران مغلوب و در اثر آن قفقاز از دست رفت لکن از نزدیک قدرت علماء شیعه و نفوذ آنان را در شیعیان لمس کردند و جداً بمبارزه با آن قیام نمودند . انگلیسی ها در چند مورد تجربه کردند ، داستان تحریم تنباکو - جنگ های لار و تنگستان - تصرف مملکت عراق ( الثورة العراقية ) انحلال شرکت نفت و غیره قدرت علماء شیعه و همچنین اطاعت نمودن و فرمانبرداری مردم را از آنان بخوبی حس کردند و در هر مرتبه تجربه ای بر تجربیاتشان افزوده شد . آمریکا نیز از موقعیکه در صحنه سیاست دنیا قدم نهاد و در ظلم و بیدادگری و استعمار و استثمار ملتها خود را وارث دیگران بلکه قائم مقام آنان دانست شاهد و ناظر قدرت و نفوذ معنوی علماء شیعه و مراجع بزرگوار بود . ایجاد فرقه ها و جمعیت های بنام دین و ترویج دسته های دیگر همه و همه بخاطر

شکستن قدرت علماء بود که بوسیلهٔ عمال دول استعمارگر مستقیماً و یا غیر مستقیم انجام میشد .

ایجاد حس بدبینی نسبت بعلماء بزرگوار با پراکندن دروغها و نشر آزار در بین توده‌های مردم و تهمت و افتراء که به علماء زده شد و دیگر گونه‌ها - جاسوه دادن مطالب که در مرحلهٔ اول بوسیلهٔ عمال خارجی سیاست یعنی خاورشناسان و پس از آن بوسیلهٔ مأمورین و مزدوران داخلی آنها یعنی فضلاء و نویسندگان غرب‌زده و یا به اصطلاح خودشان آزادیخواه یکی دیگر از وسائل از بین بردن روحانیت شیعه بوده است .

یکی از نویسندگان معروف و پرشور معاصر که خیلی دلش بحال اسلام و مسلمین سوخته است ! و میخواهد آنها را از بدبختی نجات دهد همه جا بعلماء شیعه حمله می‌کند و در تمام نوشته‌هایش به خود اجازه نمی‌دهد حتی يك بار هم به یکی از بزرگان سنی اساءه ادب کند .

اصولاً روی کار آوردن رضاخان میرپنجه و برتخت سلطنت نشانند او بهمین منظور یعنی مبارزه با روحانیت و در نتیجه مبارزه با اسلام و مسلمین بوده است .

رضا خان و فرزندش محمدرضا هر دو وظیفه و مأموریت خود را بخوبی انجام دادند . تصویب قوانین ضد اسلامی که در دوران پنجاه ساله حکومت ایندوخواست خارجیان و با فشار دولتیان و تصویب منتخبین شاه و سفارتخانه‌ها انجام گردید همه دنباله همان مبارزه با اسلام و تشیع بود .

قانون تغییر لباس تا تغییر تاریخ همه از همین جا سرچشمه میگرفت .

بهر آنستکه دنباله مطلب را در این جا قطع کرده و خواستاران آگهی بیشتر را به کتب مربوط به آن مراجعه دهیم .

سبب تألیف کتاب، آشنا نبودن مسلمین بخصوص جوانها و تحصیلکرده‌های

مدارس جدید از سرگذشت علماء بزرگوار اسلام و شیعه موجب آن شده است که دشمنان اسلام و بالخصوص دشمنان شیعه که هر روز بنامی و بصورتی ظاهری شوند جهت تحقیر و کوچک شمردن اینان بگویند و در ورق پاره‌های خود بنویسند که: شیعه عالم و . . . ندارد.

برای اثبات خلاف این سخن علماء بزرگوار به تألیف کتابهای:

۱ - اعیان الشیعه در ۵ مجلد تألیف علامه جلیل حاج سید محسن عاملی .

۲ - تاسیس الشیعه الکرام لفنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدرالدین

کاظمینی .

۳ - الذریعه جمعاً در ۲۸ مجلد تألیف علامه مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ

طهرانی .

۴ - الشیعه وفنون الاسلام تألیف مرحوم آقا سید حسن صدر کاظمینی .

۵ - طبقات اعلام الشیعه از قرن ۴ تا ۱۴ تألیف مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ

طهرانی و کتابهایی نظیر آن مبادرت فرمودند که بحمدالله عموم آنها بچاپ رسیده و در دسترس اهل فضل و مطالعه قرار گرفته است .

در دنباله این اقدامات لازم بود که شرح حال و گزارش احوال علماء و بزرگان

يك يك از شهرها نیز تنظیم و چاپ شود که آنهم تا حدودی انجام شده است .

و آنچه بیشتر از همه ضرورت داشت آنکه شرح حال هر يك از بزرگان و علماء

مشروحاً نوشته شده و خدمات آنان شرح داده شود ، اینکار نیز شروع شده لکن

نه آنچنان که شاید و باید ذی‌لبنام برخی از این کتابها اشاره میشود و متذکر میشویم

که اینها کتابهاییست که نزد نویسندگان موجود است :

۱ - شرح حال شیخ آقا بزرگ طهرانی مؤلف بزرگوار کتاب الذریعه و طبقات

اعلام الشیعه .

- ۲ - حاجی کلباسی حاج محمد ابراهیم، دو کتاب یکی چاپی دیگری خطی.
- ۳ - مرحوم آقا سید ابوالحسن مدیسرای اصفهانی علیه الرحمه .
- ۴ - مرحوم آقا سید ابوالقاسم کاشانی .
- ۵ - علامه مولی محمد باقر مجلسی ، سه کتاب . زندگینامه ، کارنامه، الفیض القدسی .

- ۶ - وحید بهبهانی ، آقا محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی .
- ۷ - حجة الاسلام شفتی ، حاج سید محمد باقر ( خطی ) .
- ۸ - حاج شیخ محمد تقی باقری ، مجاهد شهید .
- ۹ - سید جمال الدین اسدآبادی ، چندین کتاب .
- ۱۰ - میر حامد حسین لکهنوی .
- ۱۱ - مولی حبیب الله کاشانی .
- ۱۲ - میرزای مجدد شیرازی ، میرزا محمد حسن بنام هدیه الرازی الی المجلد الشیرازی وترجمه آن .

- ۱۳ - میرزا سید حسن چهارسوقی اصفهانی، زندگانی آیت الله چهارسوقی.
- ۱۴ - سید حسن مدرس اسفه‌ای ، چندین کتاب .
- ۱۵ - مرحوم حاج آقا حسین بروجردی اعلی الله مقامه، چهار کتاب از چهار نویسنده .

- ۱۶ - آقا حسین خوانساری ، محقق خوانساری ، نسخه خطی .
- ۱۷ - آقا سید محمد حسین فقیه سبزواری خراسانی .
- ۱۸ - آقا سید محمد حسین شیرازی .
- ۱۹ - آقا رضا مسجد شاهی اصفهانی ( سه شماره روزنامه عرفان ) .
- ۲۰ - شیخ رمضانعلی خلیلی عراقی .



- ۲۱ - شیخ انصاری، شیخ مرتضیٰ علیه الرحمہ بنام: زندگانی و شخصیت  
شیخ انصاری .
- ۲۲ - شیخ بهائی، بهاء الدین محمد عاملی دو کتاب یکی چاپی و دیگری خطی .
- ۲۳ - شرح حال صاحب بن عباد بنام ہدیۃ العباد در شرح حال . . .
- ۲۴ - حاج شیخ عباس محدث قمی ، مرد تقوی و فضیلت .
- ۲۵ - حاج شیخ عبدالحسین علامہ امینی ، یاد نامہ .
- ۲۶ - حاج شیخ عبد الکریم زنجانی نجفی .
- ۲۷ - حاج سید عبداللہ شیرازی .
- ۲۸ - حاج میر سید علی بہبہانی علیہ الرحمہ ، دو کتاب: ارمغان اصفہان ،  
شرح حال و آثار آیت اللہ بہبہانی .
- ۲۹ - محمد علی معلم حبیب آبادی ، یاد نامہ .
- ۳۰ - میرزا محمد علی مدرس تبریزی .
- ۳۱ - مرحوم آقا سید محسن حکیم طباطبائی دو کتاب: اعلام الامامیہ یکم و . . .
- ۳۲ - سید محسن امین عاملی .
- ۳۳ - شیخ محمد خیابانی تبریزی .
- ۳۴ - مرحوم آقا سید محمود حسینی شاهرودی ، اعلام الامامیہ .
- ۳۵ - سید مہدی اصفہانی کاظمینی .
- ۳۶ - سید مہدی حیلری ، اعلام الامامیہ .
- ۳۷ - علویہ حاجیہ نصرت خانم امین ، بانوی ایرانی ، یاد نامہ .
- ۳۸ - خواجہ نصیر الدین طوسی .
- ۳۹ - سید نعمت اللہ جزائری بنام نابغہ فقہ و حدیث .
- ۴۰ - سید نورالدین عراقی .

- ۴۱ - حاج ملا هادی حکیم سبزواری .
- ۴۲ - سید هاشم علامه بحرانی ، سه کتاب دوتا چاپی و سومین خطی .
- ۴۳ - سید هبة الدین شهرستانی .
- غیر از کتابهای ذکر شده که مستقلاً در شرح حال و آثار و خدمات علمی و اجتماعی این علماء بزرگوار نوشته شده است در مقدمه بسیاری از کتابها نیز شرح حال نسبتاً جامعی از مؤلفین آنها نوشته شده است مانند :
- ۱ - شرح حال مرحوم حاج سید احمد زنجانی در ضمن آشنائی با چند نسخه خطی یکم .
- ۲ - علامه مجلسی و مقدمه چاپ جدید بحار الانوار .
- ۳ - مرحوم حاج سید محمد نقی فقیه احمد آبادی اصفهانی در مقدمه نور الابصار ، وظیفه مردم در زمان غیبت .
- ۴ - ابن قولویه ، جعفر بن محمد در مقدمه کامل الزیادة .
- ۵ - مرحوم آقا سید محمد حسن مجتهد موسوی ، در مقدمه رساله اعجاز القرآن .
- ۶ - آقا نجفی قوچانی ، سید محمد حسن ، در مقدمه سیاست غرب .
- ۷ - سید محمد حسن قزوینی حائری در مقدمه الامامة الکبری .
- ۸ - علامه حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در مقدمه این است آئین ما .
- ۹ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین مسجد شاهی نجفی ، در مقدمه تفسیر قرآن .
- ۱۰ - شیخ سلیمان بحرانی ، مقدمه فهرست آل بویه و علماء بحرین .
- ۱۱ - علامه مجاهد سید عبدالحسین شرف الدین عاملی ، مقدمه اجتهاد در مقابل نفس .
- ۱۲ - مولی عبدالکریم گزی اصفهانی ، مقدمه رجال اصفهان .

- ۱۳ - سید بهاء الدین محمد مختاری ، مقدمه زواهر الجواهر .
- ۱۴ - مرحوم شیخ حرعاملی محمد بن حسن ، مقدمه امل الامل چاپ نجف.
- ۱۵ - مرحوم شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه ، مقدمه ترجمه خصال.
- ۱۶ - قطب الدین اشکوری محمد بن علی ، مقدمه تفسیر شریف لاهیجی .
- ۱۷ - ثقة الاسلام کلینی محمد بن یعقوب ، در مقدمه ترجمه اصول کافی .
- ۱۸ - حاج شیخ مرتضی مطهری : جلد دوم یکصد سال مبارزه روحانیت .
- ۱۹ - مولی محمد مؤمن بن محمد قاسم جزائری بنام کاشفة الحال در مقدمه .
- ۲۰ - علامه بحرانی سید هاشم بنام غایة الامال در شرح حال علامه بحرانی

در مقدمه اللوامع .

با توجه به مطالب یاد شده و کتابهای دیگری که در شرح حال بزرگان شیعه بطور فردی و یا جمعی نوشته شده ( و نویسنده از بسیاری از آنها بی خبر است ) باز هم عده زیادی از علماء همچنان نا شناخته مانده اند . چه بسیار خاندانهای علمی که قرنها با همه مشکلات مبارزه کرده و اصالت و وجود خود را حفظ نموده است لکن شرح حال اکثر آنان یا بطور کلی در جایی ثبت نشده و یا اگر نوشته شده است بسیار اندک و ناچیز است بطور مثال چند خاندان علمی از اصفهان را که در این دو سه قرن اخیر میزیسته اند ذکر می کنیم :

- ۱ - خاندان اژه‌ای‌ها اقباب و اسلاف مولی علی اکبر اژه‌ای
- ۲ - خاندان امام جمعه
- ۳ - خاندان امامیها ( درب امامیها ) دو خاندان ۱ - حسینی ۲ - موسوی
- ۴ - بهشتی‌ها سادات حسینی
- ۵ - خاتون آبادیها - سادات پا قلعه
- ۶ - خوانساریها : اقباب و اسلاف مرحوم میرزا زین العابدین خوانساری

اصفهانی

۷ - فاضل سراب - جویباره‌ای‌ها

۸ - محقق سبزواری - شیخ الاسلامیها

۹ - میردامادها - اعقاب دختری مرحوم میرداماد

۱۰ - نحویهای مرند

وچندین خاندان دیگر .

در مقدمه کتاب : لطائف غیبیه شرح اجمالی از اعقاب مرحوم میر سید احمد علوی داماد میرداماد و همچنین در مقدمه مناہج العارف نیز شرحی از اعقاب مرحوم میرزا زین العابدین موسوی خوانساری اعلی الله مقامهما نوشته شده و بچاپ رسیده است لکن در هر دو مقدمه مطاب بطور مختصر بیان گردیده است .

خاندان مسجد شاهیمان یکی دیگر از خاندانهای علمی اصفهان که شایسته بوده است که شرح حال آنان بطور مبسوط نوشته و منتشر شود تا آنها که فقط نام اینان را می شنوند و احیاناً درباره برخی از آنها مطالبی گفته میشود بیشتر و بهتر بحالات آنها واقف گردند .

پس از فوت حجة الاسلام عالم زاهد متقی مرحوم مجد العلماء رحمة الله علیه صدیق مکرم و دانشمند محترم آقای حاج شیخ مهدی غیبات الدین نجفی آفازاده محترم ایشان بسه این جانب پیشنهاد کردند که راجع به آن مرحوم و پدر بزرگوارشان علامه ادیب فقیه مرحوم آقا رضا مسجد شاهی و همچنین پدر وجد این خاندان مطالبی بنویسم که برای چهلمین روز وفات ایشان یاد نامه‌ای باشد .

گرفتاری و دیگر امور سبب شد که کار در وقت مقرر حاضر نشد و حتی برای مراسم یکمین سال نیز آماده نگردید بعداً قصد بر آن شد که در شناساندن این خاندان جلیل و معرفی علماء آن و ذکر اساتید و شاگردان هر يك و همچنین نام بردن تألیفات آنها اقدام شود و شروع در آن شد . این کار اگر چه مدتها طول کشید

اما بحمدالله مجموعه‌ای نفیس و مفید و جامع گردید. از خداوند خواستارم که نیت مرا در هر حال خالصاً لوجهه الکریم گرداند و ثانیاً آنرا و دیگر نوشته‌هایم را که برای زنده گردانیدن اسامی خدمتگزاران به آستان شرع مقدس و پیروان تشیع می‌باشد ذخیره آخرتم گرداند .

در این تألیف تشویقات فاضل گرانمایه آقای شیخ هادی نجفی فرزند آقای حاج شیخ مهدی فرزند مرحوم مجد العلماء نجفی بسیار مؤثر و مرا در انجام و پیشرفت آن مشوق بوده است خداوند به ایشان توفیق تحصیل علم بیشتر و عمل عنایت فرماید بمنه و کرمه .

### تسمیه کتاب حاضر

پس از تنظیم و ترتیب مطالب کتاب در اندیشه بودم که آنرا به چه نام بخوانم ، گاهی آنرا زندگینامه شیخ محمد تقی رازی اصفهانی گفتم این اسم را کافی ندانستم سر انجام بخاطرم رسید که :

علماء بزرگوار اسلام بالاخص شیعه (که این مجموعه حاوی اسامی و شرح حال صدها تن از آنان می‌باشد) تنها وسیله و طریق هدایت مردم مسلمان بسوی رستگاری و نجات می‌باشند و جز راهنمایی اینان برای وصول به سعادت دنیا و نجات آخرت راهی و وسیله‌ای نمی‌باشد و تمام راههای دیگر به ضلالت و گمراهی و عاقبت الامر بدبختی و گرفتاری منتهی میشود بنابراین ، چون کتاب حاضر در مرحله اول اختصاص دارد به مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی صاحب هدایة المسترشدين و اولاد و اعقاب و اساتید و شاگردان و وابستگان آن علامه جلیل مناسب دوم که نام آنرا : « بیان سبیل الهدایه فی ذکر اعقاب صاحب الهدایة » بنامم .

تقسیم بنسبی مطالب کتاب : برای آنکه خوانندگان محترم بهتر بتوانند از مطالب متنوع و سودمند این مجموعه بهره‌مند شوند آنرا به سه بخش و يك خاتمه تقسیم نمودیم :

بخش یکم شامل شرح حال هشت تن از علماء بزرگوار از افراد سرشناس این خاندان جلیل که از راه نسب یا سبب با مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی نسبتی دارند همچون ابواب هشتگانه بهشت و فرشتگان هشتگانه حامل عرش حضرت حق جل و علا و آنان عبارتند از :

- ۱ - شیخ الطائفه فی زمانه مرحوم آقا شیخ جعفر نجفی .
- ۲ - مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی .
- ۳ - مرحوم آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول حائری .
- ۴ - مرحوم آقا سید صدرالدین موسوی عاملی اصفهانی .
- ۵ - مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی اصفهانی .
- ۶ - مرحوم حاج شیخ محمد تقی مشهور به آقا نجفی اصفهانی .
- ۷ - مرحوم حاج آقا نور الله ثقة الاسلام اصفهانی .
- ۸ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی نجفی اصفهانی .

تقدم و تاخر نامبردگان مربوط بسال وفات آنها میباشد .  
بخش دوم شامل شرح حال کلیه اولاد و اعقاب مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی .

بخش سوم شامل اسامی و شرح حال کلیه وابستگان باین خاندان جلیل البته از طبقه روحانیون و علماء بزرگوار .

خاتمه در ذکر آثار باقیمانده از این خاندان :

۱ - موقوفات

۲ - مساجد نو بنیاد

۳ - مدارس خمسه

ذکر دو حدیث : گفتیم که بخش یکم شامل شرح حال هشت تن از علماء بزرگوار است به تعداد ابواب بهشت اینک بی مناسبت نیست به حدیث زیر توجه نمائید :

۱ - مرحوم صدوق علیه الرحمه در خصال ( ص ۱۷۳ دوم حدیث ۴ ) از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که : جابر جمفی می گوید آنحضرت ضمن حدیثی فرمودند :

احسنوا الظن بالله واعلموا ان للجنة ثمانية أبواب . . .

بخداوند تبارک و تعالی خوشبین و امیدوار باشید و بدانید که بهشت دارای هشت درب می باشد .

۲ - أيضاً مرحوم صدوق در خصال ( ص ۱۷۰ دوم حدیث سوم ) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که : حفص بن غیاث نخعی گوید که شنیدم که حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمود :

ان حملة العرش ثمانية لكل منهم ثمانية اعین . . .

بدرستی که حاملین عرش حضرت رب العزه هستند و برای هر کدام از آنان هشت چشم میباشد .

۳ - مرحوم حاج شیخ علی بارجینی یزدی حائری ( فوت ۱۳۳۳ در کربلا ) در کتاب : السعادة الابدیة ( ص ۱۵۱ ) از حضرت علی علیه السلام روایت می کند که فرمودند :

ان للجنة ثمانية أبواب باب يدخل منه النبیون والصدیقون و باب يدخل منه الشهداء والصالحون و خمسة أبواب تدخل منه شیعتنا و محبوبنا فلا ازال واقفاً علی

الصراط ادعو واقول : رب سلم شيعتى ومحبى وانصارى ومن تولانى فى دار  
الدنيا . . . . . وباب يدخل منه ساير المسلمين ممن يشهدون لا اله الا الله ولم يكن  
فى قبله مقداره ذرة من بغضنا اهل البيت .

### سخنى چند با خوانندگان عزيز

از خوانندگان عزيز گرامى تقاضا مى شود به اين چند نکته از روى كمال  
دقت وانصاف نظر نموده وپس از آن بمطالعه كتاب شروع نمايند . قبل از اين  
توجه آنان تشكر و قدردانى مى كنم :

۱ - ما درباره هيچ يك از كسانى كه در اين كتاب ويا ديگر كتابهايمان از  
علماء بزرگوار ومجتهدين وديگر افراد از آنان نام برده ايم قائل به عصمت نبوده  
ونستيم و آنها را معصوم وخالى از نقص گناه نميدانيم لكن عموماً آنها را عادل  
مى شماريم وبايد توجه داشت كه عادل غير از معصوم است مطلبى كه بايد گفته  
شود اينكه برخى از آنان در حد اعلاى عدالت وعده اى در درجات كمتر قرار  
دارند .

۲ - هميشه در اطراف مراكز قدرت عده اى از افراد فرصت طلب وسودجو  
خسود را بعنوانى مختلف وارد ساخته ودر امورات مستقيم وغير مستقيم دخالت  
مى كنند بايد حساب اينان را باحساب فرد صاحب قدرت جدا كرد . درباره علماء  
ومجتهدين نيز معتقديم كه آنان نيز از اين قاعده مستثنى نبوده لكن يقين داريم  
كه اينان بدون رضايت وآگاهى علماء اقدامانى وكارهاى انجام ميداده اند كه از  
نظر شرعى وعرفى خلاف بوده است .

۳ - درباره برخى از علماء ومجتهدين كه در اين كتاب درباره آنها بحث شده



و نویسنده طبق مأخذ تاریخی و مستند عموماً آنها را بخوبی یاد کرده ( و الحق نیز قابل همه گونه ستایش بوده اند) از طرف مخالفین روحانیت و دشمنان اسلام و یا مخالفین خود آنان مطالبی گفته شده و یا در جایی نوشته اند باید در اینگونه گفته ها و نوشته ها اندکی بیشتر دقت کرد و دانست که : گوینده و نویسنده آنها چه کسانی هستند آیا آنها از سفارتخانه ها مستقیماً یا غیر مستقیم دستور داشته ؟ وابسته به فرقه و گروه مخصوصی بوده ؟ غرض شخصی در کار بوده است و امثال اینگونه سؤاها .

در هر حال عجولانه و زود قضاوت نکنیم و اگر کشف حقیقت بر ما محقق نشد ساکت بمانیم و به نص صریح قرآن مجید عمل کنیم که میفرماید :

ولا تقف ما لیس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنده  
مسؤالا (سوره الاسراء - آیه ۳۶) .

باید داوری را به حضرت حق جل و علا که عالم السر و الخفیات است و اگذاریم که نفع دنیا و آخرت ما در آنست و بدانیم که او احکم الحاکمین است .

۴ - در شرح حال و نام بردن اشخاص ممکن است افراط و تفریط شده باشد بدین معنی که کسیرا بیشتر از حد شایستگی او ستایش کرده و یا برعکس آنرا که قابل ستودن و مدح بوده نستوده باشیم در اینگونه موارد هیچگونه نظر خاصی در بین نبوده و از خداوند تبارک و تعالی طلب مغفرت و از ارواح پاک صاحبان تراحم طلب گذشت می کنیم .

چند تذکر لازم :

- ۱ - کلیه تاریخها هجری قمری است مگر آنکه قید شود هجری شمسی .
- ۲ - از ذکر القاب علمی و تشریفاتی حتی المقدور اجتناب شده است ( مگر

آنچه از کتابی دیگر نقل شده باشد) و مقام علمی و پارسائی اشخاص عموماً بطور اجمال و مختصر ذکر شده و تفصیل آن مربوط به مصادر و مآخذ کتابست .

۳ - مآخذ بیشتر مطالب پس از نقل ذکر شده است مع الوصف در آخر کتاب نیز نام مصادر و مآخذ بطور تفصیل بیان خواهد شد .

۴ - خواهشمند است درباره مطالب کتاب و افراد احساسات فردی خودتان را ملاک قرار ندهید و نخوانده قضاوت نکنید و در همه حالات دو عامل مهم : زمان و مکان را فراموش نکنید و متوجه باشید که مسموعات نمیتواند جایگزین منقولات آنها از مؤلفینی مورد اعتماد قرار گیرد .

اکنون بخواست خداوند متعال و توجهات حضرات معصومین علیهم السلام بالاحص حضرت بقية الله الاعظم امام زمان روحی و ارواح العالمین له الفداء شروع در مقصود نموده و مقدمه را خاتمه میدهم .

ومن الله التوفيق وعليه التكلان

سید مصلح الدین مهدوی



( ١ )

شيخ جعفر بن خضر بن يحيى بن مطر بن سيف الدين  
جناجى رماحى نجفى

« كاشف الغطاء »

( ١٢٢٨ - ١١٥٦ )

« وكاشف الغطاء فقيه مبتكر »

جعفر الشيخ الجليل بن الخضر »

« نخبة المقال »



### شیخ جعفر کاشف الغطاء

نسب شریف : شیخ جعفر بن شیخ خضر بن یحیی بن مطر بن سیف مالکی  
( قنافی ) جنابی رماحی نخعی نجفی از اعقاب جناب مالک اشتر نخعی از  
خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام .

مالک اشتر : جناب مالک بن حارث بن حمید بن ( عبد ) یغوث بن سلمه  
ربیعی نخعی اشجع شجاعان و از تابعین بوده در جنگهای یرموک و جمل و صفین  
حاضر و شجاعتهای او زبانزد دوست و دشمن گردیده در سال ۳۸ هجری از طرف  
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بحکومت مصر منصوب گردید و آنحضرت  
قبل از حرکت او عهد نامه ای بعنوان او مرقوم داشت و دستور العمل و طرز  
حکومت او و کلیه حکمرانان را در آن عهد نامه مرقوم داشت . این عهد نامه  
تا کنون بوسیله بسیاری از بزرگان علماء و مجتهدین شرح و ترجمه شده و بسیاری از  
آنها نیز بچاپ رسیده است .

باری چون خبر انتصاب او به حکومت مصر بمعاویه رسید دهقان عربی که  
منزلی بین راه بود را بفریفت و او را مأمور مسموم ساختن جناب مالک اشتر  
نمود و نیز آن بزرگوار را به غسل مسموم مقتول ساخت و با این جنایت و خیانت  
حضرت امیر علیه السلام را اندوهگین و معاویه را خرسند گردانید .

فرمایش امام علیه السلام درباره مالک و گفتار معاویه : اخبار زیادی از ناحیه حضرت امیر علیه السلام درباره جناب مالک اشتر رسیده است از آنجمله : کانلی کما كنت لرسول الله صلى الله عليه وآله . و این خود بزرگترین افتخار است برای مالک و اعقاب او تا روز قیامت .

چون خبر شهادت جناب مالک به معاویه رسید بسیار خوشحال شد و گفت : خداوند را لشکرهائی است از عسل ، و همچنین در منبر گفت که حضرت علی علیه السلام دو دست داشت عمار و مالک اولی در جنگ کشته شد و دومین نیز امروز بریده شد .

چون جناب مالک در کنار بحر احمر در عریش شهید گردید جنازه او را به مدینه نقل کرده در آنجا دفن کردند .

معاویه قاتل اصلی جناب مالک : اکنون که مالک اشتر را بطور اجمال شناختیم و موقعیت او را در نزد حضرت علی علیه السلام دانستیم بهتر آنست که معاویه محرك و آمرقتل او را نیز بشناسیم و چون بنای ما در این جا فقط بیان شرح حال مالک بود فقط بذکر قطعه‌ای از حکیم سنائی اکتفاء می کنیم :

داستان پسر هند مگر نشیندی

که از او سه کس او به پیمبر چه رسید

پسر او دو دندان پیمبر بشکست

مادر او جگر عم پیمبر بمکید

او بناحق حق داماد پیمبر بستاد

پسر او سر فرزند پیمبر بیرسد

بر چنین قوم تو امنت نکنی شرمت باد

لعن الله یزیداً و علی آل یزید

اعقاب جناب مالك اشتر : فرزند جناب مالك ابراهيم نام داشته و فرزندش خولان و پسرش حمدان و فرزند حمدان ابو النجم نامیده میشود ، و او از اجداد عده‌ای از عشایر کنار فرات بنام آل علی و موالک می‌باشد که مرحوم شیخ جعفر نجفی از جمله آنهاست .

همچنین نسب عده‌ای از بزرگان علماء و فقهاء بجناب مالك منتهی میشود از آنجمله :

۱ - حاج محمد ابراهيم بن حاج محمد حسن بن حاج محمد قاسم کاخکی کرباسی معروف به حاجی کلباسی اصفهانی .

۲ - اسکندر بن دریس خرقانی .

۳ - شیخ محمد حسن بن شیخ محمد ابراهيم یزدی اصفهانی جد خاندان اشتری اصفهانی ( فوت ۱۲۸۶ ) .

۴ - ورام بن ابی فراس بن عیسی بن ابو النجم مالکی مؤلف : مجموعه ورام بنام تنبیه الخواطر .

۵ - جناب سید بن طاووس از نواده دختری ورام بن ابی فراس می‌باشد ( سید احمد و سید علی بن موسی ) در چهار محال بختیاری عده‌ای از مردم آنجا نیز به مالکی معروف و خود را به جناب مالك اشتر منسوب میدانند .

۶ - همچنین در اصفهان و بعضی از شهرهای دیگر عده‌ای به : اشتری شهرت دارند و خود را از اعیان جناب مالك میدانند .

اکنون که بطور اجمال از سرگذشت اسلاف مرحوم شیخ جعفر آگهی حاصل شد گوئیم :

آل علی و موالک طایفه بزرگی هستند که برخی از آنان در نواحی شام و جمعی در حوالی حله زندگانی می‌کنند و عموماً به امر زراعت و دهقنت مشغولند در بین



آنان در اواسط قرن دوازدهم جناب شیخ خضر جهت تحصیل به نجف مهاجرت می‌کند و در سلك علماء وزهاد و عباد قرار می‌گیرد .

شیخ خضر نجفی

( ۱۱۸۱ - ..... )

مرحوم شیخ خضر بن یحیی عالم زاهد و روح متقی از شاگردان و تربیت یافتگان نزد مرحوم آقا سید هاشم خطاب که از اهل زمان و اعباد مردم در عهد خود بوده و همانست که :

نادر شاه در سفر عراق او را دیدار کرد و چون صله و انعام شاه را نپذیرفت به او گفت که :

شما حقاً زاهد می‌باشید که دنیا را ترك کرده‌ای ( یا خیلی زاهد هستید ) آن مرحوم در جواب فرمود :

تواز من زاهدتری که ترك آخرت نموده‌ای<sup>۱)</sup> وفات سید هاشم در سال ۱۱۶۰ یا ۱۱۶۷ بوده و وصیت نموده بود که شیخ خضر متصدی امر غسل و نماز من شود ( ص ۲۵۴ سوم معارف الرجال ) و هم نقل شده است که گفته بود هر کس می‌خواهد روی يك فرداز بهشتیان را ببیند بصورت شیخ خضر نگاه کند و هم نقل شده است که مرحوم شیخ خضر از جمله سعادتمندانی است که موفق بزیارت حضرت بقية الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گردیده و هم جناب خضر علی نبینا و علیه السلام را ملاقات نموده است . ( یا یکی از آندو بزرگوار را ) .

جناب شیخ خضر در سال ۱۱۸۱ در نجف اشرف وفات یافته و در یکی از حجرات رواق مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام نزدیک مرقد مرحوم مقدس اردبیلی

---

۱) این سخن را به بهلول عاقل و هرون الرشید نیز نسبت میدهند .

دفن گردیده و این دو سطر شعر از مرثیه سید صادق فحام بر سنگ قبرش منقور است :

یا قبر هل أنت داراً حویت و من  
علیه حولک ضیح البس و الحضر  
اضحی بک الخضر مرموساً و لا عجب  
یموت قبل ظهور القائم الخضر  
مرحوم شیخ خضر دارای چهار فرزند پسر بسوده که هر یک سر سلسله یک  
خانان علمی در نجف اشرف شده‌اند و آنان عبارتند از :

- ۱ - شیخ حسین جد آل شیخ خضر ( فوت بعد از ۱۱۹۶ ) .
- ۲ - شیخ محسن جد آل شیخ راضی .
- ۳ - شیخ جعفر کاشف الغطاء جد خاندان کاشف الغطاء .
- ۴ - شیخ محمد ( شیخ عبدالله ) جد خاندان شیخ علیوی .

### جناب شیخ جعفر علیه الرحمه

نام : شیخ جعفر نجفی

شهرت : کاشف الغطاء یا صاحب کشف الغطاء ، شیخ اکبر ، شیخ الطائفه  
پدر: شیخ خضر بن یحیی بن مطربن سیف ( پدرش را خضیر نیز نوشته‌اند )  
شهرت خاندان : آل علی - موالک

محل سکونت پدران : جناحیه ( قباچه ) در کنار ساحل فرات مجاور کوفه  
مادر : نام مادر و خصوصیات خاندان مادری ایشان غیر معلوم است لکن  
برحسب قرائن و همچنین سیره عشایر از همان قبیله و عشیره خود ایشان می‌باشد .  
مرحوم شیخ جعفر جد مادری آقایان مسجد شاه اصفهان می‌باشد .

دختر مرحوم شیخ : بانو نسمة خاتون مشهوره به حبابه زوجه مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی و مادر مرحوم حاج شیخ محمد باقر می باشد .  
 نسمة خاتون نامبرده در حدود سال ۱۲۹۵ یعنی قریب نیم قرن پس از فوت شوهر و شصت و هفت سال پس از وفات پدر در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در بقعه تکیه شیخ محمد تقی ( تکیه مادر شاهزاده ) در جلو قبر شوهر مدفون گردید .

در اعلاط در انساب ( ص ۲ ) می نویسد :

مادر نسمة خاتون مخدره ای از اهل یزد بوده است بنابراین مرحوم شیخ جعفر در یکی از مسافرت های خود در شهر یزد این بانو را بزوجیت ( دائم یا موقت ) اختیار نموده و نسمة خاتون از او متولد گردیده است و العلم عندالله تبارک و تعالی .  
 تولد : تولد جناب شیخ جعفر را در سال ۱۱۵۶ در شهر نجف نوشته اند در هیچ يك از مآخذ موجود به روز و ماه آن سال اشاره نشده است .

اقوال مؤلفین و بزرگان : در هر کتابی که نامی از این شیخ بزرگوار برده شده خواه مستقلا و یا بمناسبت ویرا بعظمت و بزرگی و علم و فقاہت و عبادت و زهد و مطاعیت و دیگر صفات و سجایای مؤمن واقعی و انسان حقیقی ستوده اند و الحق در برخی از آن صفات همچون ایثار و گذشت و خدمت به فقراء و محتاجان و حلم و صبر از بسیاری از مردم بدرجاتی افزون بوده بطوریکه از مردم عادی زمان و علمای همعصر خود وعده زیادی از پیشینیان مقدم و ممتاز بوده است ذیلا جهت آگهی خوانندگان محترم بذکر چند گفتار مبادرت می کنیم :

۱ - روضات الجنات : علامه محقق زاهد مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در کتاب شریف روضات الجنات ( ص ۱۵۱ ) درباره مشار الیه می نویسد :  
 كان رحمة الله عليه من اساتذة الفقه والكلام وجهابذة العرفة بالاحكام معروفاً

بالنباة والاحكام منقحاً لدروس شرايع الاسلام مفرعاً لرؤس مسائل الحلال والحرام مروجاً للمذهب الحق الاثنى عشرى كما هو حقه ومفرجاً عن كل ما اشكل فى الادراك البشرى ويده رتقه وفتقه مقدماً عند الخاص والعام معظماً فى عيون الاعاظم والحكام غيوراً فى باب الامر بالمعروف والنهى عن المنكر . . . .

٢ - روضة البهية مرحوم آقا سيد محمد شفيح جابلقى در كتاب روضة البهية در ذكر مشايخ اجازة خود واجازة به دو فرزند دانشمندش سيد على اكبر وسيد على اصغر مرحوم شيخ را چنين وصف مى كند :

الشيخ المكرم المعظم ملجأ العرب والعجم ملاذكافة الامم منبع الفضائل الجليلة ومعدن السجايا الجميلة ناهج مناهج السوية بالغ المقاصد العلية مهذب المعالم الدينية المشتهر في جميع الامصار والافاق شيخنا وعمادنا الشيخ جعفر النجفى قدس الله روحه الزكية وهذا الشيخ افضل اهل زمانه بالفقه لم يرى مثله مبسوط اليد فى الفروع الفقهية والقواعد الكلية قوى غاية القوة مقبول القول عند السلطان والرعية . . . ( ص ٢٦ دوم العباة العنبرية ) .

٣ - حاج سيد جواد عاملى در جواب برخى از كسانيكه در باره مرحوم شيخ جعفر واعمال او از مسافرتهاى متوالى وديدار از سلطان وحكام وغيره اعتراض واپراد داشتند به آنان فرموده است :

يا لله للعجب العجاب انقول هذا فى حق :

رئيس المسلمين وحجة الله على الخلق اجمعين كهف الانام ومرجع الخاص والعام وابو الارامل والايام صاحب العلوم العجيبة والكرامات الباهرة الغربية من لم تسمح بمثله الايام ونعجز عن انتاج شكله الاحوام فلا يضاھيه انسان ولاحتوت على مثله الا زمان ولا يحيط بكنهه الواصفون ولا يعلم اقل مزاياه العالمون . . . .

( ص ٢٧ دوم العباة العنبرية ) .

۴ - مرحوم محدث قمی در فوائد الرضویه ( ص ۷۰ یکم ) می نویسد :  
علم الاعلام وسيف الاسلام خريت طريق التحقيق والتدقيق، مالك ازمة الفضل  
بالنظر الدقيق النقاد الخبير الشيخ الكبير شيخ الفقهاء صاحب كشف الغطاء حجة الاسلام  
فقيه اهل البيت عليهم السلام احله الله في اعلى غرف دار السلام .

و در هدية الاحباب ( ص ۱۷۸ چاپ اول ) می نویسد :  
علم الاعلام وسيف الاسلام شيخ الفقهاء الغمام شيخ اكبر آقا شيخ جعفر ...  
۵ - قصص العلماء ( ص ۱۸۳ ) مرحوم آقا میرزا محمد تنكابنی علیه الرحمه  
در شرح حال آن جناب می نویسد :

عالم اذخر واستاد اكبر ومهر سبهر فقاھت وجلالت ومتاع فلك زھادت وتقاوت  
ونقاوت وزبده ارباب عبادت وفذلك صاحبان كرامت نادرة زمان واعجوبه دوران  
واغلوطة دھر خوان است انصاف اينكه در احاطه بفروع فقهيه از طهارت تاديات  
وتكنير فروع از زمان غيبت معصوم عليه السلام تا اين زمان در تحت قبه فلك مانند  
شيخ جعفر فقهی پا در دايرة وجود نگذاشته از او گذشته در تفريع وفهم حكم  
شهيد اول است .

بيان شيخ در باره موضوعات فقهی : مرحوم تنكابنی در دنباله مطالب فوق  
از قول مرحوم شيخ جعفر می نویسد :

الفقه باق على بكارته لسم یمسه أحد الا انا والشهيد وولدی موسى . ( انتهى  
محل الحاجة ) تحقيق در اين موضوع از بحث ما خارج ومربوط به علمای  
بزرگوار است .

۶ - كشف الانوار : مرحوم سيد عبد الله شبر در اول حديث اول از كتاب  
نامبرده مشايخ واسانيد خود را ذكر می كند و گوید :  
ومنهم وهو اعظمهم شأناً مكاناً واقومهم برهاناً ملاذ الانام وعلم الاعلام فرید

الدهر وناموس العصر وعظيم القدر صدر صدور الافاضل وبدر بدور المحاسن  
جامع اشقات الفضائل ووارث علوم الاواخر والاولائل ورافع مشكلات عن معضلات  
بمحكمات الدلائل خريت طريق التحقيق بالنظر الدقيق ومهذب مسائل الدين الوثيق  
ومقرب مقاصد الشريعة من كل فج عميق شعائر الاسلام والدين وحجة الله على  
العالمين المؤيد من الله بلطفه الجلى والخفى شيخنا ومولانا الشيخ جعفر النجفى.  
٧ - معارف الرجال مرحوم شيخ محمد حزرالدين نجفى رحمة الله عليه در  
كتاب نامبرده ( ص ١٥٠ يكم ) درباره آنجناب مى نويسد :

الفيقه المشهور شيخ الطائفة فى عصره عند الاماميه فى الاقطار الاسلاميه عامة  
والعراق وايران خاصة العلم الذى استظل به المسلمون فى امر الدين والدنيا  
والفتاوى له المآثر الحميدة التى لاتحصى والاخلاق الفاضلة التى لا نلىق الا بمثله .

٨ - مقابيس ( مقابس ) مرحوم شيخ اسدالله كاظمينى درباره استاد وپدر زن

خود مى نويسد :

استاد السعيدالشيخ الاعظم الاعلم قدوة الانام وسيف الاسلام علم الاعلام علامة  
العلماء الكرام خريت طريق التحقيق والتدقيق مهذب مسائل الدين الوثيق مالك  
تقريب مقاصد الشريعة من كل فج عميق وحيد العصر وفريد الدهر ومدار الفصل  
والوصل ومنار الفخر والفضل خاتمة المجتهدين واسوة الافاضل المعتمدين وحامى  
بيضة الدين وماحى آثار المفسدين بدر النجوم وبحر العلوم المؤيد المسدد من  
الحى القيوم شيخى واستادى ومعتمدى واستنادى وجد اولادى الاجل الاكمل  
الافضل الاورع الاجمل الالمعى اللودعى التقى النقى الرضى المرضى الزكى  
الذكى الوفى الصفى الخائض المغمور فى عواطف بحار لطف الله الجلى والخفى  
الشيخ جعفر بن المرحوم والمبرور الشيخ خضر النجفى . . . . ( ص ٢٧ يكم  
العبارات العنبريه - ص ١٩٤ وحيد بهبهانى چاپ دوم ) .

در دیگر کتابها نیز کم و بیش وی را به همین گونه ستوده‌اند و آنچه نقل شد  
جهت آگاهی مطالعه کنندگان کافی می‌باشد .

ابتداء وانتهای کار مرحوم شیخ جعفر نجفی : در روضات الجنات (ص ۱۵۱)  
علامه خوانساری پس از شرحی و توصیفی که از صفات و اخلاق آن بزرگوار  
می‌نویسد می‌فرماید :

در اوایل امر تحصیل عالمی عیالمند و فقیر بود و روزگار بسختی می‌گذرانید  
پس بآن اندیشه شد که از راه استیجار نماز و روزه جبران کمبود هزینه زندگانی  
خود را بنماید و باین منظور مدت سی سال نماز و روزه استیجاری قبول فرموده  
و از اینراه نواقص مخارج خود و عیالات خود را بر طرف گردانید .

نویسنده گوید : این چنین بوده است وضع بسیاری از بزرگان و مراجع  
معروف آنست که مولی صالح مازندرانی و سید نعمت الله جزائری قدرت تهیه  
چراغ جهت روشنائی در شبها نداشته و برای مطالعه از چراغ مستراح مدرسه  
استفاده میکردند . مرحوم سید حجة الاسلام آنقدر فقیر بود که کفش او پاشنه  
نداشت و دو روز و سه روز غذا بدست نمی‌آورد و در يك مرتبه حاجی کلباسی  
که رفیق و همدرس و هم مباحثه او بود بحجره او رفته مشاهده می‌کند که وی از  
شدت گرسنگی و ضعف غش کرده و بیهوش در گوشه حجره افتاده فوراً غذائی  
تهیه کرده و به او می‌خوراند اما در آخر کار اراده حضرت حق جل و علا بر آن  
قرار گرفت که شیخ جعفر در برابر آن صدمات و رنجها که در تحصیل علم برد  
شیخ المشایخ عرب و عجم شد و سید حجة الاسلام در برابر آن صبر و شکیبائی  
و مشقت در کسب دانش مرجع کل و رئیس مطلق و حجة الاسلام علی الاطلاق و یکی  
از معروفترین ثروتمندان زمان گردید سعدی می‌گوید :

الا لا تجارن اخو البلیه فللرحمن الطائف خفیه

اسائید و مشایخ اجازه مرحوم شیخ جعفر نجفی علیه الرحمه :

مرحوم شیخ اکبر جناب حاج شیخ جعفر نجفی در نزد جمعی از فحول و اکابر مجتهدین و بزرگان تحصیل نموده و از عدای از آنان اجازه روایت و اجتهاد دارد از آنجمله :

۱ - مرحوم وحید بهبهانی از اکابر مجتهدین و مجدد مذهب شیعه در اول قرن سیزدهم هجری استاد و شیخ روایت جناب شیخ جعفر نجفی برای آگاهی از شرح حال آن مرحوم به کتاب : « وحید بهبهانی » تألیف دانشمند محترم حاج شیخ علی دوانی مراجعه نمایند .

۲ - مرحوم شیخ محمد تقی دورقی ( بفتح دال وراء و سکون و او شهری است در خوزستان ) از اکابر علماء و مجتهدین جامع معقول و منقول و از مشاهیر علمای نجف بوده و عده زیادی از بزرگان در خدمت او تحصیل نموده اند از آنجمله : شیخ جعفر نجفی صاحب ترجمه و مرحوم آقا سید مهسدی بحر العلوم طباطبائی می باشد . مرحوم دورقی علاوه بر مقام اجتهاد ادیب و شاعر و عضو انجمن معروف به « معركة الخمیس » بلکه رئیس و مقتدای آن جمع بوده و در خدمت مرحوم آقا سید عبدالله تستری تلمذ نموده است فوت مشار الیه در سال ۱۱۸۷ در نجف رویداده و در خانه خود در محله خویش مدفون گردید ( معارف الرجال ۲۰۲ دوم ، فوائد الرضویه ۴۳۲ دوم ) .

۳ - مرحوم شیخ خضر بن یحیی جناجی پدر آن بزرگوار در برخی از کتب نام او خضیر نوشته شده و ظاهراً اشتباه می باشد .

۴ - مرحوم سید ابو احمد صادق فحام فرزند سید علی حسینی اعرجی حلی نجفی سید جلیل عالم فاضل شاعر ادیب در نزد شیخ خضر جناجی در نجف و سید مرتضی طباطبائی ( پدر سید بحر العلوم ) در کربلا تلمذ نموده تا بمرتب



عالیه‌ای از علم و تحقیق رسید در معارف الرجال (ص ۳۶۶ یکم) می‌نویسد در زمان خود به ، گاهی ویرا : شیخ الادب وزمانی قاموس لغة العرب میخواندند ویرا تألیفانی است از آنجمله : ۱- تاریخ نجف و آثار آن ۲- تقریض بر تخمیس دریدیه ۳ - الدرۃ النجفیه فی علم الغربیه ۴ - دیوان اشعار ۵ - شرح شرایع ۶ - شرح شواهد قطر الندی ( ابن هشام ) ۷ - کتابی در فقه از طهارت تا نوافل ماه مبارک رمضان و شب عید فطر ۸ - مراسلات و ملاحظات که بین او و شعراء علماء زمان واقع گردیده و قسمتی از آن بنام اخوانیات نامیده شده است .

در معارف الرجال (ص ۳۶۶ یکم) می‌نویسد :

سید بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء علم نحو را در اوایل امر با بعضی از علوم ادبی نزد آن مرحوم خوانده‌اند .

مرحوم سید صادق فحام در سال ۱۱۲۴ در قریه حصین از قرای حله متولد گردیده و ۲۱ شعبان سال ۱۲۰۵ در نجف وفات یافته در خانه خود در محله براق ( مشراق ) دفن گردید و قبرش زیارتگاه است فوت او را در ۱۲۰۴ و ربیع ۱۲۰۶ و ۱۲۰۹ نیز گفته‌اند لکن قول صحیح همان ۱۲۰۵ می‌باشد .

مرحوم سید احمد عطار در ضمن قطعه‌ای ماده تاریخ فوت او را : عز علی الاسلام موت الصادق مولی الاجل گفته و شیخ مسلم ضمن قصیده‌ای تاریخ آنرا : اسیء الحدیث الیوم من رزه صادق سروده است . ( احسن الودیعه ص ۴ یکم - فوائد الرخویه ص ۲۱۰ - معارف الرجال ص ۳۶۵ یکم - مکارم الاثار (ص ۲۰۵ یکم) .

در روضات الجنات میفرماید که : سید صادق فحام استاد شیخ جعفر وهم شیخ روایت آن مرحوم است .

۵ - مرحوم شیخ ابو صالح محمد مهدی بن بهاء‌الدین محمد فتونی عاملی

عالم فاضل فقیه محدث از اساتید معروف فقه و اصول و استاد و شیخ روایت جمعی کثیر از بزرگان علماء و مجتهدین قرن دوازدهم هجری در معارف الرجال ( ص ۸۰ سوم ) گوید : ولی ریاست علمی و ادبی داشته کاتبی بلیغ و شاعری نیکو سخن بوده وی « شاعر العلماء و عالم الشعراء » می باشد وی از اعضاء انجمن ادبی معروف به : معركة الخمیس بوده نزد مولی ابی الحسن شریف عاملی تلمذ نموده وهم از او و از میرزا محمد مهدی شهرستانی روایت می کند کتب زیر از تألیفات اوست :

۱ - ارجوزه در تواریخ مولید و وفیات ائمه معصومین علیهم السلام ۲ - انساب مشجر ۳ - دیوان اشعار ۴ - رساله در عدم انفعال آب قلیل ۵ - نتایج الاخبار در فقه و غیره . مرحوم فتونی در سال ۱۱۸۳ در نجف اشرف وفات یافته و در همان ارض مقدس بخاک رفته است رحمة الله علیه .

۶ - علامه جلیل فقیه اهل البیت مرحوم حاج سید مهدی بحر العلوم طباطبائی بروجردی نجفی علیه الرحمه .

مرحوم کاشف الغطاء پس از آنکه از کربلا به نجف اشرف مهاجرت نمود مدت زمانی بعنوان تلمذ و تدریس در بحر العلوم حاضر گردید در صورتیکه احتیاج به حضور و استفاده از آن حوزه علمی را نداشت لکن بهعلی که نقل شد و دیگر علتها حضور در آن مجلس را منتقم شمرده و چند گاهی حاضر از محضر مقدس گردید.

در العباقات العنبریه ( ص ۸۲ دوم نسخه عکسی ) می نویسد :

مدت حضور مرحوم شیخ در جلسه درس مرحوم سید بحر العلوم يك هفته یا دو هفته بوده است .

کسانیرا که نام بردیم از اساتید مرحوم شیخ جعفر نجفی بودند که ما تاکنون از آن آگهی داریم و شاید جمعی دیگر نیز باشند که نام آنها در جایی و کتابی ثبت نشده است و همچنین ممکن است از برخی از اساتید شعر و ادب حاضر در

انجمن ادبی : معركة الخمیس در شعر وادب بهره مند شده باشد .  
احترام معلم : در معارف الرجال ( ص ۳۶۶ یکم ) در ضمن بیان اساتید  
مرحوم سید صادق فحام می نویسد :  
سید بحر العلوم و شیخ کاشف الغطاء نجفی در ابتدای امر نزد او تحصیل  
علم نحو و ادبیات نمودند و چون به مقامات عالیه ریاست و عظمت رسیدند آن مرحوم  
را بی نهایت احترام می نمودند .

حاجی نوری در دارالسلام ( ص ۳۹۲ دوم ) پس از ذکر شاگردی آندو  
بزرگوار در نزد مرحوم سید صادق فحام می نویسد :  
در ایام ریاستشان جهت رعایت حق استادی و تعلیم دست او را می بوسیدند .  
در برخی از کتب دیده شده است که مرحوم شیخ با آنهمه مقام و عظمت  
جهت رعایت مقام استادی و هم سایر خصوصیات که در مرحوم سید بحر العلوم  
بود با تحت الحنك خویش کفش های او را پاك مینمود <sup>(۱)</sup> .

در قصص العلماء ( ص ۱۵۰ ) می نویسد: مرحوم سید محمد باقر حجة الاسلام  
و حاجی کلباسی در سوابق ایام در خدمت حاج ملا علی نوری درس خوانده  
بودند .

مرحوم حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام هر گاه با حاجی ملا علی نوری همراه  
بودند و برای می رفتند او را مقدم بر خود نموده و هیچگاه جلوتر از او و یا همردیف  
او حرکت نمی کردند .

این است طرز رفتار علمای اسلام نسبت به معلمین و اساتید خود که باید همه  
دانش آموزان در هر رتبه و مقامی که برسند آنرا نصب العین خویش قرار دهند .  
از فرمایشات منسوب به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که فرمودند :

---

(۱) صفحه ۴۱۶ دوم مکارم الآثار به نقل از صفحه ۳۸۳ سوم مستدرک الوسائل .

من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً .

اسامی برخی از شاگردان و مجازین از مرحوم شیخ جعفر نجفی علیه الرحمه:  
بی گمان مرحوم شیخ جعفر نجفی یکی از نوادر روزگار و از اعاجیب زمان خود (بلکه  
تمام زمانها) بوده در تحقیق و تدقیق اصول و فروع کم نظیر بلکه عدیم النظیر  
بوده است . در موقع بحث و تدریس همچون دریائی مینموده که گوهرهای علم  
و دانش را به شاگردان خود افاضه نموده و از گفته منسوب به خود اوست که  
فرموده بود :

فقه همچنان در حال بکارت خود بود و سه فن توانستند با او درآمیزند ! من  
و مرحوم شهید و پسر شیخ موسی .

عموم علماء و فقهاء زمان در نجف و غیره در خدمت او تلمذ نموده و یا از او  
اجازه روایت دارند که احصاء نام همگی آنها فعلاً غیر مقدور است . ذیلاً بعنوان  
تیمن و تبرک بنام جمعی از آنها اشاره می کنیم :

۱ - سید ابراهیم بغدادی ( العیقات العنبریه )

۲ - شیخ ابراهیم

۳ - ابراهیم بن حسن بن عباس بلاغی ( فوت ۱۲۴۶ )

۴ - ابراهیم بن حسن بن علی قفطان ( ۱۱۹۹ - ۱۲۷۹ )

۵ - حاج محمد ابراهیم بن حسن بن قاسم کلباسی ( ۱۱۸۰ - ۱۲۶۱ )

( الکرام البرره - ص ۱۴ یکم )

۶ - شیخ ابراهیم بن علی معروف به مشهدی ( ص ۲۰ یکم الکرام )

۷ - شیخ ابراهیم بن یحیی عاملی ( ۱۱۵۴ - ۱۲۱۴ ) ( ص ۲۵ یکم

الکرام )

۸ - سید ابوالقاسم بن حسین نهاوندی ( ص ۵۵ یکم الکرام )

- ٩ - سيد احمد بن حبيب زوين ( ١١٩٩ - ١٢٧٠ ) ( ص ٢٩٢ هفتم  
ايعان الشيعة )
- ١٠ - شيخ احمد بن حسن نحوى ( فوت - ١٢٨٧ ) ( ص ٥٩ يكم  
معارف الرجال )
- ١١ - شيخ احمد بن زين الدين احسائي رئيس شيخيه ( ١٢٦٦ - ١٢٤١ )  
( ص ٢٧٨ هشتم ايعان الشيعة )
- ١٢ - آقا احمد بن محمد على بهبهانى كرمانشاهى ( ١١٩١ - ١٢٣٥ )  
( ص ١٠٠ يكم الكرام )
- ١٣ - سيد احمد بن محمد بن على عطار ( ١١٢٨ - ١٢١٥ ) ( ص  
١١٢ يكم الكرام )
- ١٤ - شيخ احمد بن محمد بن محسن دورقى ( فوت ١٢٤٧ ) ( ص  
٦٨ يكم معارف الرجال )
- ١٥ - حاج ملا احمد بسن مهدى بن ابى ذر نراقى ( ١١٨٥ - ١٢٤٥ )  
( ص ١١٦ يكم الكرام )
- ١٦ - شيخ اسحق خماسى ( فوت ١١٧٣ ) ( ص ٩٠ يكم معارف  
الرجال )
- ١٧ - شيخ اسمدالله بن اسماعيل تسترى كاظمينى ( ١١٨٥ - ١٢٣٤ )  
( الكرام البرره ص ١ يكم )
- ١٨ - سيد محمد باقر بن احمد قزوينى ( فوت - ١٢٤٦ ) ( ص ١٦٩  
يكم الكرام )
- ١٩ - حاج سيد محمد باقر بن نقى حجة الاسلام سمنى ( ١١٨٥ - ١٢٦٠ )  
( الكرام البرره ص ٢٥٢ يكم )

- ۲۰ - آقا محمد تقی خاله زاده آقا احمد کرمانشاهی ( بعد از ۱۳۲۳ )  
( ص ۲۰۱ یکم الکرام )
- ۲۱ - شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی اصفهانی ( حدود ۱۱۸۵ -  
( ۱۲۴۸ ) ( الکرام البرره ص ۲۵۲ یکم )
- ۲۲ - شیخ محمد تقی بن محمد ملا کتاب نجفی ( فوت - ۱۲۵۰ )  
( ص ۲۲۵ یکم الکرام )
- ۲۳ - شیخ محمد تقی بن محمد قزوینی شهید ثالث ( شهادت - ۱۲۶۳ )  
( ص ۲۲۶ یکم الکرام )
- ۲۴ - شیخ جواد بن محمد تقی ملا کتاب ( ۱۲۰۰ - ۱۲۶۴ ) ( ص  
( ۲۷۶ یکم الکرام )
- ۲۵ - سید جواد بن علی امین عاملی ( فوت بعد از ۱۲۲۹ ) ( ص  
( ۲۸۵ یکم الکرام )
- ۲۶ - سید محمد جواد بن محمد حسینی عاملی ( بین ۶۰ و ۱۱۵۰ -  
( ۱۲۲۶ ) ( الکرام البرره ص ۲۵۲ یکم )
- ۲۷ - سید حبیب بن احمد زوین نجفی ( فوت ۱۲۴۷ ) ( ص ۲۰۳ یکم  
معارف الرجال )
- ۲۸ - شیخ حسن قیسی عاملی ( فوت ۱۲۵۸ ) ( ص ۲۹۹ یکم الکرام )
- ۲۹ - شیخ محمد حسن بن باقر اصفهانی نجفی ( حدود ۱۲۰۲ - ۱۲۶۶ )  
( الکرام البرره ص ۲۵۲ یکم )
- ۳۰ - شیخ حسن بن جعفر کاشف الغطاء ( ۱۲۰۱ - ۱۲۶۲ ) ( الکرام  
البرره ص ۲۵۲ یکم )
- ۳۱ - شیخ حسن بن محمد حسین شراره ( بعد از ۱۲۲۷ ) ( ص ۳۲۲ )

- یکم الکرام)
- ۳۲ - شیخ حسن بن علی قفطان ( حدود ۱۱۷۸ - ۱۲۷۸ )
- ۳۳ - مولی محمد حسن بن معصوم قزوینی شیرازی ( فوت ۱۲۴۰ )
- ۳۴ - سید حسن قزوینی
- ۳۵ - سید حسن عطار بغدادی الاصبم ( فوت بعد از ۱۲۲۸ )
- ۳۶ - شیخ حسین نجف تبریزی ( ص العبقات العنبریه )
- ۳۷ - شیخ حمود بن اسماعیل ظالمی نجفی ( بعد از ۱۲۲۸ )
- ۳۸ - شیخ خضر بن شلال عنکاوی ( ۱۱۸۰ - ۱۲۵۵ ) ( ص ۴۹۴ )
- دوم الکرام)
- ۳۹ - سید خیر الدین بن میر خیر الله موسوی ( ص مقدمه اسلام در چهارده قرن )
- ۴۰ - شیخ راضی نصار ( فوت ۱۲۴۶ ) ( ص ۵۳۱ دوم الکرام )
- ۴۱ - میرزا رحیم قاضی طباطبائی نقیب الاشراف تبریزی
- ۴۲ - شیخ محمد رضا بن احمد نحوی ( فوت ۱۲۲۶ ) ( ص ۵۴۶ )
- دوم الکرام)
- ۴۳ - شیخ محمد رضا بن حمزه کاظمی ( بعد از ۱۲۲۳ ) ( ص ۵۵۲ )
- دوم الکرام)
- ۴۴ - شیخ محمد رضا بن محمد بن حاج نجف ( فوت ۱۲۴۳ )
- ( ص ۵۶۸ دوم الکرام )
- ۴۵ - سید محمد رضا بن سید مهدی بحر العلوم طباطبائی ( ۱۱۸۹ - )
- ( ۱۲۵۳ ) ( ص ۵۷۲ دوم الکرام )
- ۴۶ - میرزا رضا علی خان

- ۴۷ - شیخ زین العابدین بن محمد نجفی ( فوت ۱۲۰۰ )
- ۴۸ - شیخ سعد حویزی ( فوت ۱۲۷۴ ) ( ص ۵۹۷ دوم الکرام )
- ۴۹ - مولی محمد سعید دینوری صد تومانی ( حدود ۱۲۵۰ ) ( ص ۶۰۲ دوم الکرام )
- ۵۰ - سید سلیمان یزدی ( فوت ۱۲۵۲ ) ( ص ۶۰۵ دوم الکرام )
- ۵۱ - شیخ طالب بن حسن کاظمی از نسل جناب حبیب بن مظاهر اسدی ( فوت ۱۲۴۶ ) ( ص ۶۷۵ دوم الکرام )
- ۵۲ - شیخ عباس بن ابراهیم بلاغی ( فوت ۱۲۴۶ ) ( ص ۶۸۶ دوم الکرام )
- ۵۳ - شیخ عبد بن محمد بحرانی نجفی ( احتمالا ) ( ص ۶۹۶ دوم الکرام )
- ۵۴ - شیخ عبدالحسین بن محمد علی اصم نجفی ( ۱۱۵۶ - ۱۲۴۶ )
- ۵۵ - شیخ عبد علی بن امید علی جیلانی ( بعد از ۱۲۲۶ ) ( ص ۷۴۵ دوم الکرام )
- ۵۶ - شیخ عبدالله بن أحمد اجیلی ( ص ۷۶۷ دوم الکرام )
- ۵۷ - سید عبدالله بن رضا بشر حسینی کاظمینی ( ۱۱۸۸ - ۱۲۴۲ ) ( ص ۷۷۷ دوم الکرام )
- ۵۸ - شیخ عبد المجید بن ملا مهدی
- ۵۹ - ملا عبد الوهاب بن محمد علی قزوینی ( فوت بعد از ۱۲۶۰ ) ( ص ۸۰۹ دوم الکرام )
- ۶۰ - شیخ علاء الدین بن امین الدین طریحی ( ۱۱۶۵ - بعد از ۱۲۴۷ ) ( ص ۸۱۹ دوم الکرام )



- ۶۱ - شیخ علی از مشایخ اجازه سید کاظم رشتی (ص ۸۲۰ دوم الکرام)
- ۶۲ - سید علی قزوینی
- ۶۳ - شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء ( . . . - ۴ یا ۱۲۵۳ )  
( الکرام البرره ص ۲۵۲ یکم )
- ۶۴ - سید علی امین حسینی عاملی ( ص ۱۵۶ یکم معارف الرجال )
- ۶۵ - شیخ علی بن حسن کاظمی
- ۶۶ - آقا محمد علی بن آقا باقر وحید بهبهانی ( ۱۱۹ - ۱۲۴۵ )
- ۶۷ - آقا محمد علی بن آقا باقر هزار جرسی اصفهانی ( فوت ۱۲۴۵ )  
( الکرام البرره ص ۲۵۲ یکم )
- ۶۸ - شیخ محمد علی بن حسین اعسم ( فوت ۱۲۳۳ )
- ۶۹ - شیخ محمد علی بن عباس بلاغی ( فوت ۱۲۳۴ )
- ۷۰ - شیخ عیسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء ( ص ۸۳ یکم العیقات )
- ۷۱ - شیخ قاسم بن محی الدین عاملی ( فوت ۱۲۳۷ )
- ۷۲ - شیخ محسن بن اسماعیل دزفولی
- ۷۳ - سید محسن بن حسن حسینی اعرجی ( ۱۱۳۰ - ۱۲۲۷ )  
( الکرام البرره ص ۲۵۲ یکم )
- ۷۴ - شیخ محسن خضر جناجی برادر مرحوم شیخ ( العیقات الغنبریه )
- ۷۵ - شیخ محسن بن محمد خنفر ( حدود ۱۱۷۶ - ۱۲۷۰ )
- ۷۶ - شیخ محسن بن مرتضی اعسم ( فوت ۱۲۳۸ )
- ۷۷ - حاج محمد مشهدی مؤلف کتاب شرق و برق ( فوت ۱۲۵۷ )
- ۷۸ - سید محمد قصیر رضوی ( فوت ۱۲۵۵ )
- ۷۹ - شیخ محمد بن جعفر کاشف الغطاء ( فوت ۱۲۴۷ ) ( الکرام )

البرره ص ۲۵۲ یکم)

- ۸۰ - سید محمد بن حسن آل شکر عاملی شهید  
۸۱ - شیخ محمد بن خضر جناجی رماحی برادر مرحوم شیخ (الکرام  
البرره ص ۲۵۲ یکم)  
۸۲ - سید صدرالدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی (۱۱۹۳  
- ۱۲۶۴) (الکرام البرره ص ۲۵۲ یکم)  
۸۳ - مولی محمد بن مولی علی شهید زنجانی (فوت ۱۲۱۰) (ص  
۲۴۹ شهداء الفضيله)

۸۴ - محمد بن محسن

- ۸۵ - سید محمد بن معصوم رضوی (فوت ۱۲۵۵)  
۸۶ - محمد بن یونس بن حاج راضی شویهی (فوت ۱۲۴۰)  
۸۷ - محمد امین بن محمد حسین شراره (فوت ۱۲۷۵)  
۸۸ - شیخ مسلم بن عقیل جصانی (فوت ۱۲۳۰)  
۸۹ - شیخ موسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۱۸۰ - ۱۲۴۳)  
(الکرام البرره ص ۲۵۲ یکم)

این بزرگان ودهها بلکه صدها عالم و فقیه و مجتهد دیگر که در نجف اشرف  
و شهرهای اصفهان ، طهران و قزوین و یزد و دیگر شهرهای ایران که مدتها مرحوم  
شیخ در طول مسافرتهای خود در آنجاها ساکن بوده و محضرش مجمع علماء و فضلاء  
و حوزه درس و بحث و مباحثه مسائل علمیه بوده است از محضر پرفیض او کامیاب  
شده اند و یا به اخذ اجازه مفتخر گردیده اند که متأسفانه اسامی آنان بر نویسنده سطور  
مجهول است و ممکن است برخی از آنها از جمله علماء معروف و صاحب تألیف  
و تصنیف باشند .

صورت اجازته مرحوم شيخ جعفر كبير جهت حاجي كلباسي ( كرباسي ) :  
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي سلخ نور الوجود من ظلمة العدم  
ودل بتغيير العالم على انه الامتنزه بالوحدة والقدم وجعل شريعة محمد صلى الله  
عليه وآله وسلم كنار شبت على علم وصبره خاتماً للانباء وامته ختام الامم صلى  
الله عليه وآله سادات العرب والعجم، اما بعد فاني وانا العبد الاقل الاحقر المدعو  
بين الوري بجعفر لما ساقني الزمان بتوفيق الملك الديان الى زيارة سيدي ومولاي  
غريب خراسان صغار معبري على دار السلطنة دار الملك اصبهان فاتفق ان تشرفت  
بلقاء ولدي وقرّة عيني العالم العامل والفاضل الكامل دقيق الفكر والفظن الحاج  
ابراهيم نجل المرحوم الحاج حسن ادام الله ايام افادته مدى الدهر والقاءه حتى يفوز  
بلقاء صاحب الامر ( عجل الله تعالى فرجه الشريف ) وحيث انه قد تلمذ على  
برهة من الزمان ورأيت اهلنا نقد الاخبار المروية عن سادات آل عدنان اجزته دام  
ظله ورفع في الدارين محله ان يروي عنى ، رويته عن شيخى واستادى خاتم  
المجتهدين وعلامة المتأخرين ذى الفضل الباهر استادنا المرحوم آقا محمد باقر  
من مشايخه نور الله ضرايحهم وعن شيخى واستادى وملادى وعمادى وحيد الدهر  
وفريد العصر السيد مهدي الطباطبائى عن مشايخه: الاقا سابق الذكر والشيخ الفتونى  
والشيخ يوسف البحرانى نور الله مراقدهم ممن سبقهم من المشايخ الاعلام حتى  
تنصل السلسلة الشريفة بالصادقين عليهما السلام من الاخبار المسطورة فى الكتب  
المشهورة التى عليها المدار من الكافى والفقيه والتهذيب الاستبصار وكذا ما تضمنه  
كتاب الوسائل والبحار على شرط ان يأخذ بالاحتياط فى الدين ويأخذ فى النقل  
على النهج المبين ورجائى منه ان لا يبرح عن الدعاء وان يرجو نجاتى من رب  
السماء وان يهدى لى من اعماله الصالحة اذا نقلت من دار الفناء الى دار البقاء والله  
ولى التوفيق وهو خير رفيق .

نقل از خط مرحوم علامه آقا سید محمد حسن مجتهد موسوی اصفهانی که  
از خط مرحوم شیخ نقل نموده است .

تالیفات و آثار مرحوم حاج شیخ جعفر نجفی علیه الرحمه : در کتب تراجم  
رجال که شرح حال مرحوم شیخ را نوشته اند هر کدام به نام برخی از تالیفات ایشان  
اشاره کرده اند ذیلا فهرستی از مجموع این تالیفات برای آگاهی خوانندگان محترم  
نقل می کنیم :

۱ - اثبات الفرقه الناجیه : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۹۸ یکم) می نویسد:  
مرحوم شیخ در اجازه شیخ احمد احسائی آنرا بعنوان : رساله اصولیه فی  
اثبات مذهب الفرقه الناجیه من بین الفرق الاسلامیه نامیده است .

۲ - اجازات : مرحوم شیخ برای عده ای از شاگردان خود و همچنین جهت  
جمعی از علماء زمان خویش اجازه مرقوم فرموده که اگر آنها جمع آوری شود  
خود کنایه مستقل خواهد گردید . در الذریعه (جلد یکم) سه اجازه از اجازات  
مرحوم شیخ را نسام برده : ۱ - اجازه شیخ احمد احسائی ۲ - اجازه شیخ  
اسدالله کاظمینی ۳ - اجازه شیخ عبد علی جیلانی . در معارف الرجال افراد زیر  
را نیز جزو کسانی که از او روایت می کنند ذکر می نماید : ۱ - حاج محمد ابراهیم  
کلباسی ۲ - سید محمد باقر موسوی قزوینی ۳ - حاج سید محمد باقر حجة الاسلام  
شفتی ۴ - شیخ محمد تقی رازی ۵ - شیخ محمد تقی ملاکتاب نجفی ۶ - سید  
محمد تقی قزوینی ۷ - شیخ محمد حسن اصفهانی نجفی ۸ - شیخ حسن بن  
جعفر کاشف الغطاء ۹ - شیخ خضر بن شلال نجفی ۱۰ - سید رضا بحر العلوم  
طباطبائی ۱۱ - سید عبدالله شبر کاظمینی ۱۲ - شیخ علی بن جعفر کاشف الغطاء  
۱۳ - میرزا محمد علی هزار جریبی اصفهانی ۱۴ - سید محسن اعرجی ۱۵ - سید  
صدر الدین محمد عاملی اصفهانی ۱۶ - شیخ موسی بن جعفر کاشف الغطاء .

در بررسی و مطالعه کتب بنام جمعی دیگر از کسانی که از آن مرحوم اجازه روایت و اجتهاد داشته‌اند برخوردار می‌کنیم لکن ذکر همینقدر از اسامی فعلا کافی بنظر میرسد .

۳ - احکام الاموات : علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۹۴ یکم ) میفرماید : در کشف الحجب این کتاب بنام : رساله در احکام جنائز خوانده شده است .

۴ - بغیة الطالب فی معرفة المفروض والواجب نام رساله عملیه آن مرحوم می‌باشد و در آن فقط نقل فتوی شده و از ادله آن ذکر نموده است .

کتاب بر دو مطلب ترتیب یافته : ۱ - در اصول عقاید ۲ - در فروع احکام و از اول طهارت تا آخر نماز را شامل است .

آغاز : الحمد لله الذی اسس قواعد الاحکام و رفع دعائم الاسلام . . . . .  
پس از وفات مرحوم شیخ جعفر فرزند بزرگوار ایشان مرحوم شیخ حسن ، احکام روزه و اعتکاف را به آن اضافه نموده است .

هریک از شیخ حسن و شیخ علی و شیخ موسی پسران مرحوم شیخ و همچنین مرحوم شیخ اسدالله ذرفولی و مرحوم شیخ انصاری اعلی الله مقامهم بر آن حواشی مرقوم داشته‌اند ( ص ۱۳۳ سوم الذریعه ) .

ترجمه بغیه الراغب : کتاب بغیه الراغب چندین بار بفارسی بوسیله علمماء بزرگوار ترجمه گردیده است از آنجمله :

۱ - ترجمه بوسیله مرحوم شیخ اسدالله بن اسماعیل ذرفولی کاظمینی بنام تحفة الراغب علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۴۳ سوم ) میفرماید :

چندین نسخه از آن دیدم و در کتابخانه آستان قدس رضوی نسخه‌ای از آن موجود است که آنرا تاج ماه بیگم در سال ۱۲۶۲ وقف نموده است .

۲ - ترجمه لبعض الاصحاب علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۸۴ چهارم )

مؤلف آنرا نشناخته و نسخه‌های آنرا در کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء و سید آقا تستری نجفی نشان میدهد همچنین نسخه‌ای دیگر نیز که تاریخ کتابت آن ۱۲۵۳ بوده است .

۳ - ترجمه بوسیله دانشمندی شناخته نشده ( ص ۷۴ فهرست کتابخانه مسجد اعظم - قم ) .

دانشمند محترم جناب آقای حاج شیخ رضا استادی نویسنده محقق و متبع فهرست نامبرده درباره این نسخه می‌نویسند : مترجم شناخته نشد .

آغاز : الحمد لله الذي أسس . . . . وبعد سؤال کردند جمعی از . . .

شماره کتاب ( ۱۱۹۸ ) تاریخ کتابت ۱۲۲۸ کتابخانه مسجد اعظم - قم .  
شرح کتاب بغية الراغب : رساله نامبرده بوسیله مرحوم شیخ موسی فرزندی مرحوم حاج شیخ جعفر نجفی شرح شده و بنام منية الراغب نامیده شده است .  
در دو مجلد بزرگ تا آخر نماز جماعت تاریخ تألیف ۱۲۳۴ نسخه آن در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف بنظر علامه طهرانی رسیده و همچنین نسخه دیگری که تاریخ کتابت آن ۱۲۴۲ بوده است ( ص ۱۲۷ سیزدهم الذریعه و صفحه ۲۰۲ بیست و سوم الذریعه ) .

۵ - التحقيق والتنقيح فيما يتعلق بالمقادير یا میزان المقادير عربی مختصر مطبوع ( ص ۳۱۳ دوم فهرست مؤلفین کتب چاپی مرحوم مشار و ص ۴۸۵ سوم الذریعه ) .

۶ - الحق المبين في تصويب المجتهدين وتخطئة جهال الاخباريين عربی رساله‌ای است استدلالی و تحقیقی در ذکر موارد اختلاف بین مجتهدين و اخباریها و این رساله را مرحوم شیخ در سفر به اصفهان در این شهر بخواهش فرزندش مرحوم شیخ علی که ظاهراً همراه شیخ بوده تألیف فرموده تاریخ فراغت از تألیف

۵ رمضان سال . . . می باشد .

مرحوم شیخ در این رساله پس از شرح و بیان کافی درباره هر يك از آن دو گروه می نویسد :

بنابر این مجتهدین اخباری هستند و اخباریها مجتهدند و فضلاء طرفین رستگارانند و طعنه زندگان اهل هلاک . رساله نامبرده بچاپ رسیده است ( به ضمیمه فاروق الحق والقواعد الشرعية ) .

آغاز : الحمد لله الذي خلق الانسان وعلمه البيان ( ص ۳۷ هفتم الذریعه ) .  
۷ - شرح بر کتاب قواعد علامه حلی : کتاب بیع و طهارت ( ص ۱۸ چهاردهم الذریعه ) .

نسخه‌ای از آن بشماره ( ۳۶۸۱ ) در کتابخانه مسجد اعظم - قم بقطع رحلی قسمت مکاسب موجود است ( ص ۲۵۷ فهرست کتابخانه ) .

۸ - شرح بر کتاب مشکاة الهدایة تألیف مرحوم سید بحر العلوم طباطبائی .  
علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۶۵ چهاردهم و ۶۴ بیست و یکم ) می نویسد :  
نسخه آن در کتابخانه مرحوم شیخ علی بن شیخ محمد رضا کاشف الغطاء نجفی موجود است .

۹ - کتابی بزرگ در فقه در مبحث طهارت ( ص ۷۱ یکم فوائد الرضویة )  
محتمل است که این کتاب همان شرح بر کتاب قواعد علامه حلی باشد .

۱۰ - العقاید الجعفریة در اصول دین و اثبات امامت ائمه معصومین علیهم السلام و این کتاب همان فن اول کتاب : کشف الغطاء آئی الذکر تألیف آن مرحوم می باشد .

این کتاب را مرحوم آقا سید حسن صدر کاظمینی شرح نموده و آنرا :  
الدررالموسویة فی شرح عقاید الجعفریة نامیده است ( ص ۲۸۲ پانزدهم الذریعه ) .

۱۱ - غایة المأمول فی علم الاصول ( ص ۱۶ شانزدهم الذریعه ) .

علامه طهرانی در الذریعه میفرماید : نسخه‌ای از آن در کتابخانه شیخ هادی ابن عباس آل کاشف الغطاء در نجف موجود است و آن کتابی بزرگ و شامل تمام مباحث اصول می‌باشد و در اول آن فهرست مطالب نقل شده لکن نسخه بسیار غلط دارد و ظاهراً از تصنیفات اولیه مرحوم شیخ بوده همچنانکه در پشت نسخه ظاهر میشود .

۱۲ - غایة المراد فی احکام الجهاد ( ص ۱۶ شانزدهم الذریعه ) .

علامه طهرانی در الذریعه می‌نویسد : مرحوم شیخ کتاب را بخواهش عباس میرزا نایب السلطنه تألیف نموده است . نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی تاریخ کتابت ۱۲۲۷ و نسخه دیگر در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار نام این کتاب را « الحسام التبار فی قتال الکفار » نوشته‌اند .

آغاز : حمداً لمالک ادغم بقدرته کل متکبر جاحد ...

القواعد الجعفریة و آن شرح کتاب بیع از کتاب قواعد الاحکام تألیف علامه حلی است ( صفحه ۲۵۱ یکم الکرام البرره ) و این همان شرح قواعد علامه حلی سابق الذکر است .

۱۳ - القواعد الستة عشر و آن مجموعه شانزده قاعده است که شیخ موسی

نواده مرحوم شیخ جمع‌آوری کرده ( شیخ موسی بن محمد رضا بن موسی بن جعفر کاشف الغطاء از شاگردان جناب میرزای مجدد شیرازی و متوفی بسال ۱۳۰۶ در طهران در منزل مرحوم حاج شیخ فضل الله شهید نوری ) « معجم رجال الفكر والادب ص ۳۶۷ - میرزای شیرازی صفحه ۱۹۵ » .

مرحوم شیخ موسی در ۶ ذی القعدة سال ۱۳۰۵ در سامراء از جمع و تدوین این مجموعه فراغت یافته و کتاب در سال ۱۳۱۹ بضمیمه حق الیقین مرحوم شیخ



جعفر نجفی و فاروق الحق تألیف سید محمد قاضی دزفولی حائری و کتاب جبهه  
تألیف شهید ثانی یک جا بچاپ رسیده است .

قواعد شانزده گانه فقهی و اصولی عبارتند از : ۱ - قاعدة الاحسان ۲ - قاعدة  
الید ۳ - قاعدة الغرر ۴ - قاعدة : انما يحلل الكلام ويحرم الكلام ۵ - قاعدة  
الاعتداء ۶ - قاعدة ما يضمن وما لا يضمن ۷ - قاعدة الشرط ۸ - قاعدة الولاية  
۹ - قاعدة فعل النائب حكم فعل المنوب عنه ۱۰ - يغتفر في الثواني ما لا يغتفر  
في الاوائل ۱۱ - قاعدة ما لا يقبل النقل بالشرط والصلح وما لا يقبل ۱۲ - قاعدة  
لا ضرر ولا ضرار ۱۳ - قاعدة العسر والحرج ۱۴ - قاعدة في ان الاذن في ترك  
الواجب والنسب لا يفيد سوى نفي الوجوب ۱۵ - في ان الحكم الحرام في  
الابتداء ينجزالي امره في البقاء ۱۶ - في ان ما مقدماته اختياريه اختياري (ص ۱۱۶  
ششم فهرست رضويه ) .

۱۴ - كاشف الغطاء عن معایب عدو العلماء در رد میرزا محمد اخباری (ص  
۲۳۸ مفهدهم الذریعه ) در روضات الجنات (ص ۱۵۱ ) ضمن بیان تألیفات مرحوم  
شیخ جعفر نجفی می نویسد :

رساله لطیفه ای در طعن بر میرزا محمد اخباری که آنرا نیز : کشف الغطاء  
عن معایب میرزا محمد عدد العلماء نامیده و جهت فتح علیشاه ارسال داشته است .  
در العباقت العنبرية ( ص ۶۷ نسخه عکسی ) مرحوم کاشف الغطاء درصحت  
انتساب این رساله به مرحوم شیخ جعفر نجفی تردید نموده است .

۱۵ - کشف الغطاء عن خفیات مبهمات الشریعة الغراء در فقه معروفترین تألیف  
مرحوم شیخ نجفی و بهمین مناسبت آن مرحوم را گاهی صاحب کشف الغطاء و زمانی  
کاشف الغطاء می نویسند و اولاد و اعقاب او را آل کاشف الغطاء می خوانند . کتاب  
چندین بار بچاپ رسیده است از آن جمله چاپی است که در سال ۱۳۱۷ زیر نظر مرحوم  
آقا سید ابوالقاسم بن میرزا محمد علی حسینی سدهی اصفهانی ( ظاهر آقا سید

ابو القاسم واعظ مؤلف : ۱ - بدایع الاخبار ۲ - برهان الرسائل ۳ - لمعات  
الانوار و متوفی بسال ۱۳۲۹ در مکه معظمه .

وبه كمك و مساعدت دائی خود مرحوم میرزا عبدالرحیم معروف به حاج آقا  
( بطن قوی مرحوم حاج آقا سدهمی سید محمد رحیم متوفی شب ۱۸ صفر ۱۳۲۷  
می باشد ) .

بیان مؤلفین درباره کتاب کشف الغطاء : علامه صاحب روضات الجنات  
درباره این کتاب میفرماید : لم یکتب مثله أبداً .

محدث قمی در فوائد الرضویه ( صفحه ۷۱ یکم ) از قول مرحوم محدث  
نوری نور الله مرقدہ و ایشان از قول مرحوم حاج شیخ عبدالحسین طهرانی  
حائری شیخ العراقیین نقل می کند که فرموده بود :

من به استاد مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهانی عرض کردم : چرا کتاب  
کشف الغطاء تألیف استاد خود را شرح نکردید و اداء حق استادی ویرا ننمودید  
و حال آنکه آن کتاب بجهت اشتمایی بر مطالب عویصه و عبارات مشکله محتاج  
به شرح بود . آن مرحوم در جواب من فرمود :

ای فرزند من قدرت ندارم بر استنباط مدارك فروع در آن کتابرا آنجا که  
فرموده : او کذا او کذا و هکذا .

در ریحانة الادب ( ص ۳۴۲ سوم ) از قول مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری  
نقل می کند که ایشان فرموده اند : کسیکه قواعد اصولیه آن کتاب را متقن سازد  
مجتهد مسلم است .

و معروف آنست که مرحوم شیخ این کتاب را در حال سفر نوشته و از کتب  
فقهی غیر از کتاب قواعد علامه کتابی همراه نداشته است با توجه باین نکات  
مقام علمی و احاطه آن مرحوم بمسائل فقهی و فهم و دقت و حسن سلیقه و کثرت

احاطه آن مرحوم از مطالعه کتاب ظاهر و آشکار است .

۱۶ - مجموعه فقهیه نسخه بخط آن مرحوم در کتابخانه شیخ هادی بن شیخ عباس آل کاشف الغطاء بنظر علامه طهرانی رسیده ( ص ۹۲ بیستم الذریعه ) و آن شامل :

۱ - جوابات مسائل سید مرتضی علم الهدی بطور پراکنده .

۲ - بعضی از مسائل فروع از ناصریات انتخاب گردیده .

۳ - بعضی از مسائل فروع منتخب از کتاب انتصار .

۴ - مجلس دوازدهم در شعبان ۳۶۸ درباره دین امامیه از کتاب مجالس صدوق .

۵ - مسائلی فقهی و اصولی منتخب از کتاب نهج الحق تألیف علامه حلی رضوان الله علیه .

۱۷ - مختصر کشف الغطاء علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۰۵ بیستم ) آنرا به مرحوم شیخ از قول مرحوم سید حسن صدر الدین کاظمینی در تکمله نسبت داده است .

۱۸ - مشکوة المصابیح ( مشکاة ) در شرح منشور دره بحر العلوم ( صفحه ۶۱ بیست و یکم الذریعه ) ( دره منشور و منظوم هر دو از علامه بحر العلوم است ) . علامه طهرانی میفرماید : نسخه آن در کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء و همچنین کتابهای حاج شیخ عبدالحسین طهرانی موجود است و عناوین آن ( هدایة هدایة ) می باشد .

آغاز : الحمد لله الذی سن شرایع الاسلام . . .

۱۹ - مناسک حج ( صفحه ۲۵۸ بیست و دوم الذریعه ) .

۲۰ - منهج الرشاد لمن اراد السداد دررد وهایه ( ص ۱۸۶ بیست وسوم الذریعه ) .

این کتاب در جواب نامه عبدالعزیز بن سعود امیر نجد تألیف شده ومشمول است بر يك مقدمه وخاتمه نسخه آن در کتابخانه مرحوم شیخ علی کاشف الغطاء در نجف موجود بوده ودر سال ۱۳۴۳ در نجف اشرف بطبع رسیده است .  
آغاز : الحمد لله الذي تفرد بالوحدانية والقدم واشتق نورالوجود من ظلمة العدم واسس قواعد الشرع ...

میزان المقادیر ( صفحه ۳۲۱ بیست وسوم الذریعه ) علامه طهرانی میفرماید کتاب بضمیمه کتاب : « خصایص یوم الجمعه » تألیف شهید ثانی بچاپ رسیده است وهمان رساله : التحقیق والتنفیر سابق الذکر می باشد .

نهج الرشاد لمن اراد السداد در کشف الحجب کتاب منهج الرشاد سابق الذکر ( شماره ۲۰ ) را باین گونه نام برده وگوید از شیخ جعفر بغدادی است ( صفحه ۴۱۷ بیست وچهارم الذریعه ) .

مرحوم شیخ جعفر نجفی را غیر از کتب در مسائل نامبرده رسائلی دیگر بوده وجواب سؤالات واستفتاءات که اگر جمع آوری ومدون شود خود کتابی بزرگ ومفید خواهد بود .

فائده : در کتابخانه مسجد اعظم قم کتابی است بشماره ( ۵۴ ) بنام : ترجمه کشف الغطاء تألیف مرحوم شیخ جعفر نجفی نام مؤلف ( مترجم ) محمد باقر در پایان نسخه آمده ولقب نواب با خط جدیدتری بالای برگ اول نسخه نوشته شده است .

ظاهراً نسخه اصل می باشد و ترجمه در تاریخ ۱۲۲۸ در عین قحطی عام بیابان رسیده است ( ص ۸۰ فهرست کتابخانه مسجد اعظم - فهرس دانشمند محترم

محقق متبوع حاج شیخ رضا استادی تهرانی سلمه الله تبارك وتعالی .

تذکره : فوت مرحوم نواب لاهیجی مؤلف : ۱ - تحفة الخاقان ۲ - شرح نهج البلاغه ۳ - کتابی از فقه ۴ - ترجمه کشف الغطاء در ۳ شعبان سال ۱۲۴۸ بوده است ( ص ۹۷ جلد سیزدهم فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ) .

مقام علمی واحاطه مرحوم شیخ جعفر نجفی : محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل در شرح حال مرحوم شیخ جعفر نجفی می نویسد :

از آیات عجیبه الهی است که عقول از درک مقام او ناتوان و زبانها از وصفش عاجز است اگر خواستار علمش باشی نظری به کتاب : کشف الغطاء وی بیفکن تا تو را از امر عظیم و مقام والای او در مراتب علمیه فقه و اصول مطلع گرداند . ( ص ۱۵۹ وحید بهبهانی چاپ دوم ) .

علامه صاحب روضات الجنات درباره کتاب : کشف الغطاء می نویسد :

« ولم یکتب أحد مثله » و همو می نویسد این کتاب در فن خود از کلیه کتابهاییکه قبلا نوشته شده است برتر می باشد و این کتاب را مرحوم شیخ جعفر در مسافرت و در کجاوه تألیف نموده و در حال تحریر آن جز کتاب قواعد علامه کتاب فقهی همراه نداشته است . ( ص ۱۵۱ روضات الجنات ) .

قبلا نیز در ضمن بیان تألیفات آن مرحوم از قول مرحوم شیخ عبدالحسین طهرانی فرمایش مرحوم شیخ محمد حسن اصفهانی نجفی صاحب جواهر الکلام را درباره کتاب کشف الغطاء نقل کردیم .

از قول مرحوم شیخ جعفر نجفی نقل شده است که فرموده بود : من سیصد مرتبه کتاب شرایع را درس گفته ام ( قصص العلماء ص ۱۸۹ ) مرحوم تنکابنی پس از نقل این مطلب می نویسد :

معلوم است که البته همین نحو باید باشد که چنین ققاهت و باین قسم ملکه

وباین کیفیت احاطه بهمرسانید .

وهم از قول آن مرحوم نقل می کنند که فرموده بود :

اگر همه کتب فقه را بشویند من از حفظ از طهارت تا دیات را می نویسم .

( ص ۱۸۹ قصص العلماء )

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء ( ص ۱۸۸ ) می نویسد :

مجملاً شیخ جعفر نجفی در فقه و تفریع و تطبیق فهمش از الفاظ کتاب و سنت

وافهم عرفی بی نظیر بود بلکه بعد از ائمه علیهم السلام در میان فقهاء ما چنانچه از

کتب ایشان استنباط کردیم مانند شیخ جعفر و شهید اول کسی نیامده است .

مرحوم تنکابنی علیه الرحمه در قصص العلماء در ضمن بیان شرح حالات

مرحوم شیخ جعفر نجفی ( ص ۱۹۴ ) می نویسد :

در زمانی که شیخ وارد اصفهان شد یکی از فضلاء تلامذه آخوند ملا علی نوری

مسئله عویصه ای را در فن حکمت که از آخوند استفاده نموده بود بخدمت شیخ

رسانید ( وحل مشکل را از آنجناب در خواست نمود ) شیخ فرمود که صباح

جواب آنرا خواهم داد .

پس شرح موضوع را جناب آخوند شنید و به آن شاگرد خود تغییر فرموده

وگفت :

جناب شیخ جعفر فقیه است شما چرا با اینگونه سؤالات ویرا آزار می کنید

البته مطالبه جواب نکنید. پس در صباح آنروز ( فردا ) جناب شیخ بین الصلواتین

( نماز نافله صبح و نماز صبح ) آواز داد که صاحب مسئله فلانیه آمده و جوابرا

گرفته باشد . سائل جواب را گرفته بنظر مرحوم آخوند ملا علی نوری رسانید .

آخوند در تعجب شد زیرا که جواب موافق بود .

پس از آن وقتی آخوند جناب شیخ را ملاقات نموده و به ایشان معروض

داشت که شما در فن معقول کار نکرده‌اید مع ذلك چگونه حل این عویصه صعبه فرمودید .

جناب شیخ در جواب فرموده بودند که : اینها از واضحات اخبار ائمه اطهار علیهم السلام است .

کتابخانه مرحوم شیخ جعفر نجفی :

مرحوم شیخ جعفر آل محبوبه نجفی در کتاب : ماضی النجف وحاضرها ( صفحه ۱۰۳ یکم ) در ضمن نامبرداری از کتابخانه های نجف می نویسد :  
کتابخانه شیخ جعفر در زمان خود از مخازن گرانبهای کتب در شهر نجف بوده و کتابهای نفیسی از خط و تذهیب و کاغذ در آن موجود بوده و از برخی از کتابها چندین نسخه در آن بوده من جمله از ترجمه توراة وانجیل دو نسخه در آن موجود بوده است .

مرحوم شیخ جعفر در مسافرتهاى خود به حجاز و ایران و غیره کتابهای گرانبهای تهیه کرده که تا کنون برخی از آن کتابها در کتابخانه مرحوم آقا شیخ علی کاشف الغطاء موجود است .

چون هنگام وفات مرحوم شیخ بر عهده او دیونی بود مرحوم شیخ موسی فرزند آنجناب کتابها را در برابر قروض پدر پذیرفت و آنها را نگاهداری فرمود تا موقع وفات به برادر خود مرحوم آقا شیخ علی وصیت کرد که آنها را فروخته و قروض او را اداء کند .

برخی از کتب وقفی این خاندان هنوز در نزد عده‌ای از نیبرگانش موجود است .

در مجلة الغری ( صفحه ۱۲۹۷ ) نیز نامی از کتابخانه مرحوم شیخ جعفر نجفی برده شده و گوید : کتابهای نفیس زیادی در آنجا بوده است ضمناً در مجله

نامبرده فوت شیخ را در سال ۱۲۲۷ می نویسد.

شیخ جعفر و مرحوم شیخ حسین نجف : یکی از بزرگان علماء عصر مرحوم شیخ جعفر در نجف علامه فقیه زاهد عابد شیخ حسین بن حاج نجف بن محمد تبریزی نجفی است ( ۱۱۵۶ - ۱۲۵۱ ) داستان زیر را مؤلف کتاب : معارف الرجال ( صفحه ۲۶۰ یکم ) از کتاب : الجامع تألیف علامه فقیه شیخ محمد طه نجف ( ۱۲۴۱ - ۱۳۲۳ ) نقل می کند :

مرحوم شیخ حسین نجف در روز عید غدیر در نجف اشرف جهت دیدن و بازدید روز عید می نشست و بزرگان شهر و علماء و عموم طبقات مردم بدیدن او می آمدند و اموال زیادی تقدیم محضر او مینمودند و ابن پولها و مالها در نزد او جمع می شد .

مرحوم شیخ محسن خنفر نقل می کند که روز عید غدیری به دیدار شیخ رفته بودم و شیخ جعفر کاشف الغطاء نیز جزو زائرین و دیدار کنندگان آنجناب بوده مرحوم کاشف الغطاء منتظر شد تا مجلس دید و بازدید تمام گردید و مردم همگی رفتند شیخ نزدیک پولها رفته و عباى خود را پهن کرد و بدون اجازه از مرحوم آقا شیخ حسین اموال را جمع آوری کرده در عباى خود ریخته و بدون درنگ خارج شد ( چون همگی به اخلاق و روش شیخ جعفر آشنا بودند میدانستند که فوراً تمام آن اموال را بین فقراء تقسیم خواهد کرد .

و هم در آن کتابست که گاه میشد که شیخ جعفر به منزل مرحوم شیخ حسین رفته و کلید صندوق پولها را از او گرفته درب آنرا گشوده و تمام موجودی آنرا بر میداشت بدون آنکه از شیخ بپرسد و اجازه بطلبد و یا جناب شیخ حسین از آن مرحوم در این باره سؤال نماید .

سپس بعد از نقل این موضوعها مؤلف معارف الرجال می فرماید : همه علماء



و بزرگان متحد و یکدل و برادرانه در راه اعلای کلمه حق و نشر حقایق دین و مصالح عامه مسلمین جانفشانی میکردند و هر يك درسنگری بدفاع و کوشش اشتغال داشتند بطور مثال :

شیخ حسین نجف جهت نماز جماعت .

سید بحر العلوم برای تدریس .

کاشف الغطاء جهت امر تقلید و فتوی .

و شیخ ابن محی الدین برای قضاوت و رفع خصومات بین مردم و همه در

يك جهت و با يك هدف مشغول خدمت بودند .

مرحوم شیخ جعفر و میرزا محمد اخباری : علمای بزرگوار شیعه بر دو دسته

تقسیم میشوند :

۱ - اخباریها .

۲ - اصولیها .

بحث در باره آنها و معتقداتشان از حوصله این کتاب خارج است همینقدر

گوئیم که :

علمای اخباری در اواخر قرن دوازدهم شهرت و عنوانی یافتند و علماء اصولی

مجبور شدند که در برابر آنان صف آرائی نموده و بمقابله پردازند .

یکی از معروفین علمای اخباری عالمی است بنام میرزا محمد بن عبدالنبی

بن عبدالصانع نیشابوری ( ۱۱۷۸ - ۱۲۳۲ ) که از روی حق و انصاف او را

عسدر العلماء لقب داده اند . وی در عین حال که مردی فاضل و جامع و حراف

و جدایی بود زبانی فحاش و قلمی تند داشت از گفتن حرفهای زشت و رکیک و نسبت

دادن اعمال معصیت و خلاف شرع به علماء بزرگوار ابا و امتناع نداشت او در

رد مجتهدین بزرگوار کتابها نوشت بعدی که مرحوم شیخ جعفر نجفی با آنها

مقام صبر و حلم و شکیبایی و گذشت برای آنکه مبادا خوانندگان کتابهایش گمراه شوند مجبور گردید که در رد او کتاب بنویسد و برخی از آن خطاها را روشن کند.

علامه صاحب روضات الجنات می نویسد که :

مرحوم شیخ جعفر در کتاب : کشف الغطاء عن معایب میرزا محمد عدو العلماء پس از مقدماتی می نویسد : تو در کتابهایت پنج صفت که از پست ترین صفات است برای خود ثابت کرده ای و بواسطه آنها اعتبار و شخصیت خود را کم کرده ای و رسوائی آن در زندگی تو و پس از مرگت بتو میرسد و آن پنج صفت از اینقرار است :

۱ - کم عقلی و بی خردی

۲ - بی دینی و کفر

۳ - بیوفائی

۴ - بی حیائی

۵ - حسد بیش از اندازه

و برای اثبات هر یک از این صفات ادله ای ذکر نموده است و سپس کتاب را جهت فتح علیشاه که در این موقع میرزا محمد اخباری در نزد او قدر و منزلتی داشت فرستاد .

تذکره و توضیح : میرزا محمد اخباری همانست که علی المشهور بوسیله جله نشستن در زاویه حضرت عبدالعظیم علیه السلام و اعمالی تیر فرمانده قشون روسیه در جنگ ایران و روس ( ایشپخدر ) را برای فتح علیشاه حاضر کرد و بعداً نیز محترماً به عراق تبعید شد و در آنجا نیز در اختلاف اسعد پاشا و داوود پاشا به تحریک آندو کشته شد .

نسب آقا میرزا محمد اخباری را در برخی از کتب به خواجه شمس الدین

میرسانند و در برخی از کتابها ویرا سید می‌نویسند ویرا تألیفات زیادی است که برخی از آنها نیز بچاپ رسیده است .  
در کتابخانه نویسنده مجموعه‌ای است که در تملك او بوده وسمع مهر او ( اللهم صل علی محمد ) می‌باشد .

### ابتدای شاعری :

علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در کتاب : العباقات العنبریه ( ص ۶۷ صفحه دوم ) می‌نویسد :  
حدیث کرد مرا مرحوم شیخ محمد طه نجف از قول دائی خود شیخ جواد نجف که :

روزی مرحوم شیخ کبیر در بین اصحاب خود نشسته بود سخن از شعر و شاعری بمیان آمد که با داشتن طبع شعر و شعر گفتن از بزرگترین کمالات است .

مرحوم شیخ افسوس می‌خورد که من از این موهبت و فضیلت محرومم سپس فرمود: می‌خواهم نفس خود را بیازمایم که آیا قدرت نظم شعر و لویک بیت باشد دارم یا نه . زمانی فکر کرد و سپس يك شعر در مدح ائمه طاهرين عليهم السلام خواند که از حیث وزن و قافیه و سبک خوب و نیکو بود همگان شیخ را ستایش کردند. مرحوم شیخ بخود اندیشیده و فرمود: من شاعر بودم و خود نمیدانستم ..  
سپس می‌فرماید بیشتر اشعار آن مرحوم در ستایش و همچنین رثای علامه بحر العلوم است که برخی از آنها را مرحوم حاج میرزا محمود بروجردی در کتاب « الواهب السنیه » نقل نموده است .

مرحوم علامه حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در کتاب نامبرده مقداری از اشعار آن مرحوم را و همچنین اشعار دیگران را که در مدح آن بزرگوار سروده‌اند

نقل فرموده که مقام گنجایش آنها نیست و بعداً به برخی از اشعار مرحوم شیخ اکبر جناب شیخ جعفر بطور اجمال اشاره خواهیم کرد .

شیخ جعفر نجفی و شعر : مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء علاوه بر مقام شامخ فقاہت که او را نظیر و عدیلی در زمان خود نبوده در شعر و ادب نیز مقامی شامخ دارد و در مجامع ادبی نجف شرکت مینموده و اقوال او مورد توجه بوده است .

در معارف الرجال ( صفحه ۳۳۲ دوم ) نقل از روضة الانوار خطی میفرماید: سید محمد بن سید زین الدین حسنی جلسه ادبی داشت که روزهای پنجشنبه در منزل او تشکیل میشد و به آن مجمع ادبی و معرفی الخمیس می گفتند و علت آنکه پنجشنبه را جهت این مقصود انتخاب کرده بودند آنکه در این روز معمولاً حوزہ های درس تعطیل بود و علماء وقت دید و بازدید و رسیدگی به امور شخصی داشتند . در این جلسه عده زیادی از بزرگان علماء و ادباء و مجتهدین و حتی علماء زائر شرکت میکردند که اسامی برخی از آنان را بدین شرح ذکر می کند :

- ۱ - میرزا ابوالحسن بن شاه کوثر
- ۲ - شیخ ابراهیم عاملی ( ۱۱۵۴ - ۱۲۱۴ )
- ۳ - شیخ احمد بن حسن نحوی ( فوت ۱۱۸۷ )
- ۴ - سید احمد بن محمد عطار حسنی ( فوت ۱۲۱۶ )
- ۵ - آقا محمد باقر هزار جریبی ( ۱۱۱۷ - ۱۲۰۵ )
- ۶ - میرزا محمد تقی طیب
- ۷ - شیخ محمد تقی دورقی ( فوت ۱۱۸۷ )
- ۸ - شیخ جعفر کاشف الغطاء ( ۴ یا ۱۱۵۶ - ۱۲۲۸ )
- ۹ - سید حسین نهاوندی

- ۱۰ - سید حسین بن امیر رشید
- ۱۱ - سید حسین بن سلیمان حلی
- ۱۲ - سید حسین بن مصطفیٰ نقیب
- ۱۳ - حاج محمد رضا بن آقا باقر هزار جریبی
- ۱۴ - شیخ محمد رضا بن احمد نحوی ( ۱۲۲۶ )
- ۱۵ - سید سلیمان حلی ( ۱۲۱۱ - ۱۱۴۱ )
- ۱۶ - ملا سلیمان کلید دار بن طاهر کشته شده است
- ۱۷ - آقا سید ؟
- ۱۸ - سید شبر اخباری ( ۱۱۷۰ - ۱۱۰۲ )
- ۱۹ - درویش شاه کوثر
- ۲۰ - سید صادق فحام ( ۱۲۰۵ - ۱۱۲۴ )
- ۲۱ - ملا محمد صالح کلید دار کشته شده است
- ۲۲ - سید صدر الدین همدانی
- ۲۳ - ملا محمد طاهر کلید دار بن محمود کشته شده است
- ۲۴ - شیخ عباس بلاغی
- ۲۵ - شیخ علی فراهی
- ۲۶ - شیخ علی بن زین العابدین عاملی
- ۲۷ - شیخ محمد علی اعسم ( فوت ۱۲۳۳ )
- ۲۸ - آقا کمال الدین
- ۲۹ - سید محمد صقری
- ۳۰ - سید محمد بن زین الدین ( فوت ۱۲۱۶ ) سید محمد زینی
- ۳۱ - شیخ محمد بن یوسف عاملی

- ۳۲ - ملا محمود بن صالح کلید دار
- ۳۳ - سید مصطفی نقیب نجف اشرف
- ۳۴ - خان مغل
- ۳۵ سید موسی مازندرانی
- ۳۶ - شیخ موسی بن علی بحرانی
- ۳۷ - شیخ مهدی بن محمد حسین ملا کتاب
- ۳۸ - شیخ مهدی بن محمد فتونی
- ۳۹ - سید مهدی بن مرتضی بحر العلوم طباطبائی ( ۱۲۱۲ - )
- ۴۰ - سید نصرالله حائری ( شهادت ۱۱۶۶ )
- ۴۱ - درویش نظر علی
- ۴۲ شیخ هادی بن احمد نحوی ( فوت ۱۲۳۶ )
- ۴۳ - شیخ محمد هاشم طیب

و غیر از افراد نامبرده خطیب نجف و سادات طالقانی و قاضی نجف نیز در این مجمع ادبی شرکت مینموده اند . مرحوم شیخ جعفر نجفی از شعراء معروف زمان خود بوده و با شرکت در مجامع ادبی و مناظرات و مکاتبات شعری یا شعرای زمان خود که نمونه‌ای از آنها را نقل خواهیم کرد میزان قدرت ادبی و شعری او فهمیده می‌شود . در ریحانة الادب ( صفحه ۳۴۳ سوم ) از اشعار آن مرحوم می‌نویسد :

در مدح استاد خود مرحوم حاج سید مهدی بحر العلوم گفته است :

لسانی عن احصاء فضلك قاصر

وفکری عن ادراك کنهک حاسر

جمعت من الاخلاق کسل فضیلة

فلا فضل الا عن جنابک صادر

يكلفنى صحبى نشيدمد يحكم  
 لزعمهم انى على ذلك قادر  
 فقلت لهم هيهات لست بقائل  
 لشمس الضحى يا شمس ضوئك ظاهر  
 وما كنت للبدر المنير نباعث  
 له ابدا بالنور والليل عاكر  
 ولا للسماء بشراك انت رفيعة  
 ولا للنجوم الزهر هن زواهر  
 وهم درآن كتاب ( صفحه ٤٣٢ سوم ) از آنجناب نقل مى كند كه ميفرمايد :  
 انا اشعر الفقهاء غير مدافع فى الدهر بسل انا افقه الشعراء  
 شعرى اذا ما قلت دونه الورى بالطبع لا بتكلف الالتقاء  
 كالصوت فى قتل الجبال اذا علا للسمع حاج تجاوب الاصدااء  
 در معارف الرجال ( صفحه ٢٨٠ دوم ) در ضمن بيان شرح حال مرحوم شيخ  
 محمد رضا بن شيخ احمد نحوى مى نويسد: شيخ محمد رضا هديه اى جهت استاد  
 خود مرحوم حاج شيخ جعفر كاشف الغطاء فرستاد و ابن بيت را نيز جهت آن  
 مرحوم نوشت :  
 عذر الحقير اذا قلت هديته ان الهدايا على قدر مهديها  
 مرحوم شيخ استاد در جواب او مرقوم فرمود :  
 وافيت هديتك الغراء حامله  
 شذا نسيمك يذكرو فى مطاويها  
 واعربت عن صفايا الود فيك فيا  
 طوبى لنفس بصفو الود تصفيها

فجل مقدارها عند المحب كما

قد جل بين الوری مقدار مهديها

وجاوزت قدر من وافت وقد عدلت

اذ كنت مهديها الدنيا وما فيها

وهم در آن کتابست ( صفحه ۳۳۱ سوم ) که مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء  
را دوستی بود بنام شیخ محمد بن شیخ یوسف ( در العیقات العنبریه گوید بگمانم  
شیخ یوسف بحرانی ) مرحوم شیخ خواست بوسیله این دوست محبت و دوستی  
سید محمد زینی را بخود جلب کند هدیه ای جهت او فرستاد و نامه ای باو نوشت  
و اشعار زیر ضمن نامه خطاب به شیخ محمد بود :

لسانی دعی فی اعتذاری وما جرى

وان نال حظاً فی الفصاحه او فرا

ولو اننی اهدیت مالی باسره

ومال السوری طراً لکنتم مقصراً

ولکننی شفعت فی مودتی

ومحضی للاخلاص سراً ومجهرأ

فدع عنك شیخاً یدعی صفروده

فما کل من یرعی الاخلاء جعفر

یریک بأیام الخمیس موده

وفی سائر الايام ینسخ ما اری

فلا تصحین غیری فانک قائل

بحقی کل الصید فی جانب القرى



فلورمت من بعدی وحاشاك صاحباً

فياك ان تعدو الرضا خيرة الوری

متی شارع للصحب اوضح منهج

وجارمع الصحوب من حيث ماجری

برای آگاهی از اشعار مرحوم شیخ محمد که در جواب آنجناب سروده به :  
معارف الرجال و دیگر کتب مراجعه شود .

در العبقات العنبریه و دیگر کتابها مقدار زیادی از اشعار مرحوم حاج شیخ  
جعفر کاشف الغطاء علیه الرحمه نقل شده است .

مسافرت شیخ به ایران : یکی از خصوصیات زندگانی مرحوم شیخ جعفر  
مسافرت های او به حجاز و ایران می باشد ، مرحوم شیخ چندین سفر به ایران  
مسافرت نموده و در هر يك از شهرهای مشهد ، اصفهان ، رشت ، زنجان ،  
طهران ، قزوین و لاهیجان و بزد ماهها سکونت نموده و در هر يك از آنها داستانها  
و حکایات شیرینی اتفاق افتاده که برخی از آنها را مؤلف قصص العلماء نقل نموده  
و ذکر آنها موجب اطاله کلام و خستگی خاطر مطالعه کنندگان خواهد شد  
طالبین بدان کتاب مراجعه کنند .

مسافرت به حجاز : مرحوم شیخ جعفر ظاهراً دو سفر به مکه معظمه و مدینه  
منوره مشرف گردیده که سفر اول سال ۱۱۸۶ و سفر دوم او در سال ۱۱۹۹ بوده  
است ( ص ۱۵۴ یکم معارف الرجال ) .

در کتاب : العبقات العنبریه ( ص ۱۵ نسخه عکسی ) می نویسد :

مرحوم شیخ جعفر قبل از مسافرت به مکه معظمه در مسجد هندی اقامه جماعت  
مینمود و مرحوم شیخ حسین نجف در حرم مطهر و مرحوم سید بحر العلوم در  
مسجد طوسی و در صحن مطهر اقامه جماعت نمیشد ( شاید بدان علت بوده که  
در آن زمان شهر مقدس نجف اشرف کوچک بوده و جمعیت آن زیاد نبوده است

که احتیاج به مساجد متعدد و جماعات زیاد باشد شاید مؤلف العیقات دیگر جماعات را نام نبرده است .

پس از بازگشت از این سفر که جمعی از بزرگان علماء و شاگردان مرحوم شیخ در خدمت او بودند آن سه بزرگوار امور مربوط به مرجعیت و ریاست را بدینگونه بین خود تقسیم کردند :

۱ - منبر تدریس منحصر شد به مرحوم سید بحر العلوم علیه الرحمه . پس از فوت آن مرحوم منبر تدریس به شیخ جعفر منحصر گردید .

۲ - اقامه نماز جماعت و پیشوائی امور دینی به مرحوم شیخ حسین نجف محول گردید و در آن وقت در شهر نجف جز نماز جماعت ایشان جماعتی منعقد نمی گردید .

۳ - امر تقلید و زعامت کلیه مسلمین در تمام شهرهای اسلامی و شیعه به مرحوم شیخ جعفر واگذار گردید و بنا شد که همگی از او تبعیت نموده و دیگری را بعنوان رئیس المسلمین و شیخ المشایخ نشناسند و معرفی نکنند .

ناگفته پیداست که مقصود از این انتخاب و تقسیم اتحاد کلمه و اتفاق بوده و حوزه‌های درس در مساجد و مدارس و صحن مطهر و خانه علماء و مجتهدین منعقد میشد اما همه حتی خود شیخ جعفر و شیخ حسین نجف نیز در این موارد با نظر و صوابدید مرحوم بحر العلوم مشغول انجام وظیفه شرعی بودند .

در مساجد محلات کوچک نماز جماعت خوانده میشد اما مهمترین نماز جماعتها از حیث کمیت و کیفیت نماز مرحوم شیخ حسین نجف که از همد و اعبد و اتقای علمای زمان بود شمرده میشد .

همین حالت را داشت موضوع مرجعیت و تقلید که مجتهدین در شهرها و ولایات خود صاحب رساله و مقلد بودند لکن در برابر مرحوم شیخ جعفر همگان اظهار

اطاعت و انقیاد مینمودند . در هر حال مرحوم شیخ جعفر بعنوان مرجع کل و شیخ الطائفه و رئیس المسلمین شناخته شده و مورد قبول عموم طبقات بود .

نماز جماعت خواندن مرحوم شیخ در شهرهای مختلف : مرحوم شیخ جعفر بطوریکه مؤلف قصص العلماء می نویسد در هر شهری که بود اول وقت نماز ( ظهر یا مغرب ) نزدیک هر مسجدی که بود بآن مسجد وارد میشد و بلا فاصله در محراب می نشست ( اگر امام جماعت حاضر نبود ) و نماز اول را خود بجماعت می خواند و در نماز دوم امام راتب مسجد را مقدم داشته خود و عموم مؤمنین باو اقتداء میکردند و باین کیفیت هم درس عملی به اهل علم و مقدسین میداد و هم از علماء ترویج مینمود .

همسفران مرحوم شیخ در سفر حجاز : در معارف الرجال ( ص ۱۵۴ یکم ) می نویسد که :

علامه کاشف الغطاء در سال ۱۱۹۹ بسفر مکه باجمعی از علماء شیعه حرکت فرمود و از جمله این بزرگان علماء : ۱ - سید محمد جواد عاملی ۲ - شیخ محمد علی اعسم ۳ - سید محسن اعرجی بودند و در هنگام مراجعت سید احمد عطار قصیده ای در تهنیت ورود او گفت که مطلع آن اینست :

اسنا جبینک أم صباح مسفر      وشدی اریجک ام عبیر اذقر  
اهلا لطلعتک التی ما اسفرت      الا ولیل الهم هنا یدبر

و شیخ محمد رضا نحوی ضمن قصیده ای که در تهنیت ورود او سرود ( ص ۷۹ - العباقات العنبریه ) تاریخ آنرا « قدم التتما والمجد عند قدومه » گفت . میانجیگری مرحوم شیخ جعفر نجفی : در ناسخ التواریخ ( صفحه ۹۰ جلد یکم قاجار به چاپ امیر کبیر ) در ضمن وقایع سال ۱۲۲۱ و همچنین در کتاب صدر التواریخ ( ص ۵۷ ) در ضمن شرح حال میرزا شفیع صدر اعظم در ضمن وقایع

سال ۱۲۲۱ می نویسد :

پس از آنکه عبدالرحمن پاشا با پنجهزار نفر از افراد خود بدولت ایران پناهنده شد و از طرف فتح علیشاه به حکومت « شهرزدر » تعیین گردید علی پاشا حاکم بغداد نسبت به او فرستاده دولت ایران بی اعتنائی نموده وقشونی بسرحدات ایران فرستاد ودولت ایران نیز محمد علی میرزا دولتشاه راصاحب اختیار وحکومت عراقین عرب وعجم نموده وبمقابله باقشون دولت عثمانی مأمور ساخت .

قشون ایران درمرحله اول دریکی ازجنگها سلیمان پاشا خواهر زاده علی پاشا وزیر بغدادکه فرمانده پانزده هزار سرباز بود اسیرگرفتند وقشون عثمانی شکست خورده عقب نشینی نموده ورو بفرارنهادند وازطرف فتح علیشاه دولتشاه مأمور فتح بغداد شد .

علی پاشا سخت بترسید به جناب شیخ جعفر متوسل گردید واز ایشان کمک خواست آن مرحوم به کرمانشاه تشریف برده ونزد دولتشاه وساطت کردند وبدرخواست آن مرحوم محمد علی میرزا ازقتل وغارت وحمله به بغداد صرفنظر نموده لکن آزادی سلیمان پاشا رابه اجازه شخصی شاه (فتح علیشاه) موکول نمود بنا براین مرحوم شیخ جعفر به طهران تشریف آورده ونزد شاه از اوشفاعت کردند وعلی پاشا نیز نامه ای در پوزش ومعذرت خواهی بسدربار شاه ایران نوشته واستخلاص او را خواستار گردید فتح علیشاه برای امتثال امر مرحوم شیخ وبرای آزاد نموده باکمال عزت واحترام معاوت داد .

خوانندگان محترم برای آگاهی بیشتر از این وقایع به کتب تاریخی مراجعه فرمایند .

حکم جهاد - جنگ ایران و روسیه : دولت روسیه تزاری از سال ۱۲۱۵ که

گر جستان را رسماً به مملکت خود ضمیمه نموده و فرمانده معروف سی سیانف که به ایشپخلا شهرت دارد را در سال ۱۲۱۸ مأمور تصرف شهرهای گنجه و شوش و ایروان و قراباغ نموده و مشار الیه تا حدود رود ارس را تصرف نمود (ص ۷۱ یکم ناسخ التواریخ قاجاریه). از این تاریخ جنگ ما بین مملکت ایران و روسیه شروع و در دو مرحله انجام و با انعقاد دو عهدنامه بنامهای گلستان و ترکمان چای بنفع روسیه و ضرر ایران از دست رفتن قفقاز خاتمه یافت.

داستان این جنگ و فتح و شکست های قشون ایران و روسیه و علل شکست در هر يك از این دو دفعه در کتب تواریخ ثبت و مسطور است طالین مراجعه فرمایند.

یکی از کارهاییکه فتح علیشاه و نایب السلطنه عباس میرزا که فرماندهی قشون ایران را در هر دو مرحله جنگ داشت برای پیشبرد کار جنگ انجام دادند رجوع به علماء اسلام و کمک و مساعدت خواستن از آنان در امر جنگ بود که عده ای از مراجع بزرگ حکم بوجوب جهاد نموده و آنرا در کتاب و رساله مستقلى نوشتند که بنام: جهادیه نامیده میشود.

علامه طهرانی در الذریعه جلد پنجم (ص ۲۹۶) ده کتاب و رساله بنام جهادیه که همگی مربوط به جنگهای ایران و روس می باشد ذکر نموده و جز اینها نیز کتابهایی در همین موضوع تألیف گردیده است برخی از علمائیکه نامشان در الذریعه ذکر شده است بقرار زیر می باشد:

۱ - مولی ابی الحسن بن محمد کاظم

۲ - میرزا ابوالقاسم بن مولی حسن (میرزای قمی)

۳ - میرزا ابوالقاسم بن میرزا عیسی قائم مقام فراهانی مقتول به سال ۱۳۵۱

۴ - مرحوم شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء

۵ - میر محمد حسین بن میر عبد الباقی خاتون آبادی ( فوت ۱۲۳۱ )

۶ - امیر سید علی طباطبائی حائری صاحب ریاض المسائل

۷ - میرزا عیسی قائم مقام فراہانی ( فوت ۱۲۳۱ )

۸ - حاج محمد کریم خان قاجار کرمانی ( فوت ۱۲۸۳ )

۹ - امیر سید محمد مجاہد کربلائی ( فوت ۱۲۴۲ )

۱۰ - شیخ ہاشم عرب

۱۱ - میرزا یوسف طباطبائی تبریزی ( ۱۱۶۷ - ۱۲۴۲ )

در ناسخ التواریخ (صفحه ۱۰۷ یکم) قاجاریہ علمای زیر را از قائلین بوجوب

جہاد با روسیہ نام میبرد :

۱ - میرزا ابوالقاسم قمی

۲ - حاج ملا احمد نراقی

۳ - ملا باقر سلماسی

۴ - شیخ جعفر نجفی

۵ - میر محمد حسین امام جمعه اصفہان

۶ - میر سید علی اصفہانی ( صاحب ریاض المسائل )

۷ - ملا علی اکبر اصفہانی ( ظاہراً ازہای )

۸ - صدر الدین محمد تبریزی

و در سالیکہ مرحوم آقا سید محمد مجاہد علیہ الرحمہ بقصد جہاد از کربلا  
به ایران و آذربایجان مهاجرت نمود عدہ زیادی از علماء و مجتہدین قریب پانصد  
نفر در خدمت او بودند کہ اسامی برخی از آنان را در کتاب : بیان المفاخر در  
شرح حال حاج سید محمد باقر حجۃ الاسلام ذکر نموده ام .

حکم جہاد دادن مرحوم حاج شیخ جعفر نجفی : مرحوم حاج شیخ جعفر نجفی

علیه الرحمه در کتاب کشف الغطاء در کتاب جهاد (ص ۲۹۴) پس از آنکه انواع جهاد را تعریف نموده و شرایط آنرا ذکر فرموده و لزوم رئیس و فرمانده سیاست مدار دانا بفنون را تأیید نموده می نویسد :

تعیین رئیس با شرایط آن بعهد امام علیه السلام است و در زمان غیبت آن بزرگوار بر عهده مجتهدین یعنی نواب عام آنحضرت از اینرو من به :

فتح علیشاه در امر نگاهبانی از مرزهای کشور و جنگ با دشمنان اسلام اذن میدهم و همه مسلمانها را در اطاعت او در امر جهاد دستور میدهم و اطاعتش را واجب و مخالفتش را حرام میدانم و همچنین به او در گرفتن مالیات نقد و جنس برای جنگ از ساکنین مرزها اذن میدهم و اگر آن مقصدار کافی نباشد از دیگر شهرها و بلاد دریافت دارد .

طالبین آگهی بیشتر از این حکم به کتاب نامبرده مراجعه فرمایند .

توضیح : در مطالب گذشته بنام چند تن از فقهاء و مجتهدین که در امر جهاد با روسیه حکم داده بودند اشاره کردیم سایر علماء آن زمان نیز عموماً و عملاً با جهاد موافق بوده و یا خود شرکت نموده و یا اگر نتوانسته اند شرکت کنند مردم را ترغیب و تشویق نموده که از نظر مالی و جانی دریغ ندارند . و اگر احیاناً مخالفی نیز بوده است قدرت مخالفت نداشته و یا از علماء درجه دوم بلکه سوم و غیر معروف بوده است .

عبادت کردن شیخ و خانواده او : در قصص العلماء ( ص ۱۸۰ ) از قول مرحوم شیخ حسن فرزند مرحوم شیخ نقل می کند که :

مرحوم شیخ جعفر را عادت بر آن بود که هر شب در وقت سحر بیدار بود و میآمد بدرخانه و عیال و اطفال را تماماً بیدار میکرد و می گفت برخیزید و نماز شب ادا کنید پس همه برمیخاستند و من طفل بودم و خواب بر من غلبه میکرد چون

بدرخانه که منزل من بود میآمد و فریاد میکرد که برخیز من همان افتاده می گفتم :  
ولا الضالین و یا الله اکبر یعنی من مشغول بنماز می باشم پس او خاطر جمع میشد  
و بر میگشت و من بخواب میرفتم .

و هم در آن کتابست ( ص ۱۹۳ ) که مرحوم ملا تقی قزوینی ( شهید ثالث  
اعلی الله مقامه الشریف ) ضمن بیان ورود مرحوم شیخ بقزوین و خانه برادر ایشان  
مرحوم ملا عبدالوهاب و بیان داستان و استماع صدای گریه و زاری و مناجات مرحوم  
شیخ جعفر نجفی و تأثیر آن را در خود می نویسد :

از آن شب تا کنون بیست و پنج سال می گذرد هر شب سحر بر میخیزم  
و بمناجات با قاضی الحاجات نماز و دعا اشتغال دارم .  
در عموم کتب تراجم از عبادت و سحر خیزی و مناجات و نماز و دعا خواندن  
مرحوم شیخ در سفر و حضر داستانها نوشته اند که نقل آنها خود کتابی بزرگ  
خواهد شد و در این جا بهمینقدر اکتفاء می کنیم .

حدیث نفس - درس اخلاق : علماء بزرگوار شیعه به پیروی از سیره مرضیه  
رسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام با گفتار و کردار خود مردم را ارشاد  
و هدایت میکردند و آنان را قولا و فعلا به سوی حق و حقیقت رهبری می نمودند  
از آنجمله :

نقل است که گاهگاه مرحوم شیخ اکبر جناب شیخ جعفر خطاب به نفس  
خویش میفرمود :

تو جعفرک بودی ( جعفر ) پس جعفر شدی بزرگ شدی و شیخ جعفر گشتی  
مدتی گذشت از این مرحله گذشتی و شیخ العراقین گردیدی اکنون رئیس اسلام  
شده ای خود را و خردی خود را از یاد مبر و شکر نعمتهای خدای تعالی بجای آور .  
نقل است که ایاز دهقان زاده فقیری بود که مورد نظر سلطان محمود غزنوی



واقع شد و اراده خداوند بدان تعلق گرفته بود که این روستا زاده بی چیز صاحب همه چیز و مالک عقل و خرد سلطان گردد و شاه غزنوی که سلاطین زمان از بیم سطوت او خواب راحت نداشتند بی اراده او کاری در مملکت انجام نکند .

ایاز منزلی تهیه دیده بود و لباسهای دوره کودکی و دهقنت خویش را در آن نهاده و گاهی که خرد و ریاست و بزرگی او را می گرفت و همه چیز را از یاد میبرد دور از چشم همگان بخلوتگاهی رفته و صندوقچه لباسهای کهنه و فرسوده قدیم خود را زیر و رو میکرد و خطاب به نفس خود می گفت :

ای ایاز ، تو این بودی و اکنون بر حسب مشیت حضرت حق و توجه سلطان چنین صاحب قدرت و اعتبار شده این سابقه را فراموش مکن و دست از یاری مردم بر مدار (برای آگاهی به بقیه داستان به کتب مربوطه مراجعه شود) .

سعدی در بوستان در باب هشتم در باب شکر و عافیت می گوید :

جوانی سر از رأی مادر بتافت	دل درد مندش بآذر بتسافت
چو بیچاره شد پیشش آورد مهد	که ای سست مهر فراموش عهد
نه گریبان و در مانده بودی و خرد	که شبها زدست تو خوابم نبرد
نسه در مهد نیروی حالت نبود	مگس راندن از خود مجالت نبود
تو آنی که از یک مگس رنجه ای	که امروز سالار و سر پنجه ای
بحالی شوی بساز در قعر گور	که نتوانی از خویشتن دفع مور
و گردیده چون بر فرورد چراغ	چو کرم لحد خورد پیه دماغ
چو پرشیده چشمی بینی که راه	ندانند همی وقت رفتن ز جباه
تو گر شکر کردی که با دیده ای	و گرنه تو هم چشم پوشیده ای

در مجله « نور علم » : نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ( صفحه ۸۴ شماره ۳ دوره دوم ) در ضمن شرح حال علامه فقیه مرحوم آقا سید محمد کاظم

طباطبائی بزدی ( ۱۲۴۷ - ۱۳۳۷ ) به خلاصه می نویسد :

مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی در اواخر عمر زعیم مطلق و مرجع تقلید عامه شیعه در سراسر جهان اسلام بود ولی هیچگاه زندگی ساده طلبگی خود را فراموش نکرد و همچنان زاهدانه می زیست .

نقل شده که یکی از بزرگان حوزه علمیه قم روزی در نجف به اطاق خصوصی مرحوم سید رفت ، در گوشه اطاق يك دیزی ( نوعی دبك کوچک مسی یا گلی دسته دار که در آن طعام میزند ) می بیند . از مرحوم سید سؤال می کند این چیست و چرا آنرا در گوشه اطاق شما گذاشته اند ؟

مرحوم سید در جواب میفرماید :

این دیزی زمان طلبگی من است و آنرا جلو چشمم گذاشته ام که خود را فراموش نکنم .

توجه کنید میفرماید :

جلو چشمم گذاشته ام که خود را فراموش نکنم .

این فرمایش مرحوم علامه طباطبائی درسی است برای کلیه کسانی که بمقاماتی میرسند و مراحل را در زندگانی خود طی می کنند زمانی فقیر و بی چیزند - درمانده و زبونند - سپس مالک همه چیز میشوند - صاحب قدرت و نفوذ میگرددند - فاعثروا یا اولی الابصار .

کرامتی از مرحوم شیخ جعفر نجفی : صدور کرامات و خوارق عادات از مؤمنین و بندگان نیکوکار خداوند تبارک و تعالی امری است که با عقل و منطق مخالفت نداشته و انجام آن بوسیله بسیاری از آنان نقل گردیده و در صحت و اعتبار آن جای هیچگونه شك و تردیدی نمی باشد .

ما در این قسمت قصد آن نداریم که با نقل یکی دو کرامت از برای مرحوم

شیخ جعفر نجفی مقامی و ارزشی جدید برای او بدست بیاوریم شخصیت علمی و اجتماعی آن مرحوم خود بزرگترین معرف و بیانگر مقام والای این عالم ربانی است . مراجعه به تألیفات او بالاخص کتاب : کشف الغطاء و همچنین تربیت کردن دهها بلکه صدها عالم و فقیه و مجتهد که هر کدام بنوبه خود از افتخارات علماء شیعه بشمار میروند و ما بنام عدهای از آنان ضمن اسامی شاگردان و مجازین از آن بزرگوار اشاره کردیم بهترین وسیله شناسائی مقام ارجمند این علامه روزگار و فقیه نامدار می باشد .

اما نویسنده به تبعیت از مؤلفین بزرگوار گذشته همچون محدث قمی علیه الرحمه در فوائد الرضویه ( ص ۷۳ یکم ) و علامه فقیه مجاهد حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در العیقات العنبریه ( صفحه ۱۶ نسخه عکسی ) و مرحوم آقا میرزا محمد تنکابنی در قصص العلماء ( ص ۱۹۰ ) و جمعی دیگر در کتابهای دیگر که از برای مرحوم شیخ جعفر کراماتی نقل نموده اند، در این جا بذکر یک کرامت که مربوط به سالها پس از فوت آن مرحوم می باشد مبادرت می نمائیم :

۱- مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه ( ص ۱۸۱ یکم ) در ضمن شرح حال مرحوم شیخ راضی نجفی ( شیخ راضی بن محمد بن محسن ابن خضر نجفی المتوفی سنه ۱۲۹ ) می نویسد :

چون مرحوم شیخ عبدالحسین طهرانی تصمیم به چاپ کردن کتاب : کشف الغطاء تألیف مرحوم شیخ جعفر نجفی گرفت چندین نسخه از کتاب را تهیه نمود لکن هیچکدام صحیح و بدون غلط نبود و مرحوم شیخ العراقین در تصحیح کتاب نامبرده دچار زحمت و اشکال گردید تا آنکه یکشب در عالم رؤیا مرحوم شیخ جعفر را دید که باو فرمود : در رف بالای حجره راضی ( شیخ راضی بن نصار ) نسخه صحیحی بخط مشار الیه موجود است که کبوتران بر روی آن

بچه نهاده‌اند و فرزندان شیخ راضی از وجود این نسخه بی اطلاعند . بروانجا آنرا مییابی .

چون مرحوم حاج شیخ عبدالحسین ( عبدالحسین بن علی طهرانی مؤلف طبقات الرواة و متوفی در ۱۲۸۶ ) از خواب بیدارگشت بسمت نجف حرکت نموده و در نجف بخانه شیخ راضی رفته و مطابق نشانی که در خواب باو داده شده بود کتابرا برداشته ( و با خود به کربلا برد ) .

در فوائد الرضویه ( ص ۱۸۱ ) فوت مرحوم شیخ راضی بن نصار را می نویسد : ظاهراً در طاعون سال ۱۲۴۶ بوده و در معارف الرجال ( ص ۳۱۵ یکم ) حدود ۱۲۳۰ می نویسد . والله اعلم .

در کتاب قصص العلماء و دیگر کتب چندین کرامت دیگر نقل می کنند و ما اینک بذکر یک کرامت دیگر بنا بنقل از کتاب : « العباقات العنبریه » اکتفاء میکنیم :  
۲ - ذکر کرامتی از مرحوم شیخ :

حدیث نفس و مناجات در کتاب : العباقات العنبریه ( ص ۱۵ نسخه عکسی ) از قول مادر شیخ محمد و شیخ مهدی نقل می کند که :

طرز عبادت کردن مرحوم شیخ جعفر بر دو گونه بود :

۱ - عبادت عملی ( نماز و دعا خواندن ) .

۲ - عبادت قولی ( راز و نیاز و گریه و زاری و تضرع در خانه حضرت حق

جل و علا ) .

گاهی با خداوند مناجات میکرد و نماز میخواند و زمانی بر زمین افتاده و گریه و زاری مینمود .

نقل می کند که من در شبی از شبهای تابستان روی بام خوابیده بودم و محمد شیرخواره بود و در پهلویم و مرحوم شیخ در گوشه دیگری از بام و فاصله من و او

حدود پانزده ذراع یا بیشتر بود . مرحوم شیخ بیشتر شبها را بیدار بود .  
در ثلث آخر شب مشغول گریه و زاری میشد و نهان و آشکارا تضرع نموده

جسد خود را بر روی سطح بام می کشید و مکرر می گفت :  
یا جعفر یا جعفر یا قلیل الحیاء یا کثیر الشقاء و امثال اینگونه سخنان بر زبان  
آورده و می گریست ( الحق این طرز عمل و اینگونه مناجات کردن باید سرمشق  
کلیه عاشقان حضرت حق و دوستداران لقای محبوب واقعی قرار گیرد . راستی که  
خواندن و شنیدن این کلمات موی بر اندام انسان راست می کند و آدمی را از  
دنیای مادی به عالمی دیگر سیر می دهد ) این گونه سخنان میفرمود و می گریست  
شبها از شبها من از گریه او بیدار شدم و در رختخوابم بر پشت خوابیده و بیدار بودم در  
این حال شنیدم که با صدای ضعیف و ناله میفرمود : کیست که برای من آب بیاورد .  
کیست که يك شربت آب بمن بنوشاند و این کلمات را تکرار میکرد . کوزه های  
آب در لب بام بود برخاستم که ویرا آب دهم دیدم که کوزه آب از لب بام پائین  
آمده و بنزد شیخ رفت و شیخ از آن نوشید و کوزه برگشت .

هوش از سرم برفت و گفتم شاید خواب دیده ام و آنچه بنظرم آمده در خواب  
بوده و حقیقت نداشته است . با خود گفتم رفع این اشتباه از اینراه است که دیگر  
باره شیخ طلب آب کند اگر اظهار عطش کرد معلوم میشود که حرکت کوزه  
و آب خوردن شیخ همه را در خواب دیده ام .

پس دیدم که دیگر شیخ آن کلمات را تکرار نکرده و به تسبیح و تقدس خود  
ادامه داد .

دیگر باره با خویشتم گفتم وهم و خیال گوئی مرا گرفته و حس بینائیم خطا  
نموده اکنون شك را با امتحان بمرحله یقین میرسانم ظرف آب را برداشته  
و نزدیک او شدم هیبت او مانع هرگونه سؤال و اقدام شد .

چند قدمی او ایستادم و گفتم :

یا ابا موسی آب آوردم با حال ترس و وحشت سر برداشت و گفت : چه چیز ترا در این وقت شب از خواب بیدار کرد و چرا اینجا آمدی برگرد و بخواب و دیگر در چنین مواردی بنزد من میا ...

خواب دیدن شیخ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را :  
در کتاب : العیقات العنبریه ( ص ۲۱ نسخه خطی ) در قسمت مربوط به  
زهد و قدس مرحوم شیخ جعفر نجفی می نویسد :

از یکی از مؤلفین شنیدم که مرحوم شیخ حضرت رسول اکرم ( ص ) را در  
خواب دید :

حضرت به او فرمودند : ای جعفر من ترا خیلی زیاد دوست دارم .  
گفت : ای آقای من این دوستی شما از چه جهت است که آنرا ادامه دهم ؟  
حضرت فرمودند بخاطر :

۱ - روزه داری همیشه .

۲ - نماز شب .

۳ - با طهارت و وضو بودن .

خواب دیدن یکی از بزرگان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را : مرحوم  
تنکابنی در قصص العلماء ( ص ۱۹۱ ) می نویسد : در اصفهان شخصی در عالم  
رؤیا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را دید که در جائی تشریف  
دارند و مرحوم آخوند ملا علی نوری در پهلوی آن بزرگوار نشسته و جمعی دیگر  
از علماء نیز نشسته اند و مرحوم شیخ جعفر دم در ایستاده است و پیغمبر اکرم از  
وضع و رفتار مردم متغیر می باشند که گناه می کنند و مخالفت اوامر و دستورات  
آنحضرت می نمایند و جناب آخوند ملا علی در مقام عذرخواهی است و می گوید :

یا رسول الله ما مقصریم و گناه کاریم و اقرار به تقصیر خود داریم و امید شفاعت از شما و عفو از خداوند متعال داریم و همه اهل مجلس ساکت بودند .

مرحوم تنکابنی پس از نقل این رؤیا می نویسد که : این خواب دلالت بر عظمت مقام و اولویت مرحوم شیخ جعفر بر عموم علمائیکه در عالم رؤیا آن شخص آنان را در حضور حضرت رسالت پناه دیده است می نماید . بچندین دلیل سپس آنها را نقل می کند که ما بجهت اختصار از نقل آنها خودداری کردیم .

عقیده شیعه امامیه درباره حکومت : شیعه معتقد است که حکومت در بین مردم خاص مقام حضرت حق جل و علا می باشد که برای آنها دین معین کند و پیغمبر بفرستد و احکام و دستورات و اوامر و نواهی صادر فرماید ( انما ولیکم الله ) .

پس از خداوند این منصب از طرف خداوند تبارک و تعالی به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم واگذار شده است . آنحضرت همانگونه که ولایت تکوینی دارد ولایت تشریحی نیز دارد آنچه را که او بفرماید مؤمنین باید بدون چون و چرا بپذیرند که ( ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا ) و در دنباله آیه انما میفرماید ( ورسوله ) .

پس از رحلت رسول گرامی علیه السلام طبق امر خداوند و نص حضرت رسول ابن منصب اختصاص به حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و یازده فرزند بزرگوار او علیهم صلوات الله دارد و احدی از اولین و آخرین با آنها مشارکت نداشته و ندارد و کلیه مدعیان امامت و ولایت دروغزن و کاذبند .

ما در این جا بر سر آن نیستیم که در بحث امامت و ولایت وارد شویم و آنرا بکتاب مربوط بآن وا می گذاریم .

در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مقام ولایت ( تا آن حد که در کتب فقهی و کلامی گفته شده و ثابت گردیده ) متعلق به

جانشینان عام آنحضرت یعنی محدثین بزرگوار و مجتهدین عادل پرهیز گار میباشد. شیعه کلیه حکام و سلاطین را در هر زمان و مکان که بوده اند اگر از طرف یکی از مجتهدین اجازه تصرف در امور مملکت نداشتند را غاصب میدانند. در بعضی از کتابها نوشته اند که :

۱ - هلاکو پادشاه مغول ( مؤسس سلسله ایلخانیان ) که سلسله سلاطین اسماعیلیه را قلع و قمع کرد ( سال ۶۵۴ ) و همچنین بغداد را فتح نمود و خلافت پانصد ساله بنی عباس را به پایان رسانید ( سال ۶۵۶ ) چنانکه سعدی می گوید :

در آن وقت که ما را وقت خوش بسود

زهجرت ششصد و پنجاه و شش بسود

در فتح بغداد از علماء بزرگوار جناب خواجه نصیر الدین طوسی و خواجه عطا ملک جوینی و همچنین ابو بکر بن سعد بن زنگی از اتابکان فارسی همراه او بودند .

آنچه معروفست آنکه فتح بغداد به اشاره و صوابدید و اجازه جناب خواجه بوده است . والله اعلم .

مرحوم قاضی نورالله شوشتری ( شهید در سال ۱۰۱۹ ) مؤلف کتب کثیره از آنجمله : احقاق الحق در کتاب مجالس المؤمنین در جنسه دوازدهم درباره سلاطین ایلخانیه ( هلاکو و جانشین های او ) بخلاصه می نویسد : هلاکو از طرف برادرش منکوقاآن در سال ۶۵۱ مأمور فتح ایران شد و در سلخ شوال ۶۵۴ خور شاه آخرین پادشاه اسماعیلیه را بدست آورده و حکومت و سلطنت آنرا را خاتمه داد . در این جنگ و جدال تقرب جناب خواجه نصیرالدین بجائی رسید که محرم حرم هلاکو شد و او را مسلمان و شیعه نموده و بوسیله او هلاکو را نیز مسلمان و شیعه گردانید و چنانکه مشهور است ویرا بسنت اسلام ختنه کرد .



مادر وزن هلاکو قبلاً بمذهب عیسوی بودند و خود هلاکو نیز طبق نظریه  
برخی از مؤلفین بودائی بوده است و در ۶۶۳ مرده است .

مرحوم عبدالعزیز جواهر الکلام ( ۱۳ - ۱۴۰۵ ) در کتاب آثار الشیعه  
الامامیه ( ص ۳۳ سوم ) راجع به هلاکو و تشیع او بحث کوتاهی نموده و اسلام  
و تشیع او را رد نموده است .

اولین پادشاه مغول که مسلمان شده است ظاهراً نکودار ( ۶۸۱ - ۶۸۳ )  
هفتمین فرزند پسر هلاکو می باشد که پس از آباقا ( ۶۶۳ - ۶۸۰ ) بسطنت رسید  
و مسلمان شد و بنام سلطان احمد معروفست .

و اولین پادشاه مغول که مذهب شیعه را پذیرفت غازان فرزند ارغون  
( ۶۹۴ - ۷۰۳ ) می باشد وی در سال ۷۰۲ شیعه شد حافظ آنرا در تاریخ خود نوشته  
که : حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و حضرت امیر المؤمنین علیه  
السلام را در خواب دید و بدان سبب شیعه و مذهب اسلام را برای مغول اجباری  
گردانید وی بنام سلطان محمود معروفست .

۲ - اولجایتو ( ۷۰۳ - ۷۱۶ ) فرزند ارغون معروف به سلطان محمد خدا بنده  
که سنیان از روی تعصب و عناد ویرا خربنده می گفتند .

در حیب السیر ( ص ۱۱۹ سوم ) در شرح حال مرحوم علامه حلی می نویسد:  
آن پادشاه سعادت پناه به ارشاد آن جناب ( علامه حلی ) متابعت مذهب  
علیه امامیه نمود ( انتهى محل الحاحه ) . سلطان محمد خدا بنده در سال ۷۰۹ شیعه  
شده و آن خود داستانی مفصل دارد طالبین بکتاب مربوطه مراجعه فرمایند ولی  
در امور مملکتی بسا اجازه و نظر مرحوم علامه رضوان الله علیه کار میفرموده  
است .

محمد قاسم فرشته اسلام و تشیع او را در اثر دیدن خواب نقل می کند و حاجی

نوری نورالله مرقدہ در خاتمه مستدرک ( ص ۶۰ ) علت شیعه شدن ویرا از راه دیگری بیان میفرماید و جمع بین هر دو علت نیز ممکن است سبب بوده باشد . در دوران سلاطین صفویه که زنده کننده تاریخ تشیع و از حامیان و طرفداران مذهب حقه شیعه امامیه بوده و خود نیز افتخار سیادت و انتساب به اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را داشته اند این سنت سنیه یعنی اجازه گرفتن از مراجع بزرگ تقلید و مجتهدین رعایت میشده است .

اگرچه پادشاهان صفوی از اول تا به آخر همه آنها ادعای خطیبت و ارشاد و تصوف و عرفان داشته وعده زیادی از مردم آنان را بهمین عنوان قبول داشته و اطاعت او امرشان را واجب می دانسته اند لکن سلاطین آنها از راه کمال عقل و خردمندی جهت حفظ اتحاد و یگانگی در بین کلیه شیعیان یعنی مردم مملکت از صوفی و غیر صوفی جانشینی مجتهد را نیز ضمیمه قطب الاقطابی کرده و با کمال قدرت و عظمت قریب دو قرن ونیم پادشاهی کردند .

۳ - شاه اسماعیل صفوی ( ۹۰۵ - ۹۳۰ ) و جانشین او شاه طهماسب ( ۹۳۰ - ۹۸۴ ) نسبت به علماء و سادات کمال احترام و بزرگداشت را رعایت مینمودند . شاه طهماسب از طرف جناب شیخ نور الدین ( زین الدین ) ابوالحسن علی بن حسین بن علی بن محمد عبدالعالی کرکی عاملی معروف به محقق کرکی و محقق ثانی در امر سلطنت و حکومت نیابت داشته است .

شرح حال مرحوم محقق کرکی رحمه الله علیه در جمع کتب تراجم رجال بعظمت و بزرگی یاد شده و در امل الامل ( ص ۱۲۱ یکم ) و تکلمه امل الامل ( ص ۱۹۱ ) و ریاض العلماء ( ص ۴۴۱ سوم ) و روضات الجنات و ریحانة الادیب و فوائد الرضویه و قصص العلماء و دیگر کتب بطور اجمال و تفصیل ذکر شده طالبین مراجعه فرمایند .

شهادت مرحوم محقق کرکی در ۱۲ ذی الحجه ۹۴۵ رویداده است (ص ۱۰۸ شهداء الفضيله) و تاریخ آنرا در کتابها در سالهای ۹۳۷ و ۹۳۸ و ۹۳۹ و ۹۴۰ نیز نوشته‌اند که ظاهراً تمام آنها اشتباه و صحیح همان ۹۴۵ می‌باشد. محل دفن مرحوم محقق ثانی در نجف اشرف می‌باشد.

صورت فرمان شاه طهماسب صفوی که بنام مرحوم محقق کرکی نوشته‌است در ریاض العلماء (ص ۴۵۷ سوم) و از آنجا در دیگر کتابها نقل شده است طالبین مراجعه کنند. تاریخ فرمان ۱۶ ذی الحجه الحرام ۹۳۹ می‌باشد. خلاصه فرمان آنکه:

سلطنت حقّه حق آن جنابست که نایب امام زمانست عجل الله تعالی فرجه الشریف ومن (شاه طهماسب) تبریکی از عمال و کارگزاران اویم تمسام افراد مملکت باید امتثال فرمان و اوامر او کنند و مخالفت با دستورات وی ننمایند.

مرحوم محقق کرکی نیز برای شخص پادشاه و سلطنت شرابطی مقرر فرموده و دستور اجرای آنرا داده است.

ذیلا به برخی از آنها بطور اجمال اشاره می‌شود:

۱ - در کیفیت رفتار عمال و کارگزاران دستگاه حکومت با مردم اوامری صادر نمود.

۲ - در مقدار مالیات و طرز وصول آن احکامی صادر کرد.

۳ - در کیفیت خرج کردن مالیاتها که چگونه و در چه راهی باید خرج شود.

۴ - امر به اخراج علمای مخالف که موجب اختلال و گمراهی میشوند فرمود.

۵ - برای کلیه قراء و قصبات و شهرها به تناسب محل عالمی فرستاد که مردم

را به اصول دین و فروع آن و احکام آشنا کند یعنی پیش نمازانی معین فرمود که اقامه جماعت کنند و مسائل دین بمردم بیاموزند.

۶ - چون قائل بوجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام بود و خود آنرا در نجف اقامه میفرمود دستور داد که ائمه جماعت در ظهر جمعه نماز جمعه با شرایط مقرر آن اقامه کنند .

۴ - فتح علیشاه قاجار از طرف شیخ جعفر نجفی در امر سلطنت وبخصوص در موضوع جهاد با روسیه با شرایط خاصی اجازه داشته است ( ص ۱۹۱ قصص العلماء ) .

راجع به ناصر الدینشاه نیز علی المسموع ( تا کنون ماخذی که بتوانم بآن استناد کنم نیافته‌ام ) نیز گفته شده است که از طرف مرحوم حاج ملا علی کنی ( ۱۲۲۰ - ۱۳۰۶ ) عالم معروف اجازه حکومت و سلطنت داشته است .  
واحتمالا حضور علماء بزرگوار در مجلس تاجگذاری پادشاهان صفوی وغیره روی همین پایه و اساس بوده است .

شاه عباس کبیر صفوی ( ۹۹۶ - ۱۰۴۸ ) بیشتر امور مملکت را با نظریه مرحوم شیخ بهاء الدین محمد معروف به شیخ بهائی اداره می کرده و این عالم جلیل در کلیه کارها مشیر و مشار پادشاه مزبور بوده است .

شاه سلیمان و شاه سلطان حسین در امور مملکت به جناب علامه مولی محمد باقر مجلسی ( ۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ) که شیخ الاسلام مملکت بود مراجعه می کردند و تا زمانیکه مرحوم مجلسی حیات داشت امور مملکت صفویه روبراه بوده و پس از فوت او اوضاع برگشته و بزرگان قشون و دیگران در شاه نفوذ یافته و کار مملکت رسید بدانجا که همه اطلاع دارند .

شرایط نیابت سلطنت: از قصص العلماء نقل کردیم که مرحوم شیخ جعفر نجفی به فتح علیشاه در امر سلطنت و حکومت نیابت داد اما آنرا مشروط به شرایطی نمود از آنجمله :

- ۱ - در سربازخانه‌ها و لشکرگاه‌ها امام جماعت داشته باشند .
  - ۲ - هر يك از افواج مؤذنی داشته باشد ( که در موقع اذان و وقت نماز اذان بگوید )
  - ۳ - در هر هفته يك روز سربازها را موعظه کند ( امام جماعت یا واعظی دیگر ) .
  - ۴ - به سربازها مسائل دینی بیاموزند .
- این شرایط و بقیه شروط مفصلاً در باب جهاد کتاب : کشف الغطاء مسطور است طالبین مراجعه فرمایند .
- طریقه مرحوم شیخ در خدمت بفقراء :
- مرحوم شیخ جعفر نجفی در کمک و انفاق بفقراء و مستمندان در بین علماء و دانشمندان کمتر نظیری میتوان برای او پیدا کرد بطور نمونه :
- ۱ - در عموم سالها خانه خود را رهن میداد و پول آنرا بین فقراء تقسیم میکرد و در مسافرتها که به ایران مینمود از وجوهی که بزرگان خدمتش تقدیم میکردند خانه خود را از رهن خارج میکرد .
  - ۲ - در موقع نماز و گاهی که فقراء خدمت اومی آمدند خود بشخصه در بین صفوف نمازگزاران می گذشت و جهت آنها پول جمع آوری نموده و بلا فاصله بین آنها تقسیم میکرد .
  - ۳ - در قصص العلماء دو داستان از طرز خدمت او به مستمندان نقل می کند که هر دو خواندنی و شنیدنی و عبرت گرفتنی است :
- الف : در موقعیکه عازم حرکت و خروج از اصفهان بود سید فقیری بنزد او می آید و اظهار فقر می کند و مطالبه مبلغ یکصد تومان (پول تقریباً یکصد و هشتاد سال قبل ) از ایشان می کند مرحوم شیخ آنرا به امین الدوله حواله می کند وی

اظهار میدارد که اگر امین الدوله نداد چه میشود شما که رفته‌اید .

شیخ میفرماید : من این جا ایستاده‌ام تا تو برگردی .

وی نزد مرحوم امین الدوله رفته و پیغام مرحوم شیخ را می‌گزارد مشار الیه بدون معطلی کیسه‌ای پول بساو تقدیم می‌کند چون نزد شیخ می‌آید او را بهمان حال منتظر می‌بیند . کیسه را می‌شمارند دویست تومان بود، صد تومان باو میدهند و یکصد تومان دیگر را نیز فوراً بین فقراء تقسیم می‌کنند (ص ۱۹۲ قصص العلماء).

ب : در همین سفر در اصفهان یا در یکی دیگر از سفرهای او باین شهر ما بین الصلاتین سید فقیری بنزد او می‌آید و باکمال گستاخی می‌گوید : مال جدم را بمن بده .

شیخ میفرماید : آقا دیر آمدی و آنچه بود بین دیگران تقسیم کردم مشار الیه از شدت فقر و ناراحتی تغییر حالت روانی پیدا کرده و نسبت بجناب شیخ بی ادبی کرده و حسد جسارت را بدانجا میرساند که آب دهن بر صورت جناب شیخ می‌اندازد .

مؤمنین حاضر و ناظر از این بی ادبی و جسارت مرد فقیر ناراحت شده و قصد اذیت و آزار او می‌کنند. اما خود مرحوم شیخ باکمال رأفت و عطف و حلم و صبر اولاً مردم را آرام نموده و بسید میفرماید :

بشین تا برای تو فکری کنم .

سپس دامن قبای خود را گرفته و در بین صفوف نمازگزاران گشته و میفرموده : هر کس ریش شیخ را دوست دارد به سید اعانت کند .

مردم نیز بخاطر احترام مقام جناب شیخ دامن آن مرحوم را از سکه‌های طلا و نقره پر کردند و مرحوم شیخ همه آنها را به سید فقیر هتاک داده و از او عذر خواست . (ص ۱۹۴ قصص العلماء) .

این رفتار مرحوم شیخ باید دستورالعملی باشد برای عموم مؤمنین بالاخص  
ائمه جماعت و فقهم الله تبارك و تعالی لمراضیه .

در زمان ما مشاهده میشود که در بعضی از مساجد بمجرد آنکه فقیری اظهار  
تنگدستی کند و از مردم کمک بخواهد گفته میشود : آقا ( یعنی امام جماعت )  
گفته‌اند در این مسجد گدائی موقوف است .

بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا .

دو واقعه مهم در زمان مرحوم شیخ جعفر نجفی رحمه الله علیه :

۱ - حمله و هابیها به نجف اشرف و دفاع مردم آن شهر تحت رهبری وزعامت  
مرحوم شیخ جعفر نجفی : و هابیها پس از واقعه کربلا در عید غدیر سال ۱۲۱۶  
و قتل و غارت مردم آن شهر و آن همه جنایت بقصد مقابله با مردم نجف به سوی  
آن شهر روانه شدند :

۱ - بیشتر مردم شهر فرار کرده و به عشایر اطراف پناهنده شدند .

۲ - ذخائری که در حرم مطهر و خزائن بود جهت حفظ از دستبرد آنان به  
بغداد فرستادند .

۳ - مرحوم شیخ جعفر وعده‌ای بسیار اندکی از مردم که عده آنها به دوست  
نفر نمیرسید در شهر مانده و اهل علم و دیگران همگی سلاح جنگ پوشیده  
دروازه‌ها را بستند و در پس آن آماده قتال نشستند .

۴ - علمائیکه در این جریانات در نجف باقی ماندند و بسا مرحوم شیخ در  
امر دفاع از شهر جانفشانی کردند عبارت بودند از : شیخ حسین نجف ، شیخ  
خضر شلال ، سید جواد عاملی ، و شیخ مهدی ملاکتاب و جمعی دیگر از بزرگان .  
برای آگاهی از کیفیت این پیش آمد به کتب تاریخ مربوطه مراجعه شود .

تاریخ این هجوم شب ۹ ماه صفر سال ۱۲۲۱ بوده است ( صفحه ۲۳۵ ماضی النجف وحاضرها ) .

۲ - حادثه دوم اختلاف زقوت و شمريت در نجف اشرف می باشد .

شرح این داستان از حوصله این کتاب خارج است همينقدر گوئيم که :  
زقوت اطرافيان مرحوم شيخ جعفر و جمعی از اهل علم بوده اند که در حادثه وهابی و ديگر حوادث خدمتها کرده اند و شمريت طرفداران سيد محمود رحباوی می باشند که در رجه ساکن بوده و در شبی از شبها که مرحوم شيخ جمعی را برای احضار او بمحضرش فرستاده بود کشته شده و گفتند که قاتل او یا یکی از عمو زادگانش بوده و یا یکی از فرستادگان مرحوم شيخ بنام : عباس حداد .  
قتل سيد محمود در سال ۱۲۲۸ بوده و مرحوم شيخ پس از هفت ماه از این حادثه وفات یافته است ( صفحه ۲۴۱ ماضی النجف وحاضرها ) بنابراین ابتدای حادثه در ماه صفر این سال رویداده است ، اختلاف و مبارزات دو فرقه و گروه از آن موقع تا همین زمانها یعنی قریب ۱۷۰ سال بطول انجامیده و چه قتل و غارتها که از طرفین شده و همه زائیده جهالت و عصبيت می باشد .

شرح این داستانها نیز خود کتابی مفصل است و نیازی بذکر آن نمی باشد .  
لباس و خوراک مرحوم شيخ جعفر نجفی : لباس مرحوم شيخ جعفر نجفی بسیار ساده بوده و با اعراب معمولی هیچگونه تفاوتی نداشته است بطوریکه هر کس در هر مجلسی که جناب شيخ تشریف داشت وارد میشد و آن مرحوم را قبلا ندیده بود از طرز لباس و هیئت ظاهری نمیتوانست تشخیص بدهد که کدامیک از حاضرین جناب شيخ می باشد . اما بسیار با هیبت و وقار بود .

آن مرحوم سمین و اکول بود و غذا بسیار میخورد و از غذاهای لذیذ بهره مند میشد و بمصداق فرمایش حق جلا و علا که میفرماید : قل من حرم زينة الله التي



اخرج لعباده والطيبات من الرزق (سوره الاعراف آیه ۳۳) عمل میفرمود .  
در مجالس سلاطین و حکام و بزرگان شرکت میکرد و از غذای آنها میخورد  
و از معاشرت با آنان ابا و امتناع نداشت و در عین حال در امر بمعروف و نهي از  
منکر شدید العمل بود . با آنها بدآنجهت مراوده و معاشرت میفرمود که آنان را  
ارشاد و هدایت کند و از ظلم و ستم باز دارد .

شیخ جعفر نجفی و امین الدوله اصفهانی :

در قصص العلماء می نویسد که :

به امین الدوله از قول مرحوم شیخ نقل کرده بودند که فرموده بود :

من هرگز غذای حرام نخورده‌ام و نمی‌خورم . (ص ۱۹۶) .

امین الدوله شیخ را دعوت کرده و به نوکران خویش دستور داد که از محل  
عوارض مالیات و گمرک جهت آن بزرگوار غذا تهیه کنند و آنان نیز چنین کردند .  
پس از صرف غذا امین الدوله به مرحوم شیخ اظهار داشت که شما فرموده‌اید  
من غذای حرام نمی‌خورم و این غذائیکه امروز میل فرمودید از محل عشریه  
و مالیات و حرام بود مرحوم شیخ در جواب فرمودند که مجهول المالک بر من  
( که مجتهد میباشم ) حلال است و بر تو حرام .

مرحوم شیخ جعفر یکی از افراد سعادت‌مند بوده است :

اگر معنی و مفهوم سعادت دنیوی را در مطالب زیر خلاصه کنیم :

۱ - زندگی آسوده و مرفه داشتن .

۲ - خوراک و پوشاک و منزل مطابق میل و شخصیت داشتن .

۳ - بهره‌مندی از کلیه تمتعات زندگی از زن و فرزند و غیره .

۴ - اولادهای متعدد و خوب و تحصیل کرده که موجب آبروی انسان در حیات

و ممات باشند داشتن .

۵ - سیر در آفاق و انفس و معاشرت با مردمان صالح و علماء .  
۶ - مطاع بودن و ریاست ظاهری نمودن .  
۷ - داشتن دوستان یکدل و با وفاء خالص که دوستی آنها فقط به خاطر خدا باشد .

۸ - خلاصه محبوب القلوب بودن و قبول عامه و از اینگونه مطالب همه آنها جهت مرحوم شیخ جعفر نجفی جمع و مهیا بود .

او در زمان خود شیخ الطائفه و رئیس مطلق شیعه شمرده میشد کلیه طبقات مردم عالم و عامی شاه و گدا از او فرمانبرداری میکردند و ویرا بسا کمال عزت و احترام ستایش مینمودند .

چهار فرزند عالم و مجتهد که هر يك از اعاظم مجتهدین و اساتید فقهاء و رؤساء ملت و دین شمرده میشدند و همچنین دامادهای بزرگوار و فقیه و مجتهد داشت که همگی اسباب افتخار خاندان مرحوم شیخ بلکه موجب افتخار علماء شیعه در آن زمان و در کلیه ازمنه بوده اند .

و اما سعادت اخروی مسلماً در :

۱ - زهد واقعی و اعراض از غیر خدا بخاطر خداوند تبارك و تعالی .  
۲ - عبادت و بندگی از روی اخلاص و معرفت .  
۳ - علم و عمل بدون ریا بخاطر خوشنودی خداوند جل و علا .  
۴ - صبر و حلم و تواضع .  
۵ - تربیت مستعدان و تدریس به دانشجویان برای رضایت حضرت حق تعالی و تقدس .

۶ - خدمت به فقراء و مستمندان و ضعفاء و درماندگان .  
۷ - ولایت اهل بیت علیهم السلام و خدمت به ذریه طیبه سادات بالانحصار

سادات فقیر و بیچاره و این گونه اعمال می باشد که مرحوم شیخ جعفر نجفی یکی از مصادیق واقعی آن بوده است .

عبادتها و شب زنده داریها ، گریه و زاریهای شبانه بدرگاه حضرت حق جل و علا ، بی اعتنائی به ریاست و نوچه شاه و حکام و خدمت به اهل علم و سادات بویژه سادات فقیر ، تربیت ده ها بلکه صدها عالم و مجتهد و بالاخره تألیف و تصنیف کتب و رسائل که موجب هدایت و ارشاد دانشمندان و اهل معرفت همگی از موجبات سعادت آنجناب می باشد .

در سفینه البحار ( ص ۶۲۳ جلد یکم ) در ضمن بیان شرح حال ابو سعید خدری می نویسد :

كان علی بن الحسین علیه السلام یقول : انی لا کره للرجل ان یعافی فی الدنیا ولا یصیبه شیء من المصائب .

مرحوم شیخ جعفر نجفی نیز گرفتار مصیبت دشمنی و عناد میرزا محمد اخباری واقع شده و در آخر عمر نیز قضایای نجف اشرف و اختلاف دو گروه : شمرت و زقرت موجب ناراحتی آن جناب گردید .

بنا بر مطالب مذکوره مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء یکی از افراد سعادت مند بوده که جمع کرد بین دنیا و آخرت فطوبی له ثم طوبی له .

همسران مرحوم شیخ جعفر نجفی علیه الرحمه :

مرحوم شیخ الطائفه شیخ اکبر جناب شیخ جعفر زنان متعددی از دائمی و موقت داشته و از برخی از آنها اولاد یافته است ذیلا نام چند همسر مشار الیه که در کتب بنام و نشان آنها اشاره شده است را ذکر می کنیم :

۱ - دختر شیخ یونس خواهر مرحوم شیخ محمد ظویدی مادر مرحوم شیخ

علی بن جعفر بطوریکه مرحوم شیخ علی در تقریظی که بر کتاب : براهین العقول تألیف آن مرحوم نوشته می‌نویسد که مشار الیه خالوی من است ( الذریعه ) .

مرحوم شیخ ابو جعفر محمد بن یونس بن حجاج راضی شویهی حمیدی حسکی نجفی عالم فاضل فقیه ادیب شاعر واعظ از جمله شاگردان مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء بوده ( الذریعه ) و در سال ۱۲۴۰ وفات یافته است ویرا تألیفات زیادی است از آنجمله : ۱ - البحر المحيط در سه مجلد ۲ - براهین العقول در اصول ۳ - حجة الخصام در اصول احکام در دو مجلد مرحوم کاشف الغطاء بر این کتاب تقریظ فرموده سمع مهر آنجناب : ( جعفر بن شیخ خضر ) ومهری دیگر ( رق الصادق جعفر ) می‌باشد ۴ - الحجر الدامع ۵ - حیاة القلوب ۶ - سرور الواعظین ۷ - مختلف الانظار در اصول فقه در شش مجلد ۸ - موقظ الراقدین در مواظ ۹ - میزان العقول در منطق وغیره .

۲ - دختر سید مهدی طالقانی بطوریکه در مقدمه دیوان سید موسی طالقانی ( ص ۲۷ ) نوشته است . ( ص ۸۵۵ سوم مکارم الآثار ) .

۳ - مخدره‌ای از اهل یزد که مادر زن مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی بوده است . بطوریکه مرحوم الفت در نسب نام می‌نویسد : بنا بنقل مرحوم بلاغی دراعلاط در انساب نقل می‌نماید . ( صفحه ۲ ) .

اولاد واعقاب مرحوم شیخ جعفر نجفی علیه الرحمه :

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء هشت فرزند پسر وشش دختر بشرح زیر داشته است :

در العقباب العنبریه ( ص ۸۳ یکم ) ضمن نام بردن اسامی شاگردان آن مرحوم گوید :

از اولاد شیخ جعفر ( من الجعافره ) فرزندان پنج گانه اش :

۱ - شیخ موسی : مؤلف کتاب منیة الراغب ( فوت - ۱۲۴۱/۳ )

۲ - شیخ محمد ( فوت - ۱۲۴۷ )

۳ - شیخ علی : مؤلف حجیة المظنة ( فوت ۱۲۵۴/۳ )

۴ - شیخ حسن : مؤلف انوار العقاید ( ۱۲۰۱ - ۱۲۶۲ )

۵ - شیخ عیسی

و در همان کتاب ( ص ۹۴ ) نقل از یتیمه الدهر تألیف مرحوم سید محمد علی ابن سید ابی الحسن عاملی موسوی در ذکر اولاد مرحوم شیخ جعفر نجفی علیه الرحمه چهار نفر اول را نام برده و گوید :

۶ - شیخ حسین

باز در همان کتاب العباة العنبریه ( ص ۱۵ ) ضمن کرامات نقل شده از مرحوم شیخ جعفر کرامتی از قول مادر مرحوم شیخ محمد نقل نموده و ذکرى از اولادى دیگر مى کند بنام :

۷ - شیخ مهدی

مرحوم الفت در نسب نام (ص ۲ کتاب اعلاط در انساب ) نامی از فرزندى دیگر میبرد بنام :

۸ - شیخ عبدالله

از این هشت فرزند چهار نفر اولی معروف و نامشان در عموم کتب مذکور است و اولاد و اعیانشان در نجف مشهورند و چهار نفر دیگر ظاهراً چندان مقام علمى نداشته و یا در جوانی و قبل از شهرت یافتن و متأهل گردیدن وفات یافته اند العلم عندالله تبارک و تعالی .

دختران و دامادها مرحوم شیخ جعفر نجفی رحمه الله علیه :

مرحوم شیخ ظاهراً دارای شش نفر دختر بشرح زیر بوده است :

۱ - زوجه مرحوم آقا شیخ اسدالله کاظمینی .

شیخ اسدالله بن اسماعیل تستری کاظمینی از شاگردان مرحوم وحید بهبهانی و محقق قمی و میرزا مهدی شهرستانی و سید بحر العلوم و شیخ جعفر نجفی بوده کتب چندی تألیف نموده از آن جمله : ۱ - تحفة الراغب ۲ - کشف القناع ۳ - اللؤلؤ المسجور فی معنی الطهور ۴ - مستطرفات من الکلام ۵ - مقابس الانوار معروفترین تألیفات صاحب عنوان ۶ - منهج التحقیق ۷ - نظم زبدة الاصول تألیف شیخ بهائی علیه الرحمه و غیره تاریخ فوت او را از سال ۱۲۲۰ تا حدود ۱۲۶۰ نوشته اند و مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار سال ۱۲۳۴ را تاریخ فوت می داند ( ص ۹۸۰ سوم ) .

۲ - زوجه مرحوم آقا سید صدرالدین محمد موسوی عاملی اصفهانی بنام جان جان خاتون .

شرح حال مرحوم آقا سید صدر رضوان الله علیه بعداً نوشته میشود .

۳ - زوجه مرحوم آقا محمد علی بن آقا محمد باقر بن آقا محمد باقر هزار جریبی مازندرانی اصفهانی متوفی سال ۱۲۴۵ مرحوم تنکابنی در قصص العلماء ( ص ۱۹۶ ) می نویسد :

آقا محمد علی داماد شیخ بوده و شیخ بسیار باو معتقد بود و همچنین در همان کتاب در ضمن بیان شرح حال آقا محمد علی ( ص ۱۳۴ ) بدامادی او بر شیخ اشاره می کند و گوید دختر شیخ وفات یافت و دختر مرحوم میرزا محمد باقر نواب را در حباله خویش بر آورد .

۴ - زوجه شیخ محمد بن محسن بن خضر بن یحیی جناجی پدر شیخ راضی نجفی وفات شیخ راضی در شعبان سال ۱۲۹۰ بوده است ( ص ۳۰۸ یکم معارف الرجال ) .

بنابراین مرحوم شیخ راضی نجفی که به فقیه عراق مشهور است نواده شیخ جعفر می باشد .

۵ - زوجه مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی ایوان کیشی ( ایوان کیفی ) اصفهانی موسوم به نسمة خاتون یا حبابه .

ظاهراً نام او قبل از ازدواج حبابه بود و پس از شوهر کردن به نسمة آنرا تغییر داده اند و این سخن احتمالی بیش نیست .

۶ - دختری دیگر

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء ( ص ۱۹۰ ) از قول مرحوم شیخ می نویسد: مرا صبیهای بود چون بتکلیف رسید من او را خواستم و گفتم که خداوند عالم قرار داده که زنان شوهر کنند و اکنون وقت شوهر کردن تست هر که را میل داری من تو را باو تزویج کنم .

پس يك يك از اقارب و عشایرو اهل علم را اسم بردم قبول نکرد آخر الامر بقالی در همسایگی داشتیم اسم او را بردم سکوت کرد من از آن رضایت فهمیدم و آن بقال را آوردم و آن صبیبه را باو تزویج نمودم و بدست او دادم بخانه برد بعد از چندی دیدم که دخترم آمد و شکایت از شوهر خویش دارد من باو تغییر کردم و گفتم که خود بخواهش خود این مرد را اختیار کردی اکنون علاجی جز صبر و شکر و حوصله نیست پس در همان ساعت او را بخانه شوهرش روانه ساختم .

وصایای مرحوم شیخ جعفر : مرحوم تنکابنی در قصص العلماء در ضمن بیان

شرح حال مرحوم شیخ جعفر علیه الرحمه می نویسد :

۱ - مرحوم شیخ جعفر کتابخانه خود را وقف برافقه اولاد خود ماتناسلوا

و تعاقبوا فرموده بود .

پس از فوت او در مرحله اول شیخ موسی و پس از وفات او شیخ علی واز

آن پس شیخ حسن متصدی امرتدریس شده و بجای پدر نشستند (ص ۱۸۳ قصص العلماء) .

۲ - همچنین مرحوم شیخ وصیت فرموده بود که هر شب مقدار معینی طعام طبخ کنند و اولاد و احفاد او جمع شده و بمذاکره فقه و مقدمات آن بمقدار دو ساعت مشغول باشند . سپس می نویسد که تا کنون - یعنی سال تألیف کتاب قصص العلماء « ۱۷ رجب ۱۲۹۰ هجری » - آن طریقه برپا و آن مذاکره برجاست و این وصیت نهایت مستحسن است چه باعث آن میشود که همه فقیه شوند چنانکه طایفه شیخ جعفر همه از ذکور و اناث فقیه می باشند .

۳ - در کتاب العباقات العنبریه ( ص ۸۳ دوم ) می نویسد :  
مرحوم شیخ قبل از وفات فرزندان خود را گرد کرده و به آنان وصیت فرمود که همگان به امر و اطاعت مرحوم شیخ موسی باشند و در کلیه امور بانظر و صوابدید او کار کنند و او را وصی خود قرار داد .

و به شیخ موسی فرمود : ای فرزند اینان نیروی بازوی تواند در مشکلات و سختی ها از آنان کمک و یاری بخواه و به آنها محبت و مهربانی کن . . . . .  
وفات مرحوم شیخ جعفر نجفی :

مرحوم شیخ جعفر نجفی پس از هفتاد و دو سال عمر در نیم روز چهارشنبه بیست و دوم یا بیست و هفتم ماه رجب سال ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ یا ۱۲۳۱ در شهر مقدس نجف وفات یافته و در یکی از حجرات مدرسه خود در محله عماره مدفون گردید و اکنون قبه ای رفیع و گنبدی منیع بر قبر او ساخته و جمعی کثیر از اولاد و اعقاب و منتسبین او در اطرافش مدفون میباشند .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار ( صفحه ۸۵۵ سوم ) به برخی از اختلافات در تاریخ وفات آن مرحوم بطور اجمال اشاره فرموده و خود سال ۱۲۲۸



را صحیح دانسته است .

نویسنده گوید : در تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله غره ماه رجب سال ۱۲۲۷ را شنبه می نویسد بنابراین چهارشنبه ۲۶ ماه رجب خواهد بود و غره ماه رجب سال ۱۲۲۸ را چهارشنبه می نویسد بنابراین چهارشنبه بیست و دوم خواهد بود و غره رجب سال ۱۲۳۱ سه شنبه بوده بنابراین چهارشنبه بیست و سوم خواهد شد از این سه قول فقط سال ۱۲۲۸ روز چهارشنبه بیست و دوم ماه بوده که مطابق آنچه در روز هفته و ایام ماه گفته شد با این سال تطبیق می کند .

در هر حال قول صحیح در فوت مرحوم شیخ جعفر نجفی چهارشنبه ۲۲ رجب سال ۱۲۲۸ می باشد .

ماده تاریخ فوت مرحوم کاشف الغطاء : پس از فوت آن مرحوم بسیاری از شعراء و گویندگان عرب و عجم در مرثیه و ماده تاریخ وفات او اشعاری سرودند از آنجمله :

۱ - داود پاشا والی بغداد این دو بیت را گفت ( ص ۱۵۶ یکم معارف الرجال ) :

فقل للدهر انت اصببت فالبس      برغمك دوننا ثوب الحداد  
اذا قدمت خاتمة الرزایا      فقد عرضت سوفك للکسار

۲ - سید علی امین یکی از شاگردانش قصیده ای گفت که مطلع آن اینست ( ص ۱۵۶ یکم معارف الرجال ) :

أتطلب دنیا بعد فقدك جعفرأ      وتطمع فیها ان تكون معمرأ  
وتركن الدهر الخؤون سفاهة      وننقل مما كنت تسمع او ترى

\* \* \* \* \*

سقى الله فبراً ضم اعظم جعفر      واهداه كفوراً ومسكاً وعنبراً

- ۳ - شیخ محمد سماوی در عنوان الشرف (ص ۹) گوید :
- والشیخ کاشف الغطاء جعفر فی مرقد ذاك له موقر  
وفی مقامه نبوه النجبا تاریخه « ضمیر قدس حجبا » ۱۲۲۸
- ۴ - مرحوم سیدابراهیم بغدادی مرثیه‌ای در ۳۲ بیت سروده مطلع آن اینست:
- خطب تکاد له السماء تنفطر والارض ترجف والارض یسر  
مقطع آن با ماده تاریخ اینست :
- وقد اقتناه العلم قلت مورخاً العلم مات بیوم فقدك جعفر  
۵ - مرحوم شیخ حمود بن اسماعیل ظالمی گوید :
- قدننا جعفرأ والعلم حتی كان العلم كان له خیالا  
مرثیه در پنج سطر ودر العباقات العنبریه نقل شده است .
- برخی از مدفونین در تبعه مرحوم شیخ جعفر کبیر نجفی علیه الرحمه :
- مقبره مرحوم کاشف الغطاء نجفی علیه الرحمه یکی از مقابر متبرکه شهر  
نجف اشرف و زیارتگاه مؤمنین و مقدسین بخصوص طلاب و علماء و مجتهدین  
بوده و پس از فوت مرحوم شیخ اکبر جناب شیخ جعفر تا کنون مقبره خصوصی  
آل کاشف الغطاء بوده و جمعی کثیر از اولاد و اعقاب ویرا در آنجا بخاک سپرده‌اند  
محل این مقبره در محله عماره از محلات شهر مقدس نجف می‌باشد .
- ذیلا عده‌ای از علماء مدفون در این مقبره وحوالی آنها تا آنجا که آگهی  
داریم بترتیب حروف تهجی ذکر می‌کنیم :
- ۱ - مرحوم آقا شیخ احمد بن علی بن محمد رضا بن موسی بن الشیخ  
جعفر ( ۱۲۹۲ - ۱۳۴۴ ) ( نقباء البشر - معارف الرجال )
- ۲ - شیخ احمد بن مولی بن مهدی بن علی بن جعفر ( ۱۲۹۶ - ۱۳۵۹ )  
( نقباء البشر )

- ۳- شیخ احمد بن موسی بن جعفر (معجم رجال الفکر)
- ۴- شیخ امین بن علی بن جعفر (فوت - ۱۳۲۳) (معارف الرجال)
- ۵- مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی اصفهانی (۱۲۳ - ۱۳۰۱) (نقباء البشر)
- ۶- شیخ جعفر بن علی بن شیخ جعفر نجفی (فوت - ۱۲۹۰) (الکرام البرره - معارف الرجال)
- ۷- شیخ حبیب بن علی بن جعفر نجفی (فوت - ۱۳۰۷) (نقباء البشر)
- ۸- شیخ حسن بن جعفر نجفی (۱۲۰۱ - ۱۲۶۲) (معارف الرجال - الکرام)
- ۹- شیخ حسن صالح بن مهدی بن علی بن جعفر (۱۲۸۰ - ۱۳۱۴) (معارف الرجال - نقباء البشر)
- ۱۰- شیخ حسن بن عباس بن حسن (فوت - ۱۳۲۳)
- ۱۱- شیخ حسن بن محمد بن علی بن جعفر نجفی (فوت حدود ۱۳۲۰) (معارف - نقباء)
- ۱۲- شیخ محمد رضا بن موسی بن جعفر نجفی (۱۲۳۸ - ۱۲۹۷) (الکرام - معارف)
- ۱۳- شیخ محمد رضا بن هادی بن عباس (۱۳۰۵ - ۱۳۶۶) (معارف - نقباء)
- ۱۴- شیخ صالح بن مهدی (۱۲۴۸ - ۱۳۱۷) (معارف - نقباء)
- ۱۵- مرحوم شیخ عباس بن حسن بن شیخ جعفر نجفی (۱۲۵۳ - ۱۳۲۳) (معارف الرجال - نقباء البشر)

- ١٦ - مرحوم شيخ عباس بن علي بن جعفر نجفي ( ١٢٤٢ - ١٣١٥ )  
( معارف - نقباء )
- ١٧ - شيخ عبدالحسين بن محمد رضا بن موسى بن جعفر نجفي ( فوت )  
( معارف ) ( ١٣١٦ - )
- ١٨ - شيخ عبدالحسين بن محمد بن علي بن جعفر نجفي ( فوت - ١٣٢٢ )  
( معارف )
- ١٩ - شيخ عبدالرضا بن عبدالحسين بن محمد ( تولد ١٣١٤ ) ( معجم  
رجال الفكر )
- ٢٠ - شيخ عبدالكريم بن صالح بن مهدي ( نقباء )
- ٢١ - شيخ عبدالمجيد بن هادي بن عباس ( ١٣٠٨ - ١٣٢٣ ) ( معجم  
رجال الفكر )
- ٢٢ - شيخ عبدالمولي بن مهدي بن علي بن جعفر نجفي ( معارف )
- ٢٣ - مرحوم شيخ علي بن جعفر نجفي ( ١١٩٧ - ١٢٥٣ ) ( معارف  
- الكرام )
- ٢٤ - شيخ علي بن محمد رضا بن موسى بن جعفر نجفي ( ١٢٦٧ - ١٣٥٠ )  
( معارف - نقباء )
- ٢٥ - شيخ علي بن رضا بن هادي ( تولد ١٣٣١ ) ( نقباء )
- ٢٦ - شيخ علي بن عباس بن حسن
- ٢٧ - شيخ كاظم بن موسى بن محمد رضا ( تولد ١٣٠٤ ) ( معارف )
- ٢٨ - مرحوم شيخ محسن بن محمد بن علي بن جعفر نجفي وسه فرزندش  
( فوت ١٣٠٥ ) ( معارف - نقباء )

۲۹ - مرحوم شیخ محمد بن شیخ جعفر نجفی ( فوت ۱۲۴۷ ) ( معارف )

۳۰ - شیخ محمد بن حسن بن محمد داماد مرحوم آقا سید محمد فشارکی

( نقباء )

۳۱ - شیخ محمد بن علی بن شیخ جعفر نجفی ( فوت ۱۲۶۸ ) ( معارف )

( - نقباء )

۳۲ - شیخ مرتضی بن عباس بن حسن ( ۱۲۸۴ - ۱۳۴۹ ) ( معارف )

( - نقباء )

۳۳ - مرحوم شیخ موسی بن شیخ جعفر نجفی ( ۱۱۸۰ - ۱۲۴۴ ) ( معارف )

۳۴ - شیخ موسی بن محمد رضا بن شیخ موسی ( فوت - ۱۳۰۶ )

( معارف )

۳۵ - شیخ موسی بن مرتضی بن عباس ( ۱۳۱۷ - ) ( معجم - معارف )

۳۶ - شیخ موسی بن مهدی بن علی بن جعفر نجفی ( معارف )

۳۷ - شیخ مهدی بن علی بن جعفر نجفی ( ۱۲۲۶ - ۱۲۸۹ ) ( معارف )

۳۸ - مرحوم حاج آقا نورالله ثنّه الاسلام نجفی اصفهانی ( - ۱۳۴۶ )

۳۹ - مرحوم شیخ هادی بن عباس بن علی بن جعفر نجفی ( ۱۲۸۹ - ۱۳۶۱ )

( معارف )

و شاید عده ای دیگر از افاضل این خاندان و غیر آنان در آنجا مدفون باشند .

تذکر : در ریحانة الادب ( ص ۴۴۵ دوم ) می نویسد :

وفات او ( شیخ اسدالله کاظمینی ) در نجف واقع و در مقبره پدر زنش شیخ

جعفر کاشف الغطاء مدفون است .

در معارف الرجال ( ص ۹۴ یکم ) می نویسد :

در سال ۱۲۳۴ وفات یافته و در مقبره جنب مقبره استادش کاشف الغطاء  
مدفون گردید .

مطالب راجع به مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی بسیار است در این  
جا بهمین قدر اکتفاء می کنیم .

وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب



(۲)

شیخ محمد تقی رازی

حدود ۱۱۸۵ - ۱۲۴۸

سر دودمان

خاندان مسجد شاهی اصفهان





### شیخ محمد تقی رازی اصفهانی

نام : شیخ محمد تقی

پدر: مرحوم محمد رحیم بیک استاجلو در کتاب روضات الجنات ( ص )  
وبه پیروی از ایشان در اغلب از کتب نام آنجناب را عبدالرحیم نوشته‌اند . مرحوم  
معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار ( ص ۱۳۲ چهارم ) در این باره می‌نویسد :  
ظاهراً نام وی : « رحیم » بوده و آنرا از روی احترام گاهی محمد رحیم  
وزمانی عبدالرحیم می‌خوانده‌اند ( انتهی ) اما مرحوم شیخ محمد تقی فرزند آن  
مرحوم در هدایه نام ویرا محمد رحیم نوشته و نام صحیح وی نیز یقیناً محمد رحیم  
بوده نه عبدالرحیم .

نام پدر حاج محمد رحیم ظاهراً محمد قاسم بوده است .

مادر : مادر مرحوم آقا شیخ محمد تقی دختر الله ویردی بیک فرزند مهدی  
قلیخان بیگدلی ( میرزا مهدی ) می‌باشد .

میرزا مهدی که او رامهدیقلی خان نیز نوشته‌اند همان کسی است که از طرف  
گوهر شاد بیگم زوجه نادر شاه افشار مادر نصرالله میرزا و امام قلی میرزا پسران

نادر مأمور سرپرستی و تعمیرات صحن مقدس علوی در نجف اشرف گردیده و نامش در کتیبه‌های صحن مبارک بر کاشیها نوشته شده است و از سال ۱۱۵۶ تا سال ۱۱۶۰ بدین امر قیام و اقدام مینموده است (ص ۵۶ یکم ماضی النجف و حاضرها).

مرحوم الله ویردی (الله - خدا، وردی یا ویردی - داده) یعنی خدا داد و مهدیقلی خان در ابتداء هر دو در کرمانشاه ساکن بوده و سپس به نجف اشرف مهاجرت کرده‌اند و در کرمانشاه دارای اولاد و اعقاب بوده و می‌باشند.

الله ویردی دارای دو دختر بوده که بترتیب:

۱ - همسر علامه مرحوم آقا محمد علی بن وحید بهبهانی شده و از او فرزندان یافته که از آنجمله است مرحوم آقا احمد مؤلف کتاب: مرآت الاحوال.

۲ - همسر مرحوم حاج محمد رحیم بیک استاجلو مادر مرحومین آقا شیخ محمد تقی صاحب الهدایه و آقا شیخ محمد حسین صاحب الفصول الغریبه.

مرحوم حاج محمد رحیم بیک از طرف حکومت وقت در قصبه ایوان کیف مصدر امور دیوانی بوده اما سعادت و نیک بختی در او آخر عمر نصیب او گردیده و از کلیه مشاغل و مناصب دنیائی اعراض کرده و در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مجاور گردیده و به عبادت قیام و اقدام مینموده است (ص ۲۱۶ یکم الکرام البرره نقل از تکمله امل الامل).

مرحوم حاج محمد رحیم بیک در سال ۱۲۱۷ در نجف اشرف وفات یافته و در همان ارض مقدس بخاک رفت.

اولاد مرحوم حاج محمد رحیم بیک: مرحوم حاج محمد رضا بیک (ناآنجا که آگهی داریم) دارای چهار فرزند (دو نفر پسر و دو نفر دختر) بشرح زیر داشته است:

۱ - علامه مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی.

- ۲ - علامه مرحوم آقا شیخ محمد حسین رازی اصفهانی حائری .
- ۳ - همسر آقا احمد بهبهانی .
- ۴ - همسر ملا محمد علی بن ملا محمد شفیع خراسانی طهرانی .
- شرح حال و گزارش احوال هر يك جداگانه نوشته خواهد شد .
- شهرت : مرحوم آقا شیخ محمد تقی را گاهی رازی وزمانی صاحب الهدایه میخوانند و در کتب تراجم رجال نیز بهمین عناوین مذکور است .
- تاریخ تولد : در هیچ يك از ماخذ موجود اشاره ای بسال تولد مرحوم آقا شیخ محمد تقی نشده است جز آنکه وفات او را که در سال ۱۲۴۸ رویداده می نویسند بسن شصت و اندی بوده است و اگر مقصود از کلمه ( اند ) را سه تصور کنیم تولد آنجناب در سال ۱۱۸۵ می شود بنابراین از روی احتمال تولد مرحوم آقا شیخ محمد تقی در بین سالهای ۱۱۸۵ و ۱۱۸۷ خواهد بود و العلم عند الله تبارك و تعالی .
- محل تولد : گفتم که مرحوم حاج محمد رحیم بيك در ایوان کیف ساکن و ریاست داشته علیهذا با احتمال قوی تولد آن مرحوم نیز در همان محل می باشد و شهرت آنجناب به « ایوان کیفی » نیز شاید مؤید این نظریه باشد .
- ایوان کی یا ایوان کیف : مرحوم آقا شیخ محمد تقی منسوبست به ایوان کی یا ایوان کیف و آن دهستانی است از دهستانهای ورامین استان طهران .
- در تذكرة القبور ( ص ۳۶ چاپ اول ) می نویسد :
- ایوان کیف در راه مشهد دو منزلی طهرانست ( ص ۷۳ رجال اصفهان ) .
- در مطلع الشمس ( صفحه ۳۴۴ جلد سوم ) می نویسد :
- ایوان کی دهی است معتبر دویست و پنجاه خانوار رعیت دارد که بومی همین جا هستند قاعه معتبری دارد که خیلی قدیمی است پنج برج دارد که یکی از برجهای

آجری و دروازه قلعه است خارج قلعه خانه و دکاکین و آبادی از چهار سمت دارد سه یخچال و دو حمام دارد مسجد و تکیه نیز دارد . . . اشجارش غالباً انار و انجیر است آب از رودخانه دماوند است قنات ندارد . . . سپس نرخ اجناس را از گندم و جو و گوشت و قصبیل و غیره ذکر می کند .

همچنین در ( صفحه ۳۶۱ ) می نویسد :

روز چهارشنبه شانزدهم ( ) از ایوان کی بسمت ورامین برای سرکشی حرکت نمودیم از خرابه های قدیم ایوان کی عبور نموده يك آثار قدیمی دیده می شد که بنسای آنرا از سنگ و گل خیلی محکم نموده اند گفتند ایوانی بوده است که در زمان سلاطین کیان ساخته شده و این قریه را بهمین واسطه ایوان کی نامند حالا از کثرت استعمال ایوان کیف می گویند بعضی ایوانک هم می گویند اما مزاده و قبرستان قدیمی هم نزدیک همین خرابه است ( انتهى ) .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار ( ص ۱۳۲۷ چهارم ) می نویسد : در عبارات عربی باید البته در اینگونه اسماء امکنه مخنومه به یاء در موقع الحاق به یاء نسبت حرفی میانه یاء اصلی و یاء نسبت فاصله شود که اینجا آن حرف «فاء» قرار گرفته ( انتهى ) .

نویسنده گوید : همانگونه که در مطلع الشمس و دیگر کتب مذکور است قصبه نامبرده را در عرف ایوان کیف می نامیده اند و بیان مرحوم معلم در صورتی کامل و قابل توجه بود که حرف «فاء» منحصرأ در موقع الحاق به یاء نسبت اضافه می شد و از آن گذشته کلمه فارسی است و ربطی به قواعد زبان عربی ندارد .

در هر حال نام دهستان مزبور ایوان کی ( یا ایوان کیف ) و منسوب بدانجا را ایوان کیفی و ایوان کبیبی گویند و چون تلفظ ایوان کبیبی سنگین بوده متروک گردیده است .

مرحوم بلاغی در کتاب : اهلاط در انساب ( ص ۴ ) می نویسد :

قصبه ایوان کی مرکز بخش تابع شهرستان دماوند ۷۱ کیلومتری جنوب شرقی تهران می باشد .

در کتاب : شناسنامه جغرافیائی ایران از انتشارات دائره گیتاشناسی در باره ایوان کی می نویسد :

ثانیه	دقیقه	درجه
۰۰	۰۴	۵۲
۳۰	۲۰	۳۵

ارتفاع از سطح خلیج فارس ۱۰۷۵ متر

فاصله هوائی از طهران ۷۹ کیلومتر

استاجلو : ایل استاجلو از ایلاتی است که در زمان شاه اسماعیل بنیان گذار سلسله صفویه باو پیوسته و در راه خدمت به اسلام و تشیع و ایران و خلاصه این پادشاه خدماتی انجام داده اند .

شرح فداکاریها و دلوریهای خان محمد استاجلو حاکم دیار بکر و دیگر افراد سرشناس این ایل سلحشور را باید در کتب تاریخ من جمله عالم آلا (ص ۷۲ یکم) مطالعه نمود .

اقوال بزرگان درباره ایشان :

عموم نویسندگان کتب تراجم رجال که در زمان ایشان و یا بعداً تألیف گردیده ویرا عنوان نموده و از علم و زهد و عبادت او ستایش کرده اند و اینک بعنوان نمونه به چند مورد اشاره می کنیم :

۱ - مرحوم حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه ( ص ۱۳۶ چهل

و چهارم ) درباره او می نویسد :

عالم جلیل محقق .

۲ - مرحوم آخوند گزی ( مولی عبدالکریم ) در تذکرة القبور ( ص ۷۲

رجال اصفهان ) درباره او می نویسد :

جلالت شأن و مقامات آن بزرگوار در علم و عمل محتاج به بیان نیست مجاهدات و ریاضات و کمالات نفس آن بزرگوار و بعضی استبصارات و ختومات از او در نزد اهل معرفت معروفست و در مقام علم او کتاب حاشیه معالم .... بس است در بلندی تحقیق و بلندی و تبحر ذهن و فکر او ...

۳ - علامه فقیه زاهد آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در روضات الجنات ( ص ۱۴۱ چاپ اول ) درباره او می نویسد :

المولى الاولی التقی الرضی الزکی التقی ابن عبدالرحیم الطهرانی الرازی  
الشیخ محمد تقی ...

افضل اهل عصره فی الفقه والاصول بل ابصر اهل وقته بالمعقول والمنقول  
وصارکالمجسم من فکارالدقیقه والمنظم من الانظار العمیقه استاداً للکل فی الکل ....  
۴ - مرحوم حاج سید شفیع جابلقی در روضة البهية ( ص ) می نویسد:

العالم الكامل الفاضل المحقق المدقق الفقیه النبیہ شیخنا الشیخ محمد تقی  
الاصفہانی مسکناً مؤمن اجلة الفقهاء والاصولیین والمدرسین المعروفین .

۵ - مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی در ریحانة الادب (ص ۴۴۹)  
دوم چاپ اول ) می نویسد :

فقیه اصولی محقق مدقق عابد زاهد عمیق فکر ودقیق النظر ... جلالت  
علمی و عملی او مشهور بلکه بتصدیق بعضی از ارباب تراجم در تمامی علوم  
معقولی و منقولی بر معاصرین خود مقدم وبالخصوص در اصول فقه که تبحری  
بی نهایت داشته و گویا که طبیعت او از افکار دقیقه و انظار عمیقه سرشته بوده (است) .

۶ - مرحوم حاج شیخ عباس محدث قمی علیه الرحمه در فوائد الرضویه  
( صفحه ۴۳۴ دوم چاپ اول ) درباره او می نویسد :

شیخ عالم فاضل محقق مدقق قدوة المحققین و ترجمان الاصولیین ...  
۷ - مرحوم آقا ملا حبیب الله کاشانی در لباب الالقب ( ص ۵۰ ) می نویسد :  
كان عالماً نحريراً مسلماً یسین الفقهاء والمجتهدین و كناه به هذا شاهد عدل  
على أنه كان رئیس المحققین فی عصره و قدوة المدققین فی دهره .

دیگر نویسندگان نیز مطالبی به همینگونه برخی اقتباس از برخی دیگر  
نوشته اند که احتیاج به نقل تمام آنها نمی باشد .

( و اشتباه از يك نویسنده : مرحوم آقا شیخ اسدالله ایزدگشپ ( حدود ۱۳۰۲  
- ۱۳۶۶ ) در کتاب شمس التواریخ ( صفحه ۱۵ چاپ اول ) می نویسد :  
الشیخ الكامل شیخ محمد تقی داماد مرحوم شیخ جعفر نجفی ... در سنه  
۱۲۴۷ هجری وفات یافته و نعش او را در مزار تخت فولاد در تکیه والسده خود  
دفن کردند ، نویسنده گوید :

اولافوت مشار الیه در ۱۲۴۸ می باشد .

ثانیاً تکیه مادر شاهزاده است نه مادر شیخ محمد تقی و به احتمال قریب به  
یقین مادر آقا شیخ محمد تقی در همان اعتاب مقدسه از دنیا رفته و به همراه پسر به  
ایران نیامده است .

تحصیلات : از ابتدای تحصیل و اساتید اولیه مرحوم آقا شیخ محمد تقی  
اطلاع و آگاهی نداریم که در کجا و به چه کیفیت بوده است لکن از اساتید او در  
کربلا و نجف کاظمین بعداً بحث خواهیم نمود . مرحوم شیخ متجاوز از دوازده  
سال یعنی از قبل از وفات مرحوم وحید بهبهانی تا پس از واقعه حمله و هابیان  
به کربلا در آن شهرها در نزد فحول علماء و بزرگان مجتهدین کسب معلومات مینموده  
است .

مهاجرت به ایران : مرحوم آقا شیخ محمد تقی پس از تکمیل تحصیلات



خود و رسیدن بمقام اجتهاد و کسب اجازات از اساتید خود پس از سال ۱۲۱۶  
و واقعه حمله و هابیهها به شهر مقدس کربلا و احتمال حمله به شهر مقدس نجف اشرف  
به ایران مهاجرت فرمود . سال هجرت ایشان بطور قطع و یقین معلوم نیست لکن  
مسلماً پس از سال ۱۲۱۶ می باشد و احتمالاً پس از فوت پدر در سال ۱۲۱۷  
می باشد .

علت مهاجرت : مرحوم آقا شیخ محمد تقی بدلائل چندی به ایران مهاجرت  
فرموده است :

۱ - خوف و ترس از تکرار قضایای کربلا و امنیت نداشتن در اعقاب مقدسه  
بطوریکه و هابیهها به شهر مقدس نجف نیز حمله کردند لکن با مقاومت مردم آنجا  
روبرو شده و موفقیت حاصل نکردند .

۲ - ابتلاء به بیماری ضعف قلب که ظاهراً در اثر همین پیش آمد بدان مبتلا  
شده بود .

۳ - داشتن مبالغ زیادی قرض که پرداخت آن در اعقاب مقدسه مشکل و یا  
غیر ممکن بود و شاید علل دیگری نیز موجب مهاجرت ایشان شده باشد .

واقعه کربلا: اجمال قضیه آنکه در روز چهارشنبه عید غدیر سال ۱۲۱۶ فرقه  
و هابیهها بریاست مسعود فرزند عبدالعزیز امیر نجد بی خبر به کربلا حمله نموده  
و بشهر وارد گردیده و مرتکب قتل و غارت شده و آنچه از ظلم و ستم یزید بن  
معاویه و آل ابوسفیان نسبت بخاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انجام  
داده بودند را تجدید بلکه تشدید کردند .

تعداد نفرات سعودی را از یکهزار تا بیست هزار نفر نوشته وعده مقتولین  
را نیز از یکهزار تا بیست هزار نفر نوشته اند که قریب پانصد نفر از آنها در صحن  
مطهر و پنجاه نفر در حرم مبارک بوده است اما راجع به جنایاتی که مرتکب شدند

کافی است عبارتی را که دکتر سید عبدالجواد کلید دار ( فوت ۱۳۷۹ ) در کتاب « تاریخ کربلا و حائر حسین علیه السلام » در این مورد می نویسد نقل کنیم :

در تاریخ آنرا دومین واقعه صحرای کربلا دانسته اند . ( ص ۱۷۱ تاریخ کربلا ) .

قسمتی از این فجایع را مرحوم تنکابنی در قصص العلماء ( ص ۱۲۸ ) نقل می کند ، او می نویسد :

صندوق مطهر را شکستند و بر روی قبر قهوه درست کرده و خوردند. اسبها را در صحن مبارک بستند و نسبت به قبر مطهر جسارتی کردند که بواسطه آن روی یزید بن معاویه و متوکل عباسی را سفید کردند جنایتی که هرگز در فکر متوکل با آنهمه عناد و دشمنی نسبت بخاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و شیعیان و دوستان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام خطور نکرده بود . یعنی قبر مطهر را نبش کردند و نعش مطهر حضرت را دیدند که بر بالای بویا قرار گرفته در این هنگام در اثر وزیدن بادهای سخت و انقلاب هوا که از آثار خشم و غضب حضرت حق جل و علا بود وحشت نموده و از آنجایگاه مقدس فرار کردند و خدام حرم قبر را اصلاح نمودند . ( قصص العلماء با اندک تصرف ) .

بی مناسبت نیست که در دنباله این مطالب صورتی از اموال و ذخائر حرم را که این غارتگران و دزدان از خزانه مبارک رب بودند مطابق نقل مرحوم دکتر سید عبدالجواد کلید دار در کتاب تاریخ کربلا ( ص ۱۷ ) نقل کنیم :

۱ - فرشهای گرانبها ۲ - پارچههای زربفت و گرانقیمت ۳ - ظرفهای طلا و نقره ۴ - جواهرات مختلف ، فیروزه و الماس ۵ - تفنگک و اسلحه هر يك از این اقلام پنج گانه بی اندازه که حساب آنرا جایی ثبت و ضبط ننموده اند .

۶ - يك دانه جواهر درشت گرانقیمت ۷ - خشت های طلا از حرم و رواق  
و گنبد و غیره ۸ - شمشیر مرصع به انواع جواهرات بیست عدد ۹ - شمشیر  
طلا دو هزار عدد ۱۰ - شال ترمه کشمیری اعلا چهار هزار عدد  
این رقم ها نمونه ای از اثاثیه حرم و ذخائر آن می باشد اما تمام خانه های شهر  
را غارت کردند و آنچه قابل بردن بود با خود بردند .

و هایشان مدعی اسلام و مسلمانی بودند و اعمال خود را نیز بسا قوانین شرع  
مطهر موافق میدانستند زیرا بعقیده فاسدایشان ساختمان قبور زیارت مشاهده مشرفه  
را خلاف اسلام و دین می گفتند و عاملین آنرا کافر میخواندند .

یکی از بزرگان علماء فرموده بود : از صدر اول اسلام تا کنون ما يك شهید  
داده ایم آنهم اسلام است . چه جنایتها که از طرف خلفاء و سلاطین و حکام و امراء  
در طول چهارده قرن بنام اسلام انجام گردیده است و هنوز نیز ادامه دارد .  
تمام عاملین این خلافکارها و جنایات خود را مسلمان و مدافع و مناجی و مروج  
اسلام می خواندند و بنام اسلام بر مردم حکومت مینمودند . بهتر آنست که این  
قسمت را به همین قدر بسنده کرده زیرا :

گر بگویم شرح آن بی حد شود      مثنوی هفتاد من کاغذ شود  
مهاجرت عده ای از بزرگان : در اثر این پیش آمد در کربلا و داستان اختلاف  
عشایر نجف و اهمل و سستی حکومت عثمانی روز بروز نا امنی در شهرهای  
مقدس عتبات رو بفزونی نهاده و امنیت از آن بلاد سلب گردید . عده زیادی از  
مردم آنجا از زوار و مجاورین و علماء و طالبان علم مجبوراً مهاجرت کرده و به  
شهرهای مختلف رفتند از آن جمله :

۱ - مرحوم آقا سید محمد بن آقا سید علی طباطبائی که بعداً به سید مجاهد  
معروف گردید به اصفهان آمده و تا هنگام وفات پدرش در کربلا در این شهر ساکن

و بترویج و تدریس اشتغال داشته است .

۲ - مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی به ایران مهاجرت نمود .

۳ - شیخ احمد احسائی نیز بعد از این جریان به ایران مهاجرت نمود و مدت‌ها در شهرهای مختلف از قبیل اصفهان و قزوین و یزد ساکن بود .

۴ - مرحوم آقا شیخ جعفر کاشف الغطاء نیز بمناسبت قضایای نجف و اختلاف داخلی آنها به ایران مهاجرت کرده و سالها در شهرهای ایران من جمله اصفهان سکونت نموده است .

۵ - مرحوم آقا سید صدر الدین محمد عاملی نیز در عداد همین دسته از علماء می‌باشد که باصفهان مهاجرت نموده و در این شهر ساکن گردیده و تا کنون اعقابش در اصفهان با کمال عزت و احترام زندگانی می‌کنند .

این دسته از علماء کسانی بودند که به اصفهان مهاجرت کرده‌اند و از مهاجرین دیگر شهرها فعلاً بحث نمی‌کنیم .

مآخذ وقایع کربلا : برای آگاهی یافتن از جریان حمله و حشیانه و هابیان و غارتگری و قتل و غارت آنان به کتابهای زیر مراجعه شود :

۱ - اعیان الشیعه ( صفحه ۳۰۷ چهارم )

۲ - تاریخ کربلا تألیف مرحوم دکتر سید جواد کلید دار ترجمه صدرهاشمی ( صفحه ۱۷۲ )

۳ - تاریخ کربلا تألیف آقای عماد زاده ( ص ۱۰۷ )

۴ - تحفة العالم

۵ - چهار قرن از تاریخ عراق تألیف : لونگریک انگلیسی و ترجمه عربی

آن چاپ بغداد

۶ - روضات الجنات ( صفحات ۲۶۵ و ۳۵۳ چاپ اول )

۷ - شهداء الفضيله

۸ - قصص العلماء (ص ۱۲۸)

۹ - مسير طالبی ميرزا ابو طالب اصفهانی معروف به لندنی

۱۰ - مکارم الاثار (ص ۶۰۸ دوم)

۱۱ - موسوعة العتبات العالیات قسم الكربلا

شیخ در مشهد مقدس : بطوریکه گفتم مرحوم آقا شیخ محمد تقی بعد از پیش آمد قضایای کربلا به ایران مهاجرت نمود وابتداء جهت زیارت بسه مشهد مقدس روانه گردید .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۵۱۳ دوم) می نویسد :

وقتی که مرحوم آقا شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه به مشهد رضا علیه السلام مشرف گردید به منزل مرحوم حاج میرزا داود خراسانی فرزند میرزا محمد مهدی اصفهانی (۱۱۹۰ - ۱۲۴۰) وارد گردیده و آن مرحوم در بزرگداشت واکرام مبهمان گرامی خود نهایت جد و جهد و کوشش نموده و قروض آن عالم بزرگوار را که بالغ بر یکهزار تومان بود از مال خالص خود ادا فرموده و ضمناً مدت چهارده ماه ایشانرا نزد خود نگهداشته و در ضمن این مدت فقه و اصول خدمت آن مرحوم تلمذ نمود .

مرحوم میرزا عبدالرحمن مدرس (۱۲۶۸ - ۱۳۳۶) در کتاب تاریخ علمای

خراسان (صفحه ۶۸) درباره او می نویسد :

السید الاجل والفاضل الاورع الاکمل العالم الودود مولانا الحاج میرزادادود... پس از شرح و بیان فضائل و علوم او و ورود آقا شیخ محمد تقی اصفهانی بمنزل مشار الیه و اداء دیون وی بوسیله این سید جلیل القدر و تحصیل در نزد او می نویسد :

کتابخانه آن سید عالی شأن در آن زمان از سایر علماء و اقران ممتاز و مختار بود .

شیخ در یزد : مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی پس از چهارده ماه توقف در ارض اقدس رضوی از آن شهر بیرون رفته و به یزد وارد گردید . در شهر یزد به تدریس فقه و اصول پرداخته و ضمناً زوجه‌ای منقطه اختیار می‌کند که از آن دختری پیدا می‌کند که آنرا در اصفهان به عقد مرحوم حاج عبد الکریم شیرازی در می‌آورد .

مرحوم حاج عبدالکریم از دختر مرحوم آقا شیخ محمد تقی دو پسر و یک دختر پیدا می‌کند .

مدت توقف مرحوم آقا شیخ محمد تقی در یزد معلوم نیست لکن ظاهراً بعلمت عدم مساعدت محیط و سختی معیشت این شهر را ترك گفته و باصفهان مهاجرت می‌نماید .

شیخ در اصفهان : در ربیع اول قرن سیزدهم ( همچنین قبل و بعد از این تاریخ ) اصفهان یکی از مراکز علمی مهم شیعه و مجمع علماء و مجتهدین و طلاب و مشغولین بوده است .

حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و آقا سید محمد مجاهد و حاج ملا علی نوری و ده‌ها عالم و مجتهد دیگر هر کدام حوزه مباحثه و تدریس در فقه و اصول و حکمت داشتند و از این جهت طلاب و دانشجویان علوم مزبوره از شهرهای مختلف ایران و حتی خارج از مملکت باین شهر متوجه شده و از جهات مادی و معنوی در حضور این بزرگان مستفید و مستفیض می‌شدند .

ورود مرحوم آقا شیخ محمد تقی احتمالاً قبل از سال ۱۲۲۵ می‌باشد . در ابتدای ورود مرحوم آقا شیخ محمد تقی در محله احمد آباد ساکن شده

و در مسجد ایلچی حوزه تدریس منعقد نموده و هم در آن مسجد اقامه جماعت مینمود .

طلاب اصفهان چون احاطه کامل و تحقیقات مرحوم شیخ را در مباحث علمی بالاخص علم اصول شنیدند از گوشه و کنار بگرد او جمع شده و حوزه درس و بحث او یکی از حوزه های معتبر گردید . مؤمنین و مقدسین نیز چون زهد و پارسائی او را دیدند به جماعت او حاضر گردیده و کمکم مسجد ایلچی برای درس و جماعت او مناسب نبود علیهذا به محله مسجد شاه ( حصار الله بیک ) منتقل شده و در مسجد شاه بتدریس و امامت پرداخت .

محله احمدآباد و مسجد ایلچی : شاردن در سفرنامه خود نامی از محله احمد آباد برده و گوید سابقاً آنجا را باغ توت می گفتند ( صفحه ۷۲ سفر نامه شاردن ترجمه جناب آقای حسین عربضی ) انتهى .

بنا به اظهار برخی از مطلعین باغ احمد سیاه مذکور در محاسن اصفهان ( صفحات ۵۵ و ۵۸ ) در این قسمت از شهر اصفهان قرار داشته و این محله بهمین مناسبت به احمد آباد شهرت یافته است .

همچنین برخی از اهل اطلاع اظهار نظر می کنند که این محله جایگاه سکونت احمد بن ابو القیث عبدالملک بن مظفر بن عطاش ازدعاة اسماعیلیه بوده و بهمین مناسبت آنجا را احمد آباد گفته اند در هر صورت موضوع قابل تحقیق است و آنچه نوشتیم اظهار نظر می باشد برای آگاهی از احوال احمد بن عطاش و پدرش به کتابهای: راحة الصدور و سلجوقنامه و دیگر کتابهای تاریخ عهد سلاجقه مراجعه شود .

از منسویین به این محل :

۱ - ابو مسلم عبدالرحمن بن محمد بن احمد بن سیاه متوفی در سلخ رجب

سال ۳۴۶ هـ ق از محدثین .

۲ - عبدالملك بن مظفر بن عطاش از علماء و بزرگان می‌باشند .

در هر حال محله احمدآباد در بین دو محله خشنیان و کران واقع گردیده و در زمان صفویه اهمیت زیاد داشته و چندین مدرسه و مسجد در آنجا ساخته شده است از آنجمله :

۱ - مدرسه آفاکافی ۲ - مدرسه ایلچی ۳ - مدرسه جلالیه ۴ - مدرسه خواجه نظام الملك ۵ - مدرسه شفیعیه ، در این محله بوده است .

و اما مسجد ایلچی که گفتیم محل تدریس و امامت مرحوم آفاشیخ محمد تقی بوده یکی از آثار باستانی اصفهان است که در سال ۱۰۹۷ ( از سال ۱۰۹۳ تا ۱۰۹۷ ) بوسیله صاحب سلطان بیگم دختر حکیم نظام الدین محمد ملقب به حکیم الملك ایلچی بسر کاری خواجه سعادت با تمام رسیده است .

در سالهای اخیر در موقع احداث خیابان احمد آباد قسمتی از شبستان و سردرب مسجد خراب گردید و بعداً سردرب آن تجدید عمارت شد .

حصار الله بیک، محله مسجد شاه: شاه عباس کبیر صفوی در سال ۱۰۱۹ تصمیم به ساختن مسجدی در ضلع جنوبی میدان نقش جهان گرفت و در سال ۱۰۲۰ شروع به آن نموده سرپرستی بنا و کارهای آنرا و سپس تولیت مسجد را با محب علی بیک لله ( در کاشی مسجد بیکالله و محب علی بیکالله ذکر شده است ) خزانهدار خود وا گذاشت .

مرحوم الله بیک در این حوالی که قسمتی قبرستان متروکه و قسمتی خانه کاروانسرای قدیمی بود شروع به انجام مقصود نمود . معروف آنست که سلطان محمد پدر شاه عباس میخواست در این محل مسجد بنا کند و توفیق انجام آنرا نیافته و پس از آنکه شاه عباس اصفهان را پای تخت خود قرار داد و میدان نقش جهان را



مرتب نمود و ساختمان قیصریه - عالی قاپو - و مسجد شیخ لطف الله را بپایان رسانید جهت تکمیل وزیباتی میدان وهم برای انجام آرزوی پدر دستور ساختمان مسجد را داده است .

در هر حال الله بیک علاوه بر سرپرستی ساختمان مسجد و بعداً وقف نمودن قسمتی از املاک و دارائی خود برای آن کاروانسرائی نیز در این حوالی بنا نمود که امور وابسته به خزانه داری را در آن انجام میداد ( صفحه ۱۰۹ کتاب آثار ملی اصفهان نقل از: زندگانی شاه عباس اول صفحه ۲۸۹ دوم ) .

طبق وقفنامه‌ای که از مسجد شاه در کتاب: تاریخچه اوقاف اصفهان (صفحه ۶۲) بچاپ رسیده است شاه عباس تولیت مسجد را به محب علی بیک لله فرزند محمد قلی خان واگذار نموده و سپس به اکبر اولاد او نسل بعد نسل و اگر اولاد پسری منقرض شدند اولاد دختری مشار الیه و با انقراض آنان با فرد شایسته‌ای از اقوام واقارب او در هر زمان و با انقراض تمام افراد باتعیین مجتهد جامع الشرایط می نویسد :

و صدور عظام و حکام کرام . . . . و متصدیان امور دیوانی و ارباب اختیار بهیچ وجه من الوجوه دخل و تصرف در موقوفات و در امر تولیت شرعیه مشار الیه ننموده قلم و قدم کوتاه کشیده دارند و محاسبه از ایشان نطلبند . . . . تغییر دهنده ( و ) خلاف کننده بغضب و سخط الهی و نفرین حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم گرفتار گردد .

در کتاب وقایع السنین و الاعوام ( ص ۵۴۹ ) در ضمن وقایع سال ۱۱۰۵ می نویسد : فوت متولی مسجد شاه کلبعلی بیک لله بیکی در ۷ ربیع الاول .

در زمان حاضر عده‌ای از اعقاب مرحوم الله بیک در اصفهان و طهران ساکن می باشند که طبق موازین شرعی باید متصدی موقوفات و امور مسجد باشند .

پس از ساختمان مسجد و بازار طرفین آن و حمام و کاروانسرای الله بیک و سکونت او در این قسمت مردم در اطراف مسجد شروع بساختن خانه نمودند و کمکم بصورت محله‌ای مخصوص بنام : محله مسجد شاه در آمد .

برخی از مدرسین مسجد شاه : در وقفنامه مسجد شاه که خلاصه آنرا مرحوم شیخ بهائی در سال ۱۰۲۳ مرقوم داشته و در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان ( ص ۵۹ ) بچاپ رسیده است مدرسین مسجد شاه را در سال اول و موقع تنظیم وقفنامه بدین شرح می نویسد :

۱- میرزا اسماعیل خاتون آبادی تدریس و امامت و بعد از فوت سید بزرگوار باید یکنفر از اولاد او که بزورصلاح و سداد و تقوی و علم محلی باشد در مسجد مزبور تدریس و امامت نماید .

ظاهراً مراد از مرحوم میرزا اسماعیل خاتون آبادی : میرمحمد اسماعیل بن میر عماد الدین متوفی بسال ۱۰۳۳ مدفون در قریه گورت می باشد .

۲- ملا محمد تقی طبسی .

۳- ملا محمد حسین بروجردی .

۴- ملا محمد حسین گیلانی .

۵- میر محمد صالح ( ظاهراً فرزند میر محمد اسماعیل سابق الذکر ) .

۶- صوفی رمضان .

۷- ملا محمد فرزند ملا آقا حسین .

۸- ملا محمد علی سمنانی .

۹- ملا محمد رحیم یزدی .

۱۰- ملا محمد حسین گیلانی .

در وقفنامه دو نفر عالم بنام ملا محمد حسین گیلانی نوشته که احتمالاً یکی از

آنان مرحوم مولی حسین بن مولی حسن گیلانی لبنانی متوفی در سال ۱۱۲۹  
مدفون در تخت فولاد ( اگر این احتمال صحیح باشد ولی دائی (خالوی) مرحوم  
آقا سید ابوالقاسم خوانساری اصفهانی جد علامه صاحب روضات الجنات )  
می باشد و العلم عند الله .

ائمه جماعت مسجد شاه : در وقفنامه نامبرده نام دو نفر را بقید امام جماعت  
و پیش نماز ذکر می کند :

۱ - آقا حسین هر روز باید بادای فرایض پنجگانه در مسجد مزبور حاضر  
و بدون عذر شرعی خود را معاف ندارند .

۲ - میرزا اسماعیل خاتون آبادی که قبلاً جزو مدرسین نامش ذکر شد .  
برای هر يك از مدرسین و ائمه جماعت و وظیفه ای از نقد و جنس مقرر داشته  
که باید متوالی به آنان برساند .

مرحوم آقا میرزا حسین خاتون آبادی در رساله نور الابصار ( ص ۳۹ ) این  
میرزا اسماعیل را با مرحوم میر محمد اسماعیل نواده او اشتباه کرده و اسمی  
ائمه جماعت مسجد شاه را از خاندان خاتون آبادی بشرح زیر می نویسد :

۱ - میرزا اسماعیل خاتون آبادی متوفی بسال ۱۰۳۳ . ق .

۲ - میر محمد صالح فرزند میر محمد اسماعیل در مکارم الآثار ( ص ۳۱۵ )  
فوت او را در ۱۰۲۰ و اندی می نویسد و باید پس از ۱۰۲۳ تاریخ وقفنامه باشد .  
در وقایع السنین ( ص ۵۰۶ ) می نویسد : میر صالح و میر افضل و یک دختر از میر  
اسماعیل در يك ماه فوت شدند .

۳ - میر محمد باقر مدفون در قریه گورت فرزند میر محمد اسماعیل .

از این جا به بعد در رساله نور الابصار مذکور است :

۴ - میر محمد اسماعیل مدرس بن میر محمد باقر ( ۱۰۳۱ - ۱۱۱۶ ) مدفون

در تکیه خاتون آبادی ( تکیه بنام ایشانست )

۵ - میر محمد باقر ملا باشی بن میر محمد اسماعیل ( فوت - ۱۱۲۷ )  
مدفون در تکیه خاتون آبادی

۶ - میر سید محمد بن میر محمد باقر ( فوت - ۱۱۳۶ ) مدفون در تکیه

خاتون آبادی

۷ - میر محمد اسماعیل بن میر محمد باقر ( فوت - ۱۱۴۸ )

۸ - میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل ( فوت - ۱۱۷۸ )

۹ - میرزا ابوالقاسم مدرس فرزند میر محمد اسماعیل ( فوت - ۱۲۰۲ )

۱۰ - میر محمد رضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس ( فوت - ۱۲۳۸ )

۱۱ - میر محمد صادق بن میر محمد رضا ( ۱۲۰۷ - ۱۲۷۱ )

۱۲ - میر سید علی بن میر محمد صادق ( ۱۲۴۴ - ۱۳۰۹ ) مشارالیه بعلی

از سال ۱۲۹۵ ترك امامت جماعت در مسجد شاه نموده است .

۱۳ - حاج میرزا محمود بن میر سید علی ( ۱۲۸۹ - ۱۳۵۲ ) بعضی اوقات

به نیابت از پدر دانشمند خود در مسجد شاه امامت مینموده و پس از ترك کردن

پدرش آن مسجد را در مسجد آقا علی بابا در محله باغات اقامه جماعت میفرمود

رحمة الله عليهم اجمعين .

در طول این مدت برخی دیگر از علماء نیز در این مسجد امامت مینموده‌اند

از آنجمله :

۱ - شیخ بهاء الدین محمد عاملی ( شیخ بهائی ) ( ۱۰۳۰ - ۹ )

۲ - میر محمد باقر داماد حسینی ( ؟ - ۱۰۴۰ )

۳ - مولی محمد باقر سبزواری ( ۱۰۱۷ - ۱۰۹۰ )

۴ - سید محمد باقر بن علیرضا حسینی عاملی معروف به پیشنماز ( فوت - ۱۱۲۳ )  
و احتمالاً پدر دانشمند او

۵ - سید علیرضا بن محمد باقر عاملی پیشنماز ( فوت - ۱۱۷۵ )

۶ - میر محمد مهدی نایب الصدر فرزند سید محمد کاظم بن علی نقی بن  
علیرضا عاملی پیشنماز بعد از پدر بجای او در مسجد شاه امامت مینموده است  
از علماء معروف زمان خود بوده است ( فوت - ۱۲۶۷ )

۷ - آقا سید محمد بن محمد حسین حسینی خوئی معروف به ترك ( فوت - ۱۲۶۶ )

۸ - آقا سید محمد جواد مسائلی تلواسکانی فرزند آقا سید محمد ترك  
( فوت - ۱۳۴۰ )

مرحوم آقا سید محمد جواد قبل از سال ۱۳۰۰ بعلی ترك امامت جماعت  
در مسجد شاه نموده است .

تدریس و امامت مرحوم آقا شیخ محمد تقی : از موقعیکه مرحوم آقا شیخ  
محمد تقی از محله احمد آباد به محله مسجد شاه منتقل گردیده که در حدود سال  
۱۲۲۵ می باشد با نظر و صوابدید متولی شرعی مسجد شاه در آن مسجد امامت  
نموده و حوزه درس تشکیل داده است .

حاضرین در جلسه درس آن مرحوم را حدود سیصد تا چهارصد نفر از فضلاء  
و علماء و طلاب نوشته اند که در جلسات درس اصول فقه مرحوم آقا شیخ محمد  
تقی حاضر می شدند . متأسفانه نام عموم آنان بر ما مجهول است و فقط عده معدودی  
از آنها را بنام و نشان می شناسیم که بعداً به اسامی آنها اشاره خواهیم کرد .

بیان مرحوم میرزای بزرگ سبزواری راجع به حوزه درس مرحوم شیخ :  
علامه طهرانی در کتاب : هدیه الرازی الی الام المجدد الشیرازی (ص ۳۲)  
ترجمه کتاب نامبرده) از قول مرحوم میرزا می نویسد :

در آن زمان که در درس شیخ محمد تقی صاحب حاشیه حاضر می شدم بدلیل کثرت جمعیت امکان صحبت با استاد و پرسیدن اشکالات درسی برایم فراهم نمی شد بدین خاطر چند تن از برادران خوش فهم را جمع کردم و بدانها گفتم :

چه خوبست نزد شیخ رفته و درخواست وقت معینی را از ایشان بکنیم تا درس را بطور خصوصی برای ما بگوید ، خوبی این کار این است که فرصت طرح اشکالات و نظراتمان فراهم می آید . دوستان پذیرفته و همگی که جمعاً چهار نفر بودیم خدمت شیخ رفته و خواسته خود را مطرح کردیم . شیخ از این پیشنهاد استقبال کرده و با ما انس و الفتی دیگر گرفت . از آن پس هم در درس عمومی شرکت می جستیم و هم در درس خصوصی . از این درس بسیار استفاده می کردیم ولی افسوس که روزگار شیخ به سرعت بسر آمد و بعد از چند ماهی که از آغاز درس گذشته بود در همان سال ۱۲۴۸ دار فانی را وداع گفت . انتهی .

نویسنده گوید : مرحوم میرزای شیرازی ( ۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ ) در ماه صفر المظفر سال ۱۲۴۸ به اصفهان وارد شده و در مدرسه صدر حجره گرفته است . در این موقع سن شریف ایشان ۱۸ سال بوده است .

مرحوم میرزای شیرازی جوان هیجده ساله در حوزه درسی شرکت می کند که شاید اکثر افراد آن از سی و چهل سال بیشتر دارند لذا فرصت و امکان سؤال و پرسش برای او نمی ماند .

از بیان مرحوم میرزا فطانت و دقت نظر و تیزبینی مرحوم شیخ محمد تقی ظاهر میشود که آثار نبوغ و ترقی را در جبهه مبارک مرحوم میرزا مشاهده می کند و بدون تأمل پیشنهاد ایشانرا جهت درس خصوصی می پذیرد .

ازدواج : مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی در یزد عیالی اختیار کرده ( به عقد منقطع ) و ظاهراً از او فقط يك دختر یافته که در اصفهان به حباله نکاح

مرحوم حاج عبدالکریم شیرازی اصفهانی در آمده و از او اولاد و اعقابی بهم رسیده که تا کنون در اصفهان و طهران ساکن و بعزت و احترام زندگی می کنند .

زوجه دائمیه مرحوم آقا شیخ محمد تقی دختر استاد بزرگوار خود مرحوم آقا شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء موسوم به ( نسمة خاتون یا حبابه ) بوده که ظاهراً در مسافرت شیخ جعفر باصفهان امر ازدواج واقع گردیده و از این مخدره يك پسر ( حاج شیخ محمد باقر ) و يك دختر یافت ( شهربانو ) شرح حال هر يك جداگانه نوشته خواهد شد مرحومه نسمة خاتون در حدود سال ۱۲۹۵ در اصفهان وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده جلو قبر شوهر مدفون گردید .

دامادهای مرحوم آقا شیخ جعفر کاشف الغطاء : سه نفر از دختران مرحوم

شیخ جعفر نجفی در اصفهان شوهر داشته و ساکن بوده اند :

۱ - زوجه مرحوم آقا سید صدرالدین محمد حاملی .

۲ - زوجه آقا شیخ محمد تقی رازی ( نسمة خاتون ) .

۳ - زوجه آقا محمد علی هزار جریبی و پس از فوت او آقا محمد علی

دختر مرحوم آقا میرزا محمد باقر نواب لاهیجی ( فوت ۳ شعبان ۱۲۴۸ ) را به زوجیت اختیار نموده ( ص ۱۳۴ قصص العلماء ) و اولادش از این مخدره می باشند .

اسامی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی : از نام

اساتید و معلمین دوره مقدمات و سطح خواندن مرحوم آقا شیخ محمد تقی همچون بسیاری دیگر از بزرگان که ابتدای دوره تحصیلاتشان غیر معروفست آگهی نداریم فقط از زمانیکه آن مرحوم بدرس خارج اساتید ( یا سطوح عالیه ) در اعتبار مقدسه حاضر میشده اجمالاً اطلاع داریم اساتید این دوره ایشان که ظاهراً احتمالاً از قبل از سال ۱۲۰۰ شروع میشود تا موقع مهاجرت به ایران ختم میشود بدینقرار است :

۱ - شیخ احمد احسائی ( ۱۱۶۶ - ۱۲۴۱ ) : مرحوم تنکابنی علیه الرحمه در کتاب قصص العلماء ( ص ۱۱۷ چاپ کتابفروشی علمیه اسلامیة ) در ضمن بیان شرح حال مرحوم آقا شیخ محمد تقی می نویسد :

شیخ محمد تقی در مجلس درس شیخ احمد در اصفهان حاضر میشد (انتهی). نویسنده گوید : ظاهراً حضور مرحوم شیخ در حوزه درس شیخ احمد احسائی جهت استفاده علمی نبوده بلکه برای آشنائی با طرز فکر و اندیشه و همچنین بیان و گفتار مشار الیه بوده است که مورد قبول و توجه جمعی از علماء و بزرگان بوده و عده ای نیز بر او خرده گیری نموده او را تا حد کفر و الحاد میرسانیدند .

۲ - مرحوم علامه وحید بهبهانی مجدد قرن آقا باقر بن مولی محمد اکمل اصفهانی بهبهانی حائری ( ۱۱۱۷ - ۱۲۰۵ ) : مرحوم آقا شیخ محمد تقی در شهر مقدس کربلا بدرس مؤسس بهبهانی رحمة الله علیه حاضر میشده است دانشمند معاصر جناب آقای حاج شیخ علی دوانی مؤلف کتب کثیره مطبوعه کتابی مبسوط و ممتع در شرح حال آن مرحوم نوشته ( وحید بهبهانی ) و همه نویسندگان را از تحقیق درباره شرح حال ایشان بی نیاز گردانیده طالبین بدان کتاب و دیگر مآخذ مراجعه فرمایند .

۳ - مرحوم علامه فقیه رئیس الطائفة فی زمانه شیخ جعفر نجفی ( ۱۱۵۴ - ۱۲۲۸ ) : مرحوم آقا شیخ محمد تقی در نجف اشرف به حوزه درس این استاد عالیقدر تشریف جسته و بهره های علمی یافته و سرانجام افتخار مصاهرت و دامادی نیز یافته است .

شرح حال آن مرحوم را قبلاً بیان داشتیم .

۴ - مرحوم میرسید علی حائری فرزند مرحوم سید محمد علی بن سید ابوالمعالی صفیر بن سید ابوالمعالی کبیر طباطبائی : مرحوم آقا میرسید علی کربلائی ( ۱۱۶۱ -



۱۲۳۱) از اجله علماء و فقهاء واصولیین بوده و از سن بیست سالگی به تشویق دائی خود علامه آقا باقر وحید بهبهانی بدرس و بحث شروع نموده و با جد و جهدی تمام در مدتی اندک در اثر سعی و کوشش و هم در اثر هوش و استعداد بمقامات عالیه علم و اجتهاد رسید و در کربلا که در آن موقع مجمع علماء بزرگوار بسود جلسه درس منعقد ساخت و افاضل طلاب و مشتغلین به حوزه درس او حاضر میشدند و بهره‌های علمی می‌یافتند. ویرا تألیفاتی است که معروفتر از همه کتاب: ریاض المسائل در دو مجلد در فقه. مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص ۹۰۱ سوم) شرح حال نسبتاً مبسوطی از وی نوشته و در آنجا بیست کتاب و رساله از تألیفاتش را نام برده و همچنین اسامی بیست و دو نفر از شاگردان و روایتش را ذکر نموده است و من هفت نفر دیگر بر آنها افزوده‌ام.

اساتید و مشایخ اجازه مرحوم میر سید علی طباطبائی عبارتند از: ۱ - آقا باقر وحید بهبهانی ۲ - میر عبدالباقی امام جمعه اصفهان شیخ روایت ۳ - آقا محمد علی بن آقا باقر کرمانشاهی ۴ - شیخ یوسف بحرینی.

مرحوم صاحب ریاض در دوازدهم ربیع المولود سال ۱۱۶۱ متولد و در محرم الحرام سال ۱۲۳۱ در کربلا وفات یافته در رواق مطهر پائین پ سای مبارک پهلوی قبر آقا باقر مؤسس بهبهانی مدفون گردید رحمة الله علیه.

۵ - درویش کافی نجف آبادی اصفهانی: مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص ۱۳۲۸ چهارم) می‌نویسد:

مرحوم آقا شیخ محمد تقی در راه عرفان و سلوک نیز دارد و مسموع شد که ارادت خدمت درویش کافی نجف آبادی که سیدی منزوی در قصبه نجف آباد بوده داشته (انتهی).

علامه مفضل دانشمند بزرگوار جناب حاج سید محمد علی روضاتی بانی

وساعی در چاپ و تصحیح مجلدات مکارم الاناردر پاروقی ( صفحه ۱۳۲۹ چهارم )  
درباره ارادت داشتن مرحوم آقا شیخ محمد تقی به درویش کافی نجف آبادی  
می نویسد :

گذشته از اینکه ارادت خدمت درویشی یا مرشدی داشتن و سرسپردن و امثال  
این تعبیرات مطلقاً در اصول و فروع دین مقدس اسلام و بالاخص در مذهب مقدس  
تشیع وجود ندارد با چنین نسبتی بصاحب عنوان ( یعنی مرحوم آقا شیخ محمد  
تقی علیه الرحمة والرضوان ) تا بحال برای ما که خود از آن خاندانیم مسلم نشده  
است ، ولا ینبئک مثل خبیر ( انتهى ) .

نویسنده گوید : مرحوم معلم حبیب آبادی بر خلاف سیره خود که در نقل  
مطالب به مآخذ آن اشاره میکرد در این مورد هیچگونه اشاره ای نکرده و فقط  
می نویسد :

« مسموع شد » .

اما فرموده که از که شنیده و کجا و کی شنیده است، و مؤید فرمایشات علامه  
روضاتی آنکه :

صوفیه که بسیاری از بزرگان علم و دانش و فقهاء و مجتهدین و حکماء و ادباء  
و شعراء را بکوچکترین نشانه ای صوفی و عارف خوانده و برای آنها شیخ  
و مرشد و پیر و قطب میتراشند تاکنون این عالم بزرگوار را جزو صوفیه و اهل  
سلوک نشمرده اند و در کتب خود نامی از او نبرده اند .

حاج زین العابدین شیروانی در بستان السیاحه نامی از نجف آباد میبرد ولی  
ذکری از درویشی بنام درویش کافی نمی کند . معصومعلی شیرازی در طرائق  
الحقایق نیز از سید درویش نجف آبادی نامی نبرده است و حال آنکه نام جمعی  
از بقال و عارف صوفی را نیز بنام عارف کامل و اصل یاد می کند .

شیروانی در کتابهای خود نامی از شیخ محمد تقی و تصوف و عرفان او نیز

نمیبرد .

۶ - علامه فقیه آقا سید محسن اعرجی کاظمینی ( ۱۱۳۰ - ۱۲۲۷ ) عالم

فاضل فقیه زاهد از اکابر فقهاء و مجتهدین ادیب شاعر مؤلف کتاب : المحصول  
والوائی وغیره .

مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی مدتی در کاظمین از محضر ابن استاد

عالی‌مقام بهره‌مند گردیده است .

۷ - علامه جلیل فقیه بزرگوار صاحب مقامات و کرامات مرحوم حاج سید

مهدی بن سید مرتضی طباطبائی بروجردی معروف به بحر العلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲).

مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی مدتی در نجف اشرف بعنوان تلمذ و تبرک

و هم استفاده از حوزه علمی و بالخصوص مقامات معنوی و روحانی این عالم جلیل  
کامیاب گردیده است .

شخصیت مرحوم سید بحر العلوم بالاتر از آنست که نیازی به نوشتن شرح

حال و گزارش احوال آن بزرگوار بوسیله این نویسنده ناچیز باشد .

مرحوم سید بحر العلوم از جمله بزرگان است که توفیق شرفیابی به محضر

مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را مکرر در مکرر یافته

است . شرح برخی از شرفیابیهای آنجناب را نویسندگان بزرگوار همچون

حاجی نوری و آقا شیخ محمود عراقی و دیگران در کتابهای خود نوشته‌اند طالبین

بدانها مراجعه کنند .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار ( از صفحه ۱۴ تا صفحه ۲۹

جلد دوم ) شرح حال نسبتاً جامعی از مرحوم بحر العلوم نوشته و در آنجا دوازده

رساله و کتاب از تألیفات آنجناب را نام برده و همچنین اشاره به سیزده نفر از

اساتید و مشایخ او کرده و نام چهل و چهار نفر از شاگردان و مجازین از آنجناب را ذکر نموده است .

خلاصه کلام آنکه مرحوم بحر العلوم در شب جمعه ماه شوال سال ۱۱۵۵ در کربلا متولد گردیده و در شب ۲۴ جمادی الاولی ( و بنا بقولی رجب ) سال ۱۲۱۲ در نجف وفات یافته و در مسجد طوسی مدفون گردید .

فائده : لقب بحر العلوم تا قبل از آن مرحوم به هیچ يك از علماء اسلام گفته نشده و صاحب عنوان اول عالمی است که باین لقب مشهور گردیده است و آنرا مرحوم آقا میرزا محمد مهدی شهید اصفهانی خراسانی جهت آن بزرگوار انتخاب نموده است :

خوابی شگفت و آثار آن : در مکارم الاثار ( ص ۱۶ ) و قصص العلماء ( ص ۱۶۸ ) می نویسد که :

مرحوم آقا سید مرتضی پدر مرحوم علامه بحر العلوم در شب تولد آن جناب حضرت رضا علیه السلام را بخواب دید که آنحضرت شمعى به محمد بن اسماعیل ( ابن بزيع ) عنایت فرمود و او آنرا بر بالای خانه آقا سید مرتضی روشن گردانید و چنان روشنائی از شمع ظاهر گردید که همه اطراف از نور آن روشن گردید . نویسنده گوید : این خواب از رؤیاهای صادقیه بوده زیرا نور علم و شخصیت سید بحر العلوم دنیای اسلام را روشن نمود و همه علماء معاصر آن بزرگوار به عظمت و شخصیت او اذعان و اعتراف داشتند و بطوری قبول کلی یافت که فرمایش او را جملگی بدون چون و چرا می پذیرفتند و شیعه و سنی ویرا احترام کرده و به دستوراتش گردن می نهادند .

و بطوریکه در مکارم الاثار و دیگر کتب نوشته شده است : این نحو انقیاد و تسلیم از علماء برای يك نفر عالم آنهم از علماء معاصرین برای هیچ کس تا

کنون اتفاق نیفتاده است نه پیش از او و نه بعد از او .  
و این همه در اثر صحت آن خواب وهم توجه مخصوص حضرت ولی عصر  
عجل الله تعالی فرجه الشریف بدان جناب بوده است .  
در قصص العلماء ونجم الثاقب ودار السلام نوری و عراقی داستانهائی از  
تشرف آن مرحوم خدمت حضرت بقية الله الاعظم روحی لثراب مقدمه الشریف  
فداء نقل گردیده طالبین مراجعه نمایند .

محمد بن اسماعیل بن بزيع : ابو جعفر مولى منصور عباسی .

خاندان بزيع از خاندانهای معروف شیعه می باشند و از معاریف آنها :

۱ - حمزة بن بزيع از صلحای فرقه امامیه وثقات آنست ویرا تألیقاتی است  
( ص ۲۳۳ نجاشی ) - من اصحاب الرضا علیه السلام ( ص ۲۳۷ دوم مجمع  
الرجال ) .

۲ - احمد بن حمزة بن بزيع از وزراء دوره بنی العباس من اصحاب الرضا  
علیه السلام ( ص ۱۱۱ دوم مجمع الرجال ) .

۳ - محمد بن اسماعیل بن بزيع .

۴ - اسماعیل بن بزيع ثقة ( ص ۲۰۶ دوم مجمع الرجال )

از مجموع آنچه درباره او گفته شد بر می آید که :

۱ - زمان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را درك نموده است .

۲ - از اصحاب حضرت رضا علیه السلام می باشد .

۳ - از حضرت جواد الائمه علیه السلام حدیث نقل نموده و از آنحضرت  
پیراهنی خواست که کفن او باشد و آنحضرت ویرا مورد عنایت قرار داده و به او  
اطف فرمودند و دستور العمل آنرا نیز باو دادند .

۴ - سلسله جلیل علی بن نعمان وصیت کرد که کتابهایش را به او بدهند و این

از ادله عظمت اوست .

۵ - وی همان کسی است که حضرت رضا علیه السلام به جمعی از اصحابش درباره او فرمود : « وددت ان فيکم مثله » .

۶ - وی در سال ۲۰۰ هجری در فید در راه مکه معظمه ازدنیا رفت و همانجا بخاک رفت .

ذکر حدیثی از محمد بن اسماعیل : اکنون که سخن بدینجا کشیده شد لازم شد حدیثی از این محدث جلیل نقل کنیم :  
وی از حضرت ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

کسیکه قبر برادر مؤمنش را زیارت کند و دستش را بر قبر نهد و سوره قدر را هفت مرتبه تلاوت کند از فزع اکبر ( روز رستاخیز ) در امان گردد .

فائده رجالی : معروفست که چهار نفر مهدی نام از علماء بزرگوار از محضر مرحوم مؤسس بهبهانی استاد مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی بمقامات عالیه علم و کمال رسیده اند ( ص ۶۷۱ دوم فوائد الرضویه ) و آنها عبارتند از :  
۱ - مولی محمد مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی مؤلف جامع السعادات  
و غیره متوفی سال ۱۲۰۹

۲ - سید محمد مهدی بن ابوالقاسم موسوی شهرستانی اصفهانی حائری  
متوفی سال ۱۲۱۵

۳ - سید محمد مهدی بن مرتضی طباطبائی بحر العلوم نجفی استاد آقا شیخ محمد تقی ( ۱۱۵۵ - ۱۲۱۲ )

۴ - سید محمد مهدی بن هدایت الله موسوی اصفهانی شهید خراسانی ( ۱۱۵۲ - ۱۲۱۸ )

محدث قمی در فوائد الرضویه بر این چهار نفر يك نفر دیگر افزوده و می فرماید:  
المهدیون الخمس (ص ۶۷۴ دوم) که در يك عصر و زمان میزیستند و او:  
۵ - شیخ ابو صالح محمد مهدی بن بهاء الدین محمد فتونی نباطی عاملی  
متوفی سال ۱۱۸۳ می باشد.

مشار الیه از شاگردان مرحوم بهبهانی نبوده است.  
محدث قمی در همان کتاب از قول محدث نوری نور الله مضجعه يك نفر  
بر این مهدیون پنجگانه اضافه کرده و آنرا بجای مرحوم شیخ مهدی فتونی ذکر  
نموده است.

۶ - ملا مهدی تبریزی است و گوید ترجمه احوال او را نیافتم.  
و این را پنجمین مهدی معاصر وحید بهبهانی شمرده است.  
چندین عالم مهدی نام دیگر نیز در این زمان در عراق و ایران و هند میزیسته اند  
از آن جمله است:

۷ - سید مهدی بن دلدار علی لکهنوی (۱۲۰۸ - ۱۲۳۱)

۸ - حاجی میرزا مهدی قاضی تبریزی فرزند میرزا محمد تقی طباطبائی متوفی  
بسال ۱۲۴۱

۹ - سید مهدی بن سید حسن موسوی خونساری (۱۱۸۲ - ۱۲۴۶)

۱۰ - میر محمد مهدی خاتون آبادی امام جمعه اصفهان (فوت ۱۲۵۴)

۱۱ - شیخ مهدی بن محمد رضا نجف نجفی (فوت ۱۲۵۴)

۱۲ - مولی محمد مهدی بن محمد شفیع استرآبادی لکهنوی مؤلف:

استحکام در احکام صیام - معنل - نجم المؤمن و غیره متوفی بسال ۱۳۵۹

۱۳ - مرحوم آقا سید مهدی بن میر سید علی صاحب ریاض طباطبائی حائری

(فوت ۱۲۶۰)

خلاصه کلام آنکه در اواخر قرن دوازدهم و نیمه اول قرن سیزدهم عده زیادی از بزرگان علماء و فقهاء و دانشمندان شیعه بنام « مهدی یا محمد مهدی » معروف بوده‌اند که احتمالاً جمعی از آنان از محضر مرحوم وحید بهبهانی نیز بهره علمی یافته‌اند برای آگاهی از شرح حال آنان بکتاب رجال مراجعه شود و بالله التوفیق .

اسامی برخی از شاگردان و مجازین از مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی : همانگونه که ذکر شد تعداد طلاب حاضر در مجلس درس مرحوم آقا شیخ محمد تقی را یکصد و پنجاه تا سیصد نفر و بیشتر نوشته‌اند اما تاکنون بدانشمندی که از ایشان مجاز باشد به جز چند تن برخورد نکرده‌ایم ذیلاً بنام چند نفر از معروفین شاگردان آن عالم بزرگوار اشاره می‌کنیم :

۱- عالم جلیل مرحوم ملا احمد بن عبدالله خوانساری ساکن دولت‌آباد ملایر . در یکی از سالها که فتح علیشاه به اصفهان آمده بود در باز دیدی که از مرحوم آقا شیخ محمد تقی نمود از ارشد تلامذه ایشان سؤال کرد مرحوم شیخ در جواب فرموده بودند : ملا احمد خوانساری ( صاحب عنوان ) .

مشار الیه در خدمت آن بزرگوار و مرحوم حاج ملا اسدالله بروجردی شریف العلماء تلمیذ نموده از مرحوم آقا سید شفیق جابلقی صاحب روضة البهیه مجاز بوده است . کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- الادعیة المتفرقة ۲- مصابیح الاصول در یک مقدمه و چندین مقاله و خاتمه تقریباً بیست هزار بیت، تاریخ فراغت جلد اول که تا مبحث نهمی رسیده است سال ۱۲۶۷ می‌باشد و نسخه بخط مولی عبدالحسین برسی خراسانی شاگرد مؤلف در کتابخانه مولی محمد علی خوانساری در نجف بنظر علامه طهرانی مؤلف الذریعه رسیده و میفرماید در حواشی آن مطالبی است که گوید از مصنف استاد در ۱۲۷۳ شنیدم و نسخه دیگری از آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تاریخ شروع کتابت ۱۲۷۴ و تاریخ فراغت از تصحیح



۱۲۷۹ بانسخه فرزند مؤلف می باشد (ص ۸۳ بیست و یکم الذریعه) جلد دوم شماره (۲۸) در ۲۰ صفحه رحلی در کتابخانه مسجد اعظم قم (۳۶۵ فهرست کتابخانه مسجد اعظم) مشار الیه ظاهراً تا سال ۱۲۷۹ حیات داشته است (تکمله نجوم السماء - روضه البهیه - الکرام البرره ص ۷ - المآثر والاثار ص ۱۷۱) .

۲ - علامه فقیه رجالی مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی مؤلف بزرگوار کتاب: روضات الجنات آن جناب معروفتر از آنست که احتیاج به شرح و بیان داشته باشد (۱۲۲۶ - ۱۳۱۳) .

۳ - عالم بزرگوار مرحوم آقا شیخ محمد تقی گلپایگانی : مشار الیه از بزرگان علم و حکمت و از اساتید فلسفه در نجف اشرف بوده و بطوریکه مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در برخی از اجازاتیکه جهت شاگردان خود مرقوم فرموده اند (از آنجمله اجازه مرحوم آقا سیدربحان الله مهدوی) می نویسد وی مجاز از آقا شیخ محمد تقی و خود شیخ روایت مرحوم حاج میرزا حسین خلیلی می باشد .

ظاهراً مشار الیه همان شیخ محمد تقی گلپایگانی نجفی است که در سال ۱۲۹۲ در نجف وفات یافته علامه طهرانی در کتاب الکرام البرره (ص ۲۰۵ یکم) ویرا عنوان فرموده و گوید شاگرد حاج ملا اسد الله بروجردی و استاد آقا سید حسن صدر کاظمینی است (در معارف الرجال «ص ۲۵۰ یکم» در ضمن شرح حال مرحوم آقا سید حسن فوت مرحوم گلپایگانی را در ۱۲۹۳ می نویسد که ظاهر اشتباه چاپی است) .

کتابهای زیر از تألیفات صاحب عنوانست: ۱ - شرح اصول کافی ۲ - مختصر مسکن الشجون ۳ - منتخب احیاء العلوم ۴ - منتخب اسفار ۵ - منتخب امل الامل ۶ - منتخب جامع السعادات ۷ - منتخب کتاب الدعاء از بحار الانوار

۸ - منتخب سماء و العالم ۹ - منتخب شرح هدايه ۱۰ - منتخب كشكول ۱۱ -  
منتخب ملل و نحل شهرستانی و غيره .

۴ - عالم جليل القدر مولی محمد تقی فرزند حسينعلی هردی اصفهانی  
( ۱۲۱۷ - ۱۲۹۹ ) مشار اليه از بزرگان فقهاء و علماء زمان بوده و بطلی مجبوراً  
از اصفهان به اعقاب مقدسه مهاجرت نموده در كربلا ساكن شده و بدرس و مباحثه  
و تأليف و تصنيف و تربيت شاگردان عمر شريف را گذرانیده است . مرحوم معلم  
حبيب آبادی در مكارم الاثار ( صفحه ۶۲۷ سوم ) نام چهل ونه كتاب و رساله از  
تأليفات آنجناب را ذكر نموده است .

۵ - مرحوم آقا سيد محمد حسن مجتهد فرزند سيد محمد تقی مستجاب الدعوه  
موسوی خواجوئی متوفی در ( اواخر ربيع الثاني يسا اوائل جمادى الاولى )  
سال ۱۲۶۳ مدفون در تخت فولاد در جنب والد بزرگوار خود . از علماء و مدرسین  
گوشه گیر اصفهان و از مخصوصین مرحوم حاج محمد ابراهيم کلباسی بوده  
است . مشار اليه نیز مدتی بدرس این عالم بزرگوار در مسجد شاه حاضر ميشده  
است .

۶ - علامه فقيه مرحوم آقا مير سيد حسن بن سيد علی حسینی معروف به  
مدرس ( ۱۲۱۰ - ۱۲۷۳ ) از بزرگان فقهاء و مدرسین و استاد بسیاری از علماء  
و مجتهدین که از آنجمله است مرحوم ميرزا محمد حسن شیرازی معروف به ميرزای  
مجدد و جناب ميرزا ( هرگونه عنوان و لقبی که جهت جناب ميرزا نوشته شود دون  
شئون آن بزرگوار می باشد ) مرحوم مدرس از خواص شاگردان حاجی کلباسی  
بوده و مدتی نیز بدرس مرحوم آقا شيخ محمد تقی رازی ميرفته است .

۷ - مرحوم ميرزای مجدد: ميرزا محمد حسن بن سيد محمود حسینی شیرازی  
آن بزرگوار نیز چندین ماه از اواخر عمر مرحوم آقا شيخ محمد تقی رازی را

درك نموده است ( ۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ ) .

۸ - سيد ميرزا حسن بن محمد معصوم رضوی مشهدی عالم جليل متوفی شعبان سال ۱۲۷۸ در اصفهان از محضر مرحوم شيخ محمد تقی رازی و در كربلا از مرحوم آقا سيد محمد مجاهد كربلائی بهره‌های علمی یافته است .

۹ - آفا حسين و رنامخواستی لنجانی اصفهانی عالم فاضل مشار اليه ظاهراً چندین سال بدرس مرحوم آفا شيخ محمد تقی ميرفته و پس از وصول بمقامات عايله به موطن خویش یعنی سده لنجان رفته و ریاست دینی یافته و تا بعد از ۱۲۶۵ حیات داشته است .

فائده : در اصفهان دو سده وجود دارد : ۱ - سده لنجان ۲ - سده ماربین

الف : سده لنجان شامل دهات : و درنامخواست - غلامخواست .

ب - سده ماربین شامل دهات : خوزان ، فروشان ، ورنوسفادران .

هر دو این سده‌ها تا کنون بصورت شهر درآمده و دارای کلیه امتیازات شهری

می باشد .

۱۰ - علامه فقیه شيخ محمد حسين بن محمد رحیم بيك استاجلو برادر

کوچك مرحوم آفا شيخ محمد تقی رازی شرح حال آن فقیه عالیقدر بعداً ذکر خواهد شد .

۱۱ - علامه جليل حاج ملا حسينعلی بن نوروز علی تویسرکانی اصفهانی

متوفی بسال ۱۲۸۶ مدفون در تکیه آفا حسين خوانساری در تخت فولاد اصفهان .

مشار اليه از بزرگان علماء و فقهاء و مجتهدین و مدرسین اصفهان بوده و عده‌ای زیاد

از علماء این شهر و دیگر شهرها در خدمت او تحصیل نموده‌اند . در مسجد ایلچی

در محله احمد آباد امامت و تدریس مینموده ، و برا تالیفات زیادی است ( ص

۳۰۶ ) دانشمندان و بزرگان اصفهان .

۱۲ - علامه ادیب مرحوم حاج میرزا داود بن حاج میرزا محمد مهدی شهید اصفهانی خراسانی ( ۱۱۹۰ - ۱۲۴۰ ) همانگونه که قبلاً متذکر شدیم در مدت چهارده ماهیکه مرحوم آقا شیخ محمد تقی در مشهد مقدس جهت زیارت متوقف بود صاحب عنوان با کمال مروت و جوانمردی از ایشان پذیرائی نموده و قروض ایشان را تماماً اداء فرموده و در احترام و بزرگداشت آن جناب دقیقه‌ای کوتاهی نکرده و ضمناً از محضر ایشان نیز بهره‌های علمی برده است ( و شاید جمعی دیگر نیز از این فیض کامیاب بوده‌اند ) و در موقع عزیمت شیخ به سمت یزد و سائل مسافرت ایشان را از هر جهت کمأ و کیفأ فراهم نموده و میهمان گرامی خود را با کمال عزت و احترام گسیل داشته است رحمة الله علیه .

۱۳ - علامه فهامه محقق مدقق مولی زین العابدین گلپایگانی ( ۱۲۱۸ - ۱۲۸۹ ) مدفون در گلپایگان از خواص اصحاب مرحوم آقا شیخ محمد تقی و برادر دانشمندش مرحوم آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول و شریف العلماء مازندرانی و شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن اصفهانی مؤلف جوهر الکلام بوده و از آقا شیخ محمد تقی روایت می‌کند و حاج میرزا حسین خلیلی از او اجازه دارد و برآ تالیفاتی چندی است از آنجمله : ۱ - الانوار القدسیه در فضائل احمدیه بفارسی ۲ - رساله در نماز جمعه ۳ - رساله در نماز مسافر ۴ - روح الایمان ۵ - شرح اسماء قدسیه ۶ - شرح دره بحر العلوم و غیره ( ص ۱۹۵ یکم فوائد الرضویه ، الذریعه ) .

۱۴ - عالم جلیل مرحوم آقا سید محمد صادق بن سید مهدی موسوی خوانساری در اصفهان از شاگردهای مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی و برادرش آقا شیخ محمد حسین بوده و در ۱۲۰۸ متولد و در یکی از سالهای ۱۲۵۴ یا ۱۲۵۵ وفات یافته و در کربلا مدفون گردیده است . و برآ تالیفات چندی است از آنجمله :

۱ - رساله عملیه عبری ۲ - رساله در مواعظ و حکم ۳ - فوائدی در اصول  
۴ - فوائدی در رجال ۵ - شرح رساله مقدمه واجب تألیف سید ماجد بحرانی  
وی از پدر خود و آقا محمد مهدی کلباسی اجازه اجتهاد و روایت داشته است  
( ص ۲۰۶ تراجم الرجال ، ص ۶۴۷ دوم ، الکرام البرره ص صد و نود و نه مقدمه  
مناجح المعارف ) .

۱۵ - حکیم فقیه بزرگوار ملا عبدالجواد بن محمد علی بن احمد تونی  
اصفهان‌ای از اجله شاگردان مرحوم حاج ملا علی نوری و آقا شیخ محمد تقی رازی  
و حاجی کلباسی و جمعی دیگر از بزرگان مجتهدین و علماء در این شهر تحصیل  
نموده تا بمقامات عالیه علم و حکمت رسیده و در مدرسه شاهزاده‌ها تدریس مینموده  
است . در المآثر والاثار ( ص ۱۸۳ ) در باره او می‌نویسد : از علماء مشهور  
اصفهان بود و در فقه و اصول و طب و ریاضیات و ادبیات جمله مهارت کلی و قدرتی  
عظیم داشت ( انتهى ) . تدریس کتب حکمت و طب در اواخر حیات او با و منحصر  
بوده است .

علامه طهرانی در الکرام البرره ( ص ۷۰۲ دوم ) میرزای جسلوه و مرحوم  
شریعت اصفهان‌ی را از جمله شاگردان وی ذکر می‌نماید .

مشار الیه در شب غره ماه صفر سال ۱۲۸۱ وفات یافته است مرحوم انصاری  
در تاریخ اصفهان وری ( ص ۲۷۵ قسمت پاورقی ) در ضمن وقایع سال ۱۲۸۱  
می‌نویسد :

وفات ملا عبدالجواد خراسانی حکیم و استاد معقول و منقول که مرحوم میرزا  
ابوالحسن جلوه و پدر مؤلف ( حاج میرزا علی مستوفی انصاری ) از شاگردانش  
بودند تاریخش را پدرم گفت : « مات الجواد ومات العلم والعمل » .  
وی پدر حکیم و طبیب معروف حاج میرزا محمد باقر حکیم‌باشی متوفی در

۶ جمادی الاولی سال ۱۳۲۷ و مدفون در تکیه آقا سید ابوجعفر عاملی خادم الشریعه در اطای مخصوص می باشد . مرحوم حکیمباشی نیز همچون جمعی دیگر در حکمت و طب ازین استفاده علمی نموده است ( ص ۶۸ دانشمندان و بزرگان اصفهان ) .

۱۶ - مرحوم ملا علی قار پوز آبادی زنجانی ( ۱۲۰۹ - ۱۲۹۰ ) از علماء بزرگوار صاحب تألیفات و تصنیفات است از آنجمله : ۱- تفسیر قرآن ۲- جوامع الاصول در دو مجلد ۳ - سؤال و جواب از طهارت تا دیات ۴ - شرح عوامل ملا محسن ۵ - صیید و ذباحت ( رساله در ۱۰۰ ) ۶ - صیغ العقود ۷ - مناجر ۸ - معدن الاسرار در مواظ در پنج مجلد ۹ - مناسک حج ۱۰ - وسیله النجاة و غیره .

در کتاب علماء معاصر ( ص ۱۲۹ ) مدت استفاده او را از مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی در اصفهان پانزده سال می نویسد .

۱۷ - شیخ فتح الله بن رجبعلی بن محمد صالح بن محمد شاردی قزوینی از بزرگان علماء قرن سیزدهم هجری در قزوین بوده و مصدر امور شرعی و دینی مردم آن شهر بوده تحصیلتتش در اصفهان نزد مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی بوده است کتب زیر از تألیفات اوست : ۱ - اصل الاصول تاریخ فراغت از تألیف ۱۲۴۷ هجری ۲ - مختصر المناهج ۳ - مناهج الطریقه فی أحكام الشریعه فوت او را پس از سال ۱۲۵۷ می نویسند ( ص ۱۱۶ تراجم الرجال ) .

۱۸ - آقا مهدی بن ملا محسن بن ملا سمیع کرمانشاهی از اعقاب مرحوم مولی محسن فیض کاشانی . در اصفهان در خدمت مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی تحصیل نموده و بعداً بموطن خود بازگشته و در آنجا مورد توجه و عنایت عموم طبقات بالاحص علماء و طلاب و مؤمنین قرار گرفته سرانجام در حدود سال ۱۲۸۱

وفات یافته و در همانجا مدفون گردید کتب زیر از اوست :

- ۱ - شرح شرایع در فقه ۲ - المعراج ( ص ۹۲ سوم معارف الرجال ) .
- ۱۹ - مرحوم آقا شیخ مهدی کجوری از علماء بزرگوار در اصفهان خدمت آقا شیخ محمد تقی رازی تحصیل نموده سپس به اعتاب مقدسه ائمه عراق مهاجرت کرده در آنجا نزد آقا سید ابراهیم قزوینی و آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر به تکمیل مراتب علمی خود پرداخته تا به مقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده و با کسب اجازات روایتی و اجتهاد بشیراز مهاجرت نموده و در آن شهر بتدریس و اقامه جماعت و ارشاد مردم و امر بمعروف و نهی از منکر پرداخته ویرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱ - شرح بر رسائل شیخ انصاری مطبوع ۲ - شرح بر قوانین ۳ - شرح بر نتایج الافکار استادش در دو مجلد .
- مرحوم فرصت الدوله در کتاب آثار عجم ( ص ۴۳۴ ) در ذکر مساجد شیراز می نویسد :

مسجد آقا بابا خدان در محله درب شاهزاده : امام این مسجد عالم عامل و فقیه کامل جناب حاجی شیخ جعفر است سالها و السد غفران مآبش شیخ جلیل القدر و الشأن مجتهد العصر و الزمان حجة الاسلام جناب حاجی شیخ مهدی کجوری اسکنه الله فی الجنان در این مسجد بامامت مشغول می بود و در آنجا تدریس میفرمود . فتاویش مطاع علمای اعلام و رساله اش شایع بین الانام .

در حاشیه همین صفحه می نویسد : کجور بضم اول از توابع مازندران است و همچنین می نویسد :

جناب حاجی شیخ مهدی در سال ۱۲۹۳ هجری وفات فرموده و در تکیه حافظیه دفن گردید .

بنابر این آنچه در معارف الرجال ( ص ۱۰۸ سوم ) فوت او را بسال ۱۲۹۸

می نویسد خالی از اعتبار می باشد .

دراعیان الشیعه ( ص ۱۶۱ چهل و هشتم ) وفات او را بسال ۱۲۹۲ می نویسد که غلط چاپی است و او را از شاگردان شیخ مرتضی انصاری می نویسد و از تألیفاتش علاوه بر آنچه ذکر شد پنج رد بر رساله دلیل المتحیرین تألیف سید کاظم رشتی را ذکر می نماید .

۲۰ - فیلسوف بزرگوار و حکیم عالیمقدار مرحوم حاج ملا هادی بن ملا مهدی سبزواری متخلص به اسرار ( ۱۲۱۲ - ۱۲۸۹ ) از مفاخر حکماء اسلام و شیعه در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان همچون حاج ملا علی نوری و حاجی کلباسی و آخوند ملا اسماعیل واحد العین و بقول خود مرحوم حاجی ذوالعین و شیخ احمد احسائی و مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی در علوم فقه و اصول و حکمت و فلسفه و ریاضی و طبیعی تحصیل نمود تا رسید بدانجا که دست هیچ یک از حکماء متقدم و متأخر و معاصر جز معدودی باو نرسیده است .

شرح حال نسبتاً مفصل او را مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار ( از صفحه ۴۵۰ تا ۴۶۹ ) ذکر نموده و نام سی و هفت کتاب و رساله از تألیفات او را بر شمرده و همچنین اسامی چهل تن از شاگردانش را یاد آور شده است و همچنین دانشمند بزرگوار آقای مرتضی مدرسی چهار دهی رساله ای در ۷۹ صفحه درباره زندگانی و فلسفه آن مرحوم نوشته و بچاپ رسانیده و ما را از هر گونه بسط مقال درباره او بی نیاز ساخته است .

آنچه باید در این جا تذکر دهیم آنکه مرحوم معلم حبیب آبادی از اساتید او فقط بنام آخوند ملا علی نوری و ملا اسماعیل واحد العین و آقا محمد علی نجفی ( هزار جریبی ) را ذکر نموده و در معارف الرجال ( ص ۲۲۲ سوم ) نام حاجی کلباسی و شیخ احمد احسائی و آقا شیخ محمد تقی رازی را نیز ذکر کرده است



وبر آنها حاج ملا محمد رضا گوثر علیشاه همدانی ( فوت ۱۲۴۷ ) مؤلف  
مفتاح النبوة را افزوده است .

در هر حال مرحوم حاج ملا هادی عالم حکیم عارف زاهد فیلسوف ادیب  
شاعر فقیه زهره کننده حکمت اشراق پس از آخوند ملا صدرای شیرازی می باشد  
( اعیان الشیعه ص ۴۸ پنجاهم چاپ اول ) .

۲۱ - حاج میرزا هدایت الله ابرسجی شاهرودی خراسانی متوفی بسال ۱۲۸۱  
در مکه معظمه و مدفون در قبرستان جناب ابو طالب علیه السلام .  
در وفیات الاعلام ( ص ۱۸۰ ) می نویسد :

تحصیلات ایشان اولاً در مشهد مقدس و سپس در اصفهان و بعداً در نجف  
اشرف بوده است . در اصفهان خدمت شیخ محمد تقی فقیه و در نجف خدمت  
شیخ انصاری و دیگر علماء را درك نموده است .

ابرسج در ۱۸ کیلومتری شاهرود قرار دارد .

غیر از افراد نامبرده تا کنون به اسامی دیگر شاگردان و فضلاء حاضر در مجلس  
درس مرحوم آقا شیخ محمد تقی با همه کوششی که بکار برده ایم دست نیافته ایم .  
تذکره : چون جهت تحصیل دانشجویان دینی در انتخاب استاد اجباری نبوده  
و نمی باشد ( بخلاف تحصیلات جدید ) بدین معنی که طالب علم به اختیار خود  
می تواند به محضر و بدرس هر دانشمندی بدخواه خود حاضر شود و اگر از استادی  
نتواند آنگونه که مورد نظر اوست بهره گیرد ویرا ترك کرده به جلسه عالمی  
دیگر برود از اینرو عموماً طلاب و مشتغلین بدرس بسیاری از مدرسین رفته و چند  
صباحی در حوزه علمی او شرکت نموده تا یکی را انتخاب کنند از این پس  
ممکن است چندین سال محضر او را ترك نکنند و از حواشی و ملازمین آن عالم  
و دانشمند بحساب آیند .

بنا بر آنچه گفته شد میتوان گفت همچنانکه افراد ذکر شده در محضر دیگران نیز حاضر میشده‌اند سایر فضلاء زمان و علماء اصفهان در آن دوره اگر برای مدت زمان اندکی هم بوده بدرس مرحوم آقا شیخ محمد تقی حاضر شده‌اند و از مباحث علمی و افادات وی بهره‌مند گردیده‌اند .

این چند نفر نیز احتمالاً از شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی می‌باشند :

۲۲ - احمد بن محمد خونساری در سال ۱۲۵۵ نسخه‌ای از هدایة المسترشدين را کتابت نموده است ( ص ۳۲۶ یکم فهرست کتابخانه عمومی اصفهان ) .

۲۳ - محمد بن ملا ابوطالب در سال ۱۲۶۱ نسخه‌ای از هدایه را نوشته است ( ص ۴۲۳ کتابخانه مسجد اعظم - قم ) .

۲۴ - محمود بن رجب در سال ۱۲۶۶ نسخه‌ای از هدایه را کتابت نموده ( ص ۲۹۸ یکم کتابخانه مدرسه فیضیه - قم ) .

تألیفات مرحوم آقا شیخ محمد تقی : در کتابهای تراجم رجال و فهرستهای کتابها و کتابخانه ها برای مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی علیه الرحمه مؤلفات و مصنفاتی چند از کتاب و رساله ذکر نموده‌اند بدین شرح :

۱ - اجوبة المسائل در جواب مسائل زیادی که در موضوعهای مختلف فقهی و غیره از ایشان نموده‌اند و آنجناب بدانها پاسخ داده این جوابها گاهی بطور اجمال و مختصر و زمانی مفصل بیان گردیده است ( ص ۱۳۳۱ چهارم مکارم الاثار ) .

۲ - احکام نماز : در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی در قم کتابی بشماره ( ۶۵۵ ) از دانشمندی بنام : محمد تقی بن محمد رحیم بفارسی موجود است که در سال ۱۲۴۵ نوشته شده است و در حاشیه تصحیح گردیده .

نویسنده گوید : مؤلف این کتاب احتمالاً شیخ محمد تقی رازی اصفهانی است .

آغاز : الحمد لله رب العالمین . . . اما بعد چنین گوید احوج المحتاجین الی رحمة ربه الکریم . . .

انجام : « تلافی آنرا نموده باشد تا ثواب چهار رکعت باوعطا شود والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً » (ص ۲۵۱ دوم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی-قم).  
۳ - تقریرات : در بین طلاب و دانشجویان علوم دینی رسم چنین بوده و می باشد که دانشجویان آنچه را که استاد در موقع تدریس راجع به موضوع مورد بحث بیان میفرمود را می نوشتند و آنرا گاه بنامی مخصوص نام گذاری میکردند و اغلب اینگونه نوشته ها نام خاصی نداشت و بنام « تقریرات » یعنی بیانات استاد خوانده میشد .

علامه طهرانی در الذریعه ( جلد چهارم ص ۳۶۶ ) پس از تعریف و بیان راجع به تقریرات و اختلاف آن با امالی قریب یکصد کتاب و رساله ذکر می کند که همگی بنام تقریرات خوانده شده است از آنجمله :

تقریرات مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی از بحث طهارت وافی استادش مرحوم آیت الله حاج سید مهدی بحر العلوم می باشد، و گوید سید حسن صدر در تکلمه امل الامل گوید: از تصانیف شیخ محمد تقی رازی دیده ام . و علامه طهرانی نیز میفرماید: همین بحث و تقریر را نیز مرحوم آقا سید محمد جواد عاملی کتابت نموده است ( ص ۳۷۳ چهارم الذریعه ) .

حاشیه معالم الاصول بنام هداية المسترشدين ذکر خواهیم کرد .

۴ - حجیة المظنه، علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۷۷ ششم ) می نویسد :  
با حاشیه معالم بچاپ رسیده است .

مرحوم خان بابا مشار در فهرست کتابهای چاپی عربی و فارسی ( صفحه ۴۲۹ ) می نویسد :

در سال ۱۳۱۰ قمری در طهران بقطع رحلی در ۶۳ صفحه بچاپ رسیده است .

۵ - رساله در عدم مفطر بودن توتون . یکی از مسائل مورد اختلاف فقهاء بزرگوار مسئله مفطر بودن و نبودن تنباکو و توتون ( قلیان ) در روز ماه مبارک رمضان می باشد که هر يك از قائلین بآن در اثبات نظریه خود ورد عقیده دیگران اقامه دلیل نموده است .

مرحوم محدث قمی رحمه الله علیه در فوائد الرضویه ( ص ۴۳۲ دوم ) این کتاب را از تألیفات مرحوم شیخ نام برده است علامه طهرانی در الکرام البرره ( ص ۲۱۷ یکم ) می نویسد :

این کتاب در رد بعضی از معاصرین او می باشد . ودر الذریعه ( ص ۲۳۸ پانزدهم ) ذکری از او نموده است .

۶ - رساله عملیه بفارسی . علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۱۴ یازدهم ) می نویسد :

سید حسن صدر کاظمینی آنرا ( در تکمله امل الامل ) ذکر نموده است .  
۷ - رساله در فساد شرط ضمن العقد . علامه طهرانی نام این کتاب را در طبقات اعلام الشیعه ( ص ۲۱۷ یکم الکرام البرره ) والذریعه ( صفحه ۱۸۳ چهاردهم ) ذکر نموده ودر آنجا می نویسد :

شرط الضمان : او ظهر المبیع مستحقاً للغير . نام این رساله را مرحوم سید حسن صدر الدین در تکمله ذکر نموده است .

۸ - شرح اسماء الحسنی . علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۸۸ سیزدهم )

در ریحانه الادب (ص ۴۴۹ دوم) نیز همچنین نام کتاب بدون هیچگونه توضیحی ذکر شده است.

شرح بر طهارت وافى . علامه طهرانى در الذریعه (ص ۳۶۶ سیزدهم) می نویسد :

نام این کتاب را مرحوم سید حسن صدر در تکمله ذکر نموده، و گوید همان تقریرات است که قبلاً ذکر شد .

شرح وافى تألیف مولی محسن . علامه طهرانى در الذریعه (ص ۱۶۵ چهاردهم) می نویسد :

این کتاب همان تقریرات است که قبلاً ذکر شد که قبلاً بعنوان شرح (در صفحه ۳۶۶ سیزدهم) ذکر شد .

۹ - کتابی در طهارت و آن غیر از تقریرات است که بنامهای: تقریرات و شرح بر طهارت و شرح وافى ذکر شده، نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه دانشمند محقق جناب حاج شیخ رضا استادى طهرانى موجود بوده (ص ۲۷ یکصد و شصت نسخه از یک کتابخانه شخصی) که بعداً به کتابخانه حضرت آیت الله مرعشى منتقل گردیده است .

آغاز : کتاب الطهاره وهى فى اللغة النزاهة والنظافة وعند المتشرعه . . . .

در ۱۷۱ برگ ۲۱ سطری ( ۱۵ در ۲۰ سانتی متری ) .

علامه طهرانى در الذریعه (ص ۱۸۴ پانزدهم) والکرام البرره (ص ۲۱۷ یکم) نام این کتابرا بدون هیچگونه توضیحی ذکر فرموده است .

۱۰ - فقه استدلالی و علامه طهرانى در الذریعه (ص ۲۸۳ شانزدهم) می نویسد:

سید حسن صدر می گوید :

مجلد طهارت آنرا دیدم در نهایت تحقیق و متانت نوشته بود .

نویسنده گوید: بطن قولی این کتاب همان کتابی در طهارت می باشد که قبلاً ذکر گردید و العلم عند الله تبارك و تعالی .

۱۱ - فوائد الامه فی رد شیطین الکفره . مرحوم خاناباهاشاردر کتاب : فهرست کتابهای چاپی عربی ( ص ۶۷۹ ) می نویسد :  
در طهران بدون تاریخ بقطع خشتی چاپ سنگی بدون شماره صفحه بچاپ رسیده است .

نویسنده گوید: مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی نواده مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی کتابی دارد بنام : قوام الامه فی رد شیطین الکفره دررد نصاری بفارسی که بدون تاریخ ومحل چاپ بقطع خشتی چاپ سنگی گردیده و ظاهراً در طهران ویک دفعه نیز در بمبئی بچاپ رسیده است .

بطن نویسنده نام این کتاب بر مرحوم مشار اشتباه گردیده است والله اعلم .  
مرحوم آقا نجفی در علت تألیف آن در مقدمه کتاب می نویسد :  
حسب الامر باطنی از جانب صاحب مرتبه امر وحکم مأمور گردیدم که ...  
ودر آخر کتاب می نویسد :

بسعی واهتمام علت فاعلی خیرات وسبب غنائی میرات وباعث صوری بر عبادات وماده حقیقی وجوهات .

۱۲ - هداية المسترشدين فی شرح اصول معالم الدین یا حاشیه معالم .  
کتاب معالم الاصول از تألیفات عالم جلیل شیخ جمال الدین ابی منصور حسن بن شیخ زین الدین شهید ثانی ( ۹۵۹ - ۱۰۱۱ ) می باشد و آن مقدمه کتاب معالم الدین فی ملاذ المجتهدین آن مرحوم است که خود کتابی مستقل ودر اصول فقه تألیف گردیده واز زمان تألیف تا کنون مورد توجه وعنايت علماء ودانشمندان وفقهاء ومجتهدین بوده واز کتب درسی متداول بین دانشجویان دینی بشمار مبرود و تا کنون بر آن حواشی وشروح بسیاری نوشته شده است .







یکی از معروفترین و شاید بهترین این شروح و حواشی کتابی است که مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی تألیف نموده و بنام هدایة المسترشدين نامیده شده است .

مرحوم مولی عبدالکریم مجتهد خبری اصفهانی ( فوت ۱۳۳۹ ) در کتاب تذکرة القبور ( ص ۷۳ رجال اصفهان ) درباره این کتاب می نویسد :

در میان علماء حاشیه شیخ و حاشیه مطلق که گویند ( مراد ) این کتابست ( و ) بس است در بلندی تحقیق و بلندی و تبحر ذهن و فکر او که میتوان گفت اکثر تحقیقات اصولیه این زمانها در پیش علماء مأخوذ از آن بزرگوار است .  
در ریحانة الادب ( صفحه ۴۴۹ دوم چاپ اول ) می نویسد :

و بجهت آن ( حاشیه بر معالم ) به صاحب حاشیه شهرت یافته است و بهمین مناسبت مؤلف بزرگوار و محقق و متبّع کتاب ارزشمند ریحانة الادب نیز ویرا بعنوان : « صاحب هدایة المسترشدين » ذکر فرموده است .

و هم در وصف او گوید : . . . بالخصوص در اصول فقه که تبحری بی نهایت داشته و گویا که طینت او از افکار دقیق و انظار عمیق سرشته بوده و یا قطع نظر از همه چیز همین کتاب : هدایة المسترشدين او که در اصول فقه تا مبحث مفهوم و صفت و حاشیه معالم الاصول ( است ) دارای تحقیقات عمیق مبتکره بوده . . .

علامه طهرانی رحمة الله علیه در الکرام البرره ( صفحه ۲۱۷ یکم ) نقل از خاتمه مستدرک الوسائل می نویسد :

حاجی نوری علیه الرحمه درباره این کتاب می نویسد :

این کتاب در بین کتب اصول همچون فصل بهار است در بین فصول .

و اما کتاب هدایة المسترشدين در سه مجلد می باشد :

جلد اول تا مبحث ( مره و تکرار ) است تاریخ ختم شب جمعه ۱۰ ربیع  
الثانی سال ۱۲۳۷ و در آنجا خود را : محمد تقی بن محمد رحیم معرفی می کند .  
بنابراین قول عبدالرحیم در نام پدر ایشان اشتباه است .

جلد دوم تا آخر مفهوم وصف .

جلد سوم تا مبحث اجتهاد و تقلید .

علامه طهرانی در الکرام البرره ( ص ۲۱۶ یکم ) می نویسد :

جلد سوم را خواهر زاده آن مرحوم شیخ محمد بن محمد علی ( خراسانی  
طهرانی ) از مسودات مرحوم شیخ محمد تقی فراهم نموده و ضمیمه کتاب ساخته  
است .

همانگونه که قبلاً گفته شد کتاب هدایة المسترشدين مورد توجه و عنایت  
و قبول و استحسان جمیع علماء و بزرگان قرار گرفته و مؤلف بزرگوار آن به صاحب  
حاشیه معروف می باشد و همچنین ویرا صاحب الهدایه میخوانند .  
مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی که بعداً به اجمالی از حالات ایشان  
اشاره خواهیم کرد در تألیفات و نوشته های خود همه جا خویشان را به : آل  
صاحب الهدایه و آل علامه انفعی معرفی می نماید .

کتاب هدایة المسترشدين تا کنون چندین بار بچاپ رسیده است از آنجمله  
در سالهای : ۱۲۶۹ - ۱۲۷۲ - ۱۲۸۱ - ۱۲۸۲ - ۱۳۱۰ می باشد ( ص ۱۰۴  
فهرست کتابهای چاپی عربی ) .

فائده : مرحوم تنکابنی در قصص العلماء ( ص ۸۵ و ۱۱۷ ) در ضمن بیان  
مؤلفات خود می نویسد :

نود و نهم تعلیقه بر قوانین که مشتمل بر مجلدات متعدده است و در اصل  
براءت و استصحاب بتفصیل آن مباحث را بیان کرده ام و محاکه کرده ام میان فضلاء

که رد بر میرزا کرده‌اند مانند ضوابط استاد سید ابراهیم فزونی و اشارات حاجی کلباسی و حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم و فصول و . . .

تذکر : از کتاب هدایةالمستر شدین نسخه‌های خطی زیادی در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی در ایران و عراق وجود دارد .

از آنجمله دو نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان بشماره‌های ۶۱۷ و ۶۱۸ ( شماره‌های عمومی ۲۹۸۸ و ۵۴۴۶ ) نسخه اول بخط نسخ و نستعلیق تاریخ فراغت از نوشتن ۱۸ رمضان ۱۲۶۰ و نسخه دوم بخط احمد بن محمد خونساری که احتمالاً شاگرد مرحوم شیخ بوده است ( ص ۳۲۶ جلد اول فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی اصفهان ) .

يك نسخه بدون تاریخ بشماره ( ۹۳۰ ) در کتابخانه حضرت آیت‌الله گلپایگانی ( ص ۱۹۴ دوم ) .

پنج نسخه در کتابخانه مدرسه فیضیه قم ( ص ۲۹۸ فهرست کتابخانه فیضیه - قم ) .

يك نسخه در کتابخانه مسجد اعظم قم ( ص ۴۲۳ فهرست کتابخانه مسجد اعظم - قم ) .

پسر بجای پدر : در فرستهای : کتابخانه مدرسه فیضیه و مسجد اعظم قم و کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی بقلم دانشمند محقق و عالم متبع بزرگوار جناب حاج شیخ رضا استادی طهرانی تنظیم گردیده سال تولد و وفات مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاه‌سی ( ۱۲۳۷ - ۱۳۰۱ ) فرزند مؤلف را بجای سال تولد و وفات مرحوم آقا شیخ محمد تقی ذکر نموده‌اند و قابل توجه آنکه :

۱ - خود ایشان تألیف کتاب را در سال ۱۲۳۷ ذکر نموده‌اند .

۲ - دانشمند محقق بزرگوار آقای مدرسی طباطبائی تا صفحه ۲۷۲ کتاب فهرست کتابخانه آیت الله گلبایگانی را قبل از انتشار با دقت مطالعه فرموده و نکاتی را جمع به برخی از نسخه‌ها تذکر داده‌اند (ص ۲۹۸ دوم فهرست) لکن ایشانهم با همه دقت متوجه این اشتباه و سهو القلم نشده‌اند. والله العاصم.  
عیال و اولاد :

مرحوم آقا شیخ تقی رازی دو همسر اختیار نموده بدین شرح :  
۱ - منقطمه در یزد و از آن دختری یافته که همسر مرحوم حاج عبدالکریم شیرازی گردید بنام ...

۲ - دائمیه بنام نسیمه خاتون یا حبابه دختر شیخ بزرگوار مرحوم شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء استاد او .

بطور یقین نمی‌دانیم که ازدواج مرحوم شیخ محمد تقی بسا دختر استاد در نجف واقع شده یا در اصفهان بوده است .

خواستگاری شیخ علیوی دختر مرحوم شیخ را جهت پسر خود : در کتاب معارف الرجال (صفحه ۱۸۰) در ضمن شرح حال مرحوم شیخ محسن علیوی متوفی بسال ۱۲۸۶ می‌نویسد :

گاهی که مرحوم شیخ جعفر میخواست دختر را بحاله نکاح مرحوم شیخ محمد تقی در آورد برادر زاده اش یعنی شیخ علیوی (شیخ علیوی بن شیخ محمد بن شیخ خضر) به او گفت :

مطابق قواعد و سننی که در بین قبائل عرب معمول است برادر زاده شما به این دختر سزاوارتر است از شیخ محمد تقی لکن مرحوم کاشف الغطاء باین سخن توجه نفرموده و دختر خود را به مرحوم شیخ تزویج نمود .

گفتگوی فتح علیشاه بسا شیخ محمد تقی : مرحوم تنکابنی در قصص العلماء

( صفحه ۱۱۷ ) در ضمن شرح حال مرحوم شیخ محمد تقی اصفهانی می نویسد :

زمانی که فتح علیشاه بدیدن او آمد گفت :

ای شیخ یقین صبیبه جناب شیخ شما را آزار ( میدهد ) و بر شما مسلطه است  
اما اندوهگین مباش که سلطان هم از جماعت نسوان باین دردها مبتلا است .

تفاوت بین مرحوم شیخ و شاه : در این جا با اصل موضوع کاری نداریم که  
آیا گفته فتح علیشاه در باره همسر مرحوم شیخ صحیح است یا نه مطلب در این  
جاست که او که مردی عیاش و هرزه می باشد خود را با جناب شیخ مقایسه می کند اگر  
مرحوم شیخ محمد تقی و بسیاری دیگر از بزرگان علماء همسر منقطعه اختیار کرده اند  
فقط بخاطر احیاء این سنت بوده است و قصدی جز آن نداشته اند که عملاً ثابت  
کنند که عقد منقطع حرام نمی باشد بلکه جائز است اما شاه که کاری جز عیاشی  
و خوشگذرانی و لهو و لعب و بازی و بساز یگری و مسافرت و تفریح ندارد او فقط  
دنیا را از دریچه شهوت ( و تکاثر فی الاموال و الاولاد ) می نگرد و چیزی جز آن  
نمی اندیشد .

در ناسخ التواریخ درباره فتح علیشاه می نویسد : از موقع بلوغ شرعی تا  
هنگام مرگ او چهل و هفت سال بطول انجامید و در این مدت دو هزار تن ( توجه  
بفرمائید دو هزار نفر ) فرزند و فرزند زاده از او بهمرسید و در ۱۲۷۱ شماره آنان  
ده هزار نفر می شود ( ناسخ التواریخ صفحه ۳۱۳ جلد یکم چاپ امیر کبیر ) .

اولاد مرحوم شیخ محمد تقی : مرحوم آقا شیخ محمد تقی سه فرزند بیشتر

نداشته باین شرح :

۱ - علامه بزرگوار حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی .

۲ - مخدره شهر بانو زوجه شیخ محمد طهرانی ایندو از دختر مرحوم شیخ

جعفر کاشف الغطاء بودند .

۳ - دختری از منقطعہ یزدیه که زوجه مرحوم حاج عبدالکریم شیرازی شد  
وسه فرزند آورد :

۱ - خدیجه سلطان همسر مرحوم حاج آقا نورالله نفة الاسلام .

۲ - شیخ محمد حسن نظام العلماء .

۳ - شیخ محمد حسین .

در بخش سوم درباره حاج عبدالکریم شیرازی و شیخ محمد و شیخ محمد  
حسن و شیخ محمد حسین بطور اجمال سخن خواهیم گفت .

وفات و مدفن مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی علیه الرحمه :  
مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی در وقت زوال روز جمعه نیمه شوال سال  
۱۲۴۸ در اصفهان وفات یافته است . در فوائدالرضویه (ص ۴۳۵ دوم) می نویسد :  
حاجی کلباسی بر او نماز خواند و در روضات الجنات (ص ۱۳۱) می نویسد  
که سید حجة الاسلام بر او نماز خواند .

در مرحال مرحوم شیخ رادر تخت فولاد در تکیه مادر شاهزاده ( مریم دایه  
سیف الدوله سلطان محمد میرزا قاجار حاکم اصفهان فرزند فتح علیشاه) دفن کردند  
واز این تاریخ گاهی تکیه را بنام مادر شاهزاده وزمانی بنام ایشان تکیه آقا شیخ  
محمد تقی می خوانند .

در بخش سوم کتاب در ضمن بیان شرح حال : مریم دایه سیف الدوله  
شرحی راجع به تکیه و مدفونین در بقعه خواهیم نوشت انشاء الله .

مرثیه و ماده تاریخ وفات : مرحوم علامه فقیه زاهد محقق رجالی آقا میرزا  
محمد باقر چهار سوقی یکی از شاگردان آن مرحوم در مرثیه آن عالم جلیل  
قصیده ای فرموده و در روضات الجنات (ص ۱۳۱) آنرا نقل نموده بدین شرح :  
یا للذی اضحی تقياً نهتدی بهداه کالبدر المنیر الا وقد

اسفناً لفقد امامنا الحبيب الذى  
 اسفناً عليه وليس يعقوب الاسى  
 لهفى على من لا يفى لثنايه  
 العلم امسى بعده مرتحلاً  
 مهما احوال زحام حلقة درسه  
 وا حسرتا اهل المدارس اذ جنت  
 واكربتاه لمسلمى هدى الحمى  
 من ثلثة لا يسدون بـددت  
 فقضت طلاع الارض من اطرافها  
 لا يوم للشيطان كاليوم الذى  
 لما مضيت مضت صيانته من هوى  
 علامة العلماء من فى جنبه  
 مولاي اى قطب الامام وطورهم  
 لا سقى ربيع ملت عنه وجنودا  
 جسد لك العفر المعطر ضمه  
 من ذا يحل المعضلات بفكره  
 ومن الذى يحيى اللبالي بعد كا  
 واين الذى ما زال سلسل خلقه  
 طابت ثراه كما اتى فى تاريخه

مرحوم معلم در مكارم الآثار (ص ۱۳۳۱ چهارم) اشاره به مطابق نبودن ماده  
 تاريخ با سال وفات نموده وعلامه روضاتى در پاورقى همين صفحه ميفرمايد :  
 توضيح مطلب موكول به حواشى وتعليقات چاپ روضات الجنات است (كه تا

کنون انجام نیافته است ) .

۲ - مرحوم محمد حسین بن محمد اسماعیل شاعر اصفهانی متخلص به ضیاء از شعراء معروف قرن سیزدهم و از خطاطین ( نمونه اشعار و خط او در بقعه همین تکیه موجود است ) در مرثیه و ماده تاریخ فوت آن مرحوم گوید :

آه که در بزم دهر ساقی ایسام ریخت  
زهر اجل از جفا فخر جهان را به جام  
شیخ محمد تقی آنکه بگاہ سخن  
صیقل نطقش زدود ز آینه دل زلال  
کاشف اسرار حق هادی راه همدی  
حامی شرع مبین وارث خیر الانام  
بود ز تقوای او خانه عصیان خراب  
داشت ز احکام او دین پیمبر قوام  
گوهر الفاظ او زینت گوش سخن  
رشحه افلام او زیب بدیع و کلام  
بود ز علمش بملک جهل چو عنقا نمان  
داشته از نظم او کشور دین انتظام  
بود فروع و اصول ناقص اگر بیش از این  
علم فروع و اصول فکرت او کرد تام  
تا بایسد در جهان زنده بود نام او  
گرچه بزیر زمین خاک شد او را عظام  
دردل سنگ ارچه شد لعل درخشان نمان  
لعل درخشان بروید آید اگر از رخام



زان مه برج علوم تا که بیابد نشان  
پویه بگردد زمین چرخ کند صبح و شام  
در بر فضالش کس ز فلاطون سخن  
در گه درسش نبود هیچ زادریس نام  
او بجنان شادمان باشد و اندر جهان  
دست بسر میزنند از غم او خاص و عام  
طایر روحش چو شد از قفس تن برون  
رفت برون و نمود جای بدار السلام  
خانه دین را خراب گز نه فلك خواستی  
بهر خوایی او از چه نمود اهتمام  
اشک فشان در غمش دیده احباب و او  
گشت بصحن جنان شاد دل اندر خرام  
بس بعزایش فساد غلغله اندر جهان  
کرد کمان آسمان کرد قیامت قیام  
طایر روحش روان گشت بیخ جنان  
چون زجنانش رسید رایحه ای در مشام  
از پس تاریخ آن کلک ضیاء زد رقم  
« راهنمای امم کرد بجننت مقام »

۱۲۴۸

حرره محمد حسین المتخلص بضياء بن محمد اسماعيل

صنعه محمد رضا بن محمد علی حجار ۱۲۵۸

رفع اشتباه : مرحوم حاج حسین آقا نخجوانی در کتاب مواد التواریخ (صفحه ۲۲۹) می‌نویسد :

تاریخ وفات شیخ محمد تقی بن عبدالرحیم رازی که از علمای طهران در زمان فتح علیشاه قاجار بوده بعضی از فضلاء چنین گفته‌اند :

« راهنمای امم کرد بجنّت مقام ۱۲۴۸ » .

در این بیان دو اشتباه وجود دارد :

۱ - نام پدر او را عبدالرحیم می‌نویسد بجای محمد رحیم ( اشتباهی که دیگران نیز نوشته‌اند ) .

۲ - آن مرحوم را از علماء طهران می‌نویسد و حال آنکه مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی ظاهراً هیچ وقت ساکن طهران نبوده است .

برخی از مدفونین داخل بقعه تکیه مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی علیه الرحمه :

در داخل و خارج بقعه مرحوم آقا شیخ محمد تقی عده‌ای از علماء و منتسبین مرحوم شیخ و همچنین جمعی دیگر از معاریف مدفون می‌باشند . ذیلاً بنام عده‌ای از آنها که در بقعه ( فقط در داخل بقعه ) مدفون هستند بر حسب حروف تهجی اشاره می‌کنیم :

۱ - مرحوم آقا میرزا ابوالحسن طبیب فرزند میرزا محمد طبیب متوفی بسال ۱۲۶۹ .

۲ - مرحوم آقا شیخ محمد تقی که تکیه بنام ایشان معروفست .

۳ - مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی فرزند مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی .

۴ - مرحوم شیخ محمد حسین بن حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام فوت

۱۹ محرم ۱۳۱۸ .

۵ - علامه فقیه ادیب آقا شیخ محمد رضا ( آقا رضا ) مسجد شاهی .

۶ - علامه فقیه زاهد آقا سید زین العابدین موسوی چهار سوقی .

۷ - مرحوم آقا سید محمد صادق فرزند مرحوم آقا سید زین العابدین چهار

سوقی .

۸ - مرحوم مولی محمد صالح بن محسن جویباره‌ای اصفهانی .

۹ - میرزا محمد خان معظم السلطان گلپایگانی معظمی فرزند میرزا یحیی

خان فوت ۱۳۵۲ .

۱۰ - وغیر از اینان مرحوم آقا جعفر مرندی فرزند . . .

واما زنده‌های مدفون در این بقعه از خاندان مسجد شاهیان :

۱ - افتخار الشریعه دختر مرحوم حاج آقا مرتضی رشتی از دختر مرحوم

حاج آقا جمال الدین مسجد شاهی نجفی زوجه مرحوم حاج میرزا قوام الدین

حسینی مرندی .

۲ - حاجیه خانم دختر مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی زوجه

مرحوم آقا جمال الدین چهار سوقی .

۳ - زهرا بیگم دختر علامه آقا سید صدرالدین عاملی زوجه ملا صالح

جویباره‌ای .

۴ - شهربانو دختر مرحوم شیخ محمد تقی رازی .

۵ - علویه عالم قاج خانم دختر مرحوم حاج آقا محسن عراقی زوجه مرحوم

حاج آقا جمال الدین نجفی .

۶ - علویه فاطمه خانم از سلسله سادات اخوی طهران زوجه مرحوم حاج

شیخ محمد باقر مسجد شاهی .

۷ - مریم دایه سیف الدوله محمد میرزا فرزند فتح علیشاه معروف به مادر شاهزاده .

۸ - ملکه خانم دختر مرحوم آفا نجفی زوجه مرحوم آفا شیخ محمد حسین امام نجفی فرزند مرحوم حاج آفا جمال .

۹ - نسیمه خاتون ( حبابه ) دختر مرحوم شیخ جعفر زوجه مرحوم شیخ محمد تقی رازی .

۱۰ - عیال مرحوم آفا شیخ محمد جواد نجفی دختر مرحوم حاج آفا جمال الدین مسجد شاهی .



( ٣ )

آقا شيخ محمد حسين بن محمد رحيم رازى اصفهانى  
حائرى

( صاحب الفصول )

فوت ١٢٥٥ - ١٢٦١ هـ . ق

» اخو التقى قدوة الفحول  
مصنف الفصول فى الاصول «  
» نخبة المقال «



### شیخ محمد حسین رازی اصفهانی

نام : شیخ محمد حسین .

پدر: حاج محمد رحیم بن محمد قاسم بیک رازی ایوان کیفی ( ایوان کیشی ).

شهرت : صاحب فصول اولاد واعقاب او نیز بهمین مناسبت به آل صاحب

فصول وصاحب فصول وفصولی شهرت دارند .

تولد : در هیچ یک از مآخذ موجود به سال تولد مشار الیه اشاره نشده است

لکن از روی قرائن در اواخر قرن دوازدهم و یا اوائل قرن سیزدهم در نجف

اشرف بدنیا آمده است .

اقوال بزرگان درباره مرحوم صاحب فصول : عموم نویسندگان کتب ویرا

بعظمت و علمیت و مقام تحقیق و فقاہت ستوده اند از آنجمله :

۱ - در اعیان الشیعه درباره آنجناب می نویسد : الفقیه الاصولی الشهیر...

۲ - در روضات الجنات ( ص ۱۴۱ ) پس از شرح حال مرحوم آقا شیخ

محمد تقی رازی می نویسد :

وقد کان لشیخنا المعظم الیه اخ فاضل فقیه و صنو کامل نبیه و جبر بارع و جبه

من اولاد امه و ایبه جمله الله تعالی منه بمنزلة هرون من اخیه وهو الفاضل المحقق



المدقق المتوحد في عصره المسمى بالشيخ محمد حسين صاحب كتاب : الفصول  
في علم الاصول . . .

۳ - مرحوم حاج سيد شفيح جابلقی در روضة البهيه در باره آنجناب می نویسد:  
عالم فاضل محقق مدقق .

۴ - مرحوم مدرس تبریزی در ریحانة الادب ( ص ۴۴۴ دوم ) می نویسد :  
از اکابر و متبحرين علمای امامیه . . . فقیه اصولی محقق مدقق جامع معقول  
و منقول و حاوی فروع و اصول و صاحب فکری بس عمیق .

۵ - محدث قمی علیه الرحمه در فوائد الرضويه ( ص ۵۰۱ دوم ) می نویسد :  
العالم الفاضل الكامل الفقيه المحقق المدقق جامع المعقول والمنقول صاحب  
كتاب : الفصول في علم الاصول .

۶ - علامه طهرانی در کتاب الکرام البرره ( صفحه ۳۹۰ یکم ) در ضمن  
شرح حال آنجناب می نویسد :

مؤسس معروف من کبار العلماء .

و در بیان راجع به کتاب : فصول می نویسد :

و هو شاهد علی جلاله مؤلفه و کونه من الفحول الجامعین للمعقول والمنقول.

۷ - مرحوم محدث قمی در هدیه الاحباب ( صفحه ۱۷۷ چاپ اول )

می نویسد :

عالم فاضل محقق مدقق . . .

دیگر نویسندگان نیز در کتب خود و برا بهمین گونه عبارات ستوده اند .

مخالفت مرحوم آقا شیخ محمد حسین باشیخیه : زمانی که مرحوم آقا شیخ

محمد حسین در کربلا اقامت فرموده بود سید کاظم رشتی رئیس شیخیه و جانشین

شیخ احمد احسانی نیز در آن شهر سکونت داشت و بمناسبت وجود او آن طایفه

قدرت و اهمیتی یافته بودند جناب آقا شیخ محمد حسین علناً بنای مخالفت و ضدیت با آنها را گذاشته و در نتیجه فعالیتها و کوششهای آن بزرگوار از قدر و اعتبار شیخیه کاسته شد .

علامه صاحب روضات الجنات ( صفحه ۱۳۲ ) می نویسد :

من خود در سفر زیارتی در کربلا چندین منبر از منابر آن جناب را در این موضوع شنیدم که وی علانیه آنان را لعن میفرمود و از آنان و عقاید فاسده آنان بی زاری و تبرا می جست و همین شیوه و روش را نیز مرحوم آقا سید مهدی فرزند آقا میر سید علی صاحب ریاض المسائل داشت رحمة الله علیهما .

اقامه نماز جماعت : مرحوم صاحب روضات می نویسد که :

مرحوم آقا شیخ محمد حسین در حرم مطهر در بالای سر مطهر اقامه جماعت میفرمود .

علامه طهرانی در : الکلام البرره ( ص ۳۹۰ یکم ) می نویسد : در حرم مطهر در بالای سر مطهر نماز جماعت میگذارد و افاضل و مقدسین طلاب و متدینین از عموم طبقات باو اقتدا میکردند .

نویسنده گوید : در نوشته های سید کاظم رشتی و دیگر شیخیه هر کجا نامی از « بالا سریه » برده میشود مرادشان کسانی است که در بالای سر مطهر ائمه اطهار علیهم السلام نماز می گزارند و نظر خاص آنان به مرحوم آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول و آقا میر سید علی صاحب ریاض و دیگر علماء کربلا می باشد .

ادوار زندگی مرحوم آقا شیخ محمد حسین را بدین ترتیب میتوان تقسیم بندی کرد :

۱ - بنا بنقل علامه طهرانی در الکرام البرره ( صفحه ۳۹۰ یکم ) در ایوان

کیف از فرای ورامین طهران متولد گردید ( سال تولد معلوم نیست ) و در همانجا بزرگ شد .

۲ - با پدر و مادر به نجف اشرف مهاجرت نمود مقدمات علوم را در طهران بیاموخت و در نجف اشرف به تکمیل آن اهتما فرمود . نام اسامی اساتید ایشان غیر از مرحوم آقا شیخ علی نجفی در نجف معلوم نیست .

۳ - در سال ۱۲۱۴ با اتفاق پدر و مادر و برادر و جمعی از بستگان از خوف حمله و هابیان به شهر مقدس نجف به کربلا مهاجرت نمود .

آقا احمد بهبهانی در مرآت الاحوال ( به نقل دانشمند محترم آقای حاج شیخ علی دواتی در کتاب : وحید بهبهانی صفحه ۳۴۰ چاپ دوم ) پس از شرحی که راجع محافظت شهر طبق دستور و نظریه مرحوم کاشف الغطاء انجام می شده می نویسد :

چون خوف شدید شد و زنان را طاقت تحمل آن نبود صبیبه خاله ( همسرش ) با والدین و اخوین خود ( آقا شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه و صاحب فصول ) به کربلائی معلا رفتند و من در نجف اشرف ماندم .

۴ - مهاجرت ایشان به ایران و اصفهان که سال آن بطور یقین معلوم نمی باشد اما آنچه مسلم است در موقعیکه به اصفهان خدمت برادر آمده عالمی بزرگوار و فقیهی نامدار بوده و شاگردی ایشان در نجف نزد مرحوم شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء قبل از این مهاجرت می باشد .

۵ - مهاجرت به نجف آباد و سکونت بمدت تقریباً يك سال و روبرو شدن با مخالفتهای بعضی از علمای آن محل که در کتاب « اعلاط و انساب » نام مرحوم ملا عبدالرحیم نجف آبادی یاد شده است .

۶ - سرانجام مهاجرت به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام و سکونت

در کربلا و ریاست و عنوان یافتن و بسا آخره مرجعیت تدریس و تقلید پیدا کردن و عاقبت الامر وفات در آن ارض مقدس و بخاک رفتن در آن روضه مطهره .

اساتید و مشایخ اجازه : مرحوم شیخ محمد حسین مقدمات علوم را در طهران از علماء آن شهر بخوبی فرا گرفت سپس جهت ادامه تحصیل به اصفهان که در آن زمان مجمع علماء بزرگوار و مجتهدین عالیمقدار همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و حاج ملا علی نوری حکیم و فیلسوف استاد حکماء زمان و آقا سید محمد مجاهد و جمعی کثیر از مدرسین بوده است مهاجرت نمود . مرحوم آقا شیخ محمد حسین از محاضرات این دانشمندان و دیگر بزرگان بهره های علمی یافته و قسمت عمده تحصیل ایشان در خدمت برادر بزرگتر خود مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی بوده بطوریکه در کتب تراجم رجال در بین اساتید ایشان در اصفهان فقط نام آن مرحوم ذکر شده است و از دیگران ولو به اشاره و کنایه هیچگونه ذکری نفرموده اند .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجدشاهی نجفی در کتاب: النوافج والروزنامج ( نسخه خطی ) می نویسد :

در یکی از سفرهائیکه فتح علیشاه به اصفهان آمده بود در موقعیکه از مرحوم آقا شیخ محمد تقی بازدید کرد از بهترین شاگردان ایشان پرسیده بود .  
مرحوم آقا شیخ محمد تقی ، ملا احمد دولت آبادی را معرفی می کند و حال آنکه شیخ محمد حسین بهتر از او بوده است و ظاهراً این عدم معرفی بعلت آن بوده است که :

۱ - شیخ محمد حسین برادر او بوده است ( و با معرفی برادر بعنوان بهترین شاگرد ممکن بوده که در شاه و اطرافیان توهماتى نسبت به ایشان بشود و بجهت احتراز از آن ویرا معرفی نفرموده است ) .

۲ - شاید سؤال قبل از شاگردی شیخ محمد حسین نزد برادر بوده است و یا دلیلی دیگر داشته است .

نویسنده گوید : ظاهراً این بازدید در مسجد شاه و در موقع درس انجام گردیده و احتمالاً در آن روز مرحوم آقا شیخ محمد حسین در جلسه درس حاضر نبوده است و العلم عند الله تبارك و تعالی .

مرحوم آقا شیخ محمد حسین پس از وصول بمقامات عالیله علم شروع بتدریس نمود، در مرحله اول در اصفهان و مدت زمانی نیز در نجف آباد و بالاخره به اعتبار مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مهاجرت فرمود .

۲ - علامه سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (ص ۲۱۶ چهل و چهارم) مرحوم آقا شیخ علی بن شیخ جعفر نجفی را نیز از اساتید آن مرحوم ذکر می نماید .

و چون مرحوم آقا شیخ محمد حسین سالها در دوره تحصیل در اصفهان ساکن بوده احتمال شاگردی و تلمذ او نزد علمای این شهر همچون : حاج محمد ابراهیم کلباسی و حاج سید محمد باقر سید حجة الاسلام و حاج ملا علی نوری زیاد است ( همانگونه که گفتیم ) لکن تا کنون در این موارد به سندی قابل اعتماد برخورد نکرده ایم و این بیان احتمالی بیش نیست و باید در این باره تحقیق و بررسی کامل بشود .

شاگردان و مجازین از مرحوم آقا شیخ محمد حسین : مرحوم صاحب فصول پس از وصول بمقامات عالیله علم و کسب اجازات از علماء و اساتید از اصفهان به کر بلا مهاجرت فرمود و در آن شهر مقدس سکونت نموده و بدرس و افاده مشغول گردید و عده زیادی از افاضل طلاب و مشتغلین جهت کسب فیوضات علمی بدرس

او حاضر شده و خصوصاً از مباحث اصولی آن که در آن از مؤسسين فواعد  
بشمار ميرفت بهره مند ميشدند .

جلسه درس آن مرحوم بخصوص پس از فوت مرحوم شريف العلماء  
مازندرانی که از اساتيد معروف در کربلا بود ( ۲۴ ذی القعدة ۱۲۴۶ ) جلسه درس  
در کربلا تقريباً منحصر به ايشان بوده و طلاب از اطراف جهت درك محضرايشان  
باين شهر مقدس روی می کرده اند .

اينک اسامی عده‌ای از شاگردان محضر ايشان بر حسب حروف تهجی :

۱ - سيد ابراهيم قزوینی ( پاورقی صفحه ۱۴۸۴ پنجم مکارم الاثار نقل از  
نجوم السماء ) .

۲ - شيخ احمد بن علی کرمانی مؤلف : تنبيه الغافلین فی رد القوم الضالین  
القائلین بوجوب معرفة الرکن الرابع : در رد شيخیه بفارسی ( ص ۲۳۵ بیست  
وششم الذریعه ) .

۳ - مولی محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی حائری عالم فاضل محقق  
کثیر التألیف والتصنیف ( ۱۲۱۷ - ۱۲۹۹ )

۴ - حاج شيخ جعفر شوشتری فرزند شيخ حسین مؤلف خصائص الحسينیه  
( فوت شب اربعین ۱۳۰۳ )

۵ - شيخ حسن بن محمد علی کجائی کهدمی نرمی متولد در ۱۲۰۳  
مؤلف کتاب ارشاد المتعلمین ظاهراً وی همانست که نسخه کتاب مشارع الاحکام  
تألیف مرحوم صاحب فصول را نوشته است ( صفحه ۲۰۸ کتاب : آشنائی با  
چند نسخه خطی ) .

۶ - شيخ محمد حسن بن یاسین کاظمینی ( ۱۲۲۰ - ۱۳۰۸ )

۷ - ملا حسن یزدی حائری بن علی مؤلف انوار الهدایه وموائد الفوائد

وغيره (ص ۲۱۵ بیست و سوم الذریعه) .

- ۸ - سید حسین بن محمد علی حسینی کاشانی ( فوت - ۱۲۹۶ )
- ۹ - سید حسین ترك بن محمد حسینی كوه كمری تبریزی ( فوت - ۱۲۹۹ )
- ۱۰ - مولی زین العابدین گلپایگانی ( ۱۲۱۸ - ۱۲۸۹ )
- ۱۱ - مرحوم آقا سید زین العابدین بن سید حسین آل صاحب ریاض طباطبائی ( فوت - ۱۲۹۲ )
- ۱۲ - مرحوم آقا سید محمد صادق بن مهدی طباطبائی طهرانی ( فوت - ۱۳۰۰ )
- ۱۳ - مرحوم آقا شیخ عبدالحسین فرزند شیخ محمد حسین صاحب فصول .
- ۱۴ - مرحوم آقا شیخ عبدالرحیم بروجردی ( فوت - ۱۲۷۷ )
- ۱۵ - مرحوم میر سید عبدالوهاب همدانی
- ۱۶ - مرحوم حاج ملا علی خلیلی طهرانی نجفی
- ۱۷ - مرحوم آقا سید علی نقی بن سید حسین آل صاحب ریاض طباطبائی ( فوت - ۱۲۸۹ )
- ۱۸ - حاج محمد کریم خان بن ابراهیم خان قاجار کرمانی ( ۱۲۲۵ - ۱۲۸۸ )
- ۱۹ - مرحوم آقا شیخ محمد بن محمد علی طهرانی خواهرزاده صاحب فصول .
- ۲۰ - مرحوم سید مصطفی بن حسین استرآبادی کربلائی ( فوت - ۱۲۸۰ )
- ۲۱ - مرحوم علامه حاج شیخ هادی مدرس طهرانی ( فوت - ۱۲۹۵ )
- تالیفات و تصنیفات: در کتب تراجم رجال و همچنین در کتاب شریف الذریعه و فهرست کتابخانه کتب و رسائل زبر را از مؤلفات مرحوم آقا شیخ محمد حسین

صاحب فصول نام برده اند :

۱ - حاشیه بر زبدة الاصول در فهرست کتب چاپی عربی مرحوم مشار ( ص ۵۰۴ ) می نویسد : که این حواشی در سال ۱۳۰۲ در هاشم زبدة الاصول در طهران بچاپ رسیده است .

۲ - رسالة الصومیه علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۰۵ یازدهم ) نام آنرا ذکر فرموده و گوید : نسخه آن در کتابخانه مرحوم آقا میرزا محمد طهرانی در سامراه موجود است و کتاب بفارسی و مرتب به چندین فصل و رساله عملیه است . و در این جا تاریخ فوت مرحوم صاحب فصول را ۱۲۵۴ می نویسد .

۳ - رساله عملیه : علامه طهرانی در الکرام البرره ( صفحه ۳۹۱ یکم ) می فرماید :

رساله عملیه بفارسی در عبادات تاریخ فراغت ۱۲۵۳ . ق .

۴ - الفصول الغریبه فی الاصول الفقیه معروفترین تألیفات آن مرحوم و بهمین مناسبت آنجناب را صاحب فصول می گویند . درباره این کتاب گفته اند :

فصول الشیخ فی کتب الاصول      بمنزلة الربیع من الفصول

مرحوم صاحب فصول در مقدمه این کتاب میفرماید :

پس از علم کلام هیچ علمی را بالاتر و مهمتر از علم فقه نیافتم و مسائل آنرا مربوط بعلم اصول دیدم و کتابی جامع که تشنگان وادی دانش را سیراب کند در آن نیافتم گرچه علماء بزرگوار و فقهاء نامدار در آن تألیفات بی شمار نموده بودند لکن هر کدام از جهتی کامل و از جهاتی ناقص و ناتمام بود خواستم در باره آن موضوع تألیفی بنمایم و مشکلات آنرا برطرف نموده و معضلات آنرا برطرف کنم و آنرا با عباراتی وافیه و بیاناتی شافی و کافی پردازم که در عین اختصار و سادگی مقصود و مفهوم را بخوبی برساند و موجب خستگی خاطر خوانندگان نگردد و در



این هنگام که عازم تألیف کتاب بودم یکی ازدوستان از فضلاء ازمن درخواست کرد که ایراداتی که بر کتاب قوانین وارد است رایان نموده و در رفع آن بکوشم من نیز خواسته او را اجابت نمودم و آنچه درباره بنظرم رسید در این کتاب ثبت نمودم و از خداوند وهاب مسئلت دارم که مرا از خطا و لغزش مصون دارد و مرا براه راست هدایت فرماید و قصد مرا خالص از برای خود قرار دهد .

ضمناً میفرماید از مرحوم میرزای قمی مؤلف قوانین الاصول در کتاب سه : فاضل معاصر و یا بعضی از معاصرین تعبیر نموده ام و عبارات آنجناب را در بیشتر موارد نقل بمعنی کرده ام . ( پایان تألیف جمعه ۱۹ ذی الحجه ۱۲۳۲ در نجف اشرف ) .

سخن درباره این کتاب بسیار است و ما بعد از نقل تمام مؤلفات آن مرحوم به آنها اشاره خواهیم کرد .

۵ - الفقه الاستدلالی علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۸۶ شانزدهم ) مینویسد : سید حسن صدرالدین عاملی نام این کتاب را جزو تألیفات مرحوم صاحب فصول ذکر نموده است .

۶ - مشارع الاحکام فی تحقیق مسائل الحلال والحرام .  
نسخه ای از آن در کتابخانه مرحوم حاج سید احمد زنجانی عالم جلیل زاهد معاصر ( ۱۳۰۸ - ۱۳۹۳ ) موجود بوده و دانشمند محترم جناب آقای حاج شیخ رضا استادی آنرا در کتاب : آشنائی با چند نسخه خطی ( صفحه ۲۰۸ ) ضمن مجموعه شماره ( ۵۷ ) کتابخانه مرحوم زنجانی معرفی نموده بعداً نسخه عکسی آن نیز بنظر رسید .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم وبه . .  
الحمد لله الذي علمنا معالم مراسم ديننا و بيان امثاله و اعلامه و نور سرائر مسالك افهامنا بلمعة من روضة مدارك شرايعه و احكامه و ايدنسا بتبصرة و ذكرى في تحرير

المهذب الكافي في حلاله وحرامه وبلغنا منتهى المطلب وغاية المراد في تنقيح  
محرر قواعده واحكامه . . احمده حمداً ينبغي لعز جلاله واشكره شكراً يوجب  
المزيد من نواله . . اما بعد فيقول المفتقر الى رحمة ربه الكريم محمد حسين بن  
محمد رحيم : اني لما فرغت من تحرير كتابنا المسمى بالفصول . . .

انجام : فقيه انه يمكن ذلك في مقام الجمع كذلك يمكن تخصيص مسح  
المقدم بالرجل بل هو قضية تخصيص المقدم بالناصية مع ان الظاهر من الرواية  
مسحها لتمام الرأس ولا تعديل به ظاهراً .

كتاب ناقص و فقط ۷۳ صفحه ۲۰ سطرى مى باشد .

از خصوصيات ابن نسخه يادداشتها و حواشى است كه كاتب نسخه كه خود  
را شاگرد مرحوم آقا شيخ محمد حسين معرفى مى كند و نام خود را شيخ كجائى  
مى نويسد در سال ۱۲۴۶ يعنى ساليكه طاعون در شهرهاى عراق بخصوص كربلا  
و كاظمين و بغداد عده زيادى را تلف نمود مرقوم داشته و آنها را جناب استادى  
در كتاب نامبرده از صفحه ۲۵۰ تا صفحه ۲۵۷ بتمام نقل نموده است .

علامه طهرانى در الذريعه ( ص ۳۱۱ بيست و چهارم ) كتابى بنام :

نماز برهنه بزبان فارسى مطابق فتاواى مرحوم حاج سيد محمد باقر حجة  
الاسلام شفتى بيد آبادى از مؤلفى بنام محمد حسين طهرانى ساكن كربلا نقل  
مى كند كه نسخه آن بخط حسين بن عزيز الله اصفهانى و مؤرخ بسال ۱۲۴۶ در  
كتابخانه مرحوم آقا ميرزا محمد طهرانى در سامراء بوده است .

محتمل است كه نويسنده اين رساله ( نماز برهنه ) مرحوم آقا شيخ محمد  
حسين رازى اصفهانى حائرى بوده باشد و اگر اين احتمال مقرون بدليل شود  
ميتوان بشاگردى ايشان نزد مرحوم سيد حجة الاسلام نيز استناد نمود و العلم عند  
الله تبارك و تعالى .

همچنین علامه طهرانی در : الکرام البرره ( ص ۳۶۸ یکم ) از دانشمندی بنام شیخ محمد حسین طهرانی از فقهاء کربلا نام میبرد و از تألیفات او کتابهای :  
۱ - الاجماعیه ۲ - اقل الواجب یا قوت لا یموت از فتاوی مرحوم میرزای شیرازی ۳ - رساله فتوایه‌ای در طهارت و صلوة ۴ - لب اللباب از فتاوی مرحوم آقا سید محمد مجاهد ۵ - رساله النجاة از فتاوی مرحوم میر سید علی صاحب ریاض را نام میبرد و گوید ظاهر آنست که مشار الیه از شاگردان علماء نامبرده می باشد .

درباره ابن شیخ محمد حسین طهرانی و محمد حسین طهرانی سابق الذکر باید تحقیق شود که آیا اینان دو نفر می باشند یا يك نفر و آیا همان مرحوم شیخ محمد حسین طهرانی صاحب عنوان است یا دیگری .

تعلیقات و حواشی و شروح کتاب فصول : همانگونه که گفته شد کتاب فصول از موقع تألیف و انتشار مورد توجه و نظر خاص علماء بزرگوار واقع گردیده و در حوزه‌های علمیه مورد بحث و تحقیق و تدریس قرار گرفته و عده زیادی از دانشمندان بر آن کتاب حواشی مرقوم داشته‌اند و چون کتاب اصول حاوی ایرادات و اعتراضات زیادی بر کتاب قوانین الاصول تألیف مرحوم میرزای قمی می باشد برخی از علماء ایرادات وارده را بمورد و صحیح ندانسته و در باره اثبات و یا عدم آن شرح و توضیح داده‌اند ذیلا بنام پاره‌ای از این شروح و حواشی بر حسب حروف تهجی نام محشی اشاره می کنیم :

۱ - اصل الاصول فی تلخیص الفصول تا مبحث عام و خاص تألیف : میرزا محمد حسین بن محمد علی بن میرزا محمد حسین حسینی مرعشی شهرستانی ( ۱۲۵۶ - ۱۳۱۵ )

تلخیص الفصول نام آن : اصل الاصول است که ذکر شد .

مادر مرحوم حاج میرزا محمد حسین شهرستانی بانو فاطمه خانم دختر آقا احمد کرمانشاهی بوده و آقا احمد نامبرده شوهر خواهر صاحب فصول است بنابراین مرحوم شهرستانی در اول کتابش از صاحب فصول بسه خال (دائی) تعبیر می کند .

۲ - حاشیه حساج شیخ احمد شیرازی معروف به شانه ساز متوفی بسال ۱۳۳۲ . ق

۳ - حاشیه مرحوم حاج سید احمد زنجانی (ص ۱۶۹ - آشنائی با چند نسخه خطی)

۴ - حاشیه آخوند ملا اسماعیل قره باغی نجفی متوفی بسال ۱۳۲۳ . ق

۵ - حاشیه سید اسماعیل بن نجف مرندی تا آخر صحت سلب متوفی بسال

۱۳۱۸ . ق

۶ - حاشیه میرزا محمد باقر قاضی طباطبائی

۷ - حاشیه حاج محمد حسن کبه فرزند محمد صالح (۱۲۶۹ - ۱۳۳۶)

۸ - حاشیه شیخ محمد رضا ذرفولی بن محمد جواد متوفی بسال ۱۳۵۲ . ق

۹ - حاشیه سید محمد صادق سنگلجی بن مهدی متوفی بسال ۱۳۰۰ . ق

۱۰ - حاشیه سید عبدالکریم لاهیجی متوفی حدود سال ۱۳۲۳ . ق

۱۱ - حاشیه ( حواشی ) آقا علی زنوزی مدرسی ساکن طهران

۱۲ - حاشیه مولی محمد علی بن احمد قراچه داغی

۱۳ - حاشیه شیخ علی بن جواد مرندی نجفی ( ۱۲۸۷ - تولد )

۱۴ - حاشیه علامه فقیه حاج میرزا فتح الله شریعت اصفهانی ( ۱۲۶۶ -

۱۳۳۹ )

۱۵ - حاشیه علامه فقیه آقا شیخ محمد کاظم بن حیدر شیرازی نجفی از

مراجع تقلید معاصر ( ۱۲۹۲ - ۱۳۶۷ )

۱۶ - حاشیه سید محمد کاظم بن محمد رضا طباطبائی تبریزی معروف به

مفید ( ۱۲۹۷ - تولد )

۱۷ - حاشیه بر حاشیه سنگاجی از مولی محمد بن احمد آملی

۱۸ - حاشیه میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی ( ۶ - ۱۲۳۵ - ۱۳۰۲ )

۱۹ - حاشیه سید محمد بن عبدالکریم موسوی تبریزی معروف به مولانا

( ۱۲۹۰ - ۱۳۶۰ )

۲۰ - حاشیه شیخ محمد اصفهانی طهرانی بن محمد علی خواهرزاده شیخ

۲۱ - حاشیه میرزا نصرالله شیرازی مدرسی خراسانی ( فوت - ۱۲۹۱ )

۲۲ - خلاصه الفصول فی الاصول در دو مجلد مطبوع از علامه فقیه حاج

سید صدرالدین ( محمد علی ) صدر عاملی اصفهانی ( ۱۲۹۹ - ۱۳۷۳ )

۲۳ - دقایق الاصول فی شرح الفصول فی علم الاصول تألیف شیخ محمد

نبی بن احمد تویسرکانی مؤلف لثالی الاخبار

۲۴ - الفوائد الرضویه فی شرح الفصول الغریبه از مرحوم حاج شیخ مجد

الدین مجد العلماء نجفی اصفهانی نا تمام

تذکر : غیر از شماره (۳) که از کتاب آشنائی با چند نسخه خطی (ص ۱۶۹)

شماره ( ۱۶ ) مأخوذ از علماء معاصرین ( ص ۴۰۲ )

شماره ( ۲۰ ) مأخوذ از فهرست کتابخانه فیضیه قم (ص ۵۶ دوم تألیف جناب

استادی )

بقیه اسامی کتابها و حواشی عموماً از مجلدات الذریعه گرفته شده است .

چند کتاب دیگر در پیرامون کتاب فصول :

گفتیم که مرحوم آقا شیخ محمد حسین در کتاب فصول بسر مرحوم میرزای

قمی در قوانین ایرادات و اعتراضاتی گرفته و جمعی از علماء این اعتراضات را جواب گفته‌اند و چندین نفر نیز با مقایسه ما بین آندو قول ترجیح یکی از آندو را بنظر خود داده‌اند از آنجمله :

۱ - محاکمات الاصول بین القوانین والفضول تألیف مولی احمد بن حسین تفرشی متوفی بسال ۱۳۰۸ شاگرد شیخ انصاری وفاضل ایروانی و حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده وبرا چندین کتاب ورساله است ( ص ۱۳۱ بیستم الذریعه ) بنام مقایس الاصول چاپ شده است .

در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۸۶) ویرا بنام سید احمد تفرشی نوشته، ویرا تألیفاتی است: ۱ - رساله در استصحاب ۲ - رساله در مباحث ألفاظ ۳ - تعلیقه بر رسائل ۴ - تعلیقه بر مکاسب ۵ - مجلداتی در فقه ۶ - ینابیع الاصول وغیره جمعاً دوازده مجلد کتاب .

۵ و همچنین علامه طهرانی در نقباء البشر ( ص ۹۷ یکم ) ویرا بعنوان سید احمد تفرشی نجفی عنوان نموده و نام تألیفاتش را ذکر کرده که از آنجمله است: محاکمات الاصول بنابراین مشار ایه سید بوده وقاعدتاً نام مولی در جلو نام او اشتباه است .

۲ - المحاکمات بین صاحبی القوانین والفضول تألیف مولی احمد تبریزی ( ص ۱۳۳ بیستم الذریعه ) .

۳ - المحاکمات بین صاحبی القوانین والهدایة والفضول تألیف مولی حسین تربتی ( تربت حیدریه ) ساکن سبزوار متوفی حدود سال ۱۳۰۰ (ص ۱۳۳ بیستم الذریعه ) .

علامه طهرانی شرح حال او واسامی بسرخی از تألیفاتش را در نقباء البشر ( ص ۴۹۸ دوم ) شرح داده است .

۴ - المحاکمات بین صاحبی القوانین والاصول تألیف سید عبدالصمد بن احمد موسوی جزائری تستری نجفی متوفی بسال ۱۳۳۷ (ص ۱۳۳ بیستم الذریعه).  
علامه طهرانی در نقباء البشر ( ص ۱۱۴۲ سوم ) شرح حال او ومؤلفاتش را ذکر نموده ومی نویسد :

درذی الحجه ۱۲۴۳ متولد ودردهم جمادی الثانیه ۱۳۳۷ در شوشتر وفات یافته ودر نجف در جنب قبر حاج سید علی شوشتری در اطاق ( حاج سید اسدالله بیدآبادی ) واقع در دست راست داخل شونده در صحن مطهر از درب قبله مدفون گردید .

از اساتیدش شیخ مرتضی انصاری ومیرزای شیرازی را نام برده است .  
در کتاب : زندگانی وشخصیت شیخ انصاری ( ص ۲۸۳ ) نام عده ای دیگر از اساتید او را ذکر نموده وتالیفات ویرا نام برده است .

در کتاب : میرزای شیرازی ( ص ۱۵۶ ) ترجمه کتاب : هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی به نقل از تکمله امل الامل می نویسد :

در نجف خدمت شیخ انصاری ومیرزای شیرازی تحصیل نموده است .

۵ - المحاکمات بین صاحبی القوانین والافصول از حاج آقا منیر الدین بروجردی اصفهانی ( صفحه ۱۳۳ بیستم الذریعه ) .

شرح حال حاج آقا منیر الدین واسامی تألیفات او در دانشمندان وبزرگان اصفهان (ص ۵۰۵) نوشته شده اجمالاً آنکه وی در ۲۱ رجب ۱۲۶۹ در بروجرد متولد گردیده ودر بروجرد واصفهان وسامراء تحصیل نموده واز بزرگان علماء ومجتهدین زمان به اخذ اجازه اجتهاد وروایت مفتخر گردیده است اساتید ومشایخ او عبارتند از :

در اعیان الشیعه گوید : شیخ حسن بن جعفر کاشف الغطاء صاحب انوار الفقاهه ( ص ۱۲۰ ) چهل وهشتم اعیان الشیعه ) وبیقیناً اشتباه است وایشیخ روایت

و استاد مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی است و در چاپ کتاب اعیان  
الشیعه غلط چاپی است و حرف ( واو ) قبل از عن زائد است .

- ۱ - میرزای مجدد شیرازی استاد ( ص ۱۲۰ چهل و هشتم اعیان الشیعه ) .
- ۲ - حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی استاد و شیخ روایت .
- ۳ - حاج شیخ زین العابدین مازندرانی شیخ روایت ( اعیان الشیعه ) .  
و اما تألیفات آن مرحوم بشرح زیر می باشد که اسامی آنها عموماً از اعیان  
الشیعه نقل گردیده مگر آنها که مستقلاً مأخذ ذکر شود :
- ۱ - الفیه عربی در شرح حال علماء ( ص ۱۹۲۱ ششم مکارم الآثار ) .
- ۲ - تتمیم منظومه بحر العلوم در فقه ( ص ۹۱ بیست و سوم الذریعه - اعیان  
الشیعه ) .
- ۳ - ترجمه حال عده ای از رواة ( اعیان الشیعه ) .
- ۴ - رساله در فرق بین فریضه و نافله مطبوع .
- ۵ - رساله مستقله ای در شرح حال رواة ( اعیان ) احتمالاً همان شماره ۳  
می باشد .
- ۶ - منظومه ای در اصول ( اعیان الشیعه ) .
- ۷ - منظومه ای در اصحاب اجماع ( اعیان الشیعه و ص ۷۶ بیست و سوم  
الذریعه ) .
- ۸ - منظومه ای در رجال ( ص ۱۰۹ بیست و سوم الذریعه ) احتمالاً همان الفیه  
شماره ۱ می باشد .
- ۹ - المحاکمات بین صاحبی القوانین و الاصول ( ص ۱۲۳ بیستم الذریعه ) .
- ۱۰ - جواب مسائل استدلالی بطریق جامع الشتات ( اعیان الشیعه ) .



در مقدمه رساله الفرق بین الفریضة و النافله بدون مراجعه به مراجع و مأخذ نوشته است :

لم نعر علی کتاب له سوی هذه الرساله .

مرحوم حاج آقا منیرالدین از علماء معروف اصفهان بوده و در مسجد ایلچی اقامه جماعت و در منزل تدریس مینموده است . سرانجام در ظهر روز دوشنبه ۱۷ ربیع الثانی سال ۱۳۴۲ وفات یافته در تخت فولاد در تکیه ملک مدفون گردید. جد او ملا علی بن محمد شریف بروجردی بنا بنوشته المآثر و الاثار (ص ۱۲۸ ستون یکم) از فحول علماء و مجتهدین عصر محمد شاه و داماد میرزای قمی رضوان الله علیه بوده (انتهی) . و در سال ۱۲۴۶ در کربلا بمرض طاعون وفات یافته (ص ۲۵۱ - آشنائی با چند نسخه خطی نقل از حواشی مشارع الاحکام) (مرحوم معلم فوت مشارالیه را بسال ۱۲۶۲ می نویسد) مرحوم ملاعلی بروجردی از دختر مرحوم میرزای دارای چند تن فرزند بوده :

- ۱ - میرزا ابوالحسن بروجردی طهرانی (۲۱۸ - المآثر و الاثار) پدر آقا جلال الدین بروجردی از علماء طهران امام جماعت مسجد سر تخت .
  - ۲ - شیخ مهدی (ص ۱۹۲۱ ششم مکارم الاثار) .
  - ۳ - آقا جمال پدر مرحوم حاج آقا منیر الدین صاحب عنوان .
- در المآثر و الاثار (ص ۲۱۸) شرحی راجع به آقا جمال نوشته که مقام ذکر او نیست طالبین مراجعه نمایند .

مرحوم استاد جلال الدین همائی در پاورقی دیوان طرب (ص ۱۶۶) دنباله مطالب راجع به موضوع تحریم استعمال دخانیات می نویسد :

دو نفر از علمای مذهبی درجه دوم و سوم اصفهان بنام میرزا محمد اژیبه ای و حاج آقا منیر احمدآبادی استعمال دخانیات را از نظر شرعی منع کردند و حاج

میرزا هاشم امام جمعه ایشان را از شهر اخراج کرد که به تخت فولاد رفتند ...  
این قضیه قبل از تحریم استعمال دخانیات از طرف مرحوم میرزای شیرازی  
می باشد ( دنباله این مطلب در ضمن شرح حال مرحوم آقا نجفی گفته خواهد شد ).  
در کتساب : یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی ( ص ۲۳ یکم ) پس از  
شرح مختصری از مبارزه علمای اصفهان در موضوع امتیاز دخانیات و فشار دستگاه  
ظل السلطان بر آنان می نویسد :

عده ای از آنان مجبور به ترك شهر خود شدند که یکی از آنان آقا منیر الدین  
بود که جاننش در خطر قرار گرفته بود مجبور شد شبانه از شهر خارج شود و از  
آنجا یکسره نزد مرحوم میرزای شیرازی در سامره بود .

۶ - مشارق الاصول حاشیه مجلد اول از قوانین و بعضی از فصول مطبوع  
تألیف شیخ محمود بن محمد خوئی تبریزی معروف به اصولی مؤلف: ۱ - القائمیات  
۲ - رساله در مقدمه واجب ۳ - المقالات التوحیدیه تاریخ فراغت مشارق ۱۲۹۴  
و تاریخ فراغت مقالات ۱۳۰۶ و آن منظومه فارسی است و بچاپ رسیده است  
( ص ۲۲ بیست و یکم الذریعه ) .

گفتار راجع به کتاب فصول : کتاب فصول در اصول از کتب بسیار معروف  
این فن و از زمان تألیف الی الان یکی از کتابهای است که همیشه مورد توجه  
و عنایت بزرگان اهل علم و مجتهدین بوده و در حوزه های درس مورد بحث  
و تحقیق و نظر بوده و می باشد و تا کنون متجاوز از یازده مرتبه بچاپ رسیده است  
چاپ اول کتاب در سال ۱۲۶۱ می باشد .

نویسندگان کتب تراجم رجال نام این کتاب را به عظمت یاد نموده و مؤلف  
بزرگوار آنرا بخاطر این تألیف شریف بسیار ستوده اند و گاهی از او به « صاحب

فصول « تعبیر نموده‌اند ذیلاً نظریه چند نفر از بزرگان را درباره کتاب فوق نقل می‌کنیم :

۱ - علامه صاحب روضات الجنات ( صفحه ۱۳۱ ) می‌نویسد :

و کتابه هذا من احسن ما كتب في اصول الفقه واجمعها للتحقيق والتدقيق واشملها لكل فكر عميق واحرزها لتدارك اشتباهات السالفين اطمحها نظراً في الخصومة الى كتاب القوانين ...

۲ - مرحوم مدرس تبریزی در ریحانة الادب ( ص ۴۴ دوم ) می‌نویسد :

و این کتاب او که در تحقیقات انیقه و تدقیقات رشیه اجمع و اکمل کتب اصولیه بوده و محصل استفاده اکابر و فحول و فهم مطالب آن و تفتن بر نکات و دقایق آن مایه افتخار افاضل می باشد بهترین معرف مقامات علمی وی می باشد و از آنرو که این کتاب حاوی بعضی از مطالب حکمت و معقول نیز می باشد اذا فهم و تدریس مقاصد آن بی اطلاع از اصطلاحات معقولی مشکل بلکه خارج از امکان عادی است .

۳ - علامه طهرانی در الکرام البرره ( ص ۳۹۱ ) می‌نویسد :

وله آثار هامه شهرها : الفصول الغرویه فی الاصول من اشهر اسفار هذا العالم الجلیل وهو شاهد علی جلاله مؤلفه و کونه من الفحول الجامعین للمعقول والمقول .

۴ - علامه طهرانی در الذریعه ( صفحه ۲۴۱ شانزدهم ) در ذیل کتاب :

الفصول الغرویه ...

گفته شده است که : وقتی که مرحوم آقا شیخ محمد تقی برادر مرحوم آقا شیخ

محمد حسین کتاب فصول را دیده بود گفته بوده است :

نقصی در آن کتاب نیست بجز يك نقطه اشاره به آنکه کتاب فصول است .

۵ - مرحوم تنکابنی در قصص العلماء ( صفحه ۱۱۷ ) در ضمن شرح حال

مرحوم شیخ محمد تقی گوید :

شیخ محمد تقی می گفت که تقریرانی که بر بالای طاقهای اطاق انداخته بودم شیخ محمد حسین فصول آنها را جمع و ترتیب داده و فصول اسم گذاشته .

۶ - مرحوم ملا حبیب الله کاشانی در لباب الاقبا ( صفحه ۵۱ ) عبارت

مرحوم تنکابنی را با اندکی تحریف عبری نقل نموده و گوید :

وربما یحکی عن اخیسه ... قال ان هذا الفصول قد اخذ مما طرحناه من

الکراریس وجمعه وسماء بالفصول .

نویسنده گوید : از اینگونه سخنان بسیاری از معاصرین درباره علماء هم عصر

خود گفته اند و نعوذ بالله گاهی آنان را بکفر والحاد و زندقه و فساد نیز نسبت

داده اند :

کفر چو منی گزاف و آسان نبود محکمت از ایمان من ایمان نبود

در دهر چو من یکی و آنهم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود

بنظر نویسنده ثبت این گونه مطالب به مرحوم شیخ محمد تقی و دیگر

بزرگان علماء تماماً دروغ و بی اساس بوده و جاعلین این اکاذیب برای کوچک

نشان دادن زحمات علماء از یکطرف و کوتاه فکری دیگران از طرفی دیگر آنرا

ساخته و پرداخته و نشر داده اند و تاکنون کسی راوی اولیه این سخنان را که از

گوینده اصلی شنیده باشد ذکر نکرده است و احتمالاً این دروغها از ناحیه

مخالفین علماء یعنی صوفیه سرچشمه میگیرد و الله عالم بحقایق الامور .

اجمالی از زندگانی مرحوم صاحب فصول : مرحوم آقا شیخ محمد حسین

پس از آنکه در اصفهان تحصیلات خود را بپایان رسانیده و بدرجه اجتهاد رسید

بدرس و مباحثه اشتغال جست لکن بمناسبت عدم مساعدت اوضاع از یک طرف

وباریک بینی وزود رنجی خود از طرف دیگر از اصفهان به نجف آباد مهاجرت نمود شاید در آنجا از حیث معیشت وهم از جنبه های معنوی بسر ای او گشایشی حاصل شود لکن در آنجا نیز با مخالفت برخی از علماء محل وعدم توجه عامه مردم روبرو شده ناچار ایران را بقصد کربلا ترك گفت . سال مهاجرت ایشان به عراق بطور دقیق معلوم نیست لکن بطور یقین سالها قبل از فوت برادرش (۱۲۴۸) و ظاهر اکتاب فصول را نیز در کربلا تألیف فرموده و اگر تألیف فصول در کربلا معلی باشد مهاجرت آن مرحوم قبل از سال ۱۲۳۲ خواهد بود ( تاریخ فراغت از تألیف فصول جمعه ۱۹ ذی الحججه ۱۲۳۲ می باشد ) .

مرحوم صاحب فصول از حین ورود بکربلا تا هنگام وفات از يك طرف با فقر و تنگدستی مقرون با عزت نفس و مناعت طبع و قناعت روبرو بوده و از جهت دیگر مشغول مبارزه شدید با سید کاظم رشتی جانشین شیخ احمد احسانی و رئیس شیخیه روبرو بوده و دقیقه ای از مبارزه و مخالفت بسا عقاید فاسده آنان کوتاهی نفرموده است .

حتی معروفست که سید کاظم رشتی آن جناب را بمباهله طلبیده است لکن امر مباهله انجام نگردیده است .

وبا و طاعون سال ۱۲۴۶ نیز یکی از مشکلات زندگانی مرحوم صاحب فصول بوده که هر روز جمعی از طلبه و غیره در کربلا می مردند و در بسیاری از موارد کسیرا جهت تفسیل و تکفین نداشتند و آن مرحوم مجبور بود که خود بنفسه امور مزبور را انجام دهد و یا دستور انجام آنرا به متمکنین صادر فرماید .

در امر بمعروف و نهی از منکر سعی و کوشا و در این راه از هیچ چیز نمپهراسید و لا یخاف لومة لائم در امر تدریس و تربیت طالبان علم و رسیدگی به امور آنان دقیقه ای اهمال جائز نمیدانست و به هیچ عنوان حتی در روزهای سخت

وبائی درس را ترك نمود . رحمة الله عليه .

تکفیر کردن شیخ احمد احسائی و پیروانش : در نیمه اول قرن سیزدهم هجری شیخ احمد احسائی از علماء بحرین که مسلک اخباری داشت در عراق و ایران مطالبی و عقایدی اظهار داشت که مورد قبول برخی و انکار جمعی از بزرگان علماء قرار گرفت . وی در شهرهای مختلف ایران مسافرت نمود و مردم را به سوی عقاید و نظرات خویش می خواند در قزوین مورد انکار مرحوم شهید ثالث و برادرش قرار گرفت و لکن در اصفهان مرحوم حاجی کلباسی از او تجلیل و تکریم بیش از حد مینمود زیرا بنام چند تن از علمائیکه ویرا تکفیر کرده اند اشاره می کنیم :

۱ - ملا آقا فرزند عابد بن رمضان دربندی ( . . . . . - ۱۲۷۵ )

۲ - سید ابراهیم موسوی قزوینی

۳ - شیخ محمد تقی قزوینی شهید ثالث

۴ - ملا محمد جعفر استرآبادی

۵ - شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام

۶ - شیخ محمد حسین صاحب فصول اصفهانی

۷ - ملا عبدالوهاب قزوینی

۸ - ملا محمد مازندرانی معروف به شریف العلماء

۹ - آقا سید مهدی کربلائی فرزند آقا سید علی طباطبائی

تکفیر نمودن مرحوم آقا شیخ محمد حسین شیخ احمد و سید کاظم رشتی و پیروان آنها را در کربلا که یکی از مراکز مهم دوستان و طرفداران آنها بود اثری عظیم نهاده و مباحثات و مناظرات آن مرحوم رشته علائق آنها را گسیخته و کفر والحادشان بر عموم طبقات روشن و آشکار گردید .

وفات مرحوم صاحب فصول : در هیچ يك از مآخذ موجود به روز و ماه

وفات مرحوم آقا شیخ محمد حسین اشاره نشده است و اما در سال وفات نیز اختلاف است و آنرا برخی در ۱۲۵۴ و جمعی در ۱۲۶۱ می نویسند ذیلا بپاره‌ای از این اختلافات اشاره می کنیم :

در نجوم السماء و از آنجا در کتابهای : الذریعه ( ریحانة الادب و اعلاط در انساب بتردید ) و الکرام البرره و مکارم الانار سال فوت را ۱۲۵۴ می نویسند . دانشمند محترم جناب استادی در فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی ( صفحات ۲۳۵ و ۲۳۸ دوم ) سال فوت را ۱۲۵۰ می نویسد و همچنین در فهرست کتابخانه فیضیه ( ص ۱۹۷ یکم ) .

در معارف الرجال ( صفحه ۱۰۴ دوم ) و اعلاط در انساب بتردید سال ۱۲۵۵ را ذکر می کند .

در کتابهای : اعیان الشیعه - اعلاط در انساب ( بتردید ) جنة النعیم - حواشی نخبة المقال - ضمائم تاریخ علمای خراسان و هدیه الاحباب سال ۱۲۶۱ را سال وفات میدانند . و همچنین در فهرست فیضیه ( ص ۳۵۸ یکم تألیف آفای حاج آقای مجتبی عراقی ) .

علامه محقق صاحب روضات الجنات حدود سال ۱۲۶۱ می نویسد و در معارف الرجال ( صفحه ۱۴ دوم ) سال ۱۲۸۵ می نویسد که یقیناً اشتباه است .

علامه سماوی در مجالی اللطف ( ص ۶۹ ) این دو بیت شعر را نیز درباره مشار الیه و سال وفات او می نویسد :

ثم الحسین صاحب الفصول      جنانی الفروع غارس الاصول  
قد قال من روضته معرساً      جنی به ما کان ارخ : « غرسا »

۱۲۶۱

علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۴۲ شانزدهم ) در ذیل کتاب : فصول الغروبیه

پس از آنکه میفرماید : درجته النعیم ( ص ۵۲۶ ) وفات را بسال ۱۲۶۱ ذکر نموده که یقیناً غلط است زیرا :

میرزای شیرازی پس از فوت سید کاظم رشتی در سال ۱۲۵۹ بعراق وارد گردیده و این سال یعنی سال فوت سید کاظم چندین سال پس از فوت صاحب فصول بوده است .

محل دفن مرحوم صاحب فصول : مرحوم صاحب فصول را پس از وفات در یکی از حجرات صحن کوچک حضرت سید الشهداء علیه السلام در سمت راست وارد شونده دفن کردند .

تحقیق درباره سال وفات مرحوم صاحب فصول : بطوریکه نقل گردید سال وفات مرحوم آقا شیخ محمد حسین را در سال ۱۲۵۴ و ۱۲۵۵ و حدود ۱۲۶۰ و یا سال ۱۲۶۱ نوشته اند اکنون گوئیم :

علامه طهرانی در : الکرام البرره ( صفحه ۳۹۱ ) می نویسد :  
مرحوم آقا شیخ محمد حسین را در حجره سمت راست داخل شونده به صحن کوچک حضرت سید الشهداء که قبلا سید مهدی بن سید علی صاحب ریاض المسائل را دفن کرده بودند دفن نمودند .

وهم چنین علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۱۶ دوم ) گوید :  
اصالة البراءة تألیف سید مهدی بن امیر سید علی حائری متوفی بسال ۱۲۶۰ . ق . ۵

اگر فوت مرحوم آقا سید مهدی بسال ۱۲۶۰ باشد که مرحوم معلم حبیب آبادی نیز آنرا در مکارم الانار ( صفحه ۱۶۳۴ پنجم ) اختیار نموده وفوت مرحوم شیخ محمد حسین بعد از وی می باشد بنابراین سال فوت ۱۲۶۱ صحیح خواهد بود که در اعیان الشیعه و جنة النعیم و حواشی نخبة المقال و ضمائم تاریخ علمای



خراسان و مجالی اللطف و هدیه الاحباب ذکر نموده‌اند و آنچه مؤلف روضات الجنات می‌نویسد که حدود سال ۱۲۶۰ نیز با این تاریخ مغایرت کلی ندارد .  
و اما آنچه در نجوم السماء درباره فوت مرحوم آقا سید محمد مهدی می‌نویسد که در سال ۱۲۴۹ بوده است بنا بگفته مرحوم معلم حبیب آبادی بقرائنی چند اشتباه است .

در فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ( ص ۲۱۰ نهم ) در پاورقی مربوط به نسخه‌ای از کتاب : « الفصول الغریبه » می‌نویسد :  
نسخه حاضر بخط میرسید عبدالوهاب بن ابوالقاسم رضوی همدانی شاگرد مؤلف است و در پایان آن نوشته است .

تاریخ وفات مرحمت مآب شیخ محمد حسین مصنف هذا الكتاب - یوم دوشنبه دهم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۵۵ ( انتهی ) . تاریخ فراغت از نوشتن نسخه چهارشنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۲۴۹ در نجف اشرف بوده است .  
اگر این نوشته را سند صحیح بدانیم باید گفت که روز و ماه و سال فوت همین تاریخ است که با تقویم تطبیقی نیز سازگار است زیرا غره جمادی الاولی سال ۱۲۵۵ روز شنبه بوده بنابراین دوشنبه دهم مطابق با واقع است .  
برخی از مدفونین در اطاق صاحب فصول :

این بقعه که مرحوم صاحب فصول را در آن دفن نموده‌اند به بقعه صاحب ریاض معروف می‌باشد و مدفونین در آنجا عبارتند از :

۱ - مولی آقا دربندی ( آقا بن عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی ) متوفی

بسال ۱۲۸۶ ه . ق .

۲ - سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط الاصول ( ۱۲۱۴ - ۱۲۶۲ )

۳ - شیخ محمد حسین صاحب فصول

۴ - مرحوم آقا سید مهدی فرزند آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل  
(فوت ۱۲۶۰)

و جمعی دیگر از بزرگان قدیم و جدیداً رحمة الله عليهم اجمعین .

اولاد و اعقاب مرحوم صاحب فصول :

مرحوم صاحب فصول از زوجه خود که دختر آقا احمد بهبهانی یعنی پسر

خاله اش بوده چند تن پسر و دختر بشرح زیر یافته است :

۱ - شیخ عبدالحسین کربلائی

۲ - شیخ محمد باقر کربلائی

۳ - شیخ علی که بسن ۱۲ یا ۱۳ سالگی در ذی القعدة ۱۲۴۶ بمرض طاعون

در کربلا وفات یافته است .

۴ - سکینه خانم

شرح حال دو نفر اول بطور اجمال در بخش سوم کتاب ذکر خواهد شد .

و اما مخدیره سکینه خاتون ( خانم ) در کربلا همسر عبدالله عطاء گردیده و از

اود و دختر یافته که یکی از آندو زوجه علامه فقیه مجاهد شیخ الشریعه اصفهانی :

حاج میرزا فتح الله بن محمد جواد نمازی شیرازی اصفهانی نجفی از مراجع

بزرگ تقلید گردیده است .

اعقاب مرحوم صاحب فصول در اصفهان و طهران و بروجرد ساکن می باشند.



( ٤ )

آقا سید صدرالدین محمد موسوی عاملی  
اصفہانی

۱۱۹۳ - ۳ - ۱۲۶۴

سرسلسلہ خاندان‌های - خادمی - صدر زاده  
صدر عاملی



## سید صدرالدین محمد موسوی عاملی

نام : سید محمد

لقب : صدرالدین آن مرحوم بیشتر به لقب شهرت یافته بطوریکه نام ایشان تقریباً متروک و مهجور مانده است و در برخی از کتب تراجم مانند تکمله امل الامل ذکر ایشان در حرف ( صاد ) گردیده ( ص ۲۳۵ ) فوائد الرضویه ( ص ۲۱۴ یکم ) و غیره و خود آن مرحوم نیز همه جا خود را « صدرالدین » می نویسد .

پدر : سید صالح بن محمد موسوی .

مادر : مرحوم سید حسن صدر کاظمینی در تکمله امل الامل ( ص ۴۳۱ ) در ضمن شرح حال سید ابو البرکات ویرا بعنوان : « الست - سیده » ذکر می کند و او دختر مرحوم شیخ علی بن یحیی ( محی الدین ) بن شیخ علی مؤلف : الدر المنثور ابن شیخ محمد بن شیخ حسن صاحب معالم فرزند مرحوم شهید ثانی می باشد .

محل تولد : محل تولد مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی قریه ای بنام : شدغیت یا جبشیت ( ص ۶۶۹ دوم الکرام البرره ) از بلاد بشاره نزدیک معمرک در

ساحل صدرا از قرای جبل عامل که امروز خراب گردیده است بوده است .

نسب شریف : مرحوم آقا سید صدرالدین محمد بن سید صالح بن سید محمد کبیر بن شرف الدین ابراهیم بن سید زین العابدین ( ابراهیم ص ۲۲۴ تکمله ) بن سید نورالدین علی بن سید نورالدین ( زین العابدین ) علی بن عز الدین حسین بن ابوالحسن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن تاج الدین ابی الحسن عباس بن محمد بن عبدالله بن احمد بن حمزة الاصغر بن سعد الله بن حمزة الاکبر بن محمد بن محمد بن [ عبدالله الخ ] عبدالله بن محمد بن علی معروف به ابن الدیلمیه ابن ابوساظر عبدالله بن محمد المحدث بن ابو الطیب طاهر بن حسین القطعی بن ابوسبحه موسی بن ابو محمد ابراهیم الاصغر المرتضی بن الامام موسی کاظم علیه السلام .

این خاندان از شریفترین خانواده‌های سادات و بسیاری از آنان و اولاد و اعقابشان از علماء بزرگوار شیعه و صاحب تألیف و تصنیف و از مشایخ اجازة و روایت می‌باشند و همچنین با بسیاری از علماء نسبت سببی دارند ذیلاً بپاره‌ای از آنها بطور اجمال اشاره می‌کنیم :

۱ - سید عزالدین حسین : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار ( ص ۸ یکم ) سید عزالدین حسن می‌نویسد ( ۹۰۶ - ۹۶۳ ) در تکمله امل الامل گوید نزد پدر شهید ثانی و شیخ علی بن عبدالعالی عیسی و سید حسن بن سید جعفر موسوی کرکی و جمعی دیگر تلمذ نموده است .

دختر او را شهید بزوجیت اختیار کرده و از او دختری یافته و آنرا سید علی بن سید حسین بزوجیت گرفته و علامه سید محمد صاحب مدارک از او متولد گردیده است . ( ص ۱۷۴ تکمله ) .

۲ - سید نورالدین علی اول معروف به ابن ابی الحسن شاگرد شهید ثانی  
فرزند سید عزالدین حسین سابق الذکر از شاگردان شهید ثانی و مجاز از او بوده  
ویرا دو زوجه دائمیه بوده :

۱ - دختر شهید ثانی که مادر سید محمد صاحب مدارك می باشد .

۲ - زوجه شهید مادر شیخ حسن صاحب معالم و مادر سید نورالدین علی که  
مشار البهارا پس از شهادت مرحوم شهید اختیار نموده است .

جماعتی از بزرگان علماء از وی روایت می کنند که از آنجمله است ۱ - میر  
محمد باقر داماد ۲ - شیخ حسن صاحب معالم ۳ - امیر فیض الله تفرشی ۴ - محمد  
ابن فخرالدین اردکانی ۵ - سید محمد فرزندش و جماعتی دیگر .

صاحب عنوان تا سال ۹۹۹ که تاریخ اجازه شیخ محمد اردکانی است حیات  
داشته است .

۳ - سید نورالدین علی دوم فرزند سید نورالدین علی اول برادر پدري سید  
محمد صاحب مدارك و برادر مادری شیخ حسن صاحب معالم و مجاز از آندو و از  
سید علی علوی بعلبکی از شیخ بهائی مؤلف کتب و رسائل چندی : ۱ - الانوار  
البهیه در شرح رساله اثنی عشریه صلوتیه شیخ بهائی ۲ - الرسالة الانیقه در تفسیر  
آیه : قل لا استلکم علیه اجرأ ۳۰۰۰ - الفرر الجامع در شرح مختصر نافع  
۴ - غنیمة المسافر ۵ - الفوائد المکیه در رد اخباریه .

صاحب عنوان در سال ۹۷۰ متولد و در ۱۷ ذی الحجه الحرام سال ۱۰۶۸  
در مکه معظمه وفات یافته و در قبرستان جناب ابو طالب مدفون گردید . علامه  
طهرانی وفات را در یکی از سالهای ۱۰۶۱ یا ۱۶۰۸ می نویسد . شرح احوالات  
او در تکمله امل الامل مذکور است ( ص ۳۰۴ تکمله ) .

۴ - سید زین العابدین بن نورالدین علی موسوی .



علامه سید حسن صدر در تکمله ( ص ۲۲۴ ) می نویسد :  
بخط مرحوم سید صدرالدین در حاشیه نسخه ای از امل الامل دیدم نوشته بود:  
از پدرم سید صالح شنیدم که نام سید زین العابدین ابراهیم بوده است .  
این مرحوم به لقب شهرت یافته و نامش فراموش گشته بر عکس جدش که  
بنام شهرت یافته و لقبش از یاد رفته است .

زین العابدین بن نورالدین علی بن زین العابدین اول علی بن ابی الحسن  
موسوی و این زین العابدین اول بنورالدین ملقب و مشهور شده است .

مرحوم سید زین العابدین صاحب عنوان از علماء و فضلاء و ساکن مکه معظمه  
بوده و در سال ۱۰۷۳ وفات یافته در قبرستان معالی در جنب پسر بزرگوار خود  
مدفون گردید . ( ص ۲۲۴ تکمله امل الامل ) .

۵ - سید شرف الدین ابراهیم بن سید زین العابدین موسوی ( ۱۰۳۰ - ۱۰۸ )  
از علماء بزرگوار و نزد پدر دانشمند خود و بعضی از اعمام خویش و علماء  
زمان تحصیل کرده تا بمقامات عالیہ و ریاست و شهرت کامل رسیده و از این بزرگوار  
از اعقابش در این زمان که در عراق و شام سکونت دارند خود را بدو منتسب  
کرده و به : آل شرف الدین معروف گردیده اند که از آن جمله است علامه فقیه  
زاهد عابد مجاهد مرحوم سید عبد الحسین شرف الدین مؤلف کتب عدیده از  
آن جمله : ۱ - اجتهاد در مقابل نفس ۲ - المراجعات، و حدود چهل کتاب و رساله  
دیگر ( ۱۲۹۰ - ۱۳۷۷ )

وی در سال ۱۰۷۸ از جبع که موطن خاندان او بود به شحور مهاجرت  
نموده و در آنجا ساکن گردید .

مادر آن جناب دختر مرحوم شیخ سلیمان بن حسین بن محمد بن احمد بن  
سلیمان عاملی نباطی بوده است ( ص ۷۲ تکمله ) .

۶ - سید محمد کبیر فرزند سید شرف‌الدین ابراهیم موسوی عاملی از علماء بزرگوار و از شاگردان : ۱ - شیخ احمد بن حسین بن احمد بن سلیمان عاملی نباطی ۲ - شیخ حسام‌الدین بن جمال‌الدین طریحی در عراق بوده و سپس به اصفهان مهاجرت کرده و نزد شاه عباس دوم صفوی ( ۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ) مورد احترام و اعزاز واقع گردیده است .

در تکمله امل الامل ( ص ۳۳۵ ) ورود او را به اصفهان در ششم محرم ۱۰۸۴ می‌نویسد و گویا زمان شاه عباس دوم در صورتیکه در این وقت شاه سلیمان ( ۱۰۷۷ - ۱۱۰۶ ) در ایران سلطنت مینموده است .

در هر حال مرحوم آقا سید محمد در اصفهان خدمت مولی محمد باقر سبزواری صاحب ذخیره ( ۱۰۱۷ - ۱۰۹۰ ) تلمذ نموده و دختر استاد را بزوجیت اختیار کرده و دو پسر از مشار‌الیها یافته که هر دو و مادرشان در سال ۱۰۸۹ در اثر بیماری وبا درگذشتند و خود مولی محمد باقر نیز در سال ۱۰۹۰ وفات یافت . در وقایع السنین والاعوام ( ص ۵۳۴ ) ضمن وقایع سال مزبور فوت مرحوم سبزواری را در هشتم ربیع الاول نوشته و گوید سالیکه بیماری بسیار بود و جمعی کثیر از هر طایفه فوت شدند .

و هم در آن کتاب ( ص ۵۰۱ ) ضمن وقایع سال ۱۰۱۷ و همچنین در ( ص ۵۳۵ ) پس از ذکر سفر مازندران و مشهد تولد را در ۱۰۱۷ نوشته و در همین صفحه در شرح کتاب « شرح ارشاد » گوید :

در ۱۰۲۵ هجری از تصنیف کتاب حج فارغ شد ( انتهی ) .  
نویسنده گوید : بر فرض صحت تواریخ مذکوره باید تصنیف کتاب حج در سن هشت سالگی مرحوم سبزواری باشد .  
برگشت بمطلب : مرحوم آقا سید محمد پس از فوت مرحوم سبزواری

بدرس مرحوم شیخ علی بن محمد بن حسن بن شهید ثانی حاضر شده و از او بکسب اجازه مفتخر گردیده و در سال ۱۰۹۹ به مشهد مقدس رضوی علیه السلام مهاجرت نموده و در آنجا بدرس مرحوم شیخ حر عاملی حاضر گردیده و از او اجازه یافته و دختر استاد را بزوجیت انتخاب نموده است که مادر اولاد آنجناب می باشد .  
در سال ۱۱۰۱ پس از تشریف به حج به شحور محل تولد خود برگشته به تعلیم و تدریس طلاب و اقامه جماعت و تربیت مستعین و مستعدین و اقامه شعائر و امر ب معروف و نهی از منکر پرداخته از جمله شاگردانش : ۱ شیخ سلیمان بن معروق ۲ - سید صالح فرزند او می باشد .

کتاب زیر از تألیفات اوست : ۱ - تعلیقه بر اصول کافی ۲ - تعلیقه بر تعلیقه شهید ۳ - قصیده نونیه در نظم حدیث شریف کساء مطابق روایت شیخ طریحی در منتخب ۴ - مجموعه ای کشکول مانند مشتمل بر احادیث و اخبار و نوادر و اشعار و غیره .

صاحب عنوان در سلخ رجب ۱۰۴۹ در جبع متولد گردیده و در ۱۱۳۹ وفات یافته است .

مرحوم آقا سید محمد از دختر جناب شیخ حر عاملی دو فرزند پسر یافته :  
۱ - سید صالح ۲ - سید محمد شرف الدین ( ص ۳۳۵ تکمله امل الامل ) .

۷ - سید صالح بن سید محمد کبیر موسوی عاملی معروف به سید صالح کبیر مکی .

عالم فاضل محقق مدقق عابد زاهد از اکابر علماء شام در زمان خود بوده و ریاست علماء شیعه و شیعیان بدو منتهی میگرددیده است .

در نزد پسر دانشمند خود جمعی دیگر از بزرگان علماء تحصیل نموده و برخی از علماء مصر و حجاز و عراق بهره علمی یافته تا خود عالمی جامع و فقیهی

کامل گردیده در معقول و منقول و برخی از علوم غریبه و اسرار صاحب اطلاع کانی گردید .

از برای او کراماتی نقل کنند که جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می کنیم .

در سال ۱۱۹۷ گرفتار ظلم و بیداد ستمگری قهار بنام احمد جزار گردیده و پس از مدتی گرفتاری در اثر قراءت دعای معروف به « طائر رومی » منقول در مهج الدعوات او و شش نفر دیگر از علماء شیعه که گرفتار و محبوس بودند نجات یافته بعراق مهاجرت نمود .

چون احمد جزاه از خروج آنان از زندان و فرارشان بعراق آگاهی یافت به خانه او حمله کرده و کلیه کتابهای او را که بالغ بر چندین هزار مجلد میشد و تالیفات او و پدرانیش نیز در بین آنها بود همه را ضبط کرده و به عکا فرستاد . و بطوریکه نقل شده کتابهاییکه مربوط به شیعه بوده یا سوزانیده و یا دردریا ریخته و بقیه کتابها را ضبط کرده است .

مرحوم آقا سید صالح در نجف ماند و عیال و اولاد خود را نیز طلب کرده همگان بسوی او آمدند . مشار الیه به عبادت و طاعت و نماز و زیارت روزگار می گذاشت تا وقتی که وفات یافته در یکی از اطاقهای سمت شرقی صحن مطهر علوی مدفون گردید .

در تکمله ( ص ۲۲۳ ) درباره او می نویسد :

مرحوم آقا سید صالح نوافل یومیه را همچون واجب عمل میکرد یعنی هیچگاه آنرا ترك نمی نمود و اگر موقعی بعلمتی یکی از آنها از وی ترك میشد در اولین فرصت ممکنه قضاء مینمود .

تمام جمعهها را در ایام سال روزه بود ماه رجب و شعبان را روزه میگرفت

نسبت بفقرهائ مهربان وعطوف وكثير البر بود خود بشخصه بفقير وسائل چيز ميداد  
واگر پولی موجود نداشت انگشتری خود را باو عطا ميکرد و گاهی اوقات قبا  
ولباس وظروف خانه را باو ميداد .

در سال ۱۱۲۲ در قریه شحور از قرای بشاره از ناحیه جبل عامل از دختر  
علامه شیخ حر عاملی متولد گردید و در ۱۲۱۷ در نجف اشرف وفات یافت رحمة  
الله علیه .

مرحوم آقا سید صالح ظاهر آ دارای پنج فرزند پسر و يك دختر بشرح زیر بوده  
است :

۱ - سید ابوالحسن ۲ - سید محمد علی ۳ - سید صدرالدین محمد ۴ - سید  
مهدی ۵ - سید ابو البركات هبة الله .

۶ - رحمة زوجه شیخ حسین محفوظ عاملی کاظمینی

مرحوم شیخ حسین بن علی آل محفوظ وشاحی عاملی کاظمینی از علماء  
بزرگوار واز شاگردان مرحوم سید محسن اعرجی وسید عبدالله شیر کاظمینی بوده  
عالم زاهد متقی واز ائمه جماعت کاظمین علیهما السلام بوده است . در تکمله  
امل الامل ( ص ۱۸۹ ) فوت او را بسال ۱۲۶۰ واندی می نویسد لکن مرحوم  
شیخ محمد سماوی در : صدی الفؤاد الی حمی الکاظم والجواد علیهما السلام  
( ص ۶۴ ) گوید :

و كالحسين بن علی ذی الحسب	من آل محفوظ الوشاحی النسب
العالم العابد فی الافاضل	والزاهر المعروف فی العوامل
قضی وقد جاز الولاء وحرز	ما رخوا « حسین محفوظ كنز »

۱۲۳۹

واما زوجه مشار إليها نامش رحمة بوده در تکمله (ص ۱۸۹ و ۴۲۴) ذکرى

از او نموده و در این دومی در ضمن شرح حال سید هادی بن محمد علی ( پدر مؤلف تکمله ) گوید :

در سال ۱۲۶۳ عمویش مرحوم آقا سید صدرالدین به نجف وارد شد و او را فرمود که به اصفهان رفته عیال خود را که دختر سید قاسم بن محمد بن عبد السلام بن زین العابدین بن سید عباس مؤلف کتاب نزهة الجلیس ( مطبوع ) ابن علی بن حیدر بن نورالدین علی موسوی عاملی مکی (متوفی حدود سال ۱۲۶۵) بود با خود بیاورد . چون به کاظمین وارد گردید مشاهده کرد که عمه او (رحمه) از بام افتاده دست و پایش شکسته است مدتی برای پرستاری او در آنجا ماند در این بین خبر مرگ عیالش در اصفهان باو رسید و پس از هفته‌ای خبر فوت عموی او یعنی مرحوم آقا سید صدر الدین نیز باو رسید از مسافرت باصفهان منصرف گردید ( ص ۴۲۴ و ۱۸۹ و ۳۲۲ تکمله و صفحه ۱۱۵ بیست و چهارم الذریعه ) .  
برادران و برادر زادگان مرحوم آقا سید صدر الدین :

۱ - سید ابوالحسن بن سید صالح عاملی نجفی حائری .

شرح حال او را علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه ( ص ۲۰۱ ششم ) و مرحوم سید حسن صدر در تکمله ( ص ۴۳۹ ) و علامه طهرانی در الکرام البرره ( ص ۳۴ یکم ) و مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار ( ص ۲۰۹۳ ششم ) همگان از تکمله با اندکی تغییر در عبارت نقل نموده خلاصه آنکه نزد شیخ موسی و شیخ علی پسران شیخ الطائفه شیخ جعفر نجفی درس خوانده و دختر شیخ اسد الله کاظمینی را بزوجهت داشته و عالمی جلیل و ادیب و شاعر و نیکو صورت و خوش خط بوده ثروتی زیاد داشته منزل او در نجف میهمانسرای غریبان و محل امید فقراء و درماندگان بوده املاک او را دولت عثمانی بخصب ضبط کرده وی مجبوراً از نجف به کربلا مهاجرت کرده سرانجام بسال ۱۲۷۵ در طهران وفات یافته جنازه

به گربلا منتقل در یکی از حجرات جنب باب زینبیه مدفون گردید .

ده فرزند داشته :

۱ - سید محمد علی مؤلف کتاب : الیتیمه در تراجم رجال (۱۲۴۷-۱۲۹۰) شرح حال او در مکارم الانار (ص ۱۳۰۶ چهارم) و دیگر کتب مسطور است وی در کربلا بلا عقب وفات یافته است .

۲ - سید جعفر (۱۲۴۶ - ۱۲۹۷) مؤلف چندین کتاب و رساله شرح حالش در مکارم الانار (ص ۱۲۷۶ ششم) و دیگر کتب مسطور است .

۲ - مرحوم سید محمد علی بن سید صالح موسوی عاملی اصفهانی کاظمینی (۱۱۹۵ - ۱۲۴۱)

مرحوم سید حسن کاظمینی در شرح حال آن مرحوم (جد آقا سید حسن بوده است) در تکمله (ص ۳۸۲) گوید :

در سال ۱۱۹۵ در شدغیث از فرای بشاره متولد گردید و از شش سالگی شروع به تحصیل نموده و پس از مهاجرت به نجف در سال ۱۲۰۱ در نجف خدمت پدر بزرگوار خود و سپس در خدمت میر سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل و حاج سید مهدی طباطبائی بحر العلوم و از سال ۱۲۱۲ بدرس سید محسن اعرجی حاضر گردیده است . سالها در بغداد ساکن و مرجع امور دینی شیعه بغداد و اطراف بوده و کرامات و خوارق عاداتی از او ظهور نموده است . در سال ۱۲۳۵ یا ۳۴ بنا بدعوت برادرش مرحوم آقا سید صدر الدین باصفهان مهاجرت نموده و در سال ۱۲۴۱ در این شهر وفات یافته جنازه به نجف منتقل گردیده در حجره متصل به باب طوسی مدفون گردید .

ویرا سه فرزند پسر بوده است :

۱ - سید عیسی (۱۲۳۴ - ۱۲۸۰) ساکن طهران متوفی در همدان مدفون

در نجف اشرف پدر سید جمال واعظ مشهور (مقتول در ۱۳۲۶) .  
۲ - سید موسی ساکن طهران بوده و در آنجا وفات یافته است .  
۳ - سید هادی (۱۲۳۵ - ۱۳۱۶) شرح حال نسبتاً جامع او را فرزندش در  
تکمله امل الامل (ص ۴۲۲) مرقوم فرموده و ذکر آن در این جا موجب اطاله کلام  
و ملال خاطر خوانندگان است بدان کتاب واعیان الشیعه (ص ۴۶ پنجاهم) و مکارم  
الانار (ص ۱۰۱۵ سوم) مراجعه فرمائید .  
فرزندان او عبارتند از :

۱- علامه فقیه رجالی مرحوم سید حسن صدرالدین کاظمینی (۱۲۷۲-۱۳۵۴)  
مؤلف بزرگوار کتاب تکمله امل الامل ودهها کتاب ورساله دیگر مطبوع و غیر  
مطبوع .

۲ - سید محمد حسین پدر سید محمد صادق صدر رئیس دیوان تمیز شرعی  
بغداد .

۳ - دختری که زوجه علامه فقیه مرحوم حاج سید اسماعیل صدرگردید .  
۴ - دختری که زوجه عالم جلیل سید یوسف شرف الدین عاملی ( ۱۲۶۱  
- ۱۳۳۴) پدر و مادر علامه فقیه مجاهد مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین عاملی  
علیه الرحمه .

۳ - سید مهدی بن سید صالح موسوی عاملی .  
مرحوم علامه سید حسن صدرالدین کاظمینی در تکمله امل الامل (ص ۴۴۱)  
در ضمن بیان احوالات مرحوم سید ابوالحسن بن صالح می نویسد :  
میرزا سید جعفر بن سید ابوالحسن دختر عمویش سید مهدی بن صالح را  
بزوجیت اختیار کرده و این سید مهدی نیز در ایران سکونت داشته و اولاد او  
عبارتند از : ۱ - سید محمد ۲ - سید عبدالکریم .

۴ - سید ابوالبرکات هبة الله بن سید صالح موسوی عاملی شهید علیه الرحمه .



در تکمله امل الامل ( ص ۴۳۰ ) ضمن وقایع مربوط به جنایات احمد جزار  
حاکم ظالم و ستمکار می نویسد :

عده‌ای از علماء بزرگوار را گرفته و زندان نمود که در جزو آنان مرحوم  
آقا سید صالح عاملی و فرزندش مرحوم سید ابو البرکات بود .

دژخیمان زندان بدستور احمد جزار این سید بزرگوار را که خود عالمی  
فاضل و مجتهدی مسلم بود در حضور پدرش بقتل رسانیدند . عمر آنجناب در  
موقع شهادت ( سال ۱۱۹۷ ) به سی سال فرسیده بود .

در شهداء الفضیله ( ص ۲۶۱ ) نیز شرحی راجع به این سید جلیل نوشته  
طالبین مراجعه کنند .

واقعه جزار : قبلاً نوشتیم که مرحوم آقا سید صالح در سال ۱۱۹۷ گرفتار  
ظلم و بیداد ستمگری بنام : احمد پاشا معروف به جزار واقع شده و پس از  
نجات از زندان او بعراق مهاجرت کرد اینک جهت آگاهی خوانندگان استان  
فتنه جزار را بطور خلاصه نقل می کنیم :

حکام و فرمانروایان حکومت عثمانی عموماً سنی مذهب و متعصب و دشمن  
شیعه بودند . ساکنین جبل عامل نیز از روزگاران قدیم از شیعیان پاکدل و دوست  
داران خالص و جانباز خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده  
و نمیتوانستند با دشمنان اهل بیت دوست و مهربان باشند .

در سال ۱۱۴۰ در بسنه از پدر و مادری عیسوی فرزندی بدنیا آمد که پس از قبول  
اسلام و مسلمان شدن به احمد نامیده شد . نخست به ممالیک مصر پیوست و پس از  
چندی متصرفی بحیره را بوی دادند مدتها حکومت بیروت را داشته سپس وزیر صیدا  
شد و در اثر جنگی که با قشون ناپلئون بناپارت که در این ایام بر مملکت شام مستولی  
شده بود رشادتها کرده و مانع پیشرفت آنها شده بود از طرف دولت عثمانی حکومت

شام را باو دادند ( قشون ناپلئون نیز در اثر بروز بیماری در بین آنها مجبور به عقب نشینی نموده و متفرق شدند ) احمد پاشا پس از يك عمر جنایت و ظلم و بیداد در سال ۱۲۱۹ در دمشق مرد .

و اما داستان جزار و مردم جبل عامل : احمد پاشا حاکم و فرماندار عکا با عشیره علی صغیر وائلی همدست شده و تصمیم گرفتند که ناحیه جبل عامل را تصرف کنند . حکام دولتی و رؤسا و عشایر در این موقع هم ضعیف بودند و هم با یکدیگر اختلاف داخلی داشتند .

احمد پاشا قشونی مرکب از عده‌ای از چرکسی‌ها و مراکشی‌ها و فلسطینی‌ها گرد کرده و از راه شهر صور به ناحیه جبل عامل حمله کرد .

مردم این ناحیه تحت ریاست امیران محلی ( آل شکر - آل زین ) به مقاومت برخاستند شیخ علی زبن یکی از رؤساء عشایر این ناحیه که از طرفی حدود متصرفات و حکومتش بیشتر از دیگران بود و از سوی دیگر از طرف دولت عثمانی نیز رسماً حکومت این نواحی را داشت چون در خود قدرت مقاومت ندید با ناپلئون که در این وقت عکا را محاصره کرده بود علیه احمد پاشا متحد شد اما قشون فرانسه در اثر ابتلاء به بیماری مجبور بترك محاصره شدند و شیخ علی ( شیخ یعنی رئیس قبیله ) تنها ماند و تاب مقاومت نیاورده و در نبردی که نزدیک شهرک « عباسیه » با احمد جزار نموده شکست خورده با جمعی از افراد خانواده خود فرار نموده به شام گریخت .

عاقبت کار شیخ علی رئیس عشیره آل زبن : شیخ علی پس از فرار از میدان نبرد به شام رفت و خانواده خود را در آنجا گذارده به عراق رهسپار شد . در عراق به قبیله خزعل و امیر حمود رئیس آن قبیله پیوست و پس از مدت زمان کوتاهی بهند رفته و بعد از زمانی به جبل عامل مراجعت نمود ( ظاهراً برگشت او پس از مرگ

احمد پاشا می باشد) و بالاخره در سال ۱۲۳۲ در جبل عامل درگذشت .

اما وضع جبل عامل پس از فرار شیخ علی زین : احمد پاشا به جبل عامل حمله کرد و در مسیر خود به هر شهر و دهکده ای رسید مردم آنجا را قتل عام نموده و شهر و شهرک را آتش زد و آنچه کتاب و کتابخانه در آنجاها بود طعمه آتش گردانید و با بغارت با خود به عکا برد .

یکی از جنایت های اوسوزانیدن و نابود کردن آثار علمی علماء و بزرگان شیعه این ناحیه بود که در طول تاریخ تألیف و تصنیف شده و یا از جاهای دیگر گرد آمده بود . می نویسند کتابهای علمی شیعه را بدکانهای نانوائی داده و تا يك هفته سوخت تنور آن دکانها از کتابهای بزرگان شیعه بود .

جنایت دیگر : چون شهر صور را بگشود و حاکم آنجا شیخ حسن معروف به ابوطالب از آل زین عموی شیخ علی را کشته و دستور داد که قشونش تا مدت سه روز آنچه میخوانند از قتل نفوس و فتك اعراض و دیگر جنایات انجام دهند و با این دستور دیگر حال مردم این ناحیه معلوم است .

و اما پس از شهر صور نوبت به شهرک شحور رسید .

پس از آنکه جزار شهرک شحور را متصرف شد بزرگان شهر مخفیانه انجمنی تشکیل داده و تصمیم گرفتند که جزار به خانه هر کدام رفت او را مسموم نموده و خلاق را از شر او نجات دهند . یکی از خدام و نوکران بعضی از رؤساء عشایر که در این مجمع حاضر بود کیفیت تشکیل انجمن و نتیجه آراء همگان را به احمد جزار خبر داد . او که ذاتاً مردی شقی و سفاک و دشمن شیعه و علماء آنها بسود در مخالفت و عناد خود بیفزود برخی را گرفته و بزندان افکند و جمعی را بقتل رسانید و مرحوم سید صالح را شبانه بطور ناگهانی گرفته و فرزند ارشد او سید ابو البرکات را گرفته بزندان افکند و سپس در برابر چشمان پدر آن سید بزرگوار را به

اجداد طبیین و طاهرین خود ملحق گردانید (ص ۴۳۱ تکمله) .

برخی از مقتولین بدست احمد جزار :

۱ - سید ابوالبرکات هبة الله در سال ۱۱۹۷

۲ - شیخ صالح بن محمد عسلی عاملی (شهادت ۱۲۰۸) (ص ۲۷۵ شهداء

الفضیله )

۳ - سید محمد بن حسن آل شکر عاملی (شهادت ۱۲۰۷) (ص ۲۶۶

شهداء الفضیله )

۴ - شیخ زین بن خلیل زین (شهادت ۱۲۱۱) (ص ۲۶۸ شهداء الفضیله)

۵ - سلمان بری (شهادت ۱۲۰۸) (ص ۴۵۳ تکمله امل الامل )

۶ - حمزه ازعشیره علی صغیر (سال ۱۱۹۷) (ص ۴۵۳ تکمله امل الامل)

برای آگاهی از فتنه جزار باید بکتاب تاریخ مراجعه نمود و آنچه ما در این

باره نوشتیم منقول از کتابهای :

۱ - تکمله امل الامل صفحات ۴۳۱ و ۴۵۱

۲ - شهداء الفضیله ص ۲۶۲

۳ - شهیدان راه فضیلت صفحه ۴۰۳

۴ - گنج دانش بنقل از مکارم الآثار ص ۱۹۶

۵ - لغت نامه مرحوم دهخدا صفحه ۱۴۱۷ سوم

۶ - مکارم الآثار صفحه ۶۵۳ سوم می باشد .

فائده لغوی : جزار بر وزن عطار و بزاز و جزیر ( از ماده الجزر بمعنی نحر

و کشتن شتر ) گاوکش و سلاخ و قصاب را گویند .

واحمد پاشا را بعلت قتل زیاد و ظلم و بیداد بی اندازه لقب قصاب دادند .

فائده رجالی : محقق جلیل حاج سید علی اکبر برقمی قمی در کتاب راهنمای

دانشوران (ص ۱۴۸ یکم) می‌نویسد :

جزار لقب بعضی از محدثین است .

ابن جزار کنیت احمد بن ابراهیم بن ابی خالد قیروانی طبیب است .

در کتاب مطارح الانظار (ص ۵۱) نام ۲۴ کتاب و رساله از او را ذکر نموده

و در هدیه العارفین (ص ۷۰) قریب ۲۷ کتاب و رساله را از او نام میبرد .

در راهنمای دانشوران فوت او را در حدود سال ۳۵۰ می‌نویسد و در کشف

الظنون و غیره فوت او در سال ۴۰۰ هجری مقتولا می‌نویسند .

اساتید و مشایخ اجازه مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی : مرحوم آقا سید

صدرالدین همانگونه که ذکر شد در ذهن و استعداد از نوایغ روزگار بشمار

است . از سنین کودکی تحصیل نموده و قبل از بلوغ بمرتبۀ اجتهاد رسیده و در

۱۲ یا ۱۳ سالگی صاحب نظر بوده است .

مشایخ اجازه او را قریب و یا زیاده بر چهل نفر (صفحه ۲۴۳ تکمله امل

الامل یکم) می‌نویسند که چند تن از آنها جزو اساتید نیز بشمارند لکن مرحوم

علامه سید حسن صدر از این چهل نفر فقط نام هفت نفر را ذکر می‌کند .

اکنون بنام برخی از اساتید و مشایخ اجازه ایشان بطور اجمال اشاره می‌شود :

۱ - مولی محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی بهبهانی حائری : وحید

بهبهانی .

در تکمله امل الامل (ص ۲۳۶) ضمن شرح حال آن مرحوم می‌نویسد :

(از قول مرحوم آقای صدر) در سال ۱۲۰۵ وارد کربلا شدم و در آن هنگام دوازده

ساله بودم دیدم که :

استاد اکبر محمد باقر بن محمد اکمل در باب حجیت ظن مطلق اصراری

دارد .

از این سخن دو نکته معلوم میشود :

الف - حضور مرحوم آقا سید صدرالدین در جلسه درس مرحوم آقا باقر در مباحث حجیت ظن مطلق .

ب - قابلیت و اهلیت آن مرحوم در این سن جهت درك چنین مشکلات مباحث اصولی .

۲ - شیخ الطائفه فی زمانه مرحوم آقا شیخ جعفر نجفی مؤلف کتاب کشف النطاء .

۳ - علامه حاج سید جواد بن محمد حسینی عاملی شقراوی ( حدود ۱۱۵۰ - ۱۲۲۶ ) از بزرگان علماء و فقهاء و مدرسین نجف و مؤلف کتاب : مفتاح الکرامه و غیره .

۴ - مرحوم شیخ سلیمان بن معتوق عاملی استاد و شیخ روایت ( فوت ۱۲۲۷ ) .  
۵ - سید صالح بن محمد عاملی موسوی پدرش استاد و شیخ روایت .  
۶ - سید صبغة الله از علمای سنی بغداد ( و سید صبغة الله افندی حیدری صفوی ) .

علامه سید حسن صدر کاظمینی در تکمله امل الامل ( ص ۲۳۷ یکم ) می نویسد :

سید احمد بن سید حیدر حسینی کاظمینی دانشمند مورد اعتماد برای من گفت که :

آقا سید صدر الدین در زمان اقامت پدرش در بغداد به مجلس درس سید صبغة الله پیشوای سنیان در آن زمان میرفت و در مسائل کلامی با او مناظره مینمود و از آن حکایات و مناظرات برایم نقل میکرد که دایل کمال فضل آن مرحوم در سن جوانی بود .

و همچنین می‌گفت این مناظرات یکی از موجبات مهاجرت آنجناب به ایران بود زیرا می‌توانست که او را ناگهانی مورد حمله قرار دهند و چندین دفعه قصد حمله و اذیت او را کرده بودند و خداوند تبارک و تعالی ویرا حفظ فرمود . در المسک الاذفر ( ص ۸۷ ) شیخ حسین عسکری ( ۱۱۵۰ - ۱۲۱۳ ) سنی را نیز شاگرد او می‌نویسد .

۷ - علامه فقیه میر سید علی طباطبائی حائری مؤلف ریاض المسائل استاد و شیخ روایت .

مرحوم سید حسن صدر در تکمله امل الامل ( ص ۲۳۶ ) از قول پدرش نقل می‌کند که :

مرحوم آقا سید صدرالدین در سال ۱۲۱۰ هجری از مرحوم صاحب ریاض طلب اجازه کرد و آن مرحوم به وی اجازه داد و در آن تصریح کرد که مشار الیه چهار سال است که مجتهد در احکام می‌باشد .

بنابراین مجتهد بودن مرحوم آقا سید صدرالدین در سال ۱۲۰۶ یعنی سن سیزده سالگی آنجناب بوده است . و این مطلب نظیر آنست که درباره علامه حلی و فاضل هندی نقل شده است ( انتهای ) .

و همچنین درباره فرزند آن مرحوم آقا سید محمد علی معروف به آقا مجتهد که در سن ۱۲ سالگی مجتهد بوده است ، و ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء .

۸ - علامه فقیه مرحوم آقا سید محسن اعرجی کاظمینی استاد و شیخ روایت .  
مرحوم آقا سید صدرالدین در اجازه که جهت مرحوم آقا سید محمد حسن موسوی ( جسد نویسنده ) در سال ۱۲۴۷ مرقوم فرموده درباره او می‌نویسد :  
مشافهة .

۹ - علامه فقیه شیخ موسی بن جعفر کاشف الغطاء ( حدود ۱۱۸۰ - ۱۲۴۳ ) .

مرحوم آقا سید صدرالدین در اجازه مرحوم جد امجد آقا سید محمدحسن  
موسوی معروف به مجتهد درباره مشار الیه می نویسد :

شیخنا الاوحد خاتمة الفقهاء وزينة العلماء وسند المحققين وفقه العصر الشيخ  
موسى خلف شيخنا جعفر المقدم ذكره نور الله ضريحها فقد اجازنى مشافهة  
ومكانة .

۱۰- عالم جلیل آقا میرزا محمد مهدی بن سید ابوالقاسم موسوی شهرستانی  
اصفہانی حائری ( حدود ۱۱۳۰ - ۱۲۱۶ ) .

در معارف الرجال ( ص ۸۵ سوم ) می نویسد :

بیشتر شاگردان او از وی نیز مجاز در روایت نیز می باشند بعداً جمعی را  
ذکر می کند که از آنجمله است مرحوم آقا سید صدرالدین محمد عاملی علیه  
الرحمه .

۱۱ - فقیه اهل البیت علامه آقا سید محمد مهدی بن سید مرتضی طباطبائی  
معروف به بحر العلوم ( ۱۱۵۵ - ۱۲۱۳ ) استاد و شیخ روایت آن مرحوم بوده  
است .

افراد نامبرده برخی فقط استاد و هفت نفر شیخ روایت ( شیخ الطائفة شیخ  
جعفر نجفی - شیخ سلیمان عاملی - سید صالح عاملی - میر سید علی - سید  
محسن اعرجی - میرزا مهدی شهرستانی - علامه سید مهدی بحر العلوم ) و استاد  
آن مرحوم می باشند و از نام و نشان دیگر اساتید و مشایخ روایت آن مرحوم اکنون  
آگهی نداریم .

آقا سید صدرالدین عاملی قبل از بلوغ مجتهد بوده است .

خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید : قل ان الفضل بيد الله يؤتیه من يشاء



والله واسع عليم \* يختص برحمته من يشاء والله ذو الفضل العظيم (سورة آل عمران آیه ۷۴ و ۷۵) .

بگو ای پیغمبر گرامی فضل بدست قدرت حق تعالی است بهر کس خواهد می‌دهد و رحمت خداوند وسعت داشته و دانا است ( که هر کس شایسته چقدر رحمت می‌باشد ) مخصوص میگرداند برحمت خود (به نبوت و پیامبری) آنکس را که میخواهد و خداوند صاحب فضل عظیم است .

فضل ( مصدر ) و فضیلت ( اسم مصدر ) بمعنی برتری - زیادتی - فزونی - امتیاز و باقیمانده از هر چیزی را گفته‌اند و کلمه فضل در آیه فوق در کتب تفاسیر در معانی : دین - سیادت و آفائی - علم و دانائی تفسیر شده است .

فضل و فضیلت از دو راه حاصل میشود :

۱ - ذاتی مانند فضل انسان بر حیوان .

۲ - اکتسابی مانند فضل عالم بر جاهل .

در حدیث آمده است که : لیس العلم بکثرة التعلیم والتعلم بسل العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء .

در شرح حال جمعی از بزرگان اهل علم می‌خوانیم که آنها قبل از رسیدن بسنین بیست سالگی و بیشتر به مقام اجتهاد نائل گردیده‌اند و عده‌ای از مجتهدین بزرگوار را می‌نویسند که آنان قبل از سن بلوغ به مرتبه اجتهاد رسیده‌اند: ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء .

اینك بعنوان تیمن و تبرک بنام چند تن از این بزرگواران اشاره می‌کنیم :

۱ - جناب علامه علی الاطلاق مرحوم شیخ ابو منصور جمال الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی افتخار علماء شیعه در کلیه زمانها مقامات علمی و عملی و خدمات آن عالم جلیل به اسلام و بالخصوص نسبت به شیعه ظاهرتر از

آنست که احتیاج به شرح و بیان داشته باشد .

علامه حلی در ۲۹ رمضان المبارک سال ۶۴۸ متولد و در ۲۱ محرم سال ۷۲۶ وفات یافت و پرا تالیفات و تصنیفات زیاد است و در هر علمی کتابها تألیف فرموده است .

در فوائد الرضویه ( ص ۱۲۶ یکم ) می نویسد :

از سید عبدالله شوشتری نقل شده است که جناب علامه رسید بدرجۀ اجتهاد در حالیکه کودک بود و قلم تکلیف بر او جاری نشده بود و مردم منتظر بودند که بتکلیف برسد برای آنکه تقلید او را نمایند .

۲ - فخرالدین محمد بن حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی معروف به فخر المحققین .

در فوائد الرضویه ( ص ۴۸۶ دوم ) از قول قاضی شهید سعید نورالله شوشتری علیه الرحمه در مجالس المؤمنین نقل می کند که :

در سن ده سالگی نور اجتهاد از ناصیه او تافته چنانکه خود نیز در خطبه شرح خطبه کتاب قواعد به آن اشاره فرموده .

جناب فخر المحققین در ۶۸۹ متولد و در شب جمعه ۲۵ جمادی الاخر سال ۷۷۱ وفات یافت برای آگاهی از شرح زندگانی این عالم جلیل و محقق مدتی بی بدیل بکتب رجالیه مراجعه شود .

۳ - فاضل هندی : مولی بهاء الدین محمد بن تاج الدین حسن بن محمد لنجانی اویدشتی اصفهانی از اعظام علماء و مجتهدین در ۱۰۶۲ متولد و در سه شنبه ۲۵ رمضان المبارک سال ۱۱۳۷ در اصفهان وفات یافت و در قبرستان تخت فولاد مدفون گردید .

تعداد مؤلفات او را قریب هشتاد جلد کتاب و رساله نوشته اند که معروفتر از

همه کتاب کشف اللثام است .

در عموم کتب رجال ذکر شده است که وی قبل از رسیدن به سن بلوغ بدرجه اجتهاد رسید و از ده سالگی شروع در تألیف و تصنیف کتب فرمود .

۴ - مرحوم آقا شیخ اسدالله بن حاج اسماعیل دزفولی کاظمینی مؤلف کتاب مقایس در قصص العلماء ( ص ۱۹۶ ) گوید :

قبل از بلوغ بتکلیف بمرتبه اجتهاد رسیده .

در حدود سال ۱۱۸۶ متولد و در ۱۲۳۴ در نجف اشرف وفات یافته است .

۵ - مرحوم آقا سید صدرالدین محمد موسوی عاملی اصفهانی علیه الرحمه .

مشار الیه بطوریکه گفته شد در سن دوازده سالگی در مسائل اصولی صاحب نظر بوده .

و گفتیم که مرحوم آقا میر سید علی طباطبائی اصفهانی حائری صاحب کتاب ریاض المسائل در سال ۱۲۱۰ بوی اجازه داده و در آنجا فرموده است که :

انه مجتهد فی الاحکام من قبل اربع سنوات .

بنابراین رسیدن ایشان به اجتهاد در سن ۱۳ سالگی بوده است .

۶ - آقا سید محمد علی آقا مجتهد فرزند مرحوم آقا سید صدرالدین .

شرح حال اجمالی آن مرحوم در قسمت سوم کتاب خواهد آمد .

۷ - مرحوم آقا شیخ احمد بیدآبادی حسین آبادی اصفهانی فرزند مرحوم

میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی فرزند محمد حسن .

مرحوم آقا شیخ احمد از جمله کسانی است که اجتهادش پیش از بلوغ و کبر

سن مصدق بوده ( ص ۲۹۰ دوم ریحانة الادب ) در بزرگان و دانشمندان اصفهان

( ص ۱۱۸ ) گوید : از جمله کسانی است که قبل از رسیدن بسن بلوغ بسا در

حین بلوغ بدرجه اجتهاد رسیده است .

در حدود سال ۱۲۷۸ متولد ( تاریخ اجازه پسر بزرگوارش جهت او در سال ۱۳۰۸ بوده و در آن موقع وی سی ساله بوده است ) و در قبل از ظهر روز چهارشنبه ۲۱ جمادی الاولی سال ۱۳۵۷ در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه مرحوم حاج میرزا ابوالحسن بروجردی معروف به درکوشکی مدفون گردید .  
رحمة الله عليه .

اسامی برخی از شاگردان و مجازین از مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی علیه الرحمه : مرحوم آقای صدر در زمان خود از علماء مشار بالبنان و مورد توجه کلیه مجتهدین و افاضل طلاب بوده و بخصوص از نظر آگهی و اطلاع وسیع آنجناب بر احوال رجال و سرگذشت آنان و هم تسلط و استادی آن مرحوم در شعر و ادب حوزه تدریس او از این جهات یکی از گرمترین حوزه‌های علمی اصفهان در آن عصر بشمار میرفته است .

زمانیکه مرحوم آقا سید صدرالدین در اصفهان میزیست این شهر از هر جهت دارالعلم شیعه و یکی از مراکز معتبر علمی بشمار میرفت . وجود دانشمندانی همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و حاج ملا علی حکیم نوری و ده‌ها عالم و فقیه و مجتهد دیگر چهره نورانی این شهر را جلوه‌ای خاص داده بودند طلاب و دانشجویان از شهرهای مختلف جهت کسب فیوضات معنوی روی بآن نموده و با اندوخته‌های فراوان علمی به اوطان خویش مراجعت مینمودند .

متأسفانه نام شاگردان و مجازین از مرحوم آقا سید صدرالدین آنچنان که باید در کتابی ثبت نشده و یا اگر نوشته شده بنظر نویسنده تاکنون نرسیده است و فقط بنام چند تن از آنان دسترسی یافته‌ایم باین شرح :

۱ - علامه فقیه رجالی آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی (ص ۱۰ یکم مکارم

الاثار) .

تذکرہ مرتبہ

قد وقفتمہ عمل مجاہدات من تصنیف السید المرقد الموفق العالم العالم  
والعادل الكامل الذی الزکی العرفی الحفی اللودعی الامعی السید الحسن  
السید المتقی علان طابین الاسم ویا المسمی ووافی اللفظ بعد و  
المعنی ونظرت فی هذا المجلد منها فسمی السید السمرقانی ثم ترفیقه  
یصدق ایجاب وینها ید ایجاب وطالع السعد والعت من المعانی  
الدقیقه والنحس النکات الایم الرشیقه مع جوده الریح وحسن  
السلیقه فاجزیه زید مجده اذا فرغ علی ذلك راسیه لراہلا  
ان یروی عنی جمیع ما نضفت لکرام العظام السید  
لملأذ الاقام و عماد الاسلام ومجد دعی روم الدین المجد السید  
حرام الله عن الشریقه والشیعہ حیر ما عن احد من اجبا لک وایا  
وکل ما لاجازیه الاعلام الثقات المرزیه عن المجدیز وروزیه  
فما لیب الاجازة فیه عن علمائنا العالمیہ عن اسم عنم ای جمعین  
منه ذلك ما لرویه کتابیه عن السید فی عصره والرحید فی صنف  
تذکره الاول ویتصرف الا وحر السید علی الطبا حسار وشیخ

اجازہ مرحوم آقا سید محمد حسن مجتهد اصفہانی  
از علامہ بزرگ آقا سید صدر الدین عاملی اصفہانی

۲ - مرحوم آقا سید جعفر بن محمد اشرف طباطبائی یزدی نجفی متوفی  
بعد از ۱۲۲۸ (ص ۲۴۵ یکم الکرام البرہ)

الطائفة في رتبة افضل الغناء في اوانه شيخنا جعفر بن جعفر النجفي  
 وعلم الشريفة الزاهد الورع المحمود المدين بساحبه التصانيف الدينية  
 العجيبة السيد الحسن بن الحسن الحسيني العزيمي رفع الله مقامهما فيهم  
 وكذلك شيخنا الاوحد حاتم بن الصغناء وزينة العلي او سنده  
 وفقية العصر الشيخ موسى خلفه شيخنا جعفر المقدم ذكره نور الله  
 فقد اجازها في مشافهة ومكاشفة ايضا واجاز في رواية كتابه  
 خلاصة الحديث في المناحر بن محمد بن حسن بن العايد والدي  
 السيد الضالع بن محمد بن زين العابدين الموسوي العجلي شيخنا  
 القاضل الرابع السجواك جامع سليمان بن يعقوب العاملي في  
 اسمه ورجه عن جدي السيد الشريف الورع الزاهد سلمان عصره  
 المقدم ذكره طاب فراه عن مصنفها الشيخ الحر رضيه عنه  
 وكان والدي شرفه الله خلافة من وضعه في حبل عاملة  
 وفقه الله في كونه في القاميل في مشرفها في القاميل الذي  
 استاد المحمدين تاج الغناء في القاميل في القرن محمد بن جلال الكا والنفها  
 والمتكلم في روح العارفين اليكبر والاسكندر السيد المهدي طاب فراه  
 عن الموسوي وشركه في امور الناس بل مرة وكان يقول ما كنا نعلم  
 ان في الدنيا علم ان كان قد بلغ في علم الكلام والفقه والحديث غاية  
 ولكن من غنا الله في القاميل في القاميل في القاميل

- ٣ - علامه فقيه شيخ محمد حسن بن محمد باقر اصفهاني نجفي صاحب جواهر الكلام (ص ٢٣٨ تكمله امل الامل)
- ٤ - مرحوم آقا سيد محمد حسن بن محمد تقي موسوي اصفهاني مجاز از ايشان تاريخ اجازه
- ٥ - علامه شيخ حسن بن شيخ الطائفة شيخ جعفر نجفي (ص ٢٣٨ تكمله

## امل الامل (

مرحوم سید حسن صدر کاظمینی در تکمله امل الامل از قول شیخ صادق بن شیخ محسن اعسم نجفی ( فوت ۱۳۰۵ ) می نویسد که :

موقعیکه مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی از اصفهان به نجف آمد به شیخ محمد حسن صاحب جواهر و شیخ حسن فرزند شیخ جعفر نسبت به او عمل استاد و شاگردی می کردند و در برابرش چون شاگرد مقابل استاد می نشستند و حال آنکه در آن وقت آندو از بزرگان و مشایخ علماء نجف اشرف بشمار میرفتند . و شاید آندو زمانی شاگرد مرحوم صدر بوده اند .

۶ - مرحوم علامه فقیه زاهد حاج میرزا زین العابدین موسوی چهار سوتی ( ص ۱۰ یکم مکارم الآثار )

۷- مرحوم حاج سید شفیع جابلقی مؤلف کتاب: روضة البهیه (فوت ۱۲۸۰) فرزند سید علی اکبر موسوی ( ص ۲۳۸ تکمله امل الامل )

۸ - مرحوم آقا سید عیسی بن محمد علی عاملی برادر زاده آن مرحوم ( ۱۲۳۴ - . . . . ) ( تکمله امل الامل )

۹ - علامه فقیه اصولی مرحوم ملا محمد شریف العلماء مازندرانی ( فوت ۱۲۴۶ ) ( ص ۲۳۸ تکمله امل الامل )

۱۰ - علامه جلیل الحجّة الباری الشیخ - رضی الانصاری ( ص ۱۰ یکم مکارم و ۲۳۸ تکمله امل الامل )

۱۱ - سید ابوالحسن هادی بن محمد علی برادر زاده مرحوم صدر ( ۱۲۳۵ - ۱۳۱۶ ) پدر مرحوم آقا سید حسن صدرالدین کاظمینی در اصفهان در خدمت عم بزرگوار تحصیل علوم فقه نموده است ( ص ۲۳ تکمله امل الامل ص ۲۲۴ سوم معارف الرجال )

۱۲ - علامه فقیه آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی ( ص ۱۰ مکارم و ص ۲۳۷ تکمله امل الامل ) .

مهاجرت به ایران و سکونت در اصفهان: علامه سید حسن صدرالدین کاظمینی در تکمله امل الامل ( صفحه ۲۳۷ ) می نویسد :

مرحوم آقا سید صدرالدین بقصد زیارت مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام تنها بدون عیال و اولاد از نجف بسمت ایران حرکت نمود ( تاریخ این مسافرت را نفرموده است ) و عیال و فرزندان خود را در کربلا گذاشت .

در همین سفر منظومه موسوم به « الرحله » را در نعمت حضرت رضا علیه السلام سرود .

پس از وصول بکعبه مقصود و زیارت مرقد منور در مراجعت بعراق از راه یزد عازم گردید . چون به شهر یزد رسید مردم آن شهر و علمای آن بلد از ایشان خواهش کردند که در یزد ساکن شوند و مردم را بفیض برسانند ( قبلاً نیز آقا شیخ محمد تقی رازی مدتی در آن شهر ساکن شده و ازدواج نموده بود ) مرحوم آقای صدر تقاضای آنان را پذیرفته و قصد اقامت در آن شهر نمود و هم در آن شهر ازدواج نمود . پس از مدت زمان اندکی فسخ عزیمت نموده بسمت اصفهان حرکت نمود . مرحوم آقا سید صدرالدین در اصفهان : بیان موقعیت علمی و وضع علماء و طلاب در این زمان در شهر اصفهان نیازی به تکرار ندارد و سابقاً بطور اجمال گفته شده است .

مرحوم آقای صدر بعلل چندی که از آنجمله است :

- ۱ - تقاضای مردم دانش دوست و طالبین علم از ایشان جهت سکونت .
- ۲ - وجود حوزه های علمی و مجامع ادبی و بودن علماء بزرگ و مجتهدین عالی مقام .



۴ - دو تن از دختران مرحوم شیخ جعفر در این شهر شوهر داشتند ( خواهر زنان مرحوم آقای صدر) و این خود نیز شاید یکی از موجبات سکونت آن مرحوم در اصفهان بوده است و همچنین علت‌های دیگر که از همه مهمتر :

۴ - خوف از مخالفین در عراق خصوصاً سنیان بغداد .

از اینرو و دیگر جهات مرحوم آقای صدر قصد سکونت دائمی در اصفهان نموده و عیال و اولاد خود را از کربلا به اصفهان خواند آنسان همگی باین شهر آمدند .

خانه مرحوم آقای صدر : موقعیکه مرحوم آقا سید صدرالدین قصد اقامت در این شهر نمود مرحوم سید حجة الاسلام حاج سید محمد باقر شفتی در محله چهار سوق درب شیخ خانه‌ای جهت آن مرحوم خریده و او را در آنجا ساکن گردانید .

مرحوم الفت در نسب نامه بنقل اعلاط در انساب ( ص ۲۷ ) می نویسد :  
پس از ازدواج با دختر شیخ جعفر از نجف اشرف به اصفهان هجرت کرد و در محله بیدآباد سکونت نمود با تنگدستی و عفت و تقوی زندگانی میکرد و با حاج سید محمد باقر شفتی حجة الاسلام رفتار خوشی نداشت معذک سید شفتی نظر بخلق و خوی بزرگوارانه‌اش از این سید فقیر و مخالف با خود ( اما عالم و فقیه و زاهد ) از بذل توجهات مادی و معنوی دریغ نمیکرد از جمله آنکه چند دستگاه خانه عالی مسکونی ( در همان محله ) باو بخشید که تا حال بعضی اقبابش در همان خانه‌ها مسکن دارند .

ارتباط مرحوم سید حجة الاسلام با مرحوم آقای صدر : مرحوم سید حجة الاسلام از سالهاییکه در نجف اشرف جهت تحصیل تشریف داشت مرحوم آقا سید صدر الدین را و پدر و خاندانش را بخوبی می شناخت و از مقامات علمی

وفضائل وملكات نفسانی او بهتر از دیگران با خبر بود .

برخی از اساتید آندو مشترك بوده وشایدآشنائی آنها از حوزههای علمی نجف وكاظمین شروع شده باشد .

مرحوم آقای صدر داماد مرحوم شیخ جعفر نجفی استاد مرحوم سید حجة الاسلام بوده وهر خدمتی که سید حجة الاسلام نسبت به مرحوم آقا سید صدر الدین انجام میداد بخاطر استاد ورضایت خاطر او بود .

شیخ ابو مسعود رازی : معروف آنست که بقعه وخانقاه شیخ ابو مسعود احمد بن فرات رازی تا زمان مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی دائر وبرقرار بوده وبعداً بدستور ایشان قبر خراب گردیده است لکن سر درب بقعه تا کنون باقی وجزو آثار باستانی اصفهان بشمار میرود .

مرحوم حاج ملا احمد بیان الواعظین ( ۱۳۱۴ - ۱۳۷۱ ) در کتاب خلد برین (صفحه ۱۸۷ تا ۱۹۸) شرح مبسوطی راجع به شیخ ابومسعود نوشته و او را شهید دانسته وزنانش را اواخر قرن سوم واوایل قرن چهارم دانسته راجع به خرابی قبر او می نویسد :

یکصد سال قبل تقریباً يك نفر از بزرگان علماء جبل عامل که از فشار حکومتهای عرب بستره آمده بود وارد اصفهان گردید وبمناسبتی در این محل نزدیک مزار شیخ ابومسعود ساکن گردید . کثرت ایاب وذهاب مردم وغوغائی که نتیجه اجتماعاتست وشاید بعضی مناهی که طبعاً در اینگونه مشاهد مشاهده میشود یا جهات دیگر هر چه بود باعث سلب آسایش ایشان گردید وباین جهت آن عالم در صدد تفحص وجستجوی حال شیخ ابو مسعود برآمدند ونتیجه فحوص ایشان این شد که شیخ ابو مسعود یکی از مشایخ صوفیه اهل سنت است باید مزار وآثار او را از بین برد ومردم را از زیارت او منع کرد . . . .

نویسنده گوید : مراد از يك نفر از بزرگان علماء جبل عامل که در این محله سکونت داشته همانسا مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی علیه الرحمه می باشد و علت عدم ذکر نام ایشان بخاطر احترام نوادگان آن مرحوم بوده که علماء ساکن در این محل بوده اند .

اما زمان شیخ ابومسعود اوآخر قرن دوم تا نیمه قرن سوم بوده است و اشتباه مرحوم بیان الواعظین ظاهر و آشکار است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۲۳۳ ستون دوم بالای صفحه ) بقره شیخ ابو مسعود را ذکر نموده و گوید احوالش در هفت اقلیم مذکور است و بحدیث مهارت داشته بروایت شیخ جزری هزار هزار و پانصد هزار ( یعنی يك مليون و پانصد هزار ) حدیث بقید آورده . . . . .  
پس از چند سطر می نویسد :

از این بقاع در اصفهان بسیار دیده بودم که پس از هزار و سیصد تا کنون شصت سال است در برافندن قبرستانها از میان رفت ( انتهى ) .

نویسنده گوید : و آنچه باقیمانده است فقط در تخت فولاد می باشد که با نقشه ایجاد فضای سبز و کاشتن درخت در قبرستان و تکایا و آب بستن بقبور اینها نیز در آتیه از بین خواهد رفت و فقط نامی از آنها در کتابها باقی می ماند، فاعتبروا یا اولی الابصار .

دانشمند محترم حجة الاسلام آقای حاج میر سید احمد روضاتی سلمه الله در حواشی کتاب : میزان الانساب ( ص ۵۸ ) می نویسد :

مخفی نباشد که قبر شیخ ابو مسعود قبل از سال ۱۲۶۴ خراب شده زیرا بدستور آقا سید صدرالدین جبل عاملی بوده و او در سال مذکور وفات کرده است. نویسنده گوید : تاکنون به سندی معتبر که بتوان به آن استناد نمود درباره

خرابی قبر شیخ ابو مسعود توسط علامه آقا سید صدرالدین عاملی برخورد  
نکرده‌ایم و آنچه نوشتیم نقل احوال متأخرین است .

مرحوم الفت در نسب نامه ( بنقل مرحوم بلاغی در اعلاط در انساب ص

۲۷ ) می‌نویسد :

از جمله کارهای متمصبانه سید صدرالدین همین بوده است که آرامگاه یعنی  
قبره و بارگاه قبر شیخ ابو مسعود بنا از مشایخ و مشاهیر طریقت را که بقرب همان  
خانه‌هایش واقع و محل توجه عموم اهالی بوده است بعنوان اینکه سنی مذهب  
است خراب کرده .

نویسنده گوید : شیخ ابو مسعود بنا بنقل حافظ ابو نعیم از محدثین است نه  
از صوفیه و دیگر آنکه مرحوم الفت ویرا با بستگان مادری حافظ ابو نعیم که  
شیخ یوسف بنا و خاندانش باشند غلط و اشتباه نموده است . خداوند تبارک و تعالی  
همه ما را از خطا و لغزش در گفتار و نوشته‌ها محفوظ دارد بمنه و کرمه .

و اما شخصیت شیخ ابو مسعود : حافظ ابو نعیم (بضم نون مصغراً) در کتاب:

ذکر اخبار اصفهان ( ص ۸۲ یکم ) می‌نویسد :

ابو مسعود احمد بن فرات بن خالد ضبی رازی از طبقه هفتم ( رواست )  
فریابی و ابو خلیفه و ابن ابی عاصم از او روایت حدیث می‌کنند، چهل و پنج  
سال در اصفهان ساکن بوده و روایت حدیث نموده و در شعبان سال ۲۵۸ وفات  
یافته محمد بن عاصم ویرا غسل داد و قاضی ابراهیم بن احمد خطابی بروی نماز  
گزارد و در مقبره مردبان مدفون گردید .

( محله مورنان جنب آب بخشان که امروز به میدان شهداء معروف گردیده  
همان مردبان است که حافظ ابو نعیم ذکر می‌کند ) و قبر حافظ ابو نعیم تا زمان  
علامه مجلسی رضوان الله علیه در آن قبرستان معلوم و معین بوده و به تحریک

میر لوحی سبزواری خراب گردیده است .

ابو مسعود از ابی رسامه و یعلی و ابن نمیر و ابن ابی فدیک و جز اینها از محدثین کوفه و شام روایت می کند و خود از پیشوایان محدثین و حفاظ است مسند و کتاب تألیف کرده است .

اسماعیل پاشا بغدادی در هدیه العارفین ( ص ۴۹ یکم ) از تألیفات او :  
۱ - اجزائی در حدیث ۲ - مسند در حدیث را ذکر می کند .

بقعه و خانقاه شیخ ابو مسعود : در محله شیخ ابو مسعود از محلات منشعب از محله چهار سوق علی قلی آقا ( یا بر عکس ) چهار سو و بازارچه ای بنام او وجود دارد که در سالهای اخیر گنبد چهار سو را خراب کرده اند در سمت راست این کوچه ( سمت شمال ) آثار بقعه و سر درب آن باقی است لکن قبر خراب شده و تکیه و صحن و مسجد و خانقاه همه از بین رفته و بصورت خانه بتصرف اشخاص در آمده است .

سر درب کاشیکاری بسیار نفیس و معرق می باشد .

بانی ساختمان سر درب محمد بن جلال الدین عربشاه .

کاتب کتیبه ها که بخط ثلث می باشد کمال بن شهاب کاتب یزدی .

تاریخ کتابت سال ۸۹۵ ( اواخر قرن نهم ) در زمان پادشاهی امیر یعقوب بیک آق قویونلو فرزند اوزون حسن ( ۸۸۲ - ۸۹۶ ) می باشد .

فائده تاریخی : سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل صفوی پسر دانی یعقوب بیک بود که در جنگ با یعقوب کشته شد ( سال ۸۹۳ ) و فرزندانش بدست یعقوب اسپر شده در قلعه استخر فارس زندانی شدند .

برای آگاهی بیشتر از وضع بقعه و سر درب و کتیبه ها به کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصفهان ( ص ۳۵۳ ) مراجعه شود .

مسجدنوحاج رسولیها: پس از جنگ ایران و روس و شکست ایران و معاهدات گلستان و ترکمن‌چای عده‌ای از ایرانیان مسلمان و متعصب سکونت در آن شهرها را جائز ندانسته و همچنین در اثر ظلم و بیداد مأمورین دولت روسیه مجبور به جدای وطن شدند از آنجمله :

حاج رسول یا عبدالرسول نام تاجراز اهل بادکوبه کلیه سرمایه مادی خود را با اهل و عیال و اولاد و جمعی از بستگان خود برداشته به اصفهان مهاجرت کرده سال ورود او به این شهر معلوم نیست لکن یقیناً بعد از سال ۱۲۴۲ می‌باشد. بعد از قرون اولیه که محله مردبان (مورنان) و اطراف آن آباد بوده و حافظ ابو نعیم و جمعی از بزرگان در آن ساکن بوده‌اند در اثر قحط و غلاها - بیماریها - جنگ و جدالها - کشت و کشتارهای بیرحمانه مغول و تیمور و هلاکو و دیگران این قسمت از شهر خالی از جمعیت شده و تقریباً متروک گردیده بود و در زمان صفویه نیز چندان روی آبادی ندید و تنها محله بیدآباد تا حدود چهار سوق علی قلی آقا فی الجمله آباد و مسکونی شد .

در اثر سکونت مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی در این ناحیه شهر مردم متدین و مقدس جهت استفاده از محضر این عالم جلیل روی باین ناحیه کردند . قبل از این قسمت شهر ظاهراً فقط دو مسجد وجود داشت ۱ - مسجد علی قلی آقا ۲ - مسجد آب بخشان .

مرحوم حاج رسول مهاجر تصمیم به ساختن مسجدی در نزدیکی منازل خود و منزل راد و پیشوای دینی خود یعنی آقا سید صدرالدین گرفت و مسجد نوی بنا کرد که بعدها بنام مسجد نو حاج رسولیها شهرت یافت .

مرحوم حاج میر سید علی جناب در اصفهان طول و عرض این مسجد را ۳۸ در ۴۰ می‌نویسد و مسجد آب بخشان را ۳۰ در ۵۰ و مسجد علی قلی آقا را

۲۸ در ۲۸ متر ( یا ذرع چون معین نموده است ) .

امامت این مسجد در زمان حیات مرحوم آقای صدر با ایشان بوده و پس از فوت ایشان با فرزندان ایشان و در این اواخر در زمان امامت و ریاست مرحوم آیت الله آقای حاج آقا حسین خادمی تعمیرات کافی و لازم در مسجد انجام گردید و شبستان آن بزرگ شده و قسمتی کاشیکاری در مسجد انجام گردیده است .

تألیفات و آثار علمی مرحوم آقا سید صدرالدین موسوی عاملی علیه الرحمه :  
مرحوم آقا سید صدرالدین را تألیفات عدیده در فقه و اصول و رجال و فنون ادب می باشد ذیلا بنام آنها تا آنجا که آگهی یافته ایم اشاره می شود :

اثرة العترة در فقه استدلالی ( ص ۲۴۴ چهل و پنج اعیان الشیعه )

۱ - اسرة العترة در ابواب فقه استدلالی در يك جلد بزرگ ( ص ۵۷ دوم

الذریعه - ص ۲۴۱ تکمله )

۲ - تعلیقه ( حاشیه ) بر رجال شیخ ابی علی این حواشی غیر مدون و در حاشیه کتاب منتهی المقال بوده و علامه سید حسن صدر کاظمینی آنرا مرتب فرموده

و بنام : نکت الرجال نامیده است ( ص ۳۰۴ بیست و چهارم الذریعه )

آغاز : نحمدك يا من من علينا بالهداية الى درايه اهل الروايه . . . تاریخ

فراغت محرم سال ۱۳۱۳ در شهر سامراء می باشد .

۳ - تعلیقه بر کتاب نقد الرجال تأیید میر مصطفی تفرشی غیر مدون : مرحوم

آقا سید حسن صدر الدین در تکمله ( ص ۲۴۲ ) می نویسد : از بهترین کتب رجال

است و مرحوم آقا سید صدر الدین در دیگر تألیفات خود اشاره به آن می کند و مرحوم

آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه فرزند آن مرحوم می فرماید که نسخه نقد الرجال

با تعلیقات و حواشی پدرم در نزد من موجود است .

در الذریعه ( ص ۲۲۹ ششم ) بنام حاشیه ذکر شده است .

- ۴ - حاشیه بر کتاب تسهیل در نحو تألیف ابی عبدالله محمد بن عبدالله معروف به ابن مالک نحوی متوفی بسال ۶۷۲ هجری (ص ۳۹ ششم الذریعه)
- ۵ - حاشیه بر شرح القطر (قطر الندی در نحو تألیف شیخ ابو عبدالله محمد ابن یوسف بن عبدالله بن هشام انصاری نحوی متوفی بسال ۷۶۲ هجری)
- مرحوم آقا سید حسن صدرالدین کاظمینی در تکمله (ص ۲۳۶) می نویسد :
- آقا سید صدرالدین ابن حواشی را در هفت سالگی نوشته است .
- قابل توجه : کودکان زمان ما طبق تعلیم و تربیت جدید سن هفت سالگی ابتدای مدرسه رفتن آنهاست و علمای بزرگوار گذشته ما در سن هفت سالگی کتاب تألیف میفرمودند : « بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا » .
- ۶ - حواشی بر کتاب منتهی امل الادیب من کلام مغنی اللیب تألیف شیخ احمد بن محمد بن علی معروف به ابن ملاحلی متوفی بسال ۹۷۹ هجری (الذریعه ص ۲۲۳ ششم)
- علامه صاحب روضات الجنات (ص ۹۳) میفرماید :
- جلد اول شرح مغنی تألیف ابن ملارا بخط مصنف آن دیدم و حواشی زیادی از شیخ ما علامه آقا سید صدرالدین عاملی بر آن بود .
- ۷ - حجیة المظنه : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۷۸ ششم) میفرماید :
- این کتاب در رد دلیل انسداد است و همچنانست که دو قول ( حجیت ظن مطلق - حجیت ظن خاص ) را مورد بحث و محاکمه قرار داده است .
- نسخه‌ای از آن را که بخط مصنف بزرگوار و مورخ بتاریخ ۱۲۴۲ بوده مرحوم طهرانی در نزد مرحوم آقا سید مهدی بن علامه آقا سید اسماعیل صدر دیده که شرح منظومه رضاعیه آن مرحوم نیز ضمیمه آن بوده است نسخه دیگری از این کتاب در کتابخانه علامه سید حسن صدر کاظمینی بوده است .



مرحوم آقا سید حسن صدر در تکمله (ص ۲۳۶) می‌نویسد :

در اول رساله حجیت ظن می‌نویسد :

در سال ۱۲۰۵ بکربلا وارد شدم و در این هنگام دوازده ساله بودم مشاهده کردم که مرحوم استاد اکبر مولی محمد باقر بن محمد اکمل مصر بودند در اثبات حجیت ظن مطلق . . .

سپس خود گوید معلوم میشود که مرحوم آقا سید صدرالدین در این موقعیت سنی آشنا بمشکلات مسائل علمی بوده است .

و نویسنده گوید که معلوم میشود که در جلسه درس مرحوم وحید بهبهانی نیز شرکت مینموده است .

۸ - دیوان اشعار مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی از شعراء بزرگوار و صاحب اشعار و قصائد زیادی است که تا جائیکه نویسنده آگاهی دارد جمع و تدوین نشده است .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۶۰۳ قسم دوم از مجلد نهم) نام دیوان را ذکر نموده و بمناسبت نامی از ازجوزه رضاعیه آن مرحوم برده است .

۹ - الرحله و آن نام قصیده رائیه‌ای است که مرحوم آقا سید صدرالدین در سفر خراسان در نعمت و ستایش حضرت امام ابا الحسن علی بن موسی الرضا علیه وعلی آبائه و ابناؤه السلام سروده است مطلع قصیده :

اتنك استباقاً تقد القفار  
سوابح تقدع فی السیرنارا

مرحوم علامه امین در اعیان الشیعه (ص ۲۴۶ چهل و پنجم) شصت و شش بیت از این قصیده را نقل نموده و گوید يك برگ يك یا بیشتر از وسط آن افتاده است بنابراین احتمالاً تمام قصیده متجاوز از یکصد بیت بوده است . مرحوم آقا سید محسن درباره این قصیده می‌نویسد : وهی من غرر الشعر .

۱۰ - رساله در احوال ابن ابی عمیر مرحوم تنکابنی علیه الرحمه در قصص العلماء (ص ۱۹۶) می نویسد: نسخه آن نزد من موجود است.

نویسنده گوید: محدث بزرگوار محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی ابواحمد ازدی بغدادی بزاز از اجله اصحاب حضرت امام ابا الحسن موسی بن جعفر علیه وعلی آباءه و ابنائه السلام و حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام بوده و اعبد و اورع اهل زمان خود و از اصحاب اجماع است و ۹۴ کتاب تألیف نموده که عموماً از بین رفته است و او از حفظ حدیث نقل می کرده و محدثین بزرگوار شیعه مراسیل او را در حکم مسانید میدانند و به آنها اعتماد کرده و بر طبق آن فتوی می دهند.

سندی بن شاهک به امر هارون الرشید ویرا یکصد و بیست تازیانه زد که نام شیعیان بغداد را بگوید و او با همه مشقت و زجر تحمل کرده و نام آنان را افشاء ننمود و گرفتار بیداد گرانشان نساخت.

در زمان مأمون الرشید خواستند منصب قضاوت باو بدهند قبول نکرد و بهمین علت ویرا زندانی کردند جمعاً در زمان خلافت هارون و مأمون چهار سال در زندان زیست و سرانجام با پرداخت ۱۲۱ هزار درهم خود را از حبس نجات داد.

ابن ابی عمیر از جمله بزرگانی است که مورد ستایش و احترام شیعه و سنی بوده و اقوالش مورد قبول همگانست تا جائیکه جاحظ با آنهمه عداوت که با شیعه و اهل بیت علیهم السلام دارد اقوال ابن ابی عمیر را در کتابهای خود نقل می کند و در باره او گوید: کان وجهاً من وجوه الرافضه (ص ۲۲۹ رجال نجاشی) ابن ابی عمیر در سال ۳۱۷ وفات یافته است.

۱۱ - رساله در مسائل مربوط به ذی الراسیین: در روضات الجنات (ص ۲۳۳) میفرماید همانگونه که شیخ جعفر نجفی نوشته است (ذی الراسیین یعنی کودکی که با دو سر و یک تن بدنیا آید).

۱۲ - سيرة العترة در اعيان الشيعة (ص ۲۴۵ چهل و پنجم) می نویسد و آن مختصر کتاب : اسرة العترة خود آن مرحوم است .

۱۳ - شرح مقبوله: عمر بن حنظله در روضات الجنات (ص ۳۳۳) می فرماید: در نهایت بسط متضمن قواعد شرعیه فقهیه و فوائد رجالیه .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۸۴ چهاردهم) ضمن شرح مقبوله فوت مرحوم آقا سید صدرالدین را در ۱۲۶۴ می نویسد .

فائده : مقبوله به احادیثی گفته میشود که مورد قبول علماء بزرگوار شیعه قرار گرفته و بمضمون آن عمل میفرمایند مانند حدیث معروف به: مقبوله عمر بن حنظله.

و اما عمر بن حنظله در مجمع الرجال (ص ۲۵۷ چهارم) گوید :

از رجال حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام بوده و او اباصخر عمر ابن حنظله عجللی بکری کوفی است وی برادر علی بن حنظله است که وی نیز از اصحاب آن دو امام بزرگوار بوده و نسبت بحضرت صادق علیه السلام اختصاصی داشته است (ص ۱۹۳ چهارم مجمع الرجال) .

دانشمند محقق آقای حاج سید ضیاء الدین علامه فانی اصفهانی در ضیاء الدرایه (ص ۳۳) درباره او می نویسد :

در حق او اصحاب از جرح و تعدیل چیزی نگفته اند و در پاورقی همان صفحه می نویسد :

در هدایه گفته است که : امره عندی سهل وانی قد تحققت توثیقه من محل آخر وان كانوا قد اهلوه .

محدث قمی رضوان الله علیه در تحفة الاحباب (ص ۲۴۹) پس از نقل قول شهید ثانی در بدایه که نقل شد فرموده است :

در کتاب تهذیب در اوائل باب اوقات الصلوة حدیثی از یزید بن خلیفه نقل می‌کند که می‌گوید :

بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم : عمر بن حنظله از قول شما درباره وقت نماز حدیثی نقل می‌کند آنحضرت فرمودند : اذا لا یکنذب علینا .  
تذکر : کتاب بدایة الدراية از تألیفات مرحوم شهید ثانی است که با شرح آن وبسا وجیزه شیخ بهائی در سال ۱۳۱۰ قمری بچاپ رسیده است ( ص ۱۱۹ فهرست کتب چاپی عربی تألیف مرحوم مشار ) .

۱۴ - شرح منظومه ( ارجوزه ) رضاعیه : منظومه رضاعیه بعداً گفته میشود .  
علامه سید حسن صدر کاظمینی در تکمله ( ص ۲۴۱ ) می‌نویسد :  
شرح ممزوج متوسطی است در نهایت متانت .

علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۷۱ سیزدهم ) می‌نویسد :  
شرح ارجوزه رضاعیه : آغاز : الحمد لله الذی ادر اخلاف طولیه بعموم  
فضله . . . .

مرحوم طهرانی چندین نسخه آنرا دیده است : یکی در کتابخانه شیخ محمد سماوی بخط سید جعفر بن میر محمد اشرف طباطبائی نجفی که در ۵ شنبه ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۲۲۸ هجری در شهر یزد از کتابت آن فراغت یافته و آنجا شارح را بدینگونه می‌ستاید : جناب السيد السند المکین الامین امام الملة والدين العالم العامل والفاضل الكامل سيدنا السيد صدرالدين العاملی عامله الله بلطفه الخفی .

نسخه دیگر که ظاهراً بخط علامه سید صدرالدین می‌باشد در کتابخانه سید مهدی صدر در کاظمین و سومین نسخه در کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف و چهارمین بخط علامه زاهد حاج شیخ علی قمی و باز نسخه‌های دیگر .

فائده : بطن نویسنده مرحوم آقا سید جعفر طباطبائی از شاگردان مرحوم آقای صدر بوده و تألیف رساله نیز بسال ۱۲۲۸ بوده است . مرحوم علامه طهرانی نیز در الکرام البرره ( ص ۲۴۵ یکم ) میفرماید : ظاهراً شاگرد مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی بوده است .

شرح ارجوزه رضاعیه تألیف علامه فقیه مجاهد مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۷۱ سیزدهم ) می نویسد : شرح مبسوط بزرگی است آنرا در کتابخانه آن مرحوم دیدم .

۱۵ - قره العین در نحو ، مرحوم سید حسن صدر در تکمله ( ص ۲۴۲ ) می نویسد : کتاب جلیلی است و برتر از مغنی است بطوریکه مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی در اول معدن الفوائد گوید :

این کتاب با وجود کوچکی حجم آن بر مغنی ابن هشام با همه شرح و بسط برتر است و آنرا مهم نکند مگر کسانی که به منتهای علم و ادب رسیده باشند .

علامه طهرانی در : الکرام البرره ( ص ۲۱۹ یکم ) در شرح حال سید محمد تقی عاملی اصفهانی می نویسد :

پدرش این کتابرا با اسم او تألیف نموده و در سال ۱۲۴۷ قسمتی از کتاب : من لا یحضره الفقیه را به وی آقا سید محمد علی معروف به آقا مجتهد و سید علی دو برادر دیگرش واگذار نموده است .

چهار نسخه از این کتاب در اصفهان سراغ داریم :

۱ - نسخه در کتابخانه حجة الاسلام حاج میر سید احمد روضاتی ( ص ۷۲

هفدهم الذریعه ) .

۲ - نسخه متعلق به علامه مفضل صدیق مکرم جناب حاج سید محمد علی روضاتی که بخط مرحوم آقا سید عیسی فرزند مرحوم آقا سید محمد علی بن

سید صالح موسوی عاملی برادر زاده آن مرحوم ومورخ به ششمین روز از چهارمین هفته ماه صفر سال ۱۲۵۳ که ظاهراً تاریخ تألیف می باشد .

۳ - نسخه متعلق به کتابخانه مرحوم آیت الله آقای حاج آقا حسین خادمی فرزند مرحوم آقا سید ابو جعفر فرزند مرحوم آقا سید صدرالدین که آنرا جناب آقای روضاتی از روی نسخه متعلق خودشان مرقوم فرموده وبه مرحوم آقای خادمی علیه الرحمه هدیه نموده اند .

۴ - نسخه متعلق به کتابخانه دانشمند فقیه مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت .

آغاز: بسم: الحمد لله الذى رفع علم العلماء بالابتداء ونصّبهم لندبة المستغیث واستجابة النداء واعرّب بهم عن كلمات الحجج والمحنة البيضاء وفضل مدادهم على دماء الشهداء وذلك فضل الله يؤتیه من یشاء موصولاً بالصلوة والسلام على من جل فی نعوته عن مضارع وفى امره الماضى عن منازع ، محمد وآله شفعاہ يوم الجزاء .

وبعد فيقول العبد المسكين صدر الدين بن صالح بن محمد الموسوى العالمى هذه رسالة فى النحواملینها انور بصرى ومهجة قلبى الولد الاعز محمد تقى وقى الله به سلم العلم والفضل واحيا به ذكر آبائنا الماضين من قبل وسميته « قرّة العين » وبه تعالى استعین . فصل الكلام . . . .

انجام : فهذا يا بنى آخر ما اردت تحريره وتحبيره وقد صرفت فيه فوق شهر من عمرى على حين وهن العظم منى واشتعل الرأس شيباً ، اذا تانى نهية سراح وفراش وانيس لقبرى ، اسأل الله ان ينفعك به واخواننا ويلهمك معرفته ويشد اركانك على طاعته ويذيقك حلاوة عبادته فان من رزق تلك اللذة عرف ان الكسل كابى الجمل يصغفه عقب الورد وان المنتمش بزمرتها كالبط لا يؤثر على الحمأة غيرها وما زوى الله هذه الدنيا الدنية عن اوليائه بخلا عليهم بها تعالى عن ذلك

علواً كبيراً بل بخلا بهم عليها .

قد وقع الفراغ تسويد هذه الرسالة في اليوم السادس من الاسبوع الرابع من الشهر الثاني من السنة الثالثة من العشرة السادسة من المائة الثالثة من الالف الثانية من الهجرة النبوية على مهاجرها آلاف التحية .

جناب روضاتی تاریخ فوق را ششمین روز از چهارمین هفته ماه صفر سال ۱۲۵۳ حساب فرموده اند) چون غره ماه صفر روز چهارشنبه بوده است مطابق تقویم تطبیقی هزاروپانصدساله ششمین روز چهارمین هفته روز ۲۶ صفر خواهد بود) .

دانشمند بزرگوار محقق و متتبع جناب روضاتی در کتاب : فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان ( از ص ۲۲۵ تا صفحه ۳۲۹) خصوصیات این کتاب را و فهرست فصول آنرا دقیقاً مرقوم داشته و آنچه در باره این کتاب نوشتیم مأخوذ از همان کتابست .

علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۷۲ هفدهم) آنچه را که مرحوم آقا سید حسن صدر در باره کتاب از قول مرحوم آقا میرزا محمد هاشم مرقوم داشته است را عیناً ذکر می نماید و گوید : مرحوم چهار سوقی در یکی از تصانیف خود فرموده است .

۱۶ - القسطاس المستقیم در اصول فقه ( ص ۸۰ هفدهم الذریعه - ص ۲۴۱ تکمله امل الامل - ص ۲۴۵ چهل و پنجم اعیان الشیعه ) .

علامه طهرانی در الذریعه گوید که مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی نام کتاب را ذکر نموده و گوید : من این کتاب را ندیده ام .

۱۷ - قصائد زیادی که برخی از آنها را خود نیز شرح نموده از آنجمله : قصیده راثیه موسوم به : الرحله که سابقاً به نام آن اشار کردیم در اعیان الشیعه بنام

اشعار ذکر شده (۲۴۵ چهل و پنجم اعیان الشیعه) ، (روضات الجنات) .

۱۸ - قوت لایموت : رساله عملیه فارسی ( ۲۰۵ مفهم الذریعه ) .

در تکمله امل الامل ( ص ۲۴۲ ) گوید :

در طهارت و نماز و مسائل عام البلوی .

ملخص قوت لایموت : جد امجد مرحوم آقا سید محمد حسن موسوی در پشت يك مجموعه که تمام آن بخط آن مرحوم می باشد سیاهه کتبی را که در سفر عتبات بهمراه برده اند را ذکر می کند و در آنجا می نویسد :

ملخص قوت لایموت و نام سه کتاب دیگر را برده و گوید :

این چهار جلد و جلد مقامع را در کرمانشاه آقا محمد جعفر دادند این چهار جلد را در مراجعت اول را در رفتن نویسنده گوید: تاکنون بیشتر از این از کتاب ملخص قوت لایموت اطلاع نداریم که مؤلف آن کیست و اکنون نسخه آن در کجاست .

۱۹ - مجال الرجال در علم رجال : در الذریعه ( ص ۳۵۲ نوزدهم ) گوید:

مرحوم آقا سید صدر الدین در رساله حجیت الظن بنام این کتاب از تألیفات خود اشاره فرموده است . مرحوم سید حسن صدر الدین کاظمینی علیه الرحمه نیز در تکمله امل الامل ( ص ۲۴۲ ) کتابرا بهمین گونه معرفی نموده است .

۲۰ - المستطرفات در مسائل فقهیه که فقهاء آنرا عنوان نکرده اند ( ص ۱۱

بیست و یکم الذریعه - صفحه ۲۴۱ تکمله امل الامل ) .

نویسنده گوید : در مجموعه ای بخط علامه فقیه مرحوم آقا سید محمد حسن ابن محمد تقی موسوی ( جد امجد علیه الرحمه ) رساله ای از مرحوم آقا سید صدر الدین می باشد که ظاهراً همین کتاب باشد .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم .



الله احمد لازوال املکه ولا کفول جبروته واصلی علی محمد وآله صفوته و فلکه  
ومظهر رحموته ورهيوته واستعین ابد الابد من ام يتخذ صاحبة ولا ولد ولم يكن  
له كفواً احد .

وبعد فيقول المسكين صدر الدين بن صالح الموسوي العاملي عفى عنهما  
هذه بضاعة نرجاة في مسألة من شداد المعضلات لم نجد للاصحاب فيها ما يزبح  
العمة وينقع الفلة مع عموم البلوى بها جداً وقد وقفت فيها لخاتمة المحققين ولد  
الاستاد رفع الله مقامهما على رسالة قد بلغ فيها جهده شكر الله سعيه واختار في  
اعسار السابق واللاحق الخيار وكان رحمه الله من رجال الدهر مهيباً عند الملوك  
عظيماً عند السلطان وحدثني والدي صالح بن محمد انه كان زميلاً له في طريق  
الحجاز وكان كثيراً ما يصف قوة فكره وتبحره في المعقول والمنقول وقد كنا اهلبنا  
في هذه المسئلة شيئاً في كتابنا : اثر العترة وبقيت اشياء لم نثبتها . . . .

كتاب در دوازده فصل تأليف شده ونسخه حاضر تسا واسط ( يا اواخر )  
فصل يازدهم است ويكي دو صفحه ناقص است كه نانويس مانده است آخر موجود :  
لا اشكال في عدم الفسخ بناء على عدم تسلطها عليه لو بان قبل العدة ضرورة  
اولوية ما هنا منه بذلك منه كما هو واضح .

۲۱ - منظومه رضاعيه : در الذريعة در دو محل ذكرى از اونموده يكي بنام :  
ارجوزه در رضاع ( ص ۴۷۶ يكم ) وديگری بنام : منظومه رضاعيه ( ص  
۱۱ بيست وسوم ) وهمچنين در تکمله امل الامل آنرا نسام برده ( ص ۲۴۱ )  
ومطلع آنرا می نویسد :

ان احرز الرضاع فشرطه نشر تحليل تزويج وتحليل نظر  
ودر الذريعة مصراع دوم را : تحريم تزويج وتحليل نظر می نویسد وگوید  
نسخه ای از آن در کتابخانه آنا شيخ هادی کاشف الغطاء در نجف موجود است .

در تکمله در وصف آن گوید : « منظومه لا نظیر لها » .

برخی از اشعار مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی : مرحوم آقا سید صدرالدین

از ادباء و شعراء معروف زمان خود بوده است .

در تکمله ( ص ۲۳۶ ) می نویسد :

در سال ۱۲۰۵ مرحوم آقا سید صدرالدین به مجلس درس سید بحر العلوم

حاضر میشد و این هنگام مرحوم علامه بحر العلوم مشغول به نظم کتاب : الدرہ در

فقه بود از بین شاگردان خود مرحوم آقا سید صدرالدین را بعلت مهارتش در

شعر و ادب و فنون شعری انتخاب فرمود و اشعار خود را بدو عرضه میکرد .

نویسنده گوید : مرحوم علامه حاج سید مهدی بحر العلوم از اساتید شعر

و ادب و از اعضاء انجمن ادبی « معركة الخمیس » بوده است و انتخاب آن

بزرگوار این شاگرد نوجوان خود را یقیناً جهت تشویق و احترام او و پدر بزرگوارش

بوده است .

همچنین در تکمله ( ص ۲۳۶ ) از قول شیخ جابر شاعر کاظمینی ( ۱۲۲۲ -

۱۳۱۲ ) صاحب تخمیس قصیده هائیه مرحوم شیخ کاظم ارزی بغدادی و دانی

مرحوم آقا سید حسن صدر می گوید :

سید صدرالدین در مقام شاعری برتر از شریف رضی است که آنرا اشعر قریبش

لقب داده اند در اعیان الشیعه ( ص ۲۴۶ چهل و پنجم ) میفرماید :

وفیه من المبالغه ما لایخفی وانا ایضاً اقول الحق مع صاحب اعیان الشیعه .

اکنون پس از این مقدمه بدکر چند نمونه از شعار مرحوم آقا سید صدر

الدین مبادرت می کنیم :

۱ - دو سطر شعری که در اول کتاب قوانین الاصول تألیف میرزای قمی

نوشته شده است منسوب به این جنابست :

لیت ابن سینا دری اذ جاء مفتخرأ      باسم الرئيس بتصنيف لقانون  
ان الاشارات القانون قد جمعا      مع الشفا فی مضامین القوانين  
۲ - در وصف کتاب مغنی اللیب می فرماید :

مغنی اللیب تصفح و تتبع      وتفکر وتدبر وتذکر  
فاجعل لها مغنی اللیب ذریعة      ولشرح بدر الدین شأن اکبر  
نقل از روضات الجنات ( ص ۴۵۶ چاپ اول ) .

۳ - در اعیان الشیعه ( ص ۲۴۵ چهل و پنجم ) ضمن بیان تألیفات آن مرحوم  
گوید :

حواشی بر رجال ابو علی که من آنرا در کتابخانه شیخ ضیاء الدین نوری  
در طهران دیدم و در آخر آن نوشته بود از نویسنده او صدر الدین موسوی عفی عنه :

خلیلی هل من وقفة بالمعاهد      لروعة محزون واسوعة واجد  
وذكری فنید كان للقب واحداً      ورب فؤاد فساقد غیر واحد  
وصلت فلما جاءك الصب طائماً      هجرت فهل يوم الوصال بعائد  
بعیشك هل شاهدت بعد افتراقا      من البین ما شاهدت ام لم تشاهدی  
فعودی سلیمأ اسلموه الی الرقی      وعودی علی (شاك قليل العوائد)  
اعیدی لجفنی الغمض ثانی مرة      لعل به طیف الخیال معاودی  
۴ - در تکمله امل الامل ( ص ۲۴۲ ) می فرماید :

برخی از اشعار او را بخط وی در پشت یکی از کتابهایش دیدم و آن ابن  
ابیات بود :

الی علی وزعیم اللوی      یوم الوغی والعلم الشامخ  
ابی السراة الانجین الولی      خصوا فنون الشرف الباذخ  
اولی المزایا الغرأ عباؤها      ینسوء فیها قلم الناسخ

جاءت تجوب اليبس سيارة      تهوى هوى المرقد الصارخ  
 قد ايقنوا منه بجزل الحصا      ان علياً ليس بالواضح  
 ۵ - در تکمله امل الامل (ص ۲۴۳) دو بیت زیر را از مرحوم آقای صدر نقل می کند :

قوم اذا هموا بغسل ثيابهم      جعلوا السدوع ملاساً وثيابا  
 واذا اتاهم سائل لدروعهم      لبسوا البيوت وزوروا الابوابا  
 ۶ - در اعيان الشيعه قصيده معروف به « الرحله » را نقل فرموده که در ضمن تألیفات آن مرحوم به آن اشاره کردیم .

عبادت و بندگی مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی : مرحوم آقا سید صدر الدین یکی از عباد و زهاد زمان خود بلکه از جمله معابدترین و پرهیز گارترین علماء بوده است درباره عبادات او داستانها گفته شده از آن جمله :

مرحوم آقا سید حسن صدر در تکمله (ص ۲۲۹) از قول مرحوم شیخ عبدالعالی اصفهانی ( شیخ عبدالعلی اصفهانی نجفی) عالم فاضل جلیل اوائل عمر درك محضر میرزای قمی نموده و در نجف خدمت صاحب جواهر رسیده و ظاهراً تا اواخر قرن سیزدهم و شاید اوائل قرن چهاردهم را نیز درك کرده باشد . از شیخ صاحب جواهر و شیخ انصاری روایت می کند (ص ۴۱۴) بزرگان و دانشمندان اصفهان - (ص ۱۱۳۷ نقباء البشر سوم) در نجف از مدرسین بوده و از جمله شاگردان اوست مرحوم میرزا محمود بن حسن بن میرزا خلیل طبیب رازی نجفی (ص ۳۹۸ دوم معارف الرجال) .

می نویسد که شیخ مرحوم گفت : شبی از شبهای ماه مبارک رمضان در حرم مطهر علوی علیه السلام بودم که مرحوم آقا سید صدرالدین مشرف گردید و پس از زیارت در پشت ضریح مقدس نشسته و بخواندن دعای ابو حمزه ثمالی مشغول

گردید و من در نزدیکی او بودم .

بخدا قسم از جمله : « الهی لا تؤدبنی بعقوبتك » اول دعا رد نشد مگر آنرا خواند و گریست تا آنکه بیهوش شده بر زمین افتاد و او را در حال بیهوشی از حرم بیرون بردند .

آری چنین است حال عارفین بحق و عاشقان خدا . سید بزرگوار به اجداد کبارش ائمه اطهار علیهم السلام تاسی فرموده که در دعا و مناجات از خود بیخود میشدند و بحال بیهوشی و غش در می آمدند .

و همو گوید ( شیخ عبد علی ) آن مرحوم را دیدم که در حال گریه و زاری و مناجات می گفت :

رضاک رضاك لا جنات عدن      وهل عدن تطیب بسلا رضاك

همسران مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی :

مرحوم آقا سید صدرالدین زنان متعدد بهقد دائمی و موقت اختیار نموده و از برخی از آنان اولاد پیدا کرده است . از همسران ایشان آنچه در کتب ذکری بمیان آمده بقرار زیر است :

۱ - دختر مرحوم آقا سید ابوالحسن خوشمزه اصفهانی نجفی .

مرحوم آقا سید حسن صدرالدین کاظمینی در تکمله امل الامل ( ص ۲۴۷ ) می نویسد :

که مرحوم آقا سید صدرالدین علویه دختر سید ابوالحسن خوشمزه را ازدواج فرمود .

علامه طهرانی در الکرام البرره ( ص ۳۰ یکم ) ویرا عنوان فرموده و گوید : از علماء بزرگوار ساکن کاظمین و مخصوصاً در حکمت و ادب صاحب نظر بوده و بمناسبت ظرافت طبع و شیرینی گفتار به : خوش مزه شهرت داشته و از

معاصرین و از معاصرین مرحومین شیخ اسدالله کاظمینی و سید عبدالله شبر بوده  
و تا سال ۱۲۲۲ زنده بوده است .

کتب زیر از تألیفات اوست :

۱ السروریه و آن کتاب کوچکی است که در آن بعضی از مطالب که سبب  
شادی و سرور مؤمن بشود را ذکر فرموده است .

آغاز: احلی النکات التي بها تفرح قلوب المؤمنين حمد الله سبحانه على الامر...  
علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۱۷۸ دوازدهم ) می فرماید نسخه آنرا نزد  
شیخ عباس ( ابن حاج ملا حاجی ) طهرانی در کربلا دیدم .

۲ - واجبات الصلاة: آنرا در زمان حیات مرحوم آقا میر سید علی صاحب  
ریاض المسائل و از فتاوی آن مرحوم جمع آوری فرموده است .

نویسنده گوید : بظن قوی مشارالیه از شاگردان صاحب ریاض بوده است .  
لطیفه ای از آن مرحوم: مرحوم تنکابنی در قصص العلماء ( ص ۱۸۸ ) می نویسد:  
دروقتی از اوقات آنجناب ( شیخ جعفر نجفی ) خواست که با اصحاب اطیاب  
از شهر بزیارت ارواح وادی السلام رفته باشد پس با جمعی سوار شده روانه  
شدند .

از آنجمله میرزا ابوالحسن نامی بود ملقب بخوشمزه او بر حماری سوار  
و در خدمت آن بزرگوار از دروازه بیرون رفتند همه بسمت وادی السلام میرفتند  
و میرزا ابوالحسن براهی دیگر روانه شد شیخ جعفر آواز داد که از آن راه بکجا  
میروی ؟

میرزا ابوالحسن عرض کرد که مرا معذور دارید که دراز گوش من مجتهد  
و خود رأی است بهر کجا که خواهد و میل اوست می رود . جناب شیخ بخندید .  
نویسنده گوید : از این داستان اولاً موقعیت مرحوم آقا میرزا ابوالحسن در

نزد مرحوم شیخ جعفر نجفی روشن میشود و ثانیاً احتمال شاگردی وی نزد مرحوم شیخ نیز میرود .

۲ - دومین عیال مرحوم آفای صدر (بر حسب حروف نهجی و اولین بر حسب تقدم زمانی) مخدره جان جان خاتون دختر مرحوم شیخ الطائفه شیخ جعفر نجفی می باشد که مادر بیشتر اولاد آن مرحوم است .

۳ - زوجه ای از اهل یزد بطوریکه در تکمله امل الامل (ص ۲۳۷) می نویسد : در مسافرت به ایران پس از تشرف بخراسان و زیارت آن مرقد مقدس و بوسیدن عتبه مقدس بقصد مراجعت از راه یزد حرکت نمود . مردم یزد از او تقاضا کردند که در یزد سکونت فرماید پس مرحوم صدر مدت زمان کمی در آنجا مانده و زنی اختیار فرمود .

سال ورود به یزد را نمی نویسد و نام این مخدره و اولاد آن را اگر یافته باشد ذکر نمی کند .

۴ - زوجه دائمیه ای که مادر علامه جلیل آقا سید اسماعیل صدر است و با پسر به اعتاب مقدسه هجرت نموده و در آنجا وفات یافته است در مکارم الاثار (ص ۱۳ یکم) گوید اهل یزد بوده است .

این مخدره ظاهراً اهل اصفهان است و مرحوم الفت می نویسد منقطعه لکن در این مقام قول مرحوم صدر فرزند مشار الیها بر دیگر اقوال مقدم است، که اهل البیت ادری بما فی البیت .

۵ - زنان دیگری ظاهراً همه به عقد انقطاع .

پسران مرحوم آقا سید صدرالدین محمد عاملی علیه الرحمه: مرحوم آقا سید صدرالدین از زنه های متعدد دائمی و موقت جمعاً دارای هشت نفر فرزند پسر بشرح زیر بوده است :

- ۱ - سید ابو جعفر خادم الشریعه .
  - ۲ - سید ابوالحسن .
  - ۳ - سید اسماعیل که ظاهراً در کودکی فوت شده است .
  - ۴ - علامه فقیه زاهد آقا سید اسماعیل صدر از مراجع تقلید .
  - ۵ - آقا سید محمد تقی که او نیز احتمالاً قبل از سن تمیز وفات یافته است .
  - ۶ - آقا سید حسین .
  - ۷ - آقا سید علی .
  - ۸ - علامه فقیه ادیب آقا سید محمد علی معروف به آقا مجتهد .
- از این فرزندان هشتگانه اعلم واشهر مرحوم آقای صدر می باشد که از مراجع تقلید بوده و پس از او مرحوم آقا مجتهد و از آن پس مرحوم آقا سید ابوجعفر و ظاهراً آقا سید ابوالحسن و آقا سید حسین و آقا سید علی گرچه همگی اهل زهد و عبادت و صلاح و تقوی بوده اند لکن در مراتب علمی چندان شهرتی ندارند .
- ۱ - سید ابوجعفر خادم الشریعه

مرحوم آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه عالم فاضل متقی مادرش دختر علامه فقیه حاج شیخ جعفر نجفی بوده است در حدود سال ۱۲۴۵ متولد و نزد علماء اصفهان و نجف تحصیلات خویش را بی پایان رسانیده و بدامادی استادش مرحوم حاج سید اسدالله شفتی نجل جلیل سید حجة الاسلام مفتخر گردیده برخی از مکتوبات خود را بنظر استاد رسانیده و مرحوم سید ثانی تقریظی بر آن نوشته و ویرا در آن مدح و ثناء گفته است ، از علماء بزرگوار و محترم اصفهان بسوده در سال ۱۳۲۴ وفات یافته در قبرستان تخت فولاد مدفون گردید و برای او تکیه و بقعه ای مجلل بنا کردند مساده تاریخ فوت او « شده طیار سوی کوی حق روح ابوجعفر» می باشد، وی از زنان متعدد چندین فرزند یافته بدینقرار: ۱ - حاج آقا



حسن ۲ - مرحوم آیت الله حاج آقا حسین ۳ - حاج آقا شمس الدین ۴ - آقا صدر الدین ۵ - آقا سید علی ۶ - آقا نورالدین .

ویکی از صباای اوزوجه مرحوم آقا سید محمد خواجهی معروف به سید آقا جان از ائمه محله خواجه فرزند سید محمد صادق شاگرد و داماد مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی فرزند آقا سید محمد حسینی بود مرحوم آقا سید آقا جان پس از فوت در بقعه مرحوم آقا سید ابو جعفر مدفون گردید (ص ۶۷ و ۶۸ دانشمندان و بزرگان اصفهان - ص ۸۵ رجال اصفهان - ص ۱۶۹ ششم اعیان الشیعه ص ۴۱ نقباء البشر) .

علامه طهرانی در مستدرکات جلد چهارم نقباء البشر ( ص ۴ ) می نویسد : آن مرحوم داماد میرزا عبدالوهاب بن میرمحمد مهدی بن سید حجة الاسلام اصفهانی بوده است ( انتهى ) . وی همچنین داماد مرحوم میرزا فضل الله صدر الشریعه فرزند میرزا نصیر ملاباشی بوده و مرحومین حاج آقا شمس الدین و حاج آقا حسین خادمی از این مخدره می باشند .

۲ - سید ابوالحسن عاملی اصفهانی

عالم فاضل حسیب نسیب زاهد قانع .

علامه طهرانی از قول مرحوم علامه حاج سید اسماعیل صدر برادر آن مرحوم در نقباء البشر (ص ۴۷) میفرماید : عالم متقی و عابد زاهد و از تقوای او و توجهش بعبادت ستایش مینموده ، فوت آن مرحوم پس از سال ۱۳۰۰ در اصفهان رویداده و منزل مشارالیه در کوچه میرزا اسدالله طبیب در بازارچه شاطرباشی جنب مسجد سید قرار داشته است .

مادر مشار الیه بنا بقول مرحوم الفت ( ص ۲۶ اعلاط در انساب ) منقطه بوده است .

مرحوم آقا سید ابوالحسن تولیت مزار کثیر البرکات امامزاده واجب التعمیم  
والتکریم جناب شاهزاده ابراهیم از اعقاب حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام  
واقع در محله مستهک رداشته است .

فرزندان متعدد از پسر و دختر داشته که از آنجمله :

مرحوم حاج سید علی نقی تولیت امامزاده نامبرده راپس از پدر بعهده گرفته  
و بعد از او مرحوم آقا سید اسدالله مستجانی فرزند  
سید ابوالحسن متصدی امر توایت گردید .

یکی از دختران مرحوم آقا سید ابوالحسن زوجه فاضل مرحوم آفاسید علی  
ابن آفا سید محمد حسین موسوی گنجهای اصفهانی بوده که فرزندان چندی  
داشته از آنجمله مرحومین آفاسید حسن و آفا سید محمد ( معروف به قباہ دعائی  
بجهت سکونت آنها در آن محله ) مانند پسر و عموی خود سید محمد باقر  
گنجهای مؤلف روض الجنان اهل منبر و وعظ بودند رحمة الله عليهم اجمعین .

مرحوم آفا اسدالله مستجابی سید فاضل محترم در  
تکبه مرحوم حاج آفا محمد مقدس بیدآبادی مدفون گردید .

برادر او مرحوم آفا میرزا ( سید صدر الدین ) نیز از فضلاء اهل منبر در  
اصفهان بود و پس از فوت در تکبه مرحوم حاج آفا مجلس مدفون گردید .

### ۳ - سید اسماعیل

مرحوم آفا سید صدرالدین عاملی در ماه شوال سال ۱۲۳۲ ده جلد از مجلدات  
کتاب بحار الانوار را برای او و چند نفر از دختران خود وقف نموده است .  
مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار ( ص ۱۳ یکم ) احتمال داده است  
که این فرزند از فرزندان مرحوم آقای صدر در زمان حیات پدر بزرگوار خود

وفات یافته وبهمن مناسبت مرحوم آقا سید صدرالدین فرزند دیگری از اولاد خود را همنام او اسم گذاری کرد و او علامه جلیل مرحوم حاج سید اسماعیل صدر میباشد.

#### ۴ - حاج سید اسماعیل صدر

علامه فقیه زاهد مرحوم حاج سید اسماعیل فرزند مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی اصفهانی حائری کاظمینی رحمه الله علیه .

در سال ۱۲۵۸ در اصفهان متولد گردید و شش ساله بود که پدر بزرگوارش در نجف اشرف رحلت فرمود وی در تحت تربیت برادر دانشمند خود محترم مرحوم آقا سید محمد علی آقا مجتهد بزرگ شده و در اصفهان خدمت او و مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی شوهر خواهر خود و جمعی دیگر تحصیل کرده و مقدمات و سطوح و پس از تکمیل سطوح عالیّه فقه و اصول و حضور در جلسات خارج جهت ادامه تحصیل در سال ۱۲۸۱ رهسپار اعتبار مقدسه گردید . در کربلا خبر فوت مرحوم شیخ الطائفه شیخ اجل جناب شیخ مرتضی انصاری را شنیده (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ شب ۱۸ ج ۲) و از اینکه توفیق حضور در محضر شیخ بزرگوار را نیافته بسیار متأسف و محزون گردید . در نجف بـدـرس اساتید معروف : مرحوم شیخ راضی فقیه عراق نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء و آقا میرزا محمد حسن شیرازی حاضر شده تا سال مهاجرت جناب میرزا از نجف به سامراه در خدمت ایشان بوده و بعداً جزو مهاجرین اولیه از علماء که بقصد حضور خدمت آن مرحوم به سامراه هجرت کردند وی نیز مهاجرت فرمود و از محضر آن استاد بزرگوار کامیاب و خود نیز حوزه درس و مباحثه داشته و در سالهای آخر عمر جناب میرزا که آن مرحوم بعلت کثرت مراجعات و ضعف مزاج و بیماری کمتر درس میفرموده طلاب و دانشجویان را به سه نفر از علماء بزرگ از شاگردان خود

مراجعه داد و آنان عبارت بودند از : مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی و آقا سید محمد فشارکی اصفهانی و مرحوم آقای صدر صاحب عنوان ( ص ۱۱۶ یکم معارف الرجال ) .

پس از فوت مرحوم میرزای شیرازی مرجعیت شیعه و امر تقلید به ایشان و مرحوم میرزای دوم شیرازی محول و مرجوع گردید ( مرحوم آقا سید محمد فشارکی از نهایت زهد و تقوی از زعامت و ریاست اعراض داشته و مایل به این امر نبوده است ) مرحوم آقای صدر در سال ۱۳۱۴ به کربلا مهاجرت کرده و بتدریس و اقامه جماعت و وعظ و رسیدگی به امور طلاب و فقراء و تقسیم وجوهات شرعیه بین مستحقین پرداخته و در اواخر عمر از کربلا به کاظمین مهاجرت نموده در آن شهر مقدس مجاور گردیده و سرانجام در دوشنبه ۱۸ ( مکرم الاثار ) یا ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۳۸ در کاظمین وفات یافته در رواق مطهر ( قسمت شرقی ) برابر حجره ای که ابن قولویه ( ابن قولویه قمی ) مدفون است دفن شد رحمة الله علیه .

زوجه آن بزرگوار دختر مرحوم آقا سید هادی بن سید محمد علی عاملی بوده و از ایشان چهار پسر و یک دختر بجای ماند :

۱ - مرحوم آقا سید محمد جواد

۲ - مرحوم آقا سید حیدر

۳ - مرحوم آقا سید صدرالدین صدر

۴ - مرحوم آقا سید مهدی

۵ - علویه زهرا بیگم زوجه شیخ عبدالرضا آل یسن از علماء نجف از اولاد

مرحوم شیخ محمد آل یسن ( ۱۵۶۶ پنجم مکرم الاثار ) .

تذکر : در ریحانة الادب ( ص ۴۶۲ دوم ) وفات را روز سوم جمادی الاولی

سال ۱۳۳۷ می نویسد که هم روز و هم سال فوت اشتباه است و مرحوم معلم حبیب

آبادی در نمونه مختصر المکارم (نسخه خطی نگارنده) روز ۱۲ می نویسد .  
و چون مطابق تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله غره جمادی الاولی روز پنج  
شنبه بوده است بنابراین فوت روز دوشنبه بوده است و با هیجدهم سازگار نمیباشد.  
اسامی تألیفات مرحوم آقای صدر : مرحوم آقای سید اسماعیل تألیف مستغلی  
در فقه و اصول نغمه و آنچه از ایشان باقی است خودش فتوائی است بر برخی  
از رسائل عملیه و غیره بدین شرح :

- ۱ - انیس المقلدین رساله عملیه مطبوع بسال ۱۳۲۹ (ص ۴۶۶ دوم الذریعه)
- ۲ - حاشیه بر احکام ایمان رساله عملیه مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی
- ۳ - حاشیه بر جامع عباسی ۴ - حواشی بر متاجر آقا بساقر بهبهانی ۵ - راه  
راست ترجمه صراط المستقیم و آن رساله عملیه فارسی است (ص ۶۳ دهم الذریعه)
- ۶ - الصراط المستقیم ۷ - مفتاح الهدایه فارسی در بمبئی بچاپ رسیده است  
(ص ۳۵۷ بیست و یکم الذریعه) و غیره .

شیخ روایت : علامه طهرانی در نباء البشر (ص ۱۶۰ یکم) می نویسد :  
در جامع الشتات از تألیفات مرحوم محمد همدانی اجازه آن مرحوم (میرزا  
محمد همدانی) را جهت مرحوم آقا سید اسماعیل صدر دیدم که اجازه مبسوطی  
بود مورخ به جمعه غره صفر سال ۱۲۸۳ .

اسامی برخی از شاگردان و مجازین از مرحوم آقا سید اسماعیل صدر علیه  
الرحمه :

- ۱ - سید ابوطالب شیرازی
- ۲ - سید ابوالقاسم بن محمد باقر حسینی دهکردی اصفهانی (ص ۱۱۶ یکم  
معارف الرجال)
- ۳ - علامه فقیه نجاهد حاج سید ابوالقاسم بن سید مصطفی کاشانی (ص ۱۷

## سوم معارف الرجال (

- ۴ - شیخ احمد شاهرودی ( ص ۱۵۶۵ پنجم مکارم الاثار )
- ۵ - حاج شیخ محمد باقر میر حیدری ( مکارم الاثار )
- ۶ - آقا سید محمد جواد بن علامه حاج سید اسماعیل صدر
- ۷ - شیخ محمد حسین طبسی ( معارف الرجال )
- ۸ - علامه آقا میرزا محمد حسین نائینی ( معارف الرجال )
- ۹ - حاج سید حسین بن ابراهیم طباطبائی فشارکی اصفهانی حائری (معارف

## الرجال )

- ۱۰ - شیخ محمد حسین بن محمد خلیل شیرازی ( مکارم الاثار )
- ۱۱ - سید حیدر بن علامه حاج سید اسماعیل صدر
- ۱۲ - سید محمد رضا پشت مشهدی کاشانی ( معارف الرجال )
- ۱۳ - سید شرف الدین عاملی ( ریحانة الادب ص ۴۶۲ دوم )
- ۱۴ - سید صدر الدین بن علامه حاج سید اسماعیل صدر
- ۱۵ - شیخ عبدالحسین آل یسن کاظمینی ( معارف الرجال )
- ۱۶ - مرحوم میرزا علی آقا فرزند مرحوم میرزای مجدد شیرازی ( معارف

## الرجال )

- ۱۷ - سید علی سیستانی ( معارف الرجال )
- ۱۸ - شیخ محمد علی بن عباس مروی خراسانی ( معارف الرجال )
- ۱۹ - شیخ غلامحسین مرندی ( معارف الرجال )
- ۲۰ - آقا سید محمود مرعشی تبریزی ( معارف الرجال ص ۳۹۶ دوم )
- ۲۱ - آقا شیخ موسی کرمانشاهی حائری ( مکارم الاثار )
- ۲۲ - سید محمد مهدی بن علامه حاج سید اسماعیل صدر

۲۳ - شیخ محمد هادی بیرجندی ( معارف الرجال )

۵ - سید محمد تقی عاملی اصفهانی

علامه طهرانی در الکرام البرره ( ص ۲۱۹ یکم ) ویرا به :  
عالم فاضل ستوده و گوید پدرش کتاب قره العین را بنام او تألیف فرموده  
(همانگونه که در ضمن مؤلفات مرحوم آقای صدر بآن اشاره کردیم) و به او برادرش  
آقا سید محمد علی آقا مجتهد و سید علی فرزند دیگرش در سال ۱۲۴۷ قطعه‌ای  
از کتاب شرح من لا یحضره الفقیه را واگذار نموده است .

همچنین علامه طهرانی می‌نویسد :

سید محمد تقی معروف به آقا مجلسی .

۶ - آقا سید حسین عاملی

( ..... - ۱۳۳۱ )

فرزند مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی .  
مادر او با مادر آقا سید ابوالحسن یک نفر است (ص ۱۳ یکم مکارم الاثار) .  
مشار الیه تولیت امامزاده واجب التعظیم والتکریم جناب امامزاده احمد را  
داشت . ( در قسمت شرح حال مرحوم حاج شیخ محمد تقی نجفی معروف به آقا  
نجفی اجمالا اشاره‌ای به جناب امامزاده احمد می‌کنیم طالبین مراجعه فرمایند) .

۷ - سید علی عاملی اصفهانی

فرزند دیگری است از مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی که در سال ۱۲۴۷  
پدر بزرگوارش قطعه‌ای از شرح من لا یحضره الفقیه را به او ودو برادرش :  
آقای سید محمد تقی - و آقا سید محمد علی آقا مجتهد واگذار نموده است (ص  
۲۱۹ یکم الکرام البرره) .

نویسنده بیشتر از این از حالات او آگهی ندارد .

۸ - آقا سید محمد علی آقا مجتهد

شرح حال آن علامه فقیه در بخش سوم کتاب نوشته خواهد شد طالبین  
مراجعه فرمایند .

دختران مرحوم آقای صدر و دامادهای ایشان : مرحوم آقا سید صدر الدین  
از زنان متعدد خود دختران زیادی یافته که اینک بنام شش تن از آنان که از  
آنها آگهی داریم اشاره می کنیم :

۱ - علویه حبیبه بیگم از دختر مرحوم شیخ جعفر کبیر نجفی زوجه علامه  
مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی ( ۱۲ - ۱۳۱۸ ) شرح حال اجمالی  
مرحوم چهارسوقی در فصل سوم نوشته خواهد شد .

۲ - علویه زمزم بیگم از دختر مرحوم شیخ الطائفه عیال مرحوم حاج شیخ  
محمد باقر مسجد شاهی .

۳ - علویه زهرا بیگم از دختر مرحوم شیخ اکبر جناب شیخ جعفر نجفی  
زوجه مرحوم مولی صالح جو بیاره‌ای در اعیان الشیعه ( ص ۲۳۵ چهل پنجم )  
گوید : كانت فاضلة عالمة لها تعلیقة علی شرح اللمعة .

۴ - علویه فاطمه بیگم از دختر مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی زوجه  
مرحوم میرزا محمد تقی خاتون آبادی .

۵ - علویه فاطمه بیگم ( دختری از زوجه دیگری از مرحوم آقای صدر )  
زوجه مرحوم شیخ عبدالهادی قاضی بیدآبادی اصفهانی .

۶ - علویه مریم بیگم مشهور به جان جان بیگم زوجه مرحوم شیخ محسن

دزفولسی .



غیر از این دختران شش گانه که ذکر کردیم نیز ممکن است مرحوم آقا سید صدرالدین دختر یا دختران دیگری نیز داشته باشد که اسامی آنها و شوهرانشان فعلاً بر نویسنده مجهول است .

تذکر : پس از فوت مرحوم شیخ محسن دزفولی مخدره علویسه نامبرده در همان شهر شوهری بنام ملا محمد شریف دزفولی انتخاب نمود .  
دامادهای مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی رحمة الله علیه :  
مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی دارای شش نفر دختر و هفت نفر داماد  
بشرح زیر میباشد :

نویسنده نام اصهار جلیل آن بزرگوار را بر حسب حروف تهجی ثبت نمود :

- ۱ - حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی .
- ۲ - آقا سید محمد تقی خاتون آبادی ساکن حسین آباد .
- ۳ - ملا محمد شریف دزفولی .
- ۴ - مولی محمد صالح جویناره ای ( ترجمه ایشان در جلد سوم مذکور است ) .
- ۵ - مرحوم شیخ عبدالهادی قاضی .
- ۶ - مرحوم آقا شیخ محسن دزفولی .
- ۷ - علامه فقیه مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی ( ترجمه ایشان در جلد سوم مذکور است ) .

این دامادهای هفتگانه غیر از نفرات سوم و ششم که از اهالی دزفول میباشند بقیه همگی از علماء اصفهان و از خاندانهای علمی و روحانی این شهر میباشند  
رحمة الله علیهم اجمعین .

شرح حال نسبتاً مبسوط علامه فقیه مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی  
بعداً نوشته خواهد شد انشاء الله .

۲ - میرزا محمد تقی حسینی خاتون آبادی

داماد مرحوم آقا سید صدرالدین از دختر مرحوم کاشف الغطاء نجفی .

معروف آنست که وی بقصد دامادی مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد  
شاهی بایشان مراجعه نمود و آن مرحوم بجای دختر خود خواهر زن خویش را  
بدان مرحوم بزوجیت داد بنابراین باید سال ازدواج پس از ۱۲۶۴ یعنی سال  
فوت مرحوم آقای صدر باشد .

۳ - ملا محمد شریف دزفولی

داماد آقا سید صدر الدین عاملی .

علویه مریم بیگم پس از فوت شوهر اولیه خود مرحوم شیخ محسن بن  
اسماعیل دزفولی به مولی محمد شریف شوهر نمود .

۵ - شیخ عبدالهادی قاضی بیدآبادی

شیخ عبدالهادی قاضی اصفهانی از خاندان مشایخ چهارسوق علی قلی آقا  
و ظاهراً از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام بوده و در مسجد  
علی قلی آقا امامت میکرده است .

وی داماد مرحوم آقا سید صدرالدین محمد عاملی است .

مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم قاضی بانی شبستان بزرگ مسجد علی قلی آقا  
در سال ۱۲۹۷ و پدر زن مرحوم حاج آقا مجلس بن سید ابو جعفر خادم الشریعه  
ابن آقا سید صدر الدین عاملی نواده آن مرحوم است که پس از فوت پدرش  
مرحوم میرزا عبدالرحیم قاضی عنوان قضاوت یافته و پس از وفاتش (سال ۱۳۱۷)  
برادرش مرحوم میرزا محمد حسن بن میرزا عبدالرحیم بن شیخ عبدالهادی  
این عنوان و سمت را پیدا نمود و با مشروطه شدن ایران این سمت و عنوان همچون  
دیگر مناصب روحانی از شیخ الاسلامی و ملا باشیگری و سپس امامت جمعه از

بین رفت .

فائده : مشایخ بیدآباد از اولاد شیخ زاهد گیلانی عارف مشهور و مشایخ چهارسوق علی قلی آفا که حدود چهار سو درب شیخ (شیخ ابو مسعود) سکونت داشته اند از اعقاب علامه مولی محمد باقر سبزواری صاحب ذخیره و کفایه می باشند.

#### ۶ - شیخ محسن دزفولی

فرزند حاج اسماعیل برادر شیخ اسدالله صاحب مقایس و خود داماد مرحوم آقا سید صدر الدین محمد عاملی بوده از علماء بزرگوار و مراجع در ناصحیه خوزستان بوده است .

در فوائد الرضویه ( ص ۳۷۲ دوم ) می نویسد :  
چون خواست دختر مرحوم آقای صدر را بزوجیت اختیار کند مرحوم صدر باو فرمودند که :

من دختر خود را بکسیکه مجتهد باشد میدهم اگر تو مجتهدی چندی در این جا ( اصفهان ) باش تا اجتهادت را بدانم . پس شیخ محسن مدتی مرحوم شیخ محسن در اصفهان ماند تا بر مرحوم آقا سید صدرالدین اجتهاد او ثابت شد .  
در فوائد الرضویه گوید پس آنگاه مرحوم آقا سید صدرالدین دختر خود را که موسوم به مریم بیگم بود بمقد ازدواج او در آورد و شیخ حسن بن محسن از این مخدره زائیده شد .

در اعیان الشیعه ( ص ۱۷۳ چهل وسوم ) گوید :  
کان فقیهاً مرجعاً فی الشرعیات ببلاد خوزستان . از مرحوم حاجی کرباسی وسید بحر العلوم وصاحب ریاض و مرحوم کاشف الغطاء روایت می کند و از تألیفاتش :  
۱ - حاشیه معالم ۲ - شرح ارشاد را نام میبرد و وفات ویرا سال ۱۲۴۹ می نویسد .  
اسامی برخی از اعقاب و منتسبین به مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی علیه

الرحمه : عموم اعقاب و نوادگان و نبیرگان مرحوم آقای صدر از علماء و فضلاء و ادباء بوده و در اصفهان و قم و عراق از معاریف دانشمندان بشمار رفته و میروند .  
ذیلا بنام عده‌ای از آنها بر حسب حروف تهجی اشاره می‌کنیم :

۱ - بانو آمنه بنت الهدی دختر سید حیدر بن علامه حاج سید اسماعیل ابن صدرالدین عاملی از ادباء و نویسندگان در ۱۳۵۶ متولد و در ربیع الثانی سال ۱۴۰۰ بدست دژخیمان حکومت بعثی عراق در زندان شهید شده از آثار او مقالاتی به امضاء : بنت الهدی در نشریات و مجلات نجف اشرف بطبع رسیده و جز آنها کتابهای : ۱ - الفضیلة تنتصر ۲ - کلمة ودعوه ۳ - المرأة مع النبی صلی الله علیه وآله وسلم بچاپ رسیده است ( ص ۲۷۵ معجم رجال الفكر والادب ) .

مرحوم آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه و دیگر برادران ایشان قبلا ذکر شدند.

۲ - مرحوم آقا سید ابوالحسن بن سید مهدی بن حاج سید اسماعیل بن سید صدرالدین عاملی اصفهانی عالم فاضل جلیل در سال ۱۳۲۰ در کاظمین متولد گردیده و نزد علمای کاظمین و کربلا تحصیل کرده و در اواخر عمر به اصفهان مهاجرت نموده و در محله چهار سوق علی قلی آقا ساکن و مورد توجه و عنایت اهل محل قرار گرفته در مسجد علی قلی آقا اقامت مینمود سرانجام در شب ۲ شنبه ۲۲ شوال سال ۱۳۹۸ در اصفهان وفات یافته جنازه آن مرحوم به اعتبار مقدسه حمل گردید .

برادرانش سید محمد صادق متولد در ۱۳۲۴ و سید محمد جعفر متولد در ۱۳۲۵

در کاظمین می‌باشند ( ص ۱۱۷ یکم معارف الرجال ) .

۳ - مرحوم آقا سید محمد باقر بن سید حیدر بن علامه حاج سید اسماعیل صدر عالم فاضل ادیب فقیه نویسنده محقق متبع از بزرگان علماء و مؤلفین و مفاخر اسلام و مسلمین فیلسوف متفکر جلیل در سال ۱۳۵۰ در خاندان علم و اجتهاد متولد

گردیده و شب چهارشنبه ۲۳ جمادی الثانیه سال ۱۴۰۰ بدست دژخیمان حزب بعث عراق در زندان بمرتبہ رفیعہ شہادت نائل گردیده و اسلام و مسلمین ازداشتن چنین عالمی آگاہ و بیدار و متفکری تیزبین و روشندل محروم گردید خداوند تبارک و تعالی او را با اجداد کبارش محشور فرماید ، وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون .

کتاب زیر از تألیفات اوست : ۱ - الاسس المنطقیه ۲ - اقتصادنا در دو مجلد (بفارسی ترجمه شده) ۳ - انقلاب ۴ - بحوث الفقه بقلم یکی از شاگردان ایشان ۵ - بررسی ماتریالیسم تاریخی (فارسی) ۶ - البنک اللاربوی ۷ - بینش اجتماعی اسلام (فارسی) ۸ - دلیل علمی استقرائی برای اثبات وجود خدا (فارسی) ۹ - غایة الفکر در اصول ۱۰ - الفتاوی الواضحه ۱۱ - فک فی التاریخ بفارسی ترجمه شده بنام نقش فک در تاریخ ۱۲ - فلسفه الاحتمال ۱۳ - فلسفتنا از معروفترین و مهمترین تألیفات آن مرحوم ۱۴ - گامی در مسیر (فارسی) ۱۵ - المدرسه الاسلامیه ۱۶ - مهدی (فارسی) ۱۷ - نقش پیشوایان شیعه در بازسازی جامعه (فارسی) ۱۸ - نقش عبادت در سازندگی انسان ۱۹ - نظریة الحق والملك بقلم یکی از شاگردان ایشان ۲۰ - نهضت و انقلاب مهدی علیه السلام (فارسی) ۲۱ - ولایت از دیدگاه عقل و فطرت (فارسی) و غیره .

توضیح : کلیه مؤلفات مرحوم آقای صدر عربی است و آنچه نوشته ایم فارسی ترجمه برخی از کتابها یا فصلی از یکی از تألیفات ایشانست .

۴ - مرحوم حاج میرزا بهاء الدین بن آقا سید محمد علی آقا مجتهد .  
عالم فاضل شاعر ادیب از فضلاء خاندان آل سید صدر الدین در اصفهان بوده مادرش دختر مرحوم سید حجة الاسلام است . در حال کودکی یتیم شد و در تحت مراقبت دائی خود مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی رشد یافته و تربیت

شد نزد فضلای این شهر ودائی خود تحصیل نمود سر انجام در سال ۱۳۲۱ در اصفهان وفات یافته در مقبره كوچك مسجد سيد اصفهان مدفون گردید و از او يك پسر و يك دختر بجای ماند :

۱ - مرحوم آقا وجه الله سيد حسيب نجيب حدود سال ۱۳۵۰ در اصفهان بدون اولاد وفات یافته در مقبره مسجد سيد مدفون گردید .

۲ - علویه زوجه عالم فاضل مرحوم آقا مير سيد حسن دوم مدرس مير محمد صادقی فرزند مرحوم آقا مير محمد تقی بن علامه مير سيد حسن مدرس معروف متوفی شب جمعه پنجم جمادی الثانيه ۱۳۸۲ مدفون در بقعه پدر وجد در جنب مسجد رحيم خان مؤلف شرح حال مرحوم آقا مير محمد تقی مطبوع در مقدمه: الرسائل التقويه فی المسائل الفقيهه ، مجموعه چند رساله از مرحوم آقا مير محمد تقی مدرس .

۵ - آقا جمال الدين صدرزاده فرزند مرحوم آقا سيد علی بن سيد ابوالحسن ابن علامه سيد صدر الدين عاملی از فضلاء محترم وقضات عالی رتبه وزارت دادگستری در طهران بود در سالهای اخير فوت شده و در امامزاده شاهزاده ابراهيم در محله مستهلك مدفون گردید .

۶ - سيد جمال واعظ فرزند سيد عيسى بن سيد محمد علی بن سيد صالح موسوی عاملی همدانی اصفهانی از واعظ معروف و خطباء مشهور و از بنیان گزاران مشروطه ایران است .

در حدود سال ۱۲۷۹ در همدان متولد گردیده و در شب ۲۶ رجب سال ۱۳۲۶ بدستور محمد علی شاه قاجار در بر و جرد کشته شده و مدفون گردید. وی مؤلف رساله ای است بنام : لباس التقوی که در سال ۱۳۱۸ در شیراز بچاپ رسیده و در نوشتن کتاب رؤیای صادق با جمعی از همفکران خود شریک بوده است گرچه در کتاب:

رهبران مشروطه تألیف آنرا به مجد الاسلام نسبت میدهد . در معارف الرجال ( ص ۲۳۷ یکم ) می نویسد: سید جمال واعظ از حاج میرزا حسین نوری اجازه روایت داشته است .

در کتاب : رهبران مشروطه ( ص ۲۱۸ دوره اول ) می نویسد :

سید جمال بعثت تردامنی و دوستی با چند نفر : « بابی وازلی » به بایبگری متهم شد .

بنظر نویسندگان بهمین دلیل نام او در کتابهای : شهداء الفضیله و نقباء البشر ذکر شده است والله اعلم بحقایق الامور، برای آگاهی بشرح حال او به کتاب رهبران مشروطه و دیگر کتب مربوطه مراجعه فرمائید .

۶ - آقا سید محمد جواد بن سید اسماعیل بن علامه سید صدرالدین عاملی در سال ۱۳۰۱ متولد و نزد علمای نجف و کاظمین همچون سید ابوالحسن طالقانی و آقا سید حسین فشارکی و مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی و شیخ مهدی مرایاتی بغدادی ( معارف الرجال ص ۱۱۸ یکم تحصیل کرده است ) .

در تکلمه امل الامل ( ص ۱۰۶ ) در باره او می نویسد :

فیلسوف عصره فی التدقیق والتحقیق وجودة الفکر والعلم بالفقه والاصول والتاریخ وایام السلاطین والمسالك والمحالك .

در نقباء البشر ( ص ۳۲۰ یکم ) می نویسد :

كان من العلماء الابرار والصلحاء الاتقياء، در ۲۵ شوال سال ۱۳۶۱ وفات یافت .

۷ - حاج سید محمد جواد بن آقا سید محمد علی آقا مجتهد عاملی اصفهانی معروف به حاج سید محمد جواد مسجد شاهی بعثت سکونت آن مرحوم در آن محله .

در اصفهان و نجف اشرف در نزد علماء بزرگوار همچون حاج شیخ محمد

باقر مسجد شاهی و حاج شیخ محمد حسین بن شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی و دیگران تحصیل مراتب علم و عمل نموده تا بمقامات عالیه علم و ایقان رسیده در مدرسه ملا عبدالله اقامه جماعت و تدریس مینمود . وی از جمله مؤسسين انجمن صفا خانه اصفهانست و در مجله : الاسلام نشریه انجمن مذکور مقالانی از او بچاپ رسیده است در الذریعه ( ص ۱۳۵ یازدهم ) از جمله مؤلفات مرحوم علامه شیخ الشریعه اصفهانی کتابی بنام : « رساله فی بطلان العمل بالاحتیاط فی بعض الفروع » می نویسد که آنرا در جواب اشکال مرحوم سید محمد جواد بن آقا مجتهد نوشته است .

وی در سال ۱۳۴۷ در اصفهان وفات یافته در بیرون بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون گردید ماده تاریخ وفاتش را مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری ضمن قطعه ای گفته است :

یکی بیامد و تاریخ این معما گفت جواد حجة الاسلام رفته از دنیا

۱۳۴۷ - ۱ ، ۱۳۴۶

رفع اشتباه : نویسنده سطور در کتاب : « رجال اصفهان » صفحه ۷۸ تاریخ فوت آن مرحوم را سال ۱۳۵۷ نوشته که اشتباه چاپی است و در غلطنامه نیز ذکری از این اشتباه نکرده بعداً خود بدون توجه این تاریخ را در کتاب : دانشمندان و بزرگان اصفهان ( ص ۱۶ ) تکرار نموده و از آنجا در کتابهای نقباء البشر ( ص ۳۳۶ یکم ) و معجم رجال الفكر و الادب ( ص ۲۷۴ ) و دیگر کتب نقل گردیده است .

خطای دیگر در همین بساره آنکه : ماده تاریخ وفات کلمه ( رفته ) اشتباهاً ( رفت ) بچاپ رسیده و آنها در غلط نامه ذکر نشده است .



در هر حال مرحوم حاج سید محمد جواد عاملی مسجد شاهی از زوجه دائمیه  
خود علویه آغا بیگم دختر عمه خود یعنی دختر مرحوم آقا میرزا محمد تقی  
خاتون آبادی حسینی آبادی دو پسر و سه دختر یافته بدین شرح :

۱ - مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی در اصفهان و نجف تحصیل کرده در  
مدرسه ملا عبدالله اصفهان اقامه جماعت مینمود و در سال ۱۳۶۰ وفات یافته در  
تخت فولاد در جنب قبر پدر و مادر مدفون شد .

۲ - مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم عاملی در سالهای اخیر در طهران ساکن  
و در یکی از مساجد آنجا اقامه جماعت مینمود و در پنج شنبه ۴ جمادی الثانیه  
سال ۱۴۰۱ وفات یافته در صحن نو در مشهد مقدس رضوی مدفون گردید .

۳ - علویه بیگم آغا همسر علامه فقیه مرحوم حاج میر محمد صادق مدرس  
خاتون آبادی .

۴ - علویه زهرا بیگم همسر مرحوم حاج میرزا ابوالفضل خاتون آبادی .

۵ - علویه نازنین بیگم همسر آقا محمد معروف به ضیاء فرزند مرحوم آقا  
شیخ محمد حسن نظام العلماء .

۸ - مرحوم آقا سید حسن صدر الدین کاظمینی فرزند سید محمد هادی بن  
سید محمد علی بن سید صالح موسوی عاملی علامه فقیه رجالی عالم جلیل محقق  
مدقق صاحب تألیفات کثیره از آن جمله : ۱ - تکلمه امل الامل سه جلد  
اول مطبوع و نویسنده در شرح حال بسیاری از بزرگان از این کتاب استفاده  
کامل نموده فجزاه الله عنی وعن جمیع المؤمنین والمسلمین خیر جزاء المحسنین  
۲ - تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام در این کتاب مرحوم علامه صدر از  
روی دلائل قطعی ثابت می کند که علماء بزرگوار شیعه در تمام علوم اسلامی بر  
دیگران در تألیف و تصنیف مقدم می باشند مطبوع ۳ - الشیعه و فنون الاسلام

مختصر کتاب تأسیس الشیعه به فارسی ترجمه شده و متن عربی و فارسی هر دو  
بچاپ رسیده است تعداد تألیفات آن مرحوم هشتاد و دو مجلد کوچک و بزرگ  
می شود .

مرحوم آقا سید حسن صدر الدین در روز جمعه ۲۹ رمضان المبارک ۱۲۷۲  
متولد و در شب ۵ شنبه ۱۱ ربیع الاول سال ۱۳۵۴ وفات یافته در یکی از حجرات  
صحن مطهر کاظمین علیهما السلام در جنب پدر مدفون گردید .  
وی دارای دو فرزند پسر و سه دختر بوده بدین شرح :

۱ - مرحوم آقا سید محمد صدر کاظمینی از علماء و فضلاء و رجال علمی  
و سیاسی در نزد پدر و دیگران تحصیل علوم نموده و در ثورة العراقیه از اعضاء  
مؤثر و فعال بوده و پس از تشکیل دولت عراق بریاست مجلس سنا انتخاب گردید  
مشارالیه در سال ۱۳۰۰ متولد و در شب ۲۱ شعبان المعظم سال ۱۳۷۵ در کاظمین  
وفات یافته در جنب پدر وجد خویش مدفون گردید .

۲ - مرحوم آقا سید علی که از برادر نامبرده فوق کوچکتر بوده و در کاظمین  
و نجف تحصیل نموده و خویشتن رابه سید علی شرف الدین معرفی کرده و چندین  
کتاب و رساله تألیف نموده از آن جمله :

۱ - الابانه من کتب الخزانة در دو جزء در فهرست کتابخانه پدر بزرگوارش :  
تألیف این کتابرا گاهی بنام پدر وزمانی باسم پسر نسبت میدهند و احتمال  
دارد که تألیف از پدر و ترتیب و تنقیح و پاکنویس از پسر باشد همچنانکه علامه  
روضاتی در پاورقی مکارم الاثار ( ص ۲۰۱۹ ) می فرماید :  
شاید اصل تألیف از پدر و جمع و تألیف از فرزند باشد .

۲ - حقیقه کتابی کشکول مانند در فوائد متفرقه و شرح حال برخی از معاصرین  
( ص ۴۷ هفتم الذریعه ) .

سید حسن صدر از مشایخ اجازه: مرحوم علامه سید حسن صدرالدین کاظمینی در زمان خود از مشایخ اجازه بوده و عده زیادی از بزرگان علماء از ایشان اجازه دارند برخی به اجازات مختصر و جمعی به اجازات مفصل که خود تألیفی از مؤلفات آن مرحوم بشمار میرود. ذیلاً بنام برخی از مجازین از آن مرحوم با ذکر مأخذ بترتیب حروف تهجی اشاره می‌کنیم:

۱ - علامه مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (مؤلف طبقات اعلام الشیعه والذریعه)

۲ - مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی (یکم الذریعه ص ۱۷۴)

۳ - مرحوم حاج میرزا ابوالهدی کلباسی اصفهانی (الذریعه ص ۱۱۷ یکم)

۴ - شیخ محمد امین امام جمعه خوئی (ص ۱۹۴ دوم معارف الرجال)

۵ - شیخ محمد باقر الفت فرزند مرحوم آقا نجفی اصفهانی (الذریعه)

۶ - سید محمد باقر بن علی احسانی (۲۰۱ دوم معارف)

۷ - علامه مرحوم حاج شیخ محمد حسین بن محمد حسن کمپانی اصفهانی (ص ۲۶۶ دوم معارف)

۸ - مرحوم آقا سید حسین بن محمد رضا اصفهانی (۱۷۴ یکم الذریعه)

۹ - علامه مرحوم حیدرقلی خان سردارکابلی بنام: اللمة الحیدریه (الذریعه

- مکارم)

۱۰ - مرحوم حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (ص ۸۶ سوم فهرست مؤلفین)

۱۱ - علامه مرحوم آقا شیخ محمد رضا بن محمد حسین مسجد شاهی

اصفهانی (الذریعه - نسخه آن موجود است)

۱۲ - شیخ محمد رضا بن محمد قاسم غراوی (۲۸۷ دوم معارف)

- ۱۳ - سید رضا بن محمد هندی ( ۳۲۶ یکم معارف )
- ۱۴ - سید شیر حسن جنفوری فیض آبادی ( الذریعه یکم )
- ۱۵ - آیت الله آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی (معارف الرجال)
- ۱۶ - شیخ صالح بن احمد ستری بحرانی ( الذریعه یکم )
- ۱۷ - علامه آقا سید صدرالدین عاملی فرزند حاج سید اسماعیل صدر (الذریعه یکم)
- ۱۸ - شیخ عباس ملا حاجی طهرانی ( الذریعه یکم )
- ۱۹ - سید عباس بن مرتضی عظیم آبادی ( الذریعه یکم )
- ۲۰ - علامه فقیه زاهد حاج شیخ علی بن ابراهیم قمی نجفی (الذریعه یکم)
- ۲۱ - علامه میرزا محمد علی بن ابوالقاسم اردوبادی نجفی (الذریعه یکم)
- ۲۲ - شیخ محمد علی بن محمد جعفر قمی ( الذریعه یکم )
- ۲۳ - حاج میرزا علی اصغر ملکی شیرازی ( الذریعه یکم )
- ۲۴ - علامه سید علی مدد قایتی ( ص ۱۴۶ دوم معارف )
- ۲۵ - علامه شیخ فضل الله امام جمعه زنجانى ( ص ۱۷۲ علماء معاصرین )
- ۲۶ - حاج شیخ محمد رازی مؤلف آثار الحجج و غیره ( ص ۲۳۱ یکم گنجینه دانشمندان )
- ۲۷ - علامه ادیب شیخ محمد بن طاهر سماوی ( الذریعه یکم )
- ۲۸ - میرزا محمد بن علی اکبر قمی ( الذریعه یکم )
- ۲۹ - آقا محمد بن محمد علی خونساری ( الذریعه یکم )
- ۳۰ - سید محمد مرتضی جنفوری بنام بغیة الوعاة مطبوع (الذریعه - نقباء)
- ۳۱ - سید محمد مهدی بن علامه حاج سید اسماعیل صدر اصفهانی کاظمینی ( الذریعه یکم )

- ۳۲ - مرحوم حاج شیخ مهدی بن حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام نجفی اصفهانی بنام : اللعة المهدیه ( الذریعه )
- ۳۳ - مرحوم آقا شیخ هادی بن عباس آل کاشف الغطاء نجفی ( ص ۲۴۵ سوم معارف - الذریعه )
- ۳۴ - مرحوم سید میرزا هادی بن علی سجستانی خراسانی حائری ( ۱۱۷ یکم الذریعه )
- ۳۵ - علامه مرحوم آقا سید محمد هادی میلانی خراسانی ( ۲۶۶ دوم معارف )
- ۳۶ - علامه سید هبة الدین شهرستانی ( الذریعه یکم )  
 ودها نفر دیگر از بزرگان علماء و فقهاء و مراجع .
- ۹ - علامه فقیه مجاهد آیت الله مرحوم حاج آقا حسین خادمی فرزند آقا سید ابوبوعففر خادم الشریعه عالم محقق جلیل فقیه نبیه از اجله علماء معاصرین اصفهان و رئیس هیئت علمیه این شهرستان و از مدرسین عالی مقام و از خدمتگزاران به انقلاب اسلامی ایران . شرح مجاهدات و خدمات آن مرحوم نیاز به رساله ای مخصوص دارد اکنون بطور اجمال از خدمات دینی و اجتماعی آن مرحوم چند جمله می نویسیم :
- مشار الیه در روز جمعه سوم شعبان سال ۱۳۱۹ در اصفهان در خانواده علم و ریاست متولد گردید مادرش دختر مرحوم حاج میرزا فضل الله صدر الشریعه فرزند میرزا نصیر ملاحاشی بوده مقدمات علوم و سطوح را در اصفهان در نزد اساتید و مجتهدین این شهر همچون :
- ۱ - آقا میرزا احمد مدرس .
  - ۲ - علامه فقیه حاج میر محمد صادق یزدآبادی مدرس خاتون آبادی .
  - ۳ - مولی عبدالکریم گزی .

- ۴ - آقا شیخ علی مدرس یزدی .
- ۵ - علامه فقیه حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی .
- ۶ - علامه آقا سید محمد نجف آبادی .
- ۷ - مرحوم آقا سید میرزا اردستانی .
- و جمعی دیگر از بزرگان تکمیل نموده سپس جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا در خدمت اساتید بزرگوار همچون:
- ۱ - آقا سید ابوتراب خونساری در رجال و درایه .
- ۲ - آقا سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی .
- ۳ - شیخ محمد جواد بلاغی در فن کلام و بحث مذاهب .
- ۴ - میرزا محمد حسین نائینی .
- ۵ - آقا ضیاء الدین عراقی بهره‌کافی یرده تا بمقام اجتهاد نائل گردیده و با کسب اجازات روایتی و اجتهاد به اصفهان مراجعت نمود و از حین ورود تا هنگام وفات به افاده و افاضه و تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر بازار و اقامه جماعت در مسجد دارالشفاء و مسجد نسو حاج رسولیها و منبر و موعظه و ارشاد و هدایت مردم و امر به معروف و نهی از منکر مشغول گردید .
- خدمات آن مرحوم در جلوگیری از برخی از منکرات اداره آموزش و پرورش و همچنین تعلیقات سوء و ضد ولایتی برخی از منبریان اصفهان فراموش نشدنی است .

کتاب زیر از تألیفات ایشانست که ذیلا بنام آنها اشاره می‌کنیم :

- ۱ - تقریرات درس مرحوم نائینی درباره صوم و صلوة ( فقه ) .
- ۲ - تقریرات در اصول از اوائل مباحث الفاظ تا آخر معنی حرفی .
- ۳ - تقریرات در اصول از بحث خاتمه براءت تا آخر تراجم .

۴ - حواشی بر کتب اصول .

۵ - حواشی بر طهارت و صلوة کتاب مصباح الفقیه تألیف علامه فقیه حاج

آقا رضا همدانی .

۶ - رساله در عدم ارث زوجه از غیر منقول .

۷ - رساله در لباس مشکوک تا قواطع صلوة .

۸ - رهبر سعادت یا دین محمد در دو مجلد بفارسی مطبوع از بهترین کتابها

در فن و موضوع خود می باشد مرحوم آقای خادمی دارای کتابخانه نفیسی بود

تعدادی کتب خطی ( و چاپی ) که بسیاری از آنها به خط مؤلفین بوده قرار دارد

که اکنون در اختیار برخی از فرزندان ایشان می باشد .

مرحوم آقای خادمی در صبح روز ۲ شنبه ۱۸ جمادی اثناویه سال ۱۴۰۵

در اصفهان وفات یافته و جنازه پس از تشییع عظیم روز ۳ شنبه به مشهد مقدس

حمل و در جوار حضرت ثامن الحجج مدفون گردید و نعم ما قبل :

آنانکه در جوار رضا آرمیده اند کفران نعمت است بهشت آرزو کنند

برادران آقای خادمی : حاج آقا حسن - حاج آقا شمس الدین - آقا صدر

الدین - آقا سید علی - آقا نور الدین نیز از علماء و فضلاء و در اصفهان ساکن

بودند .

۱۰ - سید حیدر بن علامه حاج سید اسماعیل صدر عاملی کاظمینی عالم

فاضل و مجتهد جامع در سال ۱۳۰۹ در سامراء متولد و در کربلا در خدمت جمعی

از بزرگان همچون پدر بزرگوار و آقا سید حسین فشارکی و مرحوم حاج شیخ

عبدالکریم حائری یزدی در موقع سکونت آن مرحوم در آن شهر تلمذ نموده تا

بمقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده .

مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین در معارف الرجال (ص ۱۱۸ یکم) بنقل

از علامه سید عبدالحسین شرف الدین عاملی در حقیق او می نویسد : کان السید حیدر اصغر اخوته سنأ وافرهم علماً .

مرحوم آقا سید حسن صدر در تکمله (ص ۱۰۶) درباره او می نویسد : احد فضلاء عصره وحسنات الزمان العالی الاستعداد قوی النظر فی الفقه والاصول .

علامه طهرانی در نقباء البشر ( ص ۶۱۲ دوم ) شرح مفصلی از فضائل و کمالات و علم و سیرت و ملکات او نوشته و کتابهای زیر را از تأیفاتش نام میبرد :  
۱ - الاوضاع اللفظیه ۲ - حاشیه بر کفایه ۳ - رساله در تبیض احکام بعثت اختلاف اسباب ۴ - رساله در معانی حرفیه ۵ - الشبهة الحیدریه و غیره

مرحوم آقا سید حیدر در ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۳۵۶ در کاظمین وفات یافته جنب پدر مدفون گردید .

از فرزندان آن مرحوم : ۱ - آمنه بنت الهدی ۲ - آقا سید محمد باقر صدر را قبلاً نام بردیم ۳ - آقا سید اسماعیل صدر از ائمه جماعت در کاظمین می باشد .  
۱۱ - سید محمد صادق بن مهدی بن علامه سید اسماعیل صدر کاظمینی در سال ۱۳۲۴ متولد گردیده و خدمت جمعی از بزرگان تحصیل نموده مقدمه ای بر کتاب : النص والاجتهاد در شرح حال مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین نوشته که دلیل بر احاطه او بر جمله ای از علوم است ۲ - حیاة امیر المؤمنین علیه السلام مطبوع .  
برادرش سید ابوالحسن صدر قبلاً ذکر شد و برادر دیگر او سید محمد جعفر متولد بسال ۱۳۲۵ می باشد .

۱۲ - علامه فقیه مرحوم حاج سید صدرالدین بن حاج سید اسماعیل بن سید صدرالدین موسوی عاملی نام شریف آن مرحوم محمد علی بوده لکن به لقب شهرت یافته و نام اصلی او متروک و مهجور مانده کنیه ایشان ابوالرضا می باشد .  
در ریحانة الادب ( ص ۴۶۵ دوم ) درباره ایشان می نویسد :



حامل لوی علم و ادب و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب . . . حساوی  
فروع و اصول فقیه اصولی محدث رجالی محقق مدقق عمیق النظر دقیق الفکر  
و ادیب ادیب و شاعر ماهر . . . از اکابر علماء و مراجع وزعمای عصر حاضر .

علامه طهرانی در نقباء البشر ( ص ۹۴۳ سوم ) شرحی مفصل از فضائل  
نفسانی و خصائل انسانی و علم و خلق و علم و تواضع و دیگر صفات و ملکات آن مرحوم  
نوشته و الحق و الانصاف آنچه درباره آن مرحوم گفته اند و نوشته اند کمتر از آنست  
که در آن ذات ملکی صفات وجود داشت .

مرحوم آقا سید صدرالدین در رجب سال ۱۲۹۹ در کاظمین متولد گردیده  
و در شب شنبه ۱۹ ربیع الثانی سال ۱۳۷۳ در قم وفات یافته در مسجد بالا سردر  
بقعة العلماء در جلو قبر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه مقدسه  
علمیه قم مدفون گردید . مقدمات علوم را در سامراء فرا گرفته سپس در کربلا و بعداً  
در نجف به تحصیل ادامه داده .

اساتید ایشان عبارتند از: ۱ - آقا سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی در نجف  
۲ - علامه حاج سید اسماعیل صدر پدر آن مرحوم در کربلا ۳ - مرحوم شیخ  
حسن کربلائی در کربلا ۴ - آقا میرزا محمد حسین نائینی ۵ - آقا ضیاء الدین عراقی  
۶ - آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ۷ - مرحوم آقا سید محمد بحر العلوم  
طباطبائی و جمعی دیگر از بزرگان علم و دانش می باشند و از شیخ محمد علی یعقوبی  
( ص ۳۲۱ دوم معارف الرجال ) و آقا سید حسن صدر اجازه داشته است سالها  
در مشهد مقدس مجاور و پدیس و مباحثه و اقامه جماعت در مسجد گوهر شاد مشغول  
بوده و از سال ۱۳۴۹ بدعوت مرحوم آیت الله حائری بقم مهاجرت نموده و در  
تأسیس و بقای این حوزه علمیه کوششها نموده و متحمل زحمات و صدقات زیادی  
گردیدند پس از فوت آن مرحوم یکی از دو وصی ایشان بودند ( وصی دیگر

مرحوم آقای حجت علیه الرحمه بود) و پس از ورود آیت الله العظمی  
مرحوم آقای بروجردی رضوان الله علیه بقم از معاونین و معاضدین ایشان از کلیه  
شئون ریاست صرف نظر کرده و حتی محل اقامه نماز جماعت خود را نیز به ایشان  
وا گذاشته و فقط بکار تدریس و تألیف و ضمناً کمک و مساعدت به مرحوم آیت الله  
بروجردی در امر اداره حوزه علمیه پرداخته است .

مرحوم آقای آقا سید صدر الدین از مراجع تقلید و پشت و پناه ستمدیدگان  
و فقراء و ارباب حاجات و مستمندان بود .

اسامی برخی از تألیفات مرحوم حاج سید صدر الدین صدر : کتابها و رسائل  
زیر از مؤلفات آن مرحوم است که برخی بچاپ رسیده و اکثر بطبع نرسیده است :

- ۱ - اصول دین
- ۲ - تاریخ مختصر اسلام مطبوع
- ۳ - حاشیه بر انیس المقلدین مطبوع
- ۴ - حاشیه بر عروة الوثقی مطبوع
- ۵ - حاشیه بر کفایة الاصول
- ۶ - حاشیه بر وسیلة النجاة مطبوع
- ۷ - حقوق و در آن ۶۲ حق را متذکر گردیده چندین مرتبه بچاپ رسیده  
است .

- ۸ - خلاصه الفصول در دو مجلد ( فصول تألیف مرحوم شیخ محمد حسین  
رازی اصفهانی حائری ) بچاپ رسیده است
- ۹ - دیوان اشعار بعبری و فارسی
- ۱۰ - رساله در اثبات عدم تحریف کتاب
- ۱۱ - رساله در امر بمعروف و نهی از منکر

- ۱۲ - رساله در تقيه  
 ۱۳ - رساله در حج  
 ۱۴ - رساله در حقوق زن در اسلام  
 ۱۵ - رساله در حکم ماء غسله  
 ۱۶ - رساله در رد شبهات وهابيه  
 ۱۷ - رساله در صوم  
 ۱۸ - رساله در نکاح  
 ۱۹ - سفينة النجاة فقه فارسى  
 ۲۰ - لواء محمد صلى الله عليه وآله وسلم در اخبار خاصه وعامه در ۱۲ مجلد  
 ۲۱ - مدينة العلم در ۶ مجلد (ص ۲۰۵ يكم آثار الحجّه)  
 ۲۲ - منظومه در حج  
 ۲۳ - منظومه در صوم  
 ۲۴ - المهدى عليه السلام دوبار بوسيله دو نفر بفارسى ترجمه و منتشر شده است .

نمونه اشعار مرحوم حاج سيد صدرالدين صدر: در روز ۸ شوال سال ۱۳۴۴ وهابيان بر حجاز مسلط شده و بقاع متبر که ائمه بقیع عليهم السلام را خراب کردند. مرحوم آقای صدر این چند شعر را بهمین مناسبت سروده است :

لعمري ان ناحية البقيع	يشيب لهواها فود الرضيع
وسوف تكون فاتحة الرزايا	اذا لم نصح من هذا الهجوع
فهل من مسلم لله يرعى	حقوق نبيه الهادى الشفيع

در ریحانة الادب (ص ۴۶۶ دوم) می نویسد :

این اشعار در میان ادباء وشعراء بين النهرين شهرتى بسزا یافته و زیاده برصد

نفر از شعرای عرب آنرا تخمیس و تشیطرش نمودند و در مجله‌ها و روزنامه نشر دادند تا آنکه حکومت عراق از آن جلوگیری کرد .

در کتاب : معجم رجال الفكر والادب ( ص ۲۷۵ ) ابن دو بیت شعر را از ایشان نقل می‌کند :

يا خليلي احبس الجرد المهارا      وابكيا داراً عليها الدهر جارا

وربوعاً افقرت من اهلها      وغدت بعدهم فقرا برارا

بقیه اشعار در آثار الحجة ( ص ۲۱۰ یکم ) و قصیده در رثاء حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد .

اولاد مرحوم آقای صدر : مرحوم حاج سید صدر الدین دارای سه فرزند پسر و پنج دختر بودند که عبارتند از :

۱ - آقای حاج سید رضا صدر .

۲ - حاج آقا موسی صدر .

اجمالی از شرح حال اولی قبلا و از دومین بعداً مذکور خواهد شد .

۳ - آقای آقا علی صدر .

۴ - علویه زوجه حاج سید محمد باقر سلطانی طباطبائی .

۵ - علویه زوجه حاج آقا مهدی صدر عاملی .

۶ - علویه زوجه مرحوم آقا شیخ هادی عبادی طالقانی .

۷ - علویه زوجه آقا محمد صادق قمی .

۸ - علویه .

۱۳ - علامه فقیه مجاهد مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین بن سید یوسف

ابن سید جواد بن اسماعیل بن محمد بن شرف الدین ابراهیم موسوی عاملی .

سید محمد بن شرف الدین جد آل سید صدرالدین و آل سید شرف الدین  
عاملی است .

مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین از بزرگان علماء و فقهاء و مجتهدین  
و خدمتگزاران به شرع و مسلمین و از جمله کسانی است که در راه وحدت اسلامی  
خصوصاً جهت برابری با دشمنان استعمارگر در ناحیه لبنان خدمات زیادی انجام  
داده که شرح آن از حوصله این مختصر خارج است .

اساتید او در فقه و اصول و علوم اسلامی عبارتند از: ۱ - سید یوسف موسوی  
عاملی پدر بزرگوارش در کاظمین ۲ - شیخ باقر بن علی حیدر ( ص ۱۴۱ یکم  
معارف ) ۳ - مرحوم شیخ حسن کربلائی ۴ - مرحوم شیخ محمد طه نجف  
۵ - سید محمد کاظم یزدی ۶ - شیخ الشریعة اصفهانی ۷ - آخوند ملا محمد  
کاظم خراسانی و غیره و پس از وصول بمقام رفیع اجتهاد با کسب اجازات از  
مشایخ خود ( از آنجمله از شیخ محمد علی یعقوبی - ص ۳۲۱ دوم معارف ،  
وحاج میرزا حسین محدث نوری - ص ۵۲ دوم معارف الرجال ) به لبنان مراجعت  
فرموده و به ارشاد و هدایت مردم در امور سیاسی و مذهبی اشتغال جسته و ضمناً امور  
طلاب و محصلین علوم دینی را از نظر دور نداشته و همچنین به تأسیس مدارس  
جدید بنام : مدارس الجعفریه پرداخته که در آن مدارس علاوه بر علوم جدید  
به علوم مذهبی نیز توجه کامل میشده است .

کتابهای زیر از تالیفات آن مرحوم است :

- ۱ - ابو هریره مطبوع .
- ۲ - اجوبه موسی جارالله مطبوع .
- ۳ - الی المجمع العلمی العربی مطبوع .
- ۴ - بغیة الراغبین فی آل شرف الدین .
- ۵ - بغیة الفائزین فی جواز نقل الجنائز در رد مرحوم سید هبة الدین

شهرستانی که قائل بعدم جواز است ۶ - تحفه الاصحاب ۷ - تحفة العلماء ۸ -  
 تحفة المحدثین ۹ - تعلیقه بر مبحث استصحاب رسائل ۱۰ - تفسیر آیه : انما  
 ولیکم الله ... ۱۱ - تنزيل الایات الباهره ۱۲ - رساله در منخرات مریض ۱۳ -  
 رساله در مواریت ۱۴ زکاة الاخلاق ۱۵ - فلسفه الميثاق والولاية ۱۶ - الفصول  
 المهمة فی تألیف الامه ۱۷ - الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء سلام الله علیها ۱۸ -  
 المجالس الفاخره فی مآتم العترة الطاهرة ۱۹ - مختصر الکلام فی مؤلفی الشیعه  
 فی صدر الاسلام ۲۰ - المراجعات یکی از معروفترین تألیفات آن مرحوم که  
 بفارسی و اردو و انگلیسی ترجمه شده و نام ترجمه فارسی آن که بوسیله علامه  
 مرحوم حیدر قلی خان سردار کابلی ترجمه گردیده المناظرات است ۲۱ - مسائل  
 الفقهیه ۲۲ - النص والاجتهاد یکی دیگر از کتب معروف و مشهور او که بفارسی  
 ترجمه و بنام اجتهاد در مقابل نص نامیده شده و بچاپ رسیده است ۲۳ نوادر عمر  
 ودها کتاب و رساله دیگر .

شرح حال نسبتاً مبسوط و خوبی از آن مرحوم علامه طهرانی در نقباء البشر  
 ( ص ۱۰۸۰ سوم ) نوشته طالبین مراجعه کنند . اولاد و اعقاب : مرحوم علامه  
 سید شرف الدین دارای چهار فرزند پسر عالم و فاضل و یک دختر بشرح زیر  
 بوده است :

- ۱ - سید محمد علی مؤلف : شیخ الابطح متوفی بسال ۱۳۷۲ .
- ۲ - سید صدر الدین مؤلف هاشم و امیه .
- ۳ - سید محمد رضا مؤلف : روایة الحسین .
- ۴ - سید جعفر .
- ۵ - علویه زوجه شیخ محمد رضا آل یسن ( پسر خاله او ) .

مادر مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین دختر مرحوم سید هادی بن سید محمد علی موسوی بوده و علامه فقیه مرحوم سید حسن صدرالدین دائی آنجناب بوده است .

تولد و وفات : مرحوم حاج سید عبدالحسین شرف الدین در سال ۱۲۹۰ در کاظمین متولد و در روز سه شنبه جمادی الثانیه سال ۱۳۷۷ در یکی از بیمارستانهای بیروت وفات یافته جنازه آن مرحوم از لبنان به بغداد و از آنجا با تشییع عظیم و شایسته بر سر دست به کاظمین و پس از طواف در حرم مطهر به کربلا و سپس به نجف اشرف منتقل گردیده و در تمام طول راه مورد استقبال تشییع کنندگان واقع شده و در شهر مقدس نجف در حجره مجاور حجره مرحوم علامه آقا سید محمد کاظم یزدی مدفون گردید .

۱۴- مرحوم آقا سید عیسی بن سید محمد علی بن سید صالح عاملی موسوی اصفهانی همدانی .

علامه سید حسن صدر در تکمله ( ص ۳۸۵ ) می نویسد :

در سال ۱۲۳۵ یا ۲۴ مرحوم آقا سید صدرالدین از برادر خود آقا سید محمد علی دعوت کرد که جهت تجدید دیدار و هم جهت سکونت به اصفهان بیاید و مشار الیه بدعوت برادر به اصفهان آمد و در سال ۱۲۴۱ در این شهر وفات یافته جنازه به نجف اشرف حمل در آن ارض مقدس در حجره اول درب طوسی مطهر مدفون گردید .

ویرا سه فرزند پسر بود :

بزرگترین سید عیسی بود که در این هنگام هفت ساله بود ( بنا بر این تولد او در سال ۱۲۳۴ خواهد بود ) با برادران و دیگر افراد خانواده در تحت کفالت و سرپرستی عم بزرگوار خود قرار گرفتند .

چون سید عیسی بن مرهقت رسید از نزد عموی خود خارج گردیده .  
 در تکمله ( ص ۳۱۷ ) درباره مشار الیه می نویسد : عالم ربانی و عارف  
 الهی . . . و كان له اليد الطولى فى العلوم الغریبه . . . وقيل انه عثر على الكیمیاء  
 فكانت ثروته ثروة الملوك وسيرته سيرة الانبياء فى الزهد والعبادة والانزواء . . .  
 پس از شرح مبسوطی می نویسد ساکن طهران بود و چون عازم حج خانه  
 خدا شد و از طهران بیرون رفت در همدان بیمار شده و بستری گشت به برادر خود  
 مرحوم آقا سید هادی ( پدر مرحوم آقا سید حسن صدر ) نامه ای نوشت و آقا  
 سید هادی در نامه ای ویرا خبر داد که از این مرض نجات نخواهد یافت و در  
 حرکت تعجیل کند لکن نام نرسیده او از دنیا رفته بود .

و همچنین درباره او می نویسد :

منظومات جدیده ای در علوم و معارف و عرفان از او دیدم و در علوم غریبه از  
 جفر و علم اعداد و حروف مهارت داشته .

فوت او را در تکمله سال ۱۱۸۰ ( ثمانین بعد المائة والالف ) که یقیناً اشتباه  
 و بجای الف الفین باید باشد و ظاهراً اشتباه چاپی است و صحیح سال ۱۲۸۰ می باشد .  
 توضیح : اگر تولد سید جمال واعظ را در ۱۲۷۹ بدانیم و فوت پدرش را  
 هنگام شیر خوارگی او بدانیم بطوریکه در برخی از کتابها ذکر شده ( یکصد  
 سال مبارزه روحانیت ص ۲۰ دوم ) فوت ۱۲۸۰ درست می باشد و اگر بنا بنوشته :  
 رهبران مشروطه ( ص ۳۱۷ یکم ) فوت پدر را در پنج سالگی پسر بدانیم فوت  
 سید عیسی در سال ۱۲۸۴ خواهد بود و در اینجا قول اول ظاهراً نزدیکتر به صوابست .  
 مرحوم سید عیسی دو فرزند پسر داشته : ۱ - سید ابراهیم ۲ - سید جمال  
 واعظ ( قبلاً ذکر شد ) .

و اما سید ابراهیم بن سید عیسی در تکمله ( ص ۸۳ ) شرح حال او را نوشته



و گوید از علم ادیان روی به علم ابدان نموده و در طب و پزشکی مهارت یافته و پس از مسافرت‌های زیاد در خمسه زنجان در سال ۱۳۱۳ وفات یافت .

در برخی از کتب نوشته‌اند که مرحوم سید عیسی در همدان در محله دباغخانه محضر شرع داشته و به امور شرعی مردم آن کوی رسیدگی میفرموده است .

۱۵- حاج آقا مجلس فرزند سید ابو جعفر خادم الشریعه فرزند علامه مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی علیه الرحمه عالم زاهد عابد متقی از اختیار روزگار حدود سال ۱۳۴۵ به عتبات عالیات مهاجرت نموده و در کربلا سکونت فرموده و قبل از ۱۳۵۰ در آن ارض مقدس وفات فرمود .

نویسنده گوید : هنوز پس از گذشتن بیش از شصت سال هنگام سحرگویی صدای دلنواز مناجات و راز و نیاز او با حضرت حق جل و علا بگوش ساکنین محله چهارسوق علی قلی آقا میرسد که مرتب فریاد یا الله وای خدای او بلند است و آه و ناله می‌کند و گریه و بیقراری می‌نماید . جلسه روضه خوانی و عزاداری دهه اول محرم که در منزل او منعقد میشد از مجالس دیدنی و شنیدنی بود قیافه نورانی و ملکوتی آن پیرمرد هشتاد ساله که دم خانه می‌نشست و نسبت بواردین و خارچین از جلسه اظهار محبت و مهربانی میفرمود فراموش نشدنی است . رحمة الله علیه .

از آثار باقیه او بقعه و تکیه‌ای است که جهت پدر بزرگوار خود در تخت فولاد بنا کرده و بنام : تکیه آقا سید ابو جعفر و گاهی تکیه حاج آقا مجلس شهرت دارد و عده‌ای از بزرگان و علماء در داخل و خارج بقعه و حجرات اطراف آن مدفون می‌باشند .

شبهستان این تکیه که در شبهای جمعه در آن مراسم احیاء و شب زنده داری و خواندن دعای کمیل و دیگر ادعیه مأثوره مرسوم بود بدست شهرداری در ترمیض خیابان خراب گردید .

۱۶ - عالم جلیل متفکر حاج سید موسی صدر فرزند علامه حاج سید صدر الدین صدر از خدمتگزاران بعالم اسلام و تشیع و از مجاهدین واقعی در راه وصول به هدف «حکومت اسلامی و قرآن» و کوتاه کردن دست استعمار و استثمار خارجیان بهر اسم و عنوان .

در سال ۱۳۰۹ متولد گردیده و پس از تکمیل مقدمات علوم در نزد اساتید به تکمیل فقه و اصول و فلسفه اسلامی پرداخته و در خدمت اساتید بزرگوار همچون: ۱ - مرحوم حاج سید صدرالدین صدر ۲ - مرحوم حاج سید محمد حجت کوه کمری تبریزی ۳ - مرحوم آقا سید محمد داماد یزدی (۱۳۲۱ - ۱۳۸۸) ۴ - آیت الله نایب الامام حاج آقا روح الله خمینی و دیگران پرداخته تا در هر يك از علوم اسلامی صاحب نظر شده و به کسب اجازات مفتخر گردیده و سپس جهت تحرك بخشدن به نهضت شیعیان لبنان و بیرون آوردن آنها از اسارت و گرفتاری هزار و چهار صد ساله بدانسو حرکت نموده و دنباله فعالیت مرحوم علامه بزرگوار حاج سید عبدالحسین شرف الدین را گرفته و در این راه فعالیتها و خدمات ارزشمندی انجام داده و با تشکیل : جنبش امل و متحد ساختن همه شیعیان لبنان و تهیه سرباز فداکار که نقش حیاتی و فعال آنها در طول سالهای اخیر دنیای استعمار را بخود متوجه ساخته و آمریکا و اروپای غارتگر را بوحشت انداخته و صهیونیستهای غاصب را دچار هول و هراس نموده است بر کلیه مطالعه کنندگان روشن و آشکار است .

سرانجام در شوال ۱۳۹۸ در مسافرت لیبی مفقود گردید و تاکنون بسا همه فعالیتها و کوششهایی که شده است دولت لیبی حاضر نشده است صریحاً اقرار کند که سرنوشت این عالم مجاهد که موجب افتخار اسلام و مسلمین در دنیای کنونی بود چه بوده است .

از آثار او رساله‌های زیر بفراسی چاپ شده است :

- ۱ - جهان بینی و انسان شناسی .
- ۲ - خطوط اساسی فرهنگ اسلامی .
- ۳ - مقالات متعدد در مجلات از آنجمله مجله : مکتب اسلام .
- ۴ - نقش اسلام در زندگی نوین .
- ۱۷ - حاج سید مهدی صدر عاملی فرزند مرحوم سید صدر الدین معروف به آقا میرزا .

پدرش مرحوم آقا میرزا ازو عاظم و منبریان اصفهان فاضل وزاهد و متقی بود. مرحوم حاج سید مهدی در سال ۱۳۳۶ در اصفهان متولد و تحصیلات جدید و قسمتی از علوم قدیمه را در اصفهان در نزد علمای این شهر خوانده سپس به قم مهاجرت نموده و بتکمیل فضائل و معلومات خود مشغول گردیده و پس از چندین سال با کسب اجازات از مشایخ و اساتید خود بطهران مهاجرت نموده و به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد و هدایت مردم پرداخته و از آثار قلمی است رساله‌ای در تفسیر آیه الکرسی بچاپ رسیده است .

مرحوم حاج سید مهدی صدر عاملی در ۵ شنبه ۲۷ ربیع الثانی سال ۱۴۰۶ وفات یافته در قم مدفون گردید .

مشار الیه داماد علامه حاج سید صدرالدین صدر بود ، رحمة الله علیه .

۱۸ - سید مهدی بن علامه حاج سید اسماعیل صدر .

علامه سید حسن صدر در تکمله ( ص ۱۰۵ ) درباره او می نویسد : عالم عامل فاضل جلیل بر تقی مذهب صفی ذو فضل و نابغیه جامع لکل الفضائل . در سال ۱۲۹۶ متولد گردیده و در معارف الرجال ( ص ۱۱۷ ) اساتید او را ۱ - شیخ حسن کربلائی ۲ - شیخ محمد حسین طبسی ۳ - شیخ محمد صادق شیرازی در کربلا ۴ - حاج آقا رضا همدانی ۵ - آخوند خراسانی در نجف اشرف مینویسد

واز فرزندانش : ۱- سید ابوالحسن ۲- سید محمد صادق ۳- سید محمد جعفر  
را نام میبرد .

در تکمله گوید در صحن شریف و حرم حائری اقامه جماعت مینماید ( در  
زمان تألیف تکمله ) .

۱۹- سید هادی شرف الدین فرزند سید محمد علی بن سید صالح عاملی  
موسوی در سال ۱۲۳۵ در نجف اشرف متولد گردیده و در اوان کودکی همراه  
پدر باصفهان مهاجرت نموده و پس از فوت پدر در ظل عنایت و تربیت عم بزرگوار  
خود مرحوم آقا سید صدرالدین بزرگک شده در اصفهان و نجف اشرف تحصیل  
نموده تا بمقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده سپس به شرحی که در تکمله (ص ۴۲۲)  
می نویسد به کاظمین هجرت نموده و در آنجا مجاور گردید .

مرحوم آقا سید هادی صدر در عصر روز ۲۲ جمادی الاولی سال ۱۳۱۶ در  
کاظمین وفات یافته در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردید . شرح حال  
واسامی تألیفات و اساتید او را فرزندش مرحوم آقا سید حسن صدر در تکمله مرقوم  
فرموده طالبین مراجعه نمایند .

دو نفر از معاصرین : نویسنده کتاب حاضر بعللی از ذکر اسامی معاصرین  
( البته آنانکه در حین تألیف در قید حیات می باشند ) با دعای جهت طول عمر آنها  
خودداری مینماید لکن در این جا لازم میدانند که از دو نفر از اعقاب مرحوم آقا  
سید صدرالدین عاملی می باشند نام ببرد :

۱- عالم جلیل حاج سید رضا صدر فرزند علامه بزرگوار مرحوم حاج سید  
صدرالدین صدر رحمه الله علیه .

آقای حاج آقا رضا صدر در حدود سال ۱۲۹۹ خورشیدی ( ۱۳۲۸ یا ۱۳۲۹  
قمری ) در شهر مقدس از علویه دختر مرحوم آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی

فمی متولد گردید مقدمات و کمی از سطوح را در مشهد نزد اساتید آن شهر مقدس آموخته سپس همراه پدر بزرگوار بقم مهاجرت نمود در این شهر در نزد اساتید بزرگوار و مراجع به تکمیل علوم خود از فقه و اصول و تفسیر و رجال و دیگر علوم اسلامی پرداخته تا بمقام رفیع اجتهاد رسیده و از چند تن از اساتید حوزه به اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردید برخی از اساتید او عبارتند از : ۱ - مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری ۲ - مرحوم حاج سید صدرالدین صدر پدر بزرگوارش ۳ - آیت الله آقای خمینی سلمه الله تبارک و تعالی. و اما تألیفات جناب آقای حاج آقا رضا صدر عبارتست از : ۱ - استقامت ۲ - بانوی کربلا یا حضرت زینب سلام الله علیها ترجمه کتاب : زینب بطلة کربلا نوشته دکتر عایشه بنت الشاطی مصری ۳ - پایان شب سیه ۴ - تفسیر سوره حجرات ۵ - حسد ۶ - دروغ ۷ - شب پنجشنبه ( بحثهای جلسات شبهای پنجشنبه ) ۸ - صبر ۹ - نشانه‌هایی از او و غیره .

جناب آقای حاج سید رضا صدر چندین سال در طهران ساکن و در مسجد امام حسین علیه السلام مجاور میدان امام حسین علیه السلام ( میدان فوزیه - میدان شهناز سابق ) اقامه جماعت مینمود و مورد توجه و عنایت عموم طبقات بالخاص فضلاء و دانشجویان بودند بعداً مجدداً بقم معاودت فرموده و تاکنون در آن مرکز علم و روحانیت به افاده و افاضه و اقامه جماعت مشغول و عده‌ای از فضلاء طلاب و مشتغلین از محضر او کامیاب هستند و فقه الله و ایاء و جمیع المؤمنین لمراضیه .

مأخذ : ص ۲۰۵ یکم آثار الحججه و ص ۵۰۳ چهارم گنجینه دانشوران و ص ۱۷۱ سوم مؤلفین کتب چاپی و اطلاعات خارجی ) .

۲ - فاضل ارجمند و نویسنده توانا حجة الاسلام آقا سید محمد بن سید محمد صادق بن سید مهدی بن علامه جلیل حاج سید اسماعیل صدر .

در معجم رجال الکفر والادب ( ص ۲۷۶ ) درباره او می نویسد :

ادیب منتج وفاضل جلیل کثیرالکتابه تنبأ مقالاته عن مستقبل علمی زاهر حسن الذکاء هادی النفس . وی در سال ۱۳۶۲ در خانواده علم وروحانیت متولد گردیده ودر خدمت علمای بزرگوار تحصیلات خود را به پایان رسانیده برخی از اساتید او عبارتند از : ۱ - آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی ۲ - آقا سید اسماعیل بن سید حیدر صدر ۳ - مرحوم آقا سید محمد باقر صدر ۴ - حضرت آیت الله آقای خمینی ۵ - مرحوم آیت الله آقا سید محسن حکیم طباطبائی . واما مشایخ اجازه او عبارتند از : ۱ - علامه طهرانی حاج شیخ آقا بزرگ ۲ - مرحوم حاج آقا حسین خادمی ۳ - سید محمد صادق صدر پدر دانشمند خود ۴ - آقا شیخ مرتضی آل یسن کاظمینی .

کتاب زیر از تألیفات ایشانست که عموماً بچاپ رسیده است : ۱ - اشعة من عقاید الاسلام مطبوع ۲ - تاریخ الغیبة الصغری وآن جلد اول کتاب : موسوعة الامام المهدي عليه السلام است که بوسیله فاضل گرامی آقای محمد امامی شیرازی بفارسی ترجمه شده وبنام : امام مهدی علیه السلام ونگرشی به تاریخ غیبت صغری بچاپ رسیده است ۳ - فلسفه الحج وصالحه فی الاسلام ۴ - القانون الاسلامی وجوده صعوباته و منهجه ۵ - موسوعة الامام المهدي عليه السلام - جلد ۶ - نظرات اسلامیه فی اعلان حقوق الانسان ( اسلام و حقوق بشر ) .

( ماخذ : مقدمه امام مهدی علیه السلام - ص ۲۷۶ معجم رجال الفکر - فهرست کتابهای چاپی عربی مشار ) .

اکنون که سخن بدینجا رسیده بی مناسبت نیست که از یکی دبگراز مشاهیر نویسندگان معاصر منتسب به این خاندان (گرچه از موضوع کتاب ما خارج است که شرح حال علمای دین وخدمتگزاران به اسلام و مسبین را می نویسیم ) را

بطور اجمال بنویسیم او :

سید محمد علی جمال زاده نویسنده مشهور معاصر است که تاکنون قریب سه چهارم عمر خود را در خارج ایران و دور از مسلمانها بسر برده است و وی فرزند سید جمال الدین واعظ معروف است .

درباره تاریخ تولد او بطور دقیق نمیتوان اظهار نظر کرد خود ایشان میگوید: دوستان آنرا از جمله اسرار مگو میدانند ولی حقیقت این است که بر خودم هم مجهول است ( ص ۱۶۵ چهارم فهرست مؤلفین کتب چاپی ) .  
جمال زاده در شرح حال خود راجع به قضایای سال ۱۳۲۱ در شهر اصفهان می نویسد :

راقم این سطور روزی در همان موقع در میدان شاه اصفهان شاهد و ناظر گروه انبوهی از مردم گردید که دو نفر آدم بلند قد و قبا و ارخاق پوشیده را با سر و پای برهنه آتش میزدند و لعنت میفرستادند ( ص ۲۳ دوم یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی ) .

اگر در این موقع جمال زاده جوان پانزده یا شانزده ساله باشد ( که نمیتواند کمتر از این باشد ) باید تولد او حدود سال ۱۳۰۵ یا ۱۳۰۶ قمری در اصفهان باشد .  
جمال زاده تحصیلات مقدماتی را در بیروت انجام داده سپس در فرانسه علم حقوق خوانده و مدت پانزده سال در سفارت ایران مشغول خدمت بوده و از سال ۱۹۳۱ میلادی ( ۱۳۴۹ قمری ) عضویت دفتر بین المللی کار در آمد و تاکنون ( موقع تألیف فهرست مؤلفین تألیف مرحوم مشار ) در مؤسسه نامبرده مشغول کار است .  
در فهرست مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی اسامی ۳۷ کتاب و رساله از تألیفات و ترجمه های او نامبرده است . طالبین مراجعه نمایند .

وفات مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی : در روضات الجنات ( ص )

می نویسد :

مرحوم آقا سید صدرالدین در اواخر ماه شوال سال ۱۲۶۲ هجری از اصفهان با بعضی از اولاد کوچک و عیال خود بعزم زیارت عتبات مقدسه حرکت فرموده در اوائل ذی الحجه شهر کاظمین رسیده و چندین مسافه مجاورت گزیده سپس از آنجا بکربلا و از آنجا بعزم مجاورت در نجف اشرف بدان شهر مقدس حرکت فرمود و در نجف در منزل برادر خود مرحوم آقا سید ابوالحسن منزل نمود و در آنجا در شب جمعه چهاردهم ماه محرم سال ۱۲۶۳ وفات نمود . و بر حسب اتفاق صبح آن روز هوا بسیار سرد و بارانی بود . مرحوم شیخ محمد بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء بر او نماز خوانده و در یکی از حجرات صحن مطهر طرف بالای سر مبارک و روبروی قبله دفن شد . و آن حجره طرف راست کسی است که از در سلطانی وارد صحن میشود ( ص ۱۲ یکم مکارم الآثار ) .

در تکمله ( ص ۲۴۰ ) می نویسد :

در اواخر عمر گرفتار بیماری شد که در اثر آن ضعف بسر او مستولی گشته و بدن مبتلا به شبه فالج گردید ( که نمیتوانست بدون کمک دیگران راه برود ) در عالم رؤیا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را دید که به او فرمودند : « تودر نجف میهمان منی » از این رؤیا متوجه شد که مرگ او نزدیک است پس بتنهائی بسفر نجف در سال ۱۲۶۲ رفته و مدتی در آنجا ماند پس در شب جمعه اول ماه صفر سال ۱۲۶۳ در آن ارض مقدس رحلت فرمود .

سپس شرح نسبتاً مفصلی از شب وفات آن مرحوم از قول مرحوم سید محمد علی بن سید ابوالحسن نقل می کند که بجهت اختصار از ذکر آن خودداری شد . همچنین مرحوم آقا سید حسن صدر در تکمله ( ص ۱۰۴ ) در ضمن شرح



حال مرحوم حاج سید اسماعیل صدر وفات مرحوم آقای صدر را سال ۱۲۶۴ می نویسد : در مستدرک الوسائل (ص ۳۹۷ سوم) نیز سال فوت را ۱۲۶۴ مینویسد مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم نقل از خط عالم جلیل مرحوم آقا میرزا مسیح فرزند صاحب روضات الجنات در حاشیه نسخه‌ای از روضات سال فوت را ۱۲۶۴ می نویسد در چاپ دوم روضات نیز سال فوت را ۱۲۶۴ نوشته است .

تحقیق در سال وفات مرحوم آقا سید صدر الدین :

۱ - طبق تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری غره محرم سال ۱۲۶۳ روز يك شنبه بوده بنابراین جمعه سیزدهم محرم خواهد بود مگر آنکه گفته شود ذی الحجة الحرام ۲۹ روز بوده و غره محرم شنبه بوده است و اما طبق تقویم تطبیقی غره صفر سال ۱۲۶۳ سه شنبه بوده و به هیچ حسابی بابت جمعه بودن درست نمی شود .

۲ - در نسخه مصححه روضات الجنات و خاتمه مستدرک الوسائل و نسب نامه الف (ص ۲۶ رساله اعلاط در انساب) سال وفات را ۱۲۶۴ می نویسد در تکمله در يك جا ۱۲۶۳ و جای دیگر ۱۲۶۴ همچنین در نسب نامه با تردید بین ۶۳ و ۶۴ وفات آن مرحوم را نوشته اند .

۳ - با توجه به اینکه غره ماه صفر در سال ۱۲۶۴ را در تقویم تطبیقی شنبه می نویسد (ممکن است اختلاف رؤیت موجب شده باشد که در عراق عرب و شهر نجف جمعه بوده باشد یعنی ماه محرم الحرام ۲۹ روز بوده باشد) بنابراین وفات در شب جمعه ۱۰ محرم الحرام یا غره صفر بوده است .

۴ - با توجه به مرقومات روضات الجنات : حرکت از اصفهان او اخرشوال سال ۱۲۶۲ رود به کاظمین اوائل ذی الحجة توقف چندین ماه در کربلا و سپس حرکت به نجف نمیتواند فوت در سال ۱۲۶۳ (محرم یا صفر) رویداده باشد بنابراین

این قول اصح درباره فوت آن مرحوم :

شب جمعه غره ماه صفر سال ۱۲۶۴ می باشد والعم عندالله .

برخی از مدفونین در ایوان واطاق محل دفن مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی : در حجره‌ای که مرحوم آقای صدر را دفن نمودند عده زیادی از علماء و فقهاء مدفون می باشند از آنجمله :

۱ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین مسجد شاهی نجفی اصفهانی فرزند مرحوم حاج شیخ محمد باقر .  
۲ - مرحوم آقا سید محمد علی آقا مجتهد فرزند مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی .

۳ - حاج آقا میرزا مسیح طهرانی .

۴ - مرحوم ملا میرزا محمد اندرمانی طهرانی .

توضیح و تکمیل : مرحوم حاج میرزا مسیح طهرانی عالم بزرگواری است که به حکم او مردم مسلمان و متدین طهران شوریده و در ۲ شنبه ۲ شعبان ۱۲۴۴ گریبایدوف قونسول دوات روس را کشتند و پادشاه وقت بخاطر رضایت بیگانگان آن عالم جلیل را که بجهت احترام بمقدسات اسلام و احترام روحانیت و علماء حکم فرموده بود به عراق عرب تبعید کرد و او در ۱۲۴۵ به عتبات مشرف گردید: وی از شاگردان میرزای قمی و خود مؤلف : ۱ - رساله در اجتهاد و تقلید ۲ - شرح قواعد علامه حلی می باشد . درمآخذ موجوده می نویسند چند روز پس از فوت مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی وفات یافت .



(۵)

حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی

۱۲۳۵ - ۱۳۰۱



مثال مہر حضرت محمد اکرام اللہ علیہ السلام و آقا و صاحب شمع نور ہمارے  
بعضی فضیلتوں کے لیے بقا رہے تھے۔ ۱۳۱۱ھ میں ان کی پوری نسبت

### حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی

نام : حاج شیخ محمد باقر

پدر : شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی اصفهانی

مادر : نسمة خاتون معروف به حبابه دختر علامه فقیه شیخ اکبر مرحوم آقا

شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی

تولد : سال ۱۲۹۵

شهرت : مرحوم حاج شیخ محمد باقر به شیخ (بطور مطلق) وحجة الاسلام  
ومسجد شاهی معروف بوده و پس از آنکه مرحوم حاج شیخ محمد تقی ارشد  
واکبر اولاد ایشان به نجفی و آقا نجفی شهرت یافت ( سالها پس از فوت مرحوم  
حاج شیخ محمد باقر ) ایشانرا نیز نجفی می گفتند .

نسمة خاتون معروف به حبابه :

پدر : شیخ الطائفة شیخ جعفر نجفی مؤلف کتاب کشف الغطاء .

شوهر : مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی .

فرزند : مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی .

مادر : مخدره‌ای از اهل یزد ( ص دوم اعلاط در انساب ) .

دخترش بنام شهر بانو ابتداء زوجه مرحوم آفاشیخ محمد بن محمد علی طهرانی شده ( دختر عمه خود ) و بمناسبتی از او طلاق گرفته و به اصفهان آمده در جوانی در این شهر وفات یافته و در بقعه مادر شاهزاده در بیش روی قبر آفا شیخ محمد تقی بفاصله يك قبر مدفون گردیده است .

مرحوم الفت می نویسد ( ص ۳۵ - اعلاط در انساب ) مادرش ( یعنی مرحومه نسمة خاتون ) در مصیبت او بسی تابیهای جنون آمیز کرده حتی اینکه از اندرون خانه پسرش ( شیخ محمد باقر ) بدون حجاب در کوچه ها دویده است .

وفات دختر ۲۶ ماه صفر ۱۲۵۷ بر روی قبرش سنگ مرمری است که بر روی آن اشعاری منقور است .

در تذکرة القبور ( ص ۴۷ ) و مکارم الآثار ( ص ۱۰۰۷ سوم ) می نویسد که : نسمة خاتون دختر شیخ جعفر نجفی زوجه مرحوم شیخ محمد تقی عامله و عامله و عاقله و جلیل القدر بوده است .

در قصص العلماء ( ص ۱۱۷ ) می نویسد :

دختران شیخ جعفر نجفی در خدمت حجة الاسلام حاجی سید محمد باقر موظفه بودند ( انتهى ) .

نویسنده گوید : بطوریکه نوشتیم وضع مالی شوهران آنها خوب نبوده و مرحوم سید حجة الاسلام به احترام استاذزادگی آنها وهم بخاطر مقام علمی شوهرانشان آنها را مورد عنایت خود قرار داده بود .

فوت این مخدره حدود سال ۱۲۹۵ در اصفهان و قبرش بین قبر شوهر و دختر داخل بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهانست .

اقوال بزرگان : عموم نویسندگان کتب تراجم رجال ویراب عظمت و بزرگی

ستوده‌اند ذیلاً بعنوان نمونه به چند گفتار از قول آنان اشاره می‌کنیم :

۱ - در احسن الودیعه ( ص ۱۶ دوم ) در ضمن اساتید و مشایخ مرحوم آقا سید ابو تراب خونساری می‌نویسد : آیه الله العظمی الفقیه الماهر فخر الأوائل والآخر ابن العلم الافضل الشيخ محمد تقی صاحب الحاشیة المشهورة علی المعالم مولینا الحاج الشيخ محمد باقر الاصفهانی وكان هذا الشيخ من اکابر الفقهاء والمجاهدين واعاظم العلماء المحققين وفاضل الدنيا والدين مجسمة الزهد والورع والتقوى تاركاً بالکلیة الدنيا مشغولاً بامور الاخری .

۲ - علامه حاج سید محسن امین عاملی، در کتاب اعیان الشیعه (صفحه ۴۰۴) :  
چهل و چهارم ) می‌نویسد :

شیخ شیوخ اصفهان واحد اعیان الرؤساء فی ایران رأس بعد ایه .

۳ - مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان (صفحه ۹۸ یکم) درباره ایشان می‌نویسد « نژاد از دوشه داشت آن نیک پی » شمس القلاده خانواده مرحومین شیخ جعفر کبیر و شیخ محمد تقی نور الله مضجعهما و مرجع تقلید اکابر و اعاظم آن بزرگوار بهار علم و عمل و در اعلائی لوای شریعت بحلی ساعی بود که مزیدی متصور نبود در ریاستش بر مسند شرع قاطبه مردم بسلامت گذرانندند . و در جلد سوم ( صفحه ۴۲ ) ضمن بیان شرح احوال آن بزرگوار گوید :

در اجرای حدود و نهی از منکر و منع از مطرب و مسکر مجدانه اقدام میفرمود .

۴ - مرحوم محدث قمی در فوائد الرضویه ( صفحه ۴۰۹ دوم ) می‌نویسد :

كان حجة الاسلام واحد العلماء الاعلام فقیهاً متبحراً كاملاً ربانياً .

و از قول مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ( ظاهراً از کتاب : حلی الدهر

العاطل » می‌نویسد :



کل لسان من وصفه قاصر وکل فکر فی کنهه حائر احسن وصف لمعالیه  
انه اشبه الخلق بایه .

اساتید و مشایخ اجازه : مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی مقدمات  
علوم را در اصفهان از اساتید این شهر فراگرفت و پس از فوت پدر بدستور مادر  
به نجف مهاجرت نموده و سالها در آن اعتاب مقدسه از بزرگان فقهاء و مجتهدین  
استفاده علمی نمود تا خود بمقام اجتهاد رسید و باکسب اجازه اجتهاد و روایت از  
اساتید بزرگوار خویش به اصفهان مراجعت نموده بجه تدریس در مسجد شاه  
وامامت و سایر شئون روحانیت پرداخت ذیلاً بنام چند نفر از اساتید ایشان اشاره  
می شود :

۱ - مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی در اصفهان .

۲ - مرحوم شیخ محمد تقی « مسجد شاهی » رازی ابوان کیفی اصفهانی در  
اصفهان ( پدر ایشان ) .

۳ - مرحوم آقا شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی مؤلف جواهر الکلام در  
نجف اشرف .

۴ - مرحوم شیخ حسن نجفی فرزند شیخ اکبر شیخ جعفر نجفی ( دائی  
صاحب عنوان ) در نجف استاد و شیخ روایت .

۵ - مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری در نجف اشرف استاد و شیخ روایت  
در فوائد الرضویه ( صفحه ۴۰۹ دوم ) می نویسد :

تلمذ مرحوم حاج شیخ محمد باقر در نزد مرحوم شیخ انصاری در اوائل  
امر تدریس مرحوم شیخ انصاری بوده و آن مرحوم به خانه جناب استاد مشرف  
شده و حاشیه پدرش بر معالم را نزد آنجناب میخوانده است و او از شاگردان  
طبقه اول مرحوم شیخ انصاری می باشد که علاوه بر فوائد علمی که از آنجناب

حاصل کرده بمناسبت صحبت و معاشرت با ایشان نیز تکمیل مراتب تقوی و تزکیه  
نفس و اخلاق نموده است در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۹۹)  
نام او مذکور و گوید: در ترویج دین مبین و داد رسی فقراء و مظلومین همیشه  
کوشیده و اجرای حدود شرعیه هم مینموده .

در دو صفحه بعد اجازه مرحوم علامه آیت الله آقای حاج شیخ محمد باقر  
نجفی از شیخ اعظم انصاری « ره » قرار دارد ، نسخه اصل آن نزد آقای موسی  
نجفی موجود است .

سنة ١٢٠٠

الشيخ  
محمد بن  
عبد الله  
بن محمد

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين

فقد اجرت للاعرس الامجد والافتقار الواصل

المامل بالفاضل الكامل صاحب التدقيقات الراقية بالمدعي

والتحقيقات الفائقة بالفهم السقيم سلاله النجوم المتقن

الفرع والاصول الالهي الزيد واللوزي المسدد خاب

الشيخ محمد باقر وفضله افضاه وبلغه افض مناه ان

روى عنى مع ما يصح له من صفة من مع الاخبار والمالوفة

في كتابه علم الدين المودعي في كتب اصحابنا رضوان الله عليهم

التهذيب لاصحاب العصر صلوات الله عليهم اجمعين

واسطر شاخي الافاضل الواصلين من سمي العلامة طامع القول

عالم القول ومفسر الفرع والاصول الحاج الملا احمد الشاطب شاه

مشيخته وسناده التبع لاجل الامجد والعلامة الواصلين

ومعنى الرسيم السيد محمد مهدي الطباطبائي في طلب شاه

عبد الله والعلامة وحده عصره واداره وهو الزاهد المتقن

الحاج ملا محمد الزاهد شيخنا الازهد الادب فخره  
الشيخ يوسف الخياط شيخنا الشيخ محمد بن فرج  
الشهباني الازهد شيخنا العلامة اهل الجاهدين اية الله  
في العالمين فخرنا حجار الازهر رعي المار الازهر الازهر اية الله  
المراد محمد باقر المجلسي من مشايخنا العرفي الذكر في الاجازة  
الروضة فاقوت له امده اقدان بروي من صحيح الازهر في  
الازهر السنوي الازهر الازهر صلوات الله وسلامه عليه  
طرح المذكور في اوراق احاطة التي اعلا ما ذكره في الاسطر  
سبل اختار واخذت عليه ونفعا الله ما اخذت على اسلافه  
في احاطة القول والتميل والتوقف في نطاق الزلل وان لا يسا  
على استنفار وار حور الله على ذكره ان لوفقه ليلوم اذني  
ما راج الكتاب عن محمد بن ابي جعفر الشيخ محمد بن محمد بن  
ابان بن ابي حاتم الشافعي من محمد بن ابي حاتم بن ابي حاتم  
في شهر صفر سنة ٤٤٢ هـ من الجمع النبي  
مع ما مر الا ان شاء الله والحمد لله  
الطبيب الطاهر

اسامی برخی از شاگردان و مجازین از مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد  
شاهی اصفهانی علیه الرحمه :

مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی پس از مراجعت از نجف با در  
دست داشتن اجازات اجتهاد و روایتی از اساتید خود و مراجع بزرگوار درابتداء  
در خانه پدری ساکن گردیده ( در حصار لاله بیک قسمت غربی مسجد شاه ) و در  
مسجد شاه شروع بتدریس و امامت نمود .

سالهای اولیه ورود ایشان باصفهان علماء و مجتهدین بزرگوارى همچون :  
حاج سیداسدالله بیدآبادی و آقامیرسید حسن مدرس و حاج ملاحسینعلی تویسرکانی  
و حاج محمد جعفر آباءه‌ای و آقا میرسید محمد شهبهانی و جمعی دیگر از فحول هر  
یک در محله‌ای از محلات و گوشه‌ای مشغول تدریس و افاده و افاضه بودند و طلاب  
و دانشجویان بیشتر در اطراف آنها از نظر سابقه تدریسی و دیگر جهات گردآمده بودند  
و هر یک از علماء حوزه درس و مباحثه‌ای در موضوعات مختلف فقه و اصول و حدیث  
و تفسیر و غیره داشتند لکن پس از مدت زمانی از یک طرف یک این علماء  
و مدرسین وفات یافته و حوزه‌های تدریس آنها تعطیل شده بود ، از سوی دیگر  
شهرت و عنوان علمی و حسن بیان و طرز رفتار مرحوم شیخ با کلیه طبقات بالاخص  
علماء و دانشمندان و از همه مهمتر و جالبتر تحقیقات و تدقیقات علمی آن مرحوم  
موجب شد که طلاب و مشنقلین از گوشه و کنار شهر و حتی از شهرهای دور و نزدیک  
جهت استفاده علمی روی به محضر او نموده و روز بروز بر رونق حوزه علمیه  
مسجد شاه افزوده میشد .

اقدامات و خدمات مرحوم شیخ محمد باقر در سال قحطی معروف به « قحطی  
آدم خوری » و مبارزات آن مرحوم علیه دستگاه حکومت و شدت و سعی و کوشش  
وی در موضوع امر بمعروف و نهی از منکر و رفع بدعتها و رفع ضلالتها و گمراهیها

و فساد که از ناحیه مرتدین و گمراهان انجام گرفت بیشتر موجب شهرت و اهمیت مرحوم حاج شیخ محمد باقر شد. بطوریکه پس از فوت مرحوم حاج سید اسد الله ( ۱۲۹۰ هـ ) آخرین عالم معروف و مقتدر اصفهان (غیر از آقایان امام جمعه) تنها مرجع و ملجأ و پشت و پناه مردم این شهر از عارف و عامی و خاص و عالم و جاهل شخص شیخ محمد باقر بود و دیگر علماء این شهر با همه مقام علمی تحت الشعاع آن مرحوم قرار گرفتند. حوزه درس ایشان مجمع علماء و فضلاء و مجتهدین گردید. ذیلاً بنام عده‌ای از آنان تا آنجا که آگهی حاصل کرده‌ایم بر حسب حروف تهجی ذکر می‌کنیم:

توضیحاً افراد نامبرده در زیر جمعی منحصرأ شاگرد و یا مجاز میباشند و عده‌ای هم شاگرد هستند و هم از آن مرحوم اجازه روایت و اجتهاد دارند.

- ۱- مرحوم سید ابوتراب موسوی خونساری نجفی ( ۱۲۷۱ - ۱۳۴۶ )
- ۲- مرحوم آقا سید ابوالقاسم بن محمد باقر حسینی دهکردی ( ۱۲۷۲ - ۱۳۵۳ )
- ۳- مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم موسوی زنجانی ( فوت ۱۳۲۶ )
- ۴- سید احمد تفرشی نجفی ( فوت حدود ۱۳۰۹ )
- ۵- میرزا احمد بن ملا محمد رضا خونساری میرزا منظور (فوت حدود ۱۳۲۳)
- ۶- آخوند ملا احمد بن محمد شفیع بروجنی حبیب آبادی
- ۷- مولی احمد بن محمد علی واعظ و خطاط اصفهانی ( فوت ۱۳۲۱ )
- ۸- علامه فقیه حاج سید اسماعیل صدر از مراجع تقلید ( ۱۲۵۸ - ۱۳۲۸ )
- ۹- حاج ملا اسماعیل بن ملا محمد نقنه‌ای ( فوت ۱۳۵۰ )
- ۱۰- مولی اکبر نهاوندی ( فوت ۱۳۱۰ )
- ۱۱- مرحوم آخوند ملا محمد باقر بن محمد جعفر فشارکی (فوت ۱۳۱۴)

- ۱۲- مرحوم میرزا محمد باقر بن عبدالمحسن اصطهباناتی (شهادت ۱۳۲۶)
- ۱۳- شیخ محمد باقر بن مراد ابرقوثی ( فوت حدود ۱۳۱۰ )
- ۱۴- مرحوم حاج میرزا بدیع موسوی درب امامی ( فوت ۱۳۱۸ )
- ۱۵- مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی ( ۳۲۶۲ - ۱۳۳۲ )
- ۱۶- میرزا محمد جعفر حسینی میردامادی سدهی
- ۱۷- حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی ( ح ۱۲۸۴ - ۱۳۵۴ )
- ۱۸- سید جمال الدین عاملی قزوینی ( ح ۱۲۷۰ - ۱۳۳۰ ح )
- ۱۹- سید محمد جواد بن محمد باقر حسینی دهکردی ( فوت ۱۳۱۰ )
- ۲۰- سید محمد جواد بن محمد صادق حسینی کتابی ( فوت ۱۳۳۸ )
- ۲۱- حاج سید محمد جواد بن سید محمد علی آقا مجتهد موسوی ( فوت  
( ۱۳۴۷ )
- ۲۲- آقا سید محمد جواد مسامکی قلواسکانی بن محمد ( فوت ۳۳۴۰ )
- ۲۳- حاج میرزا حبیب الله رئیس الواعظین ( فوت ۱۳۳۱ )
- ۲۴- حاج ملا حسن دری ( فوت ۱۳۳۶ )
- ۲۵- آخوند ملا محمد حسین بن اسد الله کرمانی ( ۱۲۵۴ - ۱۳۳۰ )
- ۲۶- حاج شیخ محمد حسین نجفی مسجد شاهی ( ۱۲۶۶ - ۱۳۰۸ )
- ۲۷- علامه فقیه آقا میرزا محمد حسین بن عبدالرحیم نائینی از مراجع تقلید  
( ۱۲۷۷ - ۱۳۵۵ )
- ۲۸- حاج شیخ حسین بن میرزا علی محمد شیروانی قمی طهرانی  
( فوت ۱۳۳۶ )
- ۲۹- آخوند ملا حسین بن ملا یوسف واعظ کر بکتندی عماد الواعظین  
( فوت ۱۳۲۳ )

- ۳۰ - میرزا محمد حسین رشتی
- ۳۱ - ملا حیدر علی اردبیلی اصفهانی ( فوت ۱۳۲۷ )
- ۳۲ - میرزا حیدر علی حسینی خوزرانی سدهی میردامادی ( فوت ۱۳۲۶ )
- ۳۳ - حاج سید محمد رحیم سدهی ( حاج آقا سدهی ) ( فوت ۱۳۲۷ )
- ۳۴ - حاج میرزا رضا بن احمد حسینی ملا باشی ( فوت ۱۳۳۴ )
- ۳۵ - حاج سید محمد رضا بن عبدالرسول رضوی خونساری ( فوت ۱۳۳۹ )
- ۳۶ - محمد رضا بن محمد مهدی شیرازی
- ۳۷ - آقا سید زین العابدین رضوی خونساری ( فوت ۱۳۰۷ )
- ۳۸ - سید محمد شریف موسوی ونکی اصفهانی طهرانی ( ۱۲۷۰-۱۳۵۲ )
- ۳۹ - مرحوم آقا سید شهاب الدین محمد تقی موسوی نحوی ( پدرونیسته )  
( ۱۲۶۳ - ۱۳۴۰ )
- ۴۰ - شیخ صفر علی بن غلامعلی همدانی اصفهانی ( فوت ۱۳۵۰ )
- ۴۱ - سلامه شیخ عباس کاشف الغطاء نجفی ( ۱۲۳۵ - ۱۳۲۳ )
- ۴۲ - مرحوم سید عبدالباقی سیفی قزوینی اصفهانی ( فوت حدود ۱۳۲۷ )
- ۴۳ - میرزا عبدالرزاق بن ملاعلی رشتی لنگرودی اصفهانی ( فوت ۱۳۱۸ )
- ۴۴ - حاج میرزا عبدالرزاق بن حاج میرزا کاظم رشتی ( فوت ۱۳۱۹ )
- ۴۵ - آقا سید علی بن ابوالقاسم حسینی بختیاری ( فوت ۱۳۱۲ )
- ۴۶ - آقا شیخ علی بن محمد رضا کاشف الغطاء نجفی ( ۱۲۶۸ - ۱۳۵۰ )
- ۴۷ - سید علی بن محمد رضا یزدی حائری ( فوت ۱۳۳۰ )
- ۴۸ - شیخ علی اکبر کرمانی
- ۴۹ - شیخ علی محمد شوشتری ( فوت ۱۳۳۶ )
- ۵۰ - شیخ علی محمد دهاقانی سمیرمی اصفهانی ( ۳۲۵۳ - ۱۳۲۶ )



- ۵۱ - سید علی محمد میردامادی حسینی سدهی ( فوت ۱۳۴۲ )
- ۵۲ - حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام نجفی ( ۱۲۷۱ - ۱۳۱۸ )
- ۵۳ - میرزا محمد علی حسینی سینی برخواری اصفهانی ( فوت ۱۳۳۲ )
- ۵۴ - میرزا محمد علی بن محمد نقی تویسرکانی ( فوت ۱۳۲۹ )
- ۵۵ - علامه فقیه حاج میرزا فتح الله نمازی شیخ الشریعه اصفهانی از مراجع تقلید ( ۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ )
- ۵۶ - حاج سید فخر الدین رضوی خونساری ( فوت ۱۳۴۸ )
- ۵۷ - علامه فقیه آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی از مراجع تقلید ( ۱۲۴۷ - ۱۳۳۷ )
- ۵۸ - مولی محمد بن محسن قائنی
- ۵۹ - آقا سید محمد حسینی بروجنی فرزند سید ابوالقاسم ( فوت ۱۳۳۸ )
- ۶۰ - آقا سید محمود حسینی تویسرکانی اصفهانی
- ۶۱ - آقا سید محمود بن حسین حسینی کلیشادی معروف به مغنی ( فوت ۱۳۲۴ )
- ۶۲ - ملا مرتضی لنجانی اصفهانی ( فوت ۱۳۴۷ )
- ۶۳ - علامه فقیه مجاهد حاج سید مصطفی کاشانی ( ۱۲۶۰ - ۱۳۳۶ )
- ۶۴ - حاج آقا منیرالدین بروجردی ( ۱۲۶۹ - ۱۳۴۲ )
- ۶۵ - آقا سید محمد مهدی گلستانه اصفهانی طهرانی ( فوت ۱۳۲۲ )
- ۶۶ - حاج سید مهدی بن عبدالرزاق موسوی کرمانی ( فوت ۱۳۱۸ )
- ۶۷ - ملا مهدی شاه طوری رویدشتی اصفهانی ( فوت ۱۳۱۹ )
- ۶۸ - میرزا محمد مهدی قمیسه‌ای ( فوت ۱۳۳۰ )
- ۶۹ - حاج آقا نورالله ثقة الاسلام نجفی ( ۱۲ - ۱۳۴۶ )
- ۷۰ - میرزا یحیی مدرس بیدآبادی فرزند میرزا اسماعیل ( ح ۱۲۵۴ - ۱۳۴۹ )

۷۱ - مرحوم حاج میرزا یحیی فرزند حاج میرزا شفیع مستوفی بید آبادی  
( ۱۲۵۰ - ۱۳۲۵ )

اسامی نفرات نامبرده بالا عموماً مأخوذ از - دانشمندان و بزرگان اصفهان -  
- رجال اصفهان - مکارم الاثار و نقباء البشر و سایر مأخذ و مصادری است که بعداً  
به آنها اشاره خواهیم کرد .

این عده و ده ها عالم بزرگوار دیگری که عدم ذکر اسامی شریف آنان فقط  
بعلت عدم آگاهی نویسنده از تلمذ آن دانشمندان در نزد مرحوم حاج شیخ محمد  
باقر مسجد شاهی می باشد .

تالیفات و آثار مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی : در فهرستها  
و کتب تراجم رجال ، کتابهای زیر را از تالیفات مرحوم حاج شیخ محمد باقر  
ذکر نموده اند :

۱ - رساله در استصحاب ( فوائد الرضویه صفحه ۱۰ و ص ۲۴ دوم الذریعه ) .

۲ - رساله در حجیت مظنه بضمیمه کتاب هدایة المسترشدين پدرش بچاپ  
رسیده است در فهرست کتابهای چاپی مرحوم مشار گوید در سالهای ۱۲۷۳  
۱۳۱۰ بچاپ رسیده است ( حجتہ الظن الطریقی ) .

۳ - لب الاصول : علامه طهرانی در نقباء البشر ( صفحه ۱۹۹ ) میفرماید  
( ص ۲۸۲ هیجدهم الذریعه ) .

مرحوم آقا سید حسن صدر در تکمله میفرماید : نمیدانم این کتاب تمام شد  
یا همچنان ناقص ماند .

۴ - لب الفقه : علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۲۸۷ هیجدهم ) درباره این  
کتاب می نویسد :

جلد طهارت آن ناقص از اول بحث و ضو در کتابخانه مرحوم آقا سید حسن

صدر موجود بوده است :

آغاز : الحمد لله الذى شرف بالتكليف المؤدى الى أحسن الجزاء . . .

در اوائل كتاب مرحوم حاج شيخ محمد باقر مى نويسد :

در اين زمان كه سال ۱۲۶۷ مى باشد جهل بدقابق مطالب بر بیشتر مردم زمان غالب گرديده است . . . تا اينكه من در مدت سى و دو سال عمرم كسيرا كه حقا طالب علم باشد نيافته ام . .

نويسنده گويد : شکر خدای را که او و امثال وی زمان ما را درك نکردند  
والا از غم و غصه دق کرده و میمردند .

۵ - رساله در نفود و موازين و مکاتيل و مقایس: نسخه ای از آن مؤرخ بسال ۱۲۵۶ در کتابخانه نیویورک در آمریکا ( ص ۳۶ - المخطوطات العربيه ) موجود است ( صفحه ۴۶ مستدرکات نقیاء البشر جلد چهارم ) .

اقدامات و خدمات مرحوم حاج شيخ محمد باقر مسجد شاهی عليه الرحمه :  
مرحوم حاج شيخ محمد باقر در طول عمر خود مصدر خدمات گرانقدری نسبت به مردم و اجتماع و دولت گردیده و آثار خیری از خود بیادگار گذاشته است . ذیلا برخی از این خدمات بطور اجمال مطابق مآخذ موجود ذکر می شود و تفصیل آنها را به کتب تاریخ زمان وا می گذاریم :

۱ - در سال ۱۲۸۶ در اثر خشك سالی در اصفهان آثار قحط و غلا ظاهر گردید .  
در سال ۱۲۸۷ بلای قحط و غلا در اصفهان و کلیه عراق و فارس بالا گرفت  
و شدت یافت بطوریکه مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۷۸ قسمت  
پاورقی ) می نويسد :

مساعدت بزرگانی چون مرحوم سيد كوچك آقای حاج سيد اسدالله و آقا مير  
سيد محمد امام جمعه و حجة الاسلام حاج شيخ محمد باقر و حاج محسن تاجر

شیرازی که نود هزار تومان مالیه تجارتی خود را صرف فقهاء (فقراء) کرد تا بعد  
ور شکست .

مرحوم انصاری در ضمن وقایع سال ۱۲۸۸ که بسال آدم خوری معروف  
است و این شو زبان زد خاص و عام که در تاریخ آن مصیبت عظمی گفته اند :  
گرانی که آدم خوری باب گشت هزار و دویست است و هشتاد و هشت  
می نویسد :

امر قحطی بجائی رسید که بعضی اطفال خود را کشته و خورده بازار اصفهان  
تا درب گلشن بی درب و تخته افتاده خانه های بی سکنه و مخروبه بشمار بیشتر  
دهات معدومه و ویرانه « ایس فی الدار غیره دیار » بعضی دهات را بعوض مالیات  
جزو خالصجات خواستند ببرند و معدودی محال را مردم به آقایان واگذارند و تا  
چند سال خلق بفکر خود نبودند و بعد منصرف شدند اعادنا الله من القحط والغلا  
والطاعون والوباء وسوء القضاء بحق محمد وآله .

فائده : هر چند سال یکمرتبه اصفهان دچار خشک سالی و در اثر آن کمبود  
غله بوده و گرانی و قحطی ایجاد می شده از آنجمله در سال ۱۲۷۵ نیز در زمان  
حکومت خانلر میرزا احتشام الدوله اصفهان گرفتار گرانی بوده که آنرا مردم در اثر  
سوء سلامت حاکم میدانسته و بگرانی خانلر میرزائی معروف شده است ( خانلر  
میرزا در سال ۱۲۷۸ در اصفهان مرده و حکومت این شهر را به جلال الدوله دادند) .

۲ - در سال ۱۲۹۲ مالیات جدیدی از طرف دولت بضرر خرده مالکین وضع  
گردید و آن بدین قرار بود که : بیرون آبی های اصفهان جریبی پنج قران مالیات  
بپردازند حاج شیخ محمد باقر برای رفع گرفتاری مردم به طهران مسافرت نموده  
و با مذاکره با اولیای دولت فرمان معافی و لغو قانون را گرفته به اصفهان مراجعت  
فرمود . این اقدام از طرف مرحوم حاج شیخ محمد باقر سبب ازدیاد محبت

ودوستی مردم نسبت به آنجناب گردید .

۳ - قصه بابی کشی در سال ۱۲۹۵ :

و آن کشتن دونفر از بایه بنام میرزا حسن و میرزا حسین پسران میرزا ابراهیم بود که علاوه بر آنکه خودگمراه بودند مردم را نیز دعوت به کفر و الحاد میکردند. ظل السلطان به امر مرحوم حاج شیخ محمد باقر آنها را زندانی کرده و چون حاضر به توبه کردن نشدند حکم شرعی یعنی قتل درباره آنها اجرا گردید . و اینان ناظر مرحوم میر محمد حسین امام جمعه و خود تاجر پیشه بودند .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۲۸۲ پاورقی ) می نویسد :

همان که آنها را سربریده تلگراف شاه رسید در نجات آنها ( معلوم میشود که از طرف دولتهای خارجی درباره آنها به ناصر الدینشاه سفارش شده و فشار آورده اند که آنها را نکشند لکن حکم مجتهد یقیناً برتر از دستور شاه است .

۴ - مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۲۸۴ ) و همچنین در

کتاب : آگهی شهان از کار جهان ( ص ۷۲ دوم ) ضمن وقایع سال ۱۲۹۶ بخلاصه می نویسد :

محمد علی خان ( نایب الایاله اصفهان ) و جعفر قلیخان نسبت به علماء و خانواده شان بد سلوکی و بی اعتنائی کرده گندم خالصه جات را که خرواری دو تومان نمیخریدند خرواری بیست و پنج ریال طرح کرده درب خانه ها میفرستادند ظل السلطان هم که جوانی کامران بود در تخت فولاد نسبت بناموس یکی از علماء ... اراده خواهش کرده بود . حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد باقر و دیگر علماء مردم را اغراه نموده بازارها را بستند و در مسجد جامع بست نشستند . امام جمعه بحمایتهان برخاست و دوازده روز مساجد و دکاکین بسته بسود و در تلگرافخانه تظلمات نموده حکم احضار ظل السلطان رسید .

میرزا حسین خان سراج الملك ( فوت ۱۲۹۷ ) میان امام جمعه و شیخ را جدائی انداخت و ساعتی که مرحوم شیخ به تلگرافخانه میرفتند به تبانی شبانه نوکران ظل السلطان درب عالی قاپو جلو الاغ آقا را گرفته و برگرداندند و امام جمعه که به حمایت مرحوم شیخ آمده بود تنها ماند .

در این وقت تلگراف ناصرالدینشاه برای شیخ آمده که :  
ظل السلطان را به شما و شما را به خدا سپردم .

البته در دنباله این قضیه امام جمعه را عزل و بجای او مرحوم آقا میرزا محمد علی را بآن مقام نصب کردند شرح این ماجرا خود داستانی مفصل است .

طرز اندیشه مرحوم انصاری : اغراء در لغت بمعنای برانگیختن - تحریک و تحریض و تشویق کردن - عده‌ای را بدشمنی واداشتن و وادار کردن . می‌باشد .

اکنون باید توجه کرد اگر حاکمی به همه چیز مردم از جان و مال و حتی ناموس آنان چشم طمع و خیانت بدوزد و در ملا عام و در جلو دیدگان صدها تن از زن و مرد مزاحم زنان آنها باشد وظیفه مردم در این مورد چیست ؟ آیا باید ساکت بنشینند و تماشاگر این صحنه‌های فساد و تباهی باشند یا آنکه فریاد بر آورند و شکایت کنند و احقاق حق نمایند .

آیا مردم راهنما و پناهگاهی غیر از علماء داشته‌اند آنان برهبری علماء قیام کردند بازار را بستند مساجد را تعطیل کردند در مسجد جامع متحصن شدند امام جمعه که واسطه بین دولت و ملت بوده است را شفیع قرار دادند تا شاید فریاد مظلومانه آنان را بگوش دولتیان و شاه که بی خبر و آسوده در طهران نشسته بودند برسد . لکن اینبار نیز همچون همیشه دشمن بیدار با اسلحه «تفرقه بینداز و حکومت کن» بمیدان علماء و مردم شنافت و ما بین دو جناح روحانیت یعنی مسجد شاه و مسجد جمعه یا بعبارت دیگر مابین مرحوم حاج شیخ محمد باقر و آقا میرمحمد

حسین جدائی انداخت و هر يك را جدا جدا سرکوب کرد .  
این قیام و داد خواهی مردم برهبری علماء را مرحوم انصاری اغراء تعبیر  
می کند و حال آنکه باید هدایت و ارشاد می نوشت .

ما بین آقایان مسجد شاه و مسجد جامع قبل از اختلاف نظر وجود داشت اما  
در این مورد موضوع : نهی از منکر و دفاع از حق مظلوم است آنهم عالمی  
بزرگوار و از رؤساء علماء و مجتهدین که حاکم از خدا بی خبر قصد تجاوز نسبت  
به ناموس او کرده است .

یکی از موارد اختلاف ما بین آقایان مطابق نوشته مرحوم انصاری ضمن  
وقایع سال ۱۲۹۳ در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۲۸۱ پاورقی ) بدین قرار  
بود ( با اندکی تغییر عبارت ) :

یکی از اتباع امام جمعه باده خورده طلاب او را نزد مرحوم شیخ بردند .  
مرحوم شیخ ملا محمد نغنه ای را فرمود او را حد زد امام فرستاد ملا محمد را  
بردند و نسبت به او بی احترامی کرد .

۵ - مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۲۸۷ ) و همچنین در  
کتاب : آگهی شهان از کار جهان ( صفحه ۷۵ سوم ) وقایع سال ۱۲۹۸ مینویسد:  
ویرانی مسجد و ابنیه هفت مدرسه محله عباس آباد اصفهان که از آجر و سنگش  
مسجد نو ( بازار ) ساخته شد .

توضیح آنکه در محله عباس آباد هفت مدرسه و چندین مسجد کوچک و بزرگ  
از زمان صفویه باقیمانده بود که در اثر متروک ماندن محله و خالی شدن از سکنه  
همه رو بویرانی و خرابی نهاده و بطوریکه نقل شده است روزها محل افراد و اگر  
وقمار باز و شبها مرکز عده ای از مردم فاسد و دزد گردیده بود در این زمان بر  
حسب دستور مرحوم حاج شیخ محمد باقر ( و همچنین آخوند ملا محمد باقر

فشار کمی) بقیه ساختمانها را خراب کرده و مصالح آنرا در مساجد رحیم خان و مسجد نو محله چهار سو و مسجد نو بازار بکار بردند .

پس از تکمیل مسجد نو بازار عده‌ای از مقدسین و مؤمنین به این عمل (خراب کردن مدارس و مساجد) ایراد گرفته و نماز در مسجد نو بازار را جائز نمی‌دانستند. چون موضوع را به مرحوم شیخ گفتند ایشان فرموده بودند از جناب میرزا در سامره استفتاء کنید و در سؤال بنویسید که : این عمل بدستور و صواب‌دید شیخ محمد باقر انجام گردیده است . پس از مدتی جواب از سامره علی‌المسموع باین شرح رسید که :

اگر بدستور حاج شیخ محمد باقر بوده اشکال ندارد . ( من این مطلب را از عده‌ای شنیده‌ام و مشول صحت و سقم آن نمی‌باشم ) .

اکنون سنگ نبشته مدرسه آقا کمال خازن که یکی از هفت مدرسه عباس آباد بوده است در مسجد رحیم خان موجود است به کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحه ۸۰۴ مراجعه شود ) .

۶ - مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۲۹۷ قسمت بالای صفحه ) به خلاصه می‌نویسد :

در سال ۱۲۹۹ ساختمان مسجد تمام شد (البته قسمتهای اساسی بنا تمام شده و تزئینات باقیمانده بود) و شبی مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد باقر تشریف بآن مقام آورده و ایوانها را چراغانی شایان کرده بودند. مؤلف: دوازده ساله بودم بتماشا رفته رندی لا ابالی شنودم این شعر خواند :

ثالث و موقوفه و مخروبه و اموالی جمع

گشت و شد مسجد نوبزم صفاهان را شمع

و اتفاقاً در ۱۳۰۵ که تمام جهات مسجد نیز جمع شد و نقایصش رفع بنده



تاریخ را این مصرع گفتم : اصفهان را مسجد نو شمع شد .

۷ - امر بمعروف ونهی از منکر: مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی از جمله علماء بزرگواری است که در انجام وظائف شرعی يك روحانی مبسوط الیه و متنفذ اقدامات وسیعی انجام داده و کسانی را که از حدود شرع مطهر خارج میشدند طبق موازین شرعی در مرحله اول به ادله و برهان و منطق آنان را رهبری کرده و در مرحله دوم با مواظب حسنه و پند و اندرز آنان را هدایت میفرموده و در آخرین وهله اجرای حدود شرعی درباره آنان اجرا میکرده است .

حدود و احکام آن سالها بوسیله فشار حکومتها از صورت اسلامی خارج شده و بگونه‌ای دیگر درآمده بخصوص موضوع اجرای حدود شرعیه و قصاص از طرف علماء متروک گردیده و کمتر بآن عمل میشد فقط آقایان امام جمعه باین واجب شرعی اقدام میکردند اما در موضوع حکم قتل و اجرای آن بسته بنظر حکام و والیان شهر بود که طبق معمول آن زمان مجتهدین حکم میکردند و اجرای آنرا از دولتیان میخواستند .

مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی این سنت دور از حقیقت این بدعت را شکست و احکامی را که صادر میفرمود خود نیز اجراء میکرد پس از او مرحوم حاج شیخ محمد باقر همین رویه را تعقیب فرمود و در اجرای احکام موافقت دولتیان را نمیخواست ( یکی از موجبات اختلاف حاکم و دستگاه روحانیت ) .

محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه ( ص ۴۰۹ دوم ) مینویسد :  
در يك روز حکم قتل بیست و هفت نفر را صادر فرمود که دوازده نفر از آنان کشته شدند و بقیه فرار کردند . سپس می نویسد :  
در این موضوع آنجناب را با حاکم اصفهان داستانی است ( لکن خود داستان را نقل نمی کند ) .

۸ - رسم عزاداری کردن طلاب و دانشجویان دینی اصفهان: یکی از سنت‌های حسنه که از زمان مرحوم حاج شیخ محمد باقر معمول گردیده بود (ظاهراً از سال ۱۲۹۵ به بعد مطابق نقل برخی از معمرین و پیرمردها) این بود که:

در شب عاشوراء طلاب در مسجد شاه جمع شده و پس از نماز جماعت بصورت دسته و هیئت با پرچمهای سیاه سینه زنان و نوحه خوانان حرکت نموده در تمام طول بازار بلا انفصال هر چند قدمی ایستاده و سینه میزدند تا مسجد جامع و در آنجا از طرف مرحوم امام جمعه از آنان پذیرائی شده (شام میداد و در روز عاشوراء اگر می‌آمدند نهار داده میشد) سپس متفرق میشدند (ص ۲۸۹ تاریخ اصفهان وری) جمعیت طلبه بیش از سه هزار نفر بوده است.

فراست حاج شیخ محمد باقر:

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۴۳ سوم) می‌نویسد:  
روزی مردی مست را به محضرش آوردند اتفاقاً آن مرد از پیش تدارک نجات خود را بگرفتن نسخه‌ی علاج ازدوسه طبیب مشهور کرده بود چون در معرض خطابش آوردند و تازیانه حد حاضر کردند آن نسخه اطباء را نمایاند. مرحوم شیخ او را روانه کردند پس از رفتنش فرمودند الان این شعر یغما را میخواند:

ز شیخ شهر جان بردم بتزویر مسلمانی

مداراگر بدین کافر نمی‌کردم چه میکردم

اتفاقاً یکی از اعیان وارد شد بخروشی که: « لا اله الا الله » فلان شخص را دیدم از کریاس دولتسرای آقا بیرون آمده و باین شعر مترنم بود (و همان شعر یغما را خواند).

مرحوم انصاری این موضوع را بعنوان کرامتی لطیفه مانند ذکر می‌کند و ما آنرا بفراست و تیز هوشی آن مرحوم تعبیر نمودیم.

علت مهاجرت مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی به نجف : شاهزاده مسعود میرزا ظل السلطان حاکم ظالم و جابر و فاسق و بی بند و بار اصفهان که نسبت به جان و مال و نوامیس مردم اصفهان تعدیها کرده و ستمها روا داشته و هرچه مردم این شهر به پدر ظالم تر از او یعنی ناصرالدینشاه شکایت نموده اند وی بشکایات آنان وقتی ننهاد و او را همچنان در این مقام نگاهداشته است با علماء و سادات واعزه و اشراف نیز مخالف بود و نسبت به نوامیس آنان چشم طمع داشت و بهمه با دیده شهوت می نگریست . در این جا مطلب را بهمین قدر بسنده کرده و طالبین بیشتر از آنرا بکتابهای دیگر مانند شرح حال عباس میرزا ملک آرا حواله می کنیم .

مرحوم حاج شیخ محمد باقر جهت تظلم و دادخواهی بطهران مسافرت فرمود و بهربك از اولیای دولت از شاه و صدراعظم و دیگران متوسل شد و از این کوششها نتیجه ای نگرفت بنابراین طهران را بقصد اعتاب مقدسه ترك نمود و عزم آن کرد که دیگر به ایران مراجعت نکند و خود و ناموس خود را از شر شاهزاده مصون دارد .

هرچه درباره قبح افعال و زشتی رفتار ظل السلطان گفته شود باز هم حق مطلب اداء نشده است . بعضی از نویسندگان را عقیده بر آنست که یکی از علل ظاهری مخالفتهای مرحوم آقا نجفی و حاج آقا نورالله ، ظل السلطان و همچنین باحکومت استبدادی سلاطین و موافقت با مشروطه خواهان حس انتقام جوئی اینان نسبت به آن خاندان یعنی قاجاریه بوده است و بنظر عده ای اگر این موضوع علت اساسی نباشد خود میتواند یکی از موجبات و علل فرعی باشد و الله عالم بحقایق الامور .

فوت و تاریخ و محل دفن : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ضمن وقایع سال ۱۳۰۱ بطور اجمال می نویسد :

حجة الاسلام حاج شیخ محمد باقر بطرح رفته و در نجف و محل امن نخفته

و نسبتها میدادند که یکی از عالم نمایان از اصفهان مأمور و آن بزرگ را سموم نمود. لکن متأسفانه مرحوم انصاری در کتاب خود نه ذکری از آمر نموده که نامش چیست و نه اسمی از مأمور برده که بچه نام خوانده میشده و قصد آمر و مأمور از این مأموریت چه بوده است .

از آنچه برخی از اهل نظر و اطلاع آگهی میدهند این است که موضوع را منتسب به ظل السلطان و مربوط به همان شکایت خانوادگی میدانند در هر حال فوت مرحوم حاج شیخ محمد باقر در این روز اتفاق افتاده و موجب عداوت و دشمنی بین خاندان مسجد شاهیان و ظل السلطان گردیده و به مضمون :

پدر کشتی و تخم کین کاشتی      پدر کشته را کسی بود آشتی

در تمام دوره ریاست و قدرت آقایان مسجد شاه یکی از مبارزات اساسی و پی گیر و مداومشان با شخص ظل السلطان بوده است و موجبات این مخالفتها عبارتست از :

۱ - ظلم و تعدی و اجحاف و زور گوئی شخص ظل السلطان و وابستگان او حتی نوکران جزء او .

۲ - وابستگی شخص ظل السلطان به سیاست خارجی و مخصوصاً انگلستان و علناً این موضوع را به نزدیکان خود می گفته که : قریباً ایران قسمت میشود و من پادشاه يك قسمت از آن خواهم بود ( طبق نظریه انگلیس ها ) .

۳ - حمایت او از جمعی از گمراهان بخواست سیاست خارجی بر خلاف موازین شرعی و مصلحت مملکت ایران .

آقایان مسجد شاه و بالآخر مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه بر حسب وظیفه شرعی که حمایت از ضعیف و بیچارگانست بطرفداری از ستمدیدگان قیام نموده و حقاً پشت و پناه مردم و امید در ماندگان بوده است .

عبادت در تخت فولاد : محدث قمی در فوائد الرضویه ( صفحه ۴۰۹ دوم )  
از قول مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی می نویسد :

عادت همیشگی مرحوم حاج شیخ محمد باقر این بود که در ایام ماه رجب  
چندین روز در تخت فولاد در تکیه منسوب بپدر خود دور از غوغای اجتماع  
عبادت و طاعت مشغول بوده در سال ۱۳۰۰ که عمر او نزدیک به شصت و هفت  
سال بود بر حسب عادت مألوف در ایام ماه رجب به تخت فولاد رفته و بعبادت  
حضرت حق جل و علا مشغول گردید . در این سال چون بشهر مراجعت فرمود  
هیچ اندیشه ای جز مسافرت به عتبات نداشت . هرچه او را از این مسافرت منع  
کردند مفید واقع نشده و در راه رفتن و سفر نمودن شتاب مینمود .

سؤال از علت مسافرت : مرحوم آقا شیخ محمد رضا میفرماید : پدرم مرا گفتم  
روزی از او علت این عجله و شتاب را پرسیدم در جواب فرمود :

در موقعیکه در تخت فولاد در تنهایی بعبادت مشغول بودم حالی مرا دست  
داد و در آن حالت غیر هادی بر من روشن گردید که مرگ من نزدیک است پس  
خواستم زودتر به آن اعتبار مقدسه بروم ( که در آنجا بمیرم ) و حمل جنازه خودم  
را بدیگری وانگذارم . پس شبانگاه و مخفیانه از ترس ممانعت مردم از اصفهان  
حرکت نمود و پسرعت طی منازل مینمود و بسوی موطن اصلی می شناخت .

ورود به کربلا : مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی هنگام غروب  
شب هاشورای سال ۱۳۰۱ به کربلا وارد گردید و سه شب بیشتر در کربلا توقف  
نموده و به سمت نجف حرکت نمود ( محرم این سال در آذر ماه ۱۲۶۱ بوده )  
موقع حرکت آن مرحوم به نجف باران بشدت میبارید .

ورود به نجف : پس از آنکه مرحوم شیخ به نجف وارد میشود یکسر بحرم  
مطهر مشرف گردیده و بزیارت موفق گشته سپس به بقعه جد مادریش مرحوم کاشف

الغطاء می‌رود .

اولاد واعقاب مرحوم کاشف الغطاء همگی حاضر بودند روی بدانها نموده  
و میفرماید :

جائی برای قبر من معین کنید. آنان با نظر آن مرحوم جائی انتخاب میکنند  
فوراً دستور می‌دهد کارگر و اسباب‌کندن قبر حاضر نموده و قبری جهت او حفر  
می‌کنند وقتی قبر کنده و آماده میشود بمنزل می‌رود ( خانه شیخ جعفر ) پس از  
چند روز که در نجف بوده شیخ علی بن عباس آل کاشف الغطاء وفات یافت و بعداً  
حاج شیخ محمد باقر بیمار شده و در شب ۵ شنبه ۵ ماه صفر المظفر سال ۱۳۰۱  
وفات یافته در بقعه جد مادری خود مدفون گردید .

ماده تاریخ وفات : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۲۹۰ ) این  
دو سطر شعر را در رثاء و ماده تاریخ وفات مرحوم حاج شیخ محمد باقر از قول  
پدرش مرحوم حاج میرزا علی مستوفی انصاری ( ۱۳ ) نقل می‌کند:  
اصل او چون زنجف بود سوی اصل برفت

این جهان داد و جان یافت بپاداش و بدل

سال تساریخش را زانصاری جستم گفتا

« موطن شیخ نجف بود بانجام وازل »

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان ( صفحه ۹۸ یکم ) می‌نویسد :  
بیست هزار تومان قرض و علمای عاملین و ذکر محلد از آن بزرگوار مخلف  
ماند .

بیان ظل السلطان در کتاب سرگذشت مسعودی : مسعود میرزا ظل السلطان  
فرزند ناصرالدینشاه قاجار حاکم مطلق العنان اصفهان ( ۱۲۶۶ - ۱۳۳۶ ) در کتاب  
سرگذشت مسعودی ( ص ۳۰۳ چاپ اول ) در ضمن وقایع سالهای اولیه حکومت

خود در اصفهان بخلاصه می نویسد :

سه مصیبت که واقعاً هر سه اسباب افسردگی بود پی در پی در اصفهان روی

داد :

۱ - فوت امام جمعه آقا میرزا محمد علی .

۲ - فوت میر محمد حسین امام جمعه سابق .

۳ - فوت حجة الاسلام حاجی شیخ محمد باقر که از اجله علماء مائه دوازدهم

(باید سیزدهم می نوشت) بود با پسر بزرگوارش شیخ محمد حسین برحمت ایزدی

پیوستند .

توضیح : ۱ - فوت مرحوم آقا میرزا محمد علی بن میرزا جعفر امام جمعه

در غروب روز ۱۹ ربیع الاول سال ۱۳۰۰ در اصفهان رویداده است .

۲ - فوت مرحوم میر محمد حسین امام جمعه فرزند حاج میرزا حسن در

۲۳ رجب سال ۱۲۹۸ در اصفهان بوده است .

۳ - فوت مرحوم حاج شیخ محمد باقر شب ۵ صفر ۱۳ در نجف اشرف

بوده است .

۴ - فوت مرحوم حاج شیخ محمد حسین مسجد شاهی در غره محرم سال

۱۳۰۸ در نجف اشرف اتفاق افتاده است .

ظل السلطان با مرحوم امام جمعه میرمحمد حسین مخالف بود و علت مخالفت

او طرفداری آن عالم جلیل از : ۱ - مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد

شاهی در موضوع تعرض حاکم یعنی شاهزاده هواپرست بیکی از متعلمان مرحوم

حجة الاسلام نجفی ۲ - طرفداری از مردم فقیر و ستم دیده اصفهان در موضوع

اجحافات اتباع ظل السلطان در موضوع گندم خالصجات و غیره که مرحوم امام

جمعه تقاضای عزل حاکم رانموده و شاه غافل و طرفدار ظالم او را بهمین دلیل از

امامت جمعه عزل کرد و به مشهد مقدس و سپس به عراق تبعید نمود. نقل از تاریخ اصفهان مرحوم انصاری بخلاصه ) .

همسران و اولادان مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی :

مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی دارای سه همسر بشرح زیر بوده است :

۱ - دائمیه بنام علویه زمزم بیگم دختر علامه فقیه مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی ( دختر خاله آن مرحوم ) از دختر مرحوم آقا شیخ جعفر نجفی موسوم به جان جان خاتون . این همسر در سفر مکه در بین راه وفات یافته و بیشتر فرزندان مرحوم شیخ از این علویه مکره میباشند .

۲ - دائمیه بنام علویه فاطمه خانم مشهور به خانم نجفی دختر یکی از سادات اخوی تهران دختر خاله عیال مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام ، مادر دو تن از فرزندان مرحوم شیخ متوالده در ۱۲۶۹ متوفاة در ربیع الثانی ۱۳۵۲ در بقعه تکیه مادر شاهزاده بخاک رفت .

۳ - منقطعه بنام گوهر سلطان متوفاة بسال ۱۳۱۶ در اصفهان مادر مرحوم حاج شیخ اسماعیل .

اولاد مرحوم حاج شیخ محمد باقر : مرحوم حاج شیخ محمد باقر از این سه همسر جمعاً ۹ فرزند پسر و دختر بشرح زیر یافته است :

۱ - حاجیه فاطمه خانم ، همسر شیخ الاسلام حاج میرزا محمد رحیم .

۲ - حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی .

۳ - حاج شیخ محمد حسین .

۴ - حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام .

۵ - حاج شیخ نور الله ثقة الاسلام .

۶ - بیگم صاحب همسر جوباره ای .



- ۷ - حاج شیخ جمال الدین از مخدره علویه از سادات اخوی طهران .
- ۸ - حاجیه خانم ( از مادر حاج شیخ جمال الدین ) همسر آقا جمال الدین چهار سوقی .
- ۹ - حاج شیخ اسماعیل .
- رفع اشتباه : علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه ( ص ۱۰۵ چهل و چهارم ) در ذکر اولاد مرحوم حاج شیخ محمد باقر فقط نام حاج شیخ محمد علی و حاج شیخ اسماعیل را ذکر نموده و فرزند دیگری بنام شیخ محمد جواد نیز نام میبرد که یقیناً اشتباه است و ظاهراً با نواده آن مرحوم فرزند مرحوم آقا نجفی خلط گردیده است .

( ٦ )

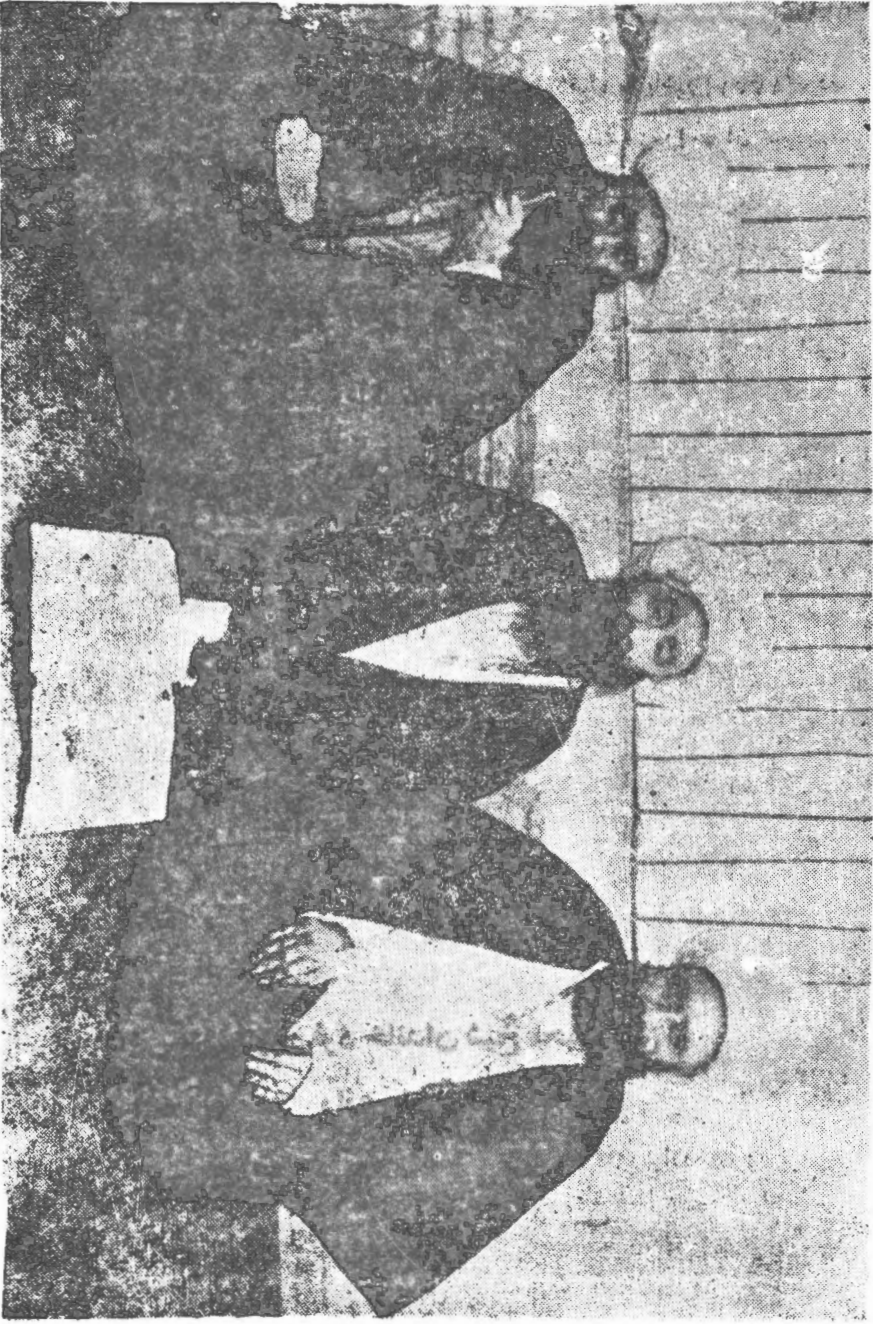
حاج شيخ محمد تقى معروف به

« آقا نجفى »

( ١٢٦٢ - ١٣٢٢ )

معروفترين فرد خاندان شيخ محمد تقى

رازى اصفهانى



بر حرم آباء الله آقا نجفی اصفهانی در میان دو فرزندش مرخومین آقا جلال الدین و آقا کمال الدین شریعتمدار

### حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی

نام : محمد تقی - شیخ محمد تقی دوم

کنیه : ابوالحسن

شهرت : آقا نجفی - آفای نجفی

تولد : نیمه شب ۱۷ ربیع الثانی سال ۱۲۶۲ در اصفهان متولد گردید . در تقویم تطبیقی یکهزار و پانصد ساله غره ربیع الثانی را يك شنبه می نویسد علیهذا تولد در شب ۳ شنبه خواهد بود .

پدر : مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی .

مادر : علویه زمزم بیگم دختر علامه فقیه مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی

اصفهانی .

شهرت : مرحوم حاج شیخ محمد تقی به آقا نجفی شهرت داشته و قبل از ایشان پدر آن مرحوم را گاهی شیخ وزمانی مسجدشاهی وجدش را رازی وصاحب حاشیه وصاحب هدایة المسترشدين می گفتند از سال ۱۳۴۴ که قانون سجل احوال ( شناسنامه ) در مملکت ایران بموقع اجراء گذاشته شد کلیه اولاد واعقاب

ووابستگان آن مرحوم کلمه نجفی را بعنوان نام خانوادگی انتخاب کرده و به ( نجفی - آقای نجفی - نجفی زاده ) معروف و مشهور شدند گرچه تاکنون نیز آنانرا عموماً به آقایان مسجد شاه و یا مسجد شاهیان نیز میخوانند .

گفتار بزرگان درباره ایشان: عموم نویسندگان کتب تراجم رجال و شرح حال بزرگان علماء آن مرحوم را بعنوان عالم خدمتگزار و فقیه عادل و عامل و مصنف یاد کرده اند از آنجمله :

۱ - مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان (تاریخ نصف جهان و همه جهان ) در ضمن بیان شرح حال علمای اصفهان ( ص ۱۰۲ بالای صفحه ) می نویسد :

آقا شیخ محمد تقی معروف به آقای نجفی تولدش ۱۲۶۲ تحصیلش در اصفهان و نجف و عقل و علم و حلم و مکانت و جاهش محیر العقول حافظه اش بدرجه ای که رؤوس مطالب فقه را همواره حاضر داشتی و عطایش از هشتصد خروار جنس و ده هزار تومان هر سال بطلا ب (باید توجه داشت که این مبلغ مربوط به قریب نود سال قبل می باشد و با تسعیر آن با پول این زمان شاید چند صد هزار تومان نزدیک یک میلیون شود) و ارباب استحقاق رسیدی و خود از کمتر طلبه قانعتر بودی. تدبیرش بر میرزا تقی خان امیر راجح آمدی و بفعالیست خامه و نامه اش از طلیعه فجر تا نیمه شب در مهمات امور مسلمین سیار بود .

۲ - علامه طهرانی در نقباء البشر ( ص ۲۴۷ یکم ) می نویسد :

احدار کان الدین ورؤساء المذهب فی عصره . . . و انتهت الیه الریاسة فی عصره بایران الی ان تلم الاسلام بوفاته .

۳ - مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار ( ص ۱۶۶۲ پنجم ) درباره آنجناب می نویسد :

از بزرگان علماء و فقهاء اصفهان و در آن شهر بلکه سایر بلاد ایران شهرتی تمام و نفوذ کلمه و ریاستی معتد بها داشت و در عقل بدرجه اعلی و در تدابیر و کفایت و حسن سیاست و معاشرت با دولت و قلت تقریباً در اقران خود بی نظیر بود .

۴ - محدث قمی در فوائد الرضویه ( ص ۴۳۸ دوم ) بنقل از علامه مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ( در کتاب : حلی الدهر العاطل فیمن لاقینته من الافاضل ) می نویسد :

الشیخ الامام مبین الاحکام و ملاذ الانام رئیس الشیعه و مؤسس اساس الشریعه حامل الویة الاسلام و فقیه اهل البیت علیهم السلام سدی جده و حاکمیه فی مجده و جده ابوالحسن محمد تقی ادام الله ایامه جامع شمل الدین بعد ما حلل الدهر عقده و اعجوبة الایام حتی ادعن الدهر بانه ما اری نده . . .

۵ - مرحوم مدرس تبریزی در ریحانة الادب ( ص ۲۶ یکم ) می نویسد :  
آقای نجفی از اجلای علمای امامیه سده حاضر چهاردهم - هجری قمری که مرجع خاص و عام و جامع معقول و منقول و جاری فروع و اصول بوده .

۶ - مرحوم آقا شیخ محمد حرزالدین نجفی در معارف الرجال ( ص ۲۱۴ دوم ) درباره او می نویسد :

كان المترجم له عالماً فاضلاً نقیاً ممدوحاً بحسن السیرة اديباً كاملاً مستحضراً للفروع و متون الاخبار .

دیگر نویسندگان نیز در کتابهای خود و برا بهمین عبارات و صفات ستوده اند و او را از مروجین شریعت مطهره و خادمین به اسلام و مسلمین و از جمله آمرین بمعروف و نهی کنندگان از منکر است دانسته که : لا یخافون لومة لائم، در شأن آنان صادق است وی از آن دسته از علماء بزرگوار است که عمرگرا نمایه خود را در راه تحصیل و تدریس و تألیف و تصنیف و ارشاد و هدایت بندگان خداوند متعال

واقامه حدود و دفاع از حقوق مظلومین و ستم‌دیدگان بسر برد .  
در بین تمام نویسندگان نویسنده مغرضی در کتاب خود : رجال ایران در سه  
قرن اخیر ( صفحه ۳۲۶ سوم ) ویرا بدینگونه یاد می کند :

از روحانیون متنفذ و خبیلی متحول اصفهان بوده و برای پیشرفت و گسترش  
نفوذ خود اعمالی را مرتکب میشد که مزاحمت دولت و بی نظمی امور را فراهم  
می نموده است . سپس دنباله این سخنان مطالبی می نویسد که شایسته هیچ مورخ  
و نویسنده بی غرضی نبوده و منحصرأ سزاوار قلم و بیان همان نویسنده و کتابست  
و ذکر آن مطالب در این جا بی مورد بنظر میرسد فقط گوئیم :

او می گوید متحول است اما نمی نویسد این ثروت در چه راهی بمصرف  
میرسد وی جلوگیری از لایب‌الگیری و بیدینی و نهی از منکر را مزاحمت دولت  
میداند و اجرای حدود شرعیه را بی نظمی میخواند بنظر این نویسنده مأمور و غیر  
معدور روحانی آنچه از فساد دستگاه دولت می بیند را باید ندیده انگارد امر  
بمعروف نکند و از فساد و تباهی و گمراهی جلوگیری ننماید زیرا اینها همه برخلاف  
نظریه دولتیان است و در نتیجه سبب مزاحمت ایشان، عالم و مجتهد نباید بداد مظلوم  
برسد و داد او را از ظالم و ستمگر بستاند . در آن زمان باید علماء همگی در برابر  
مظالم ظل السلطان حاکم جابر اصفهان خاموش بنشینند و چون نقش دیوار باشند  
زیرا اعمال آنان که برخلاف حکومت باشد سبب مزاحمت دولت است ( البته  
دفاع از مظلوم واجب کفائی و چون یکی بدان اقدام کرد و از عهده برآمد تکلیف  
از دیگران ساقط میشود ) .

این نویسنده نه تنها نسبت به مرحوم آقای نجفی این چنین قضاوت می کند  
بلکه در تمام مجلدات شش گانه کتاب خود هر کجا بعالمی مجاهد و فداکار و مجتهدی  
متمهد و خدمتگزار برخورد می کند او را ریاکار و عوام فریب میخواند گویا از

مقامی با مقاماتی مأموریت دارد که بین مردم مسلمان و علمای اسلام جدائی ایجاد کند و جای پای اربابان استعمارگر و ستمگران غارتگر را باز کند این است طرز فکر آقای بامداد نویسنده کتاب : رجال ایران در سه قرن اخیر .

اساتید و مشایخ اجازه : مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی مقدمات علوم را در اصفهان در نزد علماء این شهر بیایان رسانید . اسامی آن دسته از دانشمندانی که مرحوم آقا نجفی در اصفهان از محضر علمی آنان بهره مند گردیده غیر از پدرش در جائی بنظر نرسیده است .

مرحوم آقا نجفی چون دارای هوش سرشار و حافظه قوی و استعداد کافی بود خیلی بیشتر از آنچه تصور میشد و در افراد دیگر همسال او دیده میشد در علوم و معارف ترقی و پیشرفت نمود . مرحوم حاج شیخ محمد باقر پدر دانشمندش ویرا جهت تکمیل علوم به نجف اشرف روانه ساخت .

مرحوم آقا نجفی در نجف اشرف : مرحوم آقا نجفی قبل از سال ۱۲۸۱ یعنی در زمان حیات علامه فقیه زاهد مرحوم شیخ حاج مرتضی انصاری عازم نجف گردید .

در آن هنگام ویرا جذبه‌ای و حالتی روحانی دست داد که به ادامه تحصیل رغبتی نداشت و بیشتر به انزوا و عزالت و ریاضت و تصفیه نفس و عبادت میگذرانیده است .

در این زمان در شهر نجف عالمی بزرگوار و زاهد و عابد و فقیهی مشهور بنام حاج سید علی شوشتری عارف و مرتاض و معلم اخلاق میزیست که مورد توجه عموم علماء و بزرگان بالاختصاص مرحوم شیخ بزرگوار آقا شیخ مرتضی انصاری بود . مرحوم شیخ انصاری با آنهمه جلال شأن در مقام زهد و عبادت که حقاً قابل وصف نیست جزو مریدان این سید بزرگوار بود و در وقت وفات



ویرا وصی خود قرار داده و فرمود که: دوست دارم که او بر جنازه من نماز بخواند .  
مرحوم آقا نجفی در تحت تربیت و راهنمایی این استاد و مربی اخلاق به  
عبادت و ریاضت و خواندن اوراد و اذکار در مسجد سهله و مسجد صعصعه و مسجد  
بزرگ کوفه و همچنین در حرم مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و مقامات  
وادی السلام مشغول گردید و در این راه از هیچ کشش و کوششی کوتاهی نکرد  
تا رسید بدانجا که دلخواه او بود .

در این دوره برای وی مکاشفاتی رویداده که در بعضی از مؤلفات خود اشاره  
به آنها میفرماید و ما نیز بمناسبت ذکری از آنها خواهیم کرد .

چون مرحوم شیخ انصاری در سال ۱۲۸۱ وفات یافت مرحوم شوشتری  
بجای او بر منبر تدریس نشست و عمده شاگردان شیخ بزرگوار خصوصاً آنان  
که با ریاضت و عرفان سر و کاری داشتند بجلسه درس او حاضر شدند و ضمن  
بهره‌مندی از فضائل علمی از مقامات معنوی او نیز کامیاب میشدند و علماً و عملاً  
به تحصیل دانش و اخلاق و تصفیه روح و نفس اشتغال جستند لکن متأسفانه این  
زمان دوات مستعجل بود و دبیری نپائید و مرحوم حاج سید علی شوشتری در سال  
۱۲۸۳ وفات یافت .

مرحوم آقا نجفی در این مدت از این استاد بزرگوار که در مراتب زهد  
و تقوی و اعراض از دنیا و عرفان و اخلاق مقامی بس ارجمند داشت و هم مجتهدی  
بزرگوار و فقیهی صاحب نظر بود اسفاده علمی و بهره عملی یافت و بر حسب  
آنچه معروفست اجازه ختم آیه مبارکه نور : « الله نور السموات والارض .. »  
را گرفت .

بنابر این مرحوم شوشتری پس از پدر مرحوم آقا نجفی دومین استاد او بشمار  
میرود .

مرحوم آقا نجفی چندین سال در نجف اشرف بر ریاضت و عبادت گذرانید

و معلوم نیست که پس از فوت مرحوم حاج سید علی شوشتری بخدمت چه کسی از معلمین اخلاق و عرفان رسیده است .

بعداً با جد و جهدی تمام و استعداد خداداد و حافظه محیر العقول در نزد اساتید نجف اشرف به تحصیل علوم و تکمیل آنها پرداخت علماء زیر را در نجف از اساتید ایشان ذکر می کنند :

۱ - مرحوم شیخ راضی بن شیخ محمد نجفی فقیه عراق متوفی بسال ۱۲۹۰ .  
۵ . ق .

۲ - مرحوم شیخ مهدی بن شیخ علی آل کاشف الغطاء نجفی متوفی بسال ۱۲۸۹ .  
۵ . ق .

در این سالها ضمن تحصیل علوم به تکمیل مراتب باطن نیز اشتغال داشت و شبها و روزها با برادر بزرگوار خود مرحوم حاج شیخ محمد حسین در مساجد سهله و کوفه بعبادت و تهجد و خواندن قرآن و ادعیه اشتغال داشت و از برای او مکاشفاتی دست داد .

مرحوم آقا نجفی پس از وفات اساتید خود در نجف اشرف و تشکیل حوزه علمیه در شهر مقدس سامراء بدست با کفایت مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد حسن شیرازی بدو منظور رهسپار آن بلاد امین گردید :

۱ - استفاده علمی از محضر مبارک مرحوم میرزای شیرازی و شاید برخی دیگر از مجتهدین بزرگوار .

۲ - استفاده معنوی از وجود مقدس قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه سرداب مطهر و روضه منوره خانه آن بزرگوار و محصل نزول رحمت حضرت پروردگار و جایگاه استجابت دعاء و وصول بمحضر مبارک آن جنابست و چه بسیار مردمی که در آن محل مقدس باین

فیض عظمی نائل گردیده‌اند .

بنابراین اساتید شناخته شده آن مرحوم بترتیب عبارتند از :

۱ - حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی پدر بزرگوار آن مرحوم در اصفهان  
استاد و شیخ روایت .

۲ - حاج میرزا محمد حسن شیرازی میرزای مجدد در سامراء .

۳ - شیخ راضی نجفی در نجف اشرف .

۴ - حاج سید علی شوشتری در نجف اشرف استاد و شیخ روایت .

۵ - شیخ مهدی کاشف الغطاء در نجف اشرف .

رفع اشتباه : در کتاب : از کلینی تا خمینی ( ص ۳۴۲ ) نویسنده کتاب بدون  
ذکر مأخذ دو نفر استاد بشرح زیر برای مرحوم آقا نجفی ذکر می کند :

۱ - حاج میرزا حبیب الله رشتی .

۲ - آخوند خراسانی .

که نفر دوم یقیناً اشتباه و اولی نیز بدون دلیل است .

تذکر : همین نویسنده یعنی آقای ( م . جرفادقانی - محمد بن علی بن  
محمد ) در همان کتاب درباره فوت آنجناب گوید در یازدهم شعبان ۱۳۳۳ یا  
۱۳۳۱ در اصفهان بوده که ۸- دو تاریخ غلط و صحیح ۱۳۳۲ می باشد که بعداً  
ذکر خواهیم کرد .

مکاشفه مرحوم آقا نجفی : مرحوم آقا نجفی در یکی از تألیفات خود ضمن  
بیان شرح برخی از ریاضات و مجاهدات نفسانی خود که با برادرش مرحوم حاج  
شیخ محمد حسین عموماً همراه بوده می نویسد :

در شهر مقدس سامراء در سرداب مطهر مشغول دعا و زیارت و توسل بساحت  
قدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و گریه و زاری بودیم در

این بین مرا حالتی دست داد مثل اینکه بخواب رفته باشم در آن حالت متوجه شدم که بمن دستور مراجعت به اصفهان برای خدمت به اسلام و شریعت داده شد و برادرم را امر به توقف در نجف اشرف جهت تکمیل مراتب و فوائد نفسانی نمودند . بعد از آن من به اصفهان و برادرم به نجف اشرف هجرت کردیم .

مکاشفه دیگر : مرحوم آقا نجفی می نویسد که :

در مسجد صعصعه مشغول نوشتن شرح زیارت جامعه بودم که مرا حالتی دست داد و در آن حالت خدمت امام زمان علیه السلام مشرف شدم و آنحضرت از نوشته هایم اظهار رضایت و خوشنودی فرمودند .

همچنین در مسجد سهله مکاشفاتی دست داد که همگی مشعر بر وصول به مقامات عالیه علم و عرفان و ایقان مینمود .

مساجد سهله و صعصعه بن صوحان و زید بن صوحان و مسجد اعظم کوفه از مساجد متبرکه است و در هر یک از آنها اعمالی مستحب است که طالبین آنها باید بکتاب ادعیه مراجعه فرمایند .

فائده : جناب زید بن صوحان از جمله ابدال است و در جنگ جمل در رکاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شهید شد حضرت امیر علیه السلام در هنگام نزع بالای سرش آمد و فرمود : رحمک الله یا زید کنت خفیف المؤمنه عظیم المعونه ( ص ۱۱۳ تحفة الاحباب ) .

و جناب صعصعه بن صوحان برادر اوست از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند : بسا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام کسی جز صعصعه و اصحابش حق آنحضرت را نمی شناخت و صعصعه از جمله کسانی است که در تشییع جنازه مبارک حضرت علی است حاضر بود و پس از دفن آنحضرت می گریست و خاک بر سر میریخت ( ص ۱۴۵ تحفة الاحباب ) .  
و اما جهت آگاهی از موقعیت و فضیلت مساجد نامبرده طالبین به کتاب :

تاریخ الكوفه تألیف مرحوم سید حسین بن سید احمد براقی نجفی ( ۱۲۶۱ - ۱۳۲۲ ) مراجعه فرمایند .

مرحوم براقی در تاریخ الكوفه در ذکر مساجد كوفه می نویسد :  
در شهر كوفه مساجد مبارک و مساجد ملعونه ای است که برای هر يك از مساجد مبارک اعمالی مقرر است که در کتب ادعیه و زیارات بطور تفصیل بیان شده است . اسامی مساجد مبارک که بدینقرار است :

- ۱ - مسجد بنی عنزه
  - ۲ - مسجد بنی کاهل
  - ۳ - مسجد جذیحة بن مالک
  - ۴ - مسجد جعفری
  - ۵ - مسجد الحمراء
  - ۶ - مسجد حنانه
  - ۷ - مسجد زید بن صوحان
  - ۸ - مسجد سهله که آنرا مسجد ظفر و مسجد البری نیز می خوانند
  - ۹ - مسجد صعصعة بن صوحان
  - ۱۰ - مسجد غنی
  - ۱۱ - مسجد كوفه ( جامع كوفه )
  - ۱۲ - مسجد یونس بن متی علیه السلام
- شرح مساجد فوق در کتاب نامبرده از صفحه ۴۴ تا صفحه ۴۵ بیان گردیده طالبین مراجعه نمایند و از این مساجد دوازده گانه مسجد جامع كوفه و مسجد زید و صعصعه پسران صوحان و مسجد سهله دارای امتیازات خاصی است از آنجمله :
- ۱ - خانه حضرت ادریس علیه السلام بود .

۲ - حضرت ابراهیم از آنجا بسمت عمالقه حرکت فرمود ،

۳ - جایگاه فرود آمدن جناب خضر علیه السلام است .

۴ - حضرت داود از آنجا بسمت طالوت و جالوت حرکت فرمود .

۵ - در آنجا سنگ سبزی است که صورت جمیع انبیاء بر آن نقش بسته است.

۶ - هیچ پیغمبری مبعوث نشده مگر آنکه در آنجا نماز خوانده است .

۷ - ساکن در آنجا مانند کسی است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله

وسلم مقیم باشد .

۸ - منزل و جایگاه حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان علیه السلام خواهد بود.

بسیاری از کسانی که موفق بدرك محضر مقدس مولای عالمیان و قطب عالم

وجود در دوره غیبت کبری شده اند در این مسجد بوده است .

اللهم ارنا الطلعة الرشيدة والغررة الحميدة بحقه وبحق آباءه صلواتك عليهم

اجمعين آمين يا رب العالمين .

مکتب تربیتی سامراء : سامراء قبل از هجرت مرحوم میرزای شیرازی بدان

شهر مقدس :

شهر مقدس سامراء یعنی محل مرقد منور امامین همابین عسکرین امام هادی

و امام عسکری علیهما السلام و محل میلاد مبارک حضرت ولی الله الاعظم قطب

عالم وجود بقیة الله امام عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء و همچنین سرداب

مقدس و مغیب آن بزرگوار تا قبل از ورود مرحوم میرزای شیرازی قریه مخروبه ای

بیش نبود که فقط چندین خانوار سنی بعنوان خدام حرم و غیره در آنجا زندگانی

میکردند و این شهر از نظر اهمیت و موقعیت آن در نظر شیعه بعلت عدم وسائل

رفاه و آسایش جهت زائرین و مهمتر از آن عدم امنیت آنها خالی از شیعه و زوار

شیعه بود و هر موقع که زوار شیعه بقصد زیارت مراقد منوره و سرداب مطهر باین

شهر مشرف میشدند گرفتار اذیت و آزار این خدام از خدا بی خبر و بی ایمان  
وصاحبان خانه‌ها و زوار خانه‌های بدتر از راهزنان میشدند و با تحمل هزار گونه  
رنج و مشقت شبی را بروز آورده و روزی بشب رسانیده و مراجعت میکردند .

مرحوم میرزای شیرازی اعلی الله مقامه الشریف در سال ۱۲۹۱ قمری به  
سامراء مشرف گردیده و بقصد توقف در آنجا ساکن شد از این تاریخ علماء بزرگ  
و مجتهدین عالیمقام و سپس طلاب و دانشجویان به تبعیت ایشان و برای کسب  
فیوضات روی بدانجا نهاده و اندک اندک همه نوع وسائل آسایش جهت آنان  
فراهم گردید و از برکت وجود مرحوم میرزای شیرازی برای زوار نیز امنیت جانی  
و مالی فراهم شد . جمعیت رو به افزایش نهاد و سامراء بصورت یکی از شهرهای  
مهم و مورد نظر و توجه عموم طبقات از شیعه و سنی قرار گرفت .

هر روز ده‌ها بلکه صدها زائر جهت زیارت مشرف میشدند و پس از درک  
فیض زیارت ائمه اطهار علیهما السلام بمحضر جناب میرزا حاضر گردیده و جواب  
مسائل شرعی خود را دریافت میکردند .

عده زیادی از زهاد و اوتاد و عشاق حضرت امام زمان علیه السلام که قبلاً  
برای وصول به فیض دیدار امام غائب علیه السلام فقط مسجد کوفه و مسجد سهله  
و وادی السلام و غیره را داشتند اینک با کمال آرامش خیال بسرداب مطهر مشرف  
میشدند و بریاضات شرعیه از نماز و دعاء و اوراد مشغول میشدند .

چه روزها و شبها که بامید دیدار معشوق و فیض لقای او با شور و اشتیاق بگره  
وزاری و استغاثه پرداختند و چه بهره‌های روحی و معنوی که از این ریاضات  
و توجهات یافتند «هنیئاً لهم ثم هنیئاً لهم» فقط خدا میداند و آنان که بدین فیوضات  
نائل شدند .

این توجه و عنایت نسبت بساحت مقدس امام زمان علیه السلام از برکت

سکونت مرحوم میرزای شیرازی در این شهر مقدس و همچنین در اثر تربیت روحی و معنوی که خود آن مرحوم بشاگردان و نزدیکیان خویش داده است بوده در اثر توجه آن مرحوم جمعی از علماء زمان چه از شاگردان ایشان و چه از غیر آنان کتابها درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشتند .

مرحوم میرزای شیرازی با سکونت خود در شهر سامراء توجه عموم شیعیان و بالخصوص علماء و بزرگان را نسبت به امام زمان علیه السلام جلب فرمود و این موضوع خود قابل رسیدگی است و باید درباره آن بیشتر مطالعه نمود .

چند خصیصه از شاگردان مکتب سامراء : با مطالعه در زندگانی شاگردان مرحوم شیرازی صفات و خصائص زیر را در آنها میتوان بخوبی مشاهده کرد :

۱ - توجه مخصوص آنان بمقام ولایت مطلقه و بالخصوص نسبت به امام زمان علیه السلام .

۲ - عموماً تصلب در امر دین داشته و در امر بمعروف و نهی از منکر حتی المقدور کوشا بوده اند .

۳ - شجاع و نترس و دلیر در برابر حوادث و پیش آمدها بوده و از هیچ رویدادی نمی‌هراسیدند .

۴ - مقاوم و مبارز و مدافع حقوق ستمدیدگان و بیچارگان به مراسم و عنوان بودند .

۵ - مخالف با نفوذ بیگانگان و استعمارگران و سودجویان و عمال داخلی آنان از هر طبقه و هر کشور بخصوص روس و انگلیس .

۶ - آشنا بودن به اوضاع زمان و سیاست روز .

مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی بیرجندی در کتاب بهارستان ( صفحه

۲۴۹ ) می‌نویسد :



محضر میرزای شیرازی خصوصیت و امتیازی داشته و سیاست بدن آشنا بودند. خلاصه آنکه در آن عصر سر من رای مهد علم و عاصمه فضل و چشم و چراغ حوزه‌های شیعه‌های اثنی عشری بود .

اسامی بعضی از کتابهاییکه در این دوره راجع به امام زمان نوشته شده است: در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم ( ربع اول قرن ) کتابهای زیادی راجع به امام زمان علیه السلام نوشته شده است از آنجمله :

- ۱ - سید آقا ارومیه‌ای رساله تنبیه مهدویه .
- ۲ - میرزا آقا دولت آبادی مؤلف کتاب الاشاره .
- ۳ - شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی مؤلف صحیفه هادیه .
- ۴ - مولی ابی الحسن بن محمد مرندی مؤلف : نور الانوار فی علائم ظهور الغائب عن الابصار و چندین کتاب دیگر .
- ۵ - حاج شیخ احمد شاهرودی مؤلف حق المبین .
- ۶ - حاج میرزا حسین محدث نوری مؤلف النجم الثاقب و جنة المأوی و كشف الاستار .
- ۷ - دبیر الدین صدر الاسلام همدانی مؤلف تکالیف الانام فی غیبة الامام علیه السلام .
- ۸ - حاج شیخ عباسعلی گورتانی اصفهانی مؤلف : وقایع الظهور - علائم الظهور .
- ۹ - حاج شیخ علی یزدی حائری مؤلف : الزام الناصب .
- ۱۰ - حاج شیخ علی اصغر بروجردی مؤلف : نور الانوار .
- ۱۱ - حاج شیخ فضل الله شهید نوری مؤلف : صحیفه مهدویه .
- ۱۲ - حاج شیخ محمود میثمی عراقی مؤلف : دار السلام .

۱۳ - سید مصطفی حیدری کاظمینی مؤلف : بشارة الاسلام .

وده‌ها عالم ومجتهد دیگر ومؤلفات آنسان که بسیاری از آنها بچاپ رسیده وعده‌ای غیر مطبوع در زوایای کتابخانه‌ها همچنان مهجور مانده است .

در کتابنامه امام مهدی علیه السلام نام ۳۵۵ کتاب ورساله درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر گردیده ودر سال ۱۳۹۷ بچاپ رسیده است پس از آن تاریخ نیز کتابهای زیادی شاید متجاوز از صد کتاب ورساله در این باره تألیف شده وشماره‌ای از آنها چندین دفعه بچاپ رسیده است .

ظهور صغری ، غیبت صغری : پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وائمه معصومین علیهم السلام هر کدام اخباری راجع به مهدی آخر الزمان علیه السلام وغیبت او بیان داشتند ومسلمین را با موضوع غیبت وپنهان بسودن آنحضرت از نظر عموم بینندگان آگاه ساختند که در کتب غیبت اخبار آن مفصلاً نقل شده است . حضرت هادی وحضرت عسکری علیهما السلام بنا بمقتضای زمان کمتر با مردم ودوستان وشعیبان خود معاشرت مینمودند وعملاً آنان را با علم ارتباط مستقیم با امام خود آشنا می ساختند .

در نیمه شعبان سال ۲۵۶ ( مطابق با کلمه نور ) وجود مقدس امام زمان علیه السلام متولد گردید وتا هنگام رحلت پدر بزرگوار خود «هشتم ربیع الاول ۲۶۰» در خانه پدر دور از چشم خودی وبیگانه میزیست از این وقت به امر حضرت حق سبحانه وتعالی غیبت صغری آنحضرت شروع شد وتا سال ۳۲۹ سال فوت آخرین نایب خاص آنحضرت ادامه داشت .

فاصله زمانی از ۲۶۰ تا ۳۲۹ را که شیعیان میتوانستند بوسیله نواب منصوص از طرف آن بزرگوار با حضرتش مربوط باشند را در اصطلاح : غیبت صغری می نامند واز این تاریخ تا گاهی که خداوند متعال اراده فرماید که ظهور دولت حق

واقع شود را غیبت کبری می‌نامند . یکی از وظایف شیعیان آنحضرت در این دوره دعا کردن بوجود مقدس او ودعای ظهور آن بزرگوار است .

از طرف رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وائمه طاهرين عليهم السلام جهت وقت ظهور حضرتش علائم و نشانه‌های زیادی نقل شده که برخی از آنها را جزو حتمیات دانسته وعده‌ای را جزو غیر حتمی شمرده‌اند . ضمناً مطابق قرائن و نشانه‌ها بسیاری از آنها وقوع یافته و برخی از آنها هنوز بوقوع نپیوسته است .

یکی از علماء معاصر حجة الاسلام حاج آقا سید حسن ابطاحی مشهدی مؤلف کتب کثیره واز شیفتگان حضرت بقية الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء که در این راه نیز توفیقاتی یافته است در یکی از مؤلفات خود در تحت عنوان ظهور صغری می‌نویسد : همانگونه که ائمه معصومین عليهم السلام با نقل اخبار غیبت و همچنین با غیبت صغرای امام زمان علیه السلام شیعیان آن بزرگوار آماده و مهیای غیبت کبرای حضرتش گشتند . قبل از ظهور آن بزرگوار باید مردم دنیا بطور کلی و شیعیان بطور خصوصی آمادگی بیشتری پیدا کنند . این آمادگی اجتماعی را ایشان بنام ظهور صغری نامیده است ( مطلب از ایشان و عبارت با اندکی تغییر از نویسنده ) .

بنظر نویسنده این تعبیری بسیار بجا و مناسب می‌باشد و تا دنیا آماده قبول مصلح جهانی را نیابد آنحضرت ظهور نخواهد کرد و آن نیز گاهی است که ظلم و جور و ستم و بی‌عدالتی و بی‌دینی دنیا را فرا گیرد و مردم از فشار این بیدادگریهای عالمگیر بجان آیند و در صدد چاره بر آیند و چون هیچگونه قدرتی برای دفع و رفع آن ندارند بعجز و الحاح از خداوند قادر سبحان مسئلت نمایند آنوقت بامر خداوند تبارک و تعالی وجود مقدسش از پس پرده غیبت بیرون آمده و یملأ الله الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً - اللهم ارنا الطلعة الرشیده

والغرة الحمیده .

ابتدای این ظهور را جناب ابطحی خراسانی سال ۱۳۴۰ قمری می نویسد  
وبگمان نویسنده باید آنرا اوائل قرن چهاردهم و زمان زعامت و ریاست مرحوم  
میرزای شیرازی دانست .

موضوع تحریم تنباکو در سال ۱۳۰۹ و شهرت جهانی این رویداد و شکست  
استعمار و استعمار و رسوائی دولت زبون و رشوه خوار منعقدکننده آن قرار داد  
همه و همه مؤید نظریه « ظهور صغری » از اول قرن چهاردهم می باشد .

تعداد کتابهاییکه در طول این صد سال درباره امام علیه السلام بفارسی  
و عربی وارد و دیگر زبانها نوشته شده است چندین برابر مجموع کتابهایی است  
که در طول قرون متمادی از طرف شیعیان و دیگر فرقه های مسلمان نوشته شده  
بود و این خود نیز مؤید دیگری بر اثبات همین نظریه است .

اسامی برخی از شاگردان و مجازین از مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه : پس  
از فوت مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی فرزند ارشد و اکبر ایشان  
مرحوم : حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی وارث بالاستحقاق پسر در  
جمیع مراتب در جای آن مرحوم قرار گرفت و در مسجد شاه مستقلا امامت نموده  
بر منبر تدریس و قضاوت و حکومت شرعیه نشست .

مرحوم آقا سید حسن قوچانی معروف به آقا نجفی قوچانی یکی از شاگردان  
ایشان در کتاب معروف خود بنام : سیاحت شرق ( سیاحتنامه شرق ) تعداد  
شاگردان حاضر در حوزه درس مرحوم آقا نجفی را از فضلاء و غیره ما بین یکصد  
و پنجاه تا دویست نفر می نویسد ( ص ۱۶۲ سیاحتنامه شرق ) .

در کتاب زندگینامه آیت الله چهار سوقی ( صفحه ۲۰۱ ) نقل از نوشته های  
مرحوم معلم حبیب آبادی در کتابهای خود و بخصوص کتاب : مقالات مبسوطه

( نسخه خطی ) می نویسد :

و چون تمولی هنگفت از موروئی و مکتسب جمع کرده بود دست سخاوت در آورده هر سال در حدود هشتصد خروار جنس و ده هزار تومان نقد بطلاب و فقراء بذل میکرد و اهل علم را بغایت احترام مینمود از اینرو همواره مجلس درسش مملو از فضلاء و محصلین بود ( انتهى ) .

نویسنده گوید که مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان ( صفحه ۱۰۲ یکم ) عیناً مطالب فوق را مرقوم داشته و ظاهراً مرحوم معلم عبارات آن کتابرا با اندک دخل و تصرف نقل نموده است در هر حال حوزه درس مرحوم آقای نجفی از حیث کمیت و تعداد نفرات و هم از جهت کیفیت و اشمال آن بر تحقیقات علمی و جامعیت از عموم حوزه‌های دیگر اصفهان برتر بود .

مرحوم آقا نجفی علاوه بر شهریه ماهیانه که بهر يك از طلاب اصفهان از حاضرین در جلسات درس او و غیره میداد نسبت به فضلاء حوزه خود نیز نظر خاصی داشته و آنها را از جنبه مادی تقریباً بی نیاز مینموده است علیهذا علماء و فضلاء حتی عده‌ای از مجتهدین همیشه ملتزم و همراه او بوده و درس مسجد شاه را بر سایر جلسات و دروس ترجیح میدادند .

در حوزه درس مرحوم آقا نجفی در طول سی و دو سال یعنی از هنگام فوت پدر دانشمندش ( ۱۳۰۱ ) تا سال وفات او ( ۱۳۳۲ ) صدها تن عالم و فقیه و ادیب و مجتهد شرکت نموده‌اند و بطور قطع و یقین میتوان گفت عموم فضلاء و علماء اصفهان و اطراف آن در محضر علمی آن مرحوم شرکت نموده‌اند اگر چه مدت آن اندک باشد .

ذیلا بنام عده‌ای از شاگردان و مجازین از مرحوم آقا نجفی بر حسب حروف تهجی اشاره می‌کنیم و قبلا متذکر می‌شویم که اسامی افراد نامبرده مأخوذ از :

۱ - کتب و مصادر مطبوعه مانند : الذریعه - طبقات اعلام الشیعه - اعیان الشیعه و غیره

۲ - مسموع از خود آقا‌بان

۳ - از قول معتمدین و افراد موثق و مورد اطمینان می‌باشد .  
اینک اسامی افراد :

۱ - مرحوم آقا سید آقا جان نوربخش مدرس مط-ول و واعظ ( ۱۲۸۵ - ۱۳۶۴ )

۲ - مرحوم حاج شیخ ابراهیم بن عبدالرحیم کلباسی ( ۱۳۰۲ - ۱۳۶۲ )

۳ - مرحوم شیخ ابوالقاسم دولت‌آبادی برخواری بن عباس ( ۱۲۹۸ - ۱۳۶۶ )

۴ - مرحوم سید احمد حسینی خونساری ( ۱۲۹۱ - ۱۳۵۱ )

۵ - مرحوم حاج شیخ اسدالله بن محمد باقرفاضل بیدآبادی ( - ۱۳۶۰ )

۶ - آقا سید اسدالله بن سید محمد جعفر بهشتی ( - ۱۳۶۳ )

۷ - شیخ اسدالله بن محمود ایزدگشسب گلپایگانی ( حدود ۱۳۰۳ - ۱۳۶۶ )

۸ - آقا شیخ اسماعیل بن محمدحسن معزی معروف به پشمی ( - ۱۳۶۳ )

۹ - میرزا محمد باقر بن حسینعلی فقیه ایمانی ( - ۱۳۷۱ )

۱۰ - حاج سید محمد باقر بن حیدر علی میر محمد صادقی ( - ۱۳۶۳ )

۱۱ - شیخ محمد باقر بن ملا محمد علی

۱۲ - حاج سید محمد باقر بن محمد علی ابطاحی سدهی ( ۱۲۹۰ -

۱۳۶۷ -

۱۳ - سید محمد باقر بن حاج سید مهدی نحوی موسوی ( ۱۳۰۴ -

۱۳۵۰ -

۱۴ - حاج شیخ محمد نقی بن آخوند ملا محمد حسین کرمانی ( ۱۲۹۰ -

۱۳۴۰ -

۱۵ - علامه فقه زاهد آقا سید جمال الدین گلپایگانی ( ۱۲۷۷ - ۱۲۹۵ )

از مراجع تقلید .

۱۶ - ملا محمد جواد صافی گلپایگانی ( ۱۲۸۸ - )

۱۷ - شیخ حسن دشتکی اصفهانی ( ۱۳۴۴ - )

۱۸ - سید حسن حسینی قوچانی معروف به آقا نجفی ( ۱۳۶۳ - ۱۲۹۵ )

۱۹ - سید حسن فانی یزدی واعظ فرزند سید حسین ( ۱۳۳۸ - ۱۲۷۱ )

۲۰ - حاج میرزا حسن خان جابری انصاری فرزند علی ( ۱۳۷۶ - ۱۲۸۷ )

۲۱ - میرزا حسن قدسی فرزند محمد علی خوشنویس ( ۱۳۶۷ - )

۲۲ - حاج میر سید حسن روضاتی فرزند آقا میرزا مسیح ( ۱۳۷۷ - ۱۲۹۴ )

۲۳ - حاج میرزا حسن نحوی فرزند حاج سید مهدی نحوی موسوی

( ۱۳۶۱ - ۱۲۸۷ )

۲۴ - شیخ حسین رئیس الطلاب رشتی

۲۵ - حاج شیخ محمد حسین اشنی قودجانی ( ۱۳۷۵ - )

۲۶ - حاج میرزا محمد حسین مدرس کهنگی فرزند سید ابراهیم طباطبائی

( ۱۳۷۶ - ۱۲۸۸ )

- ۲۷ - آقا سید محمد حسین شوندی فرزند سید احمد همدانی
- ۲۸ - سید حسین خونساری
- ۲۹ - شیخ محمد حسین ذو علم فرزند محمد باقر ( ۱۳۷۳ - )
- ۳۰ - حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج آقا حسین بن علی بروجردی ( ۱۲۹۲ - ۱۳۸۱ ) مجاز از آقا نجفی .
- ۳۱ - حاج شیخ محمد حسین بن ملا محمد خونساری کتابفروش ( ۱۳۶۶ - )
- ۳۲ - آقا سید محمد حسین رجائی فرزند سید محمود موسوی معروف به بلند ( ۱۳۴۸ - )
- ۳۳ - میرزا محمد رضا الهی فرزند ملا طاهر شهرکی ( ۱۳۶۱ - )
- ۳۴ - حاج میرزا رضا کلباسی فرزند میرزا عبدالرحیم ( ۱۲۹۵ - ۱۳۸۳ )
- ۳۵ - شیخ محمد رضا حسام الواعظین فرزند حاج میرزا محمد علی ( ۱۳۰۱ - ۱۳۸۱ )
- ۳۶ - آقا شیخ محمد رضا مهدوی قمیسه‌ای فرزند آقا شیخ مهدی ( حدود ۱۳۰۲ - ۱۳۸۸ )
- ۳۷ - سید زین العابدین طباطبائی ابرقوئی ( حدود ۱۳۰۰ - ۱۳۷۲ )
- ۳۸ - سید زین العابدین مطهری موسوی فرزند سید حسن واعظ کاشانی ( ۱۳۶۰ - )
- ۳۹ - سید سراج الدین صدر عاملی
- ۴۰ - حاج سید صدرالدین هاطلی حکیم فرزند سید حسن طباطبائی کوپائی ( ۱۳۰۱ - ۱۳۷۲ )
- ۴۱ - شیخ عباس خونساری



- ۴۲ - میرزا عباس نحوی فرزند عبدالجواد ( ۱۳۰۰ - ۱۲۷۱ )
- ۴۳ - حاج شیخ عباسعلی معین الواعظین گورتانی ( ۱۲۸۷ - ۱۳۶۰ )
- ۴۴ - میرزا عبدالجواد خطیب فرزند ملا عبدالله ریزی ( ۱۲۸۰ - ۱۳۵۹ )
- ۴۵ - میرزا عبدالحسین قدسی خوشنویس فرزند میرزا محمد علی خطاط  
( ۱۲۸۷ - ۱۳۶۶ )
- ۴۶ - میرزا عبدالرزاق محدث حائری همدانی اصفهانی ( ۱۲۹۱ - ۱۳۸۳ )
- ۴۷ - میرزا عبدالرسول نحوی هرنندی اصفهانی
- ۴۸ - مولی عبدالکریم سودائی دستگردی ( ۱۲۸۱ - ۱۳۵۲ )
- ۴۹ - شیخ عبدالوهاب زاهدی بیدآبادی
- ۵۰ - شیخ عبدالوهاب نصرآبادی ( ۱۳۲۸ - )
- ۵۱ - سید عبدالوهاب بن احمد حسینی دولت آبادی (حدود ۱۳۰۰-۱۳۷۴)
- ۵۲ - سید عبد الوهاب معین العلماء فرزند حاج سید مهدی نحوی ( ۱۲۹۴ - )
- ۵۳ - آقا میرزا عطاء الله روضاتی چهارسوقی مجازاز آقا نجفی ( ۱۲۶۶ - )
- ( ۱۳۳۵ - )
- ۵۴ - آقا شیخ علی روحانی یزدی
- ۵۵ - شیخ علی بن شیخ محمد باقر فقیه فریدنی ( ۱۳۷۳ - )
- ۵۶ - میرزا علی بن ملاقاسم مجلسی واعظ قمیشه ای ( ۱۳۷۰ - )
- ۵۷ - حاج میرسید علی امام جمعه سدهی فرزند سیدمهدی (۱۲۶۶-۱۳۵۸)
- ۵۸ - شیخ محمد علی جیل عاملی سدهی
- ۵۹ - حاج سید محمد علی معین الاسلام معروف به ناظم مازندرانی بن سید  
( ۱۲۹۰ - ۱۳۸۴ )

عبدالله

- ۶۰ - ملا محمد علی نحوی هرنسلی فرزند علی محمد ( حدود ۱۳۰۴ -  
 ( ۱۳۸۱ )
- ۶۱ - شیخ محمد علی واعظ اشتری بیدآبادی فرزند شیخ محمد  
 ( ۱۳۷۵ - )
- ۶۲ - حاج سید محمد علی ابطحی سدهی فرزند سید مهدی حسینی  
 ( ۱۳۷۰ - )
- ۶۳ - سید علی اکبر ابرقوئی طباطبائی
- ۶۴ - شیخ علی اکبر بن محمد صادق سدهی اصفهانی ( ۱۳۳۹ - )
- ۶۵ - شیخ علی بابا فیروز کوهی
- ۶۶ - شیخ علی محمد بن ملا محمد جواد اصفهانی ( ۱۳۷۳ - )
- ۶۷ - شیخ غلامحسین بن علی اکبر آب شاهی یزدی ( ۱۳۷۲ - )
- ۶۸ - حاج سید فخرالدین بن سید محمد رضا خونساری رضوی )  
 ( ۱۳۴۸ - )
- ۶۹ - ملا فرج الله فرزند شیخ عباس دری ( ۱۳۸۲ - )
- ۷۰ - ملا کاظم مروج بیدآبادی فرزند نصرالله ( ۱۳۶۷ - )
- ۷۱ - سید محمد اطیف بن محمد شفیع خواجوئی طباطبائی بهبهانی ابرقوئی  
 ( ۱۳۷۸ - )
- ۷۲ - ملا لطف الله شمس الواعظین ربزی فرزند عبدالحسین ( ۱۳۵۶ - )
- ۷۳ - ملا محمد هرتمنی ( ۱۳۶۱ - )
- ۷۴ - سید محمد بن محمد جواد خوئی خواجوئی واعظ ( ۱۳۴۵ - )
- ۷۵ - ملا محمد بن ملا حسن ادیب همای انجانی ( ۱۳۵۹ - ۱۲۸۸ )
- ۷۶ - حاج سید محمد فرزند سید محمد رحیم ( حاج آقا سدهی ) ( )

- ۷۷ - سید محمد بن زین العابدین رضوی خونساری ( ۱۲۹۲ - ۱۳۷۴ )
- ۷۸ - سید محمد بن سید محمد صادق حسینی خواجه‌وئی
- ۷۹ - آقا سید محمود بن سید عبدالعلی موسوی واعظ درب امامی ( ۱۲۸۵ -  
 ( ۱۳۷۲ )
- ۸۰ - آقا سید مرتضی شریعت زفره‌ای فرزند سید محمد حسین ( -  
 ( ۱۳۵۱ -
- ۸۱ - میرزا مسیح بن ابراهیم ماقور نویسرکانی
- ۸۲ - سید میرزا حسینی اردستانی ( - ۱۳۵۱ )
- ۸۳ - آقا نصیر الدین موسوی فرزند میرزا محمد علی
- ۸۴ - ملا نعمت‌الله فرزند ملا محمد جعفر هرنندی معروف به لسان الواعظین  
 ( - ۱۳۵۵ )
- ۸۵ - شیخ نورالله دهاقانی معروف به نور شرق ( - ۱۳۷۱ )
- ۸۶ - شیخ یحیی فاضل هرنندی ( - ۱۳۶۹ )
- ۸۷ - حاج سید یحیی واعظ یزدی
- ۸۸ - شیخ یوسف خونساری اصفهانی
- وده‌ها دانشمند و فاضل دیگر از علماء و فضلاء و ائمه جماعت و مدرسین و واعظ  
 و گویندگان اصفهان و دیگر شهرهای ایران .

همانگونه که قبلاً متذکر شدیم عده‌ای از اینان سالها در جلسات درس شرکت  
 داشتند و جمعی از آنان علاوه بر شاگردی به دریافت اجازه روایتی مفتخر گردیده‌اند.  
 تألیفات و تصنیفات :

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی مسجد شاهی معروف به آقا نجفی  
 از جمله علماء بزرگوار است که علاوه بر رسیدگی به امور اجتماعی و تدریس  
 و اقامه جماعت و دیگر مشاغل روحانیت و ریاست که فی الجمله به آنها اشاره

خواهیم کرد دقیقه‌ای از عمر شریف خود را بیکار نبوده و به تألیف و تصنیف و ترجمه کتب اخبار و بطور مداوم تمام شبها ساعتها به نوشتن کتاب و رساله در موضوعات مختلف بالاخص در تفسیر و ولایت و فقه و اصول و غیره می‌گذرانیده است .

مرحوم الفت در شرح حال پدر خود در نسب نامه می‌نویسد که :

پس از فوت ایشان قریب سی مجلد کتاب مرتب شده و مدون بخط ایشان و از تألیفاتشان جزو متروکاتشان بود که بین وراثت تقسیم شد . البته این سی مجلد غیر از کتابهایی است که در زمان حیاتشان بچاپ رسیده است و هم غیر از آنهایی است که مرتب و مدون نشده و همچنان ناقص و بصورت جزوه و اوراق پراکنده بوده است .

کتاب مرحوم آقای نجفی برخی فارسی و عده‌ای عربی و تعدادی از آنها ترجمه کتب حدیث و اخبار است و عموماً در زمان حیات مرحوم حاج شیخ محمد باقر ترجمه و تألیف گردیده است .

علامه طهرانی در مجلدات الذریعه اسامی عموم آنها را مرقوم فرموده و خود آن مرحوم نیز در پشت برخی از کتب چاپی خود اسامی تألیفاتش را بر حسب موضوع تقسیم بندی کرده است و مرحوم خان بابا مشار در کتاب فهرست مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ( صفحه ۱۹۸ دوم ) نام چهل کتاب و رساله بعربی و فارسی را ذکر می‌کند که از آن مرحوم بچاپ رسیده است .

اینک با مراجعه به کلیه مأخذ موجود اسامی متجاوز از نود مجلد از تألیفات آن مرحوم را مرتب بر حسب حروف تهجی بسا ذکر مأخذ ذکر می‌کنیم بحول الله و قوته :

۱ - آداب الصلوة مطبوع ( الذریعه ص ۲۱ یکم - ص ۲۰۰ دوم مؤلفین -

پشت جلد بحر المعارف ) .

- \* - آداب العارفین ترجمه مصباح الشریعه مطبوع (الذریعه ص ۲۴ یکم) در صدر صفحه اول کتاب می نویسد : از مؤلفات بعضی از علماء حاضرین مجلس . . . . بنا بر این نسبت او به آقای نجفی اشتباه است .
- ۲ - اجتهاد و تقلید مطبوع در سال ۱۲۹۶ ه . ق (الذریعه ص ۲۷۰ یکم) .
- ۳ - اخلاق المؤمنین مطبوع در سال ۱۲۹۷ در اصفهان زیر نظر مرحوم آقا سید محمود حسینی تویسرکانی اصفهانی (الذریعه ص ۳۸۰ یکم - ص ۲۰۰ دوم مؤلفین مشار) در نسخه مطبوعه موجود در کتابخانه نویسنده سال چاپ را ۱۲۹۴ می نویسد و نامی از سید محمود در آن نیست .
- ۴ - اسرار الایات در خواص سوره ها و آیات قرآن کریم (ص ۳۸ دوم الذریعه - پشت جلد صفحه اول بحر المعارف) و احتمالا همان کتاب : خواص الایات و شرح الدر النظیم می باشد .
- ۵ - اسرار الاحکام فی الحلال والحرام مطبوع (ص ۴۰ دوم الذریعه - ص ۱۹۹ دوم مؤلفین کتب چاپی) در مکاسب . در صدر صفحه اول می نویسد : فی فقه الامامیه کتاب بفارسی و در قطع خشتی بخط محمد علی بن ملا محمد خونساری در سال ۱۲۹۴ ه . ق چاپ شده است .
- ۶ - اسرار الزیاره وبرهان الانابه در شرح زیارت جامعه کبیره بفارسی مطبوع در حاشیه کتاب حقایق الاسرار در سال ۱۲۹۶ (ص ۴۵ دوم الذریعه) کتاب بخط احمد بن محمد علی اصفهانی و بقطع خشتی است بدون شماره صفحه .
- ۷ - اسرار الشریعه (ص ۴۶ دوم الذریعه) .
- ۸ - اشارات مکنونه در کشف دقایق توحید و شرح مرتبه نبوت و ولایت (ص ۵۲ تاریخ اصفهان سوم) اشارات ایمانیه قبر خوانده شود .  
اشارات مکنونه یا اشارات ایمانیه :

نسخه خطی بقطع خشتی بدون شماره صفحه صفحات ۱۷ سطرى بخط محمد شريف بن حاج محمد ابراهيم معروف به شيخ الرئيس تاريخ كتابت نسخه از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ سپس خود مرحوم آقا نجفی در آخر نسخه و حواشی مطالبی و اشعاری بخط خود نوشته اند . مالک نسخه آقای حاج آقا رضا نجفی فرزند مرحوم آقا شيخ محمد جواد فرزند مرحوم آقا نجفی و ابن نسخه شریفه در تاریخ رمضان المبارک ۱۴۰۶ زیارت گردید و الحمد لله .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين وبعد فيقول العبد المفتاق الاخفص على الاطلاق المفتقر الى رحمة ربه الغنى محمد تقى بن محمد باقر بن محمد تقى النجفى الاصفهانى عاملهم الله بلطفه الخفى ان هذه اشارة مكنونة وكلمات مخزونه وحقايق معنويه فى كيفية مرتبة السلوك والعرفان والسلوك فى مسالك تكميل الايقان وطريق الطريقة فى كسب الحقيقة والنهوج الى مناهج الرياضة الحققة الشرعية .. مطالب كتاب عربى وفارسى ونظم و نثر نوشته شده در تحت عناوين : اشارة - اشارة عرفانية - اشراق غيبى - بديعة الهية - تنبيه ايمانى - نتيجه عرشيه وغيره . اشعار اين كتاب مطابق آنچه مرحوم الفت نوشته اند تماماً از خود مرحوم آقاى نجفى است كه بسيارى از آنها بخط خود ايشان و مربوط به اوضاع بعد از مشروطه و حكومت بختيارها در اصفهان ميباشد .

در اين كتاب از مكاشفات خود و پدر و برادرش مرحوم حاج شيخ محمد حسين ياد مى كنند و بشاگردى خود در فقه نزد حاج سيد على شوشترى اشاره مى كند و مى گويد: حاج ملا على خليلى دعائى بمن آموخت جهت شفاى زخمها و من آنرا مكرر آزمودم و چون بديگرى ياد دادم دعا فراموشم شد و او نيز فراموش کرده بود .

- چندین مکاشفه از خود نقل می‌کند که مقام ذکر آنها نیست .
- ۹ - اصول الدین ( ص ۱۸۵ دوم الذریعه ) .
- ۱۰ - الافاضات المکنونه فارسی در عرفان ( ص ۲۵۸ دوم الذریعه ) .
- ۱۱ - الافاضات ومنبع السعادات در عرفان مطبوع .
- ۱۲ - انوار العارفين در اثبات واجب تعالی شأنه و حقیقت ایمان به او مطبوع ( ص ۴۳۱ دوم الذریعه ) .
- ۱۳ - انیس الزائرین در ترجمه زیارت حضرت زهرا سلام الله علیها و زیارت جامعه در پشت کتاب جامع الانوار نام او ذکر شده است ( ص ۴۵۶ دوم الذریعه ) .
- ۱۴ - بحر الانوار ترجمه مجلد پانزدهم بحار الانوار ( الذریعه ص ۳۲ سوم - پشت جلد بحر المعارف ) .
- ۱۵ - بحر الحقایق ( الذریعه ص ۳۶ سوم )
- ۱۶ - بحر المعارف و الانوار ترجمه مجلد ۱۵ بحار الانوار در ایمان و کفر ترجمه در ۱۲۹۶ پایان رسیده است و کتاب بچاپ رسیده است ( الذریعه ۴۷ سوم ) همان بحر الانوار سابق الذکر است .
- ۱۷ - تأویل الایات الباهره فی فضائل العتره الطاهره در سال ۱۲۹۱ در طهران بخط علی بن محمد خونساری چاپ شده است ( صفحه ۳۰۳ سوم الذریعه - ص ۱۹۹ دوم مؤلفین کتب چاپی ) .
- این کتاب در سالهای اخیر از روی چاپ اول افست شده است .
- آقای سید مصطفی موسوی نژاد شیرازی پس از فوت فرزندش سید محمد ( ۱۳۳۹ - ۱۴۰۴ ) کتابرا بعنوان یادبود او تجدید چاپ نموده است . کتاب ۳۷۹ صفحه و زبیری صفحات ۲۷ سطری میباشد .
- ۱۸ - ترجمه اصول کافی مذکور در مقدمه کتاب بحر المعارف .

۱۹ - ترجمه الفیه و نغلیه ( ص ۸۱ چهارم الذریعه ) پشت صفحه اول بحر

المعارف .

\* ترجمه انوار نعمانیه (ص ۸۲ چهارم الذریعه) این کتاب از جمله کتابهایست که بنام مرحوم آقای نجفی شهرت یافته و در مقدمه کتاب نیز نام آن مرحوم (محمد تقی بن محمد باقر بن محمد تقی) ذکر شده و گوید در اوایل جوانی ترجمه شده است کتاب در سال ۱۲۹۶ بقطع خشتی و بخط میرزا محمد نوشته شده است و بطبع رسیده است .

در فهرست مؤلفین کتب چاپی ( ص ۲۲۷ دوم ) کتابرا به آقا نجفی نسبت داده و گوید : بقولی ترجمه از زین العابدین رضوی خونساری می باشد بدون آنکه گوینده این قول را بیان کند .

نویسنده گوید : در جلد اول ترجمه که ظاهراً فقط همین مجلد بچاپ رسیده است در صفحه ۴۵۳ ( توضیح آنکه کتاب بدون شماره صفحه میباشد ) در ضمن بیان اولاد حضرت هادی علیه السلام می نویسد :

و نسب مترجم کتاب عفی الله عنه بدین طریق است : سپس کلمه مترجم را تراشیده و روی آن کاتب نوشته اند و کلمه مترجم ظاهر است و معلوم است که کاتب صحیح نیست زیرا کاتب میرزا محمد است نه سید زین العابدین رضوی .

\* ترجمه تأویل الایات الباهره فی فضل العتره الطاهره ( الذریعه ص ۸۸ چهارم ) در سال ۱۲۹۱ در طهران بچاپ رسیده است (ص ۱۹۹ دوم مؤلفین کتب چاپی ) .

نویسنده گوید : کتاب تأویل الایات از تألیفات مرحوم سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی از شاگردان محقق کرکی است و مترجم آن مرحوم شیخ عباس بن احمد خوانساری اصفهانی از فضلاء شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد



- باقر مسجد شاهی و از وابستگان و علماء دستگاه آقایان مسجد شاه بوده است .
- يك نسخه عكسى از نسخه خط مترجم مرحوم يعنى شيخ عباس خونسارى در كتابخانه عالم بزرگوار جناب حاج شيخ محمد تقى نجفى فرزند مرحوم حاج ميرزا عبدالحسين بن آقا جلال الدين بن حاج شيخ محمد تقى آقا نجفى موجود و بنظر راقم مسطور رسيد .
- ۲۰ - ترجمه توحيد تأليف رئيس المحدثين شيخ صدوق رضوان الله عليه ( الذريعه ص ۹۱ چهارم - بحر المعارف ) .
- ۲۱ - ترجمه ثواب الاعمال تأليف شيخ صدوق بنام هداية النجاة بچاپ رسيده است ( الذريعه ص ۹۳ چهارم - بحر المعارف ) .
- ۲۲ - ترجمه روضه كافي تأليف كلينى عليه الرحمه والرضوان مذكور در پشت صفحه اول كتاب بحر المعارف والانوار .
- ۲۳ - ترجمه سماء والعالم (جلد ۱۴ مجلد بحار الانوار ) ( الذريعه ص ۱۰۷ چهارم - پشت صفحه اول بحر المعارف ) .
- ۲۴ - ترجمه شرح اصول كافي تأليف حكيم بزرگوار آخوند ملا صدرا شيرازى مذكور در پشت جلد بحر المعارف والانوار .
- ۲۵ - ترجمه عقاب الاعمال تأليف شيخ صدوق عليه الرحمه با ترجمه ثواب الاعمال بنام هداية النجاة بچاپ رسيده است ( ص ۱۱۶ چهارم الذريعه - پشت صفحه اول بحر المعارف ) در پشت جلد بحر المعارف آنرا غير از هداية النجاة مى نويسد .
- ۲۶ - ترجمه نقيه تأليف مرحوم شهيد اعلى الله مقامه ( پشت صفحه اول بحر المعارف ) .
- ۲۷ - تعليقات بر اوائل فرائد الاصول مرحوم شيخ مرتضى انصارى عليه

الرحمه ( پشت صفحه اول بحر المعارف ) .

۲۸ - تفسیر قرآن بفارسی مذکور در پشت کتاب بحر المعارف .

\* تلخیص الانوار در پشت جلد کتاب بحر المعارف مطبوع مینویسد که : از

بعضی از اجله شنیدم که ترجمه بعضی از مجلدات بحار الانوار است .

علامه طهرانی در الذریعه ( ص ۸۴ چهارم ) در تحت نام :

ترجمه بحار الانوار می نویسد : مرحوم حاجی نوری در الفیض القدسی

میفرماید : غالب مجلدات آن بوسیله یکی از اجله معاصرین ترجمه شده است و بر

حسب آنچه از آن مرحوم حکایت شده مرادشان از یکی از اجله معاصرین مرحوم

حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی میباشد .

۲۹ - جامع الانوار مطبوع نام رساله عملیه ایشانست که در سال ۱۲۹۸ بچاپ

رسیده است ( صفحه ۲۰۰ دوم فهرست مؤلفین کتب چاپی ) .

۳۰ - جامع الادعیه ( صفحه ۳۸ پنجم الذریعه - پشت جلد بحر المعارف ) .

\* جامع الاسرار ( پشت صفحه اول بحر المعارف می نویسد از بعضی از

اجله است ) .

۳۱ - جامع الاسرار در حکمت و کلام و این کتاب تصنیف آن مرحوم است

و آنرا در موقعی که در نزد پدر علامه اش تحصیل مینموده نوشته است و بچاپ

رسیده است ( صفحه ۳۸ پنجم الذریعه ) .

۳۲ - جامع الانوار ترجمه مجلد هفتم بحار الانوار در الذریعه می نویسد که

آنرا در سال ۲۲۷۶ ترجمه کرده است کتاب بچاپ رسیده است ( صفحه ۴۳

پنجم الذریعه ) بنابراین مترجم در سن ۱۴ سالگی آنرا ترجمه کرده است .

۳۳ - جامع السعادات در استخراج علوم و دعوات بفارسی مطبوع ( صفحه

۵۸ پنجم الذریعه - بحر المعارف ) .



۳۴ - جامع المعارف ترجمه مجلد دوم بحار الانوار مطبوع ( صفحه ۷۱

پنجم الذریعه - ص ۲۰۰ دوم مؤلفین ) .

۳۵ - جبر و تفویض ( صفحه ۸۴ پنجم الذریعه - پشت صفحه اول بحر

المعارف ) .

۳۶ - جوامع الحقوق منتخب از کتاب : العشره از بحار الانوار در حقوق

پدر ، مادر ، برادران و خویشان و غیره و سال ۱۲۹۷ بچاپ رسیده است ( صفحه

۲۴۹ پنجم الذریعه ) .

۳۷ - حاشیه بر آداب التجاره از تألیفات مرحوم آقا باقر بهبهانی که مرحوم

میرزای شیرازی اعلی الله مقامه الشریف بر آن حواشی مرقوم فرموده و امضاء

فرموده اند و مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری رضوان الله تعالی علیه گواهی بر

صحت متن و حاشیه نموده است .

در صدر برگ اول نوشته شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم عمل باين رساله كه احقر بر حواشی مرحوم حجة الاسلام آية الله في العالمين اعلى الله مقامه نوشته‌ام صحيح است حرره الاحقر محمد تقى النجفى الاصفهانى عفى الله عن جرائمه ، مهر : محمد تقى بن محمد باقر .  
\* حاشیه بر اوائل قرائد الاصول تأليف مرحوم شيخ انصارى عليه الرحمه ( ص ۱۵۵ ششم الذريعه ) ظاهراً اين كتاب همان تعليقه سابق الذكر مى باشد .

۳۸ - حاشیه بر رساله عمليه سراج العوام ومشكوة الظلام .

رساله سراج العوام ومشكوة الظلام از تألیفات مرحوم ميرزا احمد بن محمد على واعظ اصفهانی می باشد که در سال ۱۳۰۸ با حواشی آن مرحوم و برادرش مرحوم حاج شيخ محمد على ثقة الاسلام بچاپ رسیده است (پاورقی صفحه ۱۹۷۴ ششم مكارم الاثار) .

تذکر : مرحوم آقا ميرزا احمد بن محمد على واعظ اصفهانی از جمله صدها دانشمند گمنامی است که در اين دوره در اصفهان میزیسته و شرح حالش مانند ديگر آثارش مجهول مانده است . رساله سراج العوام بفارسی و در عبادات می باشد و نسخه آن در کتابخانه علامه مفضل جناب حاج سيد محمد على روضاتی موجود است .

۳۹ - حاشیه بر مجمع الرسائل رساله عمليه فارسی با حواشی مرحوم حاج سيد اسماعيل صدر اصفهانی و جمعی ديگر از بزرگان بچاپ رسیده است .

فائده : مجمع الرسائل رساله عمليه فارسی است که فتاوی جمعی از مراجع تقلید که بعد از مرحوم ميرزای مجدد شیرازی بوده‌اند را مرحوم حاج محمد حسن بن حاج محمد ابراهيم گزی اصفهانی فرزند محمد على بيك شیروانی عالم

فاضل معمر متوفی در شب ۲ شنبه ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۳۲۶ در اصفهان از روی رسائل عملیه آنان جمع آوری نموده و در سال ۱۳۳۱ در طهران بچاپ رسیده است .

علمائیکه فتاوی آنها در این کتاب نقل شده عبارتند از : ۱ - حاج سید اسماعیل صدر ۲ - میرزا محمد تقی شیرازی ۳ - آقا شیخ محمد تقی آقا نجفی ۴ - شیخ عبدالله مازندرانی ۵ - حاج شیخ عبدالله طهرانی ۶ - آقا سید محمد کاظم یزدی ۷ - مولی محمد کاظم خراسانی .

۴۰ - حاشیه بر مجمع المسائل در سال ۱۳۲۳ بچاپ رسیده نسخه بشماره ( ۷۲ ) در کتابخانه فاضلیه مشهد .

۴۱ - حاشیه بر نخبه رساله عملیه حاجی کلباسی علیه الرحمه .

۴۲ - حجة الاسلام در رد نصاری .

۴۳ - الحجر از کتب فقهی .

\* - حسام الشیعه در پشت جلد بحرالمعارف می نویسد :

حسام الشیعه ألقها بعض تلامیذه بأمره سلمه الله .

در سر لوحه کتاب که بچاپ رسیده است نیز می نویسد : یکی از شاگردان آنجناب به امر ایشان تألیف نموده است در این عبارت نام شیخ محمد تقی بر بینندگان مشتبه گشته و عبارت را نخوانده و آنرا به مرحوم آقای نجفی نسبت داده و بعداً خود بآن ایراد گرفته و کتابرا از دیگری دانسته اند و حال آنکه مرحوم آقای نجفی هرگز آنرا بخود نسبت نداده و نیازی نیز باینکار نداشته است .

علامه طهرانی در الذریعه ( صفحه ۱۲ هفتم شماره ۵۰ ) پس از آنکه نام کتاب و مؤلف را ذکر نموده و گوید در آخر کتاب جامع الانوار مطبوع در سال ۱۲۹۷ ذکر شده است می نویسد :



شيخ محمد علی قاری آل عبدالغفار کاظمی ساکن سامراء و متوفای در دلتاوه  
 در سال ۱۳۴۵ گفت که نسخه‌ای از این کتاب را بخط سيد زين العابدین بن سيد  
 حسن بن سيد محمد بن مير علي اکبر که نسب او به سيد احمد بن سيد محمد بن  
 الامام الهادي ابی الحسن علی النقی علیه السلام منتهی ميشد ديدم .  
 نویسنده گوید که مرحوم آقا سيد زين العابدین خونساری همان عالم جليل  
 مترجم کتاب : انوار نعمانی می باشد و ممکن است که تألیف این کتاب نیز از آن  
 عالم بزرگوار باشد . مشار الیه در حدود سال ۴۲۲۵ در خونسار متولد و در سال

۱۳۰۷ در اصفهان وفات یافته است .

۴۴ - حقایق الاسرار در ترجمه مجلد هفتم بحار الانوار ( صفحه ۲۹ هفتم الذریعه ) .

۴۵ - حقایق الاسرار در شرح زیارت جامعه کبیره بعربی کتابت نسخه مطبوعه در روز دوم شوال سال ۱۲۹۷ خاتمه پذیرفته و لابد در همان سال یا سال بعد بچاپ رسیده است .

فائده : مرحوم آقا نجفی در شرح و تفسیر جلد « ابواب الایمان » پس از شرح مفصلی می نویسد که :

الهام : در شب ۲۳ رمضان المبارک سال ۱۲۹۵ مشغول نوشتن شرح زیارت بودم در آن بین مرا خواب در ربود در عالم رؤیا دیدم در محضر مولای خود حضرت صاحب العصر والزمان علیه السلام می باشم آنحضرت مرا مخاطب قرار داده و آنچه در این کتاب نوشته ام را تصدیق فرمود و مرا از بعضی از علوم منایا و بلایا و فصل الخطاب خبر داد و اسراری از بمن آموخت که اجازه اظهار آنرا ندارم . . .

۴۶ - خواص الایات مطبوع بسال ۱۲۹۹ در بمبئی ( صفحه ۲۷۰ هفتم الذریعه ) در فهرست مطبوع در پشت صفحه اول کتاب بحرالمعارف می نویسد : اسرار الایات الفها فی خواص السور والایات .

علامه طهرانی در الذریعه می نویسد : کتاب مرتب است بر حسب سوره های قرآن و ممکن است آنرا از شروع کتاب : الدر النظیم عربی منسوب به یافعی شافعی دانست که مکرر بفارسی ترجمه و شرح گردیده است .

اگر چه مرحوم آقا نجفی اشاره ای باین نکته که این کتاب شرح کتاب یافعی است نمی کند لکن می نویسد : آنچه در این کتاب نقل می کنم از نوشته ها و کتابهای

اهل ذکر و عرفان مأخوذ گردیده است ( و آنچه از مطالب این کتاب مطابق قانون شرع است صحیح است ) .

سپس خواص سوره‌ها و آیات را بر حسب ترتیب کتاب یسافی نقل می‌کند حتی اینکه وقتی به آیه ۱۷۹ سوره اعراف ( و لله الاسماء الحسنی ) میرسد خواص اسماء را نقل نموده و آنرا بر ده قسم منقسم کرده و برای هر قسمی ده نام ذکر می‌کند با اندکی زیاده بر آنچه یافعی گفته اما تصریح باین کار نمی‌کند ( انتهی ) .  
۴۷ - خواص الادعیه در حاشیه کتاب خواص الایات بچاپ رسیده است ( ص ۲۷۰ هفتم الذریعه ) .

۴۸ - درایة الحدیث ( ص ۶۵ هشتم الذریعه ) در پشت صفحه اول کتاب بحرالمعارف نام او ذکر شده است .

۴۹ - دلائل الاحکام عربی مطبوع ( صفحه ۲۰۱ دوم فهرست مؤلفین - پشت صفحه اول بحرالمعارف ) جلد نهم آن در عقود در ۴۳۰ صفحه وزیر در بمبئی زیر نظر سید محمد جعفر اصفهانی از علماء آن شهر بچاپ رسیده است .

۵۰ - دلائل الاصول عربی مطبوع ( صفحه ۲۰۳ دوم فهرست مؤلفین - پشت صفحه اول بحرالمعارف ) .

\* رساله در اجتهاد و تقلید عربی مطبوع در سال ۱۲۹۶ ( ص ۲۰۱ مؤلفین مشار ) نام کتاب قبلا ذکر شد .

\* رساله در جبر و تفویض ( مذکور در پشت صفحه اول کتاب بحرالمعارف در شماره « ۳۵ » ذکر شد ) .

۵۱ - رساله در دیات و قصاص از رسائل عملیه ایشانست و نامش در پشت جلد کتاب بحرالمعارف مذکور .

۵۲ - رساله رضاعیه از رسائل عملیه ایشان مذکور در پشت صفحه اول



هذا كتاب جامع الاحكام  
 في فقهنا الحنفية  
 من تأليف  
 شيخنا الفاضل  
 مولانا ميرزا محمد باقر  
 اصفهاني  
 في شهر ربيع الاول  
 سنة ١٢٩٦  
 في دار المطبوعات  
 طهران

هذا كتاب آداب العايق من مؤلفات ائمة  
 عظام وفضلاء كرام صدرت عن  
 منصف كتابتسرا بمقتضى  
 تقديرا سالما الى افاض  
 تقى زام ظله العجا  
 بسم الله الرحمن الرحيم

بحر المعارف .

٥٣ - رساله در صلح حق الرجوع مذکور در فهرست مطبوع در پشت جلد

اول بحر المعارف .

٥٤ - رساله در عبادت جاهل ( رساله در احتیاط و عبادت جاهل ) مذکور در

پشت صفحه اول بحر المعارف در سال ١٢٩٦ بچاپ رسیده است .

٥٥ - رساله در عقود مطبوع ( ص ٢٠١ دوم فهرست مؤلفین کتب چاپی ) .

- ۵۶ - رساله در عمل به احتیاط و تقلید بعربی مطبوع ( ص ۲۰۱ فهرست مؤلفین کتب چاپی ) .
- ۵۷ - رساله درغصب بعربی درسال ۱۳۲۷ قمری بچاپ رسیده است (صفحه ۲۰۲ فهرست مؤلفین کتب چاپی ) .
- ۵۸ - رساله در قضا و شهادات ( پشت صفحه اول بحرالمعارف ) .
- ۵۹ - رساله در منجزات مریض ( ص ۱۶ بیست و سوم الذریعه - پشت صفحه اول بحرالمعارف ) .
- ۶۰ - رساله درمواریث درسال ۱۲۹۴ و ۱۲۹۸ بچاپ رسیده است (صفحه ۱۹۹ دوم فهرست مؤلفین ) احتمالا جامع رساله دیگری است .
- ۶۱ - رساله در نهی درعبادت . مذکور در پشت صفحه اول بحرالمعارف .
- ۶۲ - روح الایمان منتخب الفضائل بعربی درسالهای ۱۲۹۶ و ۱۳۰۵ بچاپ رسیده است ( ص ۲۰۱ دوم فهرست مؤلفین ) .
- ۶۳ - سؤال وجواب درمسائل فقهیه مذکور در پشت صفحه اول بحرالمعارف .
- ۶۴ - شرح الاسماء .
- \* شرح الدر النظیم در خواص آیات بنام خواص الایات ذکر شد .
- ۶۵ - شهاب ثاقب .
- ۶۶ - عقاید الشیعه بفارسی مذکور در پشت صفحه اول کتاب بحرالمعارف .
- ۶۷ - علل الاحکام ترجمه کتاب علل الشرایع .
- ۶۸ - عنایة الرضویه بعربی مطبوع در ولایت ائمه علیهم السلام
- ۶۹ - عین الیقین ترجمه جلد اول بحار الانوار .
- \* فضائل الائمة علیهم السلام مطبوع در سال ۱۳۰۵ و مرتب در ۱۵۰ و خاتمه ( ص ۳۲۵ شانزدهم الذریعه ) .

هذا  
 كتاب فضائل الأئمة  
 بجهود سعي واهتمام  
 جناب عمدة الفقهاء  
 والمحققين المختصين الأصوف الذين  
 الحظ من زينة المتكلمين والعارفين الإطمين البق  
 التقي فقيه عصره سماه زمانه الشيخ محمد  
 النجاشي سلام مقصد الأئمة الأمامية الشيخ محمد باقر إمام الله ظل الله على  
 سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
 الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه أجمعين بحمد المصطفى الهادي الأئمة وتعالى

در صدر صفحه اول كتاب می نویسد :

هذا كتاب فضائل الأئمة بجهود وسعي واهتمام جناب عمدة الفقهاء . . . الشيخ  
 محمد تقي الاصفهانی . . . و کتابرا از تألیفات آن مرحوم ذکر نمی کند .  
 همچنین در مقدمه گوید : وبعد این کتابی است تمام برای ازدیاد بصیرت  
 مؤلفین تألیف شده مشتمل بر احادیثی . . . و در آنجا نیز کتابرا به مرحوم آقای  
 نجفی نسبت نمیدهد و نامی از مؤلف نمیبرد علیهذا انتساب این کتاب بآن مرحوم  
 از طرف دیگران بوده نه آنکه خود آنجناب کتاب دیگری را بخود نسبت دهد .  
 کتاب بقطع خستی بدون شماره صفحه در سال ۱۳۰۵ بچاپ رسیده است .  
 در ۴۵۷ باب و خاتمه .

۷۰ - فقه استدلالی - شرح کتاب فقهی عربی .

نسخه ای عکسی از این فقه که : رکن دوم از توابع می باشد در نزد حجة

الاسلام حاج شيخ محمد تقى نجفى فرزند مرحوم حاج ميرزا عبدالحسين موجود  
است در بالای بیشتر صفحات نوشته شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم . رب وفقى بحق م ع ف ح ح ( محمد . علي  
فاطمه . حسن . حسين ) .

فصل اول خلل در صلوة .

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على  
خير خلفه محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين واستعين  
فى هذا الامر لخليفة الله فى ارضه وحجته على عباده فى هذا الامر اعنى سيد الوصيين  
امير المؤمنين على بن ابي طالب صلواة الله وسلامه عليه وعلى ذريته الطيبين الطاهرين  
المعصومين . اما بعد فقد قال المصنف نور الله مرقده . . .

۷۱ - فقه الاماميه علامه طهرانى در الذريعه (ص ۲۹۱ شانزدهم) مى نويسد:  
جلد طهارت آن بسال ۱۲۹۹ و جلد بيع ( مبيع ) آن در سال ۱۲۹۴ بچاپ  
رسيده است .

۷۲ - فوائد الامه .

۷۳ - فوائد الحكميه مذکور در پشت صفحه اول كتاب بحر المعارف ودر  
آخر جامع الانوار . در بحر المعارف مى نويسد كه :

فوائد الحكميه نظم فيها لثالى البرهان فى معرفة الخالق سبحانه .

۷۴ - قوام الامه فى رد شياطين الكفره بفارسى در رد يهود و نصارى بفارسى  
مطبوع در ايران و بمبئى ( صفحه ۱۹۷ هفدهم الذريعه ) .

اين كتاب بقطع خشتى بدون شماره صفحه بخط احمد بن محمد على  
( اصفهانى ) بچاپ رسيده ودر اول كتاب آنرا قوام الامه ودر آخر مى نويسد :

ثمت كتاب : هدايت الامه في رد طائفة كفر . اقل العباد احمد بن محمد علي  
گويد اين مختصر يست در رد پادري تازه كه سركار شريعتمدار سلمه الله تعالى  
نوشته ( اند ) تا عوام نمايد و بجهت خواص و عوام هر دو خوبست و لكن شروع  
فرموده اند در نسخه مبسوطي در رد يهود و نصاري كه شاملست جميع شبهات  
يهود و نصاري را قديماً و جديداً و در آنجا با بسط وجه جواب داده اند و اثبات  
نبوت خاصه از او را مي نويسند . . .

۷۵ - كاشف الاسرار ( كشف الاسرار ) در تحقيق مسئله جبر و اختيار  
مطبوع ( صفحه ۱۲ هيجدهم الذريعه ) .

۷۶ - كاشف الاسرار در عجائب مخلوقات منتخب از بحار الانوار ( صفحه  
۱۲ هيجدهم بحار الانوار ) در پشت صفحه اول بحر المعارف نام آنرا : كشف  
الاسرار مي نويسد .

۷۷ - كاشف الاسماء در شرح اسماء الحسنی بعربي .

۷۸ - كاشف الرموز ( صفحه ۲۳۷ هفدهم بحار الانوار - پشت صفحه اول  
بحر المعارف ) .

۷۹ - كاشف النقاب ترجمه عيون اخبار الرضا عليه السلام تأليف مرحوم  
شيخ صدوق عليه الرحمه مطبوع در سال ۱۲۹۷ ه . ق ( صفحه ۲۴۰ هفدهم  
الذريعه ) .

۸۰ - كشف الانوار في فضائل سيد الابرار ترجمه جلد ۹ بحار الانوار  
( صفحه ۲۱ هجيدهم الذريعه ) در پشت صفحه اول بحر المعارف مي نويسد :  
كشف الانوار ترجمه جلد نهم بحار الانوار في فضائل السيد الوصيين و اب الائمة  
الاطهار عليه سلام الله الملك الغفار .

كتاب بقطع نيم ورقی بزرگ در ۳۲۸ صفحه بسال ۱۲۹۵ بچاپ رسیده  
است .

- ۸۱ - متاجر مبسوط و استدلالی مطبوع بسال ۱۲۹۴ ( صفحه ۵۹ نوزدهم الذریعه ) .
- ۸۲ - مجمع الدعوات ( صفحه ۲۸ بیستم الذریعه - پشت صفحه اول بحر المعارف ) .
- ۸۳ - محجة البيضاء در رد عامه مطبوع ( صفحه ۱۴۶ بیستم الذریعه ) .
- ۸۴ - مخزن الأنوار ( صفحه ۲۲۴ بیستم الذریعه - پشت جلد کتاب جامع الانوار ) .
- ۸۵ - مصائب السبطين علیهما السلام ( صفحه ۷۴ بیست و یکم الذریعه ) .
- ۸۶ - مفتاح السعادة در ادعیه و ختومات بفارسی مطبوع در اول آن اجازہ پدرش در قراءت ادعیه جهت ایشان مرقوم داشته اند نقل گردیده است ( صفحه ۳۳۲ بیست و یکم الذریعه ) .
- ۸۷ - ملخص التجوید فارسی مطبوع در سال ۱۲۹۵ ( صفحه ۳۰۷ بیست و چهارم الذریعه ) .
- ۸۸ - ملخص المرام ترجمه کتاب غایة المرام تألیف مرحوم سید هاشم علامه بحرانی مذکور در پشت صفحه اول بحر المعارف .
- ۸۹ - منتخب الاحکام در فقه مذکور در پشت صفحه اول کتاب بحر المعارف .
- ۹۰ - منتخب الاسرار از ترجمه مجلدات بحار الانوار و مذکور در پشت صفحه اول بحر المعارف .
- ۹۱ - منتخب البرهان .
- ۹۲ - نخبة التجوید ( صفحه ۹۰ بیست و چهارم الذریعه - پشت صفحه اول بحر المعارف ) .
- \* - نکتة القراءة در تجوید بنام ملخص التجوید بچاپ رسیده است ( صفحه

۳۰۷ بیست و چهارم الذریعه ) .

۹۳ - نور العرفان در شرح خطبه شعبان منسوب به حضرت رسول اکرم  
صلی الله علیه وآله وسلم : یا ایها الناس قد اقبل الیکم شهر الله ... مطبوع ( ص

۳۷۱ بیست و چهارم الذریعه ) .

\* - هدایت الامه نام دیگری است از کتاب قوام الامه .

۹۴ - هدایت الطالین بفارسی در حکمت و کلام مذکور در پشت صفحه

اول بحر المعارف .

۹۵ - هدایة النجاة در حدیث مذکور در پشت صفحه اول بحر المعارف

و او غیر از ترجمه ثواب الاعمال و عقاب الاعمال تألیف شیخ صدوق می باشد  
بطوریکه از منبع نامبرده مستفاد میشود .

نظریه نویسندگان درباره کتب و تألیفات مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه :

آنان که درباره مرحوم آقا نجفی در کتابهای خود مطالبی نوشته اند درباره

تألیفات آن مرحوم از موافق و مخالف نظریاتی بیان کرده اند که اینک ببرخی از  
آنها بطور اجمال اشاره میشود :

۱ - مرحوم آقا سید محمد مهدی موسوی کاظمینی در کتاب : احسن

الودیعه ( ص ۱۵۷ یکم ) می نویسد :

صاحب الکتب الکثیرة فی الفقه والاصول والایخبار المنسوبة الیها طبع اکثرها

علی نفقته فی ایران .

۲ - علامه سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه ( ص ۱۳۲ چهل و چهارم )

می نویسد :

وضع کتباً کثیره قبل انها تناهز المائة حتی ادعی خصمائه ان اکثرها منتحل

لیس له .

۳- عالم محقق یصیر جناب حاج سید محمد علی روضاتی در کتاب: زندگانی حضرت آیت الله چهار سوقی ( صفحه ۲۰۳ ) بنقل از کتاب مقالات مبسوطه ( نسخه خطی ) تألیف مرحوم معلم حبیب آبادی می نویسد :

آقای نجفی را در اثر ریاست و بذل و بخششی که نوشتیم داشت چندین نفر از اهل علم در دستگاه گرد آمده بود و در نتیجه در حدود پنجاه جلد کتاب کوچک و بزرگ که چندی از آنها هم عربی میباشد در فنون اخبار و اخلاق و مسائل و آداب و ادعیه و معارف و غیره بنام وی مطبوع و منتشر کردند که بسیاری از آنها را هم مجاناً باهالی آن بذل می کردند و زیاده موقع ترویج و انتشار شرایع و احکام و هدایت نوع مردم بخصوص عوام واقع شد .

لیکن غالب آنها از مطالب علمیه خالی بلکه فقط ترجمه برخی از کتب عربی از جمله ای بحار و غیره است بلکه بعضی واضح بود که تألیف دیگران و همان صرف خطبه و دیباچه آن تغییر کرده است .

نویسنده گوید : قبلا اسامی قریب نود کتاب و رساله از تألیفات مرحوم آقا نجفی ذکر نمودیم و ضمناً چندین کتاب را نیز که از دیگران بود و بنام ایشان شهرت یافته بود قبلا ذکر نمودیم .

۴ - مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران ( صفحه ۳۲۶ سوم ) می نویسد :

آقا نجفی دارای تألیفات زیادی است که خیلی از مطلعین می گویند از او نیست بلکه از دیگران بوده که بنام او انتشار و شهرت یافته است بطوریکه از شرح حالش معلوم می شود .

نویسنده گوید : بی اطلاعی و غرض ورزی بامداد در باره علماء اسلام نیازی به شرح و بیان ندارد و او حق دخالت و اظهار نظر در این موارد ندارد بلکه این



موضوعی است که با علماء اسلام و محققین آنها مربوط می شود .

۵ - محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه ( ص ۴۳۸ دوم ) بنقل

از : حلی الدهر العاقل می نویسد :

واشتهرت کتبه ومصنفاته وانتفع بها الانام من الخواص والعوام :

۶ - مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار ( ص ۶۶۳ ) در شرح حال

مختصری که از مرحوم آقا نجفی می نویسد در باره تألیفات آن مرحوم نوشته است :

پس از اتمام تحصیلات در اصفهان و عتبات بتألیف و تدریس پرداخت

و کتب بسیاری بنام او بطبع رسید .

نویسنده گوید : ای کاش مرحوم معلم با آن همه تحقیق و تتبع اسامی اینگونه

کتب را که بنام آن مرحوم چاپ شده و تألیف و ترجمه آن از دیگران می باشد

را نام میبرد و بهمین عبارت مبهم و نیشدار قناعت نمیکرد .

۷ - علامه طهرانی در نقباء البشر ( صفحه ۲۴۸ یکم ) نقل از کتاب : حلی

الدهر العاقل فیمن ادر کتبه من الافاضل تألیف علامه جلیل مرحوم آقا شیخ محمد

رضا مسجد شاهی می نویسد :

ان عدد تصانیفه یربو علی المائة .

۸ - مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت فرزند مرحوم آقا نجفی در کتاب :

نسبنامه الفت بنا بنقل : اعلاط در انساب ( صفحه ) می نویسد :

( پدرم ) همه شب از مراجعه به محفوظات مقداری جزوه ( جزاه ) می نوشت

در علم فقه و تفسیر و کلام و اصول دین و علاوه بر اینها يك داستان نهایت ناپذیری

بنام : اثبات امامت و علم فضائل امام و اهل البیت علیهم السلام در سینه خود

محفوظ داشت که این علم علاوه بر آنچه سابقین گفته و نوشته اند اختراعی خود

او بود و به پایان نمیرسید و در همه این علوم اختراعی و خود در آوری کتابها و جزوهها

نوشته و تألیفاتی دارد .

نویسنده گوید: با توجه به نوشته مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی که عالمی جلیل و محقق و فقیهی عادل بودم و هرگز از روی گزاف و بی خبری چیزی نمی گفت و نمی نوشت و همچنین نوشته مرحوم الفت فرزند آن مرحوم که سالها در خدمت او و در خانه و اطاق او بوده و شب و روز و خلوت و جلوت او را درك نموده و خود نویسنده ای محقق بود و آنچه درباره پدر و تألیفاتش می نویسد کاملا صحیح و بدون غرض و تعصب می باشد .

آنچه مسلم است و ما نیز در ضمن بیان تألیفات آن مرحوم اشاره بدانها کردیم چندین مجلد از کتابهایی که بنام ایشان شهرت یافته از آن مرحوم نمی باشد همچنین چندین مجلد کتاب نیز از دیگران بنام آن مرحوم بطبع رسیده که علت آنرا نیز نمیدانیم .

از چاپ بیشترین کتابها قریب يك قرن می گذرد کلیه کسانی که بعنوان مؤلف و یا مترجم این کتابها معروف شده اند و همچنین اولادان آنها همه از دنیا رفته اند و قضاوت و داوری در این موضوع بسی دشوار است و برای آن احتمالات زیاد میتوان داد در هر حال موضوع را بهمین جا خاتمه داده و از خداوند متعال جهت همه گذشتگان طلب آمرزش می کنیم .

صفات بارز و خصائل و ملکات مرحوم آقا نجفی علیه الرحمة والرضوان :  
مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی دارای خصوصیات و صفات ممتازی بود که او را از هر جهت از دیگر علماء هم زمان او بخصوص در اصفهان برتر و مقدم ساخته بود .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار ( صفحه ۱۶۶۲ پنجم ) درباره آنجناب می نویسد :

از بزرگان علماء و فقهاء اصفهان و در آن شهر بلکه سایر بلاد ایران شهرتی

- تمام و نفوذ کلمه و ریاستی معتدبها داشت و در تمول بدرجه اعلی و در تدابیر و کفایت و حسن سیاست و معاشرت با دولت و ملت تقریباً در اقران خود بی نظیر بود .
- همچنین مرحوم معلم در کتاب دیگر خود بنام : مقالات مبسوطه در اعیان دوره مشروطه ( زندگینامه حضرت آیت الله چهار سوقی صفحه ۲۰۱ بنقل از کتاب نامبرده ) درباره آن مرحوم بطور خلاصه می نویسد که :
- ۱ - در اثر حافظه محیر العقولی که ویرا بود از رؤوس مسائل فقهیه استحضاری تمام فراهم آورد .
  - ۲ - در اثر اخلاقی خوش و معاشرتی دلکش که ویرا بود قلوب عامه مردمان اصفهان را بجانب خود معطوف داشت .
  - ۳ - در اثر تمولی هنگفت که از موروثی و مکتسبی جمع کرده بود دست سخاوت در آورده هر سالی حدود هشتصد خروار جنس و ده هزار تومان نقد بطلاب و فقراء بذل میکرد .
  - ۴ - اهل علم را بغایت احترام می نمود .
  - ۵ - در کفایت و کاردانی و سیاست مدن بدانجا رسید که چنانکه در تاریخ نوشته : تدبیرش بر میرزا تقی خان امیر راجح آمدی .
- مرحوم انصاری در کتاب : تاریخ اصفهان ( هر سه مجلد ) از :
- ۱ - سیاست و تدبیر .
  - ۲ - تصلب و اصرار در امر بمعروف و نهی از منکر .
  - ۳ - اجرای حدود شرعی و سیاسات اسلامی که حاضر نبود به هیچ اسم و عنوان احکام و حدود الهی تعطیل و بلا اجرا بماند .
  - ۴ - از خدمت به عامه مسلمین آنی غافل نبود ولو اینکه مورد ایراد و اعتراض علماء واقع شود .

۵ - حلم و بردباری و صبر و شکیبائی و دیگر صفات انسانی آن مرحوم داستانها نقل می کند که ما در این شرح حال بسیاری از آنها را بمناسبت نقل کرده و می کنیم .

مرحوم الفت در نسب نامه ( اعلاط در انساب صفحه ۱۰ بنقل از نسب نامه )  
درباره پدر بزرگوار خود می نویسد :

بیشتر پیشرفت او ( آقا نجفی ) بجهت ذیل است :

۱ - بی غرضی و صلح جوئی و تحمل و گذشت نسبت بدوست و بدخواه .  
۲ - حمایت مظلوم در برابر ظالم از هر طبقه و هر کس ( غیر از بایان و بهائیان ) .

۳ - حسد نبردن بقدرت و ریاست همکاران روحانی خود بلکه تقویت آنان .

۴ - طمع نداشتن بملك و مال مردم .

۵ - ثروت زیاده بر قدر حاجت که از عوائد املاك که بیشتر خالصجات دولتی بود که بتدریج خریده و بدست آورده بود .

۶ - اعانت به فقراء .

آنچه نوشتیم گفتار سه تن از نویسندگان معاصر مرحوم آقای نجفی بود که :  
مرحوم معلم عالمی محقق و مدقق و مورخی بی غرض می باشد که خود آن  
مرحوم را دیده و سالها زمان او را درك نموده درباره او آنگونه قضاوت می کند  
که خواننده محترم توجه فرمود .

مرحوم انصاری تمام مدت قدرت و ریاست مرحوم آقا نجفی را درك نموده  
و خود سالها در خدمت آن بزرگوار تحصیل علم کرده و هم در دستگاه ظل السلطان  
منصب کتابت و نویسندگی داشته کیفیت و طرز رفتار مرحوم آقا نجفی را با  
حکومت مشاهده کرده ضمناً مورخی است که میتوان اقوال او را از نظر تاریخی

مستند قرار داد او نیز بدانگونه درباره او قضاوت کرد که ملاحظه شد .  
و اما مرحوم الفت فرزند آنجناب است وی عالمی است بزرگوار و عارفی  
محقق طرز فکر و اندیشه او با دیگران متفاوت است ضمناً مدت سی و یکسال از  
عمر خود را در زمان پدر گذرانیده و میتوان بدون اندک شك و تردید نوشته‌های  
او را درباره پدر بزرگوارش پذیرفت .

گفته اینان و علمای بزرگواریکه در کتب خود نامی از آن مرحوم برده ویرا  
به بزرگی و عظمت و صفات حمیده ستوده‌اند . اینها يك طرف و نوشته‌های امثال  
بامداد و نویسندگان خارجی و جیره خواران بیگانه يك طرف .

آیا توقع داریم که نویسنده‌ای که خود و پدرش به بیدینی و گمراهی و بایبگیری  
متهمند با وجودیکه مرحوم آقا نجفی حکم قتل بابیان را میداده و در کشتن آنان  
اقدام میفرموده و در این راه بیش از تمام مجتهدین مصر بسوده از آن مرحوم  
تعریف و ستایش کند . زهی تصور باطل زهی خیال محال .

نقاط ضعف مرحوم آقا نجفی بنظر مرحومین الفت و انصاری :

مرحوم الفت برای پدر خود دو نقطه ضعف می‌نویسد :

۱ - طرز اجرای حدود و تعزیرات و روش جلوگیری از بابیان ( مرحوم الفت  
با اصل موضوع که اجرای حدود شرعیه و جلوگیری از بابیان باشد مخالفتی ندارد  
بلکه با کیفیت آن در دستگاه پدر اندک مخالفتی دارد و برخی از آنها را تند روی  
و یا جرح شهود می‌کند ) .

۲ - افراط در حمایت و مساعدت هر ملا نما اعم از دیندار و دین فروش  
( یا عالم حقیقی و واقعی و غیر واقع عوامفرب ) .

نویسنده گوید : ای کاش مرحوم الفت با آنهمه آگاهی از وضع روحانیت  
و روحانیون در زمان پدر خود نام علماء سوء را ذکر میکرد تا دامن همگان باین

تهمت آورده نشود .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان ( صفحه ۵۰ سوم ) در دنباله شرح حال  
مرحوم آقای نجفی می نویسد :

در بعضی مطالب مشبّهاتی را بنظر آقا جلوه داده و از طرف آقا اقدامات  
جاهلانه کرده و آقا را معاضد و مساعد خود نموده اما آقا بزرنگی و نیروی تدبیر  
خوب از عهده رفعش برآمده چون :

۱ - واقعه سال ۱۳۲۰ و کشتن حاج حسین و حاج هادی .

۲ - کشته شدن حاج جعفر خونساری در سال ۱۳۳۰ .

۳ - اشاعه اکاذیبی بعنوان معجزات هارونیه دنباله شفا یافتن مریضی در آن

بقعه متبرکه .

توضیح : موضوع های بابی کشی در سال ۱۳۲۰ و قصد کشته شدن حاج  
محمد جعفر خونساری را بعداً خواهیم نوشت اکنون گوئیم :

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۳۶۲ پائین صفحه ) ضمن

وقایع سال ۱۳۲۹ بطور اجمال اشاره ای به معجزات هارونیه نموده و گوید :

يك نفر مريض محتضر به امامزاده هارونیه متوسل و شفا یافته بعضی بمرحوم  
آقای نجفی عرض کرده این مقدمه را طبع و نشر دهید آقایان صدر الاسلام ها  
اولاد مرحوم مبرور عالم فاضل و ادیب کامل میرزا نصیر ملاحی که ملکات خوبی  
داشت و با پدر بنده دوست بود نظر بهمسایگی دخالت بامور هارونیه مینمودند  
صورت بیست معجزه و خارق عادت بی اساس تهیه دیده و بر آن افزوده طبیعیون  
هم هر روزه معجزه دروغی نشر دادند تا در کرامت نخستین ( کرامت اول شفای  
فرزند مرحوم آقای نجفی - کرامت دوم شفای بیمار محتضر ) را مردم دروغ  
نپندارند . . . . .

مرحوم انصاری همین مطالب را با توضیحی بیشتر در کتاب تاریخ اصفهان (صفحه ۵۱) نوشته و در کتاب دیگر خود بنام: آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۴۳ سوم) می‌نویسد:

یکی از سیاسیون علماء باین مقدمه متوسل گشته (شفا یافتن دو نفر بیمار) و فرمود صورت پنجاه معجزه و خارق‌عادت دروغ نوشتند و بهارونیه بستند و دیگران نیز صد معجزه دروغ دیگر اضافه کرده و بهارونیه بسته تا دو کرامت راست اولی را هم از میان برده باشند.

در دیوان مکرم (ص ۱۱۶) قضایا را مربوط به مخالفت مرحوم آقا نجفی و سردار اشجع بختیاری حکمران اصفهان می‌نویسد.

رفع اشتباه: در پاورقی (صفحه ۱۱۹) دیوان مکرم می‌نویسد:  
مرحوم آیت الله آقای آخوند ملا عبدالکریم جزی در کتاب تذکرة القبور مرقوم فرموده:

چون در باب هارون ولایت میان مسلمانها و کلیه‌ی‌ها اختلاف بود برای زیارت کلیه‌ی‌ها يك ایوان و پنجره روبروی مسجد علی تهیه شد که آنها هم از آنجا زیارت کنند.

نویسنده گوید: در کتاب تذکرة القبور تألیف علامه مرحوم گزی چنین مطلبی دیده نمیشود.

تذکرة و تنبیه: صدور کرامات و خوارق عادات از مرآة انبیاء و اولیاء و دوستان خداوند جل و علا امری است که با عقل و منطق سازگار بوده و هیچگونه مخالفتی با موازین شرعی ندارد و بالاترین دلیل بر امکان آن وقوع آنست که در طول تاریخ مکرر دیده و شنیده شده است. و باید توجه داشت که معجزه و کرامت باذن خداوند میباشد همانگونه که در قرآن مجید درباره حضرت عیسی علی نبینا و آله

وعلیه السلام می فرماید :

ورسولا الی بنی اسرائیل انی قد جئتکم بآیة من ربکم انی اخلق لکم من الطین کهیئة الطیر فانفخ فیہ فیکون طیراً باذن الله و ابریء الاکمه والابرص و احی الموتی باذن الله . . . . (سوره آل عمران آیه ۴۹) .

وآیه ۱۱۰ سوره نساء نیز همین مطالب را ذکر نموده و خداوند تبارک و تعالی همه را باذن خود میفرماید .

امامزاده واجب التعمیم جناب هرون ولایت علیه السلام :

در محله میدان کهنه اصفهان بقعه متبر که امامزاده هرون ولایت قرارداد .

درباره مدفون در این بقعه شریفه اقوال مختلفی نقل شده است از آنجمله :

۱ - هرون از احباء و بزرگان یهود .

۲ - هرون از رواة و محدثین .

این دو قول هیچگونه مأخذی نداشته و نباید بدانها اعتناء کرد و آثار جعل و کذب در آندو ظاهر است و ظاهراً از ناحیه مخالفین با خاندان و اهل بیت علیهم السلام ساخته شده است .

و اما راجع به امامزاده بودن و نسب شریف آن چندین قول بنظر رسیده است که ذیلاً بنظر خوانندگان محترم میرسد :

۱ - هرون بن احمد بن جعفر بن هرون الامام موسی الکاظم علیه السلام .

در مشاهد العتره (ص ۱۳) گوید :

در جامع الانساب (ص ۶۱) از تذکرة القبور نقل می کند که آنجناب در

زمان معتصم عباسی در اصفهان شهید گردیده است .

نویسنده گوید : در جامع الانساب (ص ۶۱) مدفون در این بقعه شریفه

هرون بن محمد بن احمد بن جعفر می نویسد ، و ظاهراً (محمد بن) درین هرون



واحمد در نسخه مشاهد ساقط گردیده و ثانیاً هرون بن محمد از اولاد حضرت جواد علیه السلام را شهید می نویسد نه این بزرگوار را .

۲ - هرون بن اسحق کوبی بن حسن بن زید بن الامام الحسن المجتبی علیه السلام در کتاب : آثار ملی اصفهان ( ص ۷۷۷ ) نقل از منتهی الامال گوید قبر آنجناب در اصفهانست لکن در منتهی الامال تألیف محدث قمی در ذکر اولاد حضرت مجتبی علیه السلام اولاد جناب حسن بن زید بن الامام را نسام برده و اسحق کوبی را چهارم قرار داده و پسرانش حسن و حسین و هرون را ذکر کرده اما ذکری از محل دفن آنها که اصفهانست یا جای دیگر ننموده است .

۳ - هرون بن علی از احفاد حضرت امام علی النقی علیه السلام - در حاشیه روضات الجنات ( ص ) میفرماید :

در اوایل سنم مطلع شدم بکتابی از کتب انساب که خالی از اعتبار نبود و در او تصریح کرده بود که :

هرون بن علی قبرش در میدان کهنه اصفهانست و او از اولاد حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام میباشد .

در میزان الانساب ( ص ۴۷ ) می نویسد :

دوم از چهار امامزاده معتبر : امام زاده واقع در قرب میدان کهنه اصفهانست که معروفست بهرون ولایت و آن جناب ظاهر اینست که :  
هرون بن علی از اولاد و احفاد حضرت هادی امام علی النقی علیه الصلوٰة والسلام میباشد چنانچه در بعضی از کتب معتبره مذکور شده .

۴ - هرون بن محمد بن احمد بن جعفر بن هرون بن الامام موسی کاظم علیه السلام در کتاب تاریخ سلطانی ( نسخه خطی غیر مطبوع ) نقل از بحر الانساب می نویسد :

نسب جناب هرون ولایت واقع در میدان کهنه اصفهان بقرار فوق می باشد  
والله العالم (ص ۱۹۲ رجال اصفهان) .

۵ - هرون بن محمد بن زید بن حسن بن جعفر بن الامام محمد الجواد علیه  
السلام .

در بحر الانساب ( صفحه ۲۰۵ ) بخلاصه می نویسد :  
در زمان معتصم او و جمعی دیگر از امامزادگان از اولاد جناب حسن بن  
جعفر بن الامام محمد الجواد علیه السلام در اصفهان شهید شدند و محمل مدفن  
آنها معروف بهارون ولایت شد .

نویسنده گوید : با توجه بسال مرگ معتصم ( ۲۲۷ ) شهادت آن بزرگوار  
در زمان او نبوده و در عصر دیگری از خلفاء بوده است . ضمناً در بین اولاد  
حضرت جواد الائمه علیهم السلام جعفر نام وجود ندارد والله العالم .

۶ - هرون بن محمد بن زید بن الامام الحسن المجتبی علیه السلام .

در بدایع الانساب ( ص ۶۷ ) می نویسد :

در اصفهان هرون ایضاً (از اولاد محمد بن زید بن الامام حسن علیه السلام) .  
در میزان الانساب ( ص ۴۷ ) می نویسد :

در بعضی از کتب انساب مذکور شده که : ( مدفون در هرون ولایت ) .  
هرون بن محمد بن زید بن الحسن می باشد که او را در اصفهان شهید کردند  
و از اولاد واحفاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد ( این همان هرون  
ابن محمد سابق الذکر است که زید بن حسن بن جعفر یا زید بن حسن بن  
الامام علیهما السلام اشتباه گردیده است ) .

۷ - هرون بن الامام موسی کاظم علیه السلام .

در مشاهد العتره ( ص ۱۳ ) می نویسد :

سید ضامن بن شدقم حسینی در تحفة الازهار (تاریخ تألیف جلد دوم ۱۰۸۸)  
در وصف سید جابر بن محمد بن جویر مدنی حسینی گوید :  
داخل اصفهان شد و در آن شهر وفات یافت و برابر قبر جناب هرون بن موسی  
الکاظم علیه السلام مدفون گردید .

حضرت آیت الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی در حواشی  
خود بر کتاب: شجره طیبه در احوال امامزادگان مدفون در اصفهان تألیف نویسنده  
دنباله شرح امامزاده هرون ولایت و انتساب آن بحضرت موسی بن جعفر علیهما  
السلام مرقوم فرموده اند :

یکی از مدارك حقیر فرمایش عالم متبحر نسابه ذی شأن کم نظیر میر محمد  
قاسم مختاری سبزواری است در تعالیق خود بر عمدة الطالب ( امضاء : شهاب  
الدین الحسینی النجفی ) .

قبر جناب هرون بن موسی بن جعفر علیهما السلام در کجاست ؟ برای مرقد  
شریف آن بزرگوار تاکنون چند محل را در کتب تواریخ و انساب یافته ایم :  
۱ - در ده کیلومتری شهرستان ساوه مزاری است بنام : امامزاده هرون بن  
موسی بن جعفر علیهما السلام و مردم محل به او اعتقاد داشته و زیارتش میروند  
و نذر او را مجرب میدانند ( قیام سادات علوی صفحه ۱۶۱ ) برای آگهی بیشتر  
بکتاب نامبرده مراجعه شود .

۲ - در قریه تکیه جوستاق طالقان امامزاده ای است بنام هرون بن موسی  
الکاظم علیه السلام دارای بقعه و ضریح از قرن نهم (تاریخ ۸۵۳) [بدایع الانساب  
ص ۶۲ - زندگانی حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام ص ۲۶۰ یکم - ناسخ  
التواریخ ص ۶۳۸ جلد سوم احوالات حضرت امام موسی کاظم علیه السلام ] .  
۳ - در کاشان در مقبره معروف به پنجه شاه در جانب شرقی خیابان بابا افضل .

بطوریکه در جامع الانساب ( ص ۱۷۶ یکم ) مرقوم شده است :  
قبر جناب محمد بن هرون بن الامام علیه السلام نیز در همان ضریح مبارک  
قرار دارد چندین قبر دیگر نیز می باشد .

در تاریخ کاشان تألیف عبدالرحیم ضرابی معروف به سهیل کاشانی و همچنین  
کتاب : علائم الحقیقه و آثار الطریقه از تألیفات مرحوم علامه ملا عبد الرسول  
مدنی کاشانی شرحی راجع به این امامزاده نقل گردیده است .

تحقیق درباره هرون ولایت : آنچه مسلم است و باید پذیرفت آنکه :  
اصل در نسب امامزادگان صحت نسب و شهرت میباشد بشرایط چندی که  
در امامزاده احمد علیه السلام بطور اجمال بدان اشاره خواهیم کرد .  
بنابراین امامزاده معروف به هارون ولایت اصفهان :  
۱ - از امامزادگان موسوی است .

۲ - نسب او بلا واسطه ( ویا مع الواسطه ) بحضرت باب الحوائج موسی  
الکاظم علیه السلام میرسد .

۳ - اگر چه در سه محل دیگر نیز امامزادگانی بهمین عنوان شهرت دارند  
لکن این امامزاده از جهاتی بر آنها مقدم میباشد ( گواهی نسابه عظیم الشان میر  
محمد قاسم مختاری - گواهی شیخ نورالدین عاملی اصفهانی - گواهی سید  
حسین بن مساعد حائری و بالاخره گواهی علامه بزرگوار حضرت آیت الله العظمی  
مرعشی نجفی ) .

بنابر جهات فوق عقیده نویسنده تاکنون بر آنست که مدفون در این بقعه  
متبر که جناب هرون فرزند بلافضل حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام میباشد .  
جهت آگاهی از بنا و ساختمان بقعه و گنبد امامزاده و همچنین مدرسه جنب

آن به کتاب نفیس گنجینه آثار تاریخی اصفهان مراجعه فرمائید .  
توضیح : پنجره‌ای که در ایوان شرقی بقعه روبخیا بان مقابل مدرسه قرار دارد  
بجهت روشنائی داخل حرم و تهویه آن تهیه شده است و هر چه غیر از این گفته شده  
است بعلمت عدم اطلاع بوده است .

اعقاب جناب هرون بن الامام موسی الکاظم علیه السلام : در کتب انساب  
جناب هرون را از جمله فرزندان کم اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام  
نوشته‌اند جهت آگاهی از شرح حال آن بزرگوار و اعقابش باید بکتب انساب  
مراجعه کرد .

در کتاب نفیس جامع الانساب تألیف علامه محقق جناب حاج سید محمد  
علی روضانی نسب :

۱ - سید قاسم الانوار ( معین الدین علی تبریزی ) .

۲ - سادات شاه حیدری مشهد مقدس را از اعقاب جناب هرون می‌نویسد

اینک :

جهت تتمیم و تکمیل گوئیم که :

نسب سادات خیری قزوین - آل خیرالدین ساکن کربلا نیز بشرح زیر به

جناب هرون منتهی میشود :

سید محمود خیری ( ادیب - مورخ - شاعر معاصر مؤلف کتاب : اسلام  
در چهارده قرن متولد ۱۳۱۴ قمری در کربلا ) فرزند سید حسین بن سید محمد  
علی بن سید نواز شعلی بن مظفر علی بن خیرالدین بن خیرالله بن رحمة الله بن  
ابو تراب بن ابو سعید بن ابوالخیر بن عبدالله خیرالدین بن شاه نظام دست غیب  
ابن نصیرالدین ابوبکر بلخی بن فخرالدین شهاب الدین یوسف بن علی اردبیلی  
ابن سید شاه شفیع بن سلطان سید احمد الکبیر بن ضیاء الدین بن بدرالحق کلان

ابن اسحق بن حسام الدین بن عبدالسلام بن اسماعیل بن عبداللہ المبرقع بن ابوالحسن الیمنی بن احمدالثانی بن محمد نزیل قم بن احمد الخطیب المدنی ابن هرون الشہید بن الامام موسی الکاظم علیہ السلام ( نقل از صفحہ ۶ کتاب اسلام در چہارده قرن ) .

احترام و بزرگداشت علماء و کلیہ اہل علم : یکی از صفات ممتاز مرحوم آقا نجفی کہ او را از عموم مجتہدین دیگر ہم عصر خود برتری دادہ احترامی است کہ نسبت بہ قاطبہ اہل علم از ہر طبقہ از مجتہدین بزرگوار گرفتہ تا کوچکترین طلبہ و دانشجوی دینی رعایت مینمود .

مرحوم الفت درنسب نامہ خود در بیان حالات پدرش و خصوصیات اخلاقی او می نویسد :

یکی از موجبات ترقی و پیشرفت او ( یعنی مرحوم آقا نجفی ) افراطش در حمایت و مساعدت ہر ملا نما اعم از دیندار و دین فروش بود ( اعلاط درانساب صفحہ ۱۰ ) .

در سال ۱۳۰۴ قمری کہ ما بین مردم شیراز و حکومت منصوب از طرف دولت یعنی صاحب دیوان اختلافاتی وجود داشت و موجب شورش مردم آن شہر گردید و در نتیجہ حاکم را از شہر بیرون کردند . چون ہمیشہ علماء و مجتہدین طرفدار ضغفاء و مظلومین بودہ اند در این جریان مرحوم حاج سید علی اکبر فال اسیری راہنما و پشت و پناہ مردم شیراز بود .

پس از خانمہ یافتن امر شورش مرحوم حاج سید علی اکبر مجتہد فسال اسیری مجبوراً شیراز را بقصد اصفہان ترک گفت و بہ اصفہان مهاجرت فرمود . عموم طبقات مردم بالاخص علماء و طلاب ہمگی بہ اشارہ مرحوم آقای نجفی مقدم این عالم جلیل مجاہد را گرامی داشتہ و استقبال شایانی از مشار الیہ

نمودند مرحوم فال اسیری در مدرسه جده شروع به تدریس و اقامه جماعت نموده و بر منبر موعظه و ارشاد قرار گرفتند و مردم را در ضمن مواظبه به وظائف خود در این مرحله بحرانی آشنا مینمودند و از مظالم دستگاه و مفساسد حکومت آگاه میکردند .

مرحوم آقای نجفی در مدت چند ماهی که حجة الاسلام فال اسیری در اصفهان ساکن بودند کمال احترام را درباره ایشان رعایت نموده و مردم را بحمايت ایشان ترغیب مینمودند و موجبات مراجعت آن بزرگوار را فراهم ساخته و ایشان را پس از آن محترماً بشیراز معاودت دادند .

اهتمام و عنایت مخصوص مرحوم آقا نجفی در موضوع اجرای حدود الهی: مرحوم آیت الله آقا نجفی از جمله علماء بزرگوارى است که حدود و احکام الهی را اجرا مینمود و در این باره از هیچ کوششی فروگذاری نمیفرمود. شرابخواران و زناکارانی که گناه آنان طبق موازین شرعی ثابت میشد دستور اجرای حد میداد و کسانی که باید تعزیر شوند تعزیر میفرمود و آنانکه واجب القتل بودند از قاتل و مرتد و دیگر مستوجبین بقتل پس از صدور حکم قتل معمولاً جهت اجراء آن به حکومت و دوات مراجعه میکرد . صورت حکم را به ظل السلطان میفرستاد و اجرای آنرا مبرا خواستار میشد و کاملاً مراقب بود که حکم اجراء شود .

کتر هفت ماهی بود که در آن شارب الخمر و زانی در حضور او نیارند و شهود عادل بگناهش گواهی ندهند و جرم ثابت نشود آنوقت حکم درباره او صادر میشد و مأمورین مورد اعتماد فوراً آنرا اجرا میکردند .

داستان حکم قتل بایه در سال ۱۳۰۷ را در این کتاب بطور تفصیل میخوانیم . معروف آنست که پس از آنکه ناصرالدینشاه آن مرحوم را بطهران احضار کرد در جلسه ای که صدر اعظم و دیگران نیز حضور داشتند شاه از قدرت خود

سخن‌ها گفت و از سیاست روس و انگلیس و حمایت کردن آنها از اینان مطالبی بیان داشت و شروع به تهدید و ارباب مرحوم آقا نجفی کرده که من چنین و چنان می‌کنم و سخنان آسمان و ریسمان بهم برتافت در این وقت مرحوم آقا نجفی با کمال رشادت و قوت قلب دست در لف عمامه کرده کاغذی بیرون آورده و فرمود :

اینها نیز بابی هستند و باید کشته شوند .

شاه از این جرأت و نیروی ایمان متعجب شده و ضمناً از اینکه سخنان او که اطرافیان را سخت بوحشت انداخته بود که مبادا حکم قتل سرکار آقا را بدهد در دل این عالم اثر نکرده خشمگین شده در حالیکه می‌گفت :

آخوند چه می‌گوئی ؟ از اطاق خارج شد .

در سال ۱۳۱۲ حکم قتل دو نفر از دزدان و جانیان معروف را که علاوه بر دزدی مرتکب بی‌ناموسی و قتل نیز شده بودند بنام : جعفر باقر رنگرز و حسین زمانی صادر کرد که آنان را در میدان شاه بدار آویختند .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۳۲۹ ) ضمن وقایع سال ۱۳۱۲ و در تاریخ اصفهان ( ص ۵۰ جلد سوم ) بخلاصه می‌نویسد :

رحیم شاطر باشی ( رحیم محبوب شاطر باشی ) در کودکی نور چشم کامرانی بود و چون ریش بر آورد و سردسته الواد گردید قریب صد نفر گرد خود جمع کرده بود و هر کجا تعزیه بود میرفتند و سینه میزدند و طاقه شال کشمیر می‌گرفتند . اتفاقاً شبی مست در محله باب الدشت مردی جولاهه را کشت . مرحوم آقا نجفی که همه جا مواظب رفتار او بود خواست ویرا قصاص کند وی در امامزاده احمد بست نشست و هواخواهانش مبلغ سه هزار تومان به ظل السلطان داده و ورثه مقتول را نیز قرار بود که راضی کنند .

مرحوم آقا نجفی بدون اعتناء و توجه به این جریانات و حمایت عده‌ای از



بزرگان اصفهان از او وبست نشینی در امامزاده و غیره شخصاً بمنزل ظل السلطان رفته و تقاضا کرد که قاتل را در حضور او قصاص کنند یعنی بکشند .

ظل السلطان که سه هزار تومان (وبقولی چهار هزار تومان) پول برای نجات او گرفته بود و بطرفداران رحیم نیز قول مساعد داده بود هر چه اصرار و خواهش کرد که او را نکشد و گمت و پرا از شهر بیرون می کنم ( نفی بلد ) مقید واقع نشد، مرحوم آقا نجفی فرموده بود از این جا بیرون نمیروم تا حضور من او را بکشی. ظل السلطان گمنه بود دست او را میبرم آقا فرموده بود باید او را بکشی و ویرا تهدید کرده بودند که خلق را علیه تو می شورانم و ترا از حکومت عزل می کنم تا بالاخره میرغضب را حاضر کرده و در حضور مرحوم آقا نجفی وظل السلطان ویرا کشتند .

ای کاش تمام علماء در اجرای احکام و حدود الهی این چنین بودند .  
داستان بابی کشی در سال ۱۳۰۷ قمری .  
مرحوم آقای نجفی در صحنه سیاست :

اولین مرتبه ای که مرحوم آقا نجفی را در يك صحنه سیاسی (سیاسی مذهبی) مشاهده می کنیم سال ۱۳۰۷ قمری است و موضوع آن کشته شدن چند نفر بابی و یا متهم بیبهاثیت می باشد که اسلام آنان را مرتد شناخته و مهلور السدم و واجب القتل می داند .

اجمال قضیه : در سال ۱۳۰۷ مردم دیندار و متمصب شده عده ای از افراد بابی و متهم به بابیت را بحکم علماء دین از آنجا نفی بلد کردند و علت آن بود که ایجاد فتنه و فساد میکردند و مردم را به بیدینی و ضلالت دعوت مینمودند و نسبت به علماء بزرگوار اهانت مینمودند . علماء محل با صوابدید مجتهدین اصفهان آنها را مفسد شناخته و حکم اسلام را درباره آنان اجرا کردند .

در قرآن مجید میفرماید : انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا أو یصلبوا أو تقطع أیدیهم وأرجلهم من خلاف أو ینفوا من الارض ذلك لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الآخرة عذاب عظیم . ( سورة المائدة آیه ۳۳ ) .

اینان بشاه شکایت کردند و ناصرالدینشاه بدون نظرخواهی از علماء ومشورت با عقلاء دستور داد که آنان را به محل سکونت اولیه خود بازگردانند .

مرحوم انصاری در کتابهای خود ( تاریخ اصفهان ص ۱۷۰ - تاریخ اصفهان وری صفحه ۳۰۷ قسمت پاورقی ) کتاب آگهی شهان از کار جهان صفحه ۸۸ سوم ) بخلاصه می نویسد :

متهمین و کسانیکه از ده بیرون رانده شده بودند اکنون باتفاق عده ای سرباز و مأمورین دولت بسوی سده براه افتادند . مردم دیندار و غیور از راه دینداری و اسلامخواهی بریاست مرحوم حاج سید محمد رحیم معروف به حاج آقا سدهی از علماء معروف و متنفذ محل و بامر و اشاره مرحوم آیت الله آقا نجفی بجلوگیری آمده و زد و خوردی شد باینکه مقصرین اصلی بودند فرار کردند اما سورچرانان و متبویین ماندند در نتیجه نزاع هفت نفر کشته شدند و دیگران فرار کردند .

جریان امر بطهران گزارش شد و در این امر حضرات آیات عظام : آقای نجفی - مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام و آقای حاج شیخ نورالله بعنوان محرک معرفی شناخته شدند و هر سه بطهران احضار شدند . مرحوم انصاری می نویسد که در این سفر میرزا حبیب الله مشیر انصاری نیز به همراه آقایان بطهران رفت .

شرح این مسافرت و دیدار آقایان با شاه و گفتگوی آنان بسیار مفصل است و نقل تمام آن از حوصله این مقال خارج همینقدر گوئیم :

شاه به مرحوم آقا نجفی اظهار داشت چرا گمتی آنها را بیرون کنند و بعداً  
راه ندهند ؟

مرحوم آقای نجفی دست در بغل کرده و قرآنی بیرون میآورد و میگوید : من  
نگفتم این قرآن دستور داد و من ابلاغ کردم و مردم اجرا کردند . شاه که منتظر چنین  
جواب کوبنده و مستدلی نبود ساکت شد .

مرحوم انصاری در کتابهای خود برخی مطالبی نقل می کند که با نقل دیگران  
مخالف بوده و ضمناً با اخلاق و روش مرحوم آقای نجفی نیز سازگار نمیباشد  
و حقیقت امر را خدای میدانند و بس .

شرح مسافرت مرحوم آقای نجفی بطهران از قول یکی از همسفران :  
پس از آنکه مرحوم آقای نجفی و دو برادرشان از طرف شاه بطهران احضار  
گردید ( ۱۱ رجب ) آن مرحوم با عده ای از علماء و خواص که پدر نویسنده  
مرحوم آقا سید شهاب الدین نحوی که خود از خواص شاگردان مرحوم حاج  
شیخ محمد باقر نجفی بوده و در طهران با عده ای از علماء و بزرگان و غیره آشنائی  
و دوستی داشته بود بسوی طهران حرکت نمود .

مطالب زیر را مرحوم برادرم دانشمند محترم آقای حاج سید معزالدین مهدوی  
( ۱۳۲۳ - ۱۳ ) مستقیماً از پدر شنیده و برای من نقل کرده اند .  
مرحوم آقای نجفی قبل از حرکت از اصفهان توسط برخی از علماء به  
آقایان و روحانیون دهات و شهرهای بین راه اصفهان و طهران خبر حرکت خود  
و همراهانشان و علت آنرا آگهی داده بودند و دستور العمل استقبال و پذیرائی را  
بدانها ابلاغ کرده بودند .

مدت مسافرت از اصفهان تا طهران تقریباً دو ماه بطول انجامید به هر قریه  
و آبادی که میرسیدیم تمام مردم آن آبادی از زن و مرد و کوچک و بزرگ از قافله

حامل مرحوم آقا نجفی و دیگران در خارج ده استقبال میکردند و جهت سلامتی ایشان و همراهانشان گوسفند قربانی میکردند و بعداً در موقع حرکت نیز از آنان مشایعت میکردند در برخی از این دهات يك روز و دو روز استراحت میکردند در شهر ساره قریب ده روز توقف نمودند و میهمان امام جمعه آن شهر بودند و عموم طبقات مردم از ایشان دیدن کردند .

روزیازدهم بسمت طهران حرکت نموده علماء و تجار و بزرگان و عموم مردم تا يك فرسنگی ایشانرا مشایعت کردند . از نزدیکیهای کهریزك جمعیت استقبال کننده از طهران شروع شد از آنجا تا حضرت عبدالعظیم علیه السلام مرتباً بر تعداد مستقبلین از علماء و تجار و مردم افزوده میشد بطوریکه در حضرت عبدالعظیم که رسیدیم تقریباً تمام علماء و ائمه جماعت و مدرسین و طلاب و تجار درجه اول طهران حاضر بودند . در آنجا توقف مختصری نموده و زیارت خوانده شد و بسمت طهران حرکت کردیم .

خبر این پیشواز و شرکت عموم طبقات مردم حتی وابستگان بسدسنگاه شاه و دربار یعنی امام جمعه شوهر خواهر شاه (داماد شاه) ناصرالدینشاه را بوحشت انداخت و از عاقبت کار بهراسید .

مرحوم آقا سید اسماعیل خلیلی یکی از ائمه جماعت طهران ساکن در بازارچه سقاخانه خیابان صفی علیشاه و امام جماعت مسجد آنجا از قول پدرش مرحوم آقا سید علی عالم جلیل که در دربار رفت و آمد داشته نقل کردند که :

شاه باتغیر بمن (آقا سید علی) گفت : شنیده‌ام توهم به استقبال این آخوند اصفهانی رفته‌ای ؟

پدرم در جواب گفته بود : آیت الله آقا نجفی نایب امام زمان علیه السلام است مگر من قدرت داشتم که از او پیشواز نکنم و دست او را نبوسم .

این جواب دندان شکن که مبین روحیه مردم طهران در آن روز بود بیشتر شاه مستبد و متکبر را بوحشت انداخت او تا این روز همیشه از اطرافیان خود تملق و چاپلوسی دیده بود و بله قربان شنیده اکنون قدرتی بالاتر از قدرت خود مشاهده می کند .

چندین روز پس از ورود آقای نجفی بطهران بدید و بازدید گذشت عموم مردم حتی درباریان و نزدیکان دربار بدیدن آمدند بعد از آن مرحوم آقا نجفی بصوابدید علمای طهران در مسجد سید عزیز الله شروع بتدریس نموده و ظهرها اقامه جماعت میفرمود .

عموم علماء طهران جهت تجلیل از مرحوم آقا نجفی و تأیید او بجلسه درس او حاضر میشدند و چندین روز تقریباً جماعت تمام مساجد تعطیل شده همه به آقای نجفی اقتداء میکردند و با این عمل :

- ۱ - عمل کشتار منحرفین و مرتدین و مخربین دیانت را تأیید کردند .
- ۲ - اتحاد و همبستگی خود را در مسائل اجتماعی و دینی نشان دادند .
- ۳ - علماء بزرگوار و مردم دیندار عملاً مخالفت خود را با دستگاه حکومت جبار نشان دادند .

۴ - مردم طهران مانند عموم مردم مسلمان ارادت خود را نسبت بروحانیت و علماء خدمتگزار به دین و اجتماع نشان دادند .

جاسوسان و مأمورین دستگاه مرتباً جریان امور را کمأ و کیفأ به دربار شاه و مقامات مربوطه گزارش میکردند ، امروز چه کسانی با آقای نجفی ملاقات کردند و چه گفتند و چه کردند .

مدتی باین ترتیب گذشت و شاه سراغی از آقای نجفی و همراهان نگرفت گوئیا اتفاقی نیفتاده و پیش آمدی روی نداده است . سرانجام با وساطت علامه

بررگوار میرزای آشتیانی و امام جمعه و جمعی دیگر از علماء طهران جلسه ملاقات و مذاکره و بالاخره مصالحه منعقد گردید .

در بین مکالمات شاه در ضمن گله گذاری از اوضاع و پیش آمدها و بیان مشکلات و فشار سفارتخانهها اظهار داشت که :

قبلا رسم بر این بود که علماء حکم میدادند و اجراء آنرا از دولت میخواستند در این دفعه حضرت آیت الله خود حکم فرموده و بدون اطلاع دولت مردم را مأمور اجرای آن کردند ( در صورتیکه قضیه کاملاً خلاف بود و شاه بدون تأمل بر خلاف حکم خدا و قرآن دستور داده بود که مفسدین دوباره به اوطان خویش بازگردند ) توقع آنست که بعد از این اجرای احکام صادره را از دولت بخواهند و خود مستقیماً اقدام نکنند .

مجدداً شاه از قدرت خود و سیاست خارجی صحبت کرد و بخیال خود آقای نجفی را با گفتار خویش تهدید نموده و تحت تأثیر قرار داده بود .  
مرحوم آقای نجفی در این هنگام از گوشه عمامه خود کاغذی بیرون آورده و بشاه نشان داد و فرمود :

اینها نیز مرتد و مهدور الدم میباشند حکم قتل آنها را صادر کرده ام تا دولت چه اقدامی کند ؟

شاه از این همه ایمان و قدرت روح و جرأت متحیر شده و در برابر آن گفتار فقط سکوت کرد .

در این سفر مرحوم آقا نجفی تقریباً شش ماه در طهران اجباراً متوقف بوده و سپس ظاهراً در اوایل ماه صفر سال ۱۳۰۸ بسا کمال عزت و احترام مراجعت فرمود .

مردم دیندار اصفهان از مراجعت آن عالم مجاهد شادبها کردند و شعراء بهمین

مناسبت اشعاری سرودند از آنجمله مرحوم میرزا ابوالقاسم طرب فرزند هما  
قصیده‌ای گفت با این مطلع :

صد شکر که از آمدن حجة الاسلام

جانی ز نو آمد بتن خسته اسلام

از رفتن و از آمدن این دو برادر

جان رفت ز اسلام و کنون زنده شد اسلام

تمام این قصیده شامل ۱۸ بیت در دیوان آن مرحوم (صفحه ۲۹۲) بچاپ  
رسیده است .

ذیاله مطلب : مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (ص ۳۲۶  
سوم) به نقل از یادداشت‌های اعتماد السلطنه می‌نویسد :

جمعه ۸ رجب ۱۳۰۷ هـ ق اصفهان مغشوش است ملا نجفی ( ادب و طرز  
نگارش نویسنده درباری یعنی اعتماد السلطنه را ملاحظه فرمائید ) مجتهد چند  
نفر را به تهمت بایگیری به میل خود بدون اجازه سر بریده است .  
نویسنده گوید : از اعتماد السلطنه باید پرسید و باو گفت که :

۱ - مجتهد در اجرای احکام الهی از چه کسی باید اجازه بگیرد که مرحوم  
آقای نجفی نگرفته است .

۲ - آنها متهم نبودند بلکه ارتدادشان از جنبه شرعی ثابت بوده است .

۳ - آقای نجفی به میل خود عمل نکرده بلکه بدستور اسلام کار فرموده  
است .

۴ - از اینها گذشته موضوع سر بریدن در کار نبوده بلکه در نزاع مردم  
سده با آنها کشته شده‌اند لابد نویسنده این مطلب در جواب سؤال اول خواهد  
گفت ؟ اجازه از شاه و از اربابان او سپس می‌نویسد : شاه متغیر بودند ظاهراً

ایلچی انگلیس شکایت کرده بود .

باید پرسید ایلچی انگلیس در این جریان ( وسایر امور ) چه کاره بوده که شکایت کرده مگر امور داخلی ایران مربوط به او یا دیگران بوده است که رسماً اظهار نظر میکرده اند ؟

بعداً می نویسد : یوز باشی مأمور شد برود ملا نجفی را بیاورد .

در جای دیگر می نویسد : روز شنبه ۱۵ رمضان ۱۳۰۷ من وقت ظهر در مسجد ملا عزیز الله ( مسجد سید عزیز الله واقع در بازار طهران ) که در وسط شهر است و آقا نجفی که از اصفهان او را مغضوباً بجهت فتوای قتل بابیها آورده اند آنجا نماز میخواند رفتم جمعیت زیاد بود بعد از نماز موعظه کرد با پرده از شاه بد گفت و هیچ به شاه دعا نکرد و از منبر پائین آمد و رفت .

نویسنده گوید : از این نوشته مطالب زیر مستفاد میشود :

۱ - روز وقوع حادثه جمعه ۸ رجب سال ۱۳۰۷ بوده است .

۲ - سفارت انگلیس علناً از بایان حمایت و جانبداری میکرده است و قبل از وقوع قضایا نیز بدولت درباره آنها فشار می آورده است .

۳ - مرحوم آقا نجفی مورد احترام و بزرگداشت مردم طهران بوده و جمعیت زیادی برای درك نماز جماعت ایشان و شنیدن مواظشان حاضر میشده اند .

۴ - مرحوم آقا نجفی اعتناء و توجهی به شاه و دستگاه حکومت نداشته است .

۵ - بظن قوی اعتماد السلطنه از طرف شاه و دربار مأمور رسیدگی به اوضاع

و گزارش وضع مسجد بوده است .

تذکر و تنبیه : در پاورقی تاریخ مشروطه تألیف ادوارد بردن بنام انقلاب ایران ( ص ۱۰۰ ) نقل از شماره ( ۳ ) آگست روزنامه تایمز می نویسد : ۴۲۰۰ نفر بابی از اصفهان جانشان را از چنگ او باش نجات داده ناگزیر بفرار گشتند



در حالی که در یزد ۱۲۰ نفر کشته شده که از آنجمله دو نفر را دم توپ بسته‌اند  
( انتهی ) .

نویسنده گوید : معلوم نیست که مخبر روزنامه تایمز این را از کجا آورده  
است . در سال ۱۳۲۱ یعنی ۱۴ سال بعد بایان در اصفهان وسده ونجف آباد  
وآباده جمعاً هفتاد نفر شدند که عده‌ای نیز از آنها سورچران و بی ایمان بودند .  
در این سالها هم که آزادی عمل داشتند و رسماً تبلیغ میکردند طبق آماریکه خود  
اظهار مینمودند در اصفهان قریب دویست نفر بابی و متهم و سوسورچران و هیاش  
وجود داشت .

واما در یزد مردم که توپ نداشتند که کسی را دم توپ ببندند لابد آنها  
مجرمینی بوده‌اند که دولت و حاکم وقت آنها را مقصر شناخته و بدانگونه کشته  
است و مربوط به کشتار بایان نیست . جمع کشتگان بابی در یزد کمتر از ده نفر  
بوده است .

تمام نوشته‌های خارجیان را بهمین نحو قیاس کنید .

دخالت بیگانگان در امور ایران :

یکی از طرق نفوذ بیگانگان و دول استعمارگر ورود در امر تجارت و نفوذ  
در بازار مسلمانها و عرضه کردن کالاهای مورد نیاز مسلمین از پارچه و غیره بوده  
است .

علماء اسلام از روی عقل و کیاست و دور اندیشی این نقشه شیطانی آنها را  
میدانستند و آثار شوم آنها در مملکت پهناور هندوستان دیده و شنیده بودند و با کلیه  
امکانات خود و قدرت بسا آن مبارزه میکردند . در حال معمولی استعمال آنها  
حرام نکردند زیرا مسلمانها دچار عسر و حرج میشدند لکن خود و اطرافیانشان  
از آنها اجتناب مینمودند .

مرحوم آقای نجفی از همان اوایل ریاست خود پی به این نکته حساس برده و عملاً بمبارزه بر خاست و مردم را از استعمال کلیه کالاهاى خارجى منسع میفرمود .

سفارتخانه‌های خارجى از این جریان ناخشنود بوده و بدولت و شاه فشار می‌آوردند و جلوگیرى از اقدامات ایشانرا مصرأ خواستار بودند . گاهى با تهدید و زمانى با خواهش و تقاضا . از آنجمله :

در سال ۱۳۰۷ پس از قضایای اصفهان و احضار مرحوم آیت الله آقا نجفى و برادر شان بطهران و توقف اجبارى آنان تقریباً بمدت شش ماه وقتى که موجبات مراجعت ایشان فراهم میشد و شاه با شرایطى با برگشت آنها موافقت نمود . در این هنگام :

« سردرو مندولف » وزیر مختار انگیس نامه‌ای خطاب به امین السلطان نوشته و در آن از مراجعت مرحوم آقا نجفى به اصفهان اظهار نگرانى نموده و خواستار ممانعت شد .

این نامه در تاریخ ۱۴ ذى قعدة سال ۱۳۰۷ نوشته شده و متن آن از اینقرار است :

فدایت شوم از قرارى که از اصفهان شنیده‌ام آقای نجفى در شرف مراجعت بآنجاست . چون ورود مشار الیه در آن محل اسباب ظهور اغتشاش است سکنه اروپائى از این بابت خبلى و اهمه نموده بدوستدار اصرار دارند که محترماً خاطر منیر ملوکانه را از وجوب سد راه صدمه و اذیت مجدد باصفهان را بواسطه فساد و فتنه انگیزى این شخص مستحضر دارد .

چون تجارت اصفهان رو بازدياد است و چندین تجارتخانه اروپائى در آن محل احداث شده است خبلى محل افسوس خواهد بود که حادثه‌ای که اسباب

و ا همه سکنه اروپائی آنجا باشد حادث شود در اینصورت آنها طبعاً از سفارتخانه‌های خودشان حمایت خواهند خواست زیاده زحمتی ندارد .

۱۴ ذی قعدة ۱۳۰۷ مطابق ۱۲ جولای ۱۸۹۰ در پشت کاغذ مهر : « هنری درومندولف » و خط امین السلطان که نوشته است : کاغذ ولف است که بتوسط آدم خودش فرستاده است از عرض خاکپای اقدس همایونی روحنا فداه خواهد گذشت .

دستخط شاه : جواب بنویسید که این شخص را که بطهران آوردند برای این بود که او را از بعضی از کارهای فساد انگیزه ممنوع و متنبه دارند . . در این مدت او را بطور خوب متنبه کردند و ابداً جرأت این نوع کارها را نخواهد داشت شما و تاجر خارجه میتوانید مطمئن باشید .

نقل از کتاب : آئینه تاریخ ( صفحه ۴ ) تألیف جناب آقای ابراهیم صفائی  
ملایری نقل از اسناد سیاسی ( صفحه ۱۴۸ ) .  
به خوانندگان محترم توصیه میشود که دوباره این نامه را بخوانند و به نکات آن توجه کنند :

۱- آقا نجفی مخالف پیشرفت اقتصادی خارجیان در داخل مملکت اسلامی ایران بوده است و با نفوذ آنان بنام اقتصاد و تجارت مبارزه مینموده است .  
۲- دولت انگیس مستقیماً در امور داخلی ایران اظهار نظری کند و خواهسته‌های خود را با تهدید و ارعاب از شاه و دولت میخواست .

۳- دستگاه حکومت در برابر آنها اظهار زبونی و بیماری نموده و بجای آنکه بگویند : در کارهای مملکت ما مداخله نکنید یعنی فضولی موقوف اینطور خود را کوچک نموده است .

و نکات دیگری که خواننده محترم از آن میتواند استفاده کنند . ضمناً توجه داشته باشیم که تمام گفته‌های شاه گزافه‌ای بیش نبود و مبارزه مرحوم آقا نجفی علیه

قرار داد تنباکو خلاف آنرا ثابت کرد .

سیاست آقا نجفی در امور : مرحوم استاد جلال الدین همائی در پاورقی دیوان طرب ( صفحه ۱۶۳ ) می نویسد :

یکی از اسرار موفقیت و پیشرفت او (مرحوم آیت الله آقا نجفی علیه الرحمه) در امور این بود که همیشه از افکار عمومی پیروی می نمود ، اول خوب تشخیص می داد که عامه نام چه می گویند و چه می خواهند بعد همان را وجهه همت خویش قرار میداد حتی در مواردی که تمایلات مردم مبهم و نامعلوم بود خود او محرمانه طرحی میریخت و وسایلی بر می انگیزخت تا میزان استقبال یا تنفر عمومی را در کار مورد نظرش خوب بسنجد و پس از آنکه کاملاً از این جهت مطمئن می شد همان را که موافق خواسته های اکثر ناس بود مورد توجه خود می ساخت و بدین سبب همه وقت موفق و پیروز از کارها بیرون می آمد . بر خلاف جمع دیگر از پیشوایان روحانی که آن مسلک یا آن سلیقه و حسن تشخیص را نداشتند و پی در پی در میدان او شکست می خوردند .

از نمونه های این روش موضوع :

تحریم دخانیات و مبارزه با حکومت درباره لغو امتیاز که پانی رژی می باشد شرح این ماجرا را جداگانه بیان خواهیم کرد .

نهضت مبارزه با قرار داد انحصار تنباکو :

قرن چهاردهم هجری یا قرن انقلابات و نهضت ها :

مقدمه : مبارزات علماء بزرگوار شیعه در طی قرون و سالها علیه پادشاهان خود کامه و حکام ستمگر و دول استعمارگر خارجی و قراردادهای ننگین استعماری که بین شاه و دول خارجه منعقد میشده است آنچنان که باید و شاید بررسی نشده و در جایی منعکس نگردیده است . انسان در مطالعه کتابها گاهگاهی به یکی از آنها

برخورد می‌کند که نویسندگان تواریخ درباری یا جیره خواران استعمار آنرا سر بسته و بطور اجمال و ابهام و اغلب بگونه‌ای دیگر بدلخواه دستگاه حاکم و اربابان خود نوشته و آنرا توجیه کرده‌اند و سعی شده است که نام علماء و بزرگان و اثر اقدامات آنها مخفی و پنهان بماند و اجتماع از آثار وجودی آنها در جامعه همچنان بی‌خبر باشد .

در دوره سلاطین قاجاریه بطور عموم و در زمان ناصر الدینشاه ( ۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ ) بالاخص ایران صحنه برخورد دو سیاست متضاد اما هر دو استعماری روس و انگلیس قرار گرفته بود و هر یک از آندو جداگانه در این مملکت برای خود منافعی تصور میکردند و از شمال و جنوب در آن چشم طمع دوخته بودند . روسها قفقاز و ترکستان را بردند و انگلیسها افغانستان را از مملکت جدا ساختند... هر چه ایندو میکردند شاه و دولتیان در اثر بی‌لیاقتی و جهات دیگر آنرا تصویب کرده بموقع اجرا در می‌آوردند .

هر وقت از گوشه‌ای از مملکت از طرف عالمی بزرگوار و یا مردی وطنخواه و دیندار بخاطر این نابسامانها و خود کامگیها صدای مخالفت برمیخاست فوراً آنرا منتسب به یکی از دو جناح شمال و جنوب نموده و حاضر نبودند که بگویند مخالفت بر سر شاه و درباریان و حکام ولایات و اعمال خلاف انسانیت و دین آنها میباشد . اگر فریاد مخالفت از شمالیها بود و علمای آذربایجان مثلاً حرفی میزدند فوراً آنرا تحریک روس‌ها می‌گفتند و برعکس مخالفت‌های مردم جنوب را در اثر کوششهای انگلیسها میدانستند بعبارت دیگر و ساده‌تر تمام مخالفت‌های علماء و به امر و پیروی انسان مردم مسلمان ایران را که در اثر ظلم و بیداد دستگاه حاکمه و حکام و مأمورین بود و یا بر ضد قراردادهای خانه برانداز شاه با خارجیان برپا میشد .

شاه و درباریان وزراء و حکام عموماً به یکی از ایندو مملکت وابستگی داشتند و چون خود آلوده بودند بزعم آنان دیگران نیز آلوده بودند و حال آنکه مقام علم و عالم برتر از آنست که خود را به بیگانه بفروشد و منافع مملکت خود را و دین خود را بخاطر منافع و اغراض خارجیان از دست بدهد.

مرحوم آیت الله حاج ملا علی کنی عالم معروف و متنفذ پای تخت ( ۱۲۲۰ - ۱۳۰۶ ) پس از آنکه ناصرالدینشاه قرارداد معروف رویتر را که به قرارداد «اعطای سند مالکیت ایران» خوانده شده است را در تاریخ جمادی الاولی ۱۲۸۹ هـ . ق ( ۱۸۷۲ میلادی ) امضاء کرد علناً و صراحتم مخالفت خود را با آن اظهار داشته و فرمود :

« اختیار زمین ایران ( زمین مملکت اسلامی ) با سلاطین ملت است ( یعنی علماء و مجتهدین ) نه با سلطان دولت »<sup>(۱)</sup>.

و با بیان این مطلب بصراحت دخالت شاه را در اینگونه موارد یعنی دادن امتیازات و عقد قراردادهای مملکت برانداز را بیمورد و باطل دانسته و هرگونه قراردادی که شاه بدون اطلاع علماء و صوابدید آنها ( یعنی نمایندگان ملت ) با خارجیها و دول استعمارگر منعقد نماید را باطل و بی اعتبار اعلان فرموده است . نظریه سید جمال الدین افغانی راجع به علمای ایران : سید جمال الدین اسدآبادی ( ۱۲۵۴ - ۱۳۱۴ ) از اروپا به یکی از ایرانیان مقیم مصر می نویسد : علمای ایران در انجام وظائف خود کوتاهی نکرده اند و این مأمورین دوات ایران بوده اند که همواره اسباب زحمت و در ماندگی و عقب افتادگی مردم کشور را فراهم کرده اند ( ص ۱۸ نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر ) .

۱ - آگهی شهان از کار جهان صفحه ۸۷ سوم - تاریخ اصفهان وری صفحه ۳۰۴ با اندکی تصرف در عبارت و توضیح .

قرن چهاردهم هجری یا قرن نهضت و انقلاب : یکی از پر حادثه‌ترین قرون تاریخ اسلام قرن چهاردهم یعنی از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۴۰۰ هجری قمری مطابق ۱۲۶۱ شمسی تا ۱۳۶۱ می‌باشد. ( محرم الحرام سال ۱۳۰۱ مصادف با آذرماه ۱۲۶۱ خورشیدی و محرم الحرام ۱۴۰۰ مصادف با آبانماه ۱۳۵۸ شمسی می‌باشد).  
ذیلا بجهت مزید فائدت بیرخی از رویدادهای این قرن که به ایران و علمای این مملکت ارتباط مستقیم دارد اشاره می‌کنیم :

- ۱ - مبارزه علیه انحصار تنباکو و قرارداد رژی سال ۱۳۰۹ ق. ه
- ۲ - انقلاب مشروطیت ایران ۱۳۲۴ ق. ه
- ۳ - جنگ جهانی اول ( رمضان ۱۳۳۲ ق. ه )
- ۴ - جنایات روسها در آذربایجان و خراسان ۱۳۳۰ - در محرم در تبریز و در ۱۰ ربیع الثانی در مشهد مقدس

- ۵ - قحطی در ایران و مردن عده زیادی از مردم از گرسنگی
- ۶ - شکست مملکت عثمانی در جنگ جهانی اول و تقسیم آن
- ۷ - انقلاب عراق و جنگ علیه انگلیسها بزعامت علماء شیعه ایرانی
- ۸ - کودتای ایران بوسیله رضا خان ۱۲ جمادی الثانیه ۱۳۰۰ ق. ه
- ۹ - تغییر سلطت از خاندان قاجاریه و واگذاری آن به رضا شاه ۱۳۴۴ ق. ه
- ۱۰ - جنایات رضا شاه - مسئله حجاب - وقایع خراسان ۱۳۵۴ ق. ه
- ۱۱ - جنگ جهانی دوم رجب ۱۳۵۸ ق. ه
- ۱۲ - خلع رضا شاه از سلطنت و نصب فرزند او محمد رضا شهبان ۱۳۶۰ ق. ه

ق. ه

- ۱۳ - مأموریت برای وطنم یعنی جنایات محمد رضا شاه از ترویج فحشاء و .... و سرسپردگی او به بیگانه

۱۴ - ملی شدن صنعت نفت و نقش اساسی مرحوم آیت الله کاشانی رحمه الله علیه

۱۵ - انقلاب اسلامی ایران و پیروزی آن در سال ۱۳۹۷ هـ . ق

۱۶ - خلع محمد رضا شاه از سلطنت ایران ۱۳۹۷ هـ . ق

۱۷ - جمهوری شدن مملکت ایران ( جمهوری اسلامی ایران ) و خاتمه دوران دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران و دهها موضوع قابل ذکر دیگر و برای هر يك از موارد یاد شده باید کتابها نوشت و رساله ها پرداخت و حقایق تاریخی را آنچنان که در واقع بوده روشن نموده و جهت مطالعه اهل تحقیق قرار داد .

۱۸ - آخرین رویداد این قرن جنگ خانمانسوز و ایران و ایران کن : عراق با ایران میباشد که از روز ۲ شنبه ذی القعدة الحرام ۱۴۰۰ مطابق ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ شروع گردیده و تا این تاریخ ادامه دارد و ختم آن بسته بمشیت و اراده حضرت حق جل و علا دارد . خداوند همه مسلمانها را از شر تحریکات دول استعمارگر و ابرقدرتها حفظ فرماید انه ولي قدیر .

در خاتمه این مقال جهت تنبه خود و آگاهی خوانندگان عزیز بذكر شش آیه از آیات قرآن مجید مبادرت می شود :

۱ - ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ليدى الناس ليديقهم بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون ( سورة الروم آیه ۴۱ ) .

۲ - وما أصابكم من مصيبة فبما كسبت أيديكم ويعفوا عن كثير ( سورة الشورى آیه ۳۰ ) .

۳ - فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن يصيبهم فتنه أو عذاب أليم ( سورة النور قسمتی از آیه ۶۲ ) .



۴ - واتفوا فتنة لا يصيبين الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا ان الله شديد العقاب  
(سورة الأنفال آیه ۲۵) .

۵ - ذلك بان الله لم يك مغيراً نعمة أنعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم  
وان الله سميع عليم (سورة الأنفال آیه ۵۳) .

۶ - ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم واذا اراد الله بقوم سوءاً  
فلا مرد له ومالهم من دونه من وال (سورة الرعد آیه ۱۱) .

برای اطلاع بیشتر از شرح و تفسیر آیات فوق و ارتباط آن با موضوع جنگ  
و ناراحتی‌های ناشی از آن به کتب تفسیر مراجعه فرمائید .

ذیلاً بطور اجمال و اختصار با مراجعه به ماخذ موجود بشرح ماجرای مبارزه  
ملت مسلمان ایران برهبری علماء و مجتهدین علیه امتیاز انحصار تنباکو و مداخله  
بیگانگان در امور داخلی ایران و موفقیت آنها مبادرت می کنیم :

امتیاز تنباکو و توتون (انحصار - مونوپل) در سفر سوم ناصرالدینشاه دولت  
انگلیس در حقیقت و «مازور تالبوت» در ظاهر پیشنهاد امتیاز تنباکوی ایران را  
نموده و پس از مذاکرات مقدماتی که در انگلستان انجام گردید بعد از برگشت  
شاه بطهران و آمدن تالبوت نامبرده در رأس هیئتی قرارداد اعطای امتیاز انحصار  
تنباکوی ایران در تاریخ ۵ شنبه ۲۸ ماه رجب ۱۳۰۸ مطابق ۲۰ مارس ۱۸۹۰  
در پانزده ماده (پانزده فصل) به امضای ناصرالدین شاه رسیده (قرارداد در ماه  
صفر ۱۳۰۷ نوشته شده بود) .

صورت فرمان را در عموم کتب مربوطه نقل کرده اند . عین فرمان از اینقرار  
است :

تنباکو و توتون مینوپل (مونوپل) خرید و فروش و ساختن داخل یا خارج  
کل تنباکو و توتون که در ممالک محروسه بعمل آورده میشود تا انقضاء مدت پنجاه

سال از تاریخ امضاء این انحصار نامه بماژرتالبوت و به شرکاء خودشان مشروط  
بشرایط ذیل مرحمت فرمودیم - شاه :

این امتیاز نامه در ۱۵ فصل تنظیم گردیده است . اینک خلاصه برخی از مواد:  
فصل اول - هر سال ۱۵ هزار لیره انگلیسی سهمیه ایران است خواه شرکت  
نفع کند یا ضرر ببند .

فصل سوم - پس از وضع کلیه مخارج و تقسیم صدی پننج (صد و پننج) سرمایه  
خودشان يك ربع منافع باقیمانده متعلق بدولت ایران است و ضمناً دولت ایران  
حق بازرسی از دفاتر آنها را دارد .

فصل چهارم - کلیه اسباب کارخانه و لوازمات این کار از پرداخت گمرک و غیره  
معاف میباشد .

فصل نهم : صاحبان این امتیاز نامه مختارند که حقوق خود را بهر کس یا  
کسانی که میل دارند منتقل نمایند ولی قبل از وقت باید به اولیای دولت اطلاع  
دهند .

بقیه مواد راجع به خرید و فروش تنباکوی موجود نزد تجار و کسبه  
و محصولات در طول پنجاه سال و دیگر موارد لازم می باشد و امتیاز نامه در دو نسخه  
تنظیم گردیده و بامضای شاه و نماینده کمپانی رسیده است .

يك مقایسه جزئی ما بین دو قرارداد و امتیاز انحصار تنباکوی ایران در دو مملکت :  
چند سال قبل از انعقاد قرارداد امتیاز انحصار تنباکوی ایران با شرکت  
انگلیسی با دولت عثمانی نیز قراردادی بهمین اسم و عنوان با يك شرکت فرانسوی  
منعقد ساخته بود .

روزنامه اختر چاپ اسلامبول پس از انتشار فرمان امتیاز و آگاهی از مواد  
آن در روزنامه خود مقایسه ای ما بین آن ورژی عثمانی نموده که اینک بنا بنقل

مرحوم آقا شیخ محمد رضا زنجانی در کتاب : تحریم تنباکو ( ص ۳۰ ) و کتاب انقلاب ایران تألیف ادوارد برون ( ص ۴۶ ) با اندک تصرف و اختصار جهت اطلاع خوانندگان عزیز نقل میشود :

کمپانی رژی ایران	کمپانی رژی عثمانی
۱ - مؤسس شرکت انگلیسی	مؤسس شرکت فرانسوی
۲ - سال تأسیس ۱۸۹۰ میلادی	سال تأسیس ۱۸۸۴ میلادی
۳ - مدت قرار داد ۵۰ سال	مدت قرارداد ۳۰ سال
۴ - محصول ایران بهتر و بیشتر از کلیه ممالک دیگر	محصول تنباکوی عثمانی کمتر از محصول ایران
۵ - کلیه محصول تنباکو و توتون در انحصار کمپانی است	فقط فروش مصرف داخلی تنباکو در انحصار کمپانی است
۶ - زارعین و مالکین محصول تنباکو مجبوراً باید فقط به کمپانی محصول خود را بفروشند	زارعین و مالکین در فروش محصول و صدور آن بخارج کشور آزادند
۷ - سهمیه ایران نقد ۱۵۰۰۰ پوند	سهمیه دولت عثمانی ۶۳۰۰۰۰ پوند
۸ - سهمیه از منافع پس از وضع کلیه مخارج و ۵ درصد سود حاصله بنفع شرکاء اولیه يك چهارم از باقیمانده	سهمیه دولت عثمانی يك پنجم کلیه منافع حاصله

چند خبر دیگر از کمپانی :

۱ - سرمایه شرکت ۶۵۰۰۰۰ پوند که به ۶۴۷۴۰ سهم ده پوندی عادی و ۲۶۰۰ سهم يك پوندی .

۲ - سود پیش بینی شده ۵۰۰۰۰۰ پوند .

۳ - منافع ویژه کمپانی ۳۷۱۸۷۵ پوند .

۴ - سود خالص پیش بینی شده جهت صاحبان سهام ۱۵ درصد .

۵ - در موقع بروز اختلاف ما بین دولت ایران و کمپانی حل اختلاف به حکمیت یکی از دولتهای : آمریکا یا اطریش و یا فرانسه مقیم طهران واگذار شده است و نتیجه این داوری ناگفته پیداست .

با مقایسه و توجه به ارقام فوق معلوم میشود که امضاءکننده ایرانی این امتیاز نامه یعنی شخص ناصرالدینشاه و اطرافیان خائن و متملق او و همچنین حامیان این قرارداد چه خیانت بزرگی به ملت و مملکت ایران نموده اند . و بقول يك نفر تاجر قزوینی که نامه او در شماره ( ۶ ) بتاريخ ۱۸ جولای ۱۸۹۰ در روزنامه قانون بچاپ رسیده ( ص ۴۲ کتاب انقلاب ایران تأیید ادوارد برون ) بپرسد :

کسی نیست از این جوان شریف ( یعنی امین السلطان ) .

شما به چه قانون حقوق روستائیان مملکت ما را به اجانب ماجراجو میفروشید، بر طبق قانون مقدس اسلام و همه قوانین دول این وسائل و روابط بازرگانی حق مسلم مردم این کشور است . . . .

علت و موجب دادن این امتیاز و دهها امتیاز دیگر که همه آنها به سود بیگانگان و ضرر مردم مسلمان ایران بوده در چند نکته زیر می باشد :

۱ - طمع و حرص زائد الوصف شاه و درباریان .

۲ - تصور باطل اینکه اختیار مملکت از هر جهت بدست شاه است و او مالک این ملک و ملت میباشد که هر چه خواهد بکند و بهر که خواهد بفروشد یا ببخشد .

۳ - بی خبری و عدم اطلاع از اوضاع دنیا و طرز اندیشه و روش کار ممالک

استعمارگر در جهت برقراری سلطه و قدرت خود بر سایر ممالک و مستعمره ساختن آنها .

۴ - دریافت رشوه‌های بی حد و حساب از شخص شاه گرفته تا کوچکترین فرد منتسب بدربار .

۵ - اصرار و پافشاری کمپانی برای گرفتن امتیاز در صورت ظاهر و سیاست استعمارگرانه دولت انگلیس در باطن .

مقدار رشوه دریافتی شاه و اطرافیانش - مرحوم آقا شیخ محمدرضا زنجانی در کتاب تحریم تنباکو ( ص ۳۴ ) می‌نویسد :

صاحبان امتیاز پس از ورود بطهران چهارصد هزار تومان بعنوان تعارف ( یعنی رشوه ) بضمیمه آن چرب زبانیهای محبلانه حضور اولیای دولت تقدیم داشته تا سایر رجال دولت را بدین وسیله همراه ساخته . . . .

ادوارد برون در کتاب : انقلاب ایران ( ص ۵۱ ) بخلاصه می‌نویسد :

امین السلطان برای بررسی موضوع امتیاز جلسه‌ای از علماء و غیره تشکیل داده بود یکی از آقایان صدر اعظم را مخاطب ساخته گمت :

آنهائیکه رشوه گرفتند و رضایت شاه را بدست آوردند ( و نام آنان را برد ) باید اول بزور از حلق منحوسشان بیرون کشیده شود .

دکتر فوریه در کتاب خود می‌نویسد :

شرکت انگلیسی این امتیاز را با دادن رشوه‌های گزاف که بدو ملیون لیره بالغ میشود گرفته و حق اینست که تحصیل آن با این خرج می‌ارزیده است (ص ۳۴ - انقلاب ایران تألیف ادوارد برون - پاورقی ) .

قبلاً متذکر شدیم که مقدمات ایسن قرارداد در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا فراهم گردید و بعداً در طهران تکمیل وبه امضاء رسید . اینک جهت آگهی

بیشتر خوانندگان سفرهای شاه قاجار را به اروپا و ممالک خارجه شرح میدهیم :  
مسافرتهای ناصرالدینشاه به اروپا : ناصرالدین شاه در طول سلطنت پنجاه  
ساله خود سه سفر به فرنگستان کرد بدین شرح :

۱ - سفر اول : درجمادی الاولی سال ۱۲۸۹ وقتی که قرارداد ننگین و ایران  
برانداز : رویترا مضاء شد و با پولیکه شاه و صدر اعظم از کمپانی دریافت داشتند  
در سال بعد یعنی سال ۱۲۹۰ هـ . ق ب فکر مسافرت اروپا افتادند . این مسافرت  
از ۲۱ ماه صفر شروع و سلخ رجب خاتمه یافت .

متن این قرارداد در کتب مربوطه ثبت گردیده و خلاصه آن بنا بنقل حواشی

کتاب : میرزای شیرازی ( ص ۲۳۰ ) از این قرار بود :

- ۱ - امتیاز ساختن راه آهن رشت - تهران تا خلیج فارس .
- ۲ - کشیدن راههای اصلی و فرعی .
- ۳ - استخراج عموم معادن به استثناء طلا و نقره و احجار کریمه .
- ۴ - احداث قنوات .
- ۵ - استخراج آبهای زیرزمینی .
- ۶ - استفاده از تمام جنگلها به هر قسم .
- ۷ - مهار کردن رودخانهها .
- ۸ - ساختن سدها .
- ۹ - ساختن و بکار انداختن آسیابها .
- ۱۰ - تأسیسات گاز .
- ۱۱ - سنگفرش کوچهها .
- ۱۲ - بهره برداری از گمرکات .
- ۱۳ - تأسیس بانگها و مؤسسات انتفاعی از هر قبیل .

۱۴ - تأسیس کارخانجات از هر نوع .

۱۵ - اداره پست و کنترل تلگرافخانه‌ها .

مدت این قرارداد هفتاد سال بوده است .

۲ - سفر دوم بفرنگستان در سال ۱۲۹۵ ه . ق اعتماد السلطنه در کتاب :

المآثر والاثار ( ص ۱۳۵ ستون اول ) درباره این مسافرت می‌نویسد :

منسلخاً عن سمة الرسمية ( مسافرت غیر رسمی ) دره شنبه مسلخ ربیع الاول  
۱۲۹۵ حرکت نموده و در چهارشنبه ۲۵ رجب سال مزبور مراجعت نمود ( انتهی  
ملخصاً ) .

در این سفر شاه به انگلستان رفت .

در سال ۱۳۰۵ ه . ق امتیاز تراموای طهران به حضرت عبدالعظیم را شاه  
به خارجیها داد و آنها در ضمن کار کارگر مسلمانی را کشتند و دولت هیچ نگفت  
و جلوگیر مردم نیز شد .

۳ - سفر سوم : در سال ۱۳۰۶ ه . ق امتیاز بانک شاهی را به بارون ژولیوس

دادند برای مدت شصت سال .

در این سال شاه اجازه فروش خالصجات ایران را داده ( بغیر از خالصجات  
شهر طهران ) و با پول آن به مسافرت فرنگستان رفت .

ادوارد برون در کتاب : انقلاب ایران ( ص ۲۲ ) می‌نویسد : ( به خلاصه

واندکی اضافه ) :

تاکنون این مسافرتها هر چندگران و بیفایده تمام شده و بدون هیچگونه نفعی

برای رعایای او صورت گرفته بود ولی زبان محسوسی در بر نداشت اما اینبار

و این سال سالی بد شکون بود چه پیش از حرکتش شاه به بارون ژولیوس روتر

امتیازی برای تأسیس يك بانک دولتی با حقوق انتفاعی چاپ اسکناس و استثمار

از کانه‌های کشور بود و آزادی کشتیرانی در رود کارون و چند امتیاز دیگر اعطاء کرده بود .

يك ماه بعد ، پرنس دلکروسکی موفق بدریافت پیمانی از شاه شد که تا پنج سال حق تقدم در گرفتن امتیاز جهت راه آهن با روسیه باشد .

این مسافرتها که مخارج گزاف آن بردوش ملت و مردم بود موجب نارضایتی آنان شده و آنان را جهت يك شورش و طغیان علیه ظلم و بیداد دستگاه حاکمه و شاه آماده مینمود .

ورود سید جمال الدین اسدآبادی بطهران و توقف چند ماهه او موجب بیداری و آگاهی مردم از وضع داخلی ایران و اطلاع از طرز حکومت در سایر ممالک دنیا شد. و آنان را بیشتر مهبای انقلاب گردانید مردم منتظر فرصتی بودند که وجود خود را که تا این وقت شاه و دولت برای آنها اهمیتی قائل نبودند نشان بدهند و احقاق حق کنند .

موضوع انحصار تنباکو و دادن امتیاز به يك کمپانی خارجی بهترین فرصتی بود که ملت آنرا وسیله قرار داده و برهبری روحانیت آگاه و دلسوز به شاه و دربار و دنیا ثابت کرد که :

۱ - کسانی که تا کنون بحساب نیامده‌اند و سرنوشت مملکت بدست توانای آنها میباشد مردم هستند نه شاه و دربار .

۲ - رهبران اجتماع در حقیقت علماء و مجتهدین می‌باشند نه شاه و صدراعظم و اطرافیان متملق و چاپلوس آنان که بر حسب ضرب المثل معروف : قیصریه را بخاطر دستمال آتش میزنند .

۳ - آنها که از عطف ناپذیرند و منحصرأ صلاح ملك و ملت را میخواهند علماء و روحانیون می‌باشند نه شاه و درباریان طماع که فریاد «هل من مزید» شان



گوش فلک را کر کرده است .

اینک شرح ماجرا : پس از امضاء قرارداد انحصار دولت آنرا بوسیله اعلان به کلیه کسانی که با تنباکو و توتون سروکار داشتند از زارع - مالک - تاجر - کاسب و مصرف کننده رسانید و همگان دانستند که بعد از این اختیار مال و شغل و تجارتشان در دست بیگانگان است و آنان از آزادی کسب و کار و خرید و فروش محروم و ممنوع شده اند .

عکس العمل مردم شهرهای مختلف ایران نسبت به امتیاز تنباکو :

با انتشار خبر انعقاد قرارداد بین شاه و کمپانی و امتیاز دادن تنها محصول قابل صدور ایران به یک شرکت خارجی و اعلان فروش سهام شرکت و متعاقب آن ورود سیل آسای انگلیسیها در طهران و سایر شهرهای ایران که همچون قشون فاتحی که وارد کشور مغلوبی شده باشد با کمال تکبر و تجبر رفت و آمد میکردند و بی اعتنائی آنان به همه چیز ایرانیان که آینده بسیار وخیمی را خبر میداد مردم مسلمان مملکت از غنی و فقیر - بازرگان و خرده فروش - شهری و روستائی همه را بوحشت انداخت و چون غیر از علماء و مجتهدین پناهگاهی نداشتند و از شاه و دولت بطور کلی مأیوس بودند و آنانرا طرفدار و حامی سرسخت کمپانی میدیدند از علماء راه چاره خواستند .

علماء بزرگوار طبق موازن عقلی و عرفی نامهها بشاه و ولیمهد و صدر اعظم و دیگر دست اندرکاران نوشته و مفاسد امتیاز را بر شمردند و از آنان برای رفع این مشکل کمک خواستند گرچه میدانستند آنها که رشوه گرفته و امتیاز داده اند و مقدمات آنرا فراهم کرده اند زیر بار گفته های علماء اسلام که خیر و صلاح ملک و ملت را میخواهند نخواهند رفت .

پس از این مرحله قسمت دوم فعالیتها علیه امتیاز و کمپانی شروع گردید و در

بیشتر شهرهای ایران برهبری علماء و مجتهدین اقداماتی انجام گرفت من جمله  
در شهرهای :

۱ - اصفهان

۲ - تبریز

۳ - شیراز

۴ - طهران

۵ - یزد

شورشها برپا شد و مردم علناً مخالفت خود را با امتیاز و تبعات آن ظاهر  
گردانیده بازارها را بستند و در مساجد و خانه علماء بست نشسته و اجتماعاتی  
تشکیل داده و گوش فرمان علماء بودند تا چه دستور دهند .

اینک شرح ماجرای شهرهای نامبرده :

الف - اصفهان برهبری مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی  
( شرح آن جداگانه نوشته میشود ) .

ب - تبریز برهبری دو عالم بزرگوار و مجاهد مرحومین حاج میرزا جواد  
آقا و حاج میرزا یوسف آقا دو عالم جلیل و مجتهد مسلم القول شروع به فعالیت  
نموده و به شاه درباره لغو امتیاز تلگرافهایی نمودند و مردم شهر نیز اعلامیه‌های  
کمپانی را از در و دیوارها کردند و از پذیرفتن خارجیها خودداری کردند و چون  
از شاه و دربار جواب مناسب و مساعدی نیامد و ضمناً دستور کشتار مردم و تفرقه  
جمع آنان را به امیر نظام دادند مردم و علماء بر شدت عمل افزودند . اعلامیه‌ای  
از طرف مردم صادر شد و مفاد آن به طهران تلگراف شد که :

ما اهالی تبریز روز عاشورا تمام فرنگیها و عیسویان را که در تبریز هستند  
قتل عام خواهیم کرد و از حالا بشما اطلاع می‌دهیم، دانسته باشید که تغیر به جهت

عمل تنباکو است و اینکه شاه مملکت خودش را به فرنگیها فروخته است .  
علماء بزرگوار تبریز مردم را به آرامش و رعایت حدود و مقررات شرع در  
مبارزه دعوت کردند بنابراین نامه‌ای به این مضمون به شاه نوشتند :

۴۲ سال است سلطنت می‌کنی محض طمع مملکت خودت را قطعه قطعه  
بفرنگی فروخته‌ای خود دانی ! اما ما اهالی آذربایجان خودمان را بفرنگی  
نمی‌فروشیم و تا جان داریم می‌کوشیم (خاطرات اعتماد السلطنه) .

شاه و دربار از این ماجرا بهراسیدند در اول مرحله قصد برابری با مردم  
بوسیله قتل و کشتار مردم گرفتند و جهت اجرای آن به امیر نظام نوشتند وی از  
روی کمال عقل و خردمندی در جواب نوشت این کار عاقلانه نیست و فائده‌ای  
ندارد ضمناً هر پیش آمدی که در آذربایجان و غیره روی میداد را دولتیان به  
روسیه منتسب میکردند و چون خود آلوده بودند دیگران را نیز چون خود میپنداشتند  
بخصوص در این موقعیت که حفاً روسها از این امتیاز راضی بودند جریان امور  
را بتحریرک آنها میدانستند بنابراین دستور دادند که کمپانی موقتاً از تبریز  
صرفنظر نموده تا بعد چه پیش آید .

برای آگاهی بیشتر به منابعیکه بعداً بدانها اشاره می‌کنیم مراجعه شود .  
ج - شیراز : مردم غیور و مسلمان شیراز که از سالها قبل عمال و کارگزاران  
انگلیسی و طرز اندیشه و رفتارشان را دیده و سنجیده بودند و بهتر از سایر افراد  
مملکت به روحیه استعماری و استثماری آنها آشنا بودند از اولین دسته مردمی بودند  
که در برابر مأمورین دولت که اکنون از حامیان و جیره خواران کمپانی شمرده  
میشدند ایستاده و علم مخالفت برافراشتند .  
شیرازیان برهبری و زعامت عالم مجاهد بزرگوار مرحوم حاج سید علی اکبر  
فال اسیری قیام نمودند . اما دولتیان که :

بريدون أن يطفثوا نورالله بأفواهم غافل از آنکه : ويا بى الله الا أن يتم نوره ولو كره الكافرون ( سورة التوبه آيه ۳۲ ) خواستند با شدت عمل وزور و فشار مردم را ساکت و آرام کنند دستور تبعيد مرحوم حجة الاسلام فال اسيرى را دادند و او را ناجوانمردانه غافلگير کرده در حال عبادت در خارج شيراز دستگير و به بوشهر تبعيد کردند . خبر گرفتارى ايشان شور و هيجان مردم را برانگيخت و در صحن مبارك حضرت شاه چراغ جناب احمد بن الامام موسى الكاظم عليه السلام جمع شده و آزادى و پيرا از دولتيان خواستند اما حكومت از خدا بى خبر مردم بى گناه و بى پناه را هدف گلوله هاى تفنگ قرار داده عده اى را مقتول و جمعى را زخمى و بقيه را متفرق ساختند و بخیال خود شهر را آرام کرده جهت ورود مأمورين كمپانى آماده ساختند .

مأمورين كمپانى كه تا اينوقت از بيم جان خود در خارج شهر در حال ترس و وحشت بسر ميبردند با اطمينان بمراحم شاه و امين السلطان و مأمورين حكومت در اين استان بشيراز وارد شده و مشغول فعاليت شدند .

مرحوم حجة الاسلام فال اسيرى از بوشهر به عراق رفته در بصره بسا سيد جمال الدين اسدآبادى معروف به افغانى ديدار کرده و با نامه اى كه او به محضر مرحوم ميرزاى شيرازى نوشته بود و از مظالم دستگاه و اوضاع عمومى مسلمين و بالاخص وضع فلاكت بار مسلمانهاى ايران و ظلم و ستمى كه از طرف حكومت به آنها ميرسد مطالبى بيان داشته و نوشته بود كه تنها راه اصلاح اينهمه مفاسد و قطع ريشه ظلم و بيداد بدست تواناى شما كه نايب امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف ميباشيد ممكن است و از ايشان در اينراه كمك خواسته بود .

متن اين نامه تاريخى در بسيارى از كتابها نقل شده و در اينجا نيازى بنوشتن

آن نمى باشد .

مرحوم حاج سید علی اکبر فال اسیری در سامراء بمحضر جناب میرزا مشرف گردید و مورد احترام و بزرگداشت آن مرحوم و عموم علمای آن حوزه مقدسه قرار گرفت. ورود ایشان به شهر سامراء پس از زمانی بود که دو عالم جلیل مجاهد مرحوم آقا میرزا علی محمد اژه‌ای و مرحوم حاج آقا منیرالدین بروجردی احمد آبادی به محضر آن مرجع عالیقدر رسیده بودند و مرحوم میرزا را از اوضاع ایران کما و کیفاً آگاه ساخته و مقدمات صدور حکم تحریم را فراهم ساختند.

د - طهران : در تمام انقلابات و حوادث من جمله موضوع مبارزه با امتیاز تنباکو محور اصلی مبارزات و فعالیتها طهران بوده و آنچه در سایر شهرها رویداده است بعنوان پشتوانه و نقطه اتکاء و همدردی و همکاری و اتحاد و یگانگی درخواستها بوده است.

شرح مبارزات مردم مسلمان طهران و رویارویی مستقیم آنان با شاه و امین الدوله و کامران میرزا و دیگر درباریان برهبری علامه جلیل مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد حسن مجتهد آشتیانی در عموم کتب مربوط به مبارزه تنباکو بطور تفصیل نوشته شده و این مختصر گنجایش آن را ندارد طالبین بدان کتابها مراجعه کنند.

ه - یزد : مقارن همین احوال یعنی ابتدای کار که پانی و فعالیتهای او در یزد نیز شورشی علیه آن بر خاست. این شورش در زمان حکومت حسین میرزا جلال الدوله فرزند ظل السلطان که از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ در یزد حکومت داشته رویداده است.

متأسفانه در کتب تواریخ و رجال و شرح حال علماء از مبارزات علماء بزرگوار در کلیه موارد و بخصوص در موضوع تنباکو که یکی از بزرگترین مظاهر قدرت

مرجعیت شیعه می باشد ذکرى نشده است .

عبدالحسین آیتی مؤلف کشف الحیل در کتاب: تاریخ یزد موسوم به آتشکده یزدان هیچ ذکرى از این موضوع ننموده و از جریان بابی کشى سال ۱۳۲۱ نیز نام نمیبرد . اگر کتاب تاریخ است و مربوط به تاریخ يك شهر باید قضايا در آن نوشته شده باشد . موضوع بابی کشى را گوئیم چون خود اوسالها جزو این فرقه ضاله بهائیه بوده و از مضلین بشمار میرفته آنرا ندیده گرفته اما راجع به سایر قضاياى تاریخى و پیش آمدها چه باید گفت؟ دایل نوشتن را خدا می داند و بس . علماء و خطباء و وعاظ و گویندگان سایر شهرها و ولایات ایران و نقش مؤثر آنان: آنچه یقینى است و قابل تردید نمى باشد آنکه يك چنین موضوعى که يك طرف آن پادشاه مملکت و دربار و قدرت استعماری انگلستان قرار دارد و طرف دیگر مردم مسلمان برهبرى علماء و مجتهدین که سرانجام به شکست شاه و استعمار منتهى میشود و نمیتواند بدون مقدمه و وسائل لازم باشد .

مقدمات کار عبارت بود از :

۱ - نارضايتى عموم طبقات مردم ایران از ظلم و تعدیات دستگاه حکومت که در این باره نیازی بشرح و بسط ندارد .

۲ - بی اعتنائى شاه و اطرافیانش به مردم که آنها را بهیچ نمى گرفتند : منطق اینان عبارت بود از اینکه شاه مالک جان و مال و ناموس و تمام هستى مملکت است که آنها بهرنحوه بخواهد عمل کند ، بخرد - بفروشد، بهر کس بخواهد واگذار کند - بکشد - زندان کند و . . . . با این منطق غلط و دور از انسانیت و دیانت با مردم رفتار میکردند . شاه و اطرافیان طماعش هستى مردم را میبردند و قدرت دمزدن و شکایت کردن را از آنها گرفته بودند و اگر کسى هم اظهار نا رضائى و شکایت میکرد بهزارگونه رنج و مصیبت گرفتار میشد و آنچه البته بجائى نمیرسید فریاد

دادخواهی او علیه دستگاه جبار حکومتی بود .

شاه و صدر اعظم بنا بمیل خود بدون مشورت با عقلاء و بزرگان بخارجیان امتیاز میدادند به یکی امتیاز راه آهن بدیگری امتیاز کشتی رانی دریای خزر و همچنین آزادی کشتیرانی در رود کارون، تشکیل بانک شاهی ودهها امتیاز ایران برانداز دیگر .

۳ - سیاست دولت در امور خارجی و آنچه به اقتصاد کشور و دولت مربوط میشد : سیاست موازنه مثبت بود یعنی هر وقت امتیازی به روسها میدادند فوراً به رقیب آنها نیز که انگلیسیها بودند امتیازی داده میشد و در این امتیازات فقط بچند لیره دریافتی بعنوان رشوه و یا حق طرفداری از امتیاز داخوش بودند . نه به مفاد قرارداد توجه داشتند که چه میدهند و شاید اگر توجه هم میکردند نمی فهمیدند و نه بمنافع ایران و اسلام می اندیشیدند .

۴ - ظلم و بیداد بیش از حد شاه و شاهزادگان و حکام که عموماً از شاهزادگان بودند و عمال از خدا بی خبر آنان ودهها موضوع دیگری که ذکر آن موجب اطاله مقال خواهد شد .

در این بین فقط علماء بیدار و دلسوز اوضاع آشفته مملکت را میدیدند و خون دل میخوردند و در صدد چاره جوئی و اصلاح بودند و میخواستند راهی برای آن بیابند .

علماء و مجتهدین بوسیله خطباء و وعاظ در اباس موعظه و ارشاد مردم را کم و بیش آگاه میکردند و آنها را برای روزی که وسائل و موجبات فراهم شده باشد آماده میکردند .

حاج سید علی اکبر مجتهد فال اسیری شیرازی این عالم مجاهد سالها قبل از موضوع تنباکو علیه حکومت شیراز قیام کرد گرچه موفقیت کامل حاصل ننمود

لکن مردم فارس دوست را از دشمن و خدمتگزار را از خائن شناختند .

مبارزه مرحوم آقای نجفی و سرکوبی بابیان در سال ۱۳۰۶ نمونه دیگری از همین بیدارساختن مردم از مظالم دستگاه ویی اعتنائی او به اجتماع و معتقدات آنها میباشد .

در سایر شهرهای ایران نیز از همین رویدادها بوده است که متأسفانه تاکنون تمام آنها در يك جا متمرکز نشده و جامعه از آن بی اطلاع میباشد .

همچنانکه در میدانهای جنگ ، طرح نقشه جنگ و تاکتیکهای لازم با فرمانده سپاه بوده و افسران ارشد و جزء بوسیله سربازان فداکار آنها اجرا می کنند در این برخوردها نیز مجتهدین بزرگوار با مشورت یکدیگر اصول کار را دستور داده و خطباء محترم و وعاظ و گویندگان آنها ب مردم ابلاغ میکردند و مردم مسلمان اوامر آنان را بدون کم و زیاد اجرا میکردند .

این یکی از وظائف سنگین و حتمی محققین در موضوعهای تاریخی است که نام این علماء بزرگوار و خطباء و وعاظ را از لابلای صفحات تاریخ بیرون کشیده و نقش مؤثر هر کدام را در پی ریزی نهضت همگانی مبارزه علیه استعمار انگلستان در قالب : « کمپانی دخانیات » روشن کنند .

تمام علماء و بیشتر خطباء ایران حتی پیشوایان مذهبی دعات و قصبات کوچک و بزرگ نیز در این جریانات سهمی دارند که باید شناخته شود و حق آنان ادا گردد . جزاهم الله عن الاسلام والمسلمین خیر جزاء المحسنین بمحمد وآله المعصومین .

اسامی برخی از علماء و مجتهدین ولایات : برای بقاء نام خدمتگزاران به دین و مملکت ذیلا بنام جمعی از علماء بزرگواریکه در نهضت مبارزه با قرارداد رژی سهم مؤثری داشته اند تا آنجا که اطلاع و آگاهی داریم اجمالا اشاره می نمائیم :



۱ - تبریز : مرحوم حاج میرزا جواد آقا فرزند میرزا احمد متوفی در ۱۷ شعبان ۱۳۱۳ .

مرحوم حاج میرزا یوسف آقا فرزند میرزا علی آقا ( ۱۲۷۹ - ۱۳۳۷ ) .  
ودو نفر دیگر .

۲ - تهران : میرزا محمد حسن آشتیانی متولد در حدود سال ۱۲۴۶ و متوفی در ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۱۹ .

سید محمد رضا بن محمد صادق طباطبائی .

سید علی اکبر تفرشی متوفی در ۴ محرم الحرام سال ۱۳۲۳ . ق . ۸

حاج شیخ فضل الله شهید نوری ( ۱۲۵۹ - ۱۳۲۷ ) شهادت ۱۳ رجب ) .

۳ - سبزوار : حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار فرزند حاج میرزا اسماعیل

متوفی در ۱۳۱۵ .

۴ - شیراز : شیخ محمد حسین .

میرزا محمد علی .

حاج سید علی اکبر فال اسپری فوت ذی القعدة ۱۳۱۹ . ق . ۸

۵ - یزد : میر سید علی مدرس یزدی مؤلف کتاب : الهام الحجه و متوفی

بسال ۱۳۲۹ . ق . ۸

از اسامی دیگر علماء و مجتهدین ولایات که در مبارزه علیه حکومت استبدادی

ولغو امتیاز کمپانی مجاهده و کوشش نموده اند فعلا آگهی ندارم تا بعداً چه پیش

آید .

۶ - ادروارد برون می نویسد :

در اواخر اکتوبر ( ۱۸۹۱ ) سیدی بنام عالمگیر در کلاردشت قیام و تحریکاتی

علیه دولت نموده مردم را دعوت بشورش نمود و بزودی چند صد ( نفر ) پیروانی

دور او را گرفته معرکه برپا کردند .

ساعداالدوله با پانصد سوار در ۲ نوامبر مأمور سرکوبی او شد دو هفته بعد سید شکست خورده دویست نفری از پیروانش کشته شده و خودش را دستگیر و زنجیر کرده با اسکورتی نیرومند و بک دسته موزیک نظامی که نغمه فتح مینواخت بتهران واردش کردند . سر کرده سپاه ( ساعد الدوله ) پاداش این پیروزی بدرجه سرتیپی ارتقاء یافت .

مهدی بامداد در کتاب: شرح حال رجال ایران در سه قرن اخیر (صفحه ۳۰۳ یکم ) شرح حال ساعداالدوله را با خدماتیکه به دربار قاجار نموده شرح داده از آنجمله از قضایای کلاردشت مازندران و آن سید نامبرده یاد کرده و عین مطالب ادوارد برون را می نویسد ( بامداد از یاد داشتهای محمد حسنمان اعتماد السلطنه نقل می کند و احتمالاً برون نیز از همان مأخذ یا جای دیگری همانند آن نقل میکند) .  
بامداد در دنباله مطالب می نویسد :

سید در حالیکه سوار قاطر با غل و زنجیر برگردن وارد شهر شد همان منظره ای که اسرای دشت کربلا و ورود آنان به بارگاه یزید بن معاویه را مجسم میکرد .  
ورود او را به طهران در ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۰۹ می نویسد و اعتماد السلطنه می گوید نام او سید محمد و از طایفه نصیریها می باشد ( ولی معلوم نیست که این نویسنده متملق درباری تا چه حد در این نوشته خود صادق است و آیا حقاً دلیل اقدام بشورش کردن او دنباله شورشهای مردم سایر ولایات علیه امتیاز تنباکو می باشد یا جز آن و العلم عندالله .

توضیح : حبیب الله خان ساعداالدوله پسر ولیخان سرتیپ تنکابنی است که در ۱۲۵۴ در جنگ هرات کشته شده و پدر محمد ولیخان سپهسالار اعظم میباشد . اصفهان و موضوع امتیاز انحصار تنباکو : همزمان با شورشها و مخالفتهای

مردم تبریز و شیراز علیه کمپانی رژی و امتیاز انحصار تنباکو که بطور اجمال ذکرى از آن شد .

مأمورین کمپانی به کمک ظل السلطان و پشتیبانی مأمورین دولت بدون مزاحمت و برخورد به اصفهان وارد شده و در بازار برای خود محلی انتخاب نموده وعده‌ای را به عنوان کارمند و کارگر و مباشر و دیگر عناوین با حقوقهای نسبتاً زیاد استخدام نمودند و شروع به فعالیت کردند .

به دهات و مزارع تنباکو نمایندگانی فرستادند و با کمال شدت و خشونت و سخت‌گیری و فشارخواستند که خواسته‌های خود را یعنی قرارداد انحصار تنباکو را بمردم عملاً بقبولانند .

چه ظلم‌ها و ستمها که از ناحیه مأمورین کمپانی به استظهار حکومت و دولت نسبت به مردم بیچاره روا داشتند و بعنوان یافتن تنباکو و توتون بخانه‌های افراد ریخته و هنک حرمت و آبروی مردم شرافتمند میکردند . مردم از همان روزانه اول آخر این ماجرا را خواندند و فهمیدند که عاقبت بکجا خواهد انجامید .

برای نجات از این گرفتاری مانند همیشه به علماء پناه بردند . در آنروز تنها امید مردم رنج‌دیده و ستم‌کشیده مرحوم آقای نجفی بود و بس ، دیگر علماء نه آن قدرت و نفوذ را داشتند نه از اوضاع دنیا و سیاست مانند او خبر داشتند همگان تصور میکردند که اگر به شاه شکایت کنند و از او کمک بخواهند رفع این بلیه خواهد شد غافل از اینکه همه بدبختی‌ها و ظلم و فشارها بعلت بی‌اطلاعی و عیاشی و مال دوستی او و اطرافیان‌ش می‌باشد .

مرحوم آقای نجفی با هوش و فراست و استعداد و کیاست و دور اندیشی و درایتی که داشت موضوع را بهتر از دیگران و زودتر درک میکرد و در صدد علاج آن بر می‌آید .

اینک شرح و کیفیت برخوردار آن مرحوم با موضوع را مطالعه کنید .  
فتوای حرمت : علماء اصفهان جلسه مشورتی تشکیل داده و دربارہ طرز  
برخورد با قضایا شور نموده و باین نتیجه رسیدند که باید شدت عمل نشان داد  
لہذا مرحوم آقای نجفی برای مقدمہ سازی بدو نفر از نزدیکان و وابستگان خود  
کہ ہر دو عالم و قبیہ و مجتہد و در آن تاریخ از علماء درجہ دوم و سوم اصفهان  
بشمار میرفتند اشارہ نمود کہ حکم بہ حرمت استعمال دخانیات کنند بنابراین :  
مرحوم میرزا علی محمد اڑہای و حاج آقا منیرالدین بروجردی برای اولین  
بار اعلان تحریم تنباکو نموده و از طرف مرحوم حاج میرزا ہاشم امام جمعہ از  
شہر بہ تخت فولاد تبعید و نفی بلد شدند .

ایندو ہر یک جداگانہ طبق دستور آقای نجفی بہ سامراء رفتہ و جناب میرزا  
را از اوضاع داخلی ایران و آمادگی مردم را برای ہر نوع مبارزہ کہ ایشان  
صلاح بدانند آگہی دادند و مقدمات صدور حکم تحریم را از ناحیہ آن بزرگوار  
فراہم ساختند .

حکم تحریم استعمال تنباکو از طرف ایندو عالم مجاہد و بزرگوار و سپس  
حکم تحریم از طرف آقای نجفی و مرحوم ثقفی الاسلام و مرحوم آخوند فشارکی  
( ملا محمد باقر ) و ورود مرحومین اڑہای و بروجردی بسامراء ہمہ قبل از ارسال  
نامہ سید جمال الدین اسدآبادی معروف بہ افغانی جہت جناب میرزای شیرازی  
اعلیٰ اللہ مقامہ الشریف بوسیلہ مرحوم حاج سید علی اکبر مجتہد فسال اسیری  
شیرازی میباشد .

توضیح آنکہ مرحومین اڑہای و بروجردی ہر دو از شاگردان مرحوم حاج  
شیخ محمد باقر مسجد شامی بودہ و در دستگاہ آقایان مسجد شاہ وارد بودہ و از  
موقعیت خاصی برخوردار بودند .

حکم تحریم استعمال تنباکو از طرف مرحوم آقای نجفی علیه الرحمه :  
پس از آنکه مرحوم آقای نجفی مقدمات کار را از هر جهت فراهم نمود و مردم  
را آماده ساخت خود حکم تحریم استعمال تنباکو و کلیه مواد دخانیه را صادر  
فرمود .

امضاء کنندگان این فتاوی عبارت بودند از :

- ۱ - مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی .
- ۲ - مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام برادر ایشان .
- ۳ - وظاهرأ مرحوم آخوند ملا محمد باقر فشارکی نیز برخی از اوراق آنرا  
امضاء نموده بود .

خلاصه مضمون حکم بدینقرار بود :

- ۱ - استعمال تنباکو حرام است .
- ۲ - حمایت کنندگان فرنگی مرتد میباشند (مقصود طرفداران کمپانی میباشند)
- ۳ - عمله جات دخانیات نجس میباشند .
- ۴ - کسانی که دخالت در کار فرنگی دارند را به حمام و مسجد راه ندهند  
و نگذارند از سقاخانه آب بخورند .

نتیجه حاصله از این اعلان که بدرب مساجد و مدارس چسبانیده شد :

- ۱ - موقوف شدن قلیان از مجالس عمومی و خانه علماء و حمامها و قهوه خانهها .
- ۲ - طلاب هر کجا قلیان می دیدند می شکستند .
- ۳ - کلیه فرنگیها مورد اهانت مردم قرار گرفتند و هر کجا که یکی از آنها در  
کوچه و یا بازار دیده میشد مردم و بخصوص بچهها دنبال او راه افتاده و داد و فریاد  
میکردند ( و بد می گفتند ) .

اسامی علماء و مجتهدین اصفهان که هر یک در موضوع مبارزه با قرار داد

اقداماتی انجام داده‌اند .

پس از شهر تبریز و شیراز و همگام با آندو شهر اصفهان بزعامت و رهبری عالم بزرگوار و خادم دین و اسلام که بسا هوشیاری کامل مراقب اوضاع داخل و خارج مملکت بود یعنی مرحوم آقای نجفی و کمک و مساعدت سایر علماء شروع به کار کرد که شرح آن بطور اجمال بیان میشود . اینک جهت اداء حقوق آن بزرگواران و ثبت نام شریفشان در صحیفه روزگار و تاریخ خدمات علماء بذکر اسامی آنان بر حسب حروف تهجی قناعت نموده و تفصیل و چگونگی خدمات آنان و دیگر علماء این سامان را بوقت دیگری و امی گذاریم بحول الله و قوته :

۱ - مرحوم علامه مولی محمد باقر فشارکی از اساتید فقه و اصول و مدرسین خارج وائمه جماعت وی از مؤلفین معروف کتب فقه و اصول و حدیث و اول کسی است که رسم احیاء و مراسم قرائت دعاء شریف کمیل در مسجد مصلی در تخت فولاد را بنا نهاد که تاکنون متجاوز از یکصد و بیست سال است که ادامه دارد . قبلاً قرائت دعاء کمیل و انجام مراسم احیاء در عموم مساجد اصفهان انجام میشد که ظاهراً از عهد صفویه و علماء بزرگوار آن دوره شروع شده بود . مرحوم فشارکی در شب ۲۶ رجب سال ۱۳۱۴ وفات یافته در تکیه مرحوم آقا حسین خونساری در قبه العلماء مدفون گردید .

۲ - حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی زعیم و رهبر نهضت مبارزه .

۳ - مرحوم حاج شیخ محمد علی نفة الاسلام نجفی برادر مرحوم آقای

نجفی .

۴ - مرحوم میرزا علی محمد اژه‌ای متولد در نیمه شعبان ۱۲۶۶ و متوفی در شب ۱۲ صفر ۱۳۳۲ . ه . ق (نمونه مختصر المکارم) الفت فوت او را در ۸ رجب ۱۳۲۴ می‌نویسد . از مجتهدین درجه سوم .

۵ - مرحوم حاج آقا منیرالدین بروجردی اصفهانی از مجتهدین درجه دوم متولد در ۲۱ رجب ۱۲۶۹ و متوفی در شب ۲۸ ربیع الثانی سال ۱۳۴۲ مدفون در تکیه ملک در تخت فولاد اصفهان .

۶ - مرحوم حاج آقا نورالله نجفی معروف به ثقة الاسلام .

۷ - علامه فقیه مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوئی .

مرحوم استاد جلال‌الدین همائی در مقدمه دیوان طرب (صفحه ۱۱۲ پاورقی) بخلاصه می‌نویسد :

مرحوم آقا میرزا محمد هاشم در مرحله اول با موضوع تحریم تنباکو مخالف بود لکن پس از مسافرتی که در سال ۱۳۰۹ به شهر سامراه نمود و ملاقات با جناب میرزای شیرازی ( و آگاهی از مضرات و زیانهای اسلام سوز و ایران برانداز این قرارداد ) عقیده او تغییر کرده و جزو موافقین تحریم تنباکو گردید و حکم تحریم دخانیات را تأیید کرد و خود هم از طرفداران آن نهضت دینی سیاسی گردید .

۸ - میرزا حبیب الله مشیر الملک انصاری ( گرچه وی از طبقه روحانیون و علماء نمی‌باشد و جزو دستگاه حکومتی ظل السلطان و از خدمتگزاران بدربار شمرده میشود لکن موافقت او با علماء و مخالفتش با قرارداد و حکومت اگر چه بقیمت جان او و چند تن دیگر تمام شد اما بسبب پیشرفت کار علماء و مجتهدین بزرگوار گردید ) .

اینک خلاصه جریان امر مشیر الملک مأخوذ از کتابهای مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری .

مشیر الملک در سال ۱۲۹۳ پیشکار ظل السلطان و منشی وزیر او شد و کلیه امور مالیاتی اصفهان و سایر کارهای دیوانی باو مرجوع گشت .

او از سال ۱۲۹۳ تا سال ۱۳۰۸ یعنی تقریباً مدت پانزده سال تمام با کمال

قدرت و نفوذ و محبوبیت بکار مشغول بود و برای خود و اربابش ظل السلطان اندوخته فراوانی گردآورد. وی بنا بقول مرحوم استاد همائی ( صفحه ۱۶۲ پاورقی دیوان طرب ) می نویسد :

وزیر لایق با کفایت مقتدر ظل السلطان که نسبت او با وی همچون خواجه نظام الملك طوسی با سلطان ملکشاه سلجوقی بود .

مرحوم انصاری شرح گرفتاری او را در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۳۰۹ قسمت پاورقی ) و دیگر کتابهایش به تفصیل نوشته است . مشیر بزندان ظل السلطان گرفتار شد و پس از چهار ماه بشفاعت مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوئی نجات یافت . مرحوم انصاری علت گرفتاری مشیر را بدینگونه شرح میدهد :

۱ - حرکات پسرانش نسبت بمردم

۲ - اغرای ظل السلطان بر کن الملك و ابراهیم خلیل خان

۳ - بی اعتنائی او نسبت به علماء

۴ - غرور ( زائد الوصف ) خود مشیر الملك

۵ - خیال باطل که شاه با او باطناً مرحمت دارد ( و به او وعده وزارت مالیه

ایران را داده بود ) .

مشیر پس از رهائی از زندان اجباراً و یا به اختیار به تخت فولاد رفت و در همین موقع مرحومین آقا میرزا علی محمد اژه‌ای و حاج آقا منیرالدین بروجردی نیز در حال نفی بلد در تخت فولاد بودند .

مشیر یا بخاطر مخالفت با ظل السلطان و دستگاه حکومتی و یا از روی حس دینداری و وطن خواهی با آنان همگام شده و بکمک آقاییان برخاست . موافقت مشیر الملك با علماء موجب تقویت کار موافقین تحریم شد و از طرف دیگر



دستاویزی جهت نابودی مشیر از ناحیه ظل السلطان گردید . وی شاه را که ظاهراً طرفدار مشیر بود از او ترساند به او گزارش کرد که : مشیر شبها با لباس مبدل بشهر آمده و با علمای شهر در امر مخالفت با دولت در امر تنباکومکاری و همفکری می کند . بالاخره شاه راضی شد که ظل السلطان مشیر را قهوه قجری بنوشاند .

عاقبت کار مشیر : انصاری در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۳۱۵ پاورقی )

بخلاصه می نویسد :

چون ظل السلطان از آشتی کردن و صلح مشیر با او مأیوس شد تمارض کرده و مهدیقلی میرزا مشیر را بیعت او میبرد در این روز ۱ - میرزا محمد حسن شیخ الاسلام ۲ - میرزا علی مستوفی خزانه ۳ - میرزا محمد خان امین الدوله نیز حاضر بودند ظل السلطان در اندرون منزل بود ابراهیم خلیل خان دستور چای و قهوه جهت پذیرائی آنسان داد چون نزد مشیر گذاردند اولی را نزد شیخ نهاد دیگری آوردند به میرزا علی مستوفی تعارف کرد سومین را به امین الدوله و بالاخره قهوه چهارم را خود نوشید و هر چهار نفر در سومین روز قهوه خوردن یعنی در ۱۷ جمادی الثانیه سال ۱۳۰۹ مردند . آنچه نوشتیم از خوردن قهوه و مردن هر چهار نفر در يك شب آیا موضوعی اتفاقی و تصادفی بوده و یا آنکه آنها مسموم شده اند امری است که علم او نزد خداوند قادر عالم الغیب والشهاده میباشد .

موافقین و کارکنان کمپانی و مخالفین تحریم تنباکو : در مسائل فرعی فقهی همیشه اختلاف بین فقهاء وجود داشته و اینگونه اختلافات مربوط به اجتهاد و مقدمات آن میباشد . تنها موضوعی که اتفاق کلمه ( ولو بصورت ظاهر ) در يك مسئله فرعی فقهی مربوط به مسئله روز بین عموم مجتهدین بزرگوار وجود یافت . موضوع تحریم استعمال تنباکو و مواد دخانیه بوده است .

قبل از صدور فرمان و حکم و فتوای قاطع و کوبنده مرحوم میرزای شیرازی

اعلی الله مقامه الشریف تمام علماء و مجتهدین آنرا همچون وحی خداوندی و حکم الهی دانسته و گردن نهادند و به مردم مسلمان در اجرای کامل آن توصیه کردند بطوریکه نقل شده است یکی از لوطیان معروف در ملا عام فریاد زد :

شراب میخورم و از کسی باک ندارم لکن تا جناب میرزا اجازه ندهند دم به چپق نمیزنم ( و اگر کسی کشید او را می کشم ) این بود تأثیر حکم جناب میرزا و تبعیت عموم مجتهدین .

اما قبل از صدور حکم حرمت عده‌ای از تجار و کسبه اصفهان بعنوان مختلف با کمپانی نامبرده همکاری داشتند که نام برخی از آنها را مرحوم میرزا ابوالقاسم طرب در قصیده معروف خود که در این باره سروده نام میرد ( ص ۱۷۱ دیوان طرب و شرح ابیات بوسیله مرحوم استاد همائی در پاورقی ) .

ممکن است همکاری آنها با کمپانی ۱ - از نظر سلیقه شخصی باشد که کمپانی را بنفع ایران تصور میکردند .

۲ - ممکن است منحصراً از نظر سود جوئی و منفعت طلبی باشد .

۳ - ممکن است در اول موافق بودند و چون حکم جناب میرزا رسید مخالف

شدند .

در این جا گوئیم پس از گذشت قریب یکصد سال از این تاریخ قضاوت در این باره امری است غیر ممکن و داوری در باره آن را بخدا وا می‌گذاریم و بذکر يك حدیث در این جا موضوع را خاتمه میدهیم :

عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم « أذكروا محاسن موتاكم و كفوا عن مساویهم » خوبیهای مردگان تنان را یاد کنید و از بدیهایشان چشم پوشی کنید ( نهج الفصاحه ) .

دنباله اقدامات علماء و دولتیان در اصفهان : پس از اعلان تحریم تنباکو از

طرف مرحوم آقای نجفی و برادر ایشان مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقه الاسلام و اثر آن در مردم اصفهان و تعطیل قهوه خانه و دیگر مراکزی که در آن قلیان کشیده میشد ، دولتیان شروع به فشار آوردن بعلما و تجار آورده و میخواستند آنان را بهر وسیله ای که ممکن باشد با وعدو وعید و تهدید و جلب نظر برخی از علماء اولاً اتحاد و اتفاق آنان را بپراکنند و ثانیاً مردم را از متابعت و پیروی آنان باز دارند . علماء نیز در خواسته های خود ثابت قدم و استوار ماندند و جز لغو امتیاز و عدم مداخله بیگاتگان در امور داخلی ایران چیزی نمیخواستند .

اجتماع در مسجد مصلی در تخت فولاد : علماء و مجتهدین مردم را به حضور در مسجد مصلی تخت فولاد دعوت کردند . پس از حضور جمعیت یکی از علماء بر منبر رفته ضمن مواعظ و ارشاد و هدایت مردم از مفاسد قرارداد تنباکو و ورود فرنگیها به شهرهای ایران و خلطه و آمیزش آنها با مسلمین و آثار شوم استعماری و اقتصادی آن سخنها گفتند و مردم را بعواقب وخیم اینگونه قراردادها آگاه ساختند .

ظل السلطان در تلگراف به پدر خود می گوید :

در این دو روزه در میدان مصلی که در تخت فولاد است اجتماعی کرده اند که در منبر رفته بر ضد دولت در باب تنباکو و بانك و غیره مطالب بگویند . ولی این غلام نمی دانست در منبر و مسجد و خانه هاشان چه می گویند و در مجلس در سر چه مذاکره می نمایند . . . ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۰۹ ( صفحه ۹۱ یکم نهضت روحانیون ایران ) .

تلگراف مردم اصفهان به شاه و جواب او : در دنباله این اقدامات تجار و بازرگانان و جمعی از علماء این شهر تلگرافی به شاه کرده و مصرأ لغو امتیاز را خواستار شدند . شاه و دربار که هنوز پی بماهیت این قیام مقدس مردم مسلمان

نبرده بودند و تصور میکردند با شدت عمل میتوانند مردم را خاموش کرده و قدرت خود را لایزال می‌پنداشتند در جواب این تلگراف نوشت :

به عهده دوات واجب و لازم است که در همچو مقام آنچه لازمه کیفر و مجازات است به مردم نادان بدهد و بفهماند که خلاف احکام دوات را کسی نمیتواند ( ص ۲۴۲ میرزای شیرازی ) .

تلگراف شاه به آقای نجفی: چون نهضت برهبری مرحوم آقای نجفی شروع شده بود و ادامه آن نیز بوسیله ارشاد و راهنماییهای آن عالم آگاہ انجام میشد و این نکته را مکرر ظل السلطان بطهران گزارش کرده بود شاه بر آن شد که بوسیله تهدید و اراغاب شاید مرحوم آقا نجفی را از ادامه راه خود باز دارد که تلگرافی باین شرح بایشان مخابره کردند :

« بی جهت عالم آسوده را آشفته نکنید و مردم بسا خون خود بازی نکنند و آسوده مشغول دعاگوئی و رعیتی بسازند » ( ص ۲۴۶ میرزای شیرازی بنقل از صفحه ۴۷ پیکار پیروز تنباکو تألیف محمد نهاوندیان ) .

تهدید کردن ظل السلطان آقا نجفی و دیگر علماء را: ظل السلطان هر روز قضایا را کتباً و تلگرافاً به طهران گزارش میکرد و مرتب از مرکز دستور سخت گیری و شدت عمل میرسید هر چه دولتیان مردم را در فشار قرار میدادند علماء ثابت قدمتر و در پیشبرد مقصود مصمم تر میشدند در این گیرودار ظل السلطان را بخاطر رسید که بهتر آنست که آقا نجفی و دیگران را از تبعید و اخراج بلد بترسانیم شاید مؤثر واقع گردد .

ظل السلطان در سال ۱۳۰۶ و قضایای بایی کشی در سده بهمین حیلہ بگمان خود موفق شده بود که هم موضوع را خاتمه دهد و هم حریف مقتدر خود را از میدان بدر برد اما در این دفعه اوضاع بر گونه ای دیگر بود .

ظل السلطان برای مرحوم آقای نجفی پیغام فرستاد که :  
اگر دست از مخالفت بر نداری به شاه بابایم می نویسم که اجازه دهد تو را  
از شهر خارج کنم .

آقای نجفی در جواب فرموده بود که :

منهم به امپراطور روسیه می نویسم که پدرت را از ایران بیرون کند .

تذکر : در این جواب نکته ای بس لطیف نهفته است و آن اینکه :

من و همه ملت ایران میدانیم که سلطنت کردن تو و پدرت در این مملکت  
خواست روسیه است نه مردم ایران و این دولت روسیه است که ترا بر این جایگاه  
نشاند نه اراده ایرانیان ( اشاره به قرارداد ترکمانچای درباره سلطنت عباس  
میرزا و بعهد و اولاد او ) .

اقدامات جناب میرزای شیرازی اعلی الله مقامه الشریف : وقتی که علماء  
و مجتهدین ولایات از اقدامات و فعالیت های خود در مبارزه با دولت و که پانی  
مایوس شدند همگان روی توجه به محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی نایب  
الامام آقای حاج میرزا محمد حسن شیرازی برده و از ایشان در دفع و رفع این  
فتنه کمک و یاری خواستند .

مرحوم میرزای شیرازی که از اوضاع ایران بوسیله نامه های علماء و بازرگانان  
و همچنین از مرحومین عالمین حاج سید علی اکبر فال اسیری و حاج آقا منیرالدین  
بروجردی اصفهانی و شاید عده دیگری از علماء آگاهی حاصل فرموده بود طبق  
وظیفه الهی که از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف  
به ایشان و امثالهم محول گردیده است وارد میدان عمل شدند و در ۱۹ ذی الحججه  
الحرام سال ۱۳۰۸ تلگرافی بشاه کرده و تلگراف دیگری نیز به کامران میرزا نایب  
السلطنه فرموده و در آن از معایب امتیاز و آثار شوم مترتبه آن بیان فرموده و صریحاً

اظهار نظر فرمودند که :

۱ - اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت ۲ - مخالطه و رفت و آمد آنها با مسلمین ۳ - اجرای عمل ننگین امتیاز تنباکو، از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی ملت است .

در ضمن از کشتار مردم شیراز در صحن مطهر حضرت احمد بن موسی الکاظم علیه السلام و تبعید حجة الاسلام حاج سید علی اکبر مجتهد شیرازی سخن گفته و بشاه و دولت گوشزد کرد که باید جبران این اعمال بشود .

پس از وصول این تلگراف شاه به مشیر السوزاره میرزا محمود خان کار پرداز سفارت ایران در بغداد دستور میدهد که به سامره رفته و جناب میرزا را در جریان امر قرار دهد وی خدمت جناب میرزا شرفیاب شده و مطالبی اظهار داشت که نه تنها مورد قبول ایشان قرار نگرفت بلکه هیچ ایرانی مسلمان نیز نمیتوانست آنها را قبول کند .

تلگراف دوم جناب میرزا به شاه : بعد از این جریان جناب میرزای شیرازی مجدداً بوسیله نایب السلطنه تلگرافی بشاه کرده در ضمن آن اظهار فرمودند که : این امور قابل انفاذ نیست و نخواهد شد هر چند منجر به اتلاف نفوس شود والا از خرم خسروانه مأمول نبوده رضا دهد رعیت . . . بالمره از جوه تجارت و مکاسب خود مسلوب الاختیار و مقهور کفار باشند ( تحریم تنباکو شیخ محمد رضا زنجانی ص ۴۷ ) .

در کتاب میرزای شیرازی ( ص ۲۵۳ ) نقل از کتاب : اولین مقاومت منفی تألیف ابراهیم تیموری ( ص ۸۹ ) و همچنین تحریم تنباکو مرحوم شیخ محمد رضا زنجانی ( ص ۴۴ ) می نویسد که :

جناب میرزا در پاسخ مشیرالوزاره فرموده بودند :  
نگذارید کارتان به آنجا بکشد که وقتی ملجأ شوید و بخواهید دست توسل  
بدامن ملت بزنید ملت را دیگر دامن نمانده باشد . . . و همچنین فرموده بودند :  
( واگر ) دولت از عهده جواب بیرون نتوان آمد ملت از جواب حسابی  
عاجز نیست . . .  
وبالآخره فرمودند که :

اگر دولت از عهده بر نمی آید من به خواست خدا آن را بر هم میزنم .  
در این ایام علمای تمام شهرها بالاخص اصفهان و طهران طی نامه های متعدد  
ومتوالی که به سامراء به محضر جناب میرزا مرقوم میداشتند معروض داشتند که  
دفع این بلیه که امروز ملت مسلمان بدان گرفتار است جز از طرف ایشان ممکن  
نیست و چاره منحصر به تحریم استعمال تنباکو از ناحیه ایشان میباشد و بس .  
صدور حکم تحریم : دولت هر روز بر فشار خود نسبت به علماء و مردم  
میافزود و کمپانی و مأمورینش نیز در برخی از شهرها به پشتگرمی دولت شروع  
به اقداماتی کردند و از اینطرف نیز علماء بیکار ننشسته و مصرأ از جناب میرزا در  
این باره کمک خواستند .

در اواخر ربیع الثانی شهرت یافت که حکم تحریم از طرف جناب میرزای  
شیرازی صادر شده و به علمای اصفهان ابلاغ گردیده ( ص ۵۴ تحریم تنباکو  
شیخ محمد رضا زنجانی ) لکن ظاهراً اصل و پایه درستی نداشت اما در اوایل  
جمادی الاول انتظار همگانی پایان رسید و حکم تحریم به میرزای آشتیانی در  
طهران ابلاغ شد .

حکمی مختصر و کوتاه اما کوبنده و قاطع باین عبارت :  
بسم الله الرحمن الرحيم اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحوکان در حکم

مهاره به با امام زمان علیه الصلوٰة والسلام است حرره الاحقر محمد حسن الحسينى.  
گفتار ناصر الدین شاه : در کتاب : انقلاب ایران تألیف ادوارد برون (ص ۲۲)  
بخلاصه می نویسد :

روز بعد از وصول نامه تحریم از طرف جناب میرزا بطهران شاه در اندرون  
قلیان خواسته بود باو گفته شد که تنباکو وجود ندارد او بسا کمال تعجب ( گویا  
از هیچ جا خبر ندارد ) علت را پرسید چون علت آنرا فتوای جناب میرزای  
شیرازی در حرمت استعمال آن گفتند ( او با کمال گستاخی و بیشرمی ) گفت :  
چرا اول اجازه او را استدعا نکردند . جواب داده شد :  
این امری است دینی و احتیاج به کسب اجازه نداشته اند .

این شاه بدبخت که يك عمر از اطرافیان متملق و چاپلوسی خود بانه قربان بله  
قربان شنیده و غیر از عبارت امر امر مبارك است عبارتی ندیده شاید توقع آن  
داشت که جناب میرزای شیرازی نیز برای صدور حکم شرعی از او کسب اجازه  
کنند .

آثار حکم و فتوای جناب میرزای شیرازی : پس از وصول فتوای حرمت  
و انتشار آن بمدت بسیار کمی خبر آن در طهران و بعداً در تمام ایران منتشر گردید  
و تمام طبقات مردم حتی یهودیان و مسیحیان ایران از این حکم اطاعت نموده قلیانها  
موقوف شد و دیگر در تمام ایران دود قلیان و سیگار و چتی دیده نمیشد . تاکنون  
در تاریخ مبارزات ملتها و اعتصابات این چنین اتحاد و همبستگی دیده و شنیده  
نشده است .

دنباله این جریان و پیش آمدهای طهران بالاخره شاه مغرور و رشوه خوار  
مجبور شد که در مرحله اول امتیاز را از داخل ایران لغو کند و چون علماء به این  
مقدار راضی نشدند مجبوراً اصل امتیاز لغو شد و مراتب به اطلاع علماء رسید



و پس از آنکه جناب میرزا اطمینان از لغو امتیاز حاصل فرمودند حکم به جواز استعمال دادند .

نیرنگک دولتیان : پس از صدور حکم تحریم امین السلطان و دیگران در صدد جلوگیری از پیشرفت و نفوذ آن افتاده و با انتشار این خبر در مردم که : حکم از جانب میرزا نمی باشد و جعلی است خواستند مطالب را وارونه جلوه دهند علماء ولایات هر يك جداگانه از محضر جناب میرزا سؤال از این حکم نموده و از ناحیه ایشان به همه آنان تلگراف شد که :

بلی حکم از طرف این جانب است و بحرمت خود باقی است .

دکتر فوریه در کتاب خود پس از نقل حکم تحریم از جانب آیت الله العظمی میرزای شیرازی بخلاصه می نویسد :

این فتوی با انضباط تمام رعایت شد تمام دکانهای توتون و تنباکو فروشی بسته شد و احدی نه در شهر و نه در خارج و نه در نوکریهای شاه و اندرون او لب به قلیان نمی زنند ( ص ۲۵۸ میرزای شیرازی ) .

مرحوم آقا شیخ محمد رضا زنجانی در کتاب تحریم تنباکو ( ص ۷۵ ) می نویسد :

بسیاری از علماء و فضلاء و ارباب معرفت را در این خصوص عقیده بر این بود که :

این توفیق رفیع نورانی محققاً از جانب ناحیه مقدس حضرت امام عصر علیه السلام است که بقلم آیت الله شیرازی جاری گشته و بسیاری از مردمان راسخ العقیده را در این خصوص اطمینان کامل بود که البته ایشان را از ناحیه مقدسه در این خصوص بشرف مخاطبه مخصوص ممتاز و سرفراز فرموده اند ( انتهى ) .  
آری باید چنین باشد که بدانگونه در قلوب شیعیان اثر بگذارد و تمام طبقات

مردم از عالم و جاهل و غنی و فقیر و مؤمن و فاسق از جان و دل آنرا گردن نهند و خلاف آنرا بهیچ رو جائز ندانند. نقل شده است که یکی از لوطیان که به انواع معاصی معروف بود گفته بود: « شراب را در ملاء عام و حضه-ور مردم میخورم و از کسی هم باک ندارم و . . . اما تا جناب میرزا اجازه نفرماید لب به چیق نمیزنم » .

علما و اسلام از نقشه استعماری انگلیس کاملاً آگاه بودند: مرحوم آقا شیخ محمد رضا زنجانی در کتاب تحریم تنباکو (ص ۷۶) نامه‌ای از یکی از علماء نقل می‌کند که مشار الیه آن نامه را مرقوم داشته و منتشر نموده و نسخه‌ای از آنرا نیز جهت ناصر الدینشاه ارسال داشته است، وی در این نامه به مطالبی اشاره می‌کند از آنجمله:

از مکر و حیل‌های انگلیس نسبت به مردم هندوستان و مصر سخن می‌گوید و اینکه آنجا را با اسم تجارت تصرف کردند و بطور کلی عهد و پیمان و قراردادهای آنها پایه و اصلی ندارد و قراردادهای خود وفادار نیستند.

و سوسه در حکم: در مقاله نامبرده مطالب قابل توجه زیادی هست که باید بطور کامل مورد بحث و تدقیق قرار گیرد از آنجمله:

۱ - حکم تحریم استعمال تنباکو داخل در موضوعات مستنبطه نمی‌باشد که هر مجتهدی برای خود عمل کند بلکه از قبیل حکم در موضوعات صرفه است که اطاعت حکم حاکم شرع مطاع بر مجتهدین دیگر نیز همچون مقلدین واجب است.

۲ - و سوسه در بودن حکم از طرف ایشان مثل و سوسه در قرآن است که آیا کلام خلق است یا فرمایش خالق.

۳ - حکم ایشان نظیر توفیعات رفیعه است که بر اوایاء خواص خدا ورود

نموده و انقطاع سفارت در زمان غیبت کبری منافی با ورود توفیق بر خواص  
نیست . . .

نویسنده گوید : این عقیده بسیاری از بزرگان و شعراء و نویسندگان آن زمان  
می باشد از آنجمله :

میرزا ابوالقاسم طرب شاعر معروف اصفهان در ضمن قصیده دخانیه ( ص  
۱۶۹ ) می گوید :

آن میر<sup>۱</sup> در آن واقعه سخت فرو ماند

گردید در چاره برو بسته بناچار

بنمود رخ حجر سوی حضرت صاحب

کای صاحب دین آگهی از حال من زار

شد صادر از آن مصدر کل حکم بحرمت

هر چند گروهی بنمودندی انکار

گفتند که این حکم از آن شاه نباشد

زنهار زانکار چنین قوم ستمکار

نیرنگ دربار : یکی از کارهای خدعه آمیز شاه و دربار فکر ایجاد تفرقه بین  
علماء و مجتهدین و ایجاد نفاق و دو دستگی بین آنها بود . برای این مقصود هدایائی  
جهت میرزای آشتیانی فرستاده و اظهار داشت که میرزای شیرازی مجتهد است  
و حکم به تحریم نموده و شما نیز مجتهد می باشید حکم به جواز کنید .

میرزای آشتیانی از قبول هدایا امتناع فرموده و حکم به جواز را نیز  
موکول به امریه و فتوای جناب میرزای شیرازی نمودند و پس از رسیدن نامه  
شاه مبنی بر فسخ و ابطال قرار داد انحصار در قسمت داخله ایران ختم غائله را

---

۱) مراد مرحوم حاج میرزا محمد حسن شیرازی اعلی الله مقامه می باشد .

در گرو سه پیشنهاد نمود :

۱ - دادن خونبهای مقتولین .

۲ - مصونیت دیگر کسانی که در تظاهرات شرکت داشته‌اند .

۳ - برچیدن بساط کلیه امتیازهای خارجی .

در مورد شرط سوم پس از مذاکرات طولانی بالاخره بر سر فسخ کامل رژی توافق به عمل آمد ( ص ۲۷۰ میرزای شیرازی بنقل از نوشته « نیکی . ر . کدی » بر اساس گزارش « دو بالوآ » وزیر مختار فرانسه در ایران ) .  
چند نظریه راجع به موضوع امتیاز تنباکو و لغو آن :

بسیاری از نویسندگان و محققین داخلی و خارجی در موضوع تنباکو و امتیاز و لغو آن در کتابهای خود مطالبی نوشته‌اند و هر کدام آنرا بگونه تعبیر و تفسیر نموده‌اند اینک جهت نمونه :

۱ - ادوارد برون دانشمند خاور شناس معروف انگلیسی که در جریان مشروطیت ایران کارهایی انجام داده و واسطه ارتباط بسیاری از گردانندگان دستگاه با حکومت بریتانیا بوده است در این باره می‌نویسد :

یکی از تجار تنباکو که طبق فتوای مرحوم آق‌ای نجفی و دیگر مجتهدین استعمال تنباکو و کلیه دخانیات و معاملات آنرا حرام میدانست و ضمناً حاضر نبود آنرا به کمپانی بفروشد و فشار حکومت و کمپانی مزاحم او بود بمیل خود کلیه موجودی تنباکو و توتون خود را که بالغ بر ۱۲ هزار کیسه میشد شبانه آتش زد .  
« برون » درباره او مینویسد :

علو طبع ، وطن پرستی ، دانش و ایمان این تاجر فداکار قابل توصیف نیست او با کمال متانت و آرامش خاطر بدون هیچ نوع تظاهر برای مخالفت با انحصار و برای مبارزه با نفوذ بیگانگان در ایران ، سرمایه مهمی را آتش نمود و عملاً

نشان داد که این شرکت ( یعنی کمپانی تنباکو- رژی ) برخلاف میل و مصلحت ایران است و حکم پیشوایان مذهب برای عموم مسلمان حتمی الاجراء است ( ص ۲۴ یکم یکصد سال مبارزه روحانیت مرفی ) .

علامه شیخ محمد رضا زنجانی در کتاب تحریم تنباکو ( صفحه ۴۵ ) پس از شرح سوزاندن تنباکو بوسیله تاجر نامبرده می نویسد :

فردای آن روز مأمورین کمپانی جهت دریافت تنباکو به بازرگان مزبور مراجعه می کنند اومی گوید : دیشب تمام آنها را يك جا فروختم . مأمور نامبرده میگوید : با غدغن بودن فروش بدیگری غیر از کمپانی چطور فروختی و به کی فروختی تا از او گرفته شود . تو او را هر دو بزندان خواهیم انداخت . تاجر نامبرده مأمور کمپانی را بر سر خاکستر تنباکوها برده و گفت : بر خدا فروختم و این تمامی دوازده هزار کیسه اینک تنباکوها را برگیر و خریدار را مؤاخذه کن .

فیهت الذي كفر ( آیه ۲۸۵ سورة البقره ) .

۲ - روزنامه صباح شماره ( ۴۲۰ ) مورخه ۲۹ ربیع الاول ۱۳۰۸ شرح نسبتاً جالب و مبسوطی راجع به قرارداد رژی نوشته و آنرا با قرارداد تنباکوی عثمانی ( ترکیه ) مقایسه می کند که ادوارد برون در تاریخ : انقلاب ایران صفحه ۴۵ به بعد آنرا نقل می کند .

ادوارد برون مقاله نامبرده را در روزنامه اختر چاپ استانبول در شماره ۱۳ مورخه ۳ شنبه ۱۱ نوامبر ۱۸۹۰ یعنی هفدهمین سال تأسیس آن خواننده است و عنوان مقاله : « امتیاز تنباکو در ایران » بوده است .

روزنامه اختر پس از ترجمه و نقل مقاله می نویسد :

اگر شرایط این امتیاز انحصاری همین ها هستند که اعلام شده پس ملاحظات

روزنامه محترم معاصر ما صباح كاملا صحيح ومظهر توجهاتی بس دوستانه می باشد  
واگر جز این باشد . . . . .

پس از نقل مطالب روزنامه اختر ادوارد برون می نویسد :

پس روشن بود که این امتیاز بر ایرانیان خوش آیند نبوده ( است ) .

مرحوم آقا سید محمد صدر هاشمی در کتاب نفیس : تاریخ جرائد ومجلات  
ایران ( ص ۶۳ یکم ) می نویسد :

روزنامه اختر در شهر اسلامبول بصاحب امتیازی آقای محمد طاهر تبریزی  
ومدیری ونویسندگی میرزا مهدی اخترمدت ۲۲ سال منتشر میشده ودرسال ۱۳۱۳  
قمری ازطرف دولت عثمانی توقیف شده است . برای آگاهی بیشتر ازاین روزنامه  
به کتاب نامبرده مراجعه شود .

۳ - دکتر طولوزان فرانسوی طبیب مخصوص ناصرالدینشاه گفته است :

ما تا کنون معنی این مقاله اسلامیان را که در مقام دعا از جمله طلب فرج  
می کنند را نفهمیده بودیم در این واقعه درست فهمیدیم که معنی ومقوله فرج  
چیست واین چنین امری غیر ممکن ( لغو امتیاز ) چگونه بوقوع خواهد رسید .  
( صفحه ۱۲۹ تحریر تنباکو مرحوم آقا شیخ محمد رضا زنجانی ) .

۴ - دکتر فوریه مؤلف کتاب : سه سال در دربار ایران ، پزشک مخصوص  
دربار ناصری در یادداشت های خود زیر عنوان : امتیاز در امتیاز نوشته است :  
بنظر میرسد که با اعطای این امتیازات پی درپی بالاخره ایران بتمامی بدست  
اجانب خواهد افتاد .

ادوارد برون می نویسد : همه این امتیازاتی که به اجانب داده شده بود دارای  
یک سرنوشت همانندی بسود ناچیز آنی شاه ودرباریانش وبزبان دائمی مردم  
کشور ( بالفعل وبالقوه از حیث ثروت ایران ) تمام میشد . ( صفحه ۴۳ - انقلاب

ایران تألیف ادوار برون) .

۵ - ناصر الدینشاه پس از حکم رفع منع استعمال تنباکو از طرف جناب میرزای شیرازی گفته بود :

حقیقت ما قدر علماء را نمیدانستیم ، علماء در واقع دولتخواه ما بودند و بطورهای دیگر مطلب را حالی ما کرده بودند . واقماً از این اقدام و اهتمام علماءانه همین تنها بنیان دولت ایران مستحکم و استوار شد بلکه مخصوصاً دولت قاجاریه پاینده و برقرار گردید ( ص ۱۲۷ تحریم تنباکو شیخ محمد رضا زنجانی ) .  
نظریه‌های مختلف در اصل موضوع مبارزه علیه انحصار تنباکو : از روزانه اول نهضت مخالفت با قرارداد امتیاز انحصار تنباکو تا کنون درباره اصل موضوع و انگیزه اولیه و محرک یا محرکین اولیه نظریاتی گفته و نوشته اند که ذیلاً بطور اجمال بدانها اشاره می شود :

۱ - موضوع مبارزه به تحریک دولت روسیه بوده و آنها بودند که در اولین مرحله بوسیله علماء تبریز علیه امتیاز قیام کردند این نظریه را تقریباً دولت وقت نیز تأیید میکرد زیرا در همان بحران قضایای آذربایجان صدر اعظم از قنصل روسیه خواست که در کار تبریز دخالت نموده و کار آنجا را تمام کند و قنصل روس این پیشنهاد را پذیرفت .

۲ - اختلاف سیاست روس و انگلیس : روسها از این امتیاز که نصیب انگلیسها شده بود ناراضی بودند و روی اصل موازنه مثبت که دولت وقت تابع آن بود خواستار امتیازاتی بودند و هرچه دولت پیشنهاد میکرد مورد قبول طبع بلند آنها نمی آمد بنابراین در مقام برهم زدن امتیازنامه بر آمده و علماء را مهیج شدند . . .  
کارکنان باطنی روسیه در طهران آشوب انداخته اطراف ارك رفته بحکم نایب السلطنه تفنگی انداختند و یکی کشته شد ( بلکه چندین نفر کشته شدند ) و فتنه

بزرگ گشت تا در اندرون شاه نیز قلیان نکشیدند ناچار شاه خسارت مهمی داد ( بلکه خسارت را از ملت گرفتند ورشوه را شاه و صدر اعظم گرفته بودند) و امتیاز را مسترد داشت ( تاریخ اصفهان وری صفحه ۳۱۴ پاورقی با اندکی تصرف ) .

۳ - چون ناصرالدینشاه در اثر مکاتبات جناب میرزای شیرازی (جناب میرزا دو نامه به شاه نوشت که در آن تاریخ درباریان آنرا از مردم مخفی داشتند و متن آن در کتابهای مربوط به موضوع تحریم تنباکو بچاپ رسیده است صفحات ۴۲ و ۴۶ تحریم تنباکو مرحوم شیخ محمد رضا زنجانی) یا از جهت اطلاعات سری که از ممالک خارجه بدو میرسید و یا در واقع به تحریک روسها کم کم تشخیص داد که فریب خورده و توسط امین السلطان و دیگران اغواء شده است در صدد چاره جوئی برآمد و چون شخصاً نمی توانست امضای خود را باطل کند و امتیاز را لغو نماید و در باطن با میرزای آشتیانی آن نقشه را طرح کرد و حتی بعضی می گویند ، متن فتوای تحریم استعمال دخانیات هم بقلم میرزای آشتیانی و بانظر خود ناصر الدین شاه محرمانه تهیه شده است که بوسیله نامه و پیک مؤتمن معتمد بنظر « میرزای شیرازی » رسید که در بلده سامره اقامت و در آن زمان مرجعیت تامه مطلقه داشت و میرزای آشتیانی را هم بداشتن عالیترین درجه اجتهاد و اهلیت فتوی و حکم شرعی میشناخت و همان عبارت را که میرزای آشتیانی تهیه و خدمت او پیشنهاد کرده بود برای متن حکم تحریم استعمال تنباکو و توتون پذیرفت و فتوی بنام وی همه جا اعلام شد و بهمین جهت بعضی میگویند که میرزای شیرازی در واقع حکم صادر از طرف میرزای آشتیانی را تأیید و تنفیذ فرمود ( ص ۱۶۱ مقدمه دیوان طرب - پاورقی ) .

۴ - فریدون آدمیت در کتاب « ایدئولوژی مشروطیت ایران » بنا بنقل نهضت

روحانیون ایران ( ص ۱۰۱ جلد یکم ) می نویسد :



الفای قرارداد رژی مولود اعتراض عام علیه دوات ناصری می باشد اعتراضی که اکثر طبقات اجتماعی را در بر می گرفت و آن حقیقت بر کسی پوشیده نبود . در این جا آدمیت نویسنده کتاب نمی گوید که آیا اکثر طبقات اجتماع که علیه دولت ناصری اعتراض کرده و قیام نمودند احتیاج به رهبری داشتند یا نه و اگر نیازمند به رهبر و راهنما بودند چه کسانی این وظیفه خطیر را به عهده داشتند آیا غیر از علماء و مجتهدین بودند یا بنظر این نویسنده فراماسون تحصیل کرده های خارجی .

ه - جمعی کثیر از نویسندگان را عقیده بر آنست که نهضت مبارزه با امتیاز انحصار تنباکو منحصرأ مربوط به عقلاء ملت یعنی علماء بزرگوار بکمک و یاری مردم مسلمان و دیندار و وطنخواه ارتباط داشته است .

علماء اسلام آنان که با اوضاع دنیا و سیاست استعماری ممالک بالخصوص انگلستان و طرز نفوذ اودر ممالک آشنا بودند و با مطالعه تاریخ گرفتاری و اسارت هندوستان که در مرحله اول بعنوان تجارت وارد شد و سپس باسم حفظ سرمایه خود و منافع شرکت تجاری خود عده ای سر باز و قشون وارد کرده و با استخدام نمودند و بوسیله آنان حکام محلی را یکی پس از دیگری از بین برده و سرانجام بر آن سرزمین وسیع و حاصلخیز تسلط کامل یافته پادشاه خود را سلطان بر و بحر و پادشاه هند و انگلیس خواندند .

علماء بزرگوار بخوبی فهمیده بودند که عین این برنامه را برای ایران نیز در نظر گرفته اند اما بخواست خداوند قادر متعال و توجه مخصوص حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این نقشه شیطانی آنها بوسیله مجتهدین ولایات و حکم قاطع مرحوم میرزای شیرازی اعلی الله مقامه الشریف نقش بر آب شد .  
تذکر و توضیح : در این جریان یعنی مبارزه ملت مسلمان ایران علیه امتیاز

انحصار تنباکو بزرگامت علماء و مجتهدین دولت روسیه بیشتر از هر دولت دیگری  
خشنود گردید و بر عکس دولت انگلیس از جنبه سیاست خارجی از انظار بیشتر  
مردم ایران که او را در امور سیاسی و تدابیر مملکتی برتر و بالاتر از همه  
می‌پنداشتند خوار و خفیف گردید و از این جهت و همی بزرگ بدو راه یافت .  
بیشتر دشمنی و عناد خارجیان بسا علماء کو بیدن و از بین بردن قدرت معنوی  
و نفوذ آنها در اجتماع روی همین اصل بوده و می‌باشد که برای آن میتوان نمونه‌های  
زیادی نشان داد .

روی کار آمدن رضا خان میر پنجه و بسلطنت نشاندن او و تصویب قوانین  
خلاف اسلام و قرآن و از بین بردن حوزه‌های علمیه و دهها لایحه و قانون و عمل  
خلاف انسانیت روی همین پایه و اساس میباشد .

سؤال و جواب : مرحوم الفت در نسب‌نامه ( اعلاط در انساب صفحه ۱۰ )  
می‌نویسد :

در جواب شخصی که از موجب این اقدام (مبارزه علیه امتیاز انحصار تنباکو)  
پرسیده بود . مرحوم آقا نجفی فرمود :

اگر ما آن اقدام را نمی‌کردیم امروز مسلمانها در مقابل فرنگیها دست بسینه  
ایستاده بودند .

میزان خسارت ناشی از لغو امتیاز قرار داد انحصار تنباکو :  
پس از لغو امتیاز انحصار تنباکو و مأیوس شدن انگلیسیان و کمپانی رژی  
ادعای خسارت نمود و میزان آن را ۶۰۰۰۰۰ لیره معین کرد که بالاخره پس از  
گفتگوهای زیاد قرار بر ۵۰۰۰۰۰ لیره معین شد که دولت ایران بپردازد .  
در این موقع شاه و دربار بجای آنکه رشوه‌های دریافتی را پس بدهند از  
بانک شاهنشاهی که متعلق به انگلیسیها بود مبلغ مزبور را با نرخ شش درصد بهره

بمدت چهل سال در چهل قسط وام گرفت و در برابر درآمد گمرگ شهرهای بندر عباس بندر انگه و شهر شیراز را وجه الضمان آن قرار داد .

شاه و دربار مجبوراً تسلیم ملت و علما شدند و امتیاز را فسخ کردند اما مردم را دچار گرفتاری تازه‌ای بعنوان پرداخت وام کردند و این همان پیش بینی بود که مرحوم میرزای شیرازی در نامه خود به مرحوم میرزای آشتیانی یاد آور شده بود که :

باید جنابعالی بر مکنون خیالات ایشان مطلع باشید و از کیفیت علاجی که در این باب متصدی میشوند مستحضر شوید که مؤدی بفساد دیگری نباشد که در علاج او باز گرفتاری جدیدی برای این و دولت دست بدهد . ( تحریم تنباکو شیخ محمد رضا زنجانی صفحه ۱۲۳ ) .

از این تلگراف بیداری و هشیاری مرحوم میرزای شیرازی روشن میشود که ایشان اوضاع حال و آینده را خوب می دانسته و می سنجیده و حکم به حرمت استعمال دخانیات داده و بعداً نیز فتوی به جواز استعمال فرموده است .

يك سند زنده از خیانت کمپانی رژی :

طبق اصل چهارم قرار داد که می گوید :

جميع اسباب کارخانه‌ها و ازومات این کار که صاحبان این امتیاز داخل ممالک محروسه می آورند از جميع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود .

روی این اصل مرتباً صندوقها و بسته‌هایی از انگلستان بنام کمپانی رژی به بنادر ایران میرسید و بدون بازرسی مأمورین و پرداخت عوارض از گمرک خارج میشد .

شیخ محمد رضا زنجانی در کتاب : تحریم تنباکو ( ص ۱۳۸ ) بخلاصه

می نویسد :

پس از فسخ قرارداد و ابطال عمل که رسماً از طرف دولت به همه جا اعلان شد چند صندوق بنام و نشان رئیس کمپانی رژی از انگلستان وارد گمرک خانه ایران شد. و کیل کمپانی اصرار داشت که آنها را بدون بازرسی و پرداخت عوارض مانند سابق از گمرک خارج کند و مأمورین ایرانی باین عنوان که قرارداد باطل شده و اجناس باید رسیدگی شود بالاخره با اطلاع دولت مرکزی صندوقها را باز می کنند و مشاهده می کنند که محمول تمام صندوقها اسلحه و آلات جنگی از قبیل نارنجک و تفنگ و باروت و از این قبیل چیزها می باشد دولت ایران پس از آگاهی از جریان به سفارت انگلیس می نویسد که :

تاجر تنباکو را با تفنگ و نارنجک چه کار است و دولت انگلیس از روی ناچاری اذعان به خیانت و جنایت صاحب امتیاز تنباکو نموده و دستور میدهد که مشارالیه را در سفارت محبوس کنند تا پس از انقضای دعاوی فیما بین ایران و کمپانی او را به انگلستان برده و طبق قوانین خودشان محاکمه کنند .

این بود ماجرای یکی از جنایات کمپانی که علماء و مجتهدین از روی تجربه ای که در سایر مستعمرات از آن سراغ داشتند مردم را علیه امتیاز شوراندند و به نتیجه مطلوب نیز رسیدند .

در سه جبهه اما با يك هدف : وظیفه اصلی علماء اسلام و مجتهدین بزرگوار ترویج دین و اجرای احکام اسلام و رساندن آن به عموم مسلمین است . و چون طبقات افراد اجتماع مختلف می باشند عده ای عالم و جمعی جاهل گروهی غنی و دسته ای فقیر جماعتی مالک و یابازرگان و در برابر آنان عده دیگری کشاورز یا کاسب جزء و یقین است که طرز اندیشه و فکر آنان مختلف بوده و باید همه آنان ارشاد و هدایت شوند زورگویان و متمعدیان به حقوق دیگران را از تجاوز و تعدی بازدارند و درس استقامت و حق طلبی به ستمدیدگان بدهند بنابراین روش کار و طریقه رفتار

با هر يك از آنها با ديگرى متفاوت است يگى را بايد پند دهند و ديگرى را از عذاب خدا بترسانند سومين را بوعده بهشت و نعمتهاى آنجا دلشاد نمايند و با يك دسته از آنها نيز با تندى و خشونت رفتار كنند .

خداوند متعال در قرآن كريم ميفرمايد: ادع الى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي احسن (سوره النحل آيه ۱۲۵) ترويج دين به هر چه زمان اقتضاء كند .

روى همين اصل علماء اسلام عمل كرده اند :

۱ - امام جمعه ها و شيخ الاسلامها كه عموماً از طرف سلاطين و حكام معين مى شدند و واسطه بين مردم و دستگاه حكومتى بودند خواسته هاى اجتماع را بنظر دولت ميرساندند و نظر دولتيان را ب مردم ابلاغ ميكردند .

۲ - يك دسته از علماء همچون سيد حجة الاسلام در زمان فتح عيشاه و يا مرحوم آقا نجفى در زمان ناصر الدين شاه و مظفر الدين شاه در برابر حكومت مى ايستادند و حقوق از دست رفته مردم را بسختى مطالبه كرده و حق را به من له الحق ميرساندند و در اجراى احكام خداوندى نظر دولت را دخالت نميدادند .

۳ - دسته سوم حدوسط بودند هم رعايت حقوق مردم و اجتماع ميكردند و از مظلوم در برابر ظالم دفاع مينمودند و هم رعايت قوانين اجتماعى و احترام دولت را مينمودند عموماً احكام را بوسيله مأمورين دولت اجراء ميكردند و حتى المقدور با دولتيان مخالفت نميكردند و اين راه را جهت وصول به هدف نزديكتر ميدانستند .  
لكن مقصود همه اسلام بود و قرآن .

در اصفهان سه طبقه روحانى در او ايسل قرن چهاردهم ميزيستند كه ظاهراً با يكريگر مخالف اما در باطن موافق بودند :

۱ - آقاىان مسجد شاه بزعامت مرحوم آيت الله آقا نجفى و برادرانش .

۲- آقایان چهار سوق شیرازیها : مرحوم آقا میرزا محمد هاشم .

۳- آقایان امام جمعه مرحوم حاج میرزا هاشم .

این سه گروه از علماء (هريك از این علماء طرفدارانی داشتند و باین مناسبت ما لفظ گروه بكار بردیم) گرچه در ظاهر در بسیاری از موارد اختلاف سلیقه و نظر داشتند لکن آنجا که موضوع اسلام و دین و اجرای احکام الهی در کار بود اختلافی وجود نداشت ، بعنوان نمونه :

۱- مرحوم حاج میر محمد حسین امام جمعه از مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی دفاع کرد و بطرفداری او قیام نمود تا جائیکه از منصب امامت جمعه عزل شد .

۲- مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی در موضوع تحریم تنباکو که مربوط به اسلام و مسلمین و استعمار جهانی می باشد با آقایان مسجد شاه موافقت می کند .

۳- مرحوم حاج میرزا هاشم امام جمعه در موضوع بابی کشی سال ۱۳۲۱ و تهدیدهای ظل السلطان در برابر او قیام کرده و سخت از آقای نجفی دفاع می کند و صریحاً می گوید :

آقا نجفی نایب امام زمان علیه السلام است و توهین به او توهین به امام علیه السلام و کفر است .

آقا نجفی و شعر : مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی گاهی بمقتضای حال شعر میسروده است از آنجمله :

۱- مرحوم الفت در نسب نامه (اعلاط در انساب ص ۹) می نویسد :  
(مرحوم آقا نجفی) نسبت بفضائل و مقامات ائمه اطهار علیهم السلام دست کمی از معتقدات طوائف شیخیه نداشت بلکه بیشتر از آنان باین موضوعات

میپرداخت و بسیاری از ملاحای خشک او را غالی و افراطی می‌شمردند و از اوست:

شبعه را چه غم ز شور و شین است      اسم اعظم خدا حسین است  
۲ - در کتاب: زندگانی حضرت آیت الله چهار سوقی (مرحوم حاج میر  
سید حسن اعلی الله مقامه الشریف) بنقل از کتاب: مقامات معنوی تألیف مرحوم  
معلم حبیب آبادی نسخه خطی (ص ۱۰۳ زندگانی) گوید:

مرحوم آقای نجفی برخی از اوقات شعر هم می‌گفت و این اشعار از اوست  
که در کتاب «حسام الشبعه» نوشته شده:

هر که از جان بسوی دار بلا بشتابد

از سر دار بسوی دار بقا بشتابد

\* \* \* \*

طالب هستی جاوید ز جان می‌گذرد

پس در افلاک چو عیسی ز جهان می‌گذرد

در مدح و ستایش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرماید:

ای صمد اول خداوند      وی شخص تو بی نظیر و مانند

در کسوت وحدتید ساکن      خود با وصی و دوشبل و فرزند

دخت تو که پاره تن تست      مهجور ز وصل اصل تا چند

با اذن تو در لباس تجرید      آرام دل و جان خویش پیوند

نویسنده گوید: قبلا در فهرست مؤلفات مرحوم آقای نجفی متذکر شدیم که:

حسام الشبعه همانگونه که در سر اوجه کتاب نوشته شده و در پشت صفحه

اول کتاب بحر المعارف متذکر گردیده از تألیفات یکی از شاگردان مرحوم آقای

نجفی می‌باشد نه خود ایشان بنابراین انتساب اشعار فوق به آن مرحوم به استناد

کتاب نامبرده خالی از اعتبار است والله العالم .

رباعی :

بی پرده هر چه بود پس پرده وجود

بی پرده رفت خلوت و بی پردگی نمود

لا حد اگر قلم زد قلم میزدی برون

در جلوه گاه آل کسا جلوه می نمود

۳ - در کتاب : اشارات مکتونه یا اشارات ایمانیه اشعار زیادی از مرحوم آقا نجفی می باشد و در حواشی نسخه که زیارت گردید قریب یکصد بیت و شاید بیشتر بخط آن مرحوم بود که بر وزن و قافیه اشعار منسوب به شاه نعمت الله ولی کرمانی ( می بینم ) در حوادث و رویدادهای زمان مشروطه و حکومت بختیارپها در اصفهان و اینگونه مطالب می باشد و ظاهراً در همین ایام سروده شده است .

مرحوم آقای نجفی و دیگر بزرگان علماء را که طبع شعری داشته و گاهی ایاتی و یا غزل و قطعاتی بنظم سروده اند را حتماً نباید شاعر دانست و ذکر این نکته یعنی ( اشعار آنان ) بخاطر جامعیت ایشانست فلا تغفل .

شرکت اسلامیة : یکی از کارهای اساسی و بنیادی که مرحوم آقای نجفی به اتفاق جمعی از علماء و بازرگانان مسلمان و وطنخواه اصفهان در جهت مبارزه اقتصادی علیه بیگانگان و تجارت آنان در اصفهان انجام داد و از طرف علماء بزرگوار نجف اشرف مورد تأیید قرار گرفت و دامنه پیشرفت آن به تمام مملکت رسید تأسیس شرکت اسلامیة بود .

این شرکت در سال ۱۳۱۶ به سعی و کوشش مرحوم حاج آقا نورالله و مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملك و حمایت همه جانبه مرحوم آقا نجفی در اصفهان تأسیس شد .



ظاهراً جلسه اول آن در منزل مرحوم رکن الملك نایب الحکومه اصفهان بوده و مرحوم حاج آقا نورالله در آن نطقی مفصل نموده و حاضرین را بشرکت در آن تشویق کرده است و خود مقدار معتنا بهی از سهام آنرا خریداری کرده است .

رئیس این شرکت مرحوم حاج محمد حسین کازرونی که به حاج کاکا حسین معروف بود انتخاب شده و مدیر عامل مرحوم حاج میرزا علی ادیب التجار بوده است .

شرح اجمالی این شرکت و اعضاء مؤسس و محل آن و دیگر اطلاعات مربوط به آنرا در شرح حال مرحوم حاج آقا نورالله بیان خواهیم کرد .

حمایت و جانبداری مرحوم آقای نجفی و پشتیبانی مرحوم حاج آقا نورالله و دیگر مراجع سبب تشکیل و بقاء این مؤسسه تجاری ضد استعماری بوده است. دولتهای انگلیس و روس از تأسیس آن ناراضی بوده و علناً مخالفت خود را با آن و علماء طرفدارش در نامه‌هاییکه بدولت وقت نوشته‌اند مشهود است طالبین آگهی بیشتر را به این قسمت از شرح حال مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نورالله راهنمایی می‌کنیم .

موضوع بایبی کشی در اصفهان و یزد در سال ۱۳۲۱ قمری : تاریخ مبارزات مکتبی و مذهبی و سیاسی علماء شیعه آنچنان که باید و شاید تا کنون بررسی نشده و آنچه دیگران و خارجیان نوشته‌اند عموماً آورده به اغراض سیاسی و استعماری و یا دیگر مسائل انحرافی بوده است .

این موضوع یعنی مبارزات علماء اسلام علیه با بیان یعنی فرقه ساخته و پرداخته سیاست خارجی و استعماری قابل کمال دقت و اهمیت است که باید محققین و مورخین بی غرض با کلیه وسائلی که در اختیار دارند و اسنادی که در سفارتخانه‌های خارجی و بایگانی وزارت امور خارجه موجود است و با فرقه‌های نو احداث که

از قرن سیزدهم بنامهای مختلف : وهایه - شیخیه - بابیه - بهائیه - ازلیه و غیره بنوعی ارتباط پیدا می کند بررسی کامل انجام دهند و ریشه و پیوند آنها را با استعمار بیابند و برای جامعه روشن سازند .

اکنون نویسنده با نداشتن وسائل کافی موضوع بابی کشی سال ۱۳۲۰ را در شهر اصفهان و سپس در شهرستان یزد بطور اجمال از کتب مرحوم حاج میرزا حسن خان انصاری ( ص ۳۴۰ تاریخ اصفهان وری ) مورخ معاصر که خود در این دوره در اصفهان بوده و اوضاع را از نزدیک مشاهده کرده است نقل می کنیم و تحقیق کامل آنرا بوقت دیگر موکول می کنیم .

در سال ۱۳۲۰ شیخ الرئیس قاجار باصفهان آمده ولیکن با مخالفت آقایان مسجد شاه و مردم مجبور به مراجعت شد پس از رفتن او در منزل میرزا علی خان وجواد صراف ( هر دو متهم به بایبگری بودند ) جمعی از متهمین به پشتیبانی میرزا اسدالله نائینی منشی قونسولگری روس جمع شده علاوه بر آنکه هر گونه معصیتی رواج داشت از لهو و لمب و قمار و شراب و . . . ضمناً آخوندی نیز در آنجا حاضرین را به بهائیت دعوت میکرد ( گفتیم آخوند منظور روحانی نما می باشد نه عالم واقعی و روحانی حقیقی ) کتابی از او بدست آمد . مؤمنین جهت گرفتن وی بدرخانه میرزا علی خان رفتند . سر درب خانه تفنگچی گذارده بمردم تیراندازی کرد . خلاصه جواد صراف را گرفته و بنزد آقای نجفی بردند . مرحوم آقای نجفی فرمودند : بایبیت او ثابت نیست لکن شرب خمرش ثابت است او را حد شرعی زده و علی الرسم خلعتی به او انعام کرده و مرخصش کردند ( مرحوم آقا نجفی هر کس را حد شرعی میزد پس از اجرای حد نسبت به شخصیت او چیزی به او مرحمت میکردند که محبت او را جلب کرده باشند اگر

فقیر بود پول میدادند و اگر غنی و ثروتمند بود هبا و یا چیز مناسب دیگر انعام میفرمود) .

جواد حد خورده و خلعت پوشیده بخانه خود برگشت و توسط میرزا اسدالله نائینی حمایت قونسولگری روس را در آزادی بهائیان در امر مذهب جلب نمود ، ضمناً مأمورین قونسولگری گفته بودند با چند نفر بهائی نمیشود اگر عده آنها زیاد باشد میتوان اقدام کرد . جواد و دیگران به آباءه و نجف آباد و سده و دیگر جاهائیکه در آن بهائی بودن نوشتند و همه را جمع کردند و جمع بابی و بهائی و متبوع و سورچران و عده‌ای که به اسم آزادی از اینان حمایت میکردند جمعاً قریب دویست نفر شد .

این عده داخل در قنصلخانه روس که در مقابل مسجد سرخی ( مسجد سفره چی ) قرار داشت شده و آنجا متحصن شدند و آزادی میخواستند ( خوب دقت کنید : بتحریر منشی قنصلخانه در قنصلخانه متحصن شده و از دولت بیگانه آزادی میخواستند ) ضمناً نسبت به آقای نجفی و دیگر علماء اسائه ادب نموده و می گفتند بیاید : با شیخ الرئیس آقای ما بحث کند ( ضمناً شیخ الرئیس قاجار را نیز به بهائیت متهم میکردند ) .

مردم شهر و جمعی از مؤمنین نیز اطراف قونسولگری را محاصره کرده و اینان را برای اجرای حکم شرعی میخواستند . روز بروز جمعیت محاصره کننده زیاد میشد . در این جریان بانو عظمی دختر ناصر الدینشاه و خواهر ظل السلطان که با برادر اختلاف داشت موقع را مغتنم شمرده دامنه فتنه و آشوب را گسترش میداد . چندین هزار نفر مردم شهری و دهاتی گرداگرد قونسولگری جمع شده و مصراً افراد متحصن را میخواستند .

به نایب قونسول گفتند که این جمعیت برای کشتن تو که از آنان حمایت می‌کنی آمده‌اند . نایب کنسول داستان سقاخانه خیابان آقا شیخ هادی طهران و کشته شدن گریبایدوف را بخاطر آورده و سخت بترسید و از جان خود خائف شد و در صدد چاره جوئی برآمد مخفیانه خود را به ظل السلطان رسانید و از او کمک خواست و گفت : آقا نجفی مرا کشت ( می‌کشد ) .

ظل السلطان خدمت آقای نجفی فرستاده و از او در رفع غائله یاری خواست .

مرحوم آقا نجفی درب خانه خود را بسته و پیغام فرستادند که :

تقی با این کارها کاری نداره و از خانه هم بیرون نمی‌آید .

ظل السلطان در این بحران و موقعیت و اینگونه جواب بیچاره شده پیغام

فرستاد که :

حضرت آیت الله هرگونه امری داشته باشند و هر چه بخواهند اجرا می‌کنم و رضایت ایشان را فراهم خواهم کرد کاری بکنید که جان قنسول درخطر است .

مرحوم آقا نجفی پیغام کردند که :

اینها ( یعنی روس و انگلیس ) با ما چه کار دارند ، چرا درکار مردم مداخلت می‌کنند باید قول بدهند که دیگر در امور داخلی مملکت ما و افراد مملکت ما مداخله نکنند تا تقی اقدام کند ( خواننده محترم در این جواب دندان شکن و آگاهانه خوب دقت کن و بعداً راجع بعلماء اسلام اظهار نظر بنما ) .

قنسول انگلیس فوراً جواب موافق داد و آنرا نوشته و نزد ظل السلطان فرستاد

قنسوگری روس هم مجبوراً قبول کرد که متحصنین را تحویل آقایان داده و از شهر بیرون کنند ( یعنی نفی بلد کنند زیرا که هنوز ارتداد آنها ثابت نشده است که مهدور الدم باشند لکن مفسد بودنشان ثابت است و یکی از احکام درباره آنها نفی بلد است ) .

مرحوم آقای نجفی سیاست خود را بکار برده و تشریف آوردند در میدان شاه و پیغام کردند به مردمیکه در گرداگرد قنسولگری مجتمع شده و آنجا را محاصره نموده بودند که :

بیائید تا دستور بدهم چه باید بکنید . چون جمعیت از اطراف قنسولگری پراکنده شده و در میدان مجتمع گردید دستور فرمود در بهای میدان را بستند و از آنطرف فرستاد حاج میرزا محمد علی کلباسی و چند تن دیگر از علماء گاری ( وسیله نقلیه آنروزها ) حاضر کنند و متحصنین را در گاری سوار کرده و شبانه از شهر بیرون بردند و تا مردم از جریان خبردار شدند آنان جان از مهلکه بدر برده بودند .

اما جواد صراف و میرزا علی خان شب را در آبدارخانه ظل السلطان مانده و فردا آنها را بوسیله کالسکه مخصوص به قمشلو (شکار گاه مخصوص ظل السلطان) فرستاده و از آنجا به قم و طهران رفتند .

بیان ظل السلطان در موضوع پناهندگی جمعی در کنسولگری روس : مسعود میرزا ظل السلطان حاکم اصفهان در کتاب سرگذشت مسعودی ( ص ۴۲۸ چاپ اول ) ضمن وقایع سال ۱۳۲۱ ( در کتاب نامبرده سال آنرا نوشته است ) می نویسد :

در اصفهان يك فتنه بسیار بزرگی بواسطه میرزا اسد الله خان نائینی میرزای کنسولگری روس و بتحریرك و پول همشیره ام بانسوی عظمی و جوانی و نهنمی بارونفسکی نایب کنسول روس برپا شد آنرا هم خواست خدا و توجه امام زمان روحی و جسمی فداه خوابانید .

بقرب هفتاد هشتاد نفر بابی را پول داده و تحریک کرده به کنسولخانه روس

بردند و اظهار بایبها آزادی مذهب و آزادی عقیده و شناسائی رسمی میخواستند  
بضمانت دولت روس .

معلوم است در میان يك كرور مسلمان متعصب ( كه ) بكشد به بهشت میرود  
و كشته شود زودتر بهشت میرود باخیالات ملاهای متعصب در شهر اصفهان این  
فتنه چه قسم عظیم است و ذیلش چه میشود ولی بخواست خدا و ائمه هدی من  
خودم تنها باشیخ محمد تقی مشهور به آقا نجفی حجة الاسلام و يك پسر م بهرام  
میرزا كه آنشب نزد من بود در میان صد هزار مسلمان متعصب كه میخواستند  
كنسولخانه روس را آتش بزنند و او را با تمام اجزاء بكشند رفته فتنه را خوابانیدم  
الحق اینجا آقا نجفی با ما همراهی كرد ( انتهی ) .

دنباله مطلب از تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۳۴۲ ) :

دو نفر از تجار اصفهان بنام حاج حسین و برادرش حاج هادی متهم در دین  
بودند و گفته میشد كه ازلی و با حاج میرزا هادی دولت آبادی مربوط میباشند .  
این دو برادر مانند بسیاری دیگر از ازلیان بسیار محتاط و ظاهر ساز بودند و هیچ  
واجبی از واجبات را ترك نمی كردند حتی غسل جمعه را نیز ترك نمی نمودند .  
آقایان حاج میرزا ابوالقاسم و برادرش حاج میرزا محمد علی زنجانی  
فرستادند آندورا گرفته و نزد آقا نجفی فرستادند مرحوم آقا نجفی آندورا نزد خود  
آقایان فرستاده كه خود در باره آنها تحقیق كنید .

آقایان نامبرده در صدور حكم دقت کافی ننموده بدون دقت و تأمل حكم  
نوشته و مردم را بر آن داشتند كه آنها را از خانه بیرون كشیده و بزاری زار و زجر  
كشند .

نویسنده گوید : خود مرحوم انصاری قبلا در باره ازلی بودن آنها رأی داد  
اینك می نویسد حكم بدون دقت صادر گردید !

دنباله سخن : خبر این ماجرا به یزد رسید . در آنجا نیز مردم جمعی را از بایه و متهمین بقتل رسانیدند .

برای رسیدگی به حکم قتل دو برادر در اصفهان و کیفیت صدور حکم جلسه‌ای از علماء تشکیل گردید . در این جلسه امام جمعه ( حاج میرزا هاشم ) بحمايت از آقا نجفی قیام کرد و ظل السلطان نیز ساکت ماند در نتیجه این جلسه مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی برای مدتی رهسپار عتبات گردید .

چون خبر این اوضاع بطهران رسید از طرف مظفرالدینشاه مرحوم آیت الله آقا نجفی و مرحوم حاج شیخ نورالله ثقة الاسلام که ظاهراً در این جریان دخالتی نداشت بطهران احضار شدند .

مرحوم آقا نجفی در طهران: پس از پیش آمد اصفهان و یزد و چند پیش آمد جزئی دیگر که مرحوم انصاری بطور اجمال در کتب خود بدانها اشاره کرده ( ص ۳۴۲ تاریخ اصفهان وری و غیره ) آن مرحوم می نویسد :

اهل شبهه همه ابران بطهران نجفیه باقزاده‌ها روابطی یافته ( از این آقازادگان نام نمیبرد ) و دنبال انگلیسیان افتاده مترصد حوادث آینده بودند که چه پیش آید . ظل السلطان و آقا نجفی و آقای حاج شیخ نور الله را بطهران خواستند .

و در کتاب تاریخ اصفهان ( ص ۱۸۳ جلد اول ضمن وقایع ۱۳۲۱ قسمت پائین صفحه ) می نویسد :

اهل شبهه از همه ایران و آلوده دامغان بطهران رفته و در خط اعلام استقلال ایران و سلطنت قاجار و بر انداختن قدرت علماء افتاده نجفیه و حیلہ مترصد هراتفاق بودند . ظل السلطان بسا جلال الدوله و آقای نجفی و آقای حاج شیخ نور الله بطهران رفتند .

و همچنین مرحوم انصاری در کتاب تاریخی دیگر خود بنام : آگهی شهان از

کار جهان (ص ۱۱۵ جلد سوم) ضمن وقایع سال ۱۳۲۰ موضوع بابی کشی اصفهان را نوشته و دنباله قضایای اصفهان و یزد می نویسد :

هرجاسور چران شهوت رانی که تبوب (بایگیری) را بدروغ برای اعمال شهوات بخویش می بست راه طهران گرفته و بعنوان اسلام خواهی و حفظ استقلال شبها منزل علماء انجمن ها کرده هواخواهان انگلیس که دورا دور مراقب جزئیات امور بودند و از نفوذ روس وحشت مینمودند تعلیمات نهانی نمودند . (انتهی) در این ایام میرزا علی اصغر خان اتابک از صدارت استعفاء داده و عین الدوله صدر اعظم شد .

مرحوم آقای نجفی و برادرشان مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ نورالله با کمال عزت و احترام و استقبال بی نظیر مردم بطهران وارد شدند و بطور اجبار قریب یکسال در طهران ماندند و در سال ۱۳۲۲ به اصفهان مراجعت کردند . سخنان مظفر الدینشاه قاجار با علماء : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (صفحه ۳۷۰ قسمت بالای صفحه) می نویسد :

آقای حاج شیخ نور الله بنبده گفتند :

سال ۱۳۲۱ در ملاقات شاه با آنهمه سخنهای مهمه از وقایع ناگوار اصفهان در موضوع قونسواگری روس و متهمین بیابیت و وقعه یزد که نسبتش را بحکم علمای اصفهان میدادند خاصه با آقای نجفی از شاه هیچ سخنی از نیک و بسد نشنیدیم جز پرسش جشن کنار رودخانه را زمان ادارات ظل السلطان .

توضیح : مرحوم انصاری در کتاب : آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۱۶ سوم) پس از دامستان کشته شدن حاج حسین و حاج هادی متهمین به ازلی بودن می نویسد :

حاج میرزا محمد علی (برادر مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی)



ویکی از آقا زادگان یزد ( نام او را ذکر نمی کند ) بیزد نوشتند و در آنجا بسیاری از متهمین و منتسبین را با اغراض باطله کشتند .

در اینصورت انتساب وقعه یزد به مرحوم آقای نجفی بيمورد و در اصفهان نیز ایشان ظاهراً و مستقیماً دخالتی نداشته اند و از عبارت مرحوم انصاری که می نویسد :

تا آقا نجفی خود را رساند آن خون گرفتگان را بزجری تمام کشتند (ص ۱۱۶ سوم آگهی شهان ) چنین بر می آید که بدون رضایت آن مرحوم بوده است والله العالم .

کرامتی از مرحوم آقای نجفی علیه الرحمه :

تا دل مرد خدا نامسد بلرد هیچ قومی را خدا رسوا نکرد

در سال ۱۳۲۱ پس از پیش آمد قضایای اصفهان و احضار مرحوم آقای نجفی و مرحوم حاج آقا نورالله بطهران و توقف ضروری آندو برادر در آن شهر بمدت تقریباً يك سال در يك مرتبه که آن مرحوم به حمام تشریف میبرند و جهت نظافت و تنویر به محل مخصوص میروند چون کارگر بموقع آب حاضر نمی کند ایشان صدا میزنند که و میفرمایند : آب بیار که سوختم .

مخالفین و معاندین این جمله را شنیده و دستاویز قرار داده و جزو تصنیفی کرده و به کودکان و لگردد کوچه و بازار یاد دادند که آنها در معابر عمومی میخوانند :

برو پیش آقا نجفی مسئله گوش کن بشین موعظه گوش کن  
آب بریز کسه سوختم سوی مسجد شاه . . . . فروختم  
لکن از آنجا که خداوند قهار و جبار ذلت و خواری را جهت دوستان خود نمی پسندد و العزه لله و لرسوله و للامؤمنین . در سال ۱۳۲۲ و بای عام حجاز و عراق

به ایران سرایت نموده و در طهران عده زیادی از مردم را گمشت علاوه بر وبسا مرض مطبقة نیز بر آن اضافه شد . مردم طهران هر صبح که از خانه بیرون می آمدند کفن های خود را همراه میبردند که اگر در بین راه مردند بدون کفن نباشند . در این سال مردمی که در چند ماه قبل صدای تصنیف خواندن بچه های وانگرد را شنیده بودند وساکت مانده ونهی از منکر ننموده بودند اکنون گرفتار بیماری شده و فریاد میزدند : آب بریز که سوختم . فاعتبروا یا اولی الالباب .

مرحوم بلاغی که در تاریخ طهران (ص ۲۶۳ یکم) این ماجرا را بطور اجمال نقل می کند پس از آن می نویسد :

ما نمی گوئیم که این کرامت از آقا نجفی بوده ولیکن مسلماً نمایش یک حقیقتی بوده است ( انتهی ) .

ظاهراً مراد از این حقیقت مکافات وعکس العمل دنیائی اعمال خوب و بد میباشد .

کارها را باید از یکدیگر جدا نمود : قضاوت عجولانه و بیسورد برخی از نویسندگان :

از امثال سائره زبان فارسی است که می گوید :

« کاسه گرمتر از آتش » و از ضرب المثل های خارجی است که می گویند :  
« کانولیک تر از پاپ » وضع عوام ملتها بر همین قیاس بوده و میباشد و خواهد بود .  
در زمان رضا شاه دستور داده بودند که زنان مسلمان بر خلاف حکم خدا و قرآن و اسلام بی حجاب در کوچه و بازار ظاهر شوند و پاسبانها مأمور اجرای این حکم شیطانی بودند . مکرر دیده و شنیده شد که پاسبانی زن مسلمانی را که چادر یا روپسری داشت دنبال کرده و او بخانه ای پناه میبرد و این از خدا بی خبر

داخل خانه اوشده و چادر و معجراو را برداشته و پاره میگرد و این عمل را اجرای حکم میدانست .

در دوره‌های قبل به مجتهدی خیر میرسید که در يك مجلس عروسی اعمال خلاف شرع از انواع مختلف : زدن و خواندنی و خوردنی و غیره مرتکب می‌شوند . آن عالم بزرگوار جهت نهی از منکر عده‌ای ظاهر الصلاح و دیندار را میفرستاد آنان بعنوان نهی از منکر خود مرتکب صدها منکر میشدند در و پنجره می‌شکستند و سرودست مردم و حاضرین را می‌خستند بهمه ناسزا می‌گفتند و نام آنها را امر بمعروف می‌نهادند .

اگر مجتهدی حکم قتل مرتدی را صادر کرده باشد بوظیفه‌ای که خداوند و اسلام جهت او معین فرموده است عمل کرده و احدی را حق اعتراض به حکم او نیست مگر آنکه طبق موازین شرعی ثابت شود که حکم بدون دقت و دلیل صادر گردیده است . حال اگر مردم عوام از روی جهالت یا اغراض نفسانی و وساوس شیطانی و یا تحریک از برخی از جاهای مرموز مرتکب خطاهائی شدند مثلا آنان را آتش زدند عمل آنها ارتباطی با مجتهد و حکم او ندارد و باید از یکدیگر جدا شود .

۱ - مجتهد حکم قتل بعلت ارتداد داد .

۲ - مردم از روی جهالت مرتکب اعمال خلافی شده‌اند که هیچ کس قادر بر دفع آن نبوده است .

مورخ محقق جلیل معاصر آقای ابراهیم صفائی ملایری در کتاب رهبران مشروطه (ص ۳۲۱ یکم پاورقی) در ضمن شرح حال سید جمال و اعظ اصفهانی می‌نویسد :  
دو نفر بازرگان بایی را با اسم حاجی حسین و حاجی هادی مردم بتحریرک حاجی آقا سدهی مجتهد و چند نفر از روحانیون نفت ریخته آتش زدند دو نفر

دیگر را هم بنام آقا جان صراف و میرزا علی خاں بفتوای علماء حد زدند ، روحانیون این فرقه نوظهور مذهبی را که بدعوی باطل برخاسته بودند کافر میدانستند و از نفاق افکنی در جامعه شیعه بر وحدت ملی و بر ریاست روحانی خود می ترسیدند ولی در هر حال کشتن و سوزاندن اشخاص بجرم عقاید باطنی کاری وحشیانه و غیر انسانی است ( انتهی ) .

نویسنده گوید : در این گفتار جناب صفائی چند نکته قابل ذکر است :

- ۱ - آن دو نفر بایی نبودند بلکه ازلی بودند .
- ۲ - حاج آقا سدهی مجتهد تحریک نکرده بود بلکه حکم خدا را اجرا نموده بود .
- ۳ - سوزانیدن آنها مربوط به علماء و دستور آنها نبوده بلکه کار عوام مردم و شاید تحریک سفارتخانه های خارجی بوده که بعداً بتوانند از آن بِنفع سیاست خود استفاده ببرند .
- ۴ - آن دو نفر دیگر که حد خورده اند شرب خمرشان ثابت بوده و باید مطابق حکم قرآن حد می خوردند .
- ۵ - آیا فرقه های نوظهور را مذهبی میدانید یا سیاسی بصورت مذهب .
- ۶ - هر انسان واقعی و دیندار و وطن خواه از نفاق افکنی در جامعه بیزار است و باید در دفع آن بکوشد .
- ۷ - ترسیدن علماء از ریاست خود تهمت است که باید دلیل همراه داشته باشد .
- ۸ - کشتن آنها مطابق قواعد اسلام بوده است .
- ۹ - سوزاندن را علماء نیز در همان روز تقبیح کرده و عاملین آنرا توییح نمودند و چون فرد معین و شناخته شده ای نبود حکمی درباره او صادر نگردید .

مرحوم آقا نجفی در دوران انقلاب مشروطیت و بعد از آن: برنامه زندگانی اجتماعی مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه عبارت بود از :

۱ - ترویج دین و اجرای احکام اسلام و دفع و رفع بدعتها خصوصاً بدعتهای گروه ضالاه بایه و بهائیه که با تمام قوت در برابر آن قیام میکرد و قضایای سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۲۱ دو نمونه از آنست و همچنین رسیدگی به امور مسلمانها و رفع حوائج آنان و اقامه جماعت و تدریس و قضاوت نمونه های دیگری از خدمات دینی آن مرحوم می باشد .

۲- مبارزه علیه دستگاه ظالم و جبار حکومت ظل السلطان و عمال و کارگزاران او .  
۳ - کمک و یاری ستمدیدگان و مستمندان از هر طبقه و گروه بدون توجه به اینکه شخص ظلم دیده موافق با ایشانست یا مخالف، مسلمان است یا کافر .

و اما رفتار او در دوره انقلاب مشروطیت: مرحوم الفت در نسب نامه ( ص ۱۰ - اعلاط در انساب ) می نویسد : در اوائل سال ۱۳۲۴ که انقلاب مشروطیت پدید آمد و جنگ استبداد و مشروطه شروع شد او گوئی که اصلاً انقلابی رخ نداده راه شرع را که سبی سال بود رفته بود ادامه داد و هر يك از مستبدین یا مشروطه طلبان که مظلوم و ستم دیده میشد بحمايتش بر میخواست و بر این منوال دوره های طوفانی مشروطه صغیر و استبداد صغیر و مشروطه کبیر توأم با استبداد و سلطه مجاهدین و بختیارها بر جان و مال ایرانیان آغاز گشت و مدت شش سال هولناک طی شد و مرام و مسلک این مرد تغییر نکرد . ( انتهی ) .

در طول این سالهای هولناک و پر ماجرا مرحوم آقا نجفی نه تنها با مستبدین موافقت یا مخالفتی آشکار ننمود بلکه با مشروطه خواهان همراهی میکرد و در بیشتر جلسات آنها با برادر خود مرحوم حاج آقا نورالله شرکت مینمود و آنان از حضور او و نفوذ معنوی و قدرتش در جامعه استفاده میکردند و همگان به حمایتش چشم

داشتند و در تمام حالات نظر او اصلاح ذات البین و ایجاد اتحاد و اتفاق بود .  
در موقع گرفتاری مرحوم شیخ شهید عطر الله مضجعه بدست انقلابیون افراطی  
و مجاهدین قفقازی قصد کرد که بطهران رفته که شاید بتواند آن عالم جلیل را از  
خطر برهاند اما جمعی از مشروطه طلبان و پیرا مانع شدند و نگذاشتند که ایشان  
بدین کار اقدام کند . شاید آنها میدانستند که نقشه گردانندگان اصلی بر کشتن و از  
بین بردن علماء و قدرت روحانیت است و هم میدانستند که رفتن آنجناب بطهران  
نه تنها مفید نمی باشد بلکه موجب وهن و بی احترامی به ایشان نیز خواهد شد زیرا:  
آنها در این کار مأمورند و بقول خودشان معذور .

آری مشروطه ای که از سفارت انگلیس دستور بگیرد و مجاهدین قفقازی  
ناشناخته و بختیارهای سرسپرده انگلیس آنرا برپا می کنند و متممین به بایبگری  
و ازلی بودن و حداقل بی دینان گرداننده آن و یفرم ارمنی غیر مسلمان همه کاره پای  
تخت مملکت ثمره و میوه ای جز شهادت علامه جلیل القدر مرحوم شیخ فضل الله  
نوری که می گوید : مشروطه مشروع و باید قوانین اسلام اجرا شود نخواهد  
داشت . فسیعلموا الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون .

در این وقت علماء بزرگوار و مردم متوجه شدند که زحمات آنها بهدر رفته  
و بیگانگان بوسیله عمال داخلی خود کارها را در مسیر دیگری انداخته اند .

تجاهل العارف : یکی از صفات ممتازه مرحوم آقا نجفی موضوع : تجاهل  
و خود را به بیراهه زدن و به اصطلاح ادبی : تجاهل العارف می باشد .

تعریف : یکی از صنایع ادبی و بدیعی که بزرگان علم و ادب در نظم و نثر  
آنرا بکار برده و میبرند : صنعت تجاهل العارف می باشد و معنای این صنعت از خود  
کلمه پیداست .

گوینده چیزی را میداند و ظاهراً خود را طوری وانمود می کند که نمی داند

و آنرا میپرسد بطور مثال سعدی می گوید :

آینه در پیش آفتاب نهاده است      بردر این خیمه، یا شعاع جبین است؟

مرحوم آقا نجفی رحمه الله علیه بیشتر گفته هایش با افراد بر پایه همین موضوع

بوده است اینک چند نمونه از آنرا در زیر یاد آور می شویم :

۱ - در سال ۱۳۰۷ قمری پس از وقعه بابی کشتی در سده اصفهان موضوع

بپهران کشیده شد و از طرف شاه و دربار آنجناب بپهران احضار گردید .

ملاقات آن مرحوم با علماء و اطرافیان شاه و صدراعظم و شخص شاه و گفتگوهای

آنان بسیار است که ذکر آن موجب خستگی خاطر خوانندگان می باشد . خلاصه

کلام آنکه :

قرار شد که ما بین حضرت آیت اللهی و شاه ملاقات خصوصی باشد و محل

آنرا در عمارت شمس العماره قرار دادند و مقرر گردید که غیر از مرحوم آقا و شخص

ناصرالدین شاه دیگری در جلسه نباشد .

مأمورین آقا نجفی را تا پشت درب اطاق مخصوص راهنمایی کردند و درب

اطاق را باز کرده به سرکار آقا می گویند : بفرمائید .

آقا نجفی وارد اطاق شده ناصرالدین شاه را می بیند که بالباس سلطنت با کمال

تکبر و تجبر در وسط اطاق قدم میزند و چنین وانمود می کند که از ورود آقا نجفی

به اطاق مطلع نشده است .

مرحوم آقا نجفی طبق دستورات اسلام که میفرماید :

یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تسألنوا و تسلموا علی

أهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون ( سورة النور - آیه ۲۷ ) .

به او سلام کرده و با لهجه شیرین اصفهانی فرمود :

نایب شاه کوجاس ؟      نایب شاه کجاست ؟

ناصرالدینشاه بی اختیار خود را باخته و ندانست چه کند ؟ از يك طرف خنده اش گرفته بود و از طرف دیگر میخواست ابهت خود را از دست ندهد بی اختیار از اطاق خارج گردید و به مأمورین گفت به آقا بگوئید که چون وارد اطاق شدید هر کس را دیدید او شاه است .

دفعه دوم آقا نجفی وارد شده و چون شاه را دید گفت: چرا نگفتی من شاهم ؟  
۲ - در همین سفر در موقع خروج از قصر شمس العماره در دالان کنار توپی که آنجا گذارده بودند ایستاد و به صدر اعظم گفت :

این چی چی اس ؟ این توپ اس .

پس چرا گرد نیست ؟ این توپ بازی نیست .

پس به چه درد میخورد ؟ در جنگ و مواقع مخصوص آنرا در می کنند .

با چی چی درمی کنند ؟ با گلوله .

پس چرا حالا در نمی کنند ؟ حالا خالی اس .

پس از این همه سؤال و جواب ظاهراً ساده و از روی بی اطلاعی مرحوم آقا نجفی فرمودند که : فهمیدم همه توپهای شاه خالی اس .

یعنی تمام تهدیدات که شاه کرد و می گفت چنین و چنان می کنم چون توپهای او خالی و بی ثمر اس .

۳ - دار یا قاپق

در زمانهای قدیم برخی از مجرمین که محکوم بقتل بودند را بوسیله بسدار آویختن می کشتند .

دار عبارت بود از چوب بسیار بلندی که یکسر آن را در زمین فرو کرده و بر سر دیگر آن حلقه و قرقره ای می آویختند و طنابی از آن عبور میدادند . یکسر طناب را بگردن محکوم بسته و سر دیگر آن را می کشیدند و مجرم را بر بالای دار میبردند



و او در اثر فشار طناب بر گردن او خفه شده و میمرد .  
 چوب دار را معمولاً از تنه درخت بید یا چنار انتخاب میکردند و در اصفهان  
 آنرا در وسط میدان شاه مقابل عالی قاپو نصب میکردند .  
 مرحوم حاج میرزا علی فانی از قول پدر خود مرحوم حاج حیدر علی که از  
 خواص اصحاب مرحوم آقا نجفی بوده و ملازم و همیشه همراه آن مرحوم بوده است  
 نقل مینمود که :  
 صبح يك روزی در خدمت مرحوم آقا نجفی از میدان شاه عبور میکردیم .  
 اتفاقاً در آن روز دار را برای کشتن مقصری برپا کرده بودند چون نزدیک دار  
 رسیدیم مرحوم آقا رو بمن کرده و فرمودند :  
 حاج حیدر علی این درخت را کی کاشته اند ؟  
 من عرض کردم سرکار آقا با من هم بله . مرحوم آقا تبسم فرموده و دیگر حرفی  
 نزدند .

۴ - عالم جلیل مرحوم حاج میرزا محمد حسن نحوی فرزند علامه محقق  
 مرحوم حاج سید مهدی نحوی رحمه الله علیهما برای حقیر نقل فرمود که من تقریباً  
 مدت ده سال بدرس مرحوم آقا نجفی میرفتم ( و حقاً مرحوم آقا نجفی عالم و محقق  
 و جامع بود ) و مرا و پدرم را خوب می شناخت و نسبت بمن محبت خاصی داشت  
 و نسبت بپدرم اظهار ارادت مینمود با این اوصاف گاهی پس از خاتمه جلسه  
 درس رو بمن کرده و با قیافه ای خیلی عادی میپرسید :  
 شما کی باشید ؟ من نام خودم و پدرم را می گفتم .

فوراً طلب مغفرت جهت پدرم میکرد و احوالپرسی از برادرانم مینمود و نسبت  
 به شخص من نیز محبت مخصوص مینمود این عمل در طول مدت ده سال شاید  
 سی مرتبه کم یا زیاد تکرار گردید و حال آنکه مرحوم آقا نجفی از اول مرا و پدرم

را می‌شناخت و چنان حافظه قوی داشت که هیچ چیز را فراموش نمی‌کرد و من کمتر کسی را بقدرت حفظ او دیده و شنیده‌ام رحمة الله علیه .

۵ - مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان ( ص ۴۹ سوم ) می‌نویسد :

یاد دارم زمان قدرت بی‌منت‌های قونسولگری روس در اصفهان روزی ظل السلطان با اجرای حکم آقا علیه یکی از بستگان قونسولگری عذر آورد که قونسول مانع است .

آقا تجاهل نموده و می‌فرمود : قنسول چی چی اس ؟

ضمناً این بیان اشاره به آنست که : قنسول چه کاره است که مانع اجرای احکام اسلام در یک مملکت اسلامی باشد .

تکفیر کردن مرحوم آقا نجفی برخی از افراد سرشناس و معروف را : یکی از وظائف مجتهدین معرفی و طرد افراد گمراه و مفسد از اجتماع می‌باشد که بوسیله صدور حکم کفر درباره آنها پس از ثبوت شرعی انجام می‌گیرد .

مرحوم آقا نجفی در دوره سی سال ریاست مذهبی خود چند تن از افراد معروف را بجرم بی‌دینی و هتک نوامیس مذهبی تکفیر فرموده است که متأسفانه تا کنون بطور تفصیل در جایی منعکس نشده است از آنجمله :

۱ - میرزا اسدالله وزیر از مستوفیان و وزراء عهد ظل السلطان در اصفهان می‌باشد نسب او به فتحعلیخان اعتماد الدوله زمان شاه سلطان حسین صفوی میرسد و خود مردی کاردان و در شغل خود ماهر و آزموده بوده و به حسن خلق و نیکو معاشرتی و آزادیخواهی شهرت داشته است ضمناً معاشرت و نزدیکی او با ازلیان و بایبان موجب اتهام او و نسبت دادنش بآنان شده است . جناب ابراهیم صفائی در رهبران مشروطه ( ص ۳۲۱ یکم ) ضمن شرح حال سید جمال اصفهانی بصراحت می‌نویسد : میرزا اسدالله خان وزیر از سران بابی بود . ( انتهای ) .

وهم نقل شده است که در یکی از دفعاتی که میرزا اسدالله خان جهت انجام مهمی خدمت حضرت آیت الله آقای نجفی شرفیاب شده بود خادم سرکار آقا جهت او چای و قلیان میآورد و پس از آنکه چای صرف میشود آقا بنوکر خود میفرمایند: استکان خان را آب بکشید (یعنی نجس است) و بدین ترتیب ویرا تکفیر فرمودند لکن در این باره چیزی ننوشته‌اند.

۲ - سید جمال واعظ اصفهانی از خطباء معروف دوره مشروطه و از بنیان گزاران آن، وی در اصفهان و دیگر شهرها به بیدینی و سوء عقیده متهم بود و بطوریکه گفته شده است در سالیکه بعتبات مشرف گردید و خواست خدمت عمو زاده پدری خود مرحوم آیت الله العظمی حاج سید اسماعیل صدر مشرف گردد ایشان ویرا نپذیرفتند.

در کتاب رهبران مشروطه (صفحه ۳۲۱ یکم) می‌نویسد: پس از چاپ و انتشار کتاب: رؤیای صادقه که تألیف آن را به سید نسبت میدادند و در آن به آقای نجفی اساءه ادب شده بود دیگر نتوانست در اصفهان بماند گر چه تألیف کتاب نامبرده از ناظم الاسلام کرمانی است.

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص) چند نفر را در تألیف این کتاب مشترکاً نام میبرد در هر حال ارتباط سید جمال با ازیان و بایان مسلم بوده و علماء اسلام نسبت به او به کفر و الحاد معتقد بودند.

۳ - میرزا نصرالله ملك المتكلمين بهشتی اصفهانی خطیب و واعظ مشهور زمان مشروطه و از بنیان گزاران آن اساس است، در اصفهان بسوء عقیده و ارتباط با ازیان و بایان متهم بود و در مناظر خود نسبت به علماء توهین و اهانت مینمود از اینرو عموم علماء و مجتهدین با وی مخالف بودند و او را مرتد می‌شناختند.

پس از سفر تبریز که بمدت دو سال بطول انجامیده بود اندکی در مناظر خود

احتیاط میکرد و سخن در پرده می گفت لکن پس از گذشت مدت زمانی بتحریر از لپان کار اوپه خود را در توهین بعلماء وبالاخص به آیت الله آقای نجفی از سر گرفت و در نتیجه این عمل گستاخانه آقای نجفی حکم کفر او را صادر فرمود و بر فساد عقیده او گواهی نوشت .

جناب ابراهیم صفائی در کتاب رهبران مشروطه ( از صفحه ۳۳۹ تا صفحه ۳۵۸ ) شرح حال نسبتاً مبسوط و مستدلی مرقوم داشته و همچنین فرزند ملک بنام دکتر مهدی ملک زاده در شرح حال پدر و خدمات او در مشروطه تاریخی نوشته است طالبین بدان کتابها و دیگر مآخذ و منابع مراجعه کنند .

۴ - محمد ولیخان سپهدار تنکابنی خلعتبری : مشارالیه روزانه اول از مستبدین درجه اول بوده و با مشروطه خواهان سخت دشمنی مینموده و بعداً بعلل سیاسی آزادبخواه شده و سر دسته آنان گردید و در فتح طهران و غیره مصدر اموری بوده است . شرح حال او را در کتابهای : شرح حال سپهدار خلعتبری و رهبران مشروطه و تاریخ مشروطه و دیگر کتب مربوطه ملاحظه فرمائید .

جناب ابراهیم صفائی در رهبران مشروطه (ص ۲۹۲) بخلاصه می نویسد که : سپهدار تنکابنی از طرف مظفر الدینشاه مأمور حفظ امنیت پای تخت (و دیگر مشاغلی که نام میبرد) بود در روز ۲۰ جمادی الاولی سال ۱۳۲۴ بروی مردم بی گناه و بی پناهی که جرمشان آزادبخواهی و حق طلبی بود آتش گشود و متجاوز از یکصد و بیست نفر را کشت ( وعده زیادی را مجروح کرد ) ...

پس از این جریان عموم علماء و مجتهدین ( در اثر این عمل خلاف اسلامی او ) از او متنفر و بیزار شدند و آقای نجفی مجتهد اصفهانی حکم تکفیر او را صادر فرمود .

توهین به اهل سنت توهین به اسلام است : یکی از وسائل و نیرنگهای دول استعمارگر جهت پیشرفت مقاصد شوم استعماری و استثماراری خود ایجاد نفاق

و تفرقه بین ملت‌های مستعمر بوده و می‌باشد. هر کجا یکی از دولت‌های استعمارگر قدم نهاده‌اند بعنوان مختلف در بین مردم آن سرزمین ایجاد دو دستگی و جنگ نموده و در نتیجه هر دو دسته و گروه را ضعیف و ناتوان ساخته و بمقاصد خود رسیده‌اند.

صدها سال مسلمین و یهود در فلسطین در کمال صفا و دوستی زندگی میکردند نه اختلافی داشتند و نه جنگی تا آنکه استعمار دولت یهود را تشکیل داده این منطقه را بخاک و خون کشید.

در طول تاریخ مسلمین و مسیحیان و یهود در لبنان در جوار هم میزیستند و با کمال دوستی و صمیمیت زندگی میکردند تا دول استعمارگر در آن ناحیه چشم طمع دوخته و همه را بجان یکدیگر انداخت.

کلیه فرقه‌های مسلمین با هندوها از هر فرقه و کیش در زمینهای پهناور هند بسا یکدیگر زندگی میکردند و کسی را با کسی کاری نبود و هر يك به آداب مذهبی خود با کمال آزادی عمل میکرد تا وقتیکه دولت انگلیس این روباه غدار در آنجا نفوذ و قدرت یافته ابتدای اختلافات داخلی از آنجا شروع شد.

علماء بزرگوار اسلام بهتر از هر کسی این نقشه را میدانستند و از حواقب و خیم آن آگاه بودند. در ایران گاهی عنوان صوفی و شیخی و سنی و غیره ایجاد کردند و بآن آتش‌های نهفته دامن زدند تا شاید از این خرمن آتش بتوانند سودی ببرند غافل از آنکه علماء اسلام بیدارند و جلو این اختلافات را با عقل و تدبیر می‌گیرند.

عنوان ترك و عرب - كرد و بلوچ و غیره در ایران نیز از همین مقوله است که دیگران ساخته و پرداخته‌اند و الاشیعه و سنی و اسماعیلی و زبیدی و صوفی و شیخی همه مسلمانند و تابع يك دین و قرآن و عرب و عجم و ترك و دیلم همگان ایرانی‌اند

وپیرو قوانین يك مملكت .

هر کس در مقامیکه ایجاد نفاق و دو دستگی می کند باید سرکوب شود .  
زمان زمان اتحاد و یگانگی است در برابر کفرجهانی اختلافات جزئی و داخلی  
را باید یکسو نهاد و متحداً در برابر دشمن واحد ایستاد : تعالوا الی کلمة سواء  
بیننا و بینکم أن لا نعبد الا الله ( قسمتی از آیه ۶۴ سوره آل عمران ) .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان ( ص ۵۱ سوم ) می نویسد :

در سال ۱۲۸۵ شمسی گنجینه انصار را طبع کرده و شکل طلبه‌ای را بنام ملا  
فصیح هرانی و شاگرد مدرسه‌ای بنام آقا وجیه گجراتی در معارضه شیخ و شوخ  
کشیدم مرحوم آقای نجفی بنده را خواستند و فرمودند که :

يك هفته است در این مجله دقت می کنم ایرادی شرعی نتوانسته‌ام بآن بگیرم  
جز به شکل این طلبه .

گفتم : این شیخ سنی است .

فرمودند : ما با سنی‌ها اتحاد داریم توهین به آنها توهین به اسلام است .  
رفتم جریان را به آقای حاج آقا نورالله گفتم گفتند برو بگو این شیخ بابی  
شده است . فردا رفتم خدمت آقا فرمودند انصار این شکل طلبه را محو کن ولو  
سنی باشد توهین سنی نیز توهین اسلام است .

عرض کردم : آقا این شیخ بابی شده است .

آقا متوحشانه فرمودند : کی می گوید ؟ کی شاهد است ؟

عرض کردم آقای حاج آقا نورالله اخویتان .

مرحوم آقا نجفی بزانو آمده فرمودند : انصار میل من اینست که شکل شیخ  
را از میان ببرید عرض کردم بچشم .

در این داستان چند نکته قابل توجه می باشد :

۱ - احترام گزاردن مرحوم آقای نجفی به روحانیت و لباس آن و حفظ نوع روحانیون .

۲ - توجه مخصوص به مطبوعات و محتویات آن .

۳ - احترام به کلیه فرقه‌های اسلام و حفظ وحدت و اجتناب از تفرقه و نفاق .

۴ - اهتمام در امر قطع دست استعمار که بنام بایبگیری در مملکت اسلامی ایران بوسیله بیگانگان ایجاد شده بود .

۵ - هیچ سخنی را بدون شاهد و دلیل نپذیرفتن .

۶ - و چون آخرین جواب را ملاحظه می‌کنند که جواب اسکاتی است و برای خاتمه یافتن به موضوع عنوان گردیده است مطلب اولیه حفظ نوع و لباس را بیان کرده و میفرماید :

من مایل هستم که عکس این طلبه را برداری .

ثروت و دارائی مرحوم آقا نجفی : یکی از ایرادات بلکه اتهامات وارده بر مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه موضوع ثروت و دارائی و املاک ایشانست که عموماً میپرسند :

۱ - چرا باید يك عالم و مجتهد اینقدر ثروتمند باشد ؟

۲ - اینهمه ثروت و مکننت از کجا بدست آمده است ؟

اینک جواب آنها :

الف : خداوند قادر متعال در قرآن مجید میفرماید: المال والبنون زينة الحیوة الدنيا . . . (سورة الکهف آیه ۴۶) مال و اولاد پیرایه زندگانی دنیا میباشد .  
ثروت نه تنها مذموم نبوده بلکه خوب و موجب آبروی در آدمی است .  
مرا بتجربه معلوم شد در آخر حال که قدر مرد بعلم است و قدر علم بمال  
ثروت باید از راه حلال تحصیل شود و در راهیکه موجب رضا و خشنودی

خداوند است صرف گردد . و دارنده ثروت خواه عالم و مجتهد باشد و خواه بازرگان و غیره تفاوت ندارد .

ب : املاك مرحوم آقا نجفی از طرق زیر بدست آمده است :

۱ - موروثی از پدر

۲ - خرید خالصه و املاك و اگذاری دولت به ایشان بدون عوض و بفروش

۳ - در آمد از راه تجارت بطریق مضاربه

۴ - واگذار کردن و صلح نمودن برخی از اشخاص و صاحبان املاك ملك خود را بمیل و رغبت به ایشان . اینك در توضیح مطالب فوق گوئیم :

اول : مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی در بین علماء همعصر خود در اصفهان ثروتمندتر از همه آنان بود . ثروت و دارائی او را املاك مزروعی تشکیل میداد که پس از فوت آن مرحوم بین فرزندان ایشان تقسیم گردید .

مرحوم آقا نجفی املاك موروثی خود را به مباشرین آگاه که در امر زراعت و کشاورزی آشنائی کامل داشتند واگذار نموده و آنان بادقت کامل و توجه و پشتکار توانستند در تمام مزارع و دهات زیر نظر خود اولاً سطح کشت را بالا برده و ثانیاً محصول را خوب و مرغوب مطابق اصول فنی که در آن زمان معمول و متداول بود تهیه نمایند از اینرو در آمد املاك روز بروز زیاد گردیده هم مالك و مباشر سود بردند و هم کشاورزان بهره مند شد .

دوم : در زمان ناصرالدینشاه قاجار در سال ۱۳۰۶ و همچنین در عهد مظفر الدینشاه در سال ۱۳۱۶ فروش خالصه یعنی املاك و مزارع دولتی شروع شد . عده ای از علماء بزرگوار که محتاط بودند از خریداری آن اجتناب نموده و نظر قضاة آنان عدم مداخله و معامله نمودن با دولت بهر صورت و کیفیت بود . مانند علامه محقق مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی و فقیه مطلق آقا میرزا محمد



حسن نجفی و علامتین حاج میرزا بدیع درب امامی و آخوند ملا محمد حسین کرمانی و جمعی دیگر از علماء و فقهاء اصفهان .

در برابر اینان جمعی دیگر از مجتهدین قائل به جواز معامله اینگونه املاک بودند و علاوه بر آن بدیگران نیز اجازه خرید میدادند . خود آنان بخريد اقدام نموده و دیگران نیز خریدند و مأمورین دوانتی که عموماً بسا علماء مربوط بودند در مرحله اول صورت املاک مرغوب و پر در آمد را بنظر علماء رسانیده و اینان نیز قبل از دیگران در خرید آن و تصاحب آنها اقدام کردند . عموم آقایان مسجد شاه و جمعی دیگر از علماء اصفهان ( و در دیگر شهرهای ایران نیز وضع بهمین گونه بود علماء و شاهزادگان املاک مرغوب را بردند و املاک درجه دوم و سوم نصیب دیگران شد ) جزء این دسته از علماء بودند که املاک مرغوب بهره آنان شد .

مرحوم آقا نجفی خرید املاک دولتی و خالصه را از نظر ولایت شرعی بلامانع دانسته و خود بدان اقدام فرمود و مقداری از املاک آن مرحوم از این قبیل است .  
سوم : یکی از طرق تجارت و کسب که در کتب فقهاء عنوان گردیده است مضاربه است .

مضاربه يك نوع شرکت است باین طریق که سرمایه از يك نفر و عمل از دیگری ( مسائل و شرایط مضاربه در کتب فقهاء بزرگوار بطور تفصیل بیان گردیده طالبین بدان کتابها مراجعه نمایند ) .

مرحوم آقا نجفی رحمه الله علیه گاهی بیرخی از تجار مورد اطمینان خود سرمایه ای جهت تجارت میداد و با او بطور مضاربه عمل میفرمود که او تجارت و کسب کند و سود حاصله را به نسبت معینی مثلاً نصف یا ثلث ما بین خود قسمت کنند . و از آنجا که خداوند تبارک و تعالی برکت را در تجارت قرار داده است

عموماً سود سرشاری از اینراه حاصل میشد و تاجر نامبرده سهمیه ایشان را در موقع مقرر میپرداخت و این خود یکی از راههای درآمد مرحوم آیت الله آقا نجفی و همچنین عدهای دیگر از علماء بزرگوار بوده است .

چهارم : خوانندگان گرامی از مظالم و ستمگریهای ظل السلطان حاکم اصفهان و عمال و کار گزاران او و اعوان و انصارش مسلماً داستانها شنیده و در کتابها خوانده‌اند .

یکی از خصوصیات او و وابستگیانش آن بود که اگر در دبی مالک میشدند اگر چه بازدازه يك جریب یا کمتر بود پس از اندك زمانی با ظلم و فشار تمام آن ده را تصرف میکردند و حد اعلای ستم و بیداد را نسبت به رعایا و کشاورزان انجام میدادند حتی بطوریکه نقل شده است نسبت بنوامیس آنان نیز چشم طمع داشته و خیانت میکردند نه از خدا میترسیدند و نه از قیامت باك داشتند و نه از شاه و اهلش داشتند .

تنها قدرتی که در برابر این قدرت شیطانی وجود داشت نفوذ روحانی و دینی مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه بود .

مرحوم آقا نجفی همچون سدی محکم در برابر تجاوزات حاکم و یازانش مقاومت میکرد و تا حد امکان در دفع ظلم و ستم آنان میکوشید از مظلوم و ستمدیده حمایت و جانبداری مینمود و حق صاحبان حق را گرفته به آنان میرسانید . از اینرو عموم مردم اصفهان ( و غیر اصفهان ) هوا خواه و دوستدار او بودند و او را از جان و دل دوست میداشتند و دولتیان نیز از قدرت معنوی و نفوذ اجتماعی او هراسناک بودند .

من شنیده‌ام ( لکن تا کنون به سندی معتبر در این باره برخورد نکرده‌ام و از قول معتمدی نیز نشنیده‌ام ) که مالکین دهات و مزارعی که از ظلم و تعدی

ظل السلطان و مأمورین حکومتی خوفناک بودند بمنزل مرحوم آقای نجفی ( یا دیگری از علماء متنفذ ) رفته و بمیل و رغبت مقداری از املاک خود را به آن مرحوم صلح میکردند و در پرتو این عمل بقیه املاک آنان از تجاوز حاکم و وابستگانش محفوظ میماند ، زیرا بمجرد آنکه مأمورین حکومت جهت رسیدن به امیال شیطانی خود به آن روستا نزدیک می شدند و می فهمیدند که سرکار آقای نجفی در آن دهکده علاقه ملکی دارد بترس یا به احترام آنجا را ندیده میگرفتند و از آن محل صرف نظر میکردند .

نا گفته پیداست که ممکن است در اینگونه موارد از طرف برخی از اطرافیان مرحوم آقا نجفی ( یا دیگری از علماء ) بدون اطلاع و رضایت ایشان اعمال خلاف شرع و انصاف و انسانیّت صادر گردیده باشد ( این سخن در جواب آنانست که مدعی سخنانی از اینگونه می باشند ) و باید بدانیم که : ولاتزر و ازرة و زر اخیری ( سورة الانعام قسمتی از آیه ۱۶۴ ) که گناه دگری بر تو نخواهند نوشت .

خرید و فروش املاک دولتی : مرحوم انصاری در کتابهای خود مانند ( تاریخ اصفهان وری ص ۳۰۴ ) ضمن وقایع سال ۱۳۰۶ قمری می نویسد :  
شاه به اروپا رفت - اجازه فروش خالصجات ایران سوای طهران ولی مشیر الملك تا سه سال آنچه برای املاک اصفهان فرمان دادند تصرف نداد می گفت :  
شاه حق فروش ندارد ، این املاک اعتبار دولت است و باطنساً میخواست  
جاهای نافع را فقط برای ظل السلطان بخرد و برای خودش ( کلمة حق یراد بها الباطل ) .

علت اجازه فروش دادن را کسر آوردن و کمبود درآمد آن املاک می نویسد  
لکن حقیقت آن بود که چون شاه عازم مسافرت بفرنگ بود و در خزینه دولت هم پول باقی نمانده بود از اینرو شروع بفروش املاک نمودند .

املاك خوب و مرغوب و هر در آمد را شاهزادگان و وابستگان به حکام و علماء خریداری کردند و املاك درجه دوم را سایر طبقات مردم از تجار و غیره ولی علماء محتاط و پرهیزگار از خرید اینگونه املاك خودداری نموده و دیگران را نیز منع میکردند .

همچنین مرحوم انصاری در کتابهای خود ( تاریخ اصفهان وری صفحه ۳۲۹ - آگهی شهان سوم - تاریخ اصفهان اول ) ضمن وقایع سال ۱۳۱۶ قمری می نویسد :

هجوم اتباع مظفری و ظل السلطانی و کلاه بازان ایرانی بگرفتن فرامین اربابی های مردم بعنوان خالصه و در کتاب دیگر خود (ص ۱۱۲ سوم آگهی شهان) در ضمن وقایع سال ۱۳۱۶ می نویسد :

شروع ترکان و درباریان سلطنتی و متغلبین و متنفذین امور دولتی و ملتی بگرفتن فرامین انتقال املاك اربابی هیچگاه بتصرف مباشرین دولت یا تیول اعیان مملکت نبود .

و در ضمن وقایع سال ۱۳۱۷ می نویسد (ص ۳۲۰ تاریخ اصفهان وری قسمت پاورقی ) :

طغیان طوفان فرامین اربابی که مردم معمول و غیر معمول و هجوم مظلومین با چشم گریان نزد ظل السلطان و خانه يك دو نفر آفایان ....

طالبین اطلاع بیشتر بکتاب نامبرده و دیگر کتب مرحوم انصاری مراجعه فرمایند تا اندکی از بسیاری از اوضاع آن زمان و وضع آشفته دربار مظفری و حکومت اصفهان و غیره خبردار شوند .

گرفتن این فرمانها و تصرف املاك مردم بقهر و جبر موجب اذیت و آزار

و نارضایتی عموم مالکین و بویژه خرده مالکین گردید چه بسیار از مالکین جزء که از اینراه از هستی ساقط شده و حتی در زیر شکنجه مأمورین و نوکران اشخاص جان سپردند و احتمالاً برخی از علماء نیز دانسته و یا ندانسته ، بواسطه یا بیواسطه مالک و متصرف اینگونه املاک شدند .

البته هیچ يك از علماء معصوم نبوده نیستند اما آیا اعمالیکه اطرافیانشان بنام آنها انجام میدادند را میدانستند و به روی خود نمی آوردند و یا بعداً میفهمیدند و در دفع و رفع آن اقدام نمیکردند . این موضوعی است که فقط خداوند عالم الغیب والشهاده از آن آگاه است و بس .

و ممکن است که موضوع بر برخی از علماء مشتبه شده باشد و یا آنانکه امروز مطالبی از اینگونه نقل می کنند صاحب غرض و یا بی اطلاع باشند و یا آنچه مربوط به فردی است بدیگری نسبت دهند در هر حال از خداوند قادر متعال جهت خود و عموم مؤمنین طلب مغفرت و آمرزش می کنیم که : انه غفور رحیم .  
حافظه مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه : یکی از امتیازات و اختصاصات مرحوم آقا نجفی که ویرا از عموم امثال و اقران خود برتری داده و ممتاز گردانیده است حافظه قوی و محیر العقول آن مرحوم بوده است .

در کتب تاریخ و رجال بسیاری از بزرگان را بقدرت حافظه نام برده اند لکن مرحوم آقای نجفی از جهات عدیده بر بسیاری از آنان رجحان داشته است . از آنجمله :

- ۱ - هر چیزی را که يك بار شنیده بود و هر کتابی را که يك دفعه خوانده بود مطالب شنیده و خوانده را هرگز فراموش نکرده بود و این موضوعی است که عموم معاصرین و معاشرین ایشان گفته و نوشته اند .
- ۲ - بطوریکه مرحوم الفت فرزند ایشان می نویسد :

مرحوم آقا نجفی در خانه کتاب نداشت و در امر مطالعه نمی‌کرد و بگفت سابقین مراجعه نمی‌نمود بلکه فقط از حافظه خود استمداد می‌جست .  
۳ - همچنین مرحوم الفت می‌نویسد :

اجتهاد او عبارت بود از احاطه و استحضار خاطر بجمیع مسائل فقهیه بر طبق اجماع یا قول مشهور آراء فقهاء شیعه امامیه و در این خصوص تا آنجا هنرنمایی می‌کرد که :

مدت زمانی زیاده بر سی سال همه روزه جواب چندین مسئله فقهی را می‌گفت و می‌نوشت و با این وصف هرگز يك فتوای مخالف با مشهور فقهاء از او دیده و یا شنیده نشد .

لطیفه‌گوئی و حاضر جوابی : یکی از خصوصیات مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه لطیفه گوئی و حاضر جوابی اوست وی متناسب زمان و مکان و افراد گاهی بیاناتی می‌فرموده که قابل توجه است از آنجمله :

۱ - مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان ( ص ۴۹ سوم ) ضمن شرح حال مرحوم آقا نجفی می‌نویسد :

زمانیکه مرحوم حاج میر محمد صادق خانون آبادی و آقا سید حسن مدرس اسفهای و سید العراقین ( مرحوم حاج سید عبدالحسین خانون آبادی مدرس ) از نجف برگشته بودند و میخواستند برابر آقا نظار قدرت نمایند هر کدام بعنوانی : حاج میر محمد صادق بتدریس فقه و اصول و سید مدرس اسفهای بمشروطیت و تزه و تهور و شجاعت و سید العراقین به تعینات تدبیر و سیاست . ( غافل از آنکه آنچه آنان يك يك دارند آقا نجفی بتنهائی دارد ) .

روزی برای آقا نجفی پیغام فرستادند که :

امروز میخواهیم در رکاب آقا دیدن حکومت برویم .

آقا جواب دادند که : خر تقی رکاب ندارد (کنایه از اینکه مردم بوسیله اسم  
وشهرت من ننازند) .

ظاهراً این سخن نیز درست بود زیرا الاغی که مرحوم آقا نجفی بر آن سوار  
میشدند از کوچکی احتیاج به رکاب نداشت وبدون رکاب سوار میشدند .  
این جمله بعد از آن تاریخ ضرب المثل گردید که : « خر تقی رکاب ندارد » .  
۲ - تقی هم نمیتواند .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان ( ص ۵۲ سوم ) بعنوان حلم و بردباری  
مرحوم آقا نجفی شرحی نوشته بخلاصه آنکه :

در مجلسی که قرار بود مرحوم حاج آقا نور الله بفدائیان مشروطه نشان نقره  
بدهد وافراد علیه محمد علیشاه که بنای مخالفت با مشروطه ومشروطه خواهان را  
گذارده بود بد می گفتند .

حیدر کبابی ضمن نطق گفت : اگر آقایان اذن بدهند میرویم وتاج را از سر  
محمد علیشاه برمیداریم .

در همین موقع تلگراف از طهران رسید که محمد علیشاه مجلس را بتوب  
بسته است مردم وفدائیان ترسیده وبه حیدر کبابی پیشنهاد کردند که : مشهدی حیدر  
فوراً از شهر بیرون برو ومخفی شو که اگر تو را بگیرند می کشند .

مشهدی حیدر فریاد زد : هیچ کس جز آقا نجفی نمیتواند فلان مرا بخورد  
( کنایه از اینکه من فقط مطیع اوامر آقای نجفی هستم واز احدی نمیتروسم ) .

مرحوم آقا نجفی با کمال ملایمت فرمودند :

مشهدی حیدر ، تقی ام نمیتواند .

این جمله نیز ضرب المثل گردید که : تقی هم نمیتواند یعنی این کاری است  
بس دشوار که از عهده هیچ کس بر نمیآید .

۴ - باز مرحوم انصاری در همان کتاب ( ص ۴۸ ) می‌نویسد :  
در پیشرفت مقاصد تحریری بی‌نظیر داشتند در فنون انشاء خصوصاً در  
استعطاق و تناسب مورد و محل که به صمصام السلطنه لر بختیاری بزبان لری شعر  
بابا طاهر را می‌نوشتند :

بشم واشم از این عالم بدرشم .

و به رضا قلیخان سراج الملك صوفی درویش می‌نوشتند :

دلَم از قیل و قال گشته ملول ای خوشا خرقه و خوشا کشکول

از نمونه‌های اینگونه گفته‌ها و نوشته‌ها از مرحوم آقا نجفی زیاد نقل شده

است و ذکر همین چند مثال کافی بنظر میرسد .

مبارزه منفی : مبارزه بر دو گونه است :

۱ - مبارزه مستقیم یا مثبت .

۲ - مبارزه غیر مستقیم یا منفی .

مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه در طول مبارزات خود با دستگاه حکومت

بهر دو طریق مبارزه نموده است .

اقدامات سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۲۰ هجری قمری در قلع و قمع باییه و بهائیه

و همچنین جریانات مربوط به موضوع تحریم تنباکو و مبارزه جهت لغو امتیاز آن

در سال ۱۳۰۹ جزء دسته اول یعنی مبارزه مثبت و مستقیم است اکنون يك نمونه

از مبارزات منفی آن عالم جلیل را شرح میدهیم :

مرحوم الفت در نسب نامه خود درباره پدرش و حمایت کردن او از هر مظلوم

ستم‌دیده از هر طبقه و گروه : بازرگان یا کشاورز - مشروطه خواه یا مستبد

- شهری یا دهاتی رفتار او چنین بود :

در مرحله اول حاج حیدر علی نوکر پیر و مورد اعتماد خود را میفرستاد



و در باره شخص ستم‌دیده پیغام میداد و شفاعت میکرد اگر مؤثر واقع نمیشد در مرحله دوم نامه می‌نوشت و در آن وساطت میکرد اگر آنهم مفید واقع نمیشد خود آقا سوار میشد و به سمت دار الحکومه حرکت میکرد.

به محض ورود به دار الحکومه در یکی از اطاقها ساکت و آرام می‌نشست مأمورین حکومتی بحضور او شرفیاب گردیده و پس از اداء مراسم ادب و احترام از علت تشریف فرمائی پرسش میکردند. حضرت آقا با کمال سادگی و آرامی موضوع را بیان داشته و چیزی راجع به نجات و رفع گرفتاری او نمی‌گفتند (مثلاً می‌گفتند شنیده‌ام که مأمورین شما فلان کس را گرفته و زندانی کرده و در حبس شکنجه نموده و او را کشته‌اند) مأمورین حکومتی جزئیات را بنظر ظل السلطان حاکم مقتدر اصفهان میرساندند و او علی‌الرسم جوابی مساعد نمیداد.

موقع درس طلاب میرسید و سرکار آقا همچنان ساکت و آرام در گوشه اطاق دار الحکومه نشسته بود طلاب که از آمدن آقا نجفی جهت درس مأیوس می‌شدند پس از ساعتی کمکم متفرق میشدند و بدرسه‌های دیگر و کارهای خود میرسیدند. وقت نماز میشد (اگر تا آنوقت مسؤول آقا انجام نشده بود) ایشان هنوز در اطاق نشسته بودند مؤمنینی که جهت اداء نماز جماعت بمسجد آمده بودند و متوجه می‌شدند که آقا در دار الحکومه نشسته و به مسجد نمی‌آیند به سمت دار الحکومه (که در آنوقت یعنی قبل از ساختن باغ نو عمارت باغ کاج و چهلستون و توابع آن بود) حرکت میکردند در آنجا و در خیانه‌های اطراف صفوف جماعت منعقد میشد.

حضور صدها تن از مؤمنین پیرو جوان و مقدسین در صحن چهلستون و باغ کاج اطراف و انتظار انجام اوامر و دستورات سرکار آقا معلوم است چه اثری در روحیه حاکم و اطرافیان او خواهد گذارد. در این موقه - کمرترین اشاره‌ای از

طرف آقا نجفی جهت از بین بردن دستگاه حکومتی کافی است .  
ظل السلطان در تحت این شرایط و موقعیت اگر مظلومی را گرفتار ساخته بود ( که همیشه چنین بود ) فوراً ویرا رها ساخته و به کسان آقا تحویل میداد .  
اگر اموال کسیرا خود او یا اطرافیانش غصب کرده بودند حکم استرداد آنرا صادر مینمود .

در این هنگام آقا نجفی با کمال موفقیت با جمع مریدان و مؤمنین از آنجا بسمت مسجد شاه حرکت میکردند و با سلام و صلوات بخانه باز می گشتند ( اعلاط در انساب صفحه ۱۰ نقل از نسب نامه مرحوم الفت ) .

مرحوم الفت می نویسد : این قضیه در طول زندگانی مرحوم آقا نجفی چندین بار بصورت های مختلف تکرار شد و در همه حالات موفقیت با مرحوم آقا بود .  
( انتهی ) .

همچنانکه مرحوم آقا نجفی پشت و پناه مردم ستم دیده و حامی مظلومان در برابر دستگاه حکومت و ستمگران بود همیشه از پشتیبانی و حمایت مردم نیز بر خوردار بود و قدرت و نیروی او در برابر حاکم و دیگران پس از توکل بخداوند قادر قاهر نیروی جامعه بود .

مسافرت های مرحوم آقای نجفی رحمه الله علیه :  
مرحوم آقای نجفی ( حاج شیخ محمد تقی ) در حدود سن هیجده یا نوزده سالگی بسال ۱۲۸۱ جهت ادامه تحصیل بامر پدر بزرگوار خود رهسپار نجف اشرف گردید و این اولین سفر ایشان می باشد .

۲ - در سال ۱۲۸۲ در کربلا بوده و در آنجا بریاضات شرعیه اشتغال داشته است این ریاضات بدستور مرحوم حاج سید علی شوشتری انجام میشده

است وگاهی در سامراء وزمانی در کربلا ومدتی در نجف اشرف ساکن بوده  
وعلاوه بر تحصیل علوم شرعیه بصفای باطن واوراد واذکار خود ادامه میداده  
است .

در این مسافرت زوجه اول او نیزهمراه ایشان بوده ودرسال ۱۲۸۵ درنجف  
وفات یافته وهمانجا مدفون گردید .

۳ - پس از فوت زوجه خود در سال ۱۲۸۵ ظاهراً مدتی در نجف بدرس  
جناب میرزای شیرازی حاضر میشده وپس از مسافرت وهجرت ایشان به سامراء  
مرحوم آقای نجفی نیز بسامراء مشرف گردیده وبدرس جناب میرزا وشاید برخی  
دیگر از فحول مجتهدین حاضر گردیده ودر این زمان است که برای ایشان در  
سرداب مطهر مکاشفاتی رویداده که در کتابهای خود بدانها اشاره می کند .

در این سالها علامه مرحوم حاج شیخ محمد حسین برادر ایشان نیز با وی  
همراه بوده است .

۴ - در سال ۱۲۹۴ پس از وصول بمقام اجتهاد در کسب اجازات از اساتید  
ومشایخ باصفهان مراجعت نموده وبدرس ومباحثه وتالیف کتب وچاپ وانتشار  
آنها مشغول گردیده وبجهاتی چندروز بر شهرت وعنوانش افزوده وگاهگاهی  
بجای پدر در مسجد شاه امامت مینموده است .

۵ - در سال ۱۲۹۹ بمسافرت حج وزیارت کعبه معظمه ومدینه منوره مشرف  
گردید . در روز ۳ شنبه ۲۲ رمضان المبارک این سال از اصفهان حرکت نموده  
و در شنبه ۲۰ جمادی الثانیه ۱۳۰۰ مراجعت نموده است .

در این سفر مرحوم حاج شیخ محمد حسین وحاج آقانور الله برادران ایشان  
وجمعی از اهل علم همراه ایشان بوده اند .

۶ - قبل از سال ۱۳۰۶ مسافرتی بمشهد مقدس جهت آستانه بوسی حضرت  
ثامن الحجج علیه وعلی آبائه واینهاه الصلوة والسلام مشرف گردیده است .

۷ - در سال ۱۳۰۷ پس از قضایای بابی کشی ناصرالدینشاه ایشان را بطهران  
احضار می کند و آن مرحوم مجبوراً باتفاق مرحوم حاج آقا نور الله بآن شهر  
مسافرت نموده و تقریباً مدت شش ماه مسافرتشان بطول می انجامد .

۸ - در سال ۱۳۲۱ پس از وقایع بابی کشی در اصفهان ویزد مظفرالدینشاه  
ایشان را بطهران میخواند و آن مرحوم مجبوراً به پای تخت سفر نموده و تقریباً  
مدت يك سال این سفر ادامه پیدا می کند .

شرح این مسافرتها و آثار مترتبه بر آنها و اقدامات مرحوم آقای نجفی در  
این سفرها در خدمت به اسلام ودین وهمچنین شرح و طرز برخورد آنسندو  
پادشاه با ایشان وملاقاتها وگفتگوهای آن مرحوم با آنان وبا سایر درباریان از  
صدر اعظم دیدگران موجب اطاله کلام وخستگی خاطر خوانندگان ومهمتر از  
همه مخالف با اختصار وایجاز است که مقصود اصلی نویسنده بوده است .

در این مسافرتها مرحوم آقای نجفی مورد استقبال واحترام علماء طهران دیدگر  
شهرها قرار گرفته وعموم علماء با طرز فکر ایشان آشنا گردیده ومورد تأیید همگان  
قرار گرفت .

وقت شناسی : الامورات مرهونة باوقاتها :

یکی دیگر از خصوصیات مرحوم آقا نجفی وقت شناسی وانتهاض فرصت  
مناسب برای انجام مقاصد خود بود واین خود یکی از علل موفقیت آن مرحوم  
در کلیه کارها بشمار میرفت . او برای وصول به نیات خود در صدد یافتن موقع  
مناسب ووقت مقتضی بود که بهتر وزودتر وکاملتر بههدف ومقصود خود برسد .  
برای نمونه :

نامه‌ای را قرار بود که ظل السلطان امضاء کند و او مدتها آنرا بدفع الوقت عقب میانداخت و هر روز ببهانه‌ای بروز دیگر محول میکرد و امضاء نمیکرد .

به مرحوم آقا نجفی خبر دادند که ظل السلطان چند نفر مبهمان خارجی غیر مسلمان دارد که ظاهراً فونسول انگلیس و چند تن همراهان اویند و برای آنان سفره‌ای رنگین با مشروبات آماده و مهیا کرده است و در یکی از اطافهای باغ نو چیده و ضمناً اطاق را نیز معین کردند .

مرحوم آقا نجفی بدون اطلاع قبلی با اتفاق حاج حیدر علی نوکر مخصوص و مورد اعتماد خود بسمت باغ نو حرکت کرده دم در باغ نو ( خانه و مقر ظل السلطان ) نوکران حاکم از همه جا بی خبر آقا را با کمال احترام مانند دفعات قبل وارد کرده و در اطاق مجاور همان اطاق وارد می‌شود . نوکران نمی‌دانستند که در این روز بهر بهانه‌ای که شده باید سرکار آقا را برگردانند اما چه میشود کرد کار از کار گذشته است . بظل السلطان خبر ورود آن مرحوم داده شد ظل السلطان حاکم متکبر و مقتدر اصفهان در این هنگام خود را باخته و وحشت زده بنزد مرحوم آقا نجفی حاضر شده و با کمال ادب و انکسار می‌پرسد :

کاری و پیش آمده روی داده و یا امری است که زحمت کشیده تشریف آورده‌اید . آقا میفرماید :

خبر موضوع مهمی نیست فوراً کاغذ مورد نظر را از جیب خود بیرون آورده و بشاهزاده میدهد و میگوید : این ورقه را امضاء کنید . ظل السلطان از روی ناچاری با کمال بی میلی امضاء میکند و بدست آقا میدهد .

آقا نجفی از جا بلند شده و میفرماید: نزدیک ظهر وقت نماز است باید بمسجد برویم و خدا حافظی کرده و موفق و پیروز از خانه حاکم بیرون می‌آید .

فوت و محل دفن : مرحوم آیت الله آقای نجفی از اواخر سال ۱۳۳۰ ( تقریباً دو سال قبل از فوت ) بمرض استسقاء مبتلا گردید و مدت دو سال از این بیماری رنج برد و در بستر بیماری خفت و مداوای اطباء قدیم و پزشکان جدید در بهبودی حال او سودی نبخشید لکن در تمام این مدت شدت درد را تحمل نموده و هرگز ننالید و از مرض و درد شکوه ننمود و پیوسته بکارهای همیشگی خود از رسیدگی به امور مردم و کمک و یاری درماندگان و یاری و غمخواری ستمدیدگان مشغول بوده و آنی غفلت نکرد .

تنظیم وصیت نامه : مرحوم آقا نجفی چند ساعت قبل از فوت ( گوئی وقت آنرا میدانست ) به تنظیم وصیت نامه و نوشتن وقف نامه برخی از املاکش پرداخت و آنرا در حضور فرزندان امضاء و مهر نمود و در جعبه نهاد .

فوت : سرانجام در عصر روز يك شنبه یازدهم شعبان المعظم سال ۱۳۳۲ در منزل مسکونی خود وفات یافت .

مدت عمر : با توجه به روز تولد و وفات مرحوم آقا نجفی مدت عمر ایشان هفتاد سال و سه ماه و نوزده روز بوده است .

آخرین مکتوب - سفارشنامه : مرحوم آقا نجفی تا آخرین دقائق زندگانی و در حال شدت بیماری از یاری مظلومین و کمک درماندگان و ستمدیدگان غافل نبود .

عده‌ای از مردم سیستان به تظلم به اصفهان آمده بودند از آنها تفنگهایشانرا گرفته بودند در اصفهان خدمت آقای نجفی رسیده و کمک خواستند . مرحوم آقای نجفی در روزهای آخر زندگی خود و در شدت بیماری بود نامه‌ای درباره آنها به صمصام السلطنه بختیاری حکمران سیستان نوشت .

نامه وقتی بدست صمصام رسید که صدای گریه وزاری و شیون از خانه

ومحله مسجد شاه در فوت ایشان بلند شده بود .

صمصام السلطنة با حیرت و شگفتی گفت :

اگر آقا نجفی مرده است پس این نامه را چه کسی نوشته است ؟

مدفن : مرحوم آقا نجفی را بر حسب وصیت ایشان در باغ صحن امامزاده واجب التعمیم جناب احمد از اعقاب حضرت باقر علیه السلام واقع در محله حسن آباد که در قدیم آنجا را محله باغات میخوانده‌اند از توابع محلات مجاور مسجد شاه دفن کردند و بعداً جهت ایشان مقبره‌ای عالی با گنبد و بارگاه بنا کردند. عزاداری مردم اصفهان : پس از انتشار خبر فوت مرحوم آقا نجفی فوراً بازارها تعطیل شده و سیل جمعیت بسمت مسجد شاه سرازیر شد . مراسم تغسیل و تکفین در منزل انجام گرفت روز دوشنبه جنازه تشییع شده و جلسه اول در مسجد شاه و سپس در کلیه مساجد اصفهان بمدت چهل روز مراسم ختم و فاتحه خوانی منعقد گردید .

دستجات سینه زن و زنجیر زن و قمه زن از شهر و دهات و شهرهای دور و نزدیک در تمام این مراسم شرکت میکردند .

قضاوت مرحوم انصاری درباره مرحوم آقای نجفی : نویسندگان کتب هر يك بر حسب نوع افکار و سلیقه خود درباره مرحوم آقای نجفی مطالبی نوشته‌اند که بطور اجمال برخی از آنها را بیان داشته‌ایم .

انصاری در کتاب : آگهی شهان از کار جهان ( صفحه ۱۴۷ سوم ) ضمن وقایع سال ۱۳۳۲ می‌نویسد :

مرحوم آقا نجفی را اگر حب ملك و مال و دل بستگی با اولاد و عیال پشت ریاستش را نمی‌شکست در سیاست دست بیرنارک را به پشت می‌بست چنانچه آقای سید جمال الدین افغانی گفت : حرارتی بکله او دیدم که در کله بیرنارک

ندیدم . و راستی اگر رئیس الوزراء بود و چون میرزا تقی خان امیر ترك اغراض  
شخصیه مینمود از پشتکاریکه داشت و سر گرمی که بسافزودن آب و خاك خاطر  
می گماشت بسیاری از اطراف ایران را از بردن دیگران حفظ مینمود .

در تاریخ اصفهان ( صفحه ۴۸ سوم ) می نویسد :

یکی از سیاسیون درجه اول اروپا اصفهان آمده بود خدمت مرحوم آقا نجفی  
رسیده می گفت :

این آقا که خود را بصداقت ( و سادگی ) مینمایاند اگر اول نمره سیاسی  
لندن و پاریس بیاید آقا او را مانند دستمال پیچیده و در جیب خود می گذاردش .  
و بنده مکرر می گفتم :

اگر آقا نجفی صدر اعظم ایران بودند ولایات منتزعه را استرداد مینمودند  
چه گذشته از تدبیر و جدیت در کار و پیشرفت مقاصد تحریری بی نظیر داشتند .

او همچنین در تاریخ اصفهان وری ( صفحه ۳۶۹ قسمت پاورقی ) همین مطالب  
را با عباراتی دیگر نقل می کند که نیازی به تکرار ندارد .

مرحوم الفت در نسب نامه ( اعلاط در انساب صفحه ۱۰ ) درباره پدر خود  
می نویسد :

مستر گرام قنصل پیر و فیلسوف مآب انگلیس در اصفهان روزی می گفته :  
اگر این مرد ( یعنی آقا نجفی ) در انگلستان میبود او را وزیر امور خارجه  
مملکت می ساختیم .

ماده تاریخهای فوت : در فوت مرحوم آقای نجفی همانگونه که گفته شد  
مردم اصفهان و سایر شهرستانهای ایران و در نجف و کربلا همچنین در هندوستان  
مجالس فاتحه و سوگواری های زیادی منعقد گردید و از طرف وعاظ و گویندگان



در باره شخصیت علمی و مقام اجتماعی و خدمات آن مرحوم مطالبی گفته شد .  
 شعراء و ادباء ضمن قصاید و قطعاتی مراثی و ماده تاریخهایی گفتند که ذیلا برخی  
 از آنها را ذکر می کنیم :

۱ - مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری از جمله شاگردان  
 و معاشرین آن مرحوم در مرثیه استاد خود قطعه زیر را گفت :

آیت الله چون پدید شد	شرع مصطفی یافت ارتقاء
لیلة الولاد جبرئیل گفت	مولد النقی یکمیل النقی
بعد هفت عشر طی مرحله	یافت از فنا دولت بقا
«یرحل النقی بالنقی» نوشت	کدک جابری اندر این لقا

توضیح: مصرع چهارم «مولد النقی یکمیل النقی» ۱۲۶۲ سال تولد و مصرع  
 هفتم «یرحل النقی بالنقی» ۱۳۴۲ سال فوت مرحوم آقای نجفی میباشد .

۲ - مرحوم ملا عبدالجواد خطیب در مرثیه آن جناب گفت :

آیت الله شمع شرع رسول	از سحاب فنا نقاب گرفت
تلزمی شد فرد که عالم را	از غمش زاشک خلق آب گرفت
فلکی سیر بود و سدره خرام	راه خلد آن فلك قباب گرفت
ماه شعبان پسین یازدهم	چون شنید ارجعی شتاب گرفت
شد سؤال از خطیب تاریخش	جا چو آن گنج در تراب گرفت
(با) برای ندا برون شد و گفت	ایها الناس آفتاب گرفت

۱۳۴۲ - ۱۰ ، ۱۳۴۲

۳ - مرحوم ملا عبدالکریم ادیب الشریعه دستگردی متخلص به سودائی  
 در مرثیه و ماده تاریخ آن گوید :

رئيس اهل التقى بدر الدجى بهدى  
 شيخ تقى نقى طاهر علم  
 دارت عليه رحى الافضال والكرم  
 بآية الله من ذا صرار مشتهراً  
 قد كان خادم شرع المصطفى ماضى  
 سئات عبد الكريم عام رحلته  
 قال احسبوا الف الاطلاق عن عجز  
 من كان شيمته فضلاً واحساناً  
 من ضم بالعلم ايماناً وعرفانا  
 ان الفضائل كانت حيث ما كانا  
 لكونه بجلال الله برهاننا  
 شهر النبي الذي سماه شعباننا  
 وجائنى ببيان طاب عنواننا  
 انى وجدت له التاريخ « غفرانا »

۴ - مرحوم سيد عبدالوهاب مستشار دفتر متخاص به مرشد ( متوفى بسال ۱۳۴۳ ) در تاريخ فوت آن مرحوم در ضمن قطعه‌اى گفته است :

گفت مرشد براى تاريخش رحمت حق بحجت الاسلام

۵ - مرحوم آقا ميرزا محمد على معلم حبيب آبادى مؤلف بزرگوار كتاب :  
 مكارم الاثار در مرثيه وماده تاريخ فوت آن مرحوم در ضمن اشعارى گفته است :  
 قدمات ذا الشيخ حادى عشر شهر نبي  
 فى وقت عصر وقد قال المعلم فى  
 فى الله شعبان يوماً يذكر الاحدا  
 تاريخ رحلته : « قدمات بدرهدى »

۶ - مرحوم حاج شيخ مهدى نجفى در مرثيه مرحوم آفای نجفى عم بزرگوار  
 خود قطعه‌اى در ۱۹ بيت سروده و آنرا در كتاب الانهار (ص ۹۸) بچاپ رسانيده  
 مطلع آن بدینقرار است :

يا عامراً داراً عليك تنوح  
 يبقى لغيرك نزلها وتروح

آن مرحوم قطعه‌اى ديگر در ۲۱ بيت در رثاء عم بزرگوار خود مرحوم آفا  
 نجفى سروده و در كتاب الانهار (ص ۱۰۴) بچاپ رسیده است مطلع آن بدین  
 قرار است :

حملوك يا علم الهدى ولطامها  
 حملوا نذاك على الطلى مشهورا

جناب امامزاده احمد علیه السلام :

شهر اصفهان در قرون اولیه اسلام از جمله شهرهایی است که سنی‌گری در آن بطور کامل رواج داشته و مردم آن از تشیع و محبت خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بدور بوده‌اند و حتی از دشمنان خاندان عصمت و طهارت بشمار میرفته‌اند .

معروفست که گاهی که عمر بن عبدالعزیز به تمام ولایات دستور داد که دیگر سب حضرت علی علیه السلام بدعتی را که معاویه بن ابی سفیان بنیان نهاده بود نکنند مردم این شهر مبالغی پول خدمت خلیفه بعنوان رشوه فرستادند که اجازه دهد اینان شش ماه دیگر این عمل ناشایست خود را ادامه دهند .

جناب صاحب بن عباد مدت شش ماه یا بیشتر در جلسات درس از فضائل یکی از صحابه رسول اکرم در اصفهان سخن میگفت بدون آنکه نام او را ذکر کند پس از آنکه شاگردان با اصرار کردند که نام این صحابی بزرگوار را ببرد فرمود: او همانست که شما او را ببدی یاد می‌کنید یعنی حضرت علی امیر المؤمنین علیه السلام و در این مدت از روی تقیه نامش نمی‌بردم .

محلّه حسینیان ( محلّه شهشهان فعلی ) مرکز شیعه اصفهان و دوستان خانان نبوت و رسالت بود . در طرفین آن در مشرق و مغرب محلات در یا دریه ( محلّه طوقچی ) و محلّه دشت قرار داد ایندو محلّه جایگاه سنیان حنفی و شافعی بود ایندو گروه غالباً با یکدیگر نزاع و اختلاف داشته و محلّه حسینیان میدان کارزار آنان بود و از اینرو شیعه از آنها آسیب و آزار میدید و حکومت نیز شیعه را مؤاخذه میکرد نه مجرمین را .

سلاطین غزنوی یعنی محمود و مسعود و محمد از شیعیان بطور کلی و شیعه اصفهان بخصوص آنقدر کشتند که بوهم نمی‌آید و یقیناً از مشرکین و بت پرستان

هند و دیگر نقاط خیلی کمتر کشتار کردند .

در دوره ریاست یعنی خاندان خجندی در قرن پنجم در اصفهان مناره‌ای بود که آنرا مناره « هوهو » می‌گفتند . هر شب هنگام سحر مؤذن پس از اذان بانگ میزد « هوهو » و این رمز و کنایه‌ای بود مابین سنیان این شهر بدان معنی که: سب و لعن فراموش نشود . می‌نویسند که صدرالدین خجندی این بدعت نکوهیده را منع کرده و دستور خراب کردن آن مناره را فرمود .

با توجه به این نکات و دیگر موضوعها از عناد و دشمنی اصفهانیها در آن قرون بسا سادات و دراری پیغمبر دیگر جایی برای سکونت اولاد حضرت علی علیه السلام در این شهر باقی نمی‌ماند زیرا آنها در این شهر نه یار و یاور داشتند و نه پناه و ملجأی از اینروست که :

از اولاد بلا واسطه ائمه اطهار علیهم السلام هیچ کس را بطور یقین و بدون تردید نمی‌شناسیم و اگر کسی از آنها در آن زمانها باصفهان آمده باشد بطور ناشناس بوده و مخفیانه میزیسته و گمنام از دنیا رفته است .

در کتب تواریخ و انساب عده بسیاری از اولاد با واسطه ائمه معصومین علیهم السلام را می‌نویسند که در اصفهان بوده و در این شهر از دنیا رفته لکن محل قبر آنان غیر معلوم است و اگر هم ذکری از محل دفن شده باشد در طول تاریخ نام آن ناحیه گرفتار بیماری تغییر نام شده و امروز تشخیص آن غیر ممکن و یا مشکل می‌باشد .

با توجه بمطالب ذکر شده اینک اسامی جمعی از امامزاده‌های احمد نام ساکن و مدفون در اصفهان را با ذکر مأخذ بترتیب حروف تهجی ذکر می‌کنیم و قبلا متذکر می‌شویم که :

اصل در اعتقادات مذهبی سادات شیعه بودن است ( زیدی - اسماعیلی

- اثنی عشری ) مگر آنکه خلاف آن ثابت شود و اگر ظاهراً سیدی اظهار سنی  
گری کرده باشد آنرا بر تقیه حمل می کنیم :

۱ - ابو عبدالله احمد بن . . . . . از مصر به اصفهان منتقل گردید ( ص ۲۰  
منتقله الطالبیه ) .

۲ - ابو عبدالله احمد بن ابراهیم طباطبا ( رجال بحر العلوم صفحه ۱۶ یکم ) .

۳ - احمد بن حسن بن ابراهیم بن حسن بن حسین بن حسن الافطس  
( منتقله الطالبیه ص ۲۷ ) .

۴ - ابو علی احمد بن الحسن بن علی بن محمد بن احمد بن علی بن الحسن  
الامیر بن الحسن القاضی بن محمد بن صالح بن معویة بن عبدالله الجواد بن  
جعفر الطیار علیه السلام ( ص ۲۹ منتقله الطالبیه ) .

۵ - ابو منصور احمد بن طاهر بن احمد بن محمد بن طاهر بن احمد کرکوة  
ابن محمد بن جعفر بن عبدالرحمن الشجرى بن القاسم بن الحسن بن زید بن  
الحسن علیه السلام از راوند به اصفهان منقل کردیده و عقب او : همیره و محمد  
و مرتضی و ستیه و شرف میباشند ( ص ۲۲ منتقله الطالبیه ) .

۶ - احمد بن علی از احفاد حضرت باقر علیه السلام ( امامزاده احمد مشهور ) .

۷ - ابو العباس احمد بن ابوالحسن علی معروف به همیره قمی بن احمد بن  
محمد بن علی بن محمد بن عبدالله بن الحسن بن علی الخارصی بن محمد  
الدیاج بن الامام جعفر الصادق علیه السلام مادرش ستا و دختر ابوالقاسم بن الحسن  
ابن محمد ( حسن و احمد برادر بوده اند ) دیباجی بوده است ( ص ۲۴ منتقله  
الطالبیه ) .

۸ - احمد بن علی بن الامام محمد باقر علیه السلام امامزاده احمد بنا بر  
مشهور .

۹ - احمد بن علی بن سید معصوم . . . الامام محمد الباقر علیه السلام ( ص ۲۵۲ تاریخ اصفهان وری - امامزاده احمد ) .

۱۰ - احمد بن عیسی بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام ( صفحه ۸۰ یکم ذکر اخبار اصفهان ) .

۱۱ - أبو عبدالله احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم بن اسماعیل الدیباج بن ابراهیم الغمر بن الحسن المثنی بن الامام الحسن المجتبی علیه السلام از کوفه به اصفهان منتقل گردیده و اولاد و اعقابش در این شهر ساکن شدند قبرش در محله غازیان از محلات و کویهای جویساره اصفهانست ( صفحه ۱۴ مشاهد العتره - ص ۲۰ منتله الطالبیه ) .

۱۲ - ابو جعفر احمد وستکا بن ابی الحسن محمد بن احمد بن ابراهیم الوردی ابن ابی عبدالله محمد بن عبیدالله الامیر بن عبدالله بن الحسن بن جعفر ابن الحسن المثنی بن الامام الحسن المجتبی علیه السلام پدرش از ری به اصفهان منتقل گردیده است ( ص ۲۱ منتله الطالبیه ) .

۱۳ - احمد بن موسی المبرقع بن الامام محمد الجواد علیه السلام امامزاده معروف به احمد رضا مدفون در یکی از قرای بلوک کرون موسوم به : احمد رضا ( ص ۳۵۷ روضات الجنات - ص ۴۲ میزان الانساب ) .

از امامزادگان مذکور چهار نفر از اعقاب حضرت مجتبی علیه السلام و یک نفر از اعقاب جناب جعفر طیار و غیر از نفر اول که نسب او ذکر نشده است بقیه از اعقاب حضرت سید الشهداء علیه السلام می باشند .

چند توضیح راجع به افراد نامبرده شده : جناب امامزاده احمد که نسب شریف او را در کتابها بترتیب :

۱ - احمد بن علی از احفاد حضرت باقر علیه السلام

۲ - احمد بن علی بن الامام محمد الباقر علیه السلام

۳ - احمد بن علی بن سید معصوم . . .

نوشته‌اند .

جناب علی بن الامام محمد باقر علیه السلام :

حضرت امام محمد باقر علیه السلام پنج پسر و دو دختر داشت باین شرح :

۱ - حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

۲ - جناب عبدالله مادرش با مادر حضرت صادق علیه السلام مخدره ام فروه

دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر بوده است .

۳ - جناب ابراهیم مادرش ام حکیم دختر اسد بن مغیره ذئقی بوده است

۴ - جناب علی

۵ - جناب عبیدالله مادرش ام حکیم است

۶ - مخدره زینب مادرش با مادر جناب علی ام ولد بوده است

۷ - مخدره ام سلمه مادرش ام ولد بوده

ابن شهر آشوب گوید ( ص مناقب ) : غیر از حضرت ابو عبدالله امام

صادق علیه السلام همه اولاد حضرت باقر علیه السلام در زمان حیات آن بزرگوار

از دنیا رحلت نمودند و اعیان آنحضرت منحصرأ از حضرت صادق علیه السلام

می‌باشد .

در غایة الاختصار ( ص ۱۰۲ ) می‌نویسد :

واما علی بن محمد الباقر علیه السلام کان له بنت اسمها فاطمة تزوجها کاظم

علیه السلام قبره ببغداد بالجعفریه ظاهر سور بغداد .

سپس شرحی راجع به قبر او نوشته است و از قول محب الدین ابن النجار

گوید که آن مشهد در زمان ما مجهول است .

در ریاض العلماء (ص ۲۱۶ چهارم) می نویسد :

السید الاجل علی بن مولانا الامام محمد بن علی الباقر علیه السلام .  
وكان من اعظم اولاد مولانا الباقر علیه السلام واکابرهم ولغایة عظم شأنه  
لا یحتاج الی التطویل فی البیان وقبره بحوالی بلدة کاشان ومقبرته معروفه الی  
الان بمشهد بار کرس وله قبة رفیقه عظیمه .

وجماعتی از علماء درباره او فضائل زیادی نقل کرده اند و از کرامات آن  
بزرگوار وقبر مبارکش چیزها نوشته اند از آن جمله است شیخ بزرگوار شیخ عبد  
الجلیل قزوینی عالم معروف در کتاب خود که راجع به مناقضات وفضایح عامه  
بزبان فارسی تألیف نموده است .

در کتاب رجال شیخ طوسی است (ص ۲۴۱) که جناب علی بن الامام  
محمد الباقر علیه السلام از اصحاب حضرت صادق علیه السلام بوده است .  
اولاد جناب علی بن الامام : از کتاب غایة الاختصار نقل کردیم که جناب  
علی رادختری بود بنام فاطمه که بعقد ازدواج حضرت امام موسی کاظم درآمد .  
محدث قمی در منتهی الامال (ص ۸۰ دوم) نقل از بحر الانساب می نویسد :  
علی بن محمد الباقر علیه السلام لم یعقب سوی نبت ودفن فی ناحیه کاشان  
بقریة یقال لها بار کوسب فی مشهد .

از آنچه گذشت میتوان یقین حاصل کرد که قبر :

جناب علی بن الامام محمد الباقر علیه السلام همین مشهد قالی شوران معروف  
در حوالی کاشان می باشد .

واما مدفون در بغداد ظاهراً یکی از احقاب حضرت باقر علیه السلام می باشد  
ونسبت اشخاص به جد در همه زمانها معمول و متداول بوده و می باشد .

امامزاده احمد : در ریاض العلماء (ص ۲۱۷ چهارم) می نویسد :



و بدانکه سید جلیل سید احمد معروف به امامزاده احمد مدفون در محله باغات اصفهان از اولاد این سید جلیل ( سید علی بن الامام محمد الباقر علیه السلام ) میباشد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۲۱۵ قسمت بالای صفحه ستون دوم ) می نویسد :

دیگر از مبانی کهن امامزاده احمد است که نبیره حضرت امام محمد باقر علیه السلام و دارای مقام علم و تقوی بوده و آن در منظر کوچه‌ای که برای دروازه حسن آباد میرود واقع شده و پشت دیوار ضریح ورو به ارسی منظر این محل قطعه سنگ دیگری هم بود ( قطعه سنگ اول را ذکر ننموده است ) نوشته :

تجدید عمارت مزار امامزاده سید احمد بن سید علی بن سید مصوم از اولاد حضرت امام محمد باقر علیه السلام کمترین خادمان شاه قلی بن علی قلی بن علی برزین بسال ۵۳۷ نمود با سال رحلت .

سپس شرحی راجع به طول و عرض و نوع سنگ نوشته و آنکه آنرا در سال ۱۳۰۷ شمسی شبانه کنده و دزدیده‌اند .

محدث قمی در منتهی الامام بنقل از ریاض العلماء گوید :

و سنگی در آنجا است ( در بقعه امامزده احمد ) بخط کوفی بر آن نوشته است :  
بسم الله الرحمن الرحيم كل نفس بما كسبت رهينه هذا قبر احمد بن علی بن محمد الباقر علیه السلام و تجاوز عن سيئاته و الحقه بالصالحين و در بیرون بقعه سنگی است مستطیل بر آن نقش است امین رب العالمین بتاریخ سنه ثلث و ستین و خمسمائة ( در نسخه چاپی ریاض العلماء این قسمت را ندارد ) .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری ( ص ۲۵۲ ) می نویسد : سنگ مزار جناب امامزاده احمد از جنس الماس سیاه ( یا سنگ گرانبه‌ای دیگری ) بوده

در سال ۱۳۰۷ خورشیدی آنرا کهنه و دزدیده‌اند و بر سر آن مرحوم آقا جلال‌الدین متولی امامزاده (صدرعاملی فرزند آقا سید حسین بن علامه سید صدرالدین محمد عاملی موسوی) بنا شخصی بنام مجد از اهل طهران دو سال در عدلیه مرافعه و نزاع داشت (که البته بجائی نرسید).

ساختمان امامزاده احمد: یکی از آثار باستانی اصفهان ساختمان امامزاده واجب‌التعظیم والتکریم جناب امامزاده احمد علیه السلام میباشد.

اولین تاریخی که در این مقبره موجود است سال ۵۶۳ (قرن ششم) میباشد و آن بر قطعه سنگی است که در آستانه امامزاده در پائین پنجره مشبک چوبی مشرف بجاده قرار دارد که علی‌المشهور قسمتی از بت سومات هند میباشد.

ساختمان امامزاده عبارتست از بقعه کوچکی با گنبدی محقر بدون کاشی‌کاری و در داخل حرم کتیبه گچ‌بری سوره: الصافات و قسمتی از سوره: الدهر مربوط به زمان صفویه.

کتیبه‌های امامزاده و تاریخهای آن: ذیلا کتیبه‌های امامزاده را با سال کتابت آنها بطور فهرست یاد آورمی‌شویم و طالبین تفصیل آنها را به کتاب نفیس و ارزشمند گنجینه آثار تاریخی اصفهان (صفحه ۶۷۰ بعد) ارجاع می‌دهیم:

۱ - کتیبه سردرب بخط ثلث زمان شاه سلطان حسین صفوی بخط علی نقی امامی تاریخ ربیع‌الآخر ۱۱۱۵.

۲ - کتیبه ایوان ورودی بخط ثلث طلائی زمان شاه سلطان حسین صفوی بخط احمد حسینی تاریخ ۱۱۱۵.

۳ - کتیبه داخل بقعه بخط ثلث بخط علی نقی بن محمد محسن امامی تاریخ ۲۲ شعبان المعظم ۱۱۱۵.

۴ - کتیبه منظوم در اطراف ضریح امامزاده بخط نستعلیق طلائی شعر از

شاعری بان‌خلص حکیم بخط محمد حسین لہ زند بکلمہ تاریخ ۱۲۹۰ هـ . ق .  
۵ - کتیبه لوح سنگی منصوب بر دیوار ایوان غربی امامزاده مشرف برجاده  
مورخ بسال ۱۲۴۷ .

۶ - کتیبه لوح سنگی منصوب بر دیوار شرقی ایوان شمالی امامزاده مورخ  
بسال ۱۳۲۲ شمسی .

۷ - کتیبه سقاخانه متصل به سردرب امامزده شامل اشعار محتشم کاشانی بخط  
نستعلیق از حاج میرزا علی نقی تاریخ شهر ربیع المولود ۱۳۲۱ عمل استاد آقا  
جان کاشی پز .

۸ - لوحه زیارت نامه بخط سید هاشم مستطاب موسوی خواجوئی منصوب  
بر جرز سمت راست درب ورودی حرم امامزاده .

مدفونین در امامزاده احمد : آثار قبور آن عده از بزرگان که در طول تاریخ  
در صحن و اطراف امامزاده مدفون بوده‌اند در تعمیراتی که در هر موقع در آنجا  
انجام گردیده از بین رفته است .

مرحوم الفت نقل می‌کردند که درخانه مقابل امامزاده در داخل يك سرداب  
سه قبر بود ( ظاهراً اسامی مدفونین را نیز می‌فرمودند که اکنون نویسنده فراموش  
کرده است ) و تا این اواخر موجود بود بعداً خانه بفروش رفت و تغییر صورت  
یافته و بصورت چندین خانه کوچکتر درآمد و آثار قبور از بین رفت .

اکنون از قبوری که در صحن امامزاده است :

۱ - مرحوم هـ ما شاعر - ادیب - عارف معروف در پائین یکی از جرزهای  
شرقی ایوان شمالی بقعه امامزاده ( جنوب صحن کوچک ) کتیبه آرامگاه بشرح  
زیر میباشد :

آرامگاه سخنگوی نامدار ایران حکیم دانشمند شاعر بی‌مانند عارف ربانی

همای شیرازی اصفهانی ... الخ تولد ۱۲۱۲ فوت ۱۲۹۰ مساده تاریخ فوت :  
هما شد بال زن در سایه عرش .

۲ - محمد بیک فرزند حسین خان .

در وسط صحن کوچک امامزاده مقابل درب ورودی روی قبر شیری سنگی  
است که نشانه آنست که مدفون در آن از جمله پهلوانان وزورمندان بوده نامش که  
بر روی این قطعه سنگ منقور است : محمد بیک ولد مرحوم حسین خان میباشد .  
اشعار منقور بر دو طرف این شیر حاکیست که وی جوانی بوده که در سنین  
جوانی بوسیله خنجر کشته شده است .

۳ - مرحوم میرزا ابوالقاسم طرب فرزند هما قبرش پائین دیوار مقابل سر  
در ورودی بقعه امامزاده پای یکی از جرزهای شمالی صحن . فوت ۱۳۳۰ .  
متن کنیه هر دو سنگ یعنی هما وطرب از آثار مرحوم استاد همائی فرزند  
طرب میباشد .

۴ - مرحوم آقا شیخ محمد علی جبل عاملی عالم فاضل ادیب نویسنده سالها  
در مدرسه گلپهار از محضر ابن استاد بزرگوار بهره‌های علمی و اخلاقی برده  
است . رحمة الله علیه مشار الیه بعد از ۱۳۵۰ وفات یافت .

۵ - در ضلع شمالی صحن بزرگ امامزاده ( صحن امامزاده از دو قسمت  
تشکیل یافته : ۱ - در قسمت شمال بقعه ( صحن کوچک ) ۲ - در قسمت شرقی  
بقعه ( صحن بزرگ ) در وسط اطاق بزرگی است با ارسی که در اثر گذشت  
زمان وعدم توجه ارسیهای آن شکسته و خراب گردیده است در داخل این اطاق  
چندین قبر با سنگ‌های نفیس مرمری و خطوط نستعلیق زیبا موجود است که آنها  
بترتیب عبارتست از :

۱ - قبر همدم السلطنه دختر امیر نظام فوت ۱۲۹۷ در تاریخ اصفهان ( ص

۱۶۲ یکم ) می نویسد : دختر امیر کبیر زن ظل السلطان در موقع وضع حمل دو طفل توأم فوت شد ماده تاریخ را حاج میرزا علی انصاری گفت : جای خانم بود بجنّت عدن .

۲ - قبر عزیز السلطنه دختر ظل السلطان فوت ۴ ربیع الثانیه .

۳ - قبر خسرو خان فرزند ابوالفتح خان صارم الدوله ۱۸ ذی قعدة ۱۳۱۶ .

۴ - قبر غلام علیخان نایب اول از فوج گارد ولد عبدالله خان سرتیپ ۱۱ جمادی الثانیه ۱۳۲۵ که در جنگ قلعه لیشاب بضر ب گلوله سارقین کشته شده است .

تذکر : ظاهراً در اطراف امامزاده احمد قبرستان بزرگی بوده از قرن سوم تا اوائل قرن دهم و در زمان صفویه تبدیل به خانه و باغ و بازارچه و غیره شده و احتمالاً نام قدیمی آن واذار بوده و در اثر تصحیف در طول زمان به باغات تبدیل یافته و در دوران صفوی به بعد به محله باغات شهرت داشته است همانگونه که از ریاض العلماء نقل گردید .

تذکر و تنبیه : در خاتمه این مقال توجه خوانندگان محترم را به چند حدیث زیر جلب نموده و توفیق همگان را به عمل کردن به آن از خداوند قادر منان خواهانم .

حدیث یکم : علامه مجلسی علیه الرحمه در مجلد هفتم بحار الانوار ( ص ۳۷۴ ) از قول حضرت علی علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند :

اربعة انا لهم شفیع يوم القيامة :

۱ - المکرم لذریتی

۲ - والقاضی لهم حوائجهم

۳ - والساعی لهم فی امورهم عند ما اضطروا الیه

۴ - والمجب لهم بقلبه ولسانه .

این حدیث را سنیان نیز در کتابهای خود (صواعق - فصول المهمه و غیره) با اندک اختلاف در عبارت نقل کرده اند .

حدیث دوم : اكرموا اولادى الصالحون لله والطالحون لى .

این حدیث شریف بعبارت : اكرموا ذرىتى الصالح لله والطالح لى نیز

روایت شده است :

سادات نور دیده و اشراف عالمند از حرمت محمد و از عزت علی  
فردا طعام معده دوزخ بود ولی کامروز از محبتشان نیست ممنلی  
گر خرده ای ز جاهلشان سرزند برنج نتوان شکست قیمت گوهر به جاهلی  
از بهر آنکه سید کونین گفته است « الصالحون لله والطالحون لى »

حدیث سوم : ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت

می کند که آنحضرت فرمودند :

ان لله عز وجل حرمت ثلاث من حفظهن حفظ الله دينه و دنياه و من لم

يحفظهن لم يحفظ الله دنياه و لا آخرته :

۱ - حرمة الاسلام

۲ - وحرمتی

۳ - وحرمة رحمتی

حدیث چهارم : از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است

که فرمودند :

من زار احداً من ذرىتى فكأنما زارنى و من زارنى فقد زار الله عز وجل .

حدیث پنجم : شیخ بزرگوار صدوق علیه الرحمه در کتاب عیون اخبار الرضا

عَلَيْهِ السَّلَامُ از حسین بن خالد روایت می‌کند که حضرت رضا علیه السلام فرمودند:  
النظر الى ذربتنا عبادة قلت النظر الى الائمة منكم أو النظر الى ذرية النبي  
صلى الله عليه وآله . فقال عليه السلام : بل النظر الى جميع ذرية النبي عبادة ما  
لم يفارقوا منها ما جد ولم يتلوثوا بالمعاصي .

نظر و نگاه کردن به اولاد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنان که از  
از راه اسلام و تشیع خارج نشده‌اند و بگمراهی و ضلالت نیفتاده‌اند و خویششان  
را به پلیدی گناهان نیالوده‌اند عبادت است .

گر ز مغرب بر زند خورشید سر      عین خورشید است نی چیز دگر  
گفت پیغمبر که اولاد منند      جزو را از کسل چرا دور افکنند  
گر ز بغداد و هری یا از ری‌اند      از نژاد و مواسد و نسل ویند  
شاخ گل هر جا که می‌روید گل است      خم مل هر جا که می‌جوشد مل است

تذکر لازم : اصل در امامزادگان شهرت و صحت انتساب است مگر آنکه :

- ۱ - خلاف آن طبق مآخذ صحیح تاریخی و کتب معتبر انساب ثابت باشد .
- ۲ - معمول بودن آن محقق باشد مانند قبوری که در قبرستان قدیمی شمس آباد و مورنان و آهنگران در محل معروف به باغ درویش از جمعی از بزرگان ورژساق قرن دهم در بقعه خرابه‌ای باقی بود و متصدیان اوقاف در زمان حکومت گذشته نمیدانم بر پایه چه انگیزه‌ای آنجا را بنام امامزاده شهرت دادند و مردم هوام و ساده لوح را فریفته و مبالغه‌گزافی و جواهرات بعنوان نذورات و کمک به هزینه ساختمان بقعه و بارگاه برای آن دریافت نمودند و بنائی مرتفع در آنجا ایجاد کرده و نمیدانم نام آنرا چه نهادند در هر حال با این عمل هتک حرمت جمیع امامزادگان بزرگوار نمود .

و ظاهراً بمقصود خود هر چه بود رسیدند .

۳ - در چند محل مورد خلاف باشد که ترجیح یکی بر دیگری نیاز بدلیل متقن تاریخی دارد . مانند : امامزاده ابراهیم که بطور مثل در اصفهان در محله مستهلك - دارالبطیخ - خیابان شاه عباس خاکی بنام امامزاده دوقلی - قبرستان طوقچی - قریه زمان آباد بنام امامزاده نرمی و شاید چندین محل دیگر در اطراف اصفهان هم معروف به فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می باشند .  
در اینکه اینان همگی از اولاد ائمه اطهار علیهم السلام می باشند خلافی نیست لکن در نسب آنان باید تحقیق شود که به چند واسطه بکدام يك از ائمه علیهم السلام منتهی میشوند آنهم از روی مصادر تاریخی معتبر .

موافقین ومخالفین مرحوم آقای نجفی رحمه الله علیه : مرحوم آقای نجفی علیه الرحمه از جمله علماء بزرگواری است که در زمان حیات و پس از وفات عده زیادی ویرا ستایش نموده و به بزرگی وعظمت یاد نموده اند و در برابر عده دیگری ویرا مورد نکوهش و اعتراض وهدف تیرهای اغراض فاسده قرار داده و از او بیدی وزشتی یاد می کنند ذیلا جهت روشن شدن مطلب بشرح هر يك از دودسته موافق ومخالف وادله آنان پرداخته وقضاوت نهائی را بمعده خوانندگان وا می گذاریم :

الف ، موافقین : ۱ - افراد بی غرض وآنکه امور را آنچنانکه هست بدون نظر خاص می نگرند عموماً از جمله موافقین مرحوم آقای نجفی می باشند چه معتقدند که آن مرحوم مجتهد بوده وآنچه عمل نموده طبق نظر ورأی اجتهادی او بوده است ودر آنها حکم خداوند متعال ومصالحت جامعه مسلمین را در نظر داشته است .

۲ - عموم مورخین ونویسندگان اسلامی مانند : علماء وبزرگانیکه در شرح حال دانشمندان وعلماء اسلام وغیره کتاب نوشته اند وبمناسبتی مستقلاً یا در ضمن



مطالب از آن مرحوم یادی نموده‌اند همگان بالاتفاق وی را به عظمت و بزرگی یاد کرده‌اند به کتابهای: احسن الودیعه - از کلینی تا خمینی - اعیان الشیعه - بزرگان و دانشمندان اصفهان - رجال اصفهان - ریحانة الادب - فوائد الرضویه - مقالات مبسوطه بنقل از زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی مکارم الاثار - و فیات العلماء و دیگر کتب مراجعه شود .

۳ - ستمدیدگان و فقراء و کلیه کسانی که حمایت آن مرحوم موجب شده است که از ظلم بیدادگران نجات یابند و از فقر و بیچارگاری و ذلت و خواری رهایی یابند و یرا بزرگی یسادمی کنند و اولاد و اعقابشان که اکنون در قید حیاتند و از گذشتگان خود مطالبی در این موارد شنیده‌اند هنوز آنها را نقل مجالس نموده و طلب مغفرت و آمرزش و علو درجات از برای آن مرحوم می کنند .

۴ - بالاخره عموم مؤمنین و مقدسین از اهل علم و تجار و دیگر طبقات مردم که در زمان حیات آن بزرگوار و یرا پیشوای عادل و مجتهد کامل می شناخته و جهت درك فیض نماز جماعت آن مرحوم از محلات دور و نزدیک به مسجد شاه رفته و با اطمینان خاطر بایشان اقتداء میکردند و یرا بزرگی عدالت می شناختند . ب، و امام مخالفین: آنان نیز چند دسته ممتاز می باشند که ذیلا بطور اجمال بدانها اشاره می کنیم :

۱ - فرقه‌های خارج از دین و مرتد از ازلی و بابی و بهائی که مرحوم آقای نجفی سخت با آنان مخالفت بوده و در قلع و قمع آنان از هیچ نوع کشش و کوششی کوتاهی نمی فرمود ، و صریحاً هر جا یکی از آنان را می یافته و طبق موازین شرعی ارتداد او ثابت میشده حکم قتل میداده است .

البته اینان و همکیشانان از دسته اول مخالفین و بدگویان نسبت به مرحوم آقای نجفی می باشند و توقمی جز این نیز نباید از آنان داشت .

۲ - طبقه دوم از مخالفین مرحوم آقای نجفی شرابخواران و زنا کاران و دیگر اهل معاصی می باشند که چون گرفتار میشدند و جرم آنان محقق میشد تعزیر شده و یا حد شرعی میخوردند اینان نیز با آن مرحوم مخالف بوده و نسبت به ایشان اساءه ادب میکردند .

۳ - نویسندگان مغرض و آلوده که آنچه نوشته اند عموماً بدون مأخذ و دلیل بوده و آثار غرض ورزی و کینه توزی از نوشته های آنها پیداست . اینان با قلم های زهر آگین خود مطالبی خلاف واقع و دور از حقیقت از خود و افرادی همانند خود ساخته و پرداخته و در کتابها بهم بافته و آنرا تحقیق نام نهاده و بی خبران اینان را مورخ و محقق شناخته و بدون تعمق و بررسی حرفهایشان را بازگو می کنند .

۴ - آزادیخواهان بی دین که در زیر نام آزادیخواهی پشت پا بتمام موازین علمی - دینی - اجتماعی زده و همه آداب و رسوم را نادیده گرفته و مثلاً در باره آقای نجفی علیه الرحمه و دیگر علماء اسلام می گویند که :

علماء اسلام افرادی مستبد می باشند که آزادیهای فردی و عقیدتی را مانع میشوند چون انسان در اتخاذ عقیده آزاد می باشد و هیچ کس نباید جلوگیر آن باشد پس باید همگان در دفع و رفع این موانع بکوشند و آن موانع را از جلو ترقی بشر که محصول آزادی فکر و اندیشه و عقیده اوست بردارند بنا بر این باید با علماء مخالفت نمود و در آن زمان مرحوم آقای نجفی را که فرد شاخص و عالم مشهور در اصفهان بلکه در ایران شناخته میشد و مبارزات او علیه طبقات منحرف از اهل کبائر و مرتدین مشهور و زبانه زد خاص و عام گردیده بود بیشتر از همه با او مخالف بودند و در نوشته های خود از وی بیدی یاد میکردند .

۵ - آنانکه بیشتر از همه با مرحوم آقای نجفی مخالف بودند و در باره او سعایت نموده و بدگویی میکردند :

سفارتخانه‌های انگلیس و روس و کارمندان آنها و هواخواهان ایرانی آنان

بودند .

در آن زمان يك عده افراد بی شخصیت که فقط سود مادی خود را در نظر داشتند خود را به یکی از سفارتخانه‌های خارجی بسته و منافع اسلام و مسلمین و مملکت اسلامی را فدای منافع شخصی خود نموده بودند اینان رسماً از بیگانگان حمایت می‌شدند و خود آنها نیز بدون پروا بدان افتخار میکردند . هر کس را که مأمورین سفارت می‌گفت خوبست ( البته در قاموس استعمار معنی خوب را باید ملاحظه کرد ) اینان نیز ستایش میکردند و آنرا که سفارت خارجی بد می‌دانست اینان نیز بپدی یاد میکردند گویا خداوند قادر متعال عقل و منطقی را از اینان گرفته بود که به هیچ چیز فکر نمی‌کردند و چشم و گوششان همه و همه بفرمان اربابشان بود .

علمای بزرگوار شیعه در طول تاریخ پر افتخار خود همیشه نشان داده‌اند که با استعمار و استعمارگران مخالف بوده و مبارزات آنان علیه دول استعمارگر در متون تاریخ ثبت و ضبط گردیده است .

فرمان جهاد از طرف مرحوم شیخ جعفر نجفی در عهد فتحعلیشاه قاجار علیه روسیه تزاری .

فرمان جهاد و شرکت در آن از طرف مرحوم آقا سید محمد مجاهد در زمان فتحعلیشاه علیه روسیه .

حکم تحریم تنباکو از طرف سرکار میرزای شیرزای در عهد ناصر الدینشاه قاجار علیه که پانی انگلیسی در ظاهر و دولت انگلیس در باطن فرمان جهاد از طرف میرزای دوم شیرازی علیه انگلیس و جنگ عراق و انگلیس .

فرمان جهاد از طرف مرحوم حاج سید عبدالحسین لاری علیه انگلیس در عهد

احمد شاه قاجار و جنگهای دشتان ولار .

مبارزات مرحوم آیت الله کاشانی در ملی کردن صنعت نفت علیه دولت انگلیس .  
ومبارزات ملت ایران بر هبری روحانیت و بزعامت حضرت آیت الله العظمی  
نایب الامام آقای خمینی علیه آمریکا و دیگر دول استعمارگر همه و همه نمونه هائی  
است از مبارزات علماء شیعه علیه استعمارگران .

بنابراین دول استعمارگرا ز روی منطق و سیاست استعماری نباید با علماء اسلام  
و شیعه میانه خوبی داشته باشند و آنان را بخوبی یاد کنند از این جهت است که  
دولت انگلیس و روس با مرحوم آقای نجفی مخالف بوده و او را که بایان و بهائیان  
یعنی ستون پنجم استعمار مخالفت می کند بیدی یاد می کنند .

۶ - بالاخره آخرین گروهیکه در گفته ها و نوشته های خود بکنایه و یا بصراحت  
از عموم علماء اسلام و بالاخص خدمتگزاران واقعی از آن جمله مرحوم آقای نجفی  
بیدی یاد می کنند :

افرادی هستند که از خود رأی نداشته و گفته دیگران را نقل می کنند و قدرت  
فهم و درك صحت و سقم آنها نیز ندارند . هر کس هر چه بگوید باور می کنند  
و آنها در مجالس ذکر می نمایند و احياناً چیزی بر آن می افزایند قرآن کریم  
میفرماید : ان جاء کم فاسق بنیاء فتبینوا (سورة الحجرات آیه ۶) .

آنکس که غیبت می کند - آنکه بدگوئی می کند - کسیکه تهمت میزند  
گناهکار است و گناهکار فاسق است بنابراین گفته او که با دلیل قاطع همراه نباشد  
را نباید پذیرفت .

من خود مکرر از مرد ظاهراً مقدسی شنیده ام که از قول فرد ربا خسواری  
مطالبی علیه یکی از علماء بزرگ نقل میکرد . هر چه او را منع میکردم ، مؤثر  
واقع نمیشد و قول او را باور داشته بود . عبارت سعدی را در گلستان بخاطرش

آوردم که می گوید : به کسیکه نماز نمیخواند وام مسده زیرا : آنکس که فرض خدای بجای نمی آرد از قرض تو چه باك دارد . آنکس که ربا میخورد با آنهمه گناهیکه خداوند درباره او فرموده که : ماذنوا بحرب من الله ( سوره البقره آیه ۲۲۹ ) از تهمت زدن نمپهراسید .

یکی از گناهان کبیره نقل کردن گناه است : ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه - الخ الايه (سورة النور آیه ۱۹) ای کاش من و دیگران کمی در افعال و اقوال خود می اندیشیدیم و نفهمیده و نسنجیده سخنی نمی گفتیم و بخاطر می آوردیم که : ما یلفظ من قول الا لذبیه رقیب عنید ( سوره ق آیه ۱۸ ) .

زوجات و اولاد مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی رحمة الله علیه :  
مرحوم آقا نجفی سه زن عقدی و چند زن منقطعه داشته و از آنان جمعا چهارده فرزند بهمرسانید اما زوجات آن مرحوم عبارتند از :

۱ - دختر علامه مولی محمد صالح جو بیاره ای (دختر خاله ایشان) در حدود سال ۱۲۸۰ بعقد آن مرحوم در آمده و در حدود سال ۱۲۸۵ بجوانی در نجف اشرف وفات یافته است .

۲ - حلویه حاجیه مریم بیگم دختر علامه فقیه مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی ( دختر خاله دیگر آن مرحوم ) که پس از وفات زوجه اول آنرا بعقد ازدواج خویش در آورده است ، مشار الیها نیز در جوانی در ۱۵ ذی الحجة الحرام سال ۱۳۱۸ در اصفهان وفات یافته و در نجف اشرف در جنب قبر پدر بزرگوار خود در وادی السلام مدفون گردید .

۳ - مخدره زبیده خانم دختر مرحوم حاج محمد رضا وارث از بازرگانان معروف اصفهان که بعد از فوت زوجه دوم بعقد ازدواج آن مرحوم در آمد .

۴ - مخدره نازنین بیگم دختر مرحوم آقا سید نصرالله منقطعه .

- ۵ - مخدره گوکب سلطان دختر آقا محمد صفار منقطه
- ۶ - زنان منقطه دیگری که از آنان نیز اولاد یافته است و در کتب اهلاط در انساب ( صفحه ۱۸ ) که مطالب فوق مأخوذ از آنجا میباشد ذکر از بقیه زنان مرحوم آقا نجفی نشده است .
- مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار ( ص ۱۶۶۴ پنجم ) زنان متعه ای مرحوم آقا نجفی را دو تن می نویسد .
- اسامی پسران و دختران مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه :
- ۱ - مرحوم آقا جلال الدین جعفر
- ۲ - مرحوم حاج آقا کمال الدین شریتمدار
- این دو از دختر صولی محمد صالح جویناره ای میباشد .
- ۳ - مخدره خانم آغا زوجه مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام بید آبادی
- ۴ - مخدره ملکه خانم زوجه مرحوم حاج شیخ محمد حسین امام نجفی
- فرزند مرحوم حاج شیخ جمال الدین
- ۵ - مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت
- این سه نفر از حلویه دختر علامه تقیه آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی میباشد .
- ۶ - حاج شیخ محمد جواد نجفی
- ۷ - مخدره عصمت خانم زوجه مرحوم حاج شیخ مرتضی عماد الاسلام
- حجت نجفی فرزند مرحوم حاج شیخ جمال الدین
- این دو نفر از دختر مرحوم حاج محمد رضا وارث .
- ۸ - محمد حسین فرید
- ۹ - شیخ محمد علی مولینا

از مخدره منقطه نازنین بیگم .

۱۰ - مخدره زمزم خانم زوجه مرحوم حاج آقا کمال الدین قزوینی از

مخدره کوکب سلطان

۱۱ - مخدره زهرا خانم زوجه مرحوم حاج میرزا رضا ملا باشی

۱۲ - مخدره خدیجه خانم زوجه مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی

۱۳ - مخدره عالم خانم زوجه مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام بیدآبادی

که پس از فوت زوجه اول اختیار نمود

۱۴ - مخدره حمیده خانم زوجه مرحوم حاج آقا رضا غروی چهارسوقی .

توضیح : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکالم الاثار ( ص ۱۶۶۴ پنجم )

تعداد اولادان مرحوم آقا نجفی را بدون ذکر اسامی آنان جمعاً پانزده نفر می نویسد

و آنچه در این جا نقل شد مأخوذ از نسب نامه مرحوم الفت است بنقل از :

اعلاط در انساب .

اسامی مدفونین در بقعه مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه :

پس از فوت مرحوم آقای نجفی و دفن ایشان در این محل و ساختن بقعه

و بارگاه جهت ایشان جمعی از اولاد و اعقاب و وابستگان ایشان را در این مقبره

دفن نمودند ذیلا اسامی آنان بر حسب حروف تهجی با ذکر سال وفات و کیفیت

انتسابشان به آن مرحوم ذکر می شود :

۱ - مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت فرزند مرحوم آقای نجفی .

۲ - مرحوم آقا بهاء الدین الفت ( مفتون ) فرزند مرحوم حاج شیخ محمد باقر

۳ - مرحوم آقا جلال الدین فرزند مرحوم آقا نجفی

۴ - مرحوم آقا جلال الدین فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالحسین فوت ۱۰

رمضان المبارک ۱۳۹۶ ه . ق

- ۵ - مرحوم حاج شیخ محمد جواد نجفی فرزند مرحوم آقا نجفی فوت ۲۴ فروردین ۱۳۵۶ . ه . ش
- ۶ - مرحوم حاج آقا حسن ملا باشی فرزند مرحوم حاج میرزا رضا فوت ۹ جمادی الاولی ۱۳۹۸ . ه . ق
- \* - مرحوم حاج میرزا رضا ملا باشی داماد مرحوم آقا نجفی فوت ۱۳۳۴ بعداً به اعتاب مقدسه منتقل گردید
- \* - مرحوم حاج میرزا عبدالحسین بن آقا جلال الدین نجفی بعداً به اعتاب مقدسه منتقل گردید
- ۷ - مرحوم شیخ علی محمد بن مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی نواده دختری آقا نجفی فوت ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۹۱ . ه . ق
- ۸ - مرحوم حاج شیخ محمد علی بن آقا جلال الدین نجفی ۲ شنبه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۸۷ . ه . ق
- ۹ - شیخ موسی نجفی فرزند شیخ مهدی کاشف الغطاء فوت شعبان ۱۳۳۶ قبر در خارج بقعه در ایوان صحن تکیه
- ۱۰ - مرحوم حاج آقا نور فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالحسین نجفی فوت شوال ۱۳۹۸
- ومدفونین از زنان این خاندان :
- ۱ - مرحومه بهجت خانم صبیبه مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی زوجه فوت ۱۵ مهر ۱۳۶۴ . ه . ش
- ۲ - مرحومه زبیده خانم دختر حاج محمد رضا وارث یکی از زوجات مرحوم آقای نجفی
- ۳ - مرحومه زمزم خانم دختر مرحوم آقای نجفی فوت ۲۰ رجب ۱۴۰۴ . ه . ق



۴ - مرحومه زهرا خانم دختر مرحوم آقای نجفی فوت ۷ رجب ۱۳۴۹ هـ . ق

۵ - مرحومه طلعت خانم دختر مرحوم شریعتمدار فوت ۱۶ جمادی الاولی

۱۳۹۱ هـ . ق

۶ - مرحومه مونس الحاجیه دختر مرحوم حاج میرزا عبدالحسین نجفی

فوت ۱۲ جمادی الثانیه ۱۳۹۹ هـ . ق

یک قبر دیگر نیز بدون نام و تاریخ .

در صحن تکیه نیز قبری از یکی از منسوبین به خاندان مسجد شاهی میباشد .

## فهرست موضوعات و مطالب کتاب

۲۴	تذکر	۱	نام کتاب
۲۵	سبب تألیف	۳	صلوات
۳۱	خاندان مسجد شاهی	۵	تقریظ
۳۲	تسمیه کتاب	۹	اهداء کتاب
۳۳	تقسیم بندی کتاب	۱۱	حدیث
۳۴	ذکر دو حدیث	۱۲	کلام عماد کاتب
۳۵	سخنی چند با خوانندگان	۱۲	شعر
۳۶	چند تذکر لازم	۱۳	پیشگفتار
		۱۵	خاندانهای علمی اصفهان
۳۹	۱ - شیخ جعفر	۱۸	آثار شوم حکومت پنجاه ساله
۴۱	نسب شریف	۱۹	خاندان مسجد شاهیان
۴۲	فرمایش امام دربارہ مالک	۱۹	روحانیت شیعه
۴۲	معاویه قاتل مالک	۲۲	استعمار خارجی

۷۹	شیخ جعفر و شعر	۴۳	اعقاب جناب مالک
۷۹	مهرکة الخمیس	۴۴	شیخ خضر نجفی
۸۱	نمونه شعر شیخ جعفر	۴۵	شیخ جعفر : نام
۸۴	مسافرت شیخ به ایران	۴۵	پدر
۸۴	مسافرت به حجاز	۴۵	محل سکونت
۸۶	نماز جماعت	۴۵	شهرت خاندان
۸۶	همسفران شیخ	۴۵	مادر
۸۶	میانجیگری شیخ	۴۶	دختر
۸۷	حکم جهاد	۴۶	تولد
۸۸	مؤلفین کتب جهادیه	۴۶	اقوال مؤلفین
۸۹	قائلین بوجوب جهاد	۴۸	بیان شیخ جعفر
۸۹	حکم جهاد مرحوم شیخ	۵۰	ابتداء و انتهای کار شیخ
۹۰	عبادت مرحوم شیخ	۵۱	اساتید
۹۱	حدیث نفس	۵۴	احترام معلم
۹۳	مرحوم آقا سید محمد کاظم	۵۵	انضامی برخی از شاگردان
۹۳	کرامتی از شیخ	۶۲	اجازه شیخ برای حاجی کلباسی
۹۷	خواب دیدن شیخ	۶۳	تألیفات
۹۷	خواب یکی از بزرگان	۷۲	مقام علمی شیخ جعفر
۹۸	عقیده شیعه	۷۴	کتابخانه شیخ
۹۹	پادشاهان جانشین سلاطین	۷۵	شیخ جعفر و شیخ حسین نجف
۱۰۳	شرایط نیابت سلطنت	۷۶	شیخ جعفر و میرزا محمد اخباری
۱۰۴	طریقه مرحوم شیخ	۷۸	ابتدای شاعری

۱۲۹	اقوال بزرگان	۱۰۶	دو واقعه مهم
۱۳۱	تحصیلات	۱۰۷	لباس و خوراک
۱۳۱	مهاجرت به ایران	۱۰۸	شیخ وامین الدوله
۱۳۲	علت مهاجرت	۱۰۸	شیخ یکی از افراد سعادت‌مند
۱۳۲	واقعه کربلا (وهایه)	۱۱۰	همسران
۱۳۴	مهاجرت عده‌ای از بزرگان	۱۱۱	اولاد - پسران
۱۳۵	مآخذ وقایع کربلا	۱۱۳	دختران مرحوم شیخ
۱۳۶	شیخ در مشهد	۱۱۴	وصایای مرحوم شیخ
۱۳۷	شیخ در یزد	۱۱۵	وفات شیخ
۱۳۷	شیخ در اصفهان	۱۱۶	ماده تاریخ فوت
۱۳۸	محل احمدآباد	۱۱۷	برخی از مدفونین در بقعه
۱۳۸	منسوبین به محل احمدآباد		
۱۳۹	مدارس احمدآباد		۲ - شیخ محمد تقی رازی ۱۲۳
۱۳۹	حصار لله بیک	۱۲۵	نام
۱۴۱	مدرسین مسجد شاه	۱۲۵	پدر وجد
۱۴۲	ائمه جماعت مسجد شاه	۱۲۵	مادر
۱۴۳	تدریس و امامت شیخ	۱۲۶	اولاد حاج محمد رحیم
۱۴۴	بیان مرحوم میرزای بزرگ	۱۲۷	شهرت
۱۴۵	ازدواج	۱۲۷	تولد
۱۴۶	دامادهای شیخ جعفر	۱۲۷	محل تولد
۱۴۶	اساتید شیخ محمد تقی	۱۲۷	ایوان کی
۱۵۱	خوابی شگفت	۱۲۹	استاجلو

۱۸۷	اقوال بزرگان	۴۵۲	محمد بن بزيع
۱۸۸	مخالفت شيخ با شيخيه	۱۵۳	ذکر حدیثی
۲۸۹	اقامه جماعت	۱۵۴	فائده رجالی : مهدیون
۱۸۹	ادوار زندگی	۱۵۵	شاگردان
۱۹۱	اساتید و مشایخ	۱۶۵	تالیفات
۱۹۳	شاگردان	۱۷۴	پسر بجای پدر
۱۹۴	تالیفات	۱۷۵	عیال و اولاد
۲۹۸	تعلیقات و حواشی	۱۷۵	گفتگوی فتح علیشاه
۲۰۴	حاج آقا منیر الدین	۱۷۶	تفاوت بین شیخ و شاه
۲۰۴	ملا علی بروجردی	۱۷۶	اولاد مرحوم شیخ
۲۰۵	گفتار راجع به فصول	۱۷۷	وفات شیخ
۲۰۷	اجمال زندگی	۱۷۷	مرتبیه و ماده تاریخ
۲۰۹	تکفیر کردن شیخ احمد را	۱۸۱	رفع اشتباه
۲۰۹	وفات	۱۸۱	برخی از مدفونین
۳۲۱	محل دفن	۱۸۲	زنهاي مدفونه
۳۲۱	تحقیق در سال و ماه وفات		
۲۴۴	برخی از مدفونین		
۲۱۳	اولاد و اعقاب		
			۳ - شیخ محمد حسین صاحب
		۱۸۵	فصول
۲۱۵	۴ - سید صدرالدین	۱۸۷	نام
		۱۸۷	پدر
۲۱۷	نام	۱۸۷	شهرت
۲۲۷	لقب	۱۸۷	تولد

۲۳۱	فائده لغوی	۲۱۷	پدر
۲۳۱	فائده رجالی	۲۱۷	مادر
۲۳۲	اساتید و مشایخ	۲۱۷	محل تولد
۲۳۵	سید صدرالدین قبل از بلوغ	۲۱۸	نسب شریف
۲۳۶	چند تن قبل از بلوغ	۲۱۸	سید عزالدین حسین
۲۳۹	اسامی شاگردان مرحوم صدر	۲۱۹	سید نورالدین علی
۲۴۰	اجازه مرحوم صدر	۲۱۹	سید نورالدین علی دوم
۲۴۳	مهاجرت به ایران	۲۱۹	سید زین العابدین
۲۴۳	آقا سید صدرالدین در اصفهان	۲۲۰	سید شرف الدین
۲۴۴	خانه مرحوم آقای صدر	۲۲۱	سید محمد کبیر
۲۴۵	شیخ ابو مسعود رازی	۲۲۱	برگشت بمطلب
۲۴۷	شخصیت شیخ ابو مسعود	۲۲۲	سید صالح
۲۴۸	بقعه و خانقاه	۲۲۴	فرزندان سید صالح
۲۴۸	فائده تاریخی	۲۲۵	برادران و خواهران سید صدر
۲۴۹	مسجد نو حاج رسولیها	۲۲۵	سید ابوالحسن بن صالح
۲۵۰	تالیفات مرحوم آقای صدر	۲۲۶	سید محمد علی بن صالح
۲۵۳	ابن ابی عمیر	۲۲۷	سید مهدی بن صالح
۲۶۱	برخی از اشعار مرحوم صدر	۲۲۷	سید ابوالبرکات
۲۶۳	عبادت و بندگی	۲۲۸	واقعہ جزار
۲۶۴	همسران	۲۲۹	داستان جزار
۲۶۵	لطیفه از سید ابوالحسن خوشمزه	۲۲۹	عاقبت کار شیخ علی
۲۶۶	پسران مرحوم آقای صدر	۲۳۱	برخی از مقتولین

۲۸۶	مجازین از سید حسن صدر	۲۶۷	سید ابو جعفر
۲۸۸	حاج آقا حسین خادمی	۲۶۸	سید ابوالحسن
۲۹۰	سید حیدر عاملی	۲۶۹	سید اسماعیل
۲۹۱	سید محمد صادق صدر	۲۷۰	حاج سید اسماعیل صدر
۲۹۱	سید صدر الدین صدر	۲۷۲	تالیفات حاج سید اسماعیل
۲۹۳	تالیفات آقا سید صدر الدین	۲۷۲	برخی از شاگردان
۲۹۴	نمونه اشعار	۲۷۴	سید محمد تقی
۲۹۵	اولاد مرحوم آقای صدر	۲۷۴	سید حسین
۲۹۵	سید عبدالحسین شرف الدین	۲۷۴	سید علی
۲۹۸	سید عیسی	۲۷۵	سید محمد علی آقا مجتهد
۳۰۰	حاج آقا مجلس	۲۷۵	دختران مرحوم آقای صدر
۳۰۱	امام موسی صدر	۲۷۶	دامادهای آقای صدر
۳۰۲	حاج سید مهدی صدر عاملی	۲۷۶	میرزا محمد تقی خاتون آبادی
۳۰۲	سید مهدی بن اسماعیل	۲۷۷	مولی محمد شریف دزفولی
۳۰۳	سید هادی شرف الدین	۲۷۷	شیخ عبدالهادی قاضی
۳۰۳	حاج آقا رضا صدر	۲۷۸	شیخ محسن دزفولی
۳۰۴	سید محمد صدر	۲۷۸	برخی از اعقاب ومنتسبین
۳۰۶	سید محمد علی جمال زاده	۲۷۹	سید محمد باقر صدر
۳۰۷	وفات مرحوم آقای صدر	۲۸۱	سید جمال واعظ
۳۰۸	تحقیق در سال وفات	۲۸۲	حاج سید محمد جواد عاملی
۳۰۹	برخی از مدفونین	۲۸۲	حاج سید محمد جواد صدر
		۲۸۴	سید حسن صدر الدین

۳۴۰	رفع اشتباه	۳۱۱	۵ - حاج شیخ محمدباقر
	۶ - حاج شیخ محمدتقی آقا نجفی	۳۱۳	نلم - پدر - مادر - شهرت
۳۲۱		۳۱۳	نسمه خاتون
۳۴۳	نام - کنیه - شهرت	۳۱۴	اقوال بزرگان
۳۴۳	تولد - پدر	۳۱۶	اساتید و مشایخ
۳۴۴	گفتار بزرگان	۳۱۸	اجازه شیخ
۳۴۷	اساتید نجفی	۳۲۰	اسامی شاگردان
۳۴۷	آقا نجفی در نجف	۳۲۵	تالیفات
۳۵۰	رفع اشتباه	۳۲۶	اقدامات و خدمات
۳۵۰	مکاشفه	۳۲۹	طرز اندیشه مرحوم انصاری
۳۵۱	مکاشفه دیگر	۳۳۳	فراست مرحوم شیخ
۳۵۲	مساجد مبارکه کوفه	۳۳۴	علت مهاجرت
۳۵۳	مکتب تربیتی سامرا	۳۳۴	فوت و تاریخ و محل
۳۵۵	چند خصیصه	۳۳۶	عبادت در تخت فولاد
۳۵۶	اسامی چند کتاب	۳۳۶	سؤال از علت مهاجرت
۳۵۷	ظهور صغری	۳۳۶	ورود به کربلا
۳۵۹	شاگردان آقا نجفی	۳۳۶	ورود به نجف
۳۶۶	تالیفات	۳۳۷	ماده تاریخ فوت
۳۸۶	نظریه نویسندگان راجع به کتب	۳۳۷	بیان ظل السلطان
۳۸۹	صفات بارز آقا نجفی	۳۳۹	همسران مرحوم شیخ
		۳۳۹	اولاد مرحوم شیخ



۴۲۵	قرارداد رویتر	۳۹۲	نقاط ضعف آقا نجفی
۴۲۶	امتیاز بانک شاهی	۳۹۴	تذکر و تنبیه
۴۲۸	شرح ماجرا	۳۹۵	هرون ولایت
۴۲۸	عکس العمل مردم	۳۹۸	قبر هرون بن موسی کجاست
۴۲۹	اصفهان در مبارزه	۳۹۹	تحقیق درباره هرون
۴۲۹	تبریز	۴۰۰	اعقاب جناب هرون
۴۳۰	شیراز	۴۰۱	احترام و بزرگداشت علماء
۴۳۲	طهران	۴۰۲	اهتمام در اجرای حدود
۴۳۲	یزد	۴۰۲	داستان بایبی کشی در سال ۱۳۰۷
۴۳۳	علماء و خطباء شهرها	۴۰۶	شرح مسافرت بطهران
۴۳۵	اسامی برخی از علماء	۴۰۶	پیشواز کردن علماء
۴۳۷	اصفهان و موضوع انحصار	۴۰۹	مکالمات شاه و آقا نجفی
۴۳۹	فتوای حرمت	۴۱۰	یادداشت اعتماد السلطنه
۴۴۰	حکم تحریم آقای نجفی	۴۱۲	دخالت بیگانگان
۴۴۰	اسامی علماء موافق	۴۱۵	سیاست آقا نجفی در امور
۴۴۲	مشیر الملك انصاری	۴۱۵	نهضت مبارزه با رژی
۴۴۴	عاقبت کار مشیر	۴۱۷	نظریه سید جمال الدین اسدآبادی
۴۴۴	موافقین و کارکنان کمپانی	۴۱۸	قرن ۱۴ هجری
۴۴۵	دنباله اقدامات	۴۲۰	امتیاز تنباکو
۴۴۶	اجتماع در مسجد مصلی	۴۲۱	یک مقایسه بین ۲ قرارداد
۴۴۶	تلگراف مردم اصفهان	۴۲۴	مقدار رشوه
۴۴۷	تلگراف شاه به آقا نجفی	۴۲۵	مسافرت های ناصرالدینشاه

۴۷۰	بایان در قونسولگری روس	۴۴۷	تهدید کردین ظل السلطان
۴۷۱	بیان ظل السلطان	۴۴۸	تذکر
۴۷۳	دنباله مطلب	۴۴۸	اقدامات جناب میرزا
۴۷۴	آقا نجفی در طهران	۴۴۹	تلگراف اول و دوم میرزا
۴۷۵	سخنان مظفر الدینشاه	۴۵۰	صدور حکم تحریم
۴۷۶	کرامتی از آقا نجفی	۴۵۰	صورت حکم
۴۷۷	کارها را باید جدا کرد	۴۵۱	گفتار ناصر الدینشاه
۴۸۰	آقا نجفی در انقلاب مشروطه	۴۵۱	آثار حکم میرزا
۴۸۱	تجاهل العارف	۴۵۲	نیرنگ دولتیان
۴۸۲	نایب شاه کوجاس	۴۵۳	علماء اسلام از نقشه استعمار
۴۸۲	دار یا قایق	۴۵۳	وسوسه در حکم
۴۸۳	این چی چی اس	۴۵۴	نیرنگ دربار
۴۸۴	شماکی باشید	۴۵۵	چند نظریه راجع به موضوع
۴۸۵	قونسول چی چی اس	۴۵۸	نظریه‌های مختلف
۴۸۵	تکفیر کردن آقا نجفی	۴۶۰	تذکر و توضیح
۴۸۷	توهین به اهل سنت	۴۶۱	سؤال و جواب
۴۹۰	ثروت و دارائی	۴۶۱	میزان خسارت
۴۹۱	فروش خالصه‌ها	۴۶۲	یک سند زنده
۴۹۲	مضاربه	۴۶۳	در سه جبهه بایک هدف
۴۹۳	صلح اشخاص	۴۶۵	آقا نجفی و شعر
۴۹۴	خرید و فروش املاک دولتی	۴۶۷	شرکت اسلامیّه
۴۹۶	حافظه آقا نجفی	۴۶۸	موضوع بایبی کشی ۱۳۲۱

۵۱۴	اولاد حضرت باقر علیه السلام	۴۹۷	لطیفه گوئی
۵۱۵	اولاد علی بن الامام	۴۹۸	حجر تقی رکاب نداره
۵۱۵	نسب امام زاده احمد	۴۹۸	تقی هم نمی تواند
۵۱۷	ساختمان امام زاده	۴۹۹	مبارزه منفی
۵۱۷	کتیبه های امامزاده	۵۰۱	مسافرت های آقا نجفی
۵۱۸	مدفونین در امامزاده	۵۰۳	وقت شناسی
۵۲۰	تذکر و تنبیه	۵۰۵	فوت و محل دفن
۵۲۳	چند حدیث	۵۰۵	تنظیم وصیت نامه
۵۲۲	تذکر لازم	۵۰۵	معدت عمر
۵۲۳	موافقین و مخالفین آقا نجفی	۵۰۵	آخرین مکتوب
۵۲۲	موافقین	۵۰۶	مدفن
۵۲۴	مخالفین	۵۰۶	حواداری مردم اصفهان
۵۲۸	زوجات و اولاد	۵۰۶	قضاوت انصاری
۵۲۹	پسران	۵۰۷	ماده تاریخ فوت
۵۲۹	دختران	۵۱۰	امام زاده احمد
۵۳۰	اسامی مدفونین در بقعه	۵۱۱	امام زاده های احمد نام
۵۳۳	فهرست مطالب	۵۱۳	چند توضیح

## غلطنامه کتاب

ص	س	غلط	ص	س	غلط	ص	س	غلط
		صحیح			صحیح			صحیح
		فهم	۷	۷۳	از نظر گذراندم	۴	۹	گذراندم
		نامبردن	۷	۷۴	تلبسنا	۲۱	۱۰	یلبسنا
		سرفرمانده	۱۸	۷۷	چنان بود ، بود	۱۰	۱۲	چنان بود
		المواهب	۱۹	۷۸	ینام	۱۲	۱۴	مقام
		صفو	۱۶	۸۳	هرندی	۱۴	۱۷	مرندی
		النری	۲۱	۸۳	چدا	۸	۱۸	جیرا
		المصحوب	۴	۸۴	داستان	۲۱	۲۳	دوستان
		شیر روز	۳	۸۷	سیاحت	۱۴	۲۹	سیاست
		در آن موقع	۸	۹۹	اخلاف	۲۲	۳۰	اسلاف
		قطیبت	۷	۱۰۱	هرند	۴	۳۱	مرند
		جمیع	۱۸	۱۰۱	یدخل	۲۲	۳۴	تدخل
		نیز	۱۰	۱۰۲	قلبه مقدار	۳	۳۵	قبله مقدار
		معرفت	۶	۱۱۰	در	۲	۴۲	دو
		ظویهری	۲۱	۱۱۰	ورام	۱۴	۴۳	درام
		الدامغ	۹	۱۱۱	المعرفه	۱۲	۴۶	العرفه
		انوار الفقاهه	۴	۱۱۲	العظام	۶	۴۸	العظام
		بقعه	۱۱	۱۱۷	عمیق ... شعائر	۴	۴۹	عمیق شعائر
		محمد رحیم	۲۰	۱۲۶	الطاف	۲۲	۵۰	الطائف
		عالم آراء	۱۴	۱۲۹	حویش	۱۶	۵۱	خویش
		هومن	۱۴	۱۳۰	العریبه	۴	۵۲	الغریبه
		ایزد گشپ	۷	۱۳۱	مداعبات	۶	۵۲	بلاعبات
		آقا کافور	۶	۱۳۹	خمایسی	۱۵	۵۶	هماسی
		یقینا	۲۲	۱۴۱	شفتی	۲۱	۵۶	سفتی
		لبنانی	۱	۱۴۲	۱۲۲۳	۱۳۲۳	۱	۵۷
		اگر این احتمال صحیح باشد زائد	۲	۱۴۲	دجیلی	۱۵	۵۹	اجیلی
		۱۰۳۰ - ۹۵۳	۱۹	۱۴۳	شیر	۱۶	۵۹	پیر
		شیرازی	۲۰	۱۴۴	۱۱۹۰	۱۱۹	۷	۶۰
		وارد	۱۹	۱۴۸	روایت	۱۲	۶۲	رویت
		نقه	۲۲	۱۵۲	عدو العلماء	۱۶	۶۸	عدو العلماء
					اشتمالش	۱۳	۶۹	اشتمائی

ص صحیح	ص س غلط
بسامره برود	۹ ۲۰۵ سامره بود
نسبت	۱۴ ۲۰۷ ثلث
عطار	۱۳ ۲۱۳ عطاء
صور	۱ ۲۱۸ صدرا
ابوطاهر	۹ ۲۱۸ ابوظاهر
پدر و شهید ..	۱۸ ۲۱۸ پدر شهید ..
میس	عیسی
۱۰۶۸	۱۶۰۸ ۲۰ ۲۱۸
گوید	۷ ۲۲۱ گویا
مشتغلین	۶ ۲۲۲ مستغلین
جرار	۹ ۲۲۳ جزاه
فارخوا	۲۰ ۲۲۴ مارخوا
مادر	۱۵ ۲۲۷ پدر و مادر
ضریحها	۴ ۲۳۵ ضریحها
۱۲۴۰	۱۲۳۰ ۷ ۲۳۵
پیشتر	۱۶ ۲۳۶ پیشتر
رویدشتی	۱۹ ۲۳۷ اویدشتی
اجازه : ۱۲۳۷	۴ ۲۴۱ اجازه :
۱۳۷۱	۱۲۷۱ ۱۱ ۲۴۵
زمانش	۱۳ ۲۴۵ زمانش
خلط	۱۱ ۲۴۷ خلط
جلای	۴ ۲۴۹ جدای
مراد	۱۹ ۲۴۹ راد
۲۱۷	۳۱۷ ۱۹ ۲۵۳
ذی الرأسین	۲۰ ۲۵۳ ذی الرأسین
فهم	۱۲ ۲۵۶ فهم
فقید	۷ ۲۵۷ فقیه
سراج	۱۸ ۲۵۷ سراج
احد	۱ ۲۶۰ احمد
مزاجه	۶ ۲۶۰ فرجاه
عابد	۱۰ ۲۶۳ معابد
زائد	۵ ۲۶۸ فرزند ... بود

ص صحیح	ص س غلط
ریحان الدین	۱۱ ۱۵۶ ریحان الله
ورنا مخواست	۱۰ ۱۵۸ ودرنامخواست
از این استاد	۳ ۱۶۱ از این
زنه	۴ ۱۶۴ زهره
قوی	۱ ۱۶۹ قوی
جزی	۴ ۱۷۲ خبری
التقی	۱۵ ۱۷۳ انقی
شیخ محمد تقی	۶ ۱۷۵ شیخ تقی
بمقصد	۲ ۱۷۸ بمقصد
شمل .. و بدوت	۸ ۱۷۸ مثل .. مددت
صبا به	۱۱ ۱۷۸ صیانه
الانام و طوره	۱۳ ۱۷۸ الامام و طوره
رمس	۱۴ ۱۷۸ رمس
ثالسجدوا جدنا	۱۵ ۱۷۸ سجدا واحد
تقری	۱۶ ۱۷۸ تعزی
اتی	۱۹ ۱۷۸ اتی فی
ظلام	۸ ۱۷۹ زلال
پیش	۱۷ ۱۷۹ پیش
برون	۲۲ ۱۷۹ بروید
نزدکس	۳ ۱۸۰ کس
خرابی	۱۰ ۱۸۰ خوابی
الکرام	۱۲ ۱۸۹ الکلام
در انساب	۲۰ ۱۹۰ و انساب
نه منی	۱۷ ۱۹۳ نرمنی
خلیلی	۱۲ ۱۹۴ خیلی
کتابخانهها	۲۲ ۱۹۴ کتابخانه
درباره آن	۳ ۱۹۶ درباره
مدرس	۱۷ ۱۹۹ مدرسی
سنگلی	۴ ۲۰۰ سنگاجی
شیرازی مدرس	۹ ۲۰۰ شیرازی مدرس
میرزای قمی	۱۲ ۲۰۴ میرزای دارای
دارای چندین	چند تن

ص	ص	ص
خوزانی	۳۳۲۳	خورزانی
محمد تقی	۴۳۲۴	محمد تقی
موسوی	۷۳۲۴	رضوی
مجیه	۱۵۳۲۵	مجته
۱۶	۲۶۱۱۳۲۶	
شعر	۴۳۲۷	شو
سیاست	۱۶۳۲۷	سلامت
باظل السلطان	۱۶۳۳۴	ظل السلطان
اوعلنا	۱۶۳۳۵	وعلنا
(۱۳۰۸ - ۱۲۴۸)	(۱۳) ۱۲۳۳۷	
مخلد	۱۸۳۳۷	مجلد
وملت	۳۳۴۵	وقلت
منکر	۲۰۳۴۵	منکر است
متمول	۹۵۴۳۴۶	منحول
کتاب	۱۱۳۴۶	کتاب
حاج شیخ	۱۳۳۴۷	شیخ حاج
حاضر بوده است	۲۰۳۵۱	است حاضر
هراسم	۱۶۳۵۵	مراسم
مدن	۱۳۵۶	بدن
آمادگی	۱۶۳۵۸	آماده
محمد تقی	۶۳۶۲	
موسوی	۱۲۳۶۵	رضوی
ناقور	۷۳۶۶	ماقور
کتاب	۱۰۳۶۷	کتاب
قبر خوانده شود نیز خوانده می شود	۲۱۳۶۸	
کتاب اولین	۱۵۳۷۳	کتاب
۱۲۷۶	۳۲۷۶	۱۹۳۷۳
فرائد	۶۳۷۵	قرائد
جمله	۷۳۷۸	جلد
۲۰۱	۲۰۳	۱۴۳۷۹
فصل و خاتمه	۲۱۳۸۱	و خاتمه

ص	ص	ص
۱۰۲۶۸	آن مرحوم	(آن مرحوم) (خادم)
		(الشریعه)
۶۲۶۹	فرزند	فرزند آقاسید علی
۷۲۷۰	خود محترم	خود
۵۲۷۲	خودش	حواشی
۸۲۸۲	شده	نشده
۳۲۸۴	حسینی آبادی	حسینی آبادی حسین آبادی
۵۲۸۸	سجستانی	بجستانی
۱۷۲۸۹	تلیقات	تلیقات
۳۲۹۲	ادیب ادیب	ادیب ادیب اریب
۵۲۹۲	خلق و علم	خلق و حلم
۲۲۹۳	ایشان	ایشان بود واو
۱۹۲۹۴	الهجو	الهجیع
۱۷۲۹۸	طوسی مطهر	طوسی صحن مطهر
۹۲۹۹	نام	نامه
۱۱۲۹۹	جدیده	عدیده
۱۲۳۰۲	است	او
۲۲۳۰۳	شهر	شهر مشهد
۱۸۳۰۴	ایاه	ایانا
۲۳۰۵	الکتابه	الکتابه
۲۲۳۰۵	مسبین	مسلمین
۵۳۰۷	شهر	شهر مشهد
۱۰۳۰۸	بایت	۱۴ صفر باشب
۱۱۳۰۸	رود	ورود
۶۳۱۳	۱۲۹۵	۱۲۳۵
۱۲۳۱۴	عامله	عالمه
۲۲۳۲۰	رفع بدعتها	رفع بدعتها
۷۳۲۱	بنام	نام
۹۳۲۲	کتابی	کتابی
۱۲۳۲۲	مساملی قلو اسکانی	مساملی قلو اسکانی
۱۲۵۳	۳۲۵۳	۱۲۳۲۲

ص س غلط	ص س غلط	صحیح
۱۲ ۴۶۸ مشہود است	۱۴ ۴۷۵ بنبدہ	اظہار داشته
۱۹۱۳ ۴۷۴ نجفیہ	۱۵ ۴۷۶ میزند کہ و	بخفیہ
۱۸ ۴۷۴ دامغان	۲ ۴۸۲ جبین	دامغان
۶ ۴۸۳ دالان کنار	۲۰ ۴۹۰ در آدمی	بہ بندہ
۲ ۴۸۹ در مقامیکہ	۲۳ ۴۹۰ تحصیلی	میزند و
۲۰ ۴۹۰ در آدمی	۱۵ ۴۹۴ طهران	جبین
۱ ۴۹۷ امر	۱۲ ۴۹۵ اربابی	دالان، کنار
۱۹ ۴۹۷ تمنیات	۱ ۴۹۷ امر	در هر مقامیکہ
۲۱ ۵۰۰ کاج	۱۰ ۵۰۶ اول در	آدمی
۲۵۰۲ واوراد	۲۲ و ۲۱ ۵۰۶ بیژنارک	تحصیل
۱۳ ۵۰۲ در کسب	۸ ۵۰۷ پاریس	طهران را داد
۱۵ ۵۰۲ روز بر	۷ ۵۰۸ التقی	اربابی کہ
۱۰ ۵۰۶ اول در	۱۴ ۵۰۸ تلزمی شد فرد	امر تدریس
۲۲ و ۲۱ ۵۰۶ بیژنارک	۲۰ ۵۰۸ ( باضافہ )	تعینات
۸ ۵۰۷ پاریس	۵ ۵۰۹ ممضی	کاج و اطراف آن
۷ ۵۰۸ التقی	۳ ۵۰۹ بنی فی	وخواندن اوراد
۱۴ ۵۰۸ تلزمی شد فرد	۱۷ ۵۱۰ قرار داد	و کسب
۲۰ ۵۰۸ ( باضافہ )	۲ ۵۱۱ یعنی	روز بروز بر
۵ ۵۰۹ ممضی	۱۱ ۵۱۲ کوہ	اول ختم در
۳ ۵۰۹ بنی فی		بیژنارک
۱۷ ۵۱۰ قرار داد		پاریس ( اصفہان )
۲ ۵۱۱ یعنی		التقی
۱۱ ۵۱۲ کوہ		فلزمی شد فرد
		( منها )
		ممضی
		نبی
		قرار داشت
		دینی
		کوہ

ص س غلط	ص س غلط	صحیح
۸ ۳۸۱ لخلیفہ	۱۱ ۳۹۳ قصد	بخلیفہ
۱۸ ۳۸۴ ہجیدہم	۱۰ ۳۹۵ احیاء	ہجیدہم
۱۰ ۳۸۵ ادعیہ	۱۱ ۳۹۵ ہرون الامام	ادعیہ کہ
۲ ۳۸۹ بود	۱۸ ۴۰۴ شدہ	بود
۱۱ ۳۹۳ قصد	۱۳ ۱۶ ۴۰۶ ( )	قصہ
۱۰ ۳۹۵ احیاء	۲۱ ۴۰۸ ہمراہان	احبار
۱۱ ۳۹۵ ہرون الامام	۳ ۴۱۲ این را	ہرون بن الامام
۱۸ ۴۰۴ شدہ	۱۸ ۴۱۴ بیمارگی	سدہ
۱۳ ۱۶ ۴۰۶ ( )	۱۷ ۴۱۹ لیدی	( ۱۴۰۱ )
۲۱ ۴۰۸ ہمراہان	۱۹ ۴۲۱ بادولت	ہمراہان نشان
۳ ۴۱۲ این را	۶ ۴۲۶ مسلخ	این خبر را
۱۸ ۴۱۴ بیمارگی	۲۰ ۴۲۶ زبان	بیمارگی
۱۷ ۴۱۹ لیدی	۱۲ ۴۳۳ نمیتواند	ایدی
۱۹ ۴۲۱ بادولت	۲۰ ۴۳۶ اردو وارد	دولت
۶ ۴۲۶ مسلخ	۵ ۴۴۰ فتاوی	سلخ
۲۰ ۴۲۶ زبان	۱۶ ۴۴۲ بنسب	زبان
۱۲ ۴۳۳ نمیتواند	۶ ۴۴۵ مجتہدین	نمیتواند
۲۰ ۴۳۶ اردو وارد	۳ ۴۴۶ آوردہ	ادوارد
۵ ۴۴۰ فتاوی	۱۷ ۴۴۹ خرم	فتوی
۱۶ ۴۴۲ بنسب	۱۰ ۴۵۱ چاپلوسی	سبب
۶ ۴۴۵ مجتہدین	۹ ۴۵۴ حجر	مجتہدین و مردم
۳ ۴۴۶ آوردہ	۴ ۴۶۱ وہمی	کردہ
۱۷ ۴۴۹ خرم	۶ ۴۶۱ علماء	حزم
۱۰ ۴۵۱ چاپلوسی	۱۰ ۴۶۱ انسانیت	چاپلوس
۹ ۴۵۴ حجر	۹ ۴۶۲ این	عجز
۴ ۴۶۱ وہمی	۷ ۴۶۳ چیز	وہنی
۶ ۴۶۱ علماء	۷ ۴۶۴ اسلام	و علماء
۱۰ ۴۶۱ انسانیت	۷ ۴۶۴ اسلام	اسلام
۹ ۴۶۲ این		دین
۷ ۴۶۳ چیز		چیز
۷ ۴۶۴ اسلام		اسلام در طول
		تاریخ





